@hpe24
کانال آموزش پزشکی

بسمه تعالی

پیشگفتار

پروردگارا ترا سپاس میگزاریم که عالم و آدم را از سر لطف سرشارت بیافریدی و به انسانها نعمت آگاهی و اراده بخشیدی و برای احترام به این نعمت بزرگت ***به قلم و آنچه که نگاشته میشود*** سوگند یاد کردی.

اکنون که در سایه الطاف الهی مقدمات برگزاری هفتمین همایش کشوری آموزش پزشکی فراهم شده، بر خود وظیفه میدانم که از تمامی همکاران ارجمندی که در ابعاد و مراحل مختلف شکل‌گیری، سیاستگزاری، برنامه‌ریزی و اجرای همایش، همراهمان بوده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری کرده و از درگاه کبریایی‌اش برای کلیه عزیزان اجر شایسته آرزو دارم.

دکتر ابوالقاسم امینی
دبیر کمیته علمی همایش
و
رئیس مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی تبریز

اعضاء شورای سیاستگزاری به ترتیب حروف الفبا

دکتر محمد اسماعیل اکبری	دکتر حسن حسینی تودشکی	دکتر بهرام عین‌اللهی
دکتر ابوالقاسم امینی	دکتر سید جلیل حسینی	دکتر رضا غفاری
دکتر محمد برزگر	دکتر اکبر درخشان	دکتر علی فخاری
دکتر نعمت بیلان	دکتر محمدرضا رشیدی	دکتر عبداله کریمی
دکتر مسعود پزشکیان	دکتر علی اکبر زینالو	دکتر حسین کشاورز
دکتر حمیدرضا جمشیدی	دکتر سید کامران سلطانی عربشاهی	دکتر رضا لباف قاسمی
دکتر احمدرضا جودتی	دکتر حسین سلمانزاده	دکتر محمود محمدی
دکتر طاهره چنگیز	دکتر فرهاد سمیعی	دکتر حسین ملک افضلی
دکترسوسن حسن زاده سلماسی	دکتر محمدرضا سیاهی	دکتر شهرام یزدانی
دکتر ولی ا... حسنی	دکتر محمدرضا صبری	دکتر علیرضا یوسفی

اعضاء کمیته اجرایی به ترتیب حروف الفبا:

دکتر حسن آقاجانی	دکتر سعید سقطی زاد	دکتر مریم غانم نیا
دکتر ابوالقاسم امینی	دکتر حسن سلامی	دکتر رضا غفاری
دکترسوسن حسن زاده سلماسی	آقای عزت سیاستی	دکتر علی فخاری
آقای حسین دانشور	دکتر شادی شیوا	دکتر مصطفی فرحبخش
دکتر سیاوش دستمالچی	آقای مهدی عبداللهی عدل انصاری	آقای بهروز فرهنگ بنام
خانم جمیله رستگارنیا	آقای ایوب عیوض زاده	آقای سیفعلی نصرتی

با تشکر و سپاس از

معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

ریاست محترم دانشگاه تبریز

روابط عمومی دانشگاه تبریز

و

کلیه همکاران محترم مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی تبریز، علی الخصوص

خانم پری ابوالقاسمی ناجی	*آقای غلامرضا مطمئن دادگر*	*خانم آمنه محمد پور*
آقای جعفر احمدزاده	*خانم فریبا سالک*	*آقای بابک محمدی نسب*
آقای علی احمدیان	*خانم حوریه سربازوطن*	*خانم رقیه محمودیان*
آقای یاسین انصاری	*آقای اکبر سلطان بیگی*	*آقای مجید مشارکش*
آقای بهروز تبریزی	*خانم سکینه عظیمی*	*خانم حمیده نوری اصل*
خانم رویا خوش‌اقبال	*خانم پریسا گل عنبر*	*آقایان قاسم واحد و کریم حیدری*

رئیس همایش: دکتر احمد رضا جودتی

دبیر همایش: دکتر نعمت بیلان

دبیر کمیته علمی همایش: دکتر ابوالقاسم امینی

دبیر کمیته اجرایی همایش: دکتر حسن زاده

اعضاء شورای علمی هفتمین همایش کشوری آموزش پزشکی

دکتر پیمان ادیبی	دکتر محمد حسین زرین تن	دکتر اسکندر فتحی آذر
دکتر فرخ سهیل ارشدی	دکتر وحید زمانزاده	دکتر علی فخاری
دکتر علی اکبر اعلم الهدی	دکتر علی اکبر زینالو	دکتر محمدرضا فرتوک زاده
دکتر محمد اسماعیل اکبری	دکتر حسن سلامی	دکتر محمدحسن کارگر ماهر
دکتر ابوالقاسم امینی	دکتر سید کامران سلطانی عربشاهی	دکتر محمد رحیم کدیور
دکتر محمد برزگر	دکتر حسین سلمان زاده	دکتر عبدا... کریمی
دکتر زینب بیابانگردی	دکتر فرهاد سمیعی	دکتر حسین کشاورز
دکتر نعمت بیلان	دکتر منیژه سیاح ملی	دکتر ابوالفتح لامعی
دکتر مسعود پزشکیان	دکتر علی اکبر سیاری	دکتر رضا لباف قاسمی
دکتر نصرت اله پورافکاری	دکتر ژیلا شجری	دکتر سلطانعلی محبوب
دکتر رضا پورعباس	دکتر بهزاد شمس	دکتر محمود محمدی
دکتر حمیدرضا جمشیدی	مهندس عبدالرضا شقاقی	دکتر ناصر محمدی
دکتر طاهره چنگیز	دکتر محمد رضا صبری	دکتر مرضیه معطری
دکتر علی حائری	دکتر مسیح صبوری	دکتر حسین ملک افضلی
دکتر سوسن حسن زاده سلماسی	دکتر کامران صداقت	دکتر موسوی نسب
دکتر حسن حسینی تودشکی	دکتر کتایون صدر	دکتر عظیم میرزا زاده
دکتر حسینی نسب	دکتر فریدون عزیزی	دکتر نیک روش
دکتر سید جلیل حسینی	دکتر نصرت اله ضرغامی	دکتر علیرضا نیک نیاز
دکتر جلال حنائی	دکتر مهستی علیزاده	دکتر رضا قلی وحیدی
دکتر اکبر درخشان	دکتر بهرام عین اللهی	خانم سوسن ولیزاده
دکتر محمد رضا رشیدی	دکتر مریم غانم نیا	دکتر شهرام یزدانی
دکتر منصور رضوی	دکتر رضا غفاری	دکتر علیرضا یوسفی

۱۳. بررسی نظرات دانشجویان پزشکی در مورد مرجع مناسب جهت حل مشکلات دوران تحصیل ۱۳۸۳ دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
دکتر بهزاد شمس ۸

۱٤. بررسی میزان دستیابی به حداقل های یادگیری در بخش چشم از دیدگاه کارورزان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ۱۳۸۲
دکتر فرزان کیان ارثی ۹

۱۵. استفاده از Log book به‌عنوان یک مداخله جهت اکسترنهای گروه چشم پزشکی مهر لغایت اسفند ۸۳
مریم آویژگان ۱۰

۱۶. بررسی عوامل موفقیت وبازدانده یادگیری بر مبنای مسئله (PBL) از دید دانشجویان کارشناسی ارشد پرستاری
عصمت نوحی ۱۰

۱۷. روشی نوین درآموزش CPR:"کارائی این روش برای ارتقاء سطح توانایی و دانش دانشجویان رشته پزشکی در زمینه احیای قلبی ریوی تا چه اندازه است؟
نوید امیدی فر ۱۱

۱۸. نگرش دانشجویان دندانپزشکی در رابطه با آموزش بر مبنای ویدئو در بخش ارتودنسی
دکترحسین عقیلی ۱۲

۱۹. تاثیر یادگیری بر اساس حل مسئله بر پرورش مهارتهای تفکر انتقادی بالینی دانشجویان پرستاری
فرشته آئین ۱۲

۲۰. بررسی دیدگاه کاراموزان جراحی درباره تاثیر درس مقدمات جراحی بالینی (ICS) در آمادگی آنها برای ورود به بخش های بالینی جراحی و یادگیری آنها تا پایان بخش
محمد دادگسترنیا ۱۳

۲۱. بررسی مقایسه ایی استفاده از دفترچه ثبت مهارتهای عملکردی و روش چک لیست در ارزیابی کارورزی بالینی دانشجویان مامایی در دانشکده پرستاری و مامایی حضرت زینب (س) لاهیجان سال ۱۳۸۳
نضال آژ ۱۳

۲۲. بررسی وضعیت ثبت پرونده های بیماران بستری در مراکز آموزشی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تبریز
دکتر منیژه سیاح ملی ۱٤

۲۳. بررسی مقایسه ای تاثیر روشهای آموزش سخنرانی و بحثی بر میزان یادگیری دانشجویان پرستاری در نیمسال دوم ۸۳- ۸٤
سیما لک دیزجی ۱٤

۲٤. بررسی میزان تاثیر کارگاه آموزشی در نحوه پرونده نویسی دانشجویان پزشکی مقطع کارورزی دانشکده های پزشکی آزاد و دولتی اردبیل
سوسن فرخی ۱۵

۲۵. بررسی نظرات شرکت کنندگان کارگاه های برگزار شده در دانشگاه علوم پزشکی کاشان
محسن میری ۱۵

۲۶. مراکز مهارتهای بالینی در دانشگاهها و دانشکده های علوم پزشکی کشور در سال ۱۳۸٤
دکتر رضا لباف قاسمی ۱۶

فهرست مندرجات ═══ **صفحه**

توجه : این فهرست بر اساس موضوعات و اسامی نفرات اول مقالات تنظیم شده است، برای پیدا کردن اسامی سایر نویسندگان به نمایه فصل آخر مراجعه شود.

فصل ۱: روشهای آموزش بالینی

۱. سمیولوژی به شیوه آموزش دوره ای یک تغییر در شیوه آموزش
دکتر منصوره مومن هروی ۱

۲. بررسی تاثیر مباحثه گروهی مداخله گر در بین پزشکان برای ترویج تجویز منطقی داروها
دکترعلیرضا گرجانی ۱

۳. ارزیابی کارآیی یک کارگاه آموزشی گزارش صبحگاهی مبتنی بر شواهد جهت متخصصین داخلی دانشگاه علوم پزشکی ارتش
دکتر همایون واحدی ۲

٤. بررسی تأثیر آموزش مهارتهای ارتباط بین فردی به کارکنان بهداشت خانواده بر اساس مدل بزنف بر بهبود وزن کودکان ۱۲-٤ ماهه شهرستان گچساران ۱۳۸۳
فریبا محامد ۳

۵. آموزش کارکنان نظام سلامت و اجرای مراقبت های مدیریت شده می تواند سبب کاهش زایمان به روش سزارین گردد
دکتر رضا نیک اندیش ۳

۶. مقایسه تاثیر آموزش ویدئویی با نمایش بر میزان یادگیری مهارتهای عملی دانشجویان
حسین کریمی مونقی ٤

۷. تاثیر آموزش مهارتهای بالینی مورد نیاز در گذاشتن چست تیوب و انجام کاتدان بر میزان صلاحیت بالینی کارورزان دانشگاه علوم پزشکی تبریز سال ۱۳۸۳
دکتر ناصر صفایی ۵

۸. بررسی میزان تاثیر آموزش معاینات فیزیکی در بخش مهارتهای بالینی در توانمندی دانشجویان پزشکی تبریز درسال ۱۳۸۳
دکتر رضا غفاری ۵

۹. تأثیر آموزش مهارتهای بالینی در مورد احیاء قلبی ریوی پایه و زدن بخیه در دانشجویان دندانپزشکی در سال ۱۳۸۳
دکتر سوسن حسن‌زاده سلماسی ۶

۱۰. تعیین نیازهای آموزشی دانشجویان دندانپزشکی در مورد انجام مهارتهای عملی در سال ۱۳۸۳
دکتر ابوالقاسم امینی ۶

۱۱. گزارش تکمیل log book در بخش ENT کارآموزان دانشکده پزشکی اصفهان نیمه دوم سال ۱۳۸۳
دکتر محمد گرک یراقی ۷

۱۲. بررسی نگرش کارورزان در مورد آموزش دستیاران به آنها بیمارستانهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ۱۳۸۳
دکترمحمد گرک یراقی ۷

۲۷. بررسی نظرات اعضای هیأت علمی شرکت کننده در کارگاههای آموزشی برگزار شده از طرف دانشگاه علوم پزشکی مازندران – ۸۳
لاله فانی صابری ۱۷

۲۸. بررسی مقایسه ای وضعیت آموزشی ایمپلنت های دندانی دانشجویان دوره عمومی دندانپزشکی در ایران با اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا
دکتر رضا پورعباس ۱۷

۲۹. بررسی تأثیر استاندارد سازی شیوهٔ آموزشی و ارزیابی در ارتقاء سطح یادگیری مهارتهای بالینی ویژهٔ بخش زنان در دانشجویان دورهٔ کار آموزی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، در سال ۱۳۸۲
دکتر شعله شاه‌غیبی ۱۸

۳۰. مقایسه آموزش بر مبنای تظاهرات بالینی و آموزش بالینی متداول
باقر لاریجانی ۱۹

۳۱. بررسی تاثیر آموزش مراقبت از خود بر آگاهی و عملکرد بیماران مبتلا به نارسایی احتقانی قلب و ارائه الگوی آموزشی در بیمارستانهای وابسته به دانشگاه علوم پزشکی شهر کرمان
پروین منگلیان شهر بابکی ۱۹

۳۲. بررسی وضعیت آموزشی مهارتهای عملی به دانشجویان پزشکی ساری، شهریور۱۳۸۳
کوروش وحید شاهی ۲۰

۳۳. بررسی نگرش دانشجویان رشته پزشکی دانشگاه شهید صدوقی یزد نسبت به روانپزشکی
دکتر سید سعید مظلومی ۲۱

۳٤. مقایسه دیدگاه اساتید، رزیدنتها و دانشجویان پزشکی در خصوص کیفیت گزارش صبحگاهی در دانشگاه علوم پزشکی اهواز
پوراندخت افشاری ۲۱

۳۵. مقایسه نظرات اساتید و دانشجویان در خصوص کیفیت برگزاری راند در دانشگاه علوم پزشکی اهواز
سیمین صادقی ۲۲

۳۶. بررسی تأثیر آموزش پرستاران به روش بحث گروهی بر کیفیت مراقبت پرستاری بیماران مبتلا به انفارکتوس میوکارد
مهدی صفری ۲۲

۳۷. بررسی موانع کسب مهارتهای بالینی پزشکان عمومی
شهلا پیامنی ۲۳

۳۸. ارزیابی تاثیر کارگاه آموزشی بر عملکرد اساتید در زمینه ارزشیابی دانشجو و تهیه آزمون
مرضیه مؤمن نسب ۲٤

۳۹. دیدگاه های دانشجویان پزشکی درباره وضعیت برنامه های آموزش بالینی در دانشگاد علوم پزشکی لرستان
مرضیه مؤمن نسب ۲٤

٤۰. آموزش طرح مسئله و تأثیر آن بر یادگیری بالینی دانشجویان
سیما مقدسیان ۲۵

٤١. بررسی تاثیر آموزش بر میزان آگاهی و مهارت دانشجویان مامایی در خصوص احیاء نوزاد
حسین ابراهیمی ۲۵

٤٢. استفاده از روش خود آموزی گروهی مبتنی بر حل مسئله و ارزشیابی آن در گروهی از دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان
دکتر مینو یغمایی ۲۶

٤٣. بررسی تأثیر آموزش در مرکز مهارتهای بالینی بر آگاهی احیا قلبی ریوی پزشکان و پرستاران شاغل درمراکز آموزشی درمانی دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال ۱۳۸۳
دکتر حسین خوشرنگ ۲۶

٤٤. آموزش دستگاه تنفس و تحلیل ارزشیابی آن‌در دانشجویان اولین دوره اصلاحات آموزش پزشکی
دکتر نیر رسائیان ۲۷

٤٥. تأثیر مطلوب یادگیری به روش حل مسأله در مقایسه با تدریس سنتی در درس آنانومی دانشجویان سال اول پزشکی
امیر افشین خاکی ۲۸

٤٦. اثر بخشی کاربرد روشهای تدریس و یادگیری تعاملی در فرایند های آموزشی
دکتر حامد مرتضوی ۲۸

٤٧. تکلیف شب یا حقوق دوجانبه
دکتر نعمت بیلان ۲۹

٤٨. بررسی تاثیر آموزش به روش کار گروهی بر مهارت محاسبات ریاضی دارویی مورد نیاز در آموزش بالینی در دانشجویان پرستاری
طاهره سلیمی ۲۹

٤٩. بررسی نظرات فارغ التحصیلان پزشکی نسبت به آموزش جامعه نگری در دوران تحصیل شیراز ۲۰۰۲
صدیقه نجفی پور ۳۰

٥٠. بررسی تاثیر آموزش مهارت معاینه دیلاتاسیون و افاسمان و زایمان طبیعی در کارگاه مهارتهای بالینی درعملکرد انترن ها در بخش های زنان و مامایی
دکتر فرناز صحاف ۳۱

٥١. از ژورنال کلاب آموزش پزشکی چه انتظاراتی داریم؟ دیدگاه شرکت کنندگان
دکتر نیکو یمانی ۳۱

٥٢. آموزش بالینی اثربخش از دیدگاه کارورزان دانشکده پزشکی
دکتر حمیداله بهادر ۳۲

٥٣. Postgraduate Family Medicine Training Current Changes And Challenges
Hakan Yaman ۳۳

فصل ۲: مدیریت و برنامه ریزی آموزش بالینی

۵٤. بررسی انواع برنامه های بهسازی نیروی انسانی دفاتر پرستاری بیمارستانهای دانشگاههای علوم پزشکی تهران و مقایسه آنها با استانداردهای آموزشی بیمارستانها
شکوه ورعی ۳٤

۵۵. Service learning روشی برای ارائهٔ «خدمت ضمنِ یادگیری» در آموزش پرستاری جامعه نگر
پروانه خراسانی ۳٤

۵۶. روشهای مدیریت کیفیت در برخی از دانشکده‌های پزشکی جهان
دکتر زهره سهرابی ۳۵

۵۷. بررسی یک راهکار مدیریتی بر کیفیت راند سوپروایزری بالینی با تکیه بر مدیریت زمان
مینا بزرگزاد ۳۶

۵۸. بررسی تاثیر کارگاههای آموزشی طرح درس در طراحی و کاربرد سطوح حیطه شناختی
حسین کریمی ۳۶

۵۹. بررسی شیوع مسائل اخلاقی در طبابت بالینی برای تعیین محتوای آموزشی درس اخلاق پزشکی
فریبا اصغری ۳۷

۶۰. بررسی استانداردهای بین المللی برنامه ریزی آموزشی و ارزشیابی بالینی و بیان و مقایسه دیدگاه های اساتید و دانشجویان در این خصوص
روشنک حسن زهرایی ۳۸

۶۱. توسعه نقشهای مراکز توسعه آموزش در جهت رهبری تغییر یک نیاز اساسی
دکتر شهرام یزدانی ۳۹

۶۲. تدوین استانداردهای ملی برنامه آموزش پزشکی عمومی
دکتر فخرالسادات حسینی..... ۳۹

۶۳. بررسی نظرات دانشجویان ترم آخر پرستاری در مورد شیوه نوین مدیریت کارآموزی در عرصه بهداشت
مهین برادران رضایی ۳۹

۶٤. مهمترین عوامل تأثیر گذار بر برنامه ریزی آموزشی و دانشجو از دیدگاه دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی ـ درمانی تبریز
فرحناز عبدالله زاده ٤۰

۶۵. بررسی نظرات اعضاءِ هیأت علمی در اداره گروههای آموزشی در دانشکده پزشکی شهید بهشتی تهران، سال ۱۳۸۲
دکتر حبیب ا... پیروی ٤۱

۶۶. بررسی تأثیر آموزش ضمن خدمت مدیران پرستاری برسبک رهبری آنان از دیدگاه خودشان و پرستاران
مریم زعیمی پور کرمانشاهی ٤۲

۶۷. عوامل موثر در تغییر برنامه آموزشی موجود به PBL
شایسته حاجی زاده ۴۳

۶۸. بررسی ویژگی های مدیریت تدریس اعضاء هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد
حسین هادی ندوشن ۴۳

۶۹. دانشجویان پزشکی دوره بالینی بخش کودکان چه دروسی را باید آموزش ببینند؟
دکتر محمدرضا دهقانی ۴۴

۷۰. بررسی آگاهی و نگرش هیئت علمی در مورد برنامه ریزی و طراحی درس در دانشگاه علوم پزشکی همدان در سال ۱۳۸۳
شهره امدادی ۴۴

۷۱. تدوین حداقل های یادگیری دوره اینترنی پزشکی در اورژانس های داخلی و جراحی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
دکتر سید محمد امیرشاه کرمی ۴۵

فصل ۳: ارزیابی دانشجو و آزمون

۷۲. بررسی وضعیت تحصیلی فارغ التحصیلان دانشگاه علوم پزشکی مازندران طی سالهای (۱۳۸۲-۱۳۶۷)
منصور رنجبر ۴۷

۷۳. خود سنجی مهارت بالینی فارغ التحصیلان پرستاری در بدو اشتغال بکار
فرحناز فرنیا ۴۷

۷۴. ارزیابی نحوه یادگیری مهارتهای اساسی بالینی پرسنل مامایی دانشگاه علوم پزشکی یزد
مریم دافعی ۴۸

۷۵. بررسی آمادگی رزیدنتهای جدیدالورود دانشگاه علوم پزشکی تبریز در مورد انجام مهارتهای عملی مختلف برروی بیمار در سال ۸۳
دکتر ابوالقاسم امینی ۴۹

۷۶. بررسی رضایتمندی کاراموزان و کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمان از ارزشیابی به روش (OSCE)
دکتر زهرا جلیلی ۴۹

۷۷. بررسی مهارتهای تفکرانتقادی مدرسین در استفاده از شیوه های ارزشیابی دانشجویان در دانشکده علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی تهران- ۱۳۸۳
شیدا جلالی ۵۰

۷۸. بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد کارورزان پزشکی نسبت به رابطه پزشک – بیمار
دکتر ندا دولتخواه ۵۱

۷۹. بررسی دیدگاه اساتید بالینی درباره تاثیر ارائه فیدبک به اساتید طراح سوالات و تهیه بانک سوال شخصی برای اساتید بر بهبود کیفیت ازمونها
وجیهه غلامی ۵۲

۸۰ . مقایسه دوروش ارزشیابی حیطه عاطفی دانشجویان کارورز پرستاری در مراکز آموزشی‌درمانی‌شهررشت۱۳۸٤
مینو میترا چهرزاد ۵۲

۸۱ . آزمون CRP: ابزاری برای ارزیابی استدلال بالینی در دانشجویان مقدمات پزشکی بالینی
علیرضا منجمی ۵۳

۸۲ . بررسی شیوه ارزشیابی دانشجویان توسط اساتید در محیط های بالینی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز
احمد فخری ۵۳

۸۳ . ارزیابی انترنهای بیمارستان امام خمینی از کیفیت درس اخلاق پزشکی
فریبا اصغری ٥٤

۸٤ . بررسی تأثیر کارگاههای آموزشی روش تدریس در میزان به کارگیری مهارتهای طرح سئوال در بین اساتید دانشگاه علوم پزشکی اراک
لادن سالمی ٥٤

۸۵ . بررسی نگرش اساتید و دانشجویان مقطع بالینی دانشکده پزشکی ساری نسبت به آزمونهای بالینی در سال تحصیلی ۸۳-۸۲
مهرنوش کوثریان ۵۵

۸۶ . بررسی روند نحوه انتخاب ضریب اطمینان در آزمونهای مبتنی بر اعتماد در دانشجویان پزشکی
دکتر بهزاد قاسمی ۵۶

۸۷. ارزیابی‌میزان‌اثربخشی‌کارعملی دانشجویان مامائی در بخشهای مختلف
پوراندخت افشاری ۵۶

۸۸ . میزان دستیابی کارورزهای دانشگاه علوم پزشکی به اهداف آموزشی بخش اطفال از دیدگاه خودشان در سال ۸۲-۸۱
دکتر آراز قورچایی ۵۷

۸۹ . بررسی میزان مهارت دانشجویان سال آخر رشته پرستاری در ارزیابی سلامت بیماران بستری در بیمارستان‌های آموزشی یکی از دانشگاه های علوم پزشکی کشور در سال ۱۳۸۳
حسین مدنی ۵۷

۹۰. بررسی مشکلات مربیان هنگام ارزشیابی بالینی دانشجویان رشته پرستاری دانشکده علوم پزشکی شاهرود
حسین ابراهیمی ۵۸

۹۱. بررسی توانمندی لوله گذاری متخصصین اطفال تازه فارغ التحصیل شده
دکتر نعمت بیلان ۵۸

۹۲. بررسی مهارتهای ارتباطی دستیاران تخصصی دندانپزشکی در بخش‌های بالینی و تاثیر آن بر رضایتمندی بیماران
مهری یاوری ۵۹

۹۳. بررسی عوامل موثر در پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زاهدان
دکتر مسعود رودباری ۵۹

۹٤. عوامل موثر بر آزمون جامع پیش کارورزی دانشکده های پزشکی ایرن بر اساس اطلا عات موجود در بانک اطلاعات و رتبه بندی دانشکده های پزشکی ایران
قاسم میش مست نهی ۶۰

۹۵. مهارتهای تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سمنان
حسن بابامحمدی ۶۱

۹۶. بررسی میزان آگاهی کاورزان دانشگاه علوم پزشکی تهران از مهارت های ارتباطی آنان در محیط بالینی(مطالعه کمی)
دکتر علی اکبرزینالو ۶۲

۹۷. ارزشیابی تأثیر آموزش واحد درسی"جمعیت و تنظیم خانواده" بر آگاهی و نگرش دانشجویان دانشکده مهندسی برق دانشگاه یزد. ۸۳
دکتر فروغ شفیعی ۶۲

۹۸. تأثیر آموزش بر اعضاء هیأت علمی درطرح سئوالات چند گزینه ای (MCQ) از نظر اعتبار صوری (Face validity) و اعتبار محتوائی (content validity)
دکتر علی فتاحی بافقی ۶۳

۹۹. بررسی دانش، نگرش و عملکرد تغذیه ای کارورزان دانشگاه علوم پزشکی کرمان
دکتر حسین صافی زاده ۶٤

۱۰۰. ارزیابی براساس اطمینان رویکردی تکمیل کننده در آزمون های چند گزینه ای
دکتر محمود قادرمرزی ۶٤

۱۰۱. نظر کارورزان پزشکی در مورد روشهای آزمون در بخشهای بالینی
دکتر علی فخاری ۶۵

۱۰۲. بررسی وضعیت ارزشیابی تحصیلی دانشجویان از دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی کردستان
دکتر بهزاد قاسمی ۶۵

۱۰۳. بررسی سبک یادگیری دانشجویان
دکتر سید اصغر رسولی نژا د ۶۶

۱۰٤. بررسی میزان دستیابی به حداقلهای ضروری یادگیری از دیدگاه دانشجویان مامایی دانشکده پرستاری و مامایی اصفهان
سهیلا احسانپور ۶۷

۱۰۵. تحلیل چند متغیره فاکتورهای مؤثر بر سنجش پایایی آزمون‌های معلم ساخته
دکتر زهراسادات مشکانی ۶۷

۱۰۶. بررسی میزان توانمندی مهارتهای عملی و نگرشی دانشجویان پزشکی سال ششم دانشگاه علوم پزشکی شیراز و مقایسه آن با نمره امتحان کتبی پیش‌کارورزی ایشان در سال ۱۳۸۳
دکتر مهوش علیزاده نائینی ۶۸

فصل ٤: ارزشیابی و اعتبار بخشی بالینی

۱۰۷. بررسی تاثیرتفاوت نمرات ارزشیابی ارائه شده توسط دانشجویان و مسئولین بر نمره کل ارزشیابی اعضای هیئت علمی در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد - ۱۳۸۳
دکتر معصومه معزی ۶۹

۱۰۸. بررسی مقایسه ای عوامل مرتبط با آموزش بالینی اثر بخش از دیدگاه اساتید و دانشجویان
گیتی آتش سخن ۷۰

۱۰۹. بررسی وضعیت آموزشی کارکنان درمانی شاغل در بیمارستانهای دولتی و نیمه دولتی شهر بندرعباس سال ۸۳
صغری فلاحی ۷۰

۱۱۰. تحلیل سئوالات فیزیوپاتولوژی در دانشکده علوم پزشکی در سال ۱۳۸۳
فهیمه مجیدی ۷۱

۱۱۱. ارزیابی درون گروهی بخش پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی سمنان در سال ۱۳۸۱
اکرم شهبازی ۷۲

۱۱۲. بررسی نقاط قوت و ضعف آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامائی دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد در سال ۸۳
معصومه دل آرام ۷۲

۱۱۳. بررسی خصوصیات مدرس بالینی اثربخش از دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد
اعظم علوی ۷۳

۱۱٤. ارزشیابی آموزشی درپانزده گروه آموزشی علوم بالینی و پایه در دانشگاه علوم پزشکی تهران
دکتر فرشته فرزیان پور ۷۳

۱۱۵. ارزیابی وضعیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامایی دانشکده علوم پزشکی گناباد
فاطمه هادیزاده طلاساز ۷٤

۱۱۶. بررسی نظرات اساتید دانشگاه علوم پزشکی زاهدان نسبت به ارزشیابی استاد
علی نویدیان ۷٤

۱۱۷. ارزیابی سوالات امتحانات فیزیوپاتولوژی و بالینی رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بابل در سال تحصیلی ۸۳-۸۲
منیره پروانه ۷۵

۱۱۸. بررسی ارتباط بین موفقیت دانشجویان پزشکی در امتحانات و نتیجه ارزشیابی اعضاء هیئت علمی توسط ایشان
دکتر عبدالعلی ابراهیمی ۷۵

۱۱۹. ارزیابی آموزشی گروه مدارک پزشکی
کبری علی گلبندی ۷۶

۱۲۰. بررسی میزان رضایتمندی کارورزان از کارگاههای آموزش مهارتهای بالینی برگزار شده درمرکز مهارتهای بالینی دانشگاه علوم پزشکی کاشان
دکترمنصوره مومن هروی ۷۶

۱۲۱. اعتبار بخشی فرآیندی جهت ارزشیابی و ارتقای کیفیت برنامه های آموزش مامایی در دنیا
فرانک صفدری ده چشمه ۷۷

۱۲۲. بررسی مشکلات آموزش بالینی از نظر دانشجویان سال آخر مامایی ذانشگاه علوم پزشکی بابل
شبنم امیدوار ۷۷

۱۲۳. تاثیر ارتقاء سیستم ارزشیابی در حیطه آموزش بالینی بر رضایت دانشجویان پرستاری و مامایی کاشان سال ۱۳۸۳
اعظم باقری ۷۸

۱۲٤. بررسی برنامه آموزش پزشکی‌از دیدگاه فارغ التحصیلان و کارورزان رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل
حسن عدالتخواه ۷۹

۱۲۵. استانداردها ابزاری برای اعتباربخشی آموزش بالینی در مامایی
فرانک صفدری ده‌چشمه ۸۰

۱۲۶. اعتبار بخشی برنامه های آموزش پزشکی عمومی
دکترصالح صالحی ۸۰

۱۲۷. بررسی دو روش ارزشیابی دانشجویان در بخش ارتودنسی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد
دکترحسین عقیلی ۸۱

۱۲۸. کیفیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پزشکی مقطع بالینی دانشگاه علوم پزشکی ایران
طیبه فصیحی هرندی ۸۲

۱۲۹. ماهیت، فرایندو بازخورد ارزشیابی استاد: دیدگاه اعضای هیأت علمی
مینا توتونچی ۸۲

۱۳۰. تدوین استانداردهای اعتباربخشی دانشگاههای علوم پزشکی کشور
دکتر علی رضا یوسفی ۸۳

۱۳۱. مقایسه تأثیر دو الگوی آموزشی معلم مدار و فرد مدار بر میزان یادگیری مهارتهای دانشجویان پرستاری
مینو میترا چهرزاد ۸۳

۱۳۲. بررسی میزان آشنائی اعضای هیئت علمی با روشهای نوین آموزش پزشکی و وسایل سمعی وبصری و رایانه در دانشگاه علوم پزشکی گلستان – ۱۳۸۳
دکتر محمدرضا یوسفی ۸٤

۱۳۳. ارزیابی اثربخشی آموزش بالینی داخلی – جراحی از دیدگاه دانش آموختگان جدید پرستاری
خدیجه نصیریانی ۸۵

۱۳٤. بررسی نظرات اساتید ودانشجویان درمورد فرم ارزشیابی اساتید علوم پایه توسط دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان- ۸٤
فرزانه صابری ۸۶

۱۳۵. بررسی موانع اثر بخشی کاربالینی
حسین کمیلی ثانی ۸۶

۱۳۶. بکارگیری روش TQM در طراحی و ارتقاء فرایند ارزشیابی توسط دانشجویان
حسین اکبری ۸۷

۱۳۷. بررسی تأثیر کارگاه طبابت مبتنی بر مستندات بر نگرش و مهارت اعضاء هیئت علمی آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور ۸٤
دکتر جلیل کوهپایه زاده ۸۷

۱۳۸. مقایسه نظرات اساتید و دانشجویان در ارتباط با ارزشیابی استاد
پوراندخت اسداللهی ۸۸

۱۳۹. بررسی نظرات دانشجویان ترم آخر و مدرسین گروه بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی‌قزوین‌در مورد محتوی برنامه آموزشی مقطع کاردانی رشته بهداشت محیط
سید مسعود حسینی ۸۸

۱٤۰. ارزیابی درونی گروه جراحی دانشکده علوم پزشکی جهرم
عبدالعلی سپید کار ۸۹

۱٤۱. تهیه ابزارارزشیابی جدید مربیان بالینی پرستاری و مامایی از دیدگاه دانشجویان در دانشکده پرستاری و مامایی کردستان سال ۸۳
شهناز خالدی ۸۹

۱٤۲. بررسی نظرات دانش آموختگان دوره کارشناسی پرستاری درخصوص محتوی برنامه‌آموزش پرستاری مقطع کارشناسی پیوسته پرستاری
مهدی جعفرزاده فخاری ۹۰

۱٤۳. بررسی نظرات دانشجویان و مربیان پرستاری در مورد OSPE و روش معمول ارزشیابی بالینی
زهرا تذکری ۹۱

۱٤٤. طراحی الگوی مناسب جهت ارزیابی درونی بخشهای بالینی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل به منظورارتقای کیفیت آموزشی
سوسن فرخی ۹۱

۱٤٥. ارزشیابی دانشجویان از کیفیت مشاوره اساتید
سیده عذرا شمس دین ۹۲

۱٤٦. مقایسه برنامه آموزش پرستاری با رویکرد جامعه نگر در ایران و دانشکده های پرستاری آمریکا
محسن حجت ۹۲

۱٤۷. بخش از دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران در سال ۱۳۸۳
کبری عابدیان کاسگری ۹۳

۱٤۸. بررسی تاثیر فعالیتهای آموزشی کمیته ی تجویز و مصرف منطقی داروی استان اردبیل ازمهر ۱۳۷۸تا شهریور۱۳۸۳بر شاخص های نسخه نویسی پزشکان عمومی استان
موسی الرضامعماری ۹۳

۱٤۹. وضعیت کارآموزی در عرصه از دیدگاه دانشجویان ترم آخر رشته های اتاق عمل و هوشبری
اکبر رستمی نژاد ۹٤

۱٥۰. تدوین شاخص‌های سنجش کارایی درونی در حوزه آموزش بالینی در دانشگاه‌های علوم پزشکی
میترا دادمان ۹٤

۱۵۱. کاستی های آموزش بالینی درپرستاری ازدیدگاه دانشجویان پرستاری
شهلا پیامنی ۹۶

۱۵۲. افزایش اثر بخشی آموزش از طریق یادگیری مشارکتی در مقایسه با یادگیری انفرادی
مژگان بهشید ۹۶

۱۵۳. بررسی روشهای ارزشیابی بالینی توسط اساتید دانشکده پرستاری مامایی کاشان، سال ۱۳۸٤
میترا زندی ۹۷

۱۵٤. مشکلات آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان ترم آخر کارشناسی مامایی دانشکده پرستاری و مامایی تبریز در سال ۱۳۸٤
شیرین حسن‌پور ۹۸

۱۵۵. بررسی نقش بالینی مدرسان پرستاری در ایران: یک مطالعه تری‌انگولیشن
دکتر وحید زمان‌زاده ۹۸

۱۵۶. وضعیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامایی
لیلی شهبازی ۹۹

۱۵۷. ارزشیابی فعالیتهای آموزشی، پژوهشی اعضاء هیات علمی دانشکده پزشکی تبریز درسال۸۲
دکتر رامین مصری ۱۰۰

۱۵۸. ارزشیابی برنامه های آموزش مداوم طب کاربرگزار شده در دانشگاه علوم پزشکی تهران‌از دیدگاه شرکت کنندگان
دکتر غلامحسین فلاحی ۱۰۰

۱۵۹. اصلاح فرم نظر خواهی تدریس نظری از دیدگاه اساتید و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بابل
دکترامراله مصطفی زاده ۱۰۱

۱۶۰. مقایسه ارزیابی کیفیت آموزشی اتندینگ جراحی از نظر رزیدنتها با خودازمایی اتندینگ
نوید امیدی فر ۱۰۱

۱۶۱. ارزشیابی برنامه های آمرزشی دوره کارآموزی دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تبریز از دیدگاه مربیان و دانشجویان
دکتررضا قلی وحیدی ۱۰۲

۱۶۲. بررسی تاثیر مدل آموزش بر مبنای طرح مسئله در اثر بخشی کارآموزی رژیم درمانی دانشجویان علوم تغذیه در مقایسه با روش سنتی آموزش
مهندس محمدرضا نریمانی ۱۰۲

۱۶۳. پدیدار شناسی مدرّس بالینی کارآمد
محمد حسن صاحبی‌حق ۱۰۳

۱۶٤. دینامیک گروهی اعضا گروه بیماریهای داخلی دانشگاه علوم پزشکی کرمان جهت مقایسه نظرات دانشجویان و اساتید و یافتن عوامل موثر در الگو شدن مدرسین
دکتر علی اکبر حقدوست ۱۰٤

۱۶۵. بررسی عوامل مؤثر بر ارتقا کیفیت آموزش بالینی مامایی از دیدگاه دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۸۳
زهره علیزاده دیبازری ۱۰۵

۱۶۶. به کارگیری روش نوین ارزشیابی بارس گامی در جهت ارتقا کیفیت آموزش بالینی
راضیه امینی ۱۰۵

۱۶۷. بررسی مشکلات آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری فسا در سال۸۳-۸٤
محمد حسین خادمیان ۱۰۶

۱۶۸. بررسی نظرات دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز نسبت به عملکرد آموزش اساتید بخش زنان و زایمان در نیمسال تحصیلی ۸٤-۸۳
طیبه مرعشی ۱۰۷

۱۶۹. بررسی دیدگاه اساتید و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند نسبت به ارزشیابی استاد توسط دانشجو
دکتر مسعود ضیائی ۱۰۷

۱۷۰. بررسی میزان انطباق دانشکده پزشکی سمنان با استانداردهای فدراسیون جهانی آموزش پزشکی
معصومه صابریان ۱۰۸

۱۷۱. ارزشیابی بازاندیشی مربیان دانشکده پرستاری مامایی شیراز
دکتر مرضیه معطری ۱۰۹

۱۷۲. بررسی یک استاد خوب از دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه
علیرضا احتسابی ۱۱۰

۱۷۳. بررسی میزان رضایت دانشجویان کارآموز وکارورز از نحوه آموزش بالینی اساتید مراکز آموزشی درمانی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه
رحیم بقایی ۱۱۰

۱۷٤. بررسی وضعیت آموزش بالینی در مقطع کارورزی در بیمارستان آموزشی درمانی دکتر شریعتی فسا
دکتر مسعود حسین زاده ۱۱۱

۱۷۵. بررسی میزان صلاحیتهای بالینی پرستاران تازه‌کار
نسرین جعفری گلستان ۱۱۱

۱۷۶. وضعیت آموزش مهارتهای بالینی پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی بیرجند از دیدگاه دانشجویان
دکتر طوبی کاظمی ۱۱۲

۱۷۷. ارزیابی یک ارزیابی: آیا اجرای ارزیابی درونی درگروههای آموزشی منجر به تغییرات مطلوب در روند آموزش گردیده است؟
عبدالحسین شکورنیا ۱۱۳

۱۷۸. بررسی نظرات اعضاء هیئت علمی بالینی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد از فرم ارزشیابی و ارائه راهکارهای جدید
حسین کریمی ۱۱۳

۱۷۹. بررسی مشکلات آموزش بالینی و ارائه راه حل ها از دیدگاه دانشجویان پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی مازندران در ۸۳-۸۲
طاهره یعقوبی ۱۱٤

۱۸۰. بررسی مشکلات آموزش بالینی و ارائه راه حل ها از دیدگاه دانشجویان پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۸۳-۸۲
طاهره یعقوبی ۱۱۵

۱۸۱.مقایسه مشکلات آموزش بالینی از دیدگاه مربیان و دانشجویان سال چهارم پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایران
معصومه فرج الهی. ۱۱۶

۱۸۲. خصوصیات استاد ایده‌ال از دیدگاه دانشجویان پرستاری
فاطمه سالمه ۱۱۶

۱۸۳. بررسی میزان اجرای طرح درس از نظر دانشجویان دانشکده‌های پیراپزشکی و پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی کاشان
مهرداد مهدیان ۱۱۷

۱۸٤. تبیین روش جامع نگر و مبتنی بر مدارک مستند جهت رتبه بندی اعضای هیئت علمی بالینی دانشگاه علوم پزشکی اراک در سال ۸٤
دکتر منیژه کهبازی ۱۱۷

۱۸۵. بررسی نظرات دانشجویان پرستاری و مامایی در مورد مشکلات آموزشی در بیمارستان الزهرا تبریز
سارا عباسعلیزاده ۱۱۸

۱۸۶. بررسی ارتباط شیوه‌های آموزش درمان سرپایی با اثربخشی آموزش در کارورزان پزشکی
دکتر محمدحسین رضایی فرد ۱۱۹

۱۸۷. سنجش عملکرد اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی کاشان بر اساس الگوی معادل سازی
دکتر اسماعیل فخاریان ۱۱۹

۱۸۸. EVALUATION OF MEDICAL EDUCATION BY GRADUATES

M‹Kemal Alimoglul ..... ۱۲۰ .

فصل ۵: روشهای پژوهش و نیاز سنجی بالینی

۱۸۹. دیدگاه اعضای تیم سلامت در باره نیازهای آموزشی پرستاران شاغل در مراکز بهداشتی درمانی شهر کاشان
منصور دیانتی. ۱۲۱

۱۹۰. ارزیابی و مقایسه نیازهای آموزشی اعضای هیئت علمی پایه و بالینی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد- اسفند ماه ۱۳۸۲
دکتر معصومه معزی. ۱۲۲

۱۹۱. تحلیل وظایف و تعیین نیازهای آموزش بالینی پزشکان عمومی کشور جمهوری اسلامی ایران
دکتر شهرام یزدانی. ۱۲۲

۱۹۲. ارتقاء حرفه ای دانش آموختگان پرستاری با آموزش بر اساس نیازهای آموزشی واقعی
عباسعلی ابراهیمیان. ۱۲۳

۱۹۳. استفاده از روش خود ارزیابی «Self Evaluation » برای ارزیابی نیازها و برنامه ریزی جهت ارتقاء سطح کیفی آموزش دانشجویان دوره کاردانی رادیولوژی
دکتر اکبر علی اصغرزاده..... ۱۲٤

۱۹٤. بررسی اولویت های آموزشی پزشکان عمومی از دیدگاه خودشان در سال ۱۳۸٤ در شهرستان فسا
دکتر سعید خادمی..... ۱۲٤

۱۹۵. بررسی تناسب کمی و کیفی دروس علوم پایه با نیاز دانشجویان پزشکی در مقطع بالینی، دانشکده پزشکی یاسوج آذر ماه ۱۳۸۳
حمید رضا غفاریان شیرازی..... ۱۲۵

۱۹۶. آیا دانشجویان حرف پزشکی و پیراپزشکی به جهت عملکرد بالینی خود نیاز به آموزش قوانین و مقررات حرفه ای دارند؟
افسانه ارزانی..... ۱۲۶

۱۹۷. بررسی اهمیت نقشهای آموزشی مدرسان در محیط بالینی از دیدگاه اعضای هیات علمی دانشکده پرستاری و مامائی دانشگاه علوم پزشکی تهران
سپند ریاضی..... ۱۲۶

۱۹۸. بررسی نظرات فارغ التحصیلان پزشکی با سابقه کمتر از ۷ سال نسبت به آموزش جامعه نگری در دوران تحصیل شیراز ۲۰۰۲
صدیقه نجفی پور..... ۱۲۷

۱۹۹. بررسی عوامل موثر در پیشرفت تحصیلی از دیدگاه دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی شهر کرد
فرانک صفدری ده چشمه..... ۱۲۸

۲۰۰. بررسی نظرات اعضای هیأت علمی و پزشکان عمومی در مورد مهارت های عملی ضروری که یک پزشک عمومی باید بداند
میترا محمودی..... ۱۲۸

۲۰۱. بررسی دیدگاه اساتید بالینی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان در مورد اهمیت آموزش مهارتهای ارتباطی به دانشجویان پزشکی در مراکز آموزش مهارتها سال ۱۳۸٤
دکتر اباصلت برجی..... ۱۲۹

۲۰۲. بررسی میزان و چگونگی آموزش و منابع مورد استفاده توسط کارکنان گروه پزشکی پس از فارغ‌التحصیلی
مینا روشنی‌پور..... ۱۲۹

۲۰۳. نیاز سنجی در آموزش مداوم: آیا بین نظرات پزشکان عمومی و اتندینگ گروه های اطفال و داخلی هماهنگی وجود دارد؟
شهین حیدری سورشجانی..... ۱۳۰

۲۰٤. بررسی نیاز به آموزش مهارتهای بالینی از نظر پزشکان عمومی
شهلا پیامنی..... ۱۳۱

۲۰۵. نظرات مدیران و اعضاء هیئت علمی در زمینه نیاز سنجی آموزشی اعضاء هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد
علی عماد زاده..... ۱۳۱

۲۰۶ بررسی نیازهای پزشکان عمومی شهرستان فسا بر اساس برنامه آموزشی مدون ۱۳۸٤
فاطمه دری پور..... ۱۳۲

۲۰۷. بررسی نیازهای آموزشی پزشکان عمومی به آموزش مداوم از دیدگاه خودشان
عبدالحسین شکورنیا..... ۱۳۳

۲۰۸. معرفی یک الگوی نیازسنجی جامع و کاربرد آن در آموزش مداوم پزشکی
دکتر ابوالقاسم امینی..... ۱۳۳

۲۰۹. تدوین عناوین فارماکوپه دانشجویی بر اساس مهارتهای مورد انتظار برای کاربرد داروها در بخش داخلی
طاهره چنگیز..... ۱۳٤

۲۱۰. بررسی شرح وظایف اعضاء هیات علمی از دیدگاه اعضا هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال ۱۳۸۳
دکتر آبتین حیدرزاده..... ۱۳٤

۲۱۱. بررسی نیازهای آموزش جامعه پزشکی استان گیلان در سال ۱۳۸۳
دکتر آبتین حیدرزاده..... ۱۳۵

۲۱۲. بررسی تحقق اهداف آموزش بالینی در رشته مامایی در دانشکده علوم پزشکی شاهرود
ناهید بلبل حقیقی..... ۱۳۶

۲۱۳. تعیین حداقل های ضروری یادگیری رشته پزشکی در چهار بخش اصلی و مقایسه میزان حصول به اهداف در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، شهرکرد و دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد در سال ۱۳۸۲
دکتر مسیح صبوری..... ۱۳۶

۲۱٤. بررسی تأثیر استفاده از آموزش مبتنی بر شبکه در ارتقاء سطح دانش فیزیوپاتولوژی قلب دانشجویان سال چهار پزشکی
دکتر علیرضا رحیمی ممقانی..... ۱۳۷

فصل ۶: آموزش مداوم و ارتقای حرفه ای

۲۱۵. بررسی نگرش اعضای هیئت علمی سخنران به رویکرد فعالیتهای آموزشی و پژوهشی در برنامه های آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی گلستان -۱۳۸۳
دکتر عبدالوهاب مرادی..... ۱۳۸

۲۱۶. مقایسه برنامه های آموزش مداوم مدون ۲۵ امتیازی و ۵ امتیازی از دیدگاه پزشکان عمومی در استان گلستان سال ۸۳-۸۲
دکتر محمدرضا یوسفی..... ۱۳۸

۲۱۷. بررسی تاثیر مسئولیتهای اجرایی و مشغله حرفه ای در فعالیتهای آموزش مداوم اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گلستان سال ۱۳۸۳
دکتر محمدرضا یوسفی..... ۱۳۹

۲۱۸. ارزیابی نیازهای آموزش مداوم پرسنل مامائی
شهناز مجاهد..... ۱٤۰

۲۱۹. تجزیه و تحلیل ارزشیابی برنامه های آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی گلستان
دکترعبدالله عباسی..... ۱٤۱

۲۲۰. بررسی نیازهای آموزش مداوم (مدون) دندانپزشکان عمومی شهرستان تبریز در بهمن سال ۱۳۸۳
دکتر علی فخاری..... ۱٤۱

۲۲۱. بررسی دانش و عملکرد مشمولین آموزش مداوم در خصوص فناوری اطلاعات و ارتباطات
دکتر مهناز بهادرانی..... ۱٤۲

۲۲۲. بررسی میزان استفاده ازروش سخنرانی توسط اعضای هیئت علمی دربرنامه های آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی گلستان سال ۱۳۸۳
دکتر عبدالوهاب مرادی..... ۱٤۳

۲۲۳. بررسی نیازهای آموزش مداوم متخصصین زنان و زایمان کاشان
محسن اربابی..... ۱٤۳

۲۲٤. بررسی نیاز های آموزش مداوم پزشکان عمومی کاشان
محسن اربابی..... ۱٤٤

۲۲۵. برنامه های خودآموزی آموزش مداوم جامعه پزشکی، «تحلیل میدانی»
لیلا پناهنده..... ۱٤٤

۲۲۶. بررسی نظر پزشکان عمومی پیرامون برنامه های آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
دکتر فریبا حقانی..... ۱٤۵

۲۲۷. اعتبار بخشی آموزش مداوم جامعه پزشکی ایران
دکتر فرهاد سمیعی..... ۱٤۵

۲۲۸. آموزش مداوم جامعه پزشکی در کشورهای مدیترانه شرقی (سال ۱۳۸٤)
اعظم اصلانی..... ۱٤۶

۲۲۹. بررسی دیدگاه پزشکان عمومی در مورد ضرورت و انگیزه های شرکت کنندگان در برنامه های بازآموزی و چگونگی اجرای آن، ساری، ۱۳۸۳
لیلا شهبازنژاد..... ۱٤۷

۲۳۰. نظر سنجی از پزشکان عمومی شهر کرمانشاه درخصوص برنامه آموزش مداوم پزشکان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه سال ۱۳۸۰
پروانه عبدالمالکی..... ۱٤۷

۲۳۱. بررسی کیفیت برنامه های آموزش مداوم گروه زنان از دیدگاه شرکت کنندگان در دانشگاه علوم پزشکی تهران
دکتر غلامحسین فلاحی..... ۱٤۸

۲۳۲. بررسی نیازهای آموزش مداوم (مدون) داروسازان شهرستان تبریز در اسفند سال ۱۳۸۳
دکتر علی فخاری..... ۱٤۹

۲۳۳. بررسی نیاز های آموزش مداوم داروسازان شاغل در شهرستان کاشان
اعظم مصداقی نیا..... ۱٤۹

۲۳٤. بررسی نظرات شرکت کنندگان در سمینارها، کنفرانس های علمی و برنامه های مدون دانشگاه علوم پزشکی کاشان
محسن اربابی. ۱۵۰

۲۳۵. مطالعه مروری در زمینهٔ تغییر در امتیازدهی (از محاسبه ساعات به ارتقاءِ عملکرد حرفه‌ای) در برنامه‌های آموزش مداوم جامعه پزشکی۸۲-۷۹
عصمت شیخ سعد آبادی. ۱۵۱

۲۳۶. بررسی وضعیت سالنهای همایش که برنامه‌های مدون در سال ۸۳ در آن اجرا شده از نظر وجود برخی استانداردهای مرتبط با آن
شکوفه مسعودی ۱۵۱

۲۳۷. بررسی نظرات پزشکان عمومی در خصوص برنامه‌های آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی ارومیه
رضا سالم صافی. ۱۵۲

۲۳۸. بررسی مقایسه‌ای نتایج نظرسنجی پزشکان عمومی و داروسازان در مورد خودآموز اطلاعات داروئی (۲) منتشر شده در مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی مشهد ۸٤-۱۳۸۳
عصمت شیخ سعدآبادی. ۱۵۳

۲۳۹. بررسی نتایج نظرسنجی پزشکان عمومی از خودآموز ترک اعتیاد موفق منتشر شده در مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی مشهد سال ۸٤ -۸۳
عصمت شیخ سعد آبادی. ۱۵۳

۲٤۰. ارتقاءِ فرآیندهای برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های آموزش مداوم جامعه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سالهای ۸۳ - ۸۲
محمد جعفر مدبر عزیزی. ۱۵٤

۲٤۱. Undergeadute Family Medicine Ttaining in Turkey
Hakan YAMAN، MD، MS ۱۵۵

فصل ۷: فنون نوین در آموزش بالینی

۲٤۲. معرفی بسته نرم افزاری آموزش کدگذاری بیماریها
آذر کبیرزاده. ۱۵۶

۲٤۳. بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج درمورد تکنولوژی اطلاعات(IT) و کاربرد های آن در علم پزشکی
غفاریان شیرازی حمید رضا. ۱۵۶

۲٤٤. به کارگیری روش های جدید در آموزش ژنتیک پزشکی
دکتر پروین پاسالار. ۱۵۷

۲٤۵. قابلیت های آموزشی پاداکستینگ
سهراب نجفی پور. ۱۵۸

۲٤۶. نرم‌افزار «آزمون الکترونیک ابن‌سینا» رویکردی جدید در ارزشیابی آموزش بالینی پزشکی
دکتر افشین صرّافی‌نژاد. ۱۵۸

۲٤۷. برنامه رسالت مدار استعدادهای درخشان در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
دکتر شهرام یزدانی. ۱۵۹

۲٤۸. بررسی امکان استفاده دانشجویان پزشکی از آموزش مبتنی بر شبکه
دکتر علیرضا رحیمی ممقانی. ۱۶۰

۲٤۹. راهنمای مطالعه بعنوان ابزار یادگیری، تجربه جدیدی در برنامه نوین آموزش پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
دکتر رامین همایونی زند. ۱۶۱

۲۵۰. طراحی برنامه Preceptorship در مقطع کارآموزی برنامه نوین آموزش پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
دکتر رامین همایونی زند. ۱۶۱

۲۵۱. بررسی تاثیر استفاده از نرم افزار چند رسانه ای در سطح یادگیری درس مورفولوژی دندان در دانشجویان دوران علوم پایه دندانپزشکی
مرضیه آقازاده. ۱۶۲

۲۵۲. یادگیری مشارکتی در آماده سازی سمینار مجازی
عباس فروتن. ۱۶۳

۲۵۳. ساخت فنتومهای رادیوگرافی آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان
دکتر اکبر علی اصغرزاده. ۱۶۳

فصل ۸: کیفیت آموزش بالینی و انگیزه های استاد و دانشجو

۲۵٤.بررسی رابطه بین میزان انگیزش تحصیلی و رفتارهای پر خطر بهداشتی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد
سید سعید مظلومی. ۱۶٤

۲۵۵. بررسی عوامل مؤثر در کاهش انگیزه تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل
دکتر پرویز مولوی. ۱۶٤

۲۵۶. بررسی نظرات دستیاران گروههای مختلف آموزشی بالینی دانشگاه علوم پزشکی کرمان در رابطه با کیفیت تدریس
اشرف ادهمی. ۱۶۵

۲۵۷. نقش آموزش پرستاری در توسعه عملکرد مبتنی بر شواهد
دکتر محسن ادیب حاج باقری. ۱۶۵

۲۵۸. بررسی مشکلات آموزشی کارآموزی و کارورزی از دیدگاه مربیان مرتبط با دانشکده بهداشت
دکتر محمد حسین باقیانی مقدم. ۱۶۶

۲۵۹. مقایسه انگیزه پیشرفت، فشارزاهای روانی تحصیلی و رضایت از دانشگاه و رشته تحصیلی بین دانشجویان موفق و ناموفق دانشگاه علوم پزشکی اهواز
محمد اسماعیل مطلق. ۱۶۷

۲۶۰. دیدگاه کارورزان پزشکی در مورد مشکلات آموزش بالینی دانشکده پزشکی تبریز و راهکارهای حل آنها
دکتر مهستی علیزاده..... ۱۶۷

۲۶۱. بکارگیری الگوی CQI در آموزش مداوم و تاثیر آن بر ماندگاری آموخته های تیم سلامت
بهزاد شمس..... ۱۶۸

۲۶۲. بررسی عوامل استرس زای آموزش بالینی پرستاری از دیدگاه دانشجویان پرستاری و راهکارهای‌عملی در خصوص بهبود کیفیت آموزش بالینی
ماندانا ساکی..... ۱۶۹

۲۶۳. بررسی موانع موجود در توانمند سازی دانشجویان پرستاری در آموزش بالینی
لیدا محسن پور..... ۱۷۰

۲۶۴. استاندارد سازی: راهکاری برای ارتقاء کیفیت آموزش بالینی پرستاری در ایران
نیره ناصری..... ۱۷۰

۲۶۵. بررسی ویژگیهای مربی بالینی اثربخش از دیدگاه دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه آزاد تبریز در سال ۱۳۸٤
سهیلا بانی..... ۱۷۱

۲۶۶. بررسی عوامل مؤثر بر ارتقا کیفیت آموزش بالینی مامایی از دیدگاه دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۸۳
زهره علیزاده دیبازری..... ۱۷۲

۲۶۷. بررسی وضعیت آموزش بالینی (کارآموزی در عرصه) از دیدگاه دانشجویان پرستاری
طاهره یعقوبی..... ۱۷۲

۲۶۸. بررسی و مقایسه نظر دانشجویان و اساتید پرستاری دانشگاه علوم پزشکی مازندران در مورد عدم وجود هماهنگی بین آموخته‌های حین تحصیل و کاربرد آن در محیط واقعی کار
طاهره یعقوبی..... ۱۷۳

۲۶۹. بررسی کیفیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری کارورز و کارآموز پرستاری
طاهره یعقوبی..... ۱۷۳

فصل ۹: سایر موضوعات

۲۷۰. بررسی و مقایسه میزان آگاهی و نگرش پزشکان متخصص اطفال نسبت به مسائل رایج طب اطفال در تهران
دکتر رامین آهنگ..... ۱۷۵

۲۷۱. بررسی عوامل تأثیرگذار بر انتخاب رشته دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان از دیدگاه خودشان
دکتر راز خطیبی..... ۱۷۵

۲۷۲. بررسی عوامل استرس زا در دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی یاسوج در نیمسال اول سال تحصیلی ۸٤-۸۳
دکتر شیر علی خرامین..... ۱۷۶

۲۷۳. بررسی سبک های یادگیری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال تحصیلی ۸٤-۸۳
علی پورصفر..... ۱۷۷

۲۷٤. بررسی میزان ثبت اطلاعات پزشکی توسط گروههای آموزشی بالینی در پرونده بیماران بستری در بیمارستان های شهر کاشان سال ۱۳۸۲
فخرالسادات میرحسینی..... ۱۷۷

۲۷۵. بررسی شیوع و عوامل موثر بر سندرم دانشجوی پزشکی در دانشکده پزشکی تبریز
دکتر مهستی علیزاده..... ۱۷۸

۲۷۶. بررسی میزان فراوانی و مقایسه اضطراب امتحان در دانشجویان رشته پزشکی و غیر پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سال ۷۹
عبداله امیدی..... ۱۷۸

۲۷۷. بررسی میزان تکمیل مدارک پزشکی در بیمارستانهای آموزش وابسته به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند
سید حسن کرباسی..... ۱۷۹

۲۷۸. بررسی رابطه بین میزان تسلط به زبان انگلیسی و کامپیوتر با موفقیت تحصیلی دانشجویان پزشکی
دکتر عبدالعلی ابراهیمی..... ۱۷۹

۲۷۹. آیا محیطهای آموزش عملی دانشجویان پزشکی با نوع وظایفشان در آینده هماهنگ است؟
رقیه نظری..... ۱۸۰

۲۸۰. فرهنگ کلاسی در دانشگاه علوم پزشکی سمنان از دیدگاه دانشجویان دانشگاه
معصومه صابریان..... ۱۸۱

۲۸۱. تدوین شرح وظایف پزشک عمومی دربرخورد با بیماران اورژانسی در شبکه های بهداشت و درمان استان اصفهان
دکتر سید محمد امیرشاهکرمی..... ۱۸۱

۲۸۲. نگرش کارورزان در ارتباط با میزان دستیابی به حداقل های آموزشی در بخش ارتوپدی دانشکده پزشکی اصفهان اسفند ۸۳
دکتر ابوالقاسم زارع زاده..... ۱۸۲

۲۸۳. بررسی نحوه آموزش بیمار در بیمارستان‌های خصوصی و دولتی شهر تبریز سال ۸۳
فریبا بخشیان..... ۱۸۳

۲۸٤. بررسی تاثیر آموزش در ارتقاء سطح آگاهی و نگرش ۱۷۰۰۰ دانشجوی پزشکی و غیر پزشکی در مورد روشهای انتقال و پیشگیری از عفونت HIV/AIDS
دکتر احمد رضا جودتی..... ۱۸۳

۲۸۵. بررسی نگرش بیماران در مرحلهٔ قبل از بیهوشی در مورد نیاز به آموزش آنان
ابراهیم نصیری..... ۱۸٤

۲۸۶. تبیین عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه جندی‌شاپور توسط متغیرهای پیش‌بین روانی، اجتماعی، تحصیلی و خانوادگی
حسین الهام پور..... ۱۸٤

۲۸۷. بررسی شاخص حفظ استعداد درخشان اعلام شده توسط وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی در بین دانشجویان مقطع علوم پایه دانشکده پزشکی شهید صدوقی یزد
دکترمحمد حسین دشتی..... ۱۸۵

۲۸۸. بررسی اصل چهارم اخلاق پزشکی پیرامون رعایت حق انتخاب پزشک در بیماران بستری شده جهت اعمال جراحی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز
الهه الهیاری ۱۸۶

۲۸۹. ارتباط بین اضطراب آزمون و کیفیت زندگی در دانشجویان علوم پزشکی
سید رضا مظلوم ۱۸۷

۲۹۰. بررسی موقعیتهای استرس زا در آموزش بالینی
طاهره سلیمی ۱۸۷

۲۹۱. بررسی دیدگاه فارغ التحصیلان مامایی در خصوص تاثیر دروس مامایی بر کارآیی و مهارت آنها
شهناز نجار ۱۸۸

۲۹۲. نیازها، انتظارات و نظرات بیماران در مورد ارتباط پزشک و بیمار در کلینیک های عصر دانشگاه علوم پزشکی تبریز
دکترمهستی علیزاده ۱۸۹

۲۹۳. بررسی ارتباط جو سازمانی با میزان خلاقیت کارکنان واحدهای آموزش بالینی دانشگاه علوم پزشکی سمنان ۱۳۸۳
سعید حاجی آقا جانی ۱۹۰

۲۹٤. میزان اضطراب و عوامل مرتبط با آن در محیط بالینی در دانشجویان اتاق عمل و هوشبری
زهره کریمی ۱۹۱

۲۹۵. بررسی میزان دستیابی دانشجویان مدارک پزشکی به اهداف رفتاری کارآموزی درعرصه در دانشگاه علوم پزشکی کاشان – سال ۸٤
فاطمه رنگرز جدی ۱۹۱

۲۹۶. بررسی نظرات دستیاران در مورد مشارکت در فرایند آموزش کارورزان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بهار ۸٤
دکتر محمود هادیزاده ۱۹۲

۲۹۷. مهارتهای ارتباطی ، ضرورت فراموش شده در آموزش پزشکی
دکتر احمدرضا زمانی ۱۹۳

۲۹۸. بررسی دیدگاه دانشجویان پرستاری در رابطه با محیط آموزش بالینی و تاثیر آن بر یادگیری
نیره سلمانی ۱۹۳

۲۹۹. بررسی دیدگاه مدرسان ، پرستاران فارغ التحصیل و دانشجویان پرستاری بر میزان انطباق آموزش نظری و بالینی پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی ارومیه
زهرا مشیری ۱۹٤

۳۰۰. رضایت دانشجویان کار آموز و کارورز از نحوه برنامه ریزی آموزش بالینی بخشهای داخلی مراکز آموزشی درمانی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه
زهرا مشیری ۱۹۵

۳۰۱. ارزیابی دیدگاه دانشجویان رشته های پیراپزشکی درخصوص وضعیت عملکرد اساتید در معرفی رشته های پیراپزشکی و راهنمایی دانشجویان
دکتر محمد حسین انوری ۱۹۵

۳۰۲. بررسی میزان آگاهی و عملکرد رزیدنت های جراحی زنان در مورد اصول نگارش صحیح پرونده
شمسی عباسعلیزاده ۱۹۶

۳۰۳. بررسی دیدگاه دانشجویان بهداشت محیط در مورد نقش دانشگاه بر انتظارات شغلی آنها
مهندس محمدرضا رضائی ۱۹۷

۳۰٤. بررسی طرح درسهای علوم پایه تدوین شده توسط اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی کاشان از رعایت اصول نگارش طرح درس در سالهای ۸۳-۱۳۸۱
زریچهر وکیلی ۱۹۷

۳۰۵. بررسی وضعیت مهارتهای ارتباطی کارورزان دانشکده علوم پزشکی جهرم در سال ۱۳۸۳
دکتر میترا امینی ۱۹۸

۳۰۶. **Challenges for clinical educators**
Ken Cox. ۱۹۹

فصل ۱

روش های آموزش بالینی

۱. سمیولوژی به شیوه آموزش دوره ای یک تغییر در شیوه آموزش

دکتر منصوره مومن هروی، دکتر اسماعیل فخاریان
دکتر الهه ملکان راد

آدرس: کاشان ، مرکز مطالعات وتوسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: سمیولوژی یکی از مهمترین واحدهایی است که دانشجویان پزشکی اغلب بصورت پراکنده در میان سایر بخشهای استاژری آنرا میگذرانند. با توجه به اهمیت فراگیری معاینات بالینی و نحوه شرح حال گیری و مواجهه با بیمار قبل از ورود به بخشهای بیمارستانی، لزوم ساماندهی به آموزش سمیولوژی و اهمیت بخشیدن به این واحد مهم بعنوان زیر بنای آموزش بالینی ما را بر آن داشت تا سمیولوژی را به شیوه کورس ارائه دهیم.

روش و ابزار: سمیولوژی در قالب یک کورس یکماهه برای ۵۲ دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سال ۱۳۸۲ ارائه گردید. نمونه گیری به روش سرشماری انجام گرفت. ابتدا آموزش بصورت تئوری توسط اعضای هیأت علمی در مرکز مهارتهای بالینی با استفاده از مولاژها، فیلم و CDآموزشی و سپس آموزش بصورت عملی بر بالین بیمار از طریق گرفتن شرح حال و معاینه فیزیکی در بخشهای مختلف بیمارستان انجام گرفت. ارزشیابی دانشجویان در پایان دوره بصورت امتحان OSCE و تستی چهار گزینه ای تواماً انجام شد. نظرات دانشجویان در پایان دوره از طریق یک پرسشنامه با استفاده از مقیاس لیکرت گردآوری گردید، سپس به تجزیه و تحلیل نتایج پرداخته شد.

نتایج: میزان رضایت کلی در مورد نحوه برگزاری دوره ۷۰٪ بود. میزان رضایت در مورد مدیریت اجرایی برنامه،،نظم در اجرای برنامه ها در مرکز مهارتها و بخشهای بالینی، امکانات آموزشی، مولاژها و مانکن ها، محیط فیزیکی بترتیب عبارت بود از: ۷۱/۹٪ ،۶۶/۲٪ ،۴۸/۷٪ ،۷۹/۳٪ ،۸۰٪ ،۶۶/۲٪ رضایت دانشجویان در رابطه با اثر بخشی این دوره در مورد توانایی شرح حال گیری۶۵٪، معاینه فیزیکی ۶۰٪و انجام مهارتهای بالینی۵۶/۳٪ بود. نظرات دانشجویان در مورد برگزاری سمیولوژی به صورت کورس یکماهه عبارت بود: قبل اجرای برنامه: بسیار خوب۲۰/۶٪ خوب۲۶/۵٪،متوسط۳۸/۲٪ بد ۸/۸٪ بعد اجرای برنامه: بسیار خوب۳۱/۳٪ خوب۴۰/۶٪ متوسط۶/۳٪ بد ۶/۳، بسیار بد۱۵/۶٪

نتیجه گیری: آموزش متمرکز در قالب یک کورس و تکیه بیشتر بر آموزش عملی درکنار آموزش تئوری و ملموس نمودن مسائل تئوری از طریق استفاده از وسایل کمک آموزشی و امکانات Skill Lab در دوره سمیولوژی منجر به رضایتمندی فراگیران از این شیوه آموزش و تاثیر بیشتر این شیوه آموزش گردیده است.

۲. بررسی تاثیر مباحثه گروهی مداخله گر در بین پزشکان برای ترویج تجویز منطقی داروها

دکترعلیرضا گرجانی، دکتر احمد رضا جودتی، مینا سلیم نژاد
مهناز شمس محمدی، نسرین مالکی

آدرس: تبریز، دانشگاه علوم پزشکی تبریز ، دانشکده داروسازی

زمینه و هدف: در راستای ترویج مصرف منطقی داروها، این مطالعه تاثیر یک مداخله آموزشی بصورت مباحثه گروهی مداخله گر را بر روی رفتار نسخه نویسی پزشکان عمومی شمال غرب تبریز را قبل و بعد از مداخله مورد بررسی قرار داده است.

روش و ابزار: ۵۱ پزشک عمومی مشغول به طبابت در بخش های خصوصی و یا دولتی شمال غرب تبریز بصورت تصادفی انتخاب و نسخ یک ماهه آنها مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی همه جانبه نسخ، پرسشنامه ای با ۸ سئوال بسته برای هرکدام از نسخ تکمیل شد. ضمنا با یک نرم افزار کامپیوتری اطلاعات موجود در نسخ آنالیز و شاخص های مهم نسخه نویسی شامل تعداد اقلام دارویی، در صد بیماران دریافت کننده آنتی بیوتیک ها، داروهای ضد التهاب استروئیدی و غیر استروئیدی و غیره تعیین گردید. مداخله شامل دو مرحله مباحثه گروهی متمرکز و مداخله گر بود. مباحثه گروهی متمرکز برای دستیابی به ابزار و مواد آموزشی مورد نیاز در مرحله مداخله با حضور افراد متخصص در این زمینه تشکیل

گردید. سپس پزشکان بصورت تصادفی به دو گروه کنترل، که هیچ مداخله آموزشی بر روی آنها صورت نگرفت، و گروه تست که تحت مداخله آموزشی قرار گرفتند تقسیم گردید. بعد از بررسی پیش از مداخله کلیه نسخ مربوط به همه پزشکان، پزشکان تحت مداخله در یک کار گروهی یک روزه بصورت مباحثه گروهی مداخله گر شرکت کرده و ضمن تجزیه و تحلیل نتایج، مواد آموزشی توسط اساتید برای ایشانارائه و با شرکت فعال همه همکاران مورد بحث و گفتگو قرار گرفت.

نتایج: بررسی نسخ پزشکان قبل از مداخله نشان میدهد که میانگین اقلام دارویی تجویز شده در هر نسخه ۳/۸۲ می باشد. درصدتجویزآنتی بیوتیکها،داروهای ضدالتهاب غیراستروئیدی، کورتون ها واشکال دارویی تزریق به ترتیب ۴۰/۸۱، ۲۴/۷۴، ۲۵/۹۴ و۵۸/۰۴ درصد میباشد. این نتایج در مقایسه با شاخص های استاندارد بین المللی و WHO تفاوت بسیار زیادی را نشان میدهند. نتایج بعد از مداخله آموزشی متاسفانه نشان میدهد که این شاخص ها در گروه تحت آموزش هیچ فرقی با گروه بدون آموزش و نیز قبل از آموزش ندارد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه مباحثه گروهی مداخله گر از جمله روش های آموزشی رودرو و بسیار مؤثر در بسیاری از موارد است در رابطه با تغییر الگوی نسخه نویسی در این پزشکان مؤثر نبوده است.

۳. ارزیابی کارآیی یک کارگاه آموزشی گزارش صبحگاهی مبتنی بر شواهد جهت متخصصین داخلی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران

دکتر همایون واحدی، دکتر محمد رهنوردی، دکتر فرشاد پور ملک دکتر حمید محبت دار

آدرس: تهران ، دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی

زمینه و هدف: گزارش صبحگاهی (Morning Report) از پایه های با ارزش آموزش در بیمارستانهای دانشگاهی است. در این مطالعه، قبل و بعد از یک کارگاه آموزشی در مورد گزارش صبحگاهی مبتنی بر شواهد که جهت اعضاء هیأت علمی گروه داخلی دانشگاه علوم پزشکی ارتش برگزار گردید، سطح آگاهی و نگرش این اعضاء مورد ارزیابی قرار گرفت.

روش و ابزار: در اسفندماه ۱۳۸۳ کارگاه آموزشی یک روزه در مورد گزارش صبحگاهی مبتنی بر شواهد جهت ۱۹ نفر از متخصصان داخلی بیمارستان آموزشی ۵۰۱ آجا برگزار گردید. جهت ارزیابی کارآیی این کارگاه، آگاهی و نگرش شرکت کنندگان، قبل و پس از برگزاری کارگاه، با استفاده از یک پرسشنامه ۲۰ سؤالی لیکرت با مقیاس ۵ درجه ای، اندازه گیری گردید. مطالب ارائه شده در این کارگاه در قالب ۱۰ عنوان، ۱۰ سؤال آگاهی و ۱۰ سؤال نگرش متناظر، با استفاده از آخرین منابع موجود در این زمینه تهیه گردید. این ۱۰ عنوان عبارت بودند از: اهداف گزارش صبحگاهی، نحوه هدایت جلسات، جو حاکم بر جلسات، روش آموزشی مورد استفاده، تواتر و مدت جلسات، گروه آموزشی‌هدف، نحوه انتخاب بیمار جهت معرفی، تشخیص اولیه، ثبت علمی داده های جلسات، و لزوم و نحوه برگزاری جلسات پیگیری.

کل نمرات آگاهی و نگرش به صورت مجزا توسط اجزاء اصلی، تهیه شد. نمرات پیش و پس آزمون جهت تعیین افزایش معنی دار با یکدیگر مقایسه گردیدند.

نتایج: نمرات کلی آگاهی در پس آزمون، به صورت معنی دار آماری ($p=۰,۰۰۲$) نسبت به پیش آزمون افزایش یافت؛ اما افزایش در سطح نگرش با در نظر گرفتن سطح $\alpha = ۰,۰۵$ ، معنی دار نبود. با این وجود، رابطه بدون معنی آماری بین سطح آگاهی و نگرش در قبل از برگزاری کارگاه، پس از برگزاری کارگاه معنی دار گشت($p=۰,۰۰۶$).

نتیجه گیری: کارگاه یک روزه در مورد گزارش صبحگاهی مبتنی بر شواهد، در افزایش سطح آگاهی متخصصان داخلی شرکت کننده در کارگاه موثر بود. افزایش معنی دار در سطح نگرش، فرآیندی طولانی مدت است و تغییر قابل ملاحظه آن در طی یک کارگاه یک روزه، دور از انتظار می نماید. همچنین در این مطالعه، استفاده از پرسشنامه سنجش سطح آگاهی و نگرش در ارزیابی کارآیی کارگاه آموزشی پیشنهاد می گردد.

٤. بررسی تأثیر آموزش مهارتهای ارتباط بین فردی به کارکنان بهداشت خانواده بر اساس مدل بزنف بر بهبود وزن کودکان ۱۲-٤ ماهه شهرستان گچساران ۱۳۸۳

فریبا محامد، غلامرضا شریفی راد، شهین شادزی
عبد محمد موسوی، اکبر حسن زاده

آدرس: یاسوج، جنب مرکز بهداشت شهید دامیده ، آموزشکده بهداشت

زمینه و هدف: بکارگیری مهارت های ارتباط بین فردی عنوان فرآیندی آموزشی، رودر رو، هدفد ارو مشارکتی ترکیبی از علم و هنراست که بر طبق نتایج بسیاری از تحقیقات توانسته است نقش بسزایی در ارتباط کیفیت انواع خدمات اجتماعی ایفا نماید. آیا بکارگیری چنین فرایندی می تواند در ارتقاء کیفیت خدمات بهداشتی موثر باشد ؟
این تحقیق برای پاسخگویی به این سوال:بررسی تاثیر آموزش مهارتهای ارتباط بین فردی به پرسنل بهداشت خانواده مراکز بهداشتی درمانی رادربهبود وزن کودکان در نظرگرفته است روشهای پژوهش آن براساس یکی ازمدلهای معروف آموزش بهداشت تحت عنوان مدل بزنف طراحی گردیده است.
روش و ابزار: این مطالعه یک بررسی مداخله ای از نوع مورد شاهدی بوده که جامعه مورد مطالعه پرسنل بهداشت خانواده مراکز شهری در دو شهرستان گچساران و بویراحمد از توابع استان کهگیلویه و بویراحمد و مادرانی که دارای کودکان ۱۲-٤ ماهه با افت وزن بوده اند و تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی شهری که مراقبت دریافت می کرده اند بوده است. ابزارهای پژوهش مشتمل بر پرسشنامه وچک لیست و ترازوی توزین کودک بوده است که در دو مرحله قبل و بعد از مداخله جمع آوری گردیده است. پس از اتمام مرحله اول جمع آوری اطلاعات برنامه آموزشی کارگاه مهارتهای ارتباط بین فردی براساس نیازهای آموزشی پرسنل ومنابع علمی موجود وبراساس مدل بزنف طراحی ودرقالب کارگاه آموزشی ٤ روزه اجرا گردید. مدل بزنف:مدل بزنف برای درک رفتارها، درسلامت ارتباطات مطرح میشود،که شامل:عقاید،نگرشها، نرم
نتایج : نتایج این تحقیق نشان داد که آموزش مهارتهای ارتباط بین فردی به کارکنان موجب افزایش معنی داری در ارتقاء مهارتهای ارتباط بین فردی کارکنان و نهایتاً بهبود وزن کودکان ۱۲-٤ ماهه گردیده است. ($p<0.001$)
نتیجه گیری: مطالعه وضعیت مهارت های ارتباط بین فردی و عوامل مستعد کننده تقویت کننده وبازدارنده آنهابراساس مرحله بندی ورعایت تقدم وتأ خر عوامل تعیین کننده رفتار آدمی آنطور که مدل بزنف پیشنهاد می کند توانسته است اطلاعات اساسی رابرای طراحی یک دوره آموزش بهداشت برای بهبود وزن کودکان ۱۲-٤ ماهه فراهم آورد، بطوریکه طراحی دوره آموزش بهداشت براساس روش های پیشنهادی مدل بزنف توانسته است رفتارهای مخاطبین را (مهارت های ارتباط بین فردی کارکنان بهداشت خانواده بعنوان اهداف واسطه ای اول، دانش و عملکرد مادران بعنوان اهداف واسطه ای دوم و بهبود افت وزن کودکان ۱۲-٤ ماهه بعنوان اهداف نهایی)به شکل معنی داری متحول نماید. لذا با استفاده از برنامه آموزشی مهارت های ارتباط بین فردی میتوان به آموزش و ارزشیابی مهارت های ارتباطی کارکنان سیستم همت گماشت.وبا ارتقاء مهارت های ارتباط بین فردی آنها، در راه ارتقاء سلامت جامعه قدم برداشت.

۵. آموزش کارکنان نظام سلامت و اجرای مراقبت های مدیریت شده می تواند سبب کاهش زایمان به روش سزارین گردد

دکتر رضا نیک اندیش، دکتر عبدالعلی ابراهیمی
دکتر علی اصغر خالقی

آدرس: فسا ، دانشکده علوم پزشکی

زمینه و هدف: انجام سزارین های بدون اندیکاسیون علمی بار هنگفتی به بودجه های سلامت تحمیل کرده و به جهات مختلف تهدیدی برای نظام سلامت محسوب می گردد. با توجه به نقش بهورزها و ماماها در ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به مادران حامله و ترغیب آنها به زایمان طبیعی، تصمیم گرفتیم تا اثر ارتقاء دانش کارکنان نظام سلامت و همچنین اجرای مراقبت مدیریت شده در ارتباط با اندیکاسیون های سزارین بر روی میزان زایمان طبیعی در مقایسه با کل زایمان ها را بررسی نمائیم.
روش و ابزار: میزان عمل جراحی سزارین نسبت به کل زایمان ها در طی ۲ سال قبل و ۲ سال بعد از اجرای کارگاههای مربوط آموزش کارکنان بهداشتی و درمانی و اجرای مراقبت

مدیریت شده در ارتباط با سزارین در بیمارستان آموزشی درمانی دکتر علی شریعتی بررسی شد. ۲ سال بعد از مداخلات فوق الذکر، دیدگاه ماماها، متخصصین زنان و زایمان و نیز پرستاران بخش زنان و زایمان در رابطه با عوامل موثر بر کاهش میزان سزارین با استفاده از یک پرسشنامه بررسی گردید و نتایج حاصله با نرم افزار SPSS آنالیز شد.

نتایج: میزان سزارین در مقایسه با کل زایمان ها بطور قابل توجهی کاهش پیدا کرد(از ٤٪ ± ٤١٪ به ٢٪ ± ٣١٪). (P<٠. ٠٥) ٥٦٪ از مصاحبه شوندگان آموزش کارکنان نظام مراقبت از مادران را در این کاهش موثر دانستند و ٧٦٪ معتقد بودند که اجرای مراقبت های مدیریت شده نقش موثری در کاهش میزان سزارین ایفا نموده است.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج این مطالعه می توان گفت توجه بیشتر به ارتقاء دانش و دیدگاه کارکنان نظام سلامت و اجرای مراقبت های مدیریت شده می تواند در ارتقاء مراقبت های بهداشتی و درمانی موثر باشد.

٦. مقایسه تاثیر آموزش ویدئویی با نمایش بر میزان یادگیری مهارتهای عملی دانشجویان

حسین کریمی مونقی، دکتر اکبر درخشان
مهندس ناصر ولایی، فتیحه مرتضوی، طاهره بینقی

آدرس: دانشکده علوم پزشکی مشهد، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: نظر به اهمیت یادگیری مهارتهای عملی بویژه در رشته های علوم پزشکی و تناقضاتی که در مورد میزان تاثیر روشهای آموزش وجود دارد و اینکه بعضی از این روشها دارای مزایای از نظر تاثیر در یادگیری، سهولت، سرعت و هزینه می باشد لذا به منظور مقایسه تاثیر دو روش آموزش ویدئویی ونمایش بر میزان یادگیری مهارتهای عملی این تحقیق روی دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی تربت حیدریه دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ١٣٨١ انجام شد.

روش و ابزار: تحقیق به روش تجربی روی تعداد ٤٠ نفر دانشجو شامل ٢٠ نفر پرستار و ٢٠ نفر ماما انجام گرفت. نمونه ها با توجه به رشته تحصیلی بطور تصادفی به گروههای ١ و ٢ تقسیم شدند پیش آزمون در حیطه شناختی با آزمون کتبی کوتاه پاسخ برای اندازه گیری میزان دانش و در حیطه روانی - حرکتی با چک لیست برای سنجش میزان مهارت انجام شد. در گروه ١ آموزش نحوه تعویض پانسمان به روش نمایشی (متداول) و در گروه ٢ به روش ویدئویی آموزش داده شد. بعد از ٢٤ ساعت پس آزمون انجام گرفت. مجدداً پس از یک هفته به گروهها مراجعه و آزمون مقدماتی مربوط به دست شستن انجام گرفت. گروه ١ که قبلاً به روش نمایش آموزش دیده بودند این بار به روش ویدئویی و گروه ٢ که قبلاً به روش ویدئویی آموزش دیده بودند به روش نمایش آموزش دیدند. مطابق رویه قبلی بعد از ٢٤ ساعت پس آزمون با همان معیار انجام و تاثیر هر یک از روشها در دو حیطه شناختی و روانی حرکتی تعیین و با آماره تی تست مورد قضاوت آماری قرار گرفت.

نتایج: ٤٠ نفر دانشجو در دو گروه ٢٠ نفره ١ و ٢ مورد بررسی قرار گرفتند هر گروه شامل ١٠ دانشجوی پرستاری و ١٠ دانشجوی مامایی بود. افراد دو گروه به لحاظ رشته تحصیلی، سن، معدل و نمره خام درس زیست شناسی کنکور مشابه بوده و یا اختلاف به لحاظ آماری معنی دار نبود میزان یادگیری کلی در روش نمایشی بیشتر از روش ویدئویی بود. (P<٠/٠٤٣) میزان یادگیری در حیطه شناختی در مهارت دست شستن باروش نمایش١/٥±١٦/٢٠ وباروش ویدئویی١±١٥/٢٥ بود. (P>٠/٠٦٨) میزان یادگیری در حیطه روانی - حرکتی در مهارت دست شستن با روش نمایش ١/٥±١٦/٨٥ و با روش ویدئویی ١/٤±١٥/٩٤ بود. (P <٠/٠٢٦)

میزان یادگیری در حیطه شناختی در مهارت تعویض پانسمان با روش نمایش ١/٨±١٥/٦٠ و با روش ویدئویی ١±١٥/٥٠ بود. (P> ٠/٨٣١) میزان یادگیری در حیطه روانی - حرکتی در مهارت تعویض پانسمان با روش نمایش ١/٣±١٦/٧٨ و با روش ویدئویی ١±١٦/١٢ بود. (P< ٠/٠٣٦).

نتیجه گیری: روش آموزش متداول (نمایشی) نسبت به روش ویدئویی تاثیر بیشتری بر یادگیری مهارتهای عملی بویژه در حیطه روانی - حرکتی دارد. لذا ضمن توصیه بکارگیری این روش، انجام پژوهش در سایر مهارتها و در سایر رشته های تحصیلی دانشگاهی توصیه می گردد.

۷. تاثیر آموزش مهارتهای بالینی مورد نیاز در گذاشتن چست تیوب و انجام کاتدان بر میزان صلاحیت بالینی کارورزان دانشگاه علوم پزشکی تبریز سال ۱۳۸۳

دکتر ناصر صفایی، دکتر سوسن حسن‌زاده سلماسی
دکتر ابوالقاسم امینی، دکتر رضا غفاری، دکتر کامران صداقت
آمنه محمدپور ارمنیان

آدرس: تبریز، خیابان دانشگاه ، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: یادگیری مهارتهای بالینی در بخش آموزش مهارتهای بالینی فرصتی را برای دانشجویان فراهم می‌کند تا مهارتهای بالینی خود را در یک موقعیت آموزشی شبیه‌سازی شده که برای یادگیری تعدادی از مهارتهای اساسی طراحی و تجهیز شده است، از طریق تمرین بر روی مانکن‌ها و تجهیزات متصل آنها به عنوان بخشی از یک برنامه سازماندهی شده ارتقاء دهند. هدف اصلی این مطالعه تعیین میزان اثر بخشی آموزش مهارتهای بالینی بر مهارتهای حرفه‌ای و بالینی دانشجویان پزشکی به روش خود سنجی است.

روش و ابزار: این مطالعه بصورت توصیفی و بصورت نمونه‌گیری تصادفی بر روی ۸۳ نفر از کارورزان پزشکی تبریز انجام شده است. داده‌های این مطالعه در مورد مهارتهای مربوط به گذاشتن چست تیوب و انجام کاتدان از طریق پرسشنامه‌های جداگانه برای هر مهارت جمع آوری گردید. مقیاس‌لیکرت (از بسیارکم=۱ تا بسیارزیاد=٦) برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد و داده‌ها با روش آماری توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از افزایش قابل توجه میانگین مجموع امتیاز مهارتهای مربوط به گذاشتن چست تیوب از ۱۷/۳۹±٤۳/٤ بـــه ۱٦/۷۱±۸۲/۲ و در مـــورد انجام کاتدان از ۱٦/٦۱±٤۱/٤ بـه ۱۳/٤۳±۸۵/۷ (P <۰/۰۰۰۱) بود.

نتیجه‌گیری: بر حسب اطلاعات بدست آمده از این مطالعه، تمرین انجام مهارتها در بخش آموزش مهارتهای بالینی بطور قابل توجهی خود اثر بخشی درک شده دانشجویان پزشکی را در انجام مهارتهای مورد نیاز برای گذاشتن چست تیوب و تعبیه کاتدان افزایش می دهد که این امر به نوبه خود موجب افزایش مهارت آنها در برخورد با بیماران شده و به کاهش فشار روانی آنها و خطاهای پزشکی و در نتیجه عواقب ناخواسته این خطاها بر روی بیماران خواهد شد.

۸. بررسی میزان تاثیر آموزش معاینات فیزیکی در بخش مهارتهای بالینی در توانمندی دانشجویان پزشکی تبریز درسال ۱۳۸۳

دکتر رضا غفاری، دکتر سوسن حسن‌زاده سلماسی
دکتر ابوالقاسم امینی، دکتر ناصر صفایی، دکترکامران صداقت
حمیده نوری اصل

آدرس: تبریز، خیابان دانشگاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: معاینه درست بیمار، نقش مهمی در تشخیص و درمان بیماران دارد. همچنین مهارت انجام معاینه فیزیکی یکی از اجزاء حیاتی مهارتهای بالینی مورد نیاز پزشکان بشمار می‌رود. در این مطالعه اثرات آموزش معاینات فیزیکی در بخش آموزش مهارتهای بالینی بر روی توانایی‌های‌عملی دانشجویان پزشکی که بمدت ۲۷ ساعت آموزش در مورد مهارتهای اندازه‌گیری فشارخون، اندازه گیری تب و نبض و تنفس، اندازه‌گیری قد و وزن و BMI در بزرگسالان، فرمهای پایش و اندازه‌گیری قد و وزن کودکان، معاینات اعصاب، معاینات گوش و حلق و بینی، معاینات ریه، معاینات واژینال و سینه‌ها، معاینات بارداری، که سه ماه بعد از آموزش و حضور در بخش مورد بررسی قراردادیم.

روش و ابزار: در این مطالعه توصیفی ۵۳ نفر از دانشجویان پزشکی که در بخش مهارتهای بالینی آموزش دیده و دوره کارآموزی خود را پس از سه‌ماه آموزش شروع کرده بودند انتخاب شدند. پرسشنامه‌ای بر اساس روش خودسنجی و با استفاده از مقیاس‌لیکرت (از بسیار کم = ۱ تا بسیارزیاد = ٦) تهیه و برای جمع‌آوری داده‌ها بین دانشجویان توزیع گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش آماری – توصیفی انجام شده است.

نتایج: براساس یافته‌ها میانگین امتیاز استاندارد شده در مورد تاثیر آموزش در بخش مهارتهای بالینی در مهارت معاینات فیزیکی ۱٦/۱۰ ± ۵۲/۹۹ بود. مقدارعددی صدک بیست‌وپنج ٤۳/۳، صدک پنجاه ۵۳/۳۳ و صدک هفتادوپنج ٦۲/۲۲ امتیاز بود.

نتیجه‌گیری: ادغام آموزش مهارتهای بالینی و برنامه‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی، اساسی را برای دانشجویان پزشکی فراهم می‌نمایند تا بتوانند معاینات فیزیکی را بدرستی انجام داده و عملکرد حرفه‌ای با کیفیت و قابل قبولی را از خود نشان دهند که این خود به افزایش میزان رضایت بیماران و کاهش هزینه‌های خدمات بهداشتی- درمانی خانواده‌ها و جوامع منجر خواهد شد.

۹. تأثیر آموزش مهارتهای بالینی در مورد احیاء قلبی ریوی پایه و زدن بخیه در دانشجویان دندانپزشکی در سال ۱۳۸۳

دکتر سوسن حسن‌زاده سلماسی، دکتر ابوالقاسم امینی
دکتر رضا غفاری، دکتر کامران صداقت
پریسا گل‌عنبر

آدرس: تبریز، خیابان دانشگاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: بخش مهارتهای بالینی در پاسخ به تغییرات ایجاد شده در نحوه آموزش، فرصتی را فراهم می‌آورد تا دانشجویان رشته‌های علوم پزشکی با استفاده از انواع وسایل کمک آموزشی، مدلها و مانکنها بتوانند مهارتهای بالینی وارتباطی خود را در محیطی آرام و کنترل شده افزایش دهند. هدف از این مطالعه بررسی و مقایسه آمادگی ذهنی دانشجویان دندانپزشکی در مورد احیاء قلبی ریوی پایه و زدن بخیه قبل و بعد از آموزش در بخش مهارتهای بالینی می‌باشد.

روش و ابزار: در این مطالعه کیفی جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از فرمهای جداگانه برای هر یک از مهارتها (احیاء قلبی ریوی پایه و زدن بخیه) در مورد ۵۰ دانشجوی دندانپزشکی که دوره آموزش را در بخش مهارتهای بالینی گذرانده بودند انجام شده است. قضاوت در مورد مهارت دانشجویان قبل و بعد از آموزش از طریق خودسنجی و با استفاده از مقیاس‌لیکرت (از بسیارکم =۱ تا بسیارزیاد =٦) برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد و داده ها با روش‌های آماری توصیفی تجزیه و تحلیل گردیدند.

نتایج: تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از افزایش قابل توجه میانگین مجموع امتیاز مهارتهای مربوط به احیاء قلبی ریوی پایه از ۳/۸٤ ± ۱۰/۳۵ به ۲/۳۹ ±۸٦/۳۵ ودرمورد زدن بخیه از ۳/۱۱ ± ۲۹/۱۱ به ۱/۷۲ ±۸٤/۷۹ (P <۰/ ۰۰۰۱) بود.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که آموزش برخی مهارتهای عملی در مورد دانشجویان دندانپزشکی بسیار ضروری بوده و باید مسئولین آموزش دانشکده‌های دندانپزشکی به این امر مهم وقت کافی گذاشته و برنامه‌ریزی دقیق داشته باشند.

۱۰. تعیین نیازهای آموزشی دانشجویان دندانپزشکی در مورد انجام مهارتهای عملی در سال ۱۳۸۳

دکتر ابوالقاسم امینی، دکتر سوسن حسن‌زاده سلماسی
دکتر رضا غفاری، دکترکامران صداقت، حوریه سرباز وطن

آدرس: تبریز، خیابان دانشگاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: یکی از راههای ارتقاء توانمندی نیروی انسانی، تعیین نیازهای آموزشی است. بدین منظور با استفاده از تجزیه و تحلیل نیازهای آموزشی دانشجویان سال آخر دندانپزشکی در مورد انجام مهارتهای عملی از جمله تزریقات، احیاء قلبی ریوی پایه، الکترو شوک، زدن بخیه، اصول کار در اتاق عمل، مشاوره و رابطه پزشک با بیمار، بر آن شدیم تا بررسی حاضر را انجام دهیم، شاید بتوانیم با استفاده از یافته‌های فوق در برنامه‌ریزی‌های آموزشی دانشجویان دندانپزشکی قدم موثری برداشته باشیم.

روش و ابزار: این تحقیق یک مطالعه توصیفی است. جامعه مورد مطالعه ۵۳ نفر از دانشجویان دندانپزشکی می باشد. اطلاعات از طریق پرسشنامه‌ای شامل بر نیازهای یادگیری در مورد مهارتهای عملی تزریقات، احیاء قلبی ریوی پایه، الکترو شوک، زدن بخیه، اصول کار در اتاق عمل و رابطه پزشک با بیمار جمع‌آوری شد. مقیاس لیکرت (از بسیارکم = ۱ تا بسیار زیاد= ٦) برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد و داده ها با نرم افزار SPSS و با روش آماری توصیفی تجزیه و تحلیل گردیدند.

نتایج: بر اساس یافته‌های این پژوهش میانگین نیازهای دانشجویان دندانپزشکی در مورد انجام مهارتهای عملی به‌ترتیب اولویت شامل بودند بر: احیاء قلبی ریوی پایه ۵، تزریقات عضلانی، زیر جلدیو داخل جلدی ٤/۸، زدن بخیه ٤/۸ ، تزریقات وریدی ٤/۷، مشاوره و رابطه پزشک با بیمار ٤/٦، اصول کار در اتاق عمل ٤/۳ و الکترو شوک ٤/۲ امتیاز بودند.

نتیجه‌گیری: با استفاده از نتایج فوق میانگین امتیازات نیازهای دانشجویان باید مد نظر باشد و برنامه‌ریزی دقیق در مورد آموزش مهارتهای عملی برای دانشجویان دندانپزشکی انجام گیرد.

۱۱. گزارش تکمیل log book در بخش ENT کارآموزان دانشکده پزشکی اصفهان نیمه دوم سال ۱۳۸۳

دکتر محمد گرک یراقی، دکتر مهرداد رقاع، مریم آویژگان

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده پزشکی، معاونت آموزش بالینی

زمینه و هدف: اقدامات مختلفی برای افزایش تجارب یادگیری دانشجویان پزشکی انجام شده زیرا در دوره کارآموزی زمان قابل توجهی را در حالات مختلف بالینی صرف می کنندکه در معرض تجارب یادگیری سازمان دهی نشده ای قرار می گیرند.تاثیر این تجارب زیر سوال است.اقدامات آموزشی برای افزایش تاثیر آموزش دوره کارآموزی می تواند شامل تعیین اهداف یادگیری استفاده ازLog book و نظارت و ارائه فیدبک باشد. برای اینکهLog book ها واقعا موثر باشند باید آنها به عنوان بخشی از نظارت همیشگی در آیند.بنابر این درمطالعه فعلی ما استفاده ازLog book بر اساس ارتقاء کیفیت آموزش بالینی در گروه ENT را مد نظر قرار دادیم که هر مداخله شامل تعیین اهداف آموزشی، شناسنامه درس، میزان دستیابی به سرفصل های آموزشی مصوب و فید بک را در خود جای داده است.

روش و ابزار: Log book در پنج بخش طراحی شده، اول شناسنامه درس دو م جدول زمان بندی ارائه کارآموزی سوم جدول حداقل توانمندیهای انتظار گروه دانشی و عملکردی چهارم چک لیست بررسی میزان دستیابی به حداقل های آموزشی کارآموز دانشی وعملکردی پنجم پیشنهادات و انتقادات کار آموز.در این طرح Log book دریک دوره شش ماهه گروه ENT برای دانشجویان پزشکی مقطع بالینی (کارآموزان) به کار برده شد. در ابتدای هر دوره Log book توسط مسوول مربوطه در اختیار دانشجویان قرار می گرفت و دانشجویان در زمینه استفاده و تکمیل آن توجیه می شدند دانشجویان موظف به تکمیل آن وتحویل آن در پایان دوره می بودند در ضمن دو نمره از امتحان عملی به تکمیل Log book اختصاص یافته بود سپس داده ها با نرم افزار spss آنالیز و با میزان دستیابی مورد نظر گروه مقایسه و نتایج در اختیار مسوولین گروه قرار می گرفت.

نتایج: آنالیز شش ماهه Log book در بخشENT در حیطه دانشی به ترتیب میزان دستیابی واقعی و میزان دستیابی مورد نظر گروه در بالاترین درصد مربوط به آنژین های شایع ٦٧٪-١٠٠٪ و کمترین درصد بیماریهای التهابی حنجره ٦٦٪-٩٠٪ بوده است و در حیطه عملکردی بالاترین درصد برای معاینه با اتوسکوپ ٦١٪-١٠٠٪ و کمترین درصد شستشوی گوش ٤٥٪-٩٠٪ بوده است.

نتیجه گیری: وقتی میتوان از کیفیت آموزشی صحبت کرد که اهداف را مشخص وسپس میزان دستیابی به آنها راتعیین نمود. با استفاده از نتایج این پژوهش مشخص شد که در حیطه دانشی و حیطه عملکردی در حدود ٣٠٪-٤٥٪ با میزان واقعی تفاوت وجود داشته است که نشان دهنده ضعف آموزش دربخشهای بالینی درحیطه عملکردی (clinical skill) و حیطه دانشی می باشد پس نیاز به مداخلاتی از جمله استفاده از دستیاران درامر آموزش، آموزش عملی بیشتر در CSLC برروی مولاژ واستفاده از فیلم های آموزشی، برقراری کشیک آموزشی برای کارآموزان استفاده از امتحانات OSCE در حیطه عملکردی و بالا بردن کیفیت آموزش در حیطه دانشی می باشد.

۱۲. بررسی نگرش کارورزان در مورد آموزش دستیاران به آنها بیمارستانهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان شهریور ومهرماه ۱۳۸۳

دکترمحمد گرک یراقی، دکترمسیح صبوری، دکتر محمود هادیزاده

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده پزشکی، معاونت آموزش بالینی

زمینه و هدف: هدف از آموزش در دانشکده پزشکی تربیت پزشکان توانمند وماهر در جهت ارتقاء سطح سلامت جامعه وجلب رضایت مردم میباشد. ارتقاء کیفیت آموزش،در نهایت موجب تسریع توسعه پایدار کشور واختصاصا سطح سلامت جامعه میشود.دستیاران بعنوان یکی از پتانسیل های موجود می توانند از هر فرصتی جهت آموزش کارورزان ودانشجویان استفاده کنند. هدف از این مطالعه بررسی وضعیت فعلی فرایند آموزش کارورزان توسط دستیاران وانتقال نتایج بدست آمده به مسوولین محترم اجرایی در نظر گرفته شد.

روش و ابزار: مطالعه اخیر یک مطالعه توصیفی تحلیلی وبه شیوه مقطعی می باشد که در شهریور ومهر ماه ۱۳۸۳ در بیمارستانهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان برگزار

شد. جامعه هدف کارورزان ٦ ماهه آخر دوره پزشکی بودند که تعداد ٥٤ نفر آنها به طور تصادفی آسان انتخاب شدند. شیوه جمع آوری اطلاعات پرسشنامه های خود ساخته وخود ایفابود که کارورزان آن را تکمیل می کردند. اطلاعات بدست آمده از مطالعه با کمک نرم افزار spss ویرایش ۱۱ وبه کمک آزمونهای آماری توصیف وسپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: میانگین نمره نگرش کارورزان در حیطه دانش ۲۵/۷ از مقدار مورد انتظار ٤٥ بود. همین میزان در حیطه عملکرد ۱۳/۲ از مقدار مورد انتظار ۲۰ بدست آمد.بیشترین آموزش کارورزان توسط دستیاران رشته جراحی عمومی بوده است (٤٦/۲٪). ۱٦/۷درصدکارورزان معتقد ند که با ارتقاء دستیار به سال بالاتر آموزش به کارورز افزایش می یابد. از بین عرصه های مختلف آموزشی، درمانگاه مفیدترین آنها بوده است (٦٨/٥٪). حدوداً ۲۲/۳درصد کارورزان اذعان دارند که آموزش دستیاران در management بیماری های شایع جامعه کافی می باشد. تنها ٥/٦ درصدکارورزان معتقدند که دستیاران در امر آموزش آنها وظیفه خویش را بخوبی انجام می دهند.

نتیجه گیری: در مقوله آموزش پزشکی، توجه به شایعترین ها و مهمترین ها از اهم مسایل است. اکثر قریب به اتفاق دستیاران مسوولیت مهم آموزش کارورزان را پذیرفته اندولی عده قلیلی از آنها این وظیفه را بخوبی انحام می دهند. فرایند موجود هدفمند نیست. در حیطه عملکرد، کارورزان به استقلال کافی در انجام procedureها نرسیده اند. دستیاران سال اول انگیزه بیشتری برای آموزش دارندولی مطالعات خارجی بیانگر آن است که دستیاران سال های بالاتر بیشتر آموزش می دهند. بدلیل رویارویی با بیماری های شایع، درمانگاه را بهترین عرصه یادگیری قلمدد کرده اند. بتظر کارورزان حجم کاری بالا در بخش واورژانس مانعی برای بهره مندی آنها از آموزش دستیاران است. تعامل کاری بین دستیار وکارورز باعث ایجاد اعتماد به نفس کافی در کارورزنشده است. بنابراین برنامه مشارکت دستیاران در فرآیند آموزش بلینی نیاز به بازنگری وبرنامه ریزی اساسی دارد.

۱۳. بررسی نظرات دانشجویان پزشکی در مورد مرجع مناسب جهت حل مشکلات دوران تحصیل اردیبهشت ۱۳۸۳ دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

دکتر بهزاد شمس، دکتر امراله ابراهیمی، مریم آویژگان
دکتر علی اصغر گیاهچین

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، معاونت آموزشی

زمینه و هدف: دوران تحصیل دانشگاهی برای بسیاری از دانشجویان، به ویژه دانشجویان پزشکی ممکن است همراه با خطرات و آسیب های جدی باشد.تغییر محیط،امتحانات مشکل، افسردگی، اضطراب، استرسهای شدید، تغییر در سبک زندگی، مشکلات شغلی واقتصادی، احساس بدرفتاری از سوی دست اندرکاران آموزشی و اجرایی در دانشگاه و... از جمله عواملی هستند که می توانند در بروز آسیب های روانشناختی و به تبع آن افت عملکرد تحصیلی و اجتماعی دانشجویان موثر باشند. لذا ضرورت دارد از طریق مشاوره و راهنمایی در جهت کاهش اثر منفی این عوامل اقدام شود.

روش و ابزار: مطالعه از نوع توصیفی- تحلیلی بود. روش جمع آوری اطلاعات تعداد٤٠٠ پرسشنامه بود که بین دانشجویان پزشکی مشغول به تحصیل در مقاطع چهارگانه علوم پایه، ICM، کار آموزی و کارورزی دانشکده پزشکی اصفهان در اردیبهشت ماه ۸۳ توزیع شد و در نهایت ۳۷٦ پرسشنامه با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روایی ظاهری و محتوایی پرسشنامه به تایید اساتید صاحب نظر و کارشناسان آموزشی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه و روانشناس بالینی با تجربه رسید. Reliability پرسشنامه نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ که ۷۹٪ بدست آمد تایید گردید.

نتایج: ٤۷/۱٪ ازدانشجویان موردمطالعه افت تحصیلی و٥٦/۹٪ کاهش انگیزش به تحصیل داشتند. برای رفع این دو مشکل بیشترین میزان استفاده را از تجربه شخصی و پس از آن خانواده عنوان کردند.برحسب جنس بروز افت تحصیلی در دانشجویان زن ٤۸/۱٪ و در دانشجویان مرد ٤٥/۹٪ و در مورد کاهش انگیزش به تحصیل به ترتیب ٥۳/۹ و ٦۰/٦٪ بود، بروز افت تحصیل در دانشجویان مقطع علوم پایه ٥٤/۳٪، ICM٤۲/۷٪، کار آموزی ٥۲/۷٪ و کارورزی ۳۹٪ و کاهش انگیزش به ترتیب ٦۱٪،٥۲/۸٪،٥۱/٦٪ و ٦۰٪

بود. دانشجویان مناسب ترین مرجع برای حل این دو مشکل را به ترتیب تجربه شخصی، خانواده و اساتید دانستند

نتیجه گیری: این مطالعه قصد داشت تا نقطه نظرات دانشجویان یکی از مبناهای طراحی نظام مشاوره پیشرفت تحصیلی دانشجویان قرار گیرد وبا عنایت به اینکه دانشجویان مناسب ترین مرجع را برای حل مشکلات عمده مانند افت تحصیلی و کاهش انگیزش به تحصیل تجربه شخصی، خانواده و اساتید دانسته اند. از میان این سه مورد انتخاب اساتید به عنوان محور و برگزاری کارگاههای توجیهی نحوه استفاده از توان شخصی دانشجو و خانواده برای حمایت و هدایت او، نقش سازنده ای در جلوگیری از افت تحصیلی و کاهش انگیزش تحصیلی آنهاوسایر مشکلات بررسی شده درطرح ایفا مینماید.

۱۴. بررسی میزان دستیابی به حداقل های یادگیری در بخش چشم از دیدگاه کارورزان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بهمن ۱۳۸۲

دکتر فرزان کیان ارثی، دکتر حبیب اله تابان، دکتر امراله ابراهیمی

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده پزشکی

زمینه و هدف: هدف از آموزش در دانشگاه علوم پزشکی، تربیت پزشکان توانمند در زمینه ارتقاء سلامت جامعه در مقوله های پیش‌گیری،درمان و توان بخشی است.یکی از عوامل عمده‌ای که می‌تواند آموزش را از حالت ایستا به مسیری پویا و موثر هدایت کند ارزشیابی است. شواهد و قرائن نشان می دهد برنامه آموزش فعلی با نیازهای پس از فارغ التحصیلی پزشکان همخوانی نداشته و گاه موجب بروز مشکلاتی هم برای پزشکان و هم برای گیرندگان خدمت گردیده است. پروژه مطالعاتی حاضر به بررسی نگرش بخشی از فراگیران (کارورزان) در زمینه مسائل آموزشی تئوری و عملی در یکی از حساس ترین گروههای آموزش یعنی گروه چشم پرداخته و برای تعیین این موضوع میزان دستیابی به حداقل های آموزشی مصوب وزارتخانه و نیز شرائط کلی آموزش در بخش فوق را مورد مداقه قرار داده است.

روش و ابزار: مطالعه از نوع توصیفی است که در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان دانشکده پزشکی در بهمن ماه ۱۳۸۲ انجام شد.روش جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه ای که در۱۵ سوال تنظیم شده بود با حجم نمونه کاملاً مشخص که ۱۱ سوال آن به شکل نگرش بسته (لیکرت) و ٤ سوال به شکل سوالات باز بود تعداد ٤٠ کارورز بخش چشم که حداقل ٤ ماه از دوره اینترنی را گذرانده بودند انتخاب شد ند روایی و پایایی به دقت و با استفاده از نظرات اساتید و کارشناسان صاحب نظر تعیین شد.

نتایج: ۷۲/۵٪کارورزان آموزش در اورژانس را نسبت به بقیه عرصه ها (یعنی درمانگاه،اطاق عمل، راند بخش) مفید ترذکر کردند.در خصوص طول مدت یکماهه بخش چشم ٦٧/٥٪ با نظر "زیاد است کم شود" موافق بودند. نحوه آموزش در بیمارستان فیض را۵۵٪متوسط و بیمارستان فارابی را ۵۵٪ ضعیف نظر داده بودند معاینه فیزیکی چشم را ۱۰۰٪ بطور مستقیم انجام داده اندو۸۵٪انجام معاینه توسط استاد را دیده‌اند. معاینه با اسلیت لامپ ۹۵٪ بطور مستقیم انجام داده اندو۷۵٪انجام معاینه توسط استاد را دیده‌اند. معاینه فوندوسکوپی مستقیم و بررسی دیسک عروق رتین ۷۰٪ بطور مستقیم انجام داده اند و ٦٢/٥٪ دیده اند.بیشترین فعالیت و مهارت کارورزان در پایان دوره معاینه فیزیکی چشم و درآوردن جسم خارجی می باشد که به ترتیب ۱۰۰٪ و ۹۲/۵٪ می باشد و کمترین فعالیت و مهارت کارورزان تخمین میزان بینایی به روش Confrontation و شیونز می باشد که ۱۲/۵٪ انجام داده اند و ۲۷/۵٪ دیده اند.

نتیجه گیری: نظرسنجی از کارورزان و کارآموزان در ارتباط با فرآیند آموزش بالینی روش روتین و شناخته شده ای است که موجب می شود نظر آنان (که صاحبان اصلی فرآیند هستند) در برنامه ریزی لحاظ شود. نظرسنجی حاضر فرآیند آموزش در بخش چشم از دو جنبه کمی و کیفی را مورد بررسی قرار داده است وبا عنایت به تخصصی بودن بخش چشم و نظرات شفاهی تعدادی از کارورزان و بنا به سفارش معاونت آموزش بالینی دانشکده پزشکی انجام شده است.موارد فوق نشان میدهد باید در زمینه آموزش بیماریهای سرپایی ودرمانگاهی کارورزان برنامه ریزی شده همچنین برنامه ای جهت ارتقاء کیفیت آموزش در بیمارستان فارابی تهیه و یا این بیمارستان از فرایند آموزشی حذف شودضمنا حداقل های آموزشی مورد بازنگری، مجددا تعریف و منطبق بر نیاز فراگیران وجامعه وبر حسب اولویت تنظیم شود وشیوه هایی جهت اطمینان از مهارت کافی کارورزان پیش بینی شود.

۱۵. استفاده از Log book به‌عنوان یک مداخله جهت اکسترنهای گروه چشم پزشکی مهر لغایت اسفند ۸۳

مریم آویژگان، دکتر فرزان کیان ارثی، دکتر مهدی فکار

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده پزشکی، EDO

زمینه و هدف: در دنیای امروز برنامه های آموزشی مطلوب باید ماهیت پویا و دینامیک داشته و به دنبال بازخورد های محیطی به طور مرتب بازنگری واصلاح گردند.آموزش موقعی موثر است که بتواند رفتار فراگیران را در جهتهای مطلوب سوق دهد مسوولین برنامه ریزی آموزشی بایستی به دنبال جمع آوری داده هایی از محیط بوده و در پاسخ به نیازهای محیطی مداخلاتی در برنامه های آموزشی بنماید.در این مقوله یکی از راههای اصلی پرورش حل مشکلات بالینی، ارزشیابی مداوم و بررسی میزان دستیابی به اهداف مصوب و نیز راهنمای عملی مناسب برای دانشجویان پزشکی و نیز ارزشیابی فرایند آموزشی دانشجو،با استفاده ازLog book است.

روش و ابزار: Log book در پنج بخش طراحی شده، اول شناسنامه درس دوم جدول زمان بندی ارائه کارآموزی سوم جدول حداقل توانمندیهای انتظار گروه دانشی و عملکردی چهارم چک لیست بررسی میزان دستیابی به حداقلهای آموزشی کارآموز دانشی وعملکردی پنجم پیشنهادات و انتقادات کار آموز.در این طرح Log book دریک دوره شش ماهه گروه چشم برای دانشجویان پزشکی مقطع بالینی (کارآموزان) به کار برده شد. در ابتدای هر دوره Log book توسط مسوول مربوطه در اختیار دانشجویان قرار می گرفت و دانشجویان در زمینه استفاده و تکمیل آن توجیه می شدند دانشجویان موظف به تکمیل آن وتحویل آن در پایان دوره می بودند در ضمن دو نمره از امتحان عملی به تکمیل Log book اختصاص یافته بود سپس داده ها با نرم افزار spss آنالیز و با میزان دستیابی مورد نظر گروه مقایسه و نتایج در اختیار مسوولین گروه قرار می گرفت.

نتایج: آنالیز ششماهه Log book دربخش چشم درحیطه دانشی بترتیب میزان دستیابی واقعی ومیزان دستیابی موردنظر گروه دربالاترین درصدمربوط به سوحتگیهای شیمیایی چشم ۷۰٪ - ۷۶٪ و کمترین درصد اورژانسهای چشم ۵۲٪ - ۸۰٪ بوده است و در حیطه عملکردی بالاترین درصد برای معاینه چشم ۷۲٪ - ۱۰۰٪ و کمترین درصد معاینات مربوط به حرکات چشم ۱۰٪ - ۸۰٪ بوده است همچنین در بررسی نظرات مفیدترین عرصه اورژانس و کم آموزش ترین عرصه درمانگاه ذکر شده است.

نتیجه گیری: آموزش و به طور اخص آموزش پزشکی وقتی موثر است که بتواند به اهداف مورد نظر و یا به هدفهای ویژه که از قبل تعیین شده است دست یابد با استفاده از نتایج این پژوهش مشخص شد که در حیطه دانشی تقریبا میزان دستیابی واقعی با میزان دستیابی تعیین شده از طرف گروه متناسب است ولیکن در حیطه عملکردی در حدود ۳۰ تا ۷۰٪ با میزان واقعی تفاوت وجود داشته است که نشان دهنده ضعف آموزش در بخشهای بالینی در حیطه عملکردی (clinical skill) می باشد پس نیاز به مداخلاتی از جمله آموزش عملی بیشتر در CSLC برروی مولاژ و بیمار نما واستفاده از فیلم های آموزشی، برقراری کشیک آموزشی برای کارآموزان استفاده از امتحانات OSCEو نیز برنامه ریزی جهت آموزش بیشتر در درمانگاه و اجتناب از آموزش های فوق تخصصی می باشد.

۱۶. بررسی عوامل موفقیت وبازدانده یادگیری بر مبنای مسئله (PBL) از دید دانشجویان کارشناسی ارشد پرستاری

عصمت نوحی

آدرس: کرمان ، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: آموزش ویادگیری بر مبنای مسئله (PBL)یک روش آموزشی مبتنی بر کسب فعال اطلاعات از طریق تشریح و تجزیه تحلیل مسائل و کوشش برای رسیدن به پاسخ آنهاست.
هدف این مطالعه تعیین عوامل موفقیت وبازدارنده یادگیری برمبنای مسئله از دید دانشجویان کارشناسی ارشد پرستاری بوده است.

روش و ابزار: این پژوهش یک مطالعه توصیفی است. نمونه مورد مطالعه ۵۵ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد پرستاری بودند که در طی سالهای ۸۳-۷۶ در دانشکده پرستاری مامایی دانشگاه علوم پزشکی کرمان، پس از گذراندن یک سال تحصیلی، به روش سرشماری census

وارد مطالعه شدند. با توجه به ویژگیهای ارشد پرستاری که به صورت گروه کوچک ۱۱- ۵ نفره تشکیل میشود، تجربه آموزش با الگوی تدریس دانشجو محوری همچنین گذراندن واحد درسی فنون تدریس در ابتدای دوره و کسب اطلاعات کافی در مورد این سبک آموزش و یادگیری بر مبنای مسئله، جمعیت هدف مطالعه را تشکیل دادند. جمع آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه بود که پس از کسب روایی مطلوب و تعیین ثبات درونی (ضریب آلفا کرونباخ r= ۰/۷۶) انجام شد. داده ها با نر افزار spss مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

نتایج: اکثریت دانشجویان (۸۹٪) آموزش بر روش مذکور را به روشهای سنتی ترجیح می دادند.مهمترین عوامل موفقیت را به ترتیب ؛ فعال و مولد بودن در یادگیری (۹۰٪)، رشد توانایی یادگیری مشارکتی (۸۷٪) مفهوم مثبت از خود به عنوان یک یادگیرنده (۸۳٪)، رشد توانایی تفکر انتقادی(۸۰٪)، رشد توانایی مطالعه مستقل(۷۹٪)بیان کردند. همچنین مواردی از جمله کمبود منابع آموزشی کافی (۹۲٪)، عدم وجود همکاری کافی برای کار گروهی(۸۶٪)، اتلاف وقت بدلیل نبود امکانات کافی(۸۱٪) و کمبود هدایت کافی دردستیابی و استفاده از منابع (٦٦٪) از عوامل عمده باز دارنده موفقیت خود در این روش آموزشی اعلام نمودند.در بررسی عوامل زمینه ای سن، جنس، تاهل، معدل و دوره آموزشی) با نظرات دانشجویان تفاوت معنی داری مشاهده نگردید.

نتیجه گیری: استراتژی آموزشی که به صورت بحث و تبادل نظر در گروههای کوچک، بر مبنای دانشجو محوری و هدایت مدرس بر اساس برنامه ریزی مدون اجرا می شود، فرصت یادگیری بیشتری برای دانشجویان فراهم می سازد. این مهم نیازمند تدارک نمودن امکانات و ضرورتهای اولیه است که دانشجویان به آنها اشاره نموده اند.

۱۷. روشی نوین درآموزش CPR: کارائی این روش برای ارتقاء سطح توانایی و دانش دانشجویان رشته پزشکی در زمینه احیای قلبی ریوی تا چه اندازه است؟

نوید امیدی فر، دکتر نیکو یمانی، دکتر طاهره چنگیز، دکتر کریم سهرابی

آدرس: اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان

زمینه و هدف: مطالعات مختلف ارزش احیای بیمار که دچار ایست قلبی شده است، توسط اولین افراد حاضر در صحنه به خوبی نشان داده اند. حتی در کشورهائی که دارای خدمات اورژانس پیشرفته می باشند، در اکثر موارد ایست قلبی، شاهدان صحنه یا هیچ فعالیتی در راستای CPR بیمار انجام نداده اند یا اگر فعالیتی انجام شده غالباً کیفیت آن از حد آیده آل دور بوده است. علت چنین مواردی فقدان دانش و مهارت کافی اطرافیان و حتی پزشکان مسئوول مراقبتهای اولیه بوده است. اغلب آنها در آموزشهای سنتی شرکت داشته اند که در آنها اهداف آموزش CPR به خوبی تامین نمی شود. فلذا نیاز ما تنها افزایش کلی آموزشهای CPR نیست بلکه هدف اصلی بالا بردن کیفیت CPR از طریق آموزش بهینه آن است. هدف از این طرح ارائه روش مناسبی برای آموزش CPR به منظور بالا بردن مهارت و دانش دانشجو یان و مقایسه آن با شیوه آموزش رسمی موجود می باشد.

روش و ابزار: برای این مطالعه از دانشجویان جدید بخش جراحی دو استفاده شد که در ابتدا بصورت تصادفی به دو گروه آزمایش و شاهد تقسیم شدند. سپس گروه شاهدروش معمول آموزشی بخش بیهوشی و مسمومین جراحی ۲ را طی کرده وگروه آزمایش نیزدر کارگاه آموزشی CPR این طرح شرکت داده شدند.

در ابتدای کارگاه از دانشجویان بصورت تئوری و عملی پیش آزمون به عمل آمد که پس از گذراندن کارگاه نیز به همان ترتیب اما توسط افراد متفاوتی پس آزمونی گرفته شد. ازگروه شاهد نیز پس از پایان بخش، امتحانی همانند پس آزمون کارگاه آموزشی CPR اخذ شد. سپس میانگین نمرات توسط تست t-independentو t-paired مورد مقایسه قرار گرفت.

نتایج: از مجموع ٤٠ نفر در نظر گرفته شده برای مطالعه ۸ نفر (از هر گروه ٤ نفر) به علت عدم شرکت در پیش یا پس آزمون حذف شدند نتیجهٔ مقایسه بدست آمده با توجه به میانگین نمرات اختلاف معنی داری را بین سطح نمرات دو گروه در سطح عملی و تئوری نشان می داد. (P=۰،۰۰۹) پیش آزمون و پس آزمون تئوری و عملی شرکت کنندگان در گارکاه نیز اختلاف معنی داری را نشان می داد (P= ۰،۰۰۰).

نتیجه گیری: نتایج ضعیف تر گروه شرکت کننده در برنامه رسمی در مقابل گروه آزمایش بیانگر این امر است که کارایی کارگاه ارائه شده در طرح حاضر از کیفیت آموزشی مطلوب تری برخورداراست. از دلایل این اختلاف می توان به وقت کمی که برای آموزش CPR در نظر گرفته می شود؛ نحوهٔ نامناسب تدریس و تمرین اشاره کرد..

۱۸. نگرش دانشجویان دندانپزشکی در رابطه با آموزش بر مبنای ویدئو در بخش ارتودنسی

دکترحسین عقیلی، حسین کریمی، دکتر حمیدرضا منصوریان

آدرس: یزد، میدان باهنر، حوزه معاونت آموزشی

زمینه و هدف: مزایای آموزش بر پایه ویدئو جهت افزایش مهارت و شبیه سازی در محیطهای بالینی همواره به آن تاکید شده است عده ای از صاحبنظران آموزش کاربرد ویدئو در بخشهای آموزشی دندانپزشکی را جهت ارزشیابی عملکرد یادگیرندگان توصیه نموده اند. ار طرفی ثابت شده است که جهت بهبود مهارتهای ارتباطی، غلبه بر شرایط خاص عاطفی نظیر درمان کودکان این نوع یادگیری دارای اثر ویژه ای میباشد

روش و ابزار: چهار گروه از دانشجویان دندانپزشکی که جمعاً ٤٠ نفر بودند وارد مطالعه شدند دراین مطالعه توصیفی همزمان با عملکرد دانشجویان ۸۰ درصد ازافرادی که عملکرد خود را در درمان مشاهده نموده بودند معتقد بودند که فیلم توانسته است به آنها نگرش جدیدی مختلف بدهد و ۷۵ درصد از آنها نیز فکر میکردند که متعاقب تماشای فیلم و بخشهای ایجاد شده مهارت بالینی آنها افزایش یافته است و زمانی که همین افراد فیلم عملکرد همکاریهای خود را نشان نموده اند ۸۵ و ۹۰ درصدشان اذعان داشتند که بترتیب افزایش نگرش و مهارت بالینی ایجاد نماید ٥ درصد از دانشجویان عنوان نمودند کهاگر فیلم برداری صورت نمیگفرت از آنها فیلم برداری میشد یکروز بعد فیلم های ضبط شده مورد و بازخوانی قرار می گرفت و عین امر در طول ترم تکرار شد و نکات مثبت و منفی عملکرد دانشجویان با حضور خودشان بحث شده و در پایان ترم پرسشنامه نظرسنجی در بین دانشجویان توزیع گردید تا میزان پذیرش و فواید یادگیری از طریق ویدئو مورد آزمون قرار گیرد.

نتایج: ۹۰ درصد از دانشجویان از کاربرد ویدئو در آموزش استقبال نمودند درمان بهتری را برای بیمار خود انجام میدادند از نظر دانشجویان آموزش از طریق ویدئو با بالاترین امتیاز و. سپس بترتیب اسلاید، ژورنالهای بالینی، سخنرانی در کلاس و سمینار های دانشجویی با کمترین امتیاز جهت اهداف آموزشی مناسب دانسته شد.

نتیجه گیری: استفاده از ویدئو به عنوان یک وسیله با ارزش آموزشی در محیطهای بالینی دانشجویان عمومی توصیه می شود.

۱۹. تاثیر یادگیری بر اساس حل مسئله بر پرورش مهارتهای تفکر انتقادی بالینی دانشجویان پرستاری

فرشته آئین، معصومه دل آرام

آدرس: شهرکرد ، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: نقش عمده آموزش عالی تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز جامعه ترویج و ارتقاء دانش و زمینه سازی برای تحقق کشور است. آموزش پرستاری بخشی از نظام آموزش عالی است که با حیات انسانها سرو کار دارد لذا توجه به جنبه های کمی و کیفی آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است.آموزش پرستاری باید با پیشرفت های سریع علم و تکنولوژی و نیازهای در حال تغییر جامعه هماهنگ بوده و افرادی توانا در حل مسائل بالینی و با تفکر خلاق و انتقادی و پویا در فرایند کار گروهی تربیت نماید. یکی از رویکردهای پیشنهادی صاحب نظران برای دستیابی به این اهداف یادگیری مبتنی بر حل مسئله است. پژوهش حاضر با هدف تعیین تاءثیر یادگیری بر اساس حل مسئله بر استفاده از تفکر انتقادی در فرایند پرستاری در کاراموزی بالینی پرستاری کودکان انجام گرفته است.

روش و ابزار: مطالعه از نوع نیمه تجربی بود که در آن دو کلاس ۳۰ نفره دانشجویان پرستاری که واحد پرستاری کودکان تئوری را اخذ نموده بودند به طور تصادفی تحت دو روش آموزشی یادگیری بر اساس حل مسئله و سخنرانی قرار گرفتند. در ترم بعد حین گذراندن واحد کاراموزی بالینی پرستاری کودکان میزان استفاده از تفکر انتقادی در فرایند پرستاری توسط دانشجویان مورد ارزیابی قرار گرفت و داده ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت..

نتایج: نتایج پژوهش نشان داد که گروه آزمون بطور معنی داری بیشتر از مهارتهای تفکر انتقادی در فرایند پرستاری استفاده کردند

نتیجه گیری: این پژوهش استفاده از روش یادگیری بر اساس حل مسئله در آموزش دروس تئوری پرستاری جهت پرورش تفکر انتقادی مورد نیاز در تصمیم گیریهای بالینی را تایید کرد.

۲۰. بررسی دیدگاه کاراموزان جراحی درباره تاثیر درس مقدمات جراحی بالینی (ICS) در آمادگی آنها برای ورود به بخش های بالینی جراحی و یادگیری آنها تا پایان بخش

محمد دادگسترنیا، وجیهه غلامی

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دوره مقدمات پزشکی بالینی

زمینه و هدف: دشواریهای فراوانی در خصوص موثرترین راههای وارد کردن اموزش جراحی در برنامه های اموزشی نوین پیش از ورود به دوره های بالینی در تمامی دنیا وجود دارد.

روش و ابزار: ICS با هدف افزایش امادگی و اعتماد به نفس برای ورود به بخش های جراحی و افزایش راندمان اموزشی، در قالب دو Package در دانشکده پزشکی اصفهان طراحی گردید. در طی این درس دانشجویان نه تنها نشانه های شایع بیماریهای جراحی بلکه نشانه های شایع ارتوپدی، زنان، چشم، ENT، ارولوژی و جراحی اعصاب نیز را نیز فرا میگیرند. در مطالعه ایCross-sectional، دیدگاه کاراموزان پس از گذ راندن بخش های جراحی بالینی در باره تاثیر این درس مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: تمامی دانشجویان (۱۰۰٪) معتقد بودند که ICS به طور موثری برای شروع بخشهای جراحی و یادگیری آنها تا پایان بخش موثر بوده است. از میان مباحث ارائه شده، معاینه فیزیکی و نشانه شناسی بیماریهای عروق، کبد و مجاری صفراوی، شکم، توراکس و معاینه فیزیکی فتق ها، اداره تروماها و ترومای سر و نشانه شناسی بارداری با بیشترین میانگین امتیاز (۴/۵-۴/۱) ضروری ترین مباحث برای ورود به این بخشها بوده اند. همچنین آنها خواهان این بودند که انواع نخ ها، درنها، کاتاترها، وسایل جراحی، روشهای بخیه زدن و کلا موارد عملی مربوط به بخش به طرز مبسوط تری آموزش داده شود زیرا این موارد در طول بخش اموزش داده نمی شود. همچنین ٦٦٪ انها خواهان این بودند که چند مبحث مهم تر به صورت کاملتری ارایه شود و سایر مباحث از این درس حذف گردد.

نتیجه گیری: با توجه به یافته ها، ICS در صورت پاره ای تغییرات، کمکهای سودمندی به دانشجویان بالینی خواهد کرد. در حالیکه این درس با توجه به اهداف و اموزش های ارائه شده در بخش های جراحی و نیازهای آموزشی طراحی شده، اما نیاز سنجی دوباره و باز نگری در این درس ضروری به نظر میرسد. از طرف دیگر، با وجودی که دانشجویان طی۱۲ جلسه قبل از شروع دوره بالینی مهارتهای عملی را تمرین مینمایند،(Practice) همچنان خواهان اموزش مهارتهای عملی در درس مقدمات جراحی بالینی هستند که این موضوع ضرورت ارزشیابی مداوم دوره های آموزش مهارتهای عملی را گوشزد مینماید.

۲۱. بررسی مقایسه ایی استفاده از دفترچه ثبت مهارتهای عملکردی و روش چک لیست در ارزیابی کارورزی بالینی دانشجویان مامایی در دانشکده پرستاری و مامایی حضرت زینب (س) لاهیجان سال ۱۳۸۳

نضال آژ

آدرس: لاهیجان، دانشکده پرستاری و مامایی حضرت زینب (س)

زمینه و هدف: دوره های کارآموزی و کارورزی در شکل دهی مهارتهای اساسی و توانمندی های حرفه ایی دانشجویان پرستاری و مامایی نقش اساسی دارد. عوامل متعددی بر پیشرفت آموزش بالینی موثر است، از آن میان ارزشیابی دانشجو توسط مربی و بازخورد مناسب به اومی باشد. خود ارزیابی دانشجویان در عرصه کارآموزی بالینی با استفاده از دفترچه ثبت مهارتهای بالینی و مقایسه آن با ارزیابی سنتی استفاده از چک لیست می باشد و نیز تعیین رضایت مندی دانشجویان با استفاده از این روش می باشد.

روش و ابزار: این مطالعه، یک تحقیق توصیفی – تحلیلی بوده و تعداد نمونه ۲۱ دانشجوی ترم چهارم کاردانی مامایی بوده که نمرات ارزیابی آنان با استفاده از دفترچه ثبت مهارتهای بالینی(در ۱۱ حوزه) و چک لیست در نیم سال اول ۸۳ با هم مقایسه شد.برای آنالیز داده ها از برنامه Excel واز آمار استنباطی استفاده شد. نتایج بصورت جداولی تنظیم و ضمیمه اصل مقاله می باشد.

نتایج: میانگین نمره کسب شده با دفترچه ثبت مهارتهای بالینی ۱٦/۳۳ در مقابل ۱۷/۸۸ که از ارزیابی چک لیست بدست آمده بود. بیشترین مهارت انجام شده در طی ترم متعلق به تحویل بخش و انجام مانورهای لئوپلد و کمترین مهارت در

حوزه آمنیوتومی و سپس ترمیم اپیزیاتومی بود. کلیه دانشجویان ازروند ارزیابی ثبت مهارتها کاملا راضی بودند.

نتیجه گیری : نمرات کسب شده ازازریابی سنتی بیشتر از روش ثبت مهارتها می باشد. (P=۰،۰۱)

۲۲. بررسی وضعیت ثبت پرونده های بیماران بستری در مراکز آموزشی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تبریز

دکتر منیژه سیاح ملی، دکتر مهستی علیزاده
دکتر رامین مصری، سهیلا مجتبائی

آدرس: تبریز، دانشگاه علوم پزشکی ، دانشکده پزشکی

زمینه و هدف: گزارشات طبی که در پزشکی به منظورهای مختلف مورد استفاده قرار می گیرند ابزار مهمی در آموزش پزشکی و مراقبت از بیمار به حساب می آیند. ثبت اطلاعات پزشکی برای دستیابی به یک نتیجه خوب باید صحیح، مطمئن و بهم مربوط باشد. به منظور درک وضعیت موجود، آگاهی مستمر و کنترل تغییرات در نحوه ثبت اطلاعات و کامل بودن نحوه ثبت این مطالعه انجام پذیرفت.

روش و ابزار: نهصدوپنج پرونده پزشکی مربوط به بیماران ۱۸۱ عضو هیات علمی بطور تصادفی و با استفاده از چک لیست استاندارد مورد بررسی قرار گرفت و درصد نقص ثبت در اجزای مختلف پرونده پزشکی بیمار بدست آمد. بررسی محتوایی و کیفی پرونده ها نیز توسط مجزی ا بطور تصادفی نیز انجام شد.

نتایج: از بین ۹۰۵ پرونده ۱۸۱ عضو هیات علمی در ۲۹٪ موارد دستورات پزشک، ۲۶٪ گزارش عمل جراحی، ۵۲٪ مراقبت قبل از عمل، ۱۴٪ برگه های مشاوره، ۵۷٪ سیر بیماری، ۴۳٪ برگه شرح حال بیماران، ۴۰٪ برگه خلاصه پرونده، ۴۶٪ برگه پذیرش و ۴۰٪ خلاصه ترخیص دارای نقص بود در بررسی محتوایی و کیفی اجزای مختلف پرونده در حدود ۴۰٪ نقص وجود داشت.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که برای دستیابی به نتیجه خوب، بهبود روند فعالیت های آموزشی لازم میباشد. تغییرات ناشی از روشهای استاندارد لازم است بطور مداوم جمع آوری و کنترل شود. و اقدامات پیشرفته برای جمع آوری اطلاعات در مورد خط مش های آموزش انجام پذیرد. طراحی، کنترل و ارزیابی بر اساس نقطه نظرات اعضای هیئت علمی برای بهبود روند آموزش ضروری است.

۲۳. بررسی مقایسه ای تاثیر روشهای آموزش سخنرانی و بحثی بر میزان یادگیری دانشجویان پرستاری در نیمسال دوم ۸۳- ۸۴

سیما لک دیزجی،نصرت رضوی،عارفه داوودی، سوسن ولیزاده

آدرس: تبریز، دانشکده پرستاری و مامائی

زمینه و هدف: امروزه آموزش پرستاری در کل متمرکز بر شیوه های تدریسی است که مهارتهای حل مسئله و تفکر انتقادی را افزایش دهد. با توجه به اهمیت ارتقاء آموزش پرستای و استفاده موفقیت آمیز از روشهای تدریس،این تحقیق به منظور تعیین مقایسه ای تاثیر روشهای آموزش سخنرانی وبحثی در میزان یادگیری دانشجویان برستاری در درس پرستاری ویژه در دانشکده پرستاری و مامائی تبریز ۱۳۸۴-۱۳۸۳ صورت گرفت.

روش و ابزار: این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی است که بصورت نمونه گیری مبتنی بر هدف برروی ۵۰ دانشجوی پرستاری انجام گرفت که دارای واحد پرستاری ویژه بودند. پس از همسانسازی متغیرهای سن و جنس و معدل ترم گذشته در دو گروه به تدریس به شیوه سخنرانی و بحثی قرار گرفتند و یک مدرس طی ۱۶ جلسه ۳۰/۱ دقیقه ای به آنها آموزش داد.ابزار گردآوری داده ها شامل فرم اطلاعات دموگرافیک و آزمون پرستاری نهائی ویژه بود.که فرم اطلاعات و پیش آزمون و پس آزمون در جلسات اول و نهائی بعمل آمد.

نتایج: یافته های پژوهش نشان داد که میزان یادگیری در گروه تدریس به شیوه سخنرانی با $p<0,005$ و در گروه بحث گروهی با $p<0,005$ به لحاظ آماری بصورت معنی داری افزایش یافته است و میزان یادگیری در گروه بحثی با $p<0,001$ از گروه تدریس به شیوه سخنرانی افزایش نشان می دهد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج پژوهش که میزان بالای یادگیری را در شیوه تدریس بحث گروهی نسبت به سخنرانی را نشان میدهد که این روش با ایجاد وابستگی در اعضای گروهها،

انطباق در گروه و مسئولیت پذیری پیامدهای مثبتی در یادگیری ایجاد نموده است که توجه به آموزش پرستاری و استفاده از روش بحثی توصیه شده و پیشنهاد میشود در خصوص میزان یادگیری در روشهای دیگر تدریس نیز مطالعات جامع تری صورت گیرد.

۲۴. بررسی میزان تاثیر کارگاه آموزشی در نحوه پرونده نویسی دانشجویان پزشکی مقطع کارورزی دانشکده های پزشکی آزاد و دولتی اردبیل

سوسن فرخی، موسی الرضا معماری، بهزاد رسول زاده

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی (EDC)

زمینه و هدف: در برخی از دانشکده های پزشکی جهان، بدلیل اهمیت اصل ارتباط صحیح و منطقی پزشکان، دوره های آموزشی اصول نگارش پزشکی برگزار می گردد که در این دوره ها دانشجویان اصول نگارش و ثبت پرونده بیماران را یاد می گیرند. تحقیقات موجود در کشور ما نشان داده است که ثبت و نگارش پرونده ها، نسخه ها و گواهی ها دچار ضعف های متعدد می باشد بطوریکه اکثر پرونده ها و اطلاعات مربوط به بیماران ناقص می باشد. مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل از سال ۱۳۸۱ اقدام به برگزاری کارگاه اصول پرونده نویسی برای دانشجویان پزشکی در آغاز دوره کارورزی نموده است. در این تحقیق به منظور ارزیابی میزان کارآیی این کارگاه در نحوه پرونده نویسی دانشجویان پزشکی، دو گروه کارورزان آموزش دیده وآموزش ندیده بایکدیگر مقایسه آماری شده اند.

روش و ابزار: این مطالعه یک بررسی توصیفی ـ مقطعی است که در سال ۱۳۸۳ بطور تصادفی ۱۵۰ مورد پرونده نویسی ۵۰ کارورز آموزش دیده (از هر کارورز سه پرونده بیمار) با ۱۵۰ مورد پرونده نویسی ۵۰ کارورز آموزش ندیده (از هر کارورز سه پرونده بیمار) در محدوده زمانی ٦ ماه پس از شروع دوره کارورزی بررسی و به متغییرهای پرونده نویسی آنها امتیاز داده شد و جهت آنالیز داده های گرد آوری شده از روشهای آماری t و کای دو استفاده گردید.

نتایج: نتایج بدست آمده از این مطالعه نشان داد که بین دانشجویان آموزش دیده و آموزش ندیده درمتغیرهای شرح حال گیری، یادداشت آشنایی با بیماران به هنگام شروع کار در بخش، یادداشت وضعیت بیماران هنگام خاتمه کار در بخش، برگه های مشاوره، یادداشت سیر پیشرفت معالجات و خلاصه پرونده تفاوت معنی داری وجود داشت ولی در متغیرهای دستورات پزشکی تفاوت معنی دار وجود نداشت. ($P < ۰,۰۱$)

نتیجه گیری: پرونده نویسی کارورزان آموزش دیده در متغیرهای مشخصات بیمار، شکایت اصلی بیمار، بیماری فعلی، تاریخچه پزشکی مربوط به گذشته، داروهای مصرفی توسط بیمار، تاریخچه فامیلی، تاریخچه روانی، اجتماعی، مرور دستگاههای بدن، معاینات بالینی بهتر و کاملتر از کارورزان آموزش ندیده بود ولی در نوشتن دستورات پزشکی بین دو گروه مورد مطالعه تفاوت معنی داری وجود نداشت.

۲۵. بررسی نظرات شرکت کنندگان کارگاه های برگزار شده در دانشگاه علوم پزشکی کاشان

محسن میری، محسن اربابی

آدرس: کاشان، دانشگاه علوم پزشکی، مرکزمطالعات وتوسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: آموزش مداوم فرایندی است که سالیان متمادی در کشور اجرا میشود.با توجه به هدف آموزش مداوم که ارتقای سطح توانمندی و آگاهی های علمی وفنی جامعه پزشکی است ونظرات متفاوتی که در این خصوص وجود دارد. این تحقیق به منظور تعین نظرات شرکت کنندگان از چگونگی کار گاههای برگزار شده توسط دفتر آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی کاشان طی سال ۱۳۸۲ می باشد.

روش و ابزار: تحقیق به روش توصیفی و از نوع داده های موجود و به صورت تصادفی در مورد ۳۰٦ شرکت کننده درکارگاه های آموزشی پژوهشی وبهداشتی صورت گرفت. اطلاعات شخصی از قبیل جنس، سن وسابقه کار در پرسشنامه ثبت شد.نظرات شرکت کننده گان پیرامون کفایت توضیحات ارائه شده در مورد نحوه انتخاب و تناسب اهداف کارگاه با موضوع، محتوی علمی،ارتباط محتوی کارگاه با نیازهای شغلی شرکت کنندگان، تشویق شرکت کنندگان به بکارگیری اطلاعات ارائه شده،روشهای مورد استفاده جهت شرکت فعالانه شرکت کنندگان،مدت زمان کار گروهی وارائه آن، توالی مناسب و منطقی موضوعات مطرح شده، نحوه

مدیریت کارگاه، میزان رضایت از زمان، مکان و وسایل کمک آموزشی در پرسشنامه استاندارد شده ثبت گردید. پاسخ ها در چهار طبقه بشدت موافق، موافق، مخالف، بشدت مخالف دسته بندی و میانگین هر طبقه تعین گردید سایر نتایج به صورت آمار توصیفی گزارش گردید.

نتایج: از ۳۰۶ فرد مورد بررسی ۶۲٪ مرد و۳۸٪ زن بودند. میانگین سنی افراد۳۷ سال و میانگین سابقه کار ۱۰سال بود. از نظر کفایت توضیحات ارائه شده در مورد نحوه انتخاب اهداف کارگاه، تناسب اهداف کارگاه با موضوع، محتوی علمی، ارتباط محتوی کارگاه با فعالیتهای شغلی شرکت کنندگان، تشویق شرکت کنندگان به بکارگیری اطلاعات ارائه شده، روشهای مورد استفاده به ترتیب ۳۱٪،۲۸٪،۲۳/۵٪،۳۶٪،۳۳٪، ۳۳٪ شرکت کنندگان برنا مه را بسیار موفق ارزیابی کردند. هم چنین از نظر شرکت کنندگان، مدت زمان کار گروهی و ارائه آن، توالی مناسب و منطقی موضوعات مطرح شده، مدیریت کارگاه،میزان رضایت ازمدت زمان و مکان برگزاری به ترتیب ۳۲٪،۳۱٪،۳۴٪، ۳۶٪، ۳۱٪ و۳۱٪ بسیار موفق ارزیابی گردید. تسلط علمی سخنرانان،بیان شیوا وروان سخنرانان، تناسب محتوای سخنرانی با موضوع برنامه و کاربرد مطالب سخنرانی با امکانات موجود به ترتیب از نظر ۸۲٪،۷۲٪،۷۱٪و۵۳٪ خوب ارزیابی گردید.

نتیجه گیری: تحقیق نشان داد، کارگاه ها ی برگزار شده در این دانشگاه موجبات حضور فعال،تحکیم اطلاعات صحیح قبلی وبرآوردن نیاز های شغلی شرکت کنندگان رافراهم می نماید. لازم است درجهت ارتقاء کمی وکیفی برنامه ها، تلاش شود.تحقیق در خصوص اثربخشی محتوای آموزشی ارایه شده در عملکرد شغلی شرکت کنندگان توصیه می شود.

۲۶. مراکز مهارتهای بالینی در دانشگاهها و دانشکده های علوم پزشکی کشور در سال ۱۳۸٤

دکتر رضا لباف قاسمی، فرنگیس شوقی شفق آریا

آدرس: مرکزمطالعات و توسعه آموزش پزشکی وزارت بهداشت و درمان

زمینه و هدف: مراکز مهارتهای بالینی محیط های بالینی شبیه سازی شده ای هستند که تا حد امکان مشابه محیط های بالینی واقعی مانند درمانگاه بخش و... می باشند.

نظر به اهمیت تاسیس مراکز مهارتهای بالینی در دانشگاهها و دانشکده های علوم پزشکی و به منظور ایجاد آمادگی در دانشجویان پزشکی قبل از ورود به دوره بالینی و رویارویی با بیمار واقعی، معاونت آموزشی و امور دانشجویی در سال ۱۳۷۸ با اجرای طرح راه اندازی مراکز مهارتهای بالینی و حمایت مادی و علمی، بستر لازم را ابتدا در دانشگاههای علوم پزشکی ایران و تهران و شهیدبهشتی و سپس در سایر دانشگاهها فراهم کرد.هدف از این بررسی آگاهی از وضعیت کلی مراکز مهارتهای بالینی در دانشگاهها بود.

روش و ابزار: ابزار این بررسی پرسشنامه بود که در اواخر سال ۱۳۸۳ برای کلیه دانشگاهها و دانشکده های علوم پزشکی (۳۳ دانشگاه و ۷ دانشکده علوم پزشکی) ارسال گردید.

نتایج: یافته ها نشان داد که ۸۵٪ از دانشگاهها و دانشکده های علوم پزشکی دارای مراکز مهارتهای بالینی و ۱۵٪ باقیمانده در حال راه اندازی مراکز هستند. دانشگاه تهران اولین دانشگاهی است که مرکز مهارتها را در دانشکده پزشکی در سال ۷۹ تاسیس کرد و تنها دانشگاهی است که چارت تشکیلاتی مصوب دارد. دانشگاه کرمان با ۱۱ نفر عضو تمام وقت بالاترین پرسنل را بطور ثابت و دانشگاه تبریز با ۲۸ نفر عضو نیمه وقت بالاترین پرسنل را بطور موقت دارا بود. در ٦۰٪ مراکز، به دانشجویان پزشکی، پرستاری و مامایی، بهداشت مهارتهای عملی آموزش داده شده و در ٤۰٪ مراکز پزشکان عمومی و رزیدنت ها نیز تحت پوشش قرار گرفته اند. ۳۳٪ از مرکز مستقیما" تحت نظر دانشکده های پزشکی و ۳۰٪ تحت نظر معاونت آموزشی، ۳۳٪ تحت نظر مراکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی و ٤٪ تحت نظر دانشکده پرستاری فعالیت می کردند.

از بین ۱۷ دانشگاهی که مبلغ بودجه تجهیز مرکز را اعلام کرده بودند دانشگاه زاهدان با مبلغ ۲۵۰ میلیون تومان بالاترین رقم را و یاسوج با مبلغ ۸ میلیون تومان کمترین رقم را برای تجهیز مرکز اختصاص داده بود.

نتیجه گیری: ایجاد و تقویت مراکز مهارتهای بالینی در دانشگاهها و دانشکده های علوم پزشکی ضروری است.

۲۷. بررسی نظرات اعضای هیأت علمی شرکت کننده در کارگاههای آموزشی برگزار شده از طرف دانشگاه علوم پزشکی مازندران – ۸۳

لاله فانی صابری ، علی دلشاد ، هدایت الله شمس

آدرس: مازندران ، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: پیشبرد مهارتهای تدریس اساتید در جهت بهبود برنامه های آموزشی وارتقاء کیفیت آموزش دانشجویان هدف مهم آموزش پزشکی می باشد. با توجه به اینکه بخش عمده ای از اساتید در زمان تحصیل خود آموزشی در ارتباط با اصول و روشهای آموزش ندیده اند، لذا شرکت در کارگاههای آموزش کوتاه مدت می تواند موجب رشد سطح آموزش در این گروه شود.

روش و ابزار: طی این تحقیق تحلیلی – توصیفی نظرات ۵۰ نفر از اعضای هیأت علمی شرکت کننده در کارگاههای آموزشی ارزشیابی و روش تدریس و برنامه ریزی برگزار شده توسط دانشگاه علوم پزشکی مازندران طی پرسشنامه ای مشتمل بر ۲۹ سؤال ۵ گزینه ای (۷ سؤال اطلاعات جمعیتی، ۲۲ سؤال جهت بررسی نگرش، علاقه، توانایی و عملکرد آموزشی، نظرات و پیشنهادات شرکت کنندگان) بررسی گردید. نتایج با استفاده از آزمونهای آماری آنالیز واریانس یکطرفه، t-test و آزمون همبستگی ارزیابی شد.

نتایج: ۳۸٪ از نمونه ها زن و ٦۲٪ را مردان تشکیل می دادند که در این میان ٦٤٪ متخصص و فوق تخصص و ۳٦٪ فوق لیسانس بودند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که ٦٥٪ نمونه ها معتقد به افزایش توانایی خود در امر آموزش به میزان زیاد و بسیار زیاد بودند و ۷۸٪ معتقد بودند که کارگاهها تا حد زیاد با فعالیتهای آموزشی آنها مرتبط بوده است. در ۷۲٪ از موارد استفاده از منابع توصیه شده در کارگاه تا حد زیاد، شرکت در کارگاه در ٦۱٪ موارد، انگیزه و علاقه افراد نسبت به آموزش تا حد بسیار زیاد (٦٤٪)، ۸٦٪ توصیه به همکاران جهت شرکت در کلاسهای مشابه در حد بسیار زیاد نیز از نتایج بدست آمده بود. نمونه ها بیشترین تأثیر (٦۹٪) را به کارگاه روش های تدریس مربوط می دانستند. بیشترین محدودیت را هم مربوط به وقت می دانستند. در بخش سؤالات باز هم تکرار کارگاهها و هماهنگی بین مطالب کارگاه و برنامه ریزی آموزشی بیشترین خواسته همکاران بود.

نتیجه گیری: گرچه ارتباط بین نگرش و رفتار، موضوع مورد بحثی است ولی به نظر می رسد که تغییرات در نگرش امروز نسبت به آموزش، تأثیر به سزایی در تغییر رفتار افراد خواهد داشت. و دانشجوان را از یادگیری غیر فعال به سمت یادگیری فعال سوق خواهد داد.

۲۸. بررسی مقایسه ای وضعیت آموزشی ایمپلنت های دندانی دانشجویان دوره عمومی دندانپزشکی در ایران با اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا

دکتر رضا پورعباس

آدرس: تبریز، دانشگاه علوم پزشکی، دانشکده دندانپزشکی

زمینه و هدف: با معرفی ایمپلنت های دندانی بعنوان یک روش موفق و قابل پیش بینی در جایگزینی دندانهای از دست رفته، افقهای جدیدی در درمانهای دندانپزشکی پیش روی دندانپزشکان و بیماران قرار گرفته است. این در حالیست که برنامه آموزشی مشخصی برای این رشته در کورتیوم آموزش دندانپزشکی کشور پیش بینی نشده است و دندانپزشکان عمومی که بار اصلی درمانها و مراقبت های دندانپزشکی را برعهده دارند، بدون آموزش های کافی نظری و عملی و صرفاً با تکیه بر سخنرانی های پراکنده در برنامه های آموزش مداوم و یا دوره های کوتاه مدتی که در توسط شرکت های تجارتی ارائه می شود و یا با یادگیری از طریق « خود آموزی » اقدام به این درمانهای می نمایند.

هدف از این مطالعه بررسی وضعیت آموزش ایمپلنت های دندانی - بعنوان یک رشته نسبتاً جدید در دانشکده های شاخص دندانپزشکی کشور در مقایسه با دانشگاه های ایالات متحده و اتحادیه اروپا می باشد.

روش و ابزار: پرسشنامه های تکمیل شده از ٤۰ دانشکده دندانپزشکی اتحادیه اروپا و ۳۸ دانشکده دندانپزشکی ایالات متحده آمریکابا نتایج حاصل از نظر خواهی از دست اندرکاران مربوطه در ٦ دانشکده منتخب دندانپزشکی از دانشگاههای تیپ یک در ایران جمع آوری و مورد مقایسه قرار گرفتند.

نتایج: هیچکدام از دانشکده های دندانپزشکی منتخب ایران برنامه آموزش مستقلی در مورد ایمپلنت های دندانی برای دانشجویان دوره عمومی دندانپزشکی ارائه نمی دهند و آموزش های مربوطه در جنب دروس دیگر ارائه می شود. در حالیکه ۸٤ درصد از دانشگاه های آمریکا و ۸۰ درصد از دانشگاه های اتحادیه اروپا دارای کورس مشخصی برای ارائه درس ایمپلنت های دندانی در کوریکولوم آموزش دندانپزشکی هستند. این دروس در ایران عمدتاً توسط گروههای آموزشی پریودنتولوژی و پروتز ارائه می شود.ولی در آمریکا و اروپا علاوه بر گروههای یاد شده گروههای آموزشی جراحی دهان و دندانپزشکی ترمیمی نیز در این مورد سهیم هستند.

تعداد ساعات سخنرانی های آموزشی در این درس در دانشکده های دندانپزشکی ایران بطور متوسط ٤/٥ ساعت بوده ولی در امریکا ۲۰/٤ و در اروپا ۲۰/۳ ساعت می باشد که اختلاف معنی داری در این مورد مشاهده می‌شود ($p < ۰/۰۰۱$) آموزش های عملی شامل فانتوم با لابراتوار در هیچیک از دانشکده های دندانپزشکی داخلی ارائه نشده در حالیکه در ۷۸ درصد از دانشکده های دندانپزشکی آمریکا و ۳۷ درصد از اروپا این درس دارای بخشهای عملی نیز می باشد. علت اصلی عدم ارائه درس ایمپلنت های دندانی بطور مستقل و مبتنی بر استانداردهای آموزشی در ایران عمدتاً: عدم وجود امکانات مالی، عدم وجود برنامه مدون وزارتی و عدم اعتقاد بر نقش دندانپزشکان عمومی در ارائه درمانهای مربوطه اعلام گردید.

نتیجه گیری: باتوجه به اقبال و اشتیاق روز افزون دندانپزشکان عمومی بعنوان مشتریان سیستم آموزش دندانپزشکی کشور در خصوص یادگیری و انجام درمانهای ایمپلنت، جهت جلوگیری از Mal practice و یا سایر عوارضی که می تواند ناشی از عدم آموزش صحیح این افراد باشد، بایستی ضمن بازنگری در حیطه های درمانی و توانمندی های مورد انتظار از دندانپزشکان عمومی، برنامه درسی مشخص و استانداردی از طرف وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی تدوین و جهت ارائه به دانشکده های دندانپزشکی ابلاغ گردد.

۲۹. بررسی تأثیر استاندارد سازی شیوهٔ آموزشی و ارزیابی در ارتقاء سطح یادگیری مهارتهای بالینی ویژهٔ بخش زنان در دانشجویان دورهٔ کار آموزی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، در سال ۱۳۸۲

دکتر شعله شاه‌غیبی، دکتر آرش پولادی
مژده بهرام‌رضایی، دکتر فریبا فرهادی‌فر

آدرس: سنندج ـ بیمارستان بعثت ـ بخش زنان و مامائی

زمینه و هدف: اهمیت فراگیری مهارتهای بالینی، انجام معاینات و برخی پروسیجرها برای دانشجویان پزشکی و تأثیر آن بر کارایی واقعی پزشکان آینده در تشخیصهای بالینی و نجات جان بیماران و در نهایت ارتقاء سطح سلامت جامعه بر کسی پوشیده نیست. شناخت ودستیابی به متدهای مؤثرتر آموزشی درزمینه ارتقاءسطح یادگیری فراگیران، باتوجه به آموزش‌های سنتی فعلی و عدم توجه کافی به آموزش مهارتها می‌تواند جزو مهمترین اقدامات سیستم آموزشی در دانشگاهها باشد.

روش و ابزار: این مطالعه یک مطالعه‌تجربی، مداخله‌ای، از نوع field trial می‌باشد. جامعه آماری شامل کلیه کارآموزان بخش زنان در سال ۸۱ تا پایان ۸۲ بوده‌اند که اولین دوره شرکت آنان در این بخش آموزشی بوده است. از مجموع ۷۳ نفر، تعداد ٤۲ نفر در گروه کنترل (که تحت آموزش معمول بخش قرار گرفتند) و ۳۱ نفر در گروه مداخله (با انجام شیوهٔ طراحی شده استاندارد آموزشی) قرار گرفتند. ابتدا از مجموع ۲۰ مهارت عملی بخش زنان، ۷ مورد با نظر کارشناسی اساتید انتخاب و پس از تهیه چک لیستهای مهارت‌سنجی و امتیازدهی (بارم بندی) ریز اقدامات مربوط به انجام هر مهارت (طبق نتیجه‌سنجی اساتید)، مهارت افراد به صورت قبل و بعد از آموزش معمول بخش (برای گروه کنترل) و قبل و بعد از آموزش استاندارد شده (برای گروه مداخله) تکمیل گردید. میزان ارتقاء سطح امتیازات انجام مهارتها نشانگر تأثیر خاص آن آموزش‌بوده و نتایج براساس آزمونهای آماری چون t- student، paired t- test و من‌ویتنی توسط نرم افزار SPSS آنالیز شد.

نتایج: در مجموع ۷۳ نفر، ۵۳/۱٪ (۳۸ نفر) پسر و بقیه دختر بودند. میانگین سنی در گروه کنترل (۱/٦±۲٤/۷) و در گروه مداخله (۰/۹±۲٤/٤) بوده واختلاف معنی‌داری دررابطه با

توزیع سنی وجود نداشت (P=۰/٤۹٥) . انجام آزمون Paired t-test به تفکیک مهارتها در هر گروه کنترل و مداخله به صورت مقایسه قبل و بعد از آموزش، با (P=۰/۰۰۰) معنی‌دار بود. مقایسه میزان ارتقاء در امتیازات در دو گروه کنترل و مداخله طبق آزمونهای t-test و من‌ویتنی در تمامی مهارتها (شامل، سمع FHR، تعیین F.H، گرفتن پاپ‌اسمیر، IUD گذاری، توشه واژینال و معاینه دو دستی و معاینه کامل پستان) معنی‌دار بوده و تنها در مهارت سوم (انجام مانورهای لئوپولد)، با P=۰/۱۱۸ غیر معنی‌دار بود. در مقایسه مجموع هفت مهارت روی هم رفته در دو گروه مداخله و کنترل طبق آزمون t و من‌ویتنی ارتقاء سطح امتیازات با (P=۰/۰۰۰) معنی‌دار بود.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج این مطالعه تأثیر آموزش به روش استاندارد و مرحله‌بندی شده در حد قابل قبولی می‌تواند در افزایش سطح یادگیری مهارتهای بالینی مؤثر باشد. بنابراین می‌توان بر این مطلب تأکید نمود که تأکید و توجه کافی در آموزش عملی مهارتها به همراه توضیح مرحله‌ای و بیان اهمیت هر یک از ریز اقدامات انجام آنها به صورت تئوری، می‌تواند به طور قابل توجهی میزان یادگیری مهارتها را ارتقاء دهد. با درک اهمیت یادگیری مؤثر مهارتهای بالینی برای یک پزشک، می‌توان منظور کردن این مطلب در برنامه آموزشی را در حد یک ضرورت بیان نمود.

۳۰. مقایسه آموزش بر مبنای تظاهرات بالینی و آموزش بالینی متداول

باقر لاریجانی، عبدالله کریمی، رضا لباف قاسمی پیمان همتی، بابک جاهد

آدرس: مرکز تحقیقات غدد، دانشگاه علوم پزشکی تهران و مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی

زمینه و هدف: بین آموزش پزشکی و انتظارات شغلی از پزشکان جوان فاصله بارزی وجود دارد.آموزش بالینی بر مبنای استدلال استقرایی (یا بر مبنای تظاهرات بالینی)منجر به کاهش فاصله مذکور میشود. هدف این مطالعه مقایسه میزان اثر اموزش بالینی متداول مبتنی بر استدلال قیاسی (معکوس) و آموزش بر مبنای تظاهرات بالینی بر آماده سازی دانشجویان برای برخورد با مشکلات غددی بود.

روش و ابزار: این مطالعه تجربی در بخش های غدد دو بیمارستان بزرگ در ترم اول سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ اجرا شد. (حجم نمونه در گروه مداخله و شاهد هر کدام ٤٥ نفر که دانشجویان با روش تصادفی ساده انتخاب و به ٤ زیر گروه تخصیص یافتند). دانشجویان هر زیر گروه یک پرسشنامه را در ابتدا و انتهای دوره بالینی دو هفته ای غدد پر کردند که میزان امادگی دانشجویان برای برخورد تشخیصی و درمانی با ٥ مشکل شایع تر و مهم تر غددی را می سنجید(ضریب پلیایی حدود ۹۰٪).

نتایج: آزمون ANOVA بین اولین زیر گروه های مداخله و شاهد دو بیمارستان تفاوتی نشان نداد. اما زیر گروه های متناظر بعدی تفاوت های معنی دارداشتند (بترتیب P=۰,۰۰٥، P=۰,۰۰۷، P=۰,۰٤۷). با تخصیص ٥٥٪ زمان بخش به آموزش بر مبنای تظاهرات بالینی، اثر آن ۷ برابر بیشتر از زیرگروه های تحت آموزش بالینی متداول بود.

نتیجه گیری: آموزش بالینی بر مبنای استدلال استقرایی منجر به آمادگی بهتر دانشجویان برای طبابت میشود. براساس نتایج مطالعه فعلی دانشجویان ازاین نوع آموزش بالینی نفع میبرندبنابراین مطالعات وسیعترمنافاتی بااخلاق پزشکی ندارد.

۳۱. بررسی تاثیر آموزش مراقبت از خود بر آگاهی و عملکرد بیماران مبتلا به نارسایی احتقانی قلب و ارائه الگوی آموزشی در بیمارستانهای وابسته به دانشگاه علوم پزشکی شهر کرمان

پروین منگلیان شهر بابکی، شهلا محمد زاده، ژاسمن شاه نظری

آدرس: شهربابک، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهربابک، گروه پرستاری و مامایی

زمینه و هدف: با توجه به افزایش رو به رشد بیماریهای مزمن قلبی و عروقی مثل نارسایی احتقانی قلب در کشور ما بنظر می رسد که اجرای برنامه های آموزشی برای این بیماران بتواند تا اندازهٔ زیادی باعث ارتقاء کیفیت زندگی آنها شود. همچنین بستری های مکرر و هزینه ناشی از آن نیز کاهش می یابد. هدف از این پژوهش تعیین تاثیر آموزش مراقبت از خود

بر آگاهی و عملکرد بیماران مبتلا به نارسایی احتقانی قلب و ارائه الگوی آموزشی می باشد.

روش و ابزار: این یک تحقیق تجربی است که واحدهای مورد پژوهش در آن ۸۰بیمار مبتلا به نارسایی احتقانی قلب بودند که در زمان نمونه گیری تحت درمان و بستری بودند و بطور تصادفی در دو گروه تجربه (n=٤٠) و شاهد (n=٤٠) قرار گرفتند. ابتدا اطلاعات دمو گرافیک، آگاهی و عملکرد هر بیمار در مورد مراقبت از خود از طریق مصاحبه و مشاهده گرفته شد. سپس هر بیمار در گروه تجربه یک برنامه آموزشی، شامل ٤جلسه آموزشی ۲۰دقیقه ای همراه با ارائه جزوه آموزشی بصورت انفرادی و پرسش و پاسخ در طی بستری دریافت کرد و یک ماه بعد از ترخیص از هر یک از بیماران ۲گروه آزمون نهایی به عمل آمد.

نتایج: در ٤۳جدول بررسی شد که نشان داد در آزمون مقدماتی در زمینه آگاهی و عملکرد بین ۲ گروه تفاوت معنی داری وجود نداشت و اکثریت آنها در هر دو گروه دارای آگاهی متوسط و عملکرد ضعیفی بودند. در آزمون نهایی، اکثریت آنها در گروه تجربه دارای آگاهی (۹۲/۵٪) و عملکرد (٦۷/۵٪) خوبی شده بودند در حالیکه در گروه شاهد امتیاز خوب در مورد آگاهی (۵٪) و عملکرد (۰٪) بود و تفاوت بین دو گروه در هر دو زمینه آگاهی و عملکرد معنی دار بود (p<۰/۰۰۰۱). همچنین مقایسه میانگین تفاضلات نشان داد که بین دو گروه تفاوت معنی داری وجود دارد که نشاندهندهٔ تاثیر آموزش بر گروه تجربه می باشد.

نتیجه گیری: بدین ترتیب فرضیه پژوهش (آموزش بر آگاهی و عملکرد بیماران مبتلا به نارسایی احتقانی قلب تاثیر دارد) ثابت شد و در نهایت یک الگوی آموزشی متناسب با نیاز این بیماران ارائه گردید. امید است که نتایج حاصل به تنظیم برنامه های آموزشی مناسب جهت بیماران کمک نماید.

۳۲. بررسی وضعیت آموزشی مهارتهای عملی به دانشجویان پزشکی ساری، شهریور۱۳۸۳

کوروش وحید شاهی، میترا محمودی، لیلا شهبازنژاد

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران

زمینه و هدف: انجام یک سری اقدامات مداخله ای جزء وظایف کارورز می باشد و وی باید این اقدامات را که برای درمان بیماران ضروری است در دوران کارورزی به کار گیرد. دانشجویان پزشکی این مهارتها را به طرق مختلف و از افراد گوناگونی فرا می گیرند، اما مطالعه یا مدارک مشخصی در مورد مناسب بودن آموزش یا صلاحیت مرجعی که مهارتها را آموزش می دهد، در دست نیست. هدف از انجام این مطالعه، بررسی چگونگی وضعیت آموزش مهارتهای عملی به دانشجویان پزشکی از دیدگاه دانشجویان می باشد

روش و ابزار: در این مطالعه که بصورت توصیفی انجام شده است تمامی دانشجویان پزشکی ورودی ۷٦ که حداقل از دوران فیزیوپاتولوژی فقط در دانشکده پزشکی ساری، تحصیل کرده اند و در شهریور سال ۸۳، آخرین ماه دوران کارورزی خود را طی می کردند، وارد مطالعه شدند. توانایی انجام مهارتهای عملی (۱٤ مورد) و چگونگی آموزش آنها با استفاده از پرسشنامه ای خود ایفا که روایی آن توسط چند تن از اساتید تائید شده و پایانی قابل قبول دارد (۰/۸۵) سنجیده شد .داده ها وارد نرم افزار spss ۱۰ شده و با استفاده از شاخصهای آماری توصیفی تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: ۲۲ دانشجو با میانگین۰/۷٤±۲۵/٤۷ سال که (٦٦/۷٪)۱٤ نفر از آنها زن بودند پرسشنامه را تکمیل کردند. تمامی دانشجویان تئوری مهارتهای تزریق داخل عضلانی، گذاردن NGT و گرفتن ABG را میدانستند. میزان آگاهی تئوری آنها در مورد زایمان NVD واخذ ECG از بقیه موارد کمتر بود (۸۱/۸٪) .تمامی دانشجویان انجام دادن مهارتهای گرفتن راه وریدی، بخیه زدن، گذاشتن سوند فولی، بی حسی موضعی را دیده بودند .تمامی دانشجویان می توانستند در مواقع لزوم، مهارتهای تزریق داخل عضلانی، بخیه زدن، کشیدن بخیه، گذاشتن سوند فولی وNGT و تهیه لام خون محیطی را به تنهایی انجام دهند، درحالی که کمتر از نیمی ازآنها قادر به اخذ ECG گرفتن زایمان NVD و گذاشتن لوله تراشه بودند .نکته قابل توجه این که تنها ٦۸/۲٪ می توانستند در مواقع لزوم عملیات CPR را به تنهایی انجام دهند.بیشترین مهارتی که از استادان آموخته بودند گذاشتن لوله تراشه بود .هیچ یک از آنان زدن بخیه، گذاشتن سوند فولی گذاشتنNGT گرفتن ABGو آتل گیری را از استادان نیاموخته بودند.سهم آموزش دستیاران از سایر گزینه ها بیشتر بود و پس از آن سایر کار ورزان، پرستار و بهیار و در نهایت استاد قرار داشت. بیشتر دانشجویان مهارتها را در مقطع کارورزی (۳٦/٤٪) و بعد از آن کار آموزی (۲۷/۱۲٪) و فیزیوپاتولوژی (۱۵/۸٪) فرا گرفته

بودند ۷۱/۴۲۰ درصد دانشجویان مهارتها را در بخش یا اورژانس بیمارستان فرا گرفته بودند سهم آزمایشگاه مهارتهای بالینی فقط٪۸/۸۹و پس از آن دانشکده (۵/۲۲) درصد موارد بود.تنها ٤۱/۹ درصد آنها مهارتهای ذکر شده را زیر نظر استاد یا دستیار انجام داده بودند و دانستن آن مهارتها فقط در٪۱٦/٦ موارد در امتحان پایین بخش آنها تاثیر داشت.

نتیجه گیری: بنظر می رسد نظارت کافی بر چگونگی آموزش مهارتهای عملی به دانشجویان پزشکی صورت نمی گیرد و سطح توانایی دانشجویان در انجام آن مهارتها، سنجیده نمی شود.

۳۳. بررسی نگرش دانشجویان رشته پزشکی دانشگاه شهید صدوقی یزد نسبت به روانپزشکی

دکتر سید سعید مظلومی، دکتر محمد علی حرازی، شهین اسلامی

آدرس: یزد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، دانشکده بهداشت

زمینه و هدف: نگرش دانشجویان پزشکی نسبت به روانپزشکی به طور گسترده در دنیای پیشرفته امروزی مطالعه شده است و ناتوانی در جذب دانشجویان پزشکی برای متخصص شدن در روانپزشکی همیشه به عنوان یک ادعای جدی مطرح بوده است. این مطالعه نگرش دانشجویان پزشکی را نسبت به روانپزشکی شناسایی و فاکتورهای مربوطه را ارزیابی می کند.

روش و ابزار: ۱۲۸ نفر از دانشجویان پزشکی سالهای اول، چهارم و هفتم دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد این نمونه مطالعاتی را تشکیل دادند. (٤۹ نفر سال اول، ٤٦ نفر سال چهارم و ۳۳ نفر سال هفتم). طرح مورد استفاده در این مطالعه از نوع توصیفی- مقطعی بوده است و اطلاعات با استفاده از پرسشنامه‌ای مشتمل بر مشخصات دموگرافیک، دانسته های آماری، اولویت های شغلی، ارزیابی و سنجش آموزشهای روانپزشکی و فاکتورهایی که ممکن است در انتخاب شغل مؤثر باشد تنظیم شده بود. روایی پرسشنامه مورد تأئید متخصصان قرار گرفت و میزان پایائی پرسشنامه به میزان ۰/۸ بوده است.

نتایج: در این بررسی میانگین نمره نگرش دانشجویان نسبت به روانپزشکی (ATP) ۳۲/۸٦ با (S.D =۷/۵) بوده است. تنها ٤/۱٦٪ روانپزشکی را به عنوان یکی از سه تخصص برتر خود انتخاب کردند. در پاسخ به این سوال که چقدر به روانپزشکی علاقه دارید، ۱۹/٦٪ علاقه بسیار کم و ۱۱/۷٪ علاقه بسیار زیادی به روانپزشکی اعلام نمودند، (P= ۰/۰۰۰۱). از ۳۳ نفر دانشجوی دوره بالینی ۵۱/۵۱٪ نحوه آموزش روانپزشکی را در بخش بالینی را ناچیز و غیر قابل قبول دانستند. به طور کلی دانشجویان سال های پائین تر وجوانترها نگرش مثبت تری را نسبت به دانشجویان سالهای بالاتر و مسن تر ها نشان دادند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج این تحقیق تغییر در نحوه آموزش روانپزشکی و ارتقاء نگرش فردی دانشجویان طی دوره های بعد از علوم پایه پیشنهاد می گردد.

۳٤. مقایسه دیدگاه اساتید، رزیدنتها و دانشجویان پزشکی در خصوص کیفیت گزارش صبحگاهی در دانشگاه علوم پزشکی اهواز

پوراندخت افشاری، سیمین صادقی

آدرس: اهواز، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: هدف اصلی از احداث بیمارستانها خدمات رسانی به بیماران است و در کنار این امر خطیر آموزش به دانشجویان نیز صورت می پذیرد لذا اتخاذ شیوه هایی جهت ارزیابی عملکرد دانشجویان دربرخورد با بیماران و انتخاب شیوه درمان بسیار ضروری می باشد. یکی از بهترین شیو ه های ارزیابی عملکرد رزیدنتها و دانشجویان پزشکی توسط اساتید گزارش صبحگاهی جهت اطلاع از وضعیت گزارش صبحگاهی در بخشهای منتخب بیمارستانهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی اهواز پژوهش حاضر صورت پذیرفت.

روش و ابزار: پژوهش حاضر مطالعه ای توصیفی است که طی آن ۱۱٤ نفر از اساتید، رزیدنتها و دانشجویان پرسشنامه تهیه شده را تکمیل نمودند. اساتید و دانشجویان به شیوه کاملاً تصادفی انتخاب شده و در تکمیل پرسشنامه آزادانه شرکت نمودند. اطلاعات پس از جمع آوری کد گذاری گردیده و با نرم افزار spss مورد آنالیز قرار گرفت.

نتایج: از ۱۱٤ نمونه شرکت کننده درپژوهش ۱۹/۳٪ انترن ۲٤/٦٪ رزیدنت و ٦٦/۱ انترن بودند، ۹۱٪ اساتید، ٦۸٪ رزیدنتها و ۵۲٪ انترنها نظر تشکیل M.R را خوب و بقیه

متوسط ذکر نمودند، ۵۵٪ اساتید، ۵۰٪ رزیدنتها، ٥٦ دانشجویان اظهار نظر نمودند که M.R هر روز در بخش تشکیل میگردد و بیش از ۸۰٪ شرکت کنندگان ساعت تشکیل آنرا ثابت ومنظم عنوان می نمودند.

اداره گزارش صبحگاهی از دیدگاه ۷۸/۳ نمونه با گروه اتندینگ و در بقیه موارد با رئیس بخش واتند بوده است. در خصوص حضور همه اتندینگ بخش و گزارش صبحگاهی ۲۳/۸٪ اتندها، ٤۲/۳٪ رزیدنتها و ۱۲٪ دانشجویان پاسخ مثبت دادند. ۷٦/۲ اساتید، ٤٤٪ رزیدنتها زمان دانشجو برای آمادگی ارائه مطلب را کافی دانسته حال آنکه دانشجویان ۷٤٪ با این امر مخالف بودند. ۷۷/۸٪ اساتید، ٤۱/۹٪ رزیدنتها و ٦٥٪ انترنها میزان یادگیری در M.R را خوب و بسیار خوب توصیف نمودند.

نتیجه گیری: نتایج این پژوهش حاکی از آن است که.متاسفانه انطباق نظر کلی از وضعیت موجود M.R بین اساتید و سطوح مختلف دانشجویان وجود ندارد و اساتید سطح آموزش را بالاتر از آنچه دانشجویان به آن می نگرند ارزیابی می کنند بنابراین به نظر میرسد سیستم آموزشی دانشگاه باید تلاشهایی در جهت انعکاس نظرات دانشجویان از وضعیت بخش به ویژه برنامه آموزشM.R را در اختیار گروه اتندینگ قرار دهد.

۳۵. مقایسه نظرات اساتید و دانشجویان در خصوص کیفیت برگزاری راند در دانشگاه علوم پزشکی اهواز

سیمین صادقی، پوراندخت افشاری

آدرس: اهواز ، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: یکی از موثرترین شیوه های آموزش بحث بر بالین بیمار توضیح در خصوص وضعیت بیمار، روشهای تشخیص، تشخیصی افتراقی و .... توسط دانشجویان مسئول به اتند مسئول در حضور گروه حاضر در بخش است از آنجا که این برنامه آموزشی با چرخش و گردش گروهی بر بالین بیمار صورت می پذیرد راند نامیده می شود و اطلاع از کیفیت انجام آن می تواند گام مهمی در ارتقاء کیفیت آموزش بالینی دانشجویان باشد.

روش و ابزار: پژوهش حاضر مطالعه ای توصیفی است که طی آن ۱۱٤ نفر از اساتید، رزیدنتها و دانشجویان پرسشنامه تهیه شده را تکمیل نمودند. اساتید و دانشجویان به شیوه کاملاً تصادفی انتخاب شده و در تکمیل پرسشنامه آزادانه شرکت نمودند. اطلاعات پس از جمع آوری کد گذاری گردیده و با نرم افزار spss مورد آنالیز قرار گرفت.

نتایج: میانگین سابقه کار اساتید ۱٤ سال بود. ارزیابی ٦۸٪ اساتید، ٥۲٪ رزیدنتها و ٤۸٪ انترنها از کیفیت برگزاری راند خوب بود. اتندینگ معتقد بودند سرپرستی راند در ۱۰۰٪ مواقع با گروه با یکی از اعضاء گروه است، رزیدنتها این میزان را ٦۰/٤٪ و انترنها آن را ۷۸/۷٪ ذکر نمودند.

٥۸٪ دانشجویان، ٤۱٪ رزیدنتها و ۱۰۰٪ اتندینگ بحث و تبادل نظر صورت گرفته در بخش را کافی می دانستند هیچ یک از شرکت کنندگان با حذف راند از برنامه آموزشی موافق نبوده و عوامل مهم بر کیفیت راند را به ترتیب به حضور اساتید، تسلط رزیدنت به مطلب علمی، حضور رزیدنت و نظم برگزاری برنامه آموزشی نسبت می دادند وکمترین عوامل بازدید مسئول آموزشی- ماهیت بخش و حضور دانشجو عنوان شد در نهایت ۸۷/۷٪ اساتید، ۷۷/۸٪ رزیدنتها و ٤۸٪ دانشجویان راند بخش خود را بسیار خوب گزارش نمودند.

نتیجه گیری: به نظر می رسد راند جایگاه مهمی در آموزش دانشجویان و بررسی بیماران داشته باشد نتایج این پژوهش بیانگر آن است که راند بیشتر برای آموزش رزیدنتها طراحی شده است و لازم است راند ها به دو شکل تخصصی و جنرال برگزار شود از سوی دیگر حضور اساتید با تجربه و جوان در کنار یکدیگر از مهمترین عوامل ارتقاء کیفیت آموزشی و سوق دادن آموزش به سوی اثر بخشی بیشتر است.

۳٦. بررسی تأثیر آموزش پرستاران به روش بحث گروهی بر کیفیت مراقبت پرستاری بیماران مبتلا به انفارکتوس میوکارد

مهدی صفری، مهوش صلصالی، دکتر فضل ا... غفرانی پور

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دانشکده پرستاری مراغه

زمینه و هدف: ازآنجا که پرستاران گردانندگان اصلی بخشهای ویژه هستند و درامر مراقبت از بیماران نقش عمده‌ای دارند کیفیت کار آنها تأثیر بسزایی در بهبود بیماران دارد . با توجه به مقاصد و خط‌مشی‌های بهسازی نیروی انسانی، آموزش

همواره به عنوان وسیله‌ای مطمئن درجهت بهبود کیفیت، عملکرد و حل مشکلات می‌باشد. این پژوهش به منظور بررسی تأثیر آموزش پرستاران به روش بحث گروهی بر کیفیت مراقبت پرستاری بیماران مبتلا به انفارکتوس میوکارد انجام شده است.

روش و ابزار: در این مطالعه نیمه تجربی تمام پرستاران واحد مراقبت ویژه قلبی و ٤٥ بیمار مبتلا به انفارکتوس میوکارد بستری در این واحد از بیمارستان منتخب آموزشی شهر تهران، بررسی کیفیت مراقبت پرستاری قبل از بحث گروهی توسط چک لیست مشاهده‌ای بررسی عملکرد پرستاران و چک لیست بررسی مراقبت‌های ثبت شده در پرونده؛ پرسشنامه رضایت سنجی بیماران از نحوه ارائه مراقبت‌ها انجام شد. سپس برنامه آموزش پرستاران به روش بحث گروهی انجام شد و مجدداً یک ماه بعد، کیفیت مراقبت پرستاری مورد سنجش قرار گرفت.

نتایج: نتایج حاکی از آن بود که در بررسی کیفیت و عملکرد پرستاران در مرحله قبل از بحث گروهی، فقط۲۰ درصد پرستاران عملکرد مراقبتی خوب داشتنددرحالیکه پس از بحث گروهی ۸۰ درصد پرستاران دارای عملکرد خوب بودند (Tزوج،۰/۰۰۱ >P). درضمن میانگین نمره عملکرد قبل ازمداخله ٢٤/٦ بوده درحالیکه بعد از مداخله به۳۸ ارتقاء یافت ومیانگین نمرات گزارش‌نویسی وثبت به ترتیب ٥/٢ و ١٦/٢ نمره به ١٠/٦ و ٢٨/١٨ رسید. میزان اثر بخشی برنامه بحث‌گروهی براساس آزمون رشد ((٥٤/٤ درصد درعملکرد مراقبتی پرستاران، ٧٣/٩ درصد در ثبت مراقبت پرستاری و ٤٨/٠١ درصد در رضایت‌مندی بیماران)) برآورد گردیده است. آموزش پرستاران به روش بحث گروهی نسبت به قبل از آموزش افزایش می‌یابد تأیید می‌گردد.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج فوق، این پژوهش اهمیت استفاده از روشهای آموزشی نوین پرستاری در واحدهای داخلی جراحی و ویژه را نشان می‌دهد.

۳۷. بررسی موانع کسب مهارتهای بالینی پزشکان عمومی

شهلا پیامنی، فریبا امینی، زهره پیامنی، دکتر فریبا طرهانی، مهتاب امانی

آدرس: خرم آباد، گلدشت، دانشکده پرستاری و مامایی خرم آباد

زمینه و هدف: بر اساس مستندات موجود و مطابق تحقیقات انجام شده در ایران و خارج از کشور رویکرد سنتی در آموزش مهارت های بالینی به دانشجویان پزشکی موفق نبوده است و تعداد زیادی از دانشجویان بدون اینکه تجارب کافی در مورد این مهارتها کسب کنند دانش آموخته محسوب می شوند در نتیجه یک فارغ التحصیل پزشکی احساس می کند بعنوان یک پزشک برای انجام کاری که بر روی بیماران بایستی انجام دهد آماده نیست. گام اول در رفع این معضل تعیین علل عدم کسب مهارت بالینی در دانشجویان پزشکی است این مطالعه با هدف تعیین موانع دستیابی به اهداف بالینی در دوره آموزش پزشکی از دیدگاه دانش آموختگان دوره پزشکی عمومی در سال ۱۳۸۳ انجام شد.

روش و ابزار: این مطالعه توصیفی - مقطعی بر روی ۹۵ نفر از پزشکان شرکت کننده در دوره های باز آموزی مرکز توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی لرستان انجام شد. روش نمونه گیری غیر تصادفی بود و جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه ای مشتمل بر خصوصیات فردی و حرفه ای واحدهای پژوهش و سوالات مرتبط با اهداف استفاده شد

نتایج: نمونه های مورد بررسی مهمترین موانع در دستیابی به مهارتهای بالینی در پزشکان را کم توجهی به دانشجویان پزشکی در زمان تحصیل، عدم وجود سیستم نظارت بر کار جامعه پزشکی، عدم ارتباط مناسب و شکاف فراوان ارتباطی بین پزشکان متخصص و عمومی، فقدان کارآیی دوره های باز آموزی و انتخاب نامناسب عناوین این دوره ها، فاصله گرفتن پزشکان از انجام کار عملی در بیمارستان بخصوص اورژانس و جذب آنها به اشتغال در مطب یا مراکز اداری، مشکلات معیشتی پزشکان،کاهش موارد یادگیری مهارتها در بیمارستانها، کار در مراکز فاقد امکانات و بدون متخصص بوده است. در پایان راهکارها و پیشنهادات واحدها در مورد مطالعه جهت ارتقاء توانمندی علمی پزشکان جمع آوری شد.

نتیجه گیری: خلاء قابل توجه در توانمندی مهارتی و آنچه یک پزشک در عمل بایستی قادر به انجام آن باشد در سیستم آموزش فعلی پزشکی وجود دارد و فارغ التحصیلان در توانمندی خود برای انجام فعالیتهای مورد انتظار اعتماد بنفس ندارند.

۳۸. ارزیابی تاثیر کارگاه آموزشی بر عملکرد اساتید در زمینه ارزشیابی دانشجو و تهیه آزمون

مرضیه مؤمن نسب، محمد حسین کاوه ، پروانه احمدی

آدرس: مرکز توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان

زمینه و هدف: ارزیابی پیشرفت تحصیلی و کفایت دانشجو یکی از مهمترین و چالش برانگیزترین وظایف معلمان به ویژه در آموزش پزشکی است. این امر قویاً برنیاز اساتید به کسب مهارت های ضروری در ارزشیابی دانشجو دلالت می نماید. در پاسخ به این نیاز، مراکز توسعه آموزش پزشکی برنامه های آموزشی کوتاه مدت را برای اساتید در دانشگاه های علوم پزشکی طرح ریزی و اجرا می نمایند. اما به دلیل شواهد ناکافی تاثیر این برنامه با سئوالاتی مواجه است. این مطالعه نیمه تجربی به منظور ارزیابی تاثیر کارگاه آموزشی بر عملکرد اساتید در زمینه ارزشیابی دانشجو و تهیه آرمون اجرا گردیده است.

روش و ابزار: ۳۸ استاد شامل ۱۸ نفر در گروه مداخله و ۲۰ نفر در گروه گواه در این مطالعه مشارکت کردند. کارگاهی دو روزه برای گروه مداخله اجرا گردید. از یک فهرست وارسی حاوی معیارهای ارزیابی پرسش های چند گزینه ای اساتید در آزمون های استفاده کرده بودند. برای جمع آوری اطلاعات قبل و بعد از مداخله استفاده شد. نمرات اساتید در نوشتن پرسش های چند گزینه ای محاسبه و توسط آمار غیر پارامتریک تحلیل گردید.

نتایج: تعداد ۱۱٤۰ پرسش چند گزینه ای در دو گروه مطالعه ارزیابی و تحلیل شد. معلمانی گروه مداخله بهبود بارزسی را در مهارت های خود برای نگارش صحیح پرسش ها نشان دادند. اکثر پرسش های مورد استفاده در سطح دانش از حیطه شناختی یادگیری قرار داشتند.

نتیجه گیری: شواهد نشان می دهد که کارگاه های آموزش تاثیر مثبتی روی رفتار و مهارت معلم دارند. این برای اساتید در دانشگاه های علوم پزشکی که قبل از آغاز خدمت معلمی خود آموزش ندیده اند حائز اهمیت و ارزش بسیار است. در نهایت این مطالعه پژوهش های بیشتری را با تعداد زیادتری از مشارکت کننده برای آموزش اساتید علوم پزشکی در زمینه انواع دیگر آزمون ها و همچنین تهیه پرسش و آزمون در سطوح بالاتر حیطه های یادگیری پیشنهاد می نماید.

۳۹. دیدگاه های دانشجویان پزشکی درباره وضعیت برنامه های آموزش بالینی در دانشگاد علوم پزشکی لرستان

مرضیه مؤمن نسب، محمد حسین کاوه، مریم تاج فر

آدرس: مرکز توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان

زمینه و هدف: کسب مهارت های اساسی یا حرفه ای شدن در طب بستگی زیادی به چگونگی آموزش و یادگیری در محیط های بالینی، هم به لحاظ کمی و هم کیفی، دارد. این مطالعه مقطعی با هدف سنجش وضعیت برنامه های آموزش بالینی اجرا شده برای دانشجویان پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی لرستان اجرا گردیده است.

روش و ابزار: مشارکت کنندگان در این مطالعه دانشجویان پزشکی مشاغل به تحصیل در مقطع کارآموزی و کارورزی در نیمسال دوم ۸٤-۸۳ بودند. اطلاعات پژوهش با استفاده از پرسشنامه ای دو قسمتی و خود ایفا جمع آوری شد. در بخش اول پرسشنامه اطلاعات شخصی و در بخش دوم کمیت و کیفیت برنامه های آموزش بالینی با تمرکز بر آخرین بخش بالینی گذرانده شده مورد ارزیابی قرار گرفت.

نتایج: آموزش بر بالین بیمار، گزارش صبحگاهی و آموزش در درمانگاه رایج ترین نوع آموزش بالینی بودند که برای دانشجویان استفاده شده است. جلسات ژورنال کلاب با فراوانی کمتری اجرا شده بود. راندهای آموزشی روزانه و منظم در ٥٤/٥٪ از بخش ها اجرا شده بود، که مدت آن ها در ٤۷/۸٪ موارد کمتر از ۳۰ دقیقه بوده است. تنها تعداد کمی از دانشجویان (۱٦/۷٪) اظهار داشتند که به پیامدهای یادگیری مورد انتظار از طریق جلسات آموزشی بر بالین بیماران دست یافته اند. گزارش های صبحگاهی در اکثر بخش ها به مدت ۳۰ تا ٦۰ دقیقه برقرار بوده است. اما دانشجویان نسبت به

محدودیت مشارکت خود در این جلسات ابراز نارضایتی می کردند. اکثر جلسات ژورنال کلاب به صورت گزارشی از مقاله به شیوه سخنرانی با بحث محدود اجرا شده است. یادگیری مهارت های ارتباطی، مشاوره و آموزش به بیمار در حد کافی در برنامه های آموزشی بالینی لحاظ نگردیده بود.

نتیجه گیری: در مجموع برخی مشکلات در برنامه های آموزش بالینی مورد اجرا برای دانشجویان پزشکی وجود دارد که از طریق برنامه ریزی مشارکتی قابل رفع و اصلاح هستند

٤٠. آموزش طرح مسئله و تأثیر آن بر یادگیری بالینی دانشجویان

سیما مقدسیان

آدرس: تبریز، دانشکده پرستاری و مامائی

زمینه و هدف: شیوه آموزشی طرح مسئله یک جایگزین مفید آموزشی در برابر روشهای رایج شناخته شده می‌باشد و مشخصه آن یاد دادن حل مسئله، مهارتهای خود یادگیری و افزایش انگیزش و حفظ و نگهداری اطلاعات می‌باشد.

روش و ابزار: این پژوهش یک مطالعه تجربی بوده و واحدهای مورد پژوهش را ٤٨ تن از دانشجویان ترم ششم پرستاری تشکیل می‌دادند که به دو گروه تجربی و شاهد تقسیم شده بودند که گروه تجربی با شیوه طرح مسئله و گروه شاهد با روش رایج تحت آموزش قرار گرفتند. پس از تعیین اعتبار و اعتماد علمی ابزار گردآوری داده‌ها اطلاعات مربوط به مشخصات فردی توسط پرسشنامه ومهارت بالینی با برگ مشاهده تنظیم شده توسط پژوهشگر جمع آوری گردید.

نتایج: نتایج نشان داد که آموزش به شیوه طرح مسئله با اطمینان بیش از ۹۹٪ بر عملکرد گروه تجربی و آموزش به شیوه رایج با اطمینان بیش از ۹۹٪ بر مهارت گروه شاهد موثر بوده است. نتایج آماری در مقایسه دو روش فوق با اطمینان بیش از ۹۹٪ نشان داد که آموزش طرح مسئله در حیطه. مهارت بیش از روش رایج بر یادگیری بالینی واحدهای مورد پژوهش موثر بوده است.

نتیجه گیری: حل مسئله و آفرینندگی در بالاترین سطح فعالیتهای شناختی انسان قرار دارند. در واقع هدف عمده تمام نهادهای پرورشی و همه فعالیتهای آموزشی ایجاد توانائی حل مسئله و آفرینندگی در فراگیران است. زیرا تنها از راه ایجاد این توانائیهاست که میتوان افراد را برای مقابله با شرایط متغییر زندگی و موقعیتهای جدیدی که مرتباً با آن روبرو می-شوند آماده کرد

٤١. بررسی تاثیر آموزش بر میزان آگاهی و مهارت دانشجویان مامایی در خصوص احیاء نوزاد

حسین ابراهیمی، ناهید بلبل حقیقی، محبوبه پورحیدری، داود عودی

آدرس: شاهرود ، دانشکده علوم پزشکی

زمینه و هدف: گذر از مرحله داخل رحمی و قدم نهادن به دنیای خارج از رحم احتمالا پر مخاطره ترین واقعه زندگی هر فردی است.تقریبا ۱۰۰٪ از نوزادان هنگام تولد برای شروع تنفس نیاز به اندکی کمک دارند و حدود ۱٪ نیز به اقدامات گسترده جهت احیا نیازمند هستند و باید توجه داشت که آسفکسی زایمانی علت حدود٪۱۹ از ٥ میلیون مرگ سالیانه نوزادان در سراسر جهان را به خود اختصاص می باشد.این مسئله به این معنا است که با به کار بستن ماهرانه روشهای احیاء نوزاد پیش آگهی بیش از یک میلیون مرگ نوزاد در سال بهبود خواهد یافت.این پژوهش با هدف بررسی تاثیر آموزش بر میزان آگاهی و مهارت دانشجویان مامایی در خصوص احیاء نوزاد انجام گردید.

روش و ابزار: پژوهش حاضر یک پژوهش مداخله‌ای می باشد. جامعه پژوهش شامل کلیه دانشجویان ترم ٥ و ۷ کارشناسی پیوسته مامایی و ترم ۲و ٤ کارشناسی ناپیوسته مامایی می باشند. ابزار جمع آوری اطلاعات شامل یک پرسشنامه و یک چک لیست بود. پرسشنامه فوق الذکر در ٦ بخش در خصوص مراحل انجام احیا (مقدمه، گامهای اولیه، کاربرد بگ و ماسک، فشردن قفسه سینه، لوله گذاری داخل تراشه و دارودرمانی) تنظیم شد که در دو مرحله قبل و بعد از انجام آموزش توسط واحدهای مورد پژوهش تکمیل گردید. چک لیست سنجش مهارت نیز در ٥ بخش در خصوص مراحل انجام احیا (گامهای احیا، کاربرد بگ و ماسک، فشردن قفسه سینه، لوله گذاری داخل نای و درمان دارویی) تنظیم شد که از طریق مشاهده دانشجویان به هنگام انجان احیا در اتاق پراتیک مامایی در دو مرحله قبل و بعد از آموزش توسط دو کارشناس پرستاری

شاغل در واحد بیهوشی اتاق عمل تکمیل گردید.اطلاعات پس از استخراج در سیستم نرم افزاری SPSS مورد تجزیه وتحلیل قرار گرفت. برای تحلیل داده ها نیز از آمار توصیفی و آزمون آماری T زوج استفاده گردید.

نتایج: یافته های پژوهش نشاندهنده آن بود که قبل از آموزش آگاهی و مهارت دانشجویان در خصوص مراحل احیاء در اکثر موارد در حد ضعیف تا متوسط بوده است. همچنین آزمون آماری زوجی نشاندهنده وجود اختلاف معنی دار بین میزان آگاهی و مهارت دانشجویان در هر شش حیطه ذکر شده مربوط به احیاء قبل و بعد از آموزش بود.

نتیجه گیری: اساسا آگاهی و مهارت در خصوص انجام احیا با انجام آموزش علمی و عملی ارتقا خواهد یافت وبا توجه به تاثیر انجام احیا در کاهش مرگ ومیر کودکان تازه متولد شده به نظر میرسد آموزش علمی و عملی با استفاده از تکنیکهای آموزشی مدرن و با استفاده از ابزارهای پیشرفته مانند مدلها و مولاژهای مدرن امری لازم می نماید.

۴۲. استفاده از روش خود آموزی گروهی مبتنی بر حل مسئله و ارزشیابی آن در گروهی از دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

دکتر مینو یغمایی، دکتر مژگان مختاری

آدرس: زاهدان، دانشگاه علوم پزشکی، دانشکده پزشکی

زمینه و هدف: از آنجا که بیماران در مراجعه به پزشکان مختلف نام بیماری خود را نمی گویند بلکه فقط شکایت خود را ذکر می کند، جهت توانمند ساختن پزشکان در انجام وظایف حرفه ای خود سیستم آموزشی به جای استفاده از روش های سنتی باید به سمت آموزش بر اساس علایم و نشانه های بیماری حرکت کند.

روش و ابزار: در این پژوهش برای ۸ جلسه (معادل ۱۶ ساعت) از درس تئوری زنان و زایمان کارآموزان پزشکی بر اساس سرفصل های مصوب دوره، اهداف آموزشی و فهرست منابع و نحوه ارزشیابی نوشته شد و در اختیار آنان قرار گرفت. سپس دانشجویان به ۶ گروه ۵ نفری تقسیم شدند. برای هر عنوان درسی از قبل ۲ سوال توسط استاد طرح می شد و به دانشجویان داده می شد و از آن ها خواسته می شد که با توجه به فهرست منابع پاسخ سوالات را به صورت کتبی برای جلسه بعد آماده کنند. در جلسه بعد یک گروه به طور تصادفی جهت پاسخ گویی به سوالات انتخاب می شد و پاسخ ها به بحث گذاشته می شد و گروه های دیگر نیز نکات مبهم و نظرات خود را بیان می کردند. در پایان هر جلسه جهت اطمینان از همکاری کلیه اعضای گروه ها در این فرآیند چند سوال چندگزینه ای در مورد همان مطلب که از قبل طرح شده بود به دانشجویان داده می شد. در انتهای دوره نیز یک امتحان کلی با همکاری سایر اساتید گروه از دانشجویان گرفته شد.

نتایج: نظرات دانشجویان با ۱۰ سوال ۵ درجه ای لیکرت مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج نشان داد که این روش در حیطه های ایجاد انگیزه درونی (معدل نمرات: ۴/۵)، تکرار مطالب (۳/۵)، شرکت فعال در یاد گیری (۴/۳)، تناسب روش ارزشیابی با روش آموزش (۴) موفق بوده است.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاکی از موفقیت آمیز بودن این روش بود. لذا پیشنهاد می شود این روش در آموزش دیگر دانشجویان ودیگر دروس هم استفاده شود.

۴۳. بررسی تأثیر آموزش در مرکز مهارتهای بالینی بر آگاهی احیا قلبی ریوی پزشکان و پرستاران شاغل درمراکز آموزشی درمانی دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال ۱۳۸۳

دکتر حسین خوشرنگ، دکتر آبتین حیدرزاده، عطا ا... اسدی لویه

آدرس: گیلان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، معاونت آموزشی

زمینه و هدف: آگاهی و مهارت کامل در انجام عملیات احیا برای کلیه پرسنل پزشکی ضروری و در ارتباط با میزان زنده ماندن بعد از احیا قلبی ریوی و کیفیت بهتر زندگی برای نجات یافتگان است.

این مطالعه تأثیر آموزش در مرکز مهارتهای بالینی بر آگاهی احیا قلبی ریوی پزشکان و پرستاران را مورد ارزیابی قرار داده است.

روش و ابزار: در این مطالعه مداخله‌ای قبل و بعد ۲۳۰ نفر (۱۱۵ پزشک عمومی و ۱۱۵ پرستار) شاغل در مراکز آموزشی درمانی دانشگاه علوم پزشکی گیلان در مرکز مهارتهای بالینی مورد بررسی قرار گرفتند. آگاهی این افراد توسط

پرسشنامه‌ای که حاوی ۲۰ سوال در زمینه اقدامات اولیه احیا (برای گروه پرستاری و پزشکی) و ۱۰ سوال در زمینه اقدامات پیشرفته احیا (برای گروه پزشکی) بود مورد ارزیابی قرار گرفت. سپس یک دوره کلاس تئوری و عملی اقدامات اولیه و پیشرفته احیا با استفاده از اسلاید و ویدئو پروژکتور و مانکن‌های استاندارد برگزار شد. در پایان دوره نیز آگاهی شرکت کنندگان مورد سنجش مجدد قرار گرفت.داده های حاصله توسط نرم افزار SPSS و آزمون آماری ANOVA تحلیل شد.

نتایج: میانگین نمره آگاهی پرستاران در زمینه اقدامات اولیه احیا قلبی ریوی قبل از مداخله ۲/۶۲ ± ۰/۶ ۷و بعد از مداخله ۲/۸۳±۱۲/۴۴ بود(P=۰،۰۰۰۱) . میانگین نمره آگاهی پزشکان در زمینه اقدامات اولیه احیای قلبی ریوی قبل از مداخله ۲/۷۳±۹/۸۴ و بعد از مداخله ۲/۵۴±۱۲/۶۷بود(P<۰،۰۰۱). میانگین نمره آگاهی پزشکان در زمینه اقدامات پیشرفته احیا قلبی ریوی قبل از مداخله ۲±۲/۶۹ و بعد از مداخله ۲±۴/۲۶ بود (P<۰،۰۰۱).ارتباط معنی داری بین مدت زمان فارغ التحصیلی و نمره آگاهی افراد مشاهده شد (P<۰،۰۱).

نتیجه گیری: میزان آگاهی واحدهای مورد پژوهش قبل از آموزش بسیار پایین بوده و بعد از آموزش افزایش قابل توجهی یافته است، این مطلب لزوم برگزاری کلاس‌های تئوری و عملی احیا را تأیید می‌کند

۴۴. آموزش دستگاه تنفس و تحلیل ارزشیابی آن‌در دانشجویان اولین دوره اصلاحات آموزش پزشکی

دکتر نیر رسائیان

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی

زمینه و هدف: در ترم دوم سال تحصیلی ۸۴-۸۳ آموزش دستگاه تنفس به اولین دوره دانشجویان پزشکی که مشمول طرح اصلاحات آموزش پزشکی بوده اتد انجام گردید. تدریس این دستگاه شامل ۱ ساعت جنین شناسی، ۳ ساعت آناتومی، ۱ ساعت رادیولوژی، ۱ ساعت بافت شناسی، ۱ ساعت بیوشیمی، ۸ ساعت فیزیولوژی، ۱ ساعت ایمونولوژی و ۳ ساعت معاینه بالینی بوده که به ترتیب توسط دکترگرجی، دکترفدائی، دکتر بخشایش کرم، دکتر ساعدی، دکترپژهان، دکتر رسائیان، دکتر مصفا و دکتر جماعتی انجام شده است.

روش و ابزار: دانشجویان شامل ۶۲ نفر، ۵۹٪ دختر و ۴۱٪ پسر و درصد حضور آنان در تمام جلسات ۹۷/۶٪ بوده است. سئوالات امتحانی علمی ـ تحلیلی و از نوع تستی چهارجوابی و کوتاه پاسخ بوده که در گروه تالیف درسنامه تنفس به تایید رسیده است و شامل ۵۵٪ چهار جوابی با یک پاسخ مورد نظر، ۳۷٪ چهارجوابی با بیش از یک پاسخ درست و ۸٪ کوتاه ـ پاسخ بوده و امتحان شامل ۶۰ سئوال متناسب با ساعات تدریس، طی ۶۰ دقیقه در اردیبهشت ماه ۸۴ اجرا گردیده است.

نتایج: نتایج امتحان گویای قبولی کلیه دانشجویان با میانگین و انحراف معیار ۱/۸۹ ± ۱۳/۵ بوده و بررسی سئوالات امتحانی طبق تعاریف موجود نشان داده است که ۵۷٪ سئوالات را باید آسان تلقی نمود زیرا به آن ها بیش از ۷۰٪ دانشجویان پاسخ درست داده اند و تنها دو سئوال (۳٪) سخت بوده و پاسخ درست به آن ها توسط کمتر از ۳۰٪ دانشجویان داده شده است و بقیه (۴۰٪) سئوالات متوسطی بوده اند. شاخص دیگر برای مطلوب بودن سئوالات، تمایز دانشجویان موفق که نمره امتحانی آنان در گروه ۲۵٪ بالای کلاس قرار دارند از دانشجویان ناموفق با نمره امتحانی در محدوده ۲۵٪ پائین کلاس، یا Discrimination Index >۰/۳ می باشد. با محاسبه این شاخص فقط ۴۸٪ سئوالات مطلوب شناخته شد چون بقیه آن ها نتوانستند دانشجویان موفق و ناموفق را از یکدیگر تفکیک کنند.

نتیجه گیری: بدیهی است داده های این ارزشیابی با توجه به محتوای علمی ـ تحلیلی سئوالات، نیازمند تحلیل موشکافانه ای است که نتیجه گیری های فوق را تحت الشعاع قرار می دهد. زیرا طراحی سئوالات به گونه ای نبوده است که تنها دو سئوال سخت در بین آن ها یافت شود و بخصوص سئوالات با بیش از یک پاسخ درست و یا کوتاه ـ پاسخ نمی توانند برای دانشجویان پیچیده و وقت گیر نباشند. این سئوالات حتی شاخص تمایز کمتری نسبت به بقیه داشته اند. لذا چنانچه از دیدگاه دیگری به نتایج بنگریم کلاس را فاقد گروه ناموفق می یابیم و دور از انتظار نیست که در پاسخگوئی به سئوالات حتی پیچیده فاصله چندانی بین دانشجویان حاصل نگردد (DI<۰/۳)، که خود شاخص ارزشمندی برای آموزش و یادگیری می تواند باشد. در این ارتباط شاید بتوان عواملی چون هدفمند بودن محتوای دروس در جهت آینده حرفه ای

دانشجویان و ارتباط و هماهنگی قسمت های مختلف آن ها با یکدیگر، آموزش با روش فعال در حداقل ٤٠٪ مدت تدریس و حضور چشمگیر دانشجویان در کلاس های درس را در افزودن انگیزه استاد و دانشجو موثر دانست. البته به نظر می رسد مسئولین طرح اصلاحات آموزش پزشکی علاوه بر برنامه ریزی علمی و دقیق، در بررسی نظرات دانشجویان در ملاقات های هفتگی و توجه قدم به قدم به پیشرفت تحصیلی آنان نیز بسیار موفق بوده اند.

٤٥. تأثیر مطلوب یادگیری به روش حل مسأله در مقایسه با تدریس سنتی در درس آناتومی دانشجویان سال اول پزشکی

امیر افشین خاکی، سینا زرین تن، حسین جباری خامنه

آدرس: تبریز، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دانشکده پزشکی، گروه تشریح

زمینه و هدف: در این مطالعه برای بررسی اثر یادگیری به روش حل مسأله (Problem-based learning = PBL) در مقایسه با روش تدریس سنتی در ارتقای سطح آموزشی دانشجویان سال اول رشته پزشکی در درس آناتومی از نمرات کسب شده توسط آنان و همچنین رضایت مندی آنان از دو روش فوق الذکر استفاده شد. مطالعه بر این فرضیه ها استوار بود که اولاً دانشجویان سال اول پزشکی با استفاده از یادگیری به روش حل مساأله نمرات بیشتری در آزمون های آناتومی کسب می کنند و همچنین رضایت مندی آنان از واحد درسی مربوطه بیشتر خواهد بود.

روش و ابزار: تمامی ۸۹ دانشجوی سال اول دانشکده پزشکی تبریز برای این مطالعه مورد بررسی قرار گرفتند. نصف ترم به روش سنتی تدریس شده ودر نصف دیگر آن یادگیری به روش حل مسأله اجرا گردید. در پایان هر یک از روش ها آزمونی برگزار گردیده و همچنین یک پرشنامه به منظور ارزیابی رضایت مندی دانشجویان از دو روش فوق الذکر در پایان هر مرحله توسط دانشجویان پر شد. تست من-یو-ویتنی، t-تست و تست منفرد میانه تحت نرم افزارهای آماری SPSS و Minitab برای آنالیز داده های حاصل مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج: نمرات آزمون در روش PBL بیشتر از روش سنتی تدریس بوده است (میانگین نمرات در روشPBL = ۷۱/٦٪ و در روش سنتی تدریس = ٦۳/۳٪، $p<0/05$). دانشجویان نیز از روش PBL رضایت مندی بیشتری داشته و معتقد بودند یادگیری به روش حل مسأله قابلیت های بحث و تبادل نظر گروهی را در آنان تقویت کرده است ($p<0/05$).

نتیجه گیری: با توجه به کسب نمرات بیشتر در روش PBL، به نظر می رسد یادگیری به روش حل مسأله در مقایسه با روشهای سنتی تدریس در واحدهای آناتومی دانشجویان سال اول موفق تر عمل می کند. علاوه بر این روش PBL می تواند در واحدهای درسی علوم پایه جهت ایجاد بحث های گروهی میان دانشجویان و همچنین افزایش خلاقیت آموزشی در میان آنان مورد استفاده قرار گیرد.

٤٦. اثر بخشی کاربرد روشهای تدریس و یادگیری تعاملی در فرایند های آموزشی

دکتر حامد مرتضوی، دکتر رحیم نعمت
دکتر فرخ سهیل ارشدی، محمد رضا آرمات

آدرس: خراسان شمالی، دانشکده علوم پزشکی بجنورد، گروه پرستاری

زمینه و هدف: کاربرد TQM در سیستم های آموزشی اطمینان از کیفیت فرایند تدریس و یادگیری است. که دانشجویان با کیفیت پرورش داده شده و موجب رضایت مشتریان میشود. در مدل TQM، متدها بر مبنای بازده آموزش پایه ریزی میشوند چالش این است که هر دانشجو بتواند در فرایند تدریس و یادگیری با ارائه زمان کافی، حمایت، انگیزه، منابع و فرصت برای یادگیری در نیل به استاندارد های مورد توافق آموزش عالی در یک محیط کاملاً با کیفیت سود ببرد. پژوهش حاضر با هدف روشهای تدریس و یادگیری تعاملی و روش معمول در فرایند های آموزشی را در فرایند تدریس و یادگیری دانشجویان پرستاری انجام شد.

روش و ابزار: در این مطالعه تجربی ۳٤ نفر از دانشجویان پرستاری در دو مرحله که در مرحله اول ۱٦ نفر در دو درس پرستاری روانی و پرستاری کودکان به طور تصادفی و در مرحله دوم ۱۸ نفر در دروس کودکان و روانی به صورت مبتنی بر هدف در دو گروه آزمون و شاهد قرار گرفتند. در هر

دو مرحله با روش خود کنترلی همسان سازی انجام شد. بعد از نظر سنجی از دانشجویان جهت انتخاب شیوه ارتقاء در گروه آزمون روش تدریس سخنرانی بعلاوه بحث گروهی و شیوه امتحان، روش معمول بعلاوه آزمون مجدد و در گروه شاهد سخنرانی و روش معمول امتحان انتخاب شد. در مرحله دوم شیوه امتحان جهت حذف اثر آزمون مجدد در گروه شاهد نیز آزمون مجدد انجام شد. در هر ٤ گروه نمرات پره کوئیز، پره تست، اضطراب قبل از امتحان، امتحان پایانی، درصد ضریب ماندگاری یادگیری (امتحان یک ماه بعد)، میزان غیبت از کلاس و میزان مراجعه به سایر متون و... سنجیده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمونهای تی، ویلکاکسون و من ویتنی و با نرم افزار SPSS انجام شد.

نتایج: تفاوت میانگین نمرات پره کوئیزه و پره تست در دو گروه معنی دار نبود. میانگین نمره اضطراب قبل از امتحان در دوگروه شاهد بیشترودارای تفاوت معنی دار بود (P = ./۰۱۸). میانگین نمرات پایانی در گروه آزمون بیشتر و در دو ورودی ۸۰ و ۸۱ و در مجموع دارای تفاوت معنی دار بود.(P ۸۰=۰/۰۱، P۸۱=۰/۰۱۸و ۰/۰۰۰۱>مجموعP).میانگین میزان غیبت از کلاس در گروه شاهد بیشتر بود ولی تفاوت معنی دار نبود. میزان مراجعه به سایر متون نیز در گروه آزمون بیشتر و دارای تفاوت معنی دار بود(P < ۰/۰۰۱).

نتیجه گیری: کاربرد روشهای تدریس و یادگیری تعاملی در فرایند تدریس و یادگیری سبب شور و نشاط جدید در کلاس، افزایش باور و توقع دانشجو، مشارکت دانشجو در اداره کلاس، مراجعه بیشتربه سایرمتون،افزایش ضریب ماندگاری و کاهش غیبت ازکلاس درس شد ولذاپژوهشگراستفاده کاربردی ازاین شیوه رابه سیستمهای آموزشی پیشنهاد میکند.

٤٧. تکلیف شب یا حقوق دوجانبه

دکتر نعمت بیلان

آدرس: تبریز، دانشگاه علوم پزشکی ، معاونت آموزشی

زمینه و هدف: برنامه آموزشی موفق باید به دو عنصر «حداقل های یادگیری» و« بایدهای یادگیری» مسلح بوده و شیوه مناسبی برای پیاده سازی آن نیز طراحی نموده باشد. تداوم یک برنامه نیز در گرو مفهوم سازی از یک طرف و ایجاد مفاهمه از طرف دیگر و در عین حال ظرفیت سازی برای اجرای بهینه آن است. کارنامه آموزشی « Log book » به عنوان ابزاری برای بیان حقوق دوجانبه بین فراده و فراگیر باید از مجرای «حداقل ها و بایدهای یادگیری» به سمت نهادینه سازی یا پایدارسازی مفاهیم آموزشی حرکت کند و لیکن، به نظر می رسد که خود Log book از فقدان مفاهمه و زبان مشترک نسبت به تعریف، ضرورت، محتوی و شیوه پیاده سازی رنج می برد. این مطالعه برآن است تا دیدگاه رزیدنت ها و اساتید نسبت به این ابزار مهم را ارزیابی کند.

روش و ابزار: این بررسی مطالعه توصیفی است که در آن از ۵۰ نفر رزیدنت و ۳۰ نفر از اساتید بخش هائی که Log book دارند در مورد ضرورت، جایگاه، نقش و ارتباط آن با «بایدهای یادگیری» نظرخواهی شده است.

نتایج: این بررسی نشان میدهد که بیش از۹۰٪ رزیدنتهاو ۸۵٪ اساتید نسبت به ارتباط Log book با «بایدهای یادگیری » کاملاً بی اطلاع بوده و این دو را مطالب جدا از هم تلقی و کارنامه آموزشی را صرفاً در حد یک تکلیف آموزشی در قالب پرکردن ستون و جداول قلمداد می کنند.

نتیجه گیری: نتایج این بررسی نشان می دهد که برای این مطلب مهم مفهوم سازی نشده و زبان مشترک ایجاد نگردیده، لذا یا وظیفه اداری و یا تکلیف شب تلقی شده است. حاصل چنین دیدگاهی در عمل به عدم تأثیر Log book در اصلاح فرآیند آموزشی و سنجشOut comeمنجرشده وخواهدشد. باتوجه به مواردفوق توصیه میشود کارگاه های مفاهمه (Conceptualization) برای Log book تشکیل و ضرورت آن به عنوان یک حق دوجانبه تبیین و مکانیسم مناسب برای اجرا و پایش آن در عرصه تنظیم گردد.

٤٨. بررسی تاثیر آموزش به روش کار گروهی بر مهارت محاسبات ریاضی دارویی مورد نیاز در آموزش بالینی در دانشجویان پرستاری

طاهره سلیمی،لیلی شهبازی، فرحناز فرنیا، شهناز مجاهد محمد حسین احمدیه، محمد حسن دهقانپور

آدرس: یزد، دانشکده پرستاری و مامایی شهید صدوقی

زمینه و هدف: یکی از وظایف مهم دانشجویان پرستاری در هنگام انجام کار آموزیها در محیط بالینی انجام محاسبات ریاضی دارویی میباشد. این وظیفه باید با دقت زیادی صورت

گیرد تا منجر به بروز خطرات جدی برای بیماران نگردد. نتایج تحقیقات مختلف نشان میدهد که از هر پنج مورد دارو دادن در یک مورد اشتباه وجود دارد که ۳۳٪ این اشتباهات مربوط به محاسبات ریاضی میباشد. بر این اساس پژوهشگران با توجه به مشکلات در این زمینه بر آن شدند تا تاثیر آموزش به روش کار گروهی را بر مهارت محاسبات ریاضی دارویی مورد نیاز در آموزش بالینی دانشجویان پرستاری مورد بررسی قرار دهند.

روش و ابزار: این مطالعه کار آزمایی بالینی بوده و دانشجویان پرستاری ترم دوم و بالاتر شاغل به تحصیل در دانشکده پرستاری و مامایی شهید صدوقی که لااقل یکی از واحد های کار اموزی بالینی را گذرانیده بودند در آن شرکت داشته اند. در ابتدا مهارت واحد های مورد پژوهش در زمینه محاسبات دارویی شامل معادله، کسر، تقریب، تغییر واحد، گرد کردن، درصد و ممیز در قالب کیس های مختلف سنجیده شد. سپس آموزش مهارتهای ریاضی فوق الذکر با استفاده از کار گروهی صورت گرفت. داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری نشان میدهد که تفاوت میانگینی امتیازات قبل و بعد از آموزش به روش کار گروهی از نظر آماری معنی دار است($p=۰.۰۰۰$) بدین معنی که میانگین تفاوت قبل و بعد از آموزش در مهارتهای هفت گانه محاسبات ریاضی ۲/۰۳ با انحراف معیار ۱/۳۶ (از حداکثر ۷ امتیاز) بوده است.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که متاسفانه دانشجویان پرستاری در بسیاری از مهارتهای ریاضی در انجام محاسبات دارویی مشکل داشته ولی با آموزش با روش کار گروهی تا حدود زیادی این مشکلات بر طرف شده است. لازم است آموزش در این باره در یکی از واحد های درسی مانند فن پرستاری و یا فارماکولوژی لحاظ گردد تا میزان مشکلات دانشجویان در این ارتباط کاهش یابد.

۴۹. بررسی نظرات فارغ التحصیلان پزشکی نسبت به آموزش جامعه نگری در دوران تحصیل شیراز ۲۰۰۲

صدیقه نجفی پور، دکتر فریدون عزیزی، فاطمه نجفی پور

آدرس: مرکز مطالعات و توسعه آ موزش پزشکی دانشکده پزشکی

زمینه و هدف: بدنبال کنفرانس جهانی ۱۹۸۸ ادینبورگ، ضرورت ایجاد جامعه نگری در آموزش پزشکی، یادگیری فعال، ادغام علوم پایه و بالینی، آموزش مبتنی بر نیازهای جامعه، در اکثر دانشگاههای ایران مورد تاکید قرار گرفت. با توجه به اینکه بیش از یک دهه از اجرای برنامه جامعه نگری در ایران می گذرد اما گزارش جامعی از نظر فارغ التحصیلان تهیه نشده است از آنجائی که در صورت عدم بسط دیدگاه جامعه نگری در آموزش پزشکی تکیه انحصاری بر اموزش بیمارستانی، دسترسی به اهداف پزشکی که حفظ سلامت افراد جامعه، درمان و مراقبت از بیماران است میسر نخواهد گردید. این مطالعه با هدف بررسی نظرات پزشکان عمومی با سابقه کمتر از ۷ سال خدمت در مورد میزان جامعه نگری طراحی شد.

روش و ابزار: این یک مطالعه مقطعی – توصیفی است که درآن میزان جامعه نگری از دیدگاه ۱۷۹پزشک عمومی با سابقه کمتر از ۷ سال خدمت از طریق مصاحبه بررسی گردید. با استفاده از پرسشنامه ای استاندارد میزان موفیت پزشکان در مورد دانش بیماریها، ارائه خدمات به بیماران، تبحر در تشخیص کلینیکی، قضاوت بالینی،.....بررسی شد.

نتایج: ٦٥ درصد از فارغ التحصیلان دانش کسب شده در دوران تحصیل بر اساس جامعه نگریرا در حد متوسط، ۲۰ درصد در حد خوب، ۱۵ درصد ضعیف دانستند. ٦۳ درصد از میزان کارائی دانش و مهارتهای آموخته رضایت داشتند و موفق ترین شاخص های کسب شده را در زمینه تشخیص های کلینیکی، تصمیم گیری بالینی و درمان بیماریها ذکر کردند و بیشترین موارد عدم تحقیق را در زمینه تشخیص های رادیولوژی ذکر کردند.

نتیجه گیری: یافته های پژوهش نسبی بودن آموزش پزشکی جامعه نگر را در شیراز مورد تائید قرار می دهد.

۵۰. بررسی تاثیر آموزش مهارت معاینه دیلاتاسیون و افاسمان و زایمان طبیعی در کارگاه مهارتهای بالینی درعملکرد انترن ها دربخش های زنان و مامایی

دکتر فرناز صحاف، دکتر فاطمه عباسعلیزاده، دکتر شمسی عباسعلیزاده

آدرس: تبریز، دانشگاه علوم پزشکی ، دانشکده پزشکی

زمینه و هدف: آموزش مهارتهای بالینی در مراکز مهارتهای بالینی با هدف آمادگی دانشجویان پزشکی پیش از ورود به بخش های بالینی انجام می شود. مرکز مهارتهای بالینی دانشگاه علوم پزشکی تبریز از سال ۱۳۸۰ آغاز به کار نمود و تا کنون اکثریت دانشجویان این دانشگاه مهارتهای مربوطه راگذرانده اند. هدف از این بررسی مقایسه کارایی انترنهای دانشگاه علوم پزشکی تبریز و دانشگاه آزاد (که کارگاههای مربوط را نگذرانده اند) جهت تعیین تاثیر کارگاهها در بهبود عملکرد در مهارت معاینه دیلاتاسیون و افاسمان مهارت زایمان طبیعی است.

روش و ابزار: این بررسی تحلیلی در دو گروه مورد (انترنهای دانشگاه علوم پزشکی تبریز) و شاهد (انترنهای دانشگاه آزاد) که وارد بخش زنان و مامایی شدند صورت گرفت. تعداد افراد گروه شاهد ۲۰ نفر و تعداد افراد گروه مورد ۱۶ نفر بود. ارزیابی در روزهای اول ورود به بخش توسط ۲ نفر از اساتید که مسئولیت آموزش در skill lab را نیز بر عهده داشتند صورت گرفت. بررسی با استفاده از چک لیست و با مشاهده نحوه عملکرد آنها حین معاینه دیلاتاسیون و افاسمان و حین کنترل زایمان طبیعی صورت گرفت. آنالیز نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفت.

نتایج: سن متوسط در دو گروه ۲۵ سال بود. تمام آنها مونث بودند بین گذراندن دوره های مهارتهای بالینی و توانایی آماده نمودن بیمار جهت معاینه ارتباط معنی داری وجود نداشت $p>0/05$، اما بین گذراندن دوره و انجام صحیح معاینه واژینال ارتباط معنی دار بود. ۰۵/ و $p<0$ انترن هایی که دوره مربوط را گذرانده بودند معاینه صحیح تری انجام می دادند. بین گذراندن دوره های مهارتهای بالینی و توانایی کنترل یک زایمان طبیعی در بالین بیمار ارتباط معنی داری بین دو گروه وجود نداشت. بین گذراندن دوره و اطلاعات تئوریک در مورد مراحل زایمان و علائم کنده شدن جفت بعد از زایمان ارتباط معنی داری وجود داشت.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده به نظر می رسد این کارگاهها می تواند در آمادگی بیشتر دانشجویان نقش مفیدی داشته باشد البته لازم است بررسی های بیشتر با تعداد کیس های بیشتر صورت گیرد. اما از آنجاییکه کنترل زایمان طبیعی در بالین بیمار با توجه به لزج بودن و حرکات خود جنین و سرعت غیر قابل کنترل مراحل خروج جنین متفاوت از کارگاه می باشد لذا با استرس زیادی همراه است و آموزش های کارگاه بیشتر در بالا بردن سطح اطلاعات نظری افراد موثر بوده و آموزش مهارتهای نهایی و کامل فقط در بالین بیمار امکان پذیر می باشد.

۵۱. از ژورنال کلاب آموزش پزشکی چه انتظاراتی داریم؟ دیدگاه شرکت کنندگان

دکتر نیکو یمانی، مینا توتونچی

آدرس: اصفهان ، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: ژورنال کلاب به عنوان یک ابزار آموزشی قوی، نقش فعالی در آموزش پزشکی به مدت بیش از یک قرن ایفا کرده است. نقش اصلی ژورنال کلاب، آشنا ساختن شرکت کنندگان با مفاهیم تفکر انتقادی و ارزشیابی متون تحقیقاتی است. امروزه ژورنال کلاب در حیطه های مختلف پزشکی برگزار می شود و حتی در آموزش مداوم نیز نقش دارد. مطالعه حاضر به منظور بررسی نقش ژورنال کلاب آموزش پزشکی از دیدگاه شرکت کنندگان و ارزشیابی جنبه های مختلف ژورنال کلاب طراحی و اجرا گردید.

روش و ابزار: مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی مقطعی بوده که بر روی کلیه افرادی (۳٤ نفر) که در ژورنال کلابهای آموزش پزشکی که در نیمه دوم سال ۱۳۸۳ در مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی تشکیل شده بود شرکت کرده بودند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای روا و پایا بوده که در برگیرنده ٤ سؤال در مورد خصوصیات دموگرافیک افراد، ۲۳ سؤال در مورد نقش ژورنال کلاب و ۱۳ سؤال در مورد جنبه های مختلف برگزاری ژورنال کلاب بود. داده های بدست آمده

با استفاده از نرم افزار SPSS به صورت توزیع فراوانی داده ها، میانگین و مقایسه گروهها با آزمونهای t-test و ANOVA مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج: ۲٤ نفر پرسشنامه ها را تکمیل کردند، که اکثر آنها تجربه آموزشی یا پژوهشی در زمینه آموزش پزشکی داشتند. میانگین نمره ارزشیابی ژورنال کلاب ۱/۳ ± ٦/٤ از ۱۰ بدست آمد و میانگین نمره ای که به نحوه برگزاری ژورنال کلاب داده بودند ۰/۳۵ ± ٤/۳ از نمره کل ٥ محاسبه گردید. مواردی از قبیل، ایجاد انگیزه برای انجام پژوهشهای آموزشی، افزایش سطح دانش و یادگیری نحوه نقد مقالات و آشنایی با مقولات مختلف آموزش پزشکی، نسبت به سایر موارد نمرات بهتری را به خود اختصاص دادند. نمرات ارزشیابی ژورنال کلاب به تفکیک گروههای مختلف شرکت کننده با یکدیگر تفاوت آماری معنی داری نداشت.

نتیجه گیری: براساس نظرات شرکت کنندگان، ژورنال کلاب می تواند در افزایش دانش، ایجاد انگیزه برای پژوهش و یادگیری نحوهٔ نقد مقالات و آشنایی با دانش جدید نقش داشته باشد. پیشنهاد می گردد که موضوعات مورد بحث در ژورنال کلاب به نیازهای واقعی و روز مره شرکت کنندگان مربوط باشد و وقت بیشتری به بحث در باره مقالات اختصاص داده شود تا میزان شرکت افراد در ژورنال کلاب افزایش یابد. مطالعات بیشتری نیاز است تا تأثیرات ژورنال کلاب را به طور کامل تر و دقیق تر مورد بررسی قرار دهد.

۵۲. آموزش بالینی اثربخش از دیدگاه کارورزان دانشکده پزشکی

دکتر حمیداله بهادر، دکتر حسین سلمانزاده، دکتر حمید برادران

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی ایران ، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: آموزش بالینی بخش اساسی و مهم در تربیت پزشک به عنوان مسئول حفظ و ارتقای سلامت جامعه است. برای یافتن نقاط قوت و ضعف و بهبود کیفی آموزش بالینی، گرفتن بازخورد از گیرندگان آموزش (دانشجویان رده‌های مختلف بالینی) امری حیاتی است. این پژوهش با بررسی و تحلیل نظرات کارورزان پزشکی در مورد میزان رضایتمندی آنان از کسب توانمندی بالینی در دوره آموزش بالینی در سه عرضه آموزش بر بالین (Bedside) درمانگاهی (Ambulatory) و اورژانس(Emergency) به هدف خود که ارائه راهکار مناسب برای آموزش بالینی اثربخش (Effective) باشد، چشم دوخته است.

روش وابزار: این پژوهش با بررسی مقطعی (Cross Sectional) بر روی جامعه کارورزان (دانشجویان سال آخر دوره پزشکی عمومی) انجام یافته- تعداد ۳۹٦ کارورز با تکمیل سه نوع پرسشنامه که اعتبار صوری (Face Validity) و ماهوی (Content Validity) آن تعیین شده بود به پرسش‌های مربوط به کسب توانمندی در سه عرصه آموزش بالینی فوق الذکر پاسخ دادند، متغییرهای پژوهش میزان رضایت از کسب مهارت «ارتباطی»، «کلینیکی»، «کاربرد دانش در عملکرد» بوده است. تمام متغییرها تعاریف علمی و عملی داشته و با راهنمایی درج شده برای پاسخ دهنده واضح و مفهوم شدند.

نتایج: یافته‌های پژوهش نشان داد که متغییر مربوط به کسب توانمندی در عرصه «بربالین» بعنوان مهمترین عامل مؤثر در فراگیری بالینی مورد رضایت بیش از ۵۰ درصد از پاسخ دهندگان می‌باشد. بعد از آن به ترتیب فاکتورهای مربوط به عرصه اورژانس ۳۵ درصد و عرصه درمانگاهی به میزان ۱۵ درصد مورد رضایت قرار گرفته بود. بدین ترتیب در آموزش بالینی «اثربخش» عامل مربوط به فراگیرنده، مشخص بودن وظایف حرفه‌ای دانشجو در محیط بالینی: و در بعد عامل مربوط به فرادهنده، برقراری ارتباط مناسب استاد با دانشجو و در بعد محیط آموزش بالینی امکانات، تجهیزات مناسب آموزشی و بیمار، در فضای آموزشی از فاکتورهای مؤثر در ارتقای کیفیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان محسوب می‌گردید.

نتیجه گیری: آگاهی از عواملی که می‌تواند به آموزش بالینی اثربخش منجر شود و راهکارهای بهبود بخشی به آموزش بالینی با نگاه بر نظرات کارورزان که مستقیماً با فرآیند آموزش بالینی مواجه هستند در اصلاح و بهبود عملکرد مدیران و برنامه ریزان آموزشی کمک خواهد کرد تا ضمن برخورد اصولی در جهت رفع کاستی ها برای تربیت پزشکان توانمند که قادر به پاسخگوئی به نیازهای سلامت جامعه باشند اقدام نمایند.

۵۳. POSTGRADUATE FAMILY MEDICINE TRAINING CURRENT CHANGES AND CHALLENGES

Hakan YAMAN، MD، MS

Associate Professor of Family Medicine، University of Akdeniz، Faculty of Medicine Department of Family Medicine، Antalya، Türkiye

The health care system and depending to this the primary care provision is in transition. The health care needs of Turkish society had changed، the population has increased، shortcomings of health care centers in urban areas have increased. Rural recruitment and retention of health professionals is a constant problem. Socialization of health services had unfortunately not been proven to be effective to overcome health problems in Turkey. Accession of Turkey to Europe has brought new challenges to the health system. New regulations and directives of the European Union are forcing now for changes.

Family medicine in Turkey has been founded in the eighties to improve and support the former existing primary health care system، which has been supported by the Ministry of Health of Turkey. After nearly twenty years of family medicine education in Turkey، ۱۲۰۰ specialists in family medicine have graduated from these programs. Despite these efforts most of the doctors working in primary care do not have any special education in primary care (family medicine). New solutions have been developed to enhance the number of family physicians and to create better working conditions with better salaries. A transitional training project for medical practitioners in primary care has been developed by Turkish family physicians (TAHUD) in collaboration with the Ministry of Health. First pilot training activities have been proven to be promising. New postgraduate training schemes will increase the number of family physicians in Turkey and the quality of primary health care services.

فصل ۲

مدیریت و برنامه ریزی آموزش بالینی

٥٤. بررسی انواع برنامه های بهسازی نیروی انسانی دفاتر پرستاری بیمارستانهای دانشگاههای علوم پزشکی تهران و مقایسه آنها با استانداردهای آموزشی بیمارستانها

شکوه ورعی

آدرس: تهران ، دانشگاه علوم پزشکی ، دانشکده پرستاری و مامائی

زمینه و هدف: در دنیایی که هر روز تغییرات سریعی در آن پیدا می شود لازم است همراه با پیشرفت زمان در جنبه های مختلف علمی ٭ فنی ٭ اقتصادی و سیاسی افراد را برای تغییرات آماده نمود. امروزه اموزش و توسعه همه جانبه نیروی انسانی جامعه را باید در راس برنامه ها قرار داد و هزینه های آن را جزء هزینه های سرمایه گذاری تلقی کرد. رسالت نظام بهسازی نیروی انسانی در هر موسسه به عنوان یک وظیفه خطیر مدیریت ٭ برنامه ریزی و اجرای این امر مهم است جای تردید نیست که تعلیم و تربیت برای پرسنل تمام سطوح سازمانی ضروری و واجب است و محصول مورد انتظار از نظام بهسازی نیروی انسانی افزایش بینش ٭ دانش و توان انسانهای شاغل در یک موسسه است. لازمه پیشرفت سریع در علوم بهداشتی آن است که تمام پرستاران حرفه ای نیز دانش و مهارتهای خود را بطور مداوم توسعه دهند ودر نتیجه پرستاران نیازمند آموزش مداوم هستند تا قادر باشند هر ساله دانش و مهارتهای جدید را کسب نمایند. بهسازی نیروی انسانی شامل کلیه فعالیتهایی است که جهت ارتقاء سطح صلاحیت و افزایش معلومات و ایجاد مهارت پرستاران برای ارائه خدمات بالینی بهتر به مورد اجرا گذاشته میشود.لذا با این دیدگاه پژوهشی طراحی شد.

روش و ابزار: این پژوهش یک مطالعه ی توصیفی است که به منظور تعیین انواع برنامه های بهساز ی نیروی انسانی دفاتر پرستاری بیمارستان های دانشگاه های علوم پزشکی شهر تهران ومقایسه ی آن با استاندارد های آموزشی بیمارستان ها انجام گرفته است. واحد های مورد پژوهش شامل ٤١ بیمارستان آموزشی دانشگاه های علوم پزشکی شهر تهران بود که به دلیل کوچک بودن جامعه حجم نمونه با حجم جامعه یکی بود. ابزار گرد آوری اطلاعات پرسشنامه (حاوی ۲ قسمت) بود قسمت اول پرسشنامه مربوط به الگوی نیروی انسانی آموزشی قسمت دوم آن مربوط به انواع بر نامه های بهسازی نیروی انسانی بود که هر یک از متغیرها با استاندارد های آموزشی بیمارستان ها مقایسه شده بود (استاندارد۱۰۰٪ وضعیت عالی بالای ۷۵٪ وضعیت مطلوب وکمتر از ۷۵٪ وضعیت نا مطلوب و به ارائه ی هر ۱۰۰ تخت فعال یک سوپر وایزر آموزشی درنظر گرفته شد). یافته های پژوهش در ۹ جدول و۳ نمودار خلاصه شده و برای تجزیه و تحلیل نتایج از روش های آمارتوصیفی و استنباطی شامل جداول توزیع فراوانی٭ فراوانی نسبی٭فاصله اطمینان ۹۵٪ و آزمون کای دو استفاده شد.

نتایج: یافته های پژوهش بیانگر این بود که واحدهای مورد پژوهش از نظر الگوی نیروی انسانی آموزشی وضعیت نامطلوب دارند اکثریت انواع برنامه های بهسازی نیروی انسانی ارائه شده به کارکنان پرستاری نیز نامطلوب بوده است. میزان مطابقت الگوی نیروی انسانی آموزشی دفاتر پرستاری با استاندارد ۷۹٪ (مطلوب) و میزان مطابقت ارائه انواع برنامه های بهسازی نیروی انسانی دفاتر پرستاری ٥٦/٥٪ (نامطلوب) بوده است.

نتیجه گیری: در خاتمه کاربرد یافته های پژوهش در حیطه های مختلف پرستاری شرح داده شده و پیشنهاداتی برای پزوهشهای بعدی ارائه گردیده است.

٥٥. Service learning روشی برای ارائهٔ «خدمت ضمنِ یادگیری» در آموزش پرستاری جامعه نگر

پروانه خراسانی، میناجوزی

آدرس: اصفهان ، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: انجمن دانشکده‌های پرستاری آمریکا، لزوم توجه به تربیت دانشجویان متبحر با مهارتهای فنی، تفکر انتقادی،برقراری ارتباط وبررسی و شناخت را متذکر شده است که روش آموزشیService learning (که از این به بعد» خدمت ضمنِ یادگیری » نامیده می شود)به عنوان یک تجربه یادگیری مشارکتی در ضمن ارائهٔخدمت به مردم، امکان تجربهٔ این مهارتها را برای دانشجویان فراهم می کند. در این مقاله با این روش آموزش بالینی آشنا می شوید.

روش و ابزار: این مقاله مروری با هدف معرفی »خدمت ضمنِ یادگیری » به عنوان یک روش آموزشی سودمند و متفاوت با کارآموزیهای مرسوم با کمک جدیدترین مقالات علمی- تحقیقاتی، از طریق جستجوی کتابخانه ای(دیجیتال و دستی) از بین بیش از ۲۵۰ عنوان مقاله و نهایتاً انتخاب ۲۳ منبع تدوین شده است. در این مقاله دربارهٔ مفهوم « خدمت ضمنِ یادگیری»، تاریخچه،اصول،انواع، مزایا و کاربرد آن در پرستاری جامعه نگر بحث شده است.

نتایج: «خدمت ضمنِ یادگیری» تاریخچه ای در حدود یک قرن دارد که بیشتر در کشورهای پیشرفته در دوره های اختیاری یا اجباری ارائه می شود.این روش با روشهای مرسوم کارآموزی وعرصه متفاوت است زیرا فقط به یادگیری بالینی و آکادمیک دانشجویان توجه ندارد بلکه بیشتر بر رفع نیازهای واقعی و مزایای آن برای مددجویان. موجود(افراد، گروه ها و جامعه) تأکید دارد.رعایت پنج اصل برای محقق شدن این روش توصیه شده که عبارتند از: انتخاب پایگاه مناسب، کاربرد برای آموزش دانشجو و خدمت به جامعه، دریافت بازتاب از تجارب دانشجویان، درک تمایزات و شنیدن صدای جامعه (توجه به تقاضاهای مردم). این آموزش» با توجه به اولویت دهی به یادگیری، توجه به خدمت یا هر دو به طور همزمان (با برنامه رسمی آموزشی یا بدون آن) به چهار روش اجرا می شود. مزایای این روش علاوه بر انعطاف پذیری فرایند یادگیری و کاربرد آن در جامعه عبارتند از تقویت مهارتهای فنی، ارتباطی، بررسی و شناخت، تفکر انتقادی، ارتباط درمانی، رهبری و پویایی گروه در دانشجویان همراه با کسب ارزشهای معنوی مانند خود آگاهی،عزت نفس،احساس مسئولیت به عنوان یک شهروند دموکراتیک، کسب آگاهیهای مربوط به محیط زیست واجتماع،صلاحیت های فرهنگی و عدالت اجتماعی.

نتیجه گیری: «خدمت ضمنِ یادگیری» روشی ارزشمند برای آموزش دانشجویان پرستاری و سایر رشته های علوم بهداشتی است زیرا در حین اینکه دانشجویان را برای کسب مهارتهای شغلی آماده می کند به آنها اجازهٔ مشارکت مؤثر با جامعه را می دهد و در صورت اجرای اصولی، هم برای دانشجو وهم جامعه مفید است..به این ترتیب با توجه به این مزایا باید در برنامه های آموزشی جامعه‌نگر،دوره های ((آموزشهای خدمت‌رسان)) (معادل کلمهٔ) خدمت ضمنِ یادگیری در پایگاههای مراقبت بهداشتی برای دانشجویان، تحت نظارت مربیان کارآزموده طراحی و اجرا شود.

۵۶. روشهای مدیریت کیفیت در برخی از دانشکده‌های پزشکی جهان

دکتر زهره سهرابی

آدرس: تهران ، دانشگاه علوم پزشکی ایران، مرکز مطالعات و آموزش پزشکی

زمینه و هدف: کیفیت آموزش، فاکتور اصلی و کلیدی در رقابت نامرئی بین کشورهای جهان است زیرا کیفیت محصولات و خدمات بوسیله‌ی نحوه‌ی تفکر، طرز عمل و نحوه تصمیم‌گیری مدیران، اساتید، سیاستگذاران، اقتصاددانان و کلیه متفکرین برخاسته از سیستم‌های دانشگاهی و آموزشی تعیین می‌گردد. اندازه‌گیری کیفیت خدمات اموزشی در یک واحددانشگاهی چیزی متضاد از اندازه‌گیری کیفیت کالاهای تولیدی است. اینکه خدمات آموزشی غیر قابل لمس هستند، بازرسی و بازبینی آن بطور کامل از عهده دانشجویان خارج است و اینکه آموزش با مسئله تلفات و از بین رفتن‌های غیرقابل جایگزین روبرو می‌باشد، دلیل این تفاوت است. در این مطالعه سعی شده است روشهای مدیریت کیفیت در پاره‌ای از کشورهای جهان (حدود ۲۸ دانشکده پزشکی از ۱۲کشور اعم از توسعه یافته و در حال توسعه) مورد بررسی قرار گیرد
هدف از انجام این بررسی تعیین و شناخت روشهای مدیریت کیفیت مورد استفاده در برخی از دانشکده‌های پزشکی جهان می باشد تا بتوان تا حدودی افقهای وسیعتری را جهت شناسایی دقیق‌تر روشهای مدیریت کیفیت فراروی خود قرار دهیم

روش و ابزار: روش انجام این مطالعه از طریق بررسی سایتهای دانشکده‌های پزشکی و مکاتبه اینترنتی با مسئولین دانشکده‌ها صورت پذیرفته است

نتیجه گیری: نتایج حاکی از آن است که یک روش واحد برای ارتقاء کیفیت در دانشکده‌های پزشکی منتخب وجود ندارد و روشهایی مانند مدیریت جامع کیفیت (TQM)، سیستمهای مدیریت کیفیت (QMS) اصول مدیریت کیفیت اروپا (EFQM)، طراحی برای بهبود فرایندبطور مداوم (CPI) گسترش وظیفه

کیفیت (QFD)، الگوبرداری (Benchmarking) مورد استفاده‌ی دانشکده‌ها می‌باشد

۵۷. بررسی یک راهکار مدیریتی بر کیفیت راند سوپروایزری بالینی با تکیه بر مدیریت زمان

مینا بزرگزاد، زهرا سیاح، ندا پروین

آدرس: شهرکرد، دانشکده پرستاری و مامایی

زمینه و هدف: اهمیت نقش مدیریتی سوپروایزر بالینی در شیفت های مختلف با ارزش و مشهود است.نقش هایی مانند هماهنگی، مدیریت بحران، ارزشیابی پرسنل، جمع آوری و ارسال گزارشات و برقراری ارتباط بین سیستم پرستاری و کادر مدیریت و ریاست بیمارستان همگی بر عهده سوپروایزر بالینی می باشندبا در نظر گرفتن این نقشهالزوم اتخاذ یک رویه واحد از طرف سوپروایزرین در شیفتهای مختلف در جهت صرفه جویی در وقت و ارائه خدمات مناسب تر و رسیدگی به مشکلات بیمارستان را مورد تاکید قرار می دهد.با توچه به در دسترس نبودن شکل و الگوی واحد برای ارائه خدمات مدیریتی سوپروایزران بیمارستانهای این دانشگاه و انجام سلیقه ای راندهای سوپروایزری و اتلاف وقت، محقق بر آن شد تا با انجام این تحقیق به بررسی اثربخشی استفاده از یک راهکار مدیریتی بر کیفیت خدمات مدیریتی سوپروایزران بالینی با تکیه بر مدیریت زمان بپردازد.

روش و ابزار: این مطالعه یک مطالعه نیمه تجربی و به شکل دو مرحله ای می باشد.محقق با استفاده از الگوی مدیریتی کایزن، چک لیست استانداردی را جهت راندهای سوپروایزری تهیه نموده و قبل و بعد از استفاده از این چک لیست به بررسی کمیت و کیفیت کار سوپروایزرین شاغل در شیفتهای مختلف کاری دو بیمارستان آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد(هاجر و کاشانی)پرداخت.ابعاد کاری مورد بررسی شامل: زمان صرف شده هر راند در شیفت، روز و ماه، مواد چک شده مهم در هر راند، میزان اطلاع رسانی و هماهنگی ایجاد شده.این ابعاد در دو مرحله قبل و بعد در سوپروایزران کنترل گردید.از نرم افزار spss و آزمونهای آمار توصیفی و استنباطی مانند فراوانی و تی زوج برای تجزیه و تحلیل آماری استفاده شد.

نتایج: یافته نشان دادند که در کلیه ابعاد ذکر شده تفاوت معنی دار آماری قبل و بعد از استفاده در چک لیست مشاهده گردید. ۰،۰۵ >pدر بعد زمان و بهبود اطلاع رسانی ۵۰٪ و در بعد چک موارد مهم در چک بخش ٤٦٪ بهبود حاصل شده بود.

نتیجه گیری: از آنجا که نقش سوپروایزر بالینی در ابعاد مختلف حائز اهمیت بوده وپرهیز از مدیریت سلیقه ای و صرفه جویی در وقت و دوباره کاری در این راستا باعث ارتقائ کیفیت کاری آنها و نتایج مثبت در کیفیت مراقبت های پرستاری به اشکال گوناگون می شود، لزوم بکارگیری روش های علمی مدیریتی در ارتقای کیفی کار سوپروایزران بالینی ضروری بنظر می رسد.

۵۸. بررسی تاثیر کارگاههای آموزشی طرح درس در طراحی و کاربرد سطوح حیطه شناختی

حسین کریمی، منصور رحیمی فرد، حسین هادی ندوشن، علی فتاحی

آدرس: یزد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی

زمینه و هدف: با توجه به اهمیت طرح درس در ساماندهی به فرآیند آموزش و تسهیل دریادگیری و گزارشاتی از موفقیت برگزاری کارگاههای آموزشی بر کمیت و کیفیت تدوین طرح درس و به منظور تعیین تاثیر برگزاری این کارگاهها در طراحی و کاربرد سطوح حیطه شناختی در اهداف اختصاصی، این تحقیق بر روی اعضاء هیئت‌علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد طی سالهای ۸۳ -۱۳۸۲ انجام گرفت.

روش و ابزار: این تحقیق به روش کارآزمایی بالینی از نوع مقایسه قبل و بعد بر روی تعداد ۲۳۵ نفر از اعضاء هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد انجام گرفت. کلیه این اعضاء قبل و بعد از شرکت در کارگاه آموزشی طرح درس، کمیت و کیفیت طرح درس آنها بررسی و ثبت گردید. کارگاه آموزشی طرح درس به مدت ۵ ساعت طی ١٤ دوره با محتوی آموزشی مشخص و مدرسین یکسان انجام بود گرفت. تاثیر کارگاه را بر اجزاء طرح درس شامل روش ارزشیابی، منابع و مأخذ، جدول زمان بندی و نیز بررسی اهداف از نظر سطوح حیطه شناختی شامل، دانش، درک مطلب، کاربرد، تجزیه و تحلیل ترکیب و ارزشیابی تعیین گردید. برای سنجش سطوح

حیطه شناختی بر اساس طبقه بندی Blooms و اجزاء طرح درس بر اساس معیار الگوی طراحی آموزشی دانشگاه Indianaانجام گرفت، برای کلیه معیارها نگارش اجزاء طرح درس به روش صحیح، ناصحیح و یا عدم نگارش به تفکیک قبل و بعد از آموزش کارگاهی طبقه بندی شدند و تاثیر کارگاه را بر اساس نگارش طرح درس به فرم صحیح، به فرم غلط و یا نداشتن با آماره MCNEMAR،S دانشکده‌های مختلف نیز مورد بررسی قرارگرفت.

نتایج: تحقیق روی تعداد ۲۳۵ نفر با ۲۵۱ طرح درس انجام گرفت. که ۱۶ نفردارای دوطرح درس بودندتعداد۱۷٤ نفر(۷٤٪) مذکر و ٦۱ نفر (۲٦٪) مؤنث، تعداد ۱٤۲ نفر (٦۰/٥٪) استادیار و ۱۳۲ نفر (٥٦/۲٪) اعضاهیئت علمی بالینی و۱۰۳ نفر (٤۳/۸٪) اعضاء هیئت علمی گروه پایه بودند. قبل از آموزش (۲۰/۹٪) طرح درس ها به شکل صحیح نگارش شده بودند،(۱۲٪) به شکل غلط و (٦۷/۱٪) از طرح درس فاقد اجزاء طرح درس بودند. بعد از اجرای کارگاه آموزشی به ترتیب (٤۹/۳٪)و (۱۷/٤٪) و (۳٤/۳٪) تغییر پیدا کرده بود. وضعیت کلی سطوح حیطه شناختی قبل از آموزش (۳۱/۷٪) به نحوه صحیح افعال سطوح حیطه شناختی را بکار برده بودند،بعد از آموزش به (٥۱/٥٪) تغییر پیدا کرد (P=۰،۰۰۱)، بیشترین موفقیت اجزاء طرح درس مربوط به ذکر روش تدریس و منبع و مأخذ و کمترین میزان موفقیت مربوط به تنظیم جدول زمان بندی درطرح درس بود. بیشترین مشکلات اجزاء طرح درس نداشتن جدول زمان بندی (۷۲/۹٪). نداشتن مقدمه (٥٦/۲٪) و نداشتن منابع و مأخذ (٤۸/۲٪)بود. همینطور در سطوح حیطه شناختی بیشترین موفقیت مربوط به نوشتن اهداف درسطح درک مطلب از۲٦/۳٪ به۸۳/۷٪ بود (P=۰،۰۰۱) ولی در زمینه ترکیب و ارزشیابی کارگاه موفقیتی نداشته است و کماکان در سطح تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی مشکل هدف نویسی وجود دارد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش و تأثیر مثبت کارگاههای آموزش در زمینه طراحی طرح درس و هدف نویسی توصیه می شود. در سطح گسترده جهت کلیه اعضاء هیئت علمی کارگاههای فوق بر اساس استانداردهای آموزشی برگزار گردد. تا یکی از مهمترین وظائف اعضاء هیئت علمی یعنی وظائف قبل از تدریس (تهیه طرح درس)محقق گردد.

۵۹. بررسی شیوع مسائل اخلاقی در طبابت بالینی برای تعیین محتوای آموزشی درس اخلاق پزشکی

فریبا اصغری

آدرس: تهران، امیرآباد شمالی، مرکز تحقیقات اخلاق پزشکی

زمینه و هدف: یکی از اجزاء اساسی تدوین برنامه پزشکی تعیین نیازهای آموزشی این درس می‌باشد. یکی از بهترین روشهای تعیین محتوای درس اخلاق پزشکی تعیین شیوع مسائل اخلاقی است که جامعه پزشکان در طبابت خود تجربه میکنند.

روش و ابزار: در این مطالعه که در یک بیمارستان جنرال تهران انجام شد، از پزشکان خواسته شد تا بر اساس میزان برخوردی که در طول طبابت خود با هر یک از مسائل اخلاقی لیست شده داشته‌اند به آنها از صفر تا ده امتیاز دهند (صفر کمترین امتیاز و ۱۰ بیشترین امتیاز).

از ۳٤ پزشک این بیمارستان ۱۷ نفر به پرسشنامه مورد نظر پاسخ دادند (میزان پاسخ ٥۰٪). هر چند ٥۰٪ میزان خوبی برای پاسخ دهی نیست اما دلیلی وجود ندارد که وضعیت پاسخ دهی پزشکان با شیوع مسائل اخلاقی در طبابت بالینی ایشان رابطه‌ای داشته باشد.

نتایج: متوسط سن و سابقه طبابت پاسخ دهندگان ٤۰ و ۱۲/٤ سال بود. شایعترین مسئله اخلاقی رازداری (با امتیاز ۷/۱ از ۱۰) سپس تعارض منافع، ارتباط با همکاران، ارتباط مالی پزشک و بیمار بود و نادرترین مسائل اخلاقی اتانازی، قطع درمان نگهدارنده و پیوند عضو بود. مورد قضاوت آماری قرار گرفت.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مسائل سنتی در قیاس با مسائل نوین اخلاق پزشکی شیوع بالاتری داشته و نیاز به توجه بیشتری دارد.

بعلاوه از آنجا که پزشکان یک بیمارستان جنرال نماینده کل جامعه پزشکی نیستند توصیه می‌شود که مطالعه‌ای جامعتر و دقیقتر در این زمینه انجام شود.

٦٠. بررسی استانداردهای بین المللی برنامه ریزی آموزشی و ارزشیابی بالینی و بیان و مقایسه دیدگاه های اساتید و دانشجویان در این خصوص

روشنک حسن زهرایی، دکتر شایسته صالحی، سهیلا احسان پور، گیتی آتش سخن، اکبر حسن زاده

آدرس: اصفهان ، دانشگاه علوم پزشکی، مرکز توسعه و آموزش پزشکی

زمینه و هدف: دوره های کارآموزی و کارورزی در شکل دهی مهارتهای اساسی و توانمندی های حرفه ای دانشجویان علوم پزشکی نقش اساسی دارد. حدود ٥٠ درصد از دوره های آموزشی رشته های علوم پزشکی صرف آموزش بالینی و درمانگاهی می شود، لذا توجه به آموزش بالینی و ویژگیهای آن بسیار حائز اهمیت است. در این پژوهش پس از استخراج استانداردهای بین المللی برنامه ریزی آموزشی و ارزشیابی بالینی به بررسی دیدگاه اساتید و دانشجویان در خصوص هر یک از استانداردهای استخراج شده پرداخته شده است.

روش و ابزار: یک پژوهش توصیفی تحلیلی است. نمونه های این پژوهش تعداد ۱۱۱ نفر از دانشجویان و ٤٦ نفر از اساتید هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان دارای شرایط ورود به پژوهش بوده اند. که پس از جستجوی وسیع مقالات از طریق اینترنت و ژورنالها و ترجمه کتب لاتین تالیف شده در این زمینه استانداردهای بین المللی در دو حیطه برنامه ریزی آموزشی و ارزشیابی بالینی استخراج سپس به نظرسنجی از اساتید و دانشجویان گذاشته شد.

نتایج: استانداردهای استخراج شده در حیطه برنامه ریزی آموزش بالینی به اختصار عبارتند بودند از: (وجود برنامه مدون آموزشی جهت آموزش بالینی، توجه به کیفیت آموزش دانشجو در آموزش بالینی، رعایت تقدم و تأخر برنامه آموزشی در آموزش بالینی، لحاظ شدن مهارتهای ارتباطی در برنامه های آموزش بالینی و.....) و در حیطه ارزشیابی بالینی (وجود نظام ارزشیابی بالینی مدون در دانشکده، وجود سیستم ارزشیابی دوره ای و بازخورد به مدرسین و دانشجویان، آگاهی دانشجویان از روشهای مختلف ارزشیابی و....) و در نظر سنجی که از اساتید و دانشجویان بعمل آمد در استانداردهای برنامه ریزی آموزش بالینی بیشترین امتیاز در هر دو گروه «توجه به کیفیت آموزش دانشجو در برنامه آموزش بالینی» از دیدگاه اساتید (۹ /۷۳ درصد) و از دیدگاه دانشجویان (٦ /٦٣ درصد) بوده است و در ارزشیابی بالینی بیشترین امتیاز از دیدگاه اساتید (۹/ ٤٧ درصد) به استاندارد «استفاده از نتایج بازخورد برای اصلاح برنامه آموزش بالینی» و از دیدگاه دانشجویان (٥١/٤ درصد) «وجود نظام ارزشیابی بالینی مدون در دانشکده» بوده است. و در مقایسه دیدگاه اساتید و دانشجویان در خصوص استانداردهای برنامه ریزی آموزش بالینی با آزمون تی با (P <۰/ ١٦) و در استانداردهای ارزشیابی بالینی با آزمون تی با (P <۰/۷) تفاوت آماری معنی داری وجود ندارد.

نتیجه گیری: لمپ (۲۰۰٤) معتقد است که پزشکان کمی هستند که در خصوص روشهای تدریس، تئوریهای آموزش و یا مدلهای ارزشیابی، آموزشهای رسمی دریافت کرده اند و جرارد(۲۰۰۲) اصول اساسی که در ارتقای برنامه ریزی آموزشی بالینی موثر می داند عبارتند از اصل انعطاف پذیری، اصل التقاط، کاربرد و اصل مبتنی بر مدارک و اصل یادگیری مشارکتی و دی و همکاران (۱۹۹۸) وجود یک سیستم حمایتی مدیریتی برای پشتیبانی از آموزش بالینی را در محیط های بالینی و دانشکده ضروری می دانند و چاپل و همکاران (۲۰۰۳) می گویند در برنامه ریزی آموزشی وجود یک هماهنگ کننده بالینی و تشکیل کمیته ارتقاء بالینی باید مدنظر قرار گیرد. رایسلر (۲۰۰۳) ارائه بازخورد و ارزشیابی از عملکرد دانشجو را از اجزاء اساسی مهارتهای تدریس بالینی ذکر می کند و هدف از بازخورد را کمک به دانشجو می داند تا عملکرد بالینی اش را بهبود بخشد پژوهش حاضر نیز نشان داد که اساتید و دانشجویان ما نیز توجه به کیفیت آموزش دانشجو در آموزش بالینی و استفاده از نتایج بازخورد برای اصلاح برنامه آموزش بالینی و وجود سیستم بالینی مدون در دانشکده را از اهم استانداردهای استخراج شده در برنامه ریزی آموزش بالینی و ارزشیابی بالینی دانسته اند. لذا پیشنهاد می گردد که از استاندرهای استخراج شده دراین پژوهش در امر برنامه ریزی و ارزشیابی بالینی در سطح دانشگاههای علوم پزشکی کشور استفاده گردد.

٦١. توسعه نقشهای مراکز توسعه آموزش در جهت رهبری تغییر یک نیاز اساسی

دکتر شهرام یزدانی، دکتر فخرالسادات حسینی

آدرس: تهران،دانشگاه شهیدبهشتی،مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

نقش مراکز توسعه آموزش در سراسر کشور تاکنون در حد ارائهٔ توصیه‌ها، برگزاری کارگاههای آموزشی و نهایتاً ارائه مدلهای کوچک از رویکردهای نوین در امر آموزش بوده است. این نقش با نیاز رو به تزاید تغییرات در نظام آموزشی و توسعه آکادمیک آن در تمام ارکان متناسب نبوده و لازم است بازنگری اساسی در جهت گسترش این نقشها صورت گیرد. تجربهٔ هدایت برنامهٔ اصلاحات آموزش پزشکی عمومی در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی به عنوان یک تغییر کلان و اساسی از تجارب بسیار خوبی است که می‌توان این تجربه را به عنوان پایه‌ایی برای بازبینی این نقش مورد توجه و دقت قرار داد. بر این اساس نقشهای ذیل به عنوان نقشهای اساسی این مراکز پیشنهاد می‌گردد:

۱- رهبری آکادمیک

این نقش از جهت تأثیر بر تصمیمات کلان سازمانی و سیاست سازی از نقشهای اساسی این مراکز می‌باشد که با عملکرد ماهرانه از طریق Advocacy، Stakeholder Analysis و Conflict negotiation انجام می‌گیرد.

۲- حمایت از تصمیم گیریهای آکادمیک

این نقش بصورت حمایت از قانونگذاری و تصمیم گیری مبتنی بر شواهد ازطریق situation analysis، institutional survey، تحلیل اثر بخشی، تأثیر و مطالعات هزینه اثر بخشی صورت می‌گیرد.

۳- ظرفیت سازی آکادمیک

این نقش از طریق مدل سازی، ارائه مشاوره، آموزش دست اندرکاران، و انجام امور هماهنگی بین بخشی (با بخشهای پژوهش و خدمات دانشگاه) انجام می‌گیرد.

٤- حاکمیت آکادمیک

این نقش از طریق تنظیم و تدوین استانداردها، ارزشیابیهای برنامه و پیامد و بالاخره فیدبک به کلیهٔ دست اندرکاران انجام می‌گیرد.

٦٢. تدوین استانداردهای ملی برنامه آموزش پزشکی عمومی

دکتر فخرالسادات حسینی، دکتر شهرام یزدانی
دکتر ولی الله حسنی، دکتر بهرام عین اللهی

آدرس: تهران،دانشگاه شهیدبهشتی،مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

لزوم پاسخگویی نظام آموزشی پزشکی به جامعه و افکار عمومی ایجاب می‌کند ملاکها و معیارهای شفافی از کیفیت آموزشی در تمام سطوح ارائه شود. استانداردهای برنامه‌های آموزشی بعنوان مبانی تعریف کیفیت برنامه آموزشی یکی از ارکان اساسی برای ایجاد پاسخگویی در این نظام می‌باشد. تعریف و پذیرش استانداردهای برنامه آموزشی ضمن ایجاد تفاهم در افکار،دیده‌گاهها، رسالت و اهداف برنامه‌های آموزشی می‌تواند در تکوین نظامهای ارزشیابی و اعتبار بخشی نیز بکار گرفته شود.

استانداردهای ملی برنامه آموزشی پزشکی عمومی هم اکنون در ۱۰ حوزه و در ۲ سطح پایه و ارتقاء کیفیت تعریف شده است. اگر چه این استانداردها با بررسی استانداردهای بین المللی WFME و سه سیستم ملی آمریکا، استرالیا و مکزیک در ایران آغاز شد ولیکن اقتباسسی کورکورانه از هیچ یک از این سیتمها نبوده و از ویژگیهای خاص خود برخوردار می باشد.

تعریف واضح از کیفیت در هر یک از عوامل با در نظر گرفتن وضعیت فعلی دانشکده‌های پزشکی کشور از یک سو همراه با نگاه به ایده‌آلهای آموزشی این نظام و تطبیق آنها با شرایط دولتی این نظام در ایران، از ویژگیهای این استانداردها می‌باشد که در این مقا له با جزئیات بیشتر آنها آشنا می‌شویم.

٦٣. بررسی نظرات دانشجویان ترم آخر پرستاری در مورد شیوه نوین مدیریت کارآموزی در عرصه بهداشت

مهین برادران رضایی، محمد حسن صاحبی حق

آدرس: تبریز، دانشکده پرستاری و مامائی

زمینه و هدف: آموزش بالینی از ارکان مهم فعالیت دانشکده های پرستاری مامائی می باشد. از آنجایی که پرستاری یک حرفه کاربردی است. دانشجویان از طریق تجارب بالینی

توانایی و شایستگی حرفه ای مورد نیاز را کسب می کنند. در آموزش بالینی دانشجو در تعامل با مربی و محیط بالینی مفاهیم آموخته شده را در حیطه عمل به کار می گیرد.هدف از کارآموزی در عرصه بهداشت تکمیل مهارتهای عملی لازم در زمینه بهداشت جامعه و اصول آن می باشد. دانشجویان در طی این دوره با تکیه بر مهارتهای کسب شده در کار آموزی های بهداشت و با تاکید بر مفهوم « فرد - خانواده و جامعه به عنوان مددجو » فرآیند پرستاری بهداشت جامعه را اجرا می-کنند. مطالعات مختلف موید این واقعیت است که هر گونه نارسایی در آموزش بالینی تاثیر مستقیم بر یادگیری دانشجو و در نهایت سلامت جامعه خواهد داشت. با توجه به اهمیت موضوع این بررسی با هدف « تعیین نظرات دانشجویان سال آخر پرستاری در مورد شیوه نوین مدیریت کارآموزی در عرصه بهداشت و مقایسه آن با نظرات دانشجویانی که این دوره را نگذرانده بودند» انجام گرفت.

روش و ابزار: این بررسی یک مطالعه توصیفی است. جامعه پژوهش شامل ٦٠ دانشجوی ترم ٨ پرستاری بود که از میان آنها ٥٠ درصد به عنوان نمونه پژوهش و به طور تصادفی انتخاب شدند. ابزار گرد آوری داده ها پرسشنامه بود که شامل ١٠ سئوال در مورد مشخصات فردی اجتماعی و وضعیت آموزشی دانشجویان و ١٦ بیانیه در زمینه ارزیابی نظرات دانشجویان در مورد شیوه نوین مدیریت کارآموزی در عرصه بهداشت بود. از آمار توصیفی و استنباطی جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. اطلاعات از طریق نرم افزار SPSS/Win مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: نتایج نشان داد که میانگین سنی دانشجویان ٢٣/٠٧ و محدوده سنی آنها ٢٦ - ٢٢ سال بود. ٧٥ درصد نمونه های پژوهش زن و ٢٥ درصد مرد بودند. میانگین نمره کارآموزی بهداشت دانشجویان در ترم قبل ١٧/٢٥ بود. ٦٤/٣ درصد دانشجویان قبل از شروع کارآموزی در عرصه بهداشت کارگاه سه روزه توجیهی را گذرانیده بودند. ٧٢/٢ درصد دانشجویانی که کارگاه سه روزه را گذرانده بودند، اظهار کرده بودند که از ساعات کارآموزی به طور مفید استفاده کرده بودند. در صورتی که این مقدار برای دانشجویانی که این کارگاه را نگذرانده بودند صفر درصد بود و آزمون فیشر اختلاف معنی داری را بین دو گروه نشان داد(P=٠,٠٠٠). همچنین ٨٣/٣ درصد دانشجویانی که کارگاه سه روزه را گذرانده بودند اظهار کرده بودند که مایلند در آینده در فیلد بهداشتی کار کنند در صورتی که این مقدار برای افرادی که کارگاه نگذرانده بودند فقط ٤٠ درصد بود. آزمون فیشر اختلاف معنی داری را بین دو گروه نشان داد. میانگین نمره نگرش در دانشجویانی که کارگاه توجیهی را گذرانده بودند ١٩ و در آنهایی که کارگاه توجیهی را نگذرانده بودند ٦/٤ بود. آزمون Mann Whitney u اختلاف معنی دار آماری را بین نظرات دو گروه در مورد شیوه نوین مدیریت کارآموزی در عرصه بهداشت نشان داد. (p = ٠,٠٠٠)

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که دانشجویان شیوه نوین مدیریت کارآموزی در عرصه بهداشت را بعنوان یک روش اثربخش آموزشی مطرح ساختند. مربیان به عنوان یک رکن اساسی در آموزش مسئولیت خطیری در تربیت دانشجویان برعهده دارند و بنابراین باید بدانند که اثر بخش‌ترین روش برای آموزش مهارتهای بالینی کدام است. از سوی دیگر با توجه به اینکه امروزه هزینه‌های آموزشی یک مسئله مهم در آموزش بالینی می باشد. لذا حداکثر بهره وری از زمان و هزینه در این نوع آموزش ضروری بنظر می رسد. از طریق اجرای روند جدید آموزشی میتوان دانشجو را قادر ساخت تا استعدادهای بالقوه اش را به مرحله عمل درآورده و بتواند حداکثر استفاده مطلوب را از تواناییهای خود ببرد.

٦٤. مهمترین عوامل تأثیر گذار بر برنامه ریزی آموزشی و دانشجو از دیدگاه دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی ـ درمانی تبریز

فرحناز عبدالله زاده، مژگان لطفی، احمدآقازاده، فریده نیکنام

آدرس: تبریز، خیابان شریعتی، دانشکده پرستاری و مامایی

زمینه و هدف: آموزش پرستاری زیر بنایی برای تامین نیروی انسانی کارآمد، برای رفع نیاز سلامت جامعه است. یکی از مهمترین اجزاء آموزش پرستاری، آموزش بالینی است.

آموزش بالینی نوعی آموزش است که دانشجو در تعامل با مربی و محیط، مفاهیم آموخته شده را در حیطه عمل بکار می‌گیرد. تقریبا ۵۰٪ از برنامه‌های آموزشی به آموزش بالینی اختصاص دارد، از این رو کارآموزی‌های بالینی اهمیت حیاتی در شکل‌دهی هویت حرفه‌ای دارد به گونه‌ای که قلب آموزش حرفه‌ای خوانده می‌شود. با توجه به نتایج تحقیقات، مشکلاتی در آموزش بالینی وجود دارد که شناسایی مشکلات کلیدی از دیدگاه دانشجویان پرستاری، در اتخاذ تدابیر لازم برای هموار نگهداشتن خط‌مشی آموزش بالینی ضرورت دارد.

روش و ابزار: این مطالعه یک پژوهش توصیفی است که در آن مشکلات آموزش بالینی دررابطه با برنامه‌ریزی آموزشی و حرفه مورد بررسی قرار گرفته است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه خود ساخته، شامل دو قسمت بود که قسمت اول در زمینه‌ی مشخصات فردی ـ اجتماعی نمونه‌های مورد پژوهش و قسمت دوم در رابطه با اهداف پژوهش مشتمل بر ۲۴ بیانیه، که با استفاده از مقیاس ۶ بخشی لیکرت تنظیم شده است، می‌باشد. نمونه پژوهش برابر با جامعه پژوهش و شامل ۱۰۷ نفر دانشجوی پرستاری ترم هشت تبریز، مراغه و اهر بود. که به روش سرشماری انتخاب شدند. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روشهای آمار توصیفی (نسبتها، درصدها و جداول توزیع فراوانی) بوسیلهٔ نرم‌افزار آماری (SPSS (ver ۱۱ مورد تجزیه و تحلیل قرارگرفت.

نتایج: دانشجویان مورد پژوهش بیشترین مشکلات مربوط به دانشجو را بترتیب« خستگی ناشی از فشرده بودن برنامه کاری»، «نداشتن ارتباط مناسب حرفه‌ای با پزشک» و« نداشتن انگیزه به تحصیل در رشته پرستاری» می‌باشد و کمترین مشکل را «عدم برقراری تبادل علمی و ارتباطی مناسب با همکلاسان» اعلام کرده‌اند و بیشترین مشکلات مربوط به برنامه‌ریزی آموزشی از نظر دانشجویان مورد پژوهش به ترتیب «عدم‌بکارگیری مدرسان با توجه به تخصص و توانایی آنها در بالین»، «عدم‌توجه مسئولین به جذب و نگهداری مدرسان مجرب» و «عدم وجود امکانات و مساعدتهای لازم برای انجام کنفرانسهای علمی پرستاری در بالین» بود و کمترین مشکل مربوط به برنامه‌ریزی آموزشی از نظر دانشجویان مورد پژوهش «زیاد بودن تعداد دانشجو در هر گروه» است.همچنین نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که از دیدگاه دانشجویان میانگین نمرات مربوط به برنامه‌ریزی آموزشی (۷۱/۱۱) و دانشجو (۵۳/۴۸) می‌باشد.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه از دیدگاه دانشجویان مورد پژوهش، عوامل دانشجو و برنامه‌ریزی آموزشی، در آموزش بالینی مشکل خیلی زیاد را ایجاد کرده‌اند، لذا توجه بیشتر به مشکلات آموزش بالینی در ابعاد مختلف و در اولویت قرار دادن موضوع آموزش بالینی و رفع مشکلات موجود ضروری و گامی بلند، در راستای توسعه محورهای آموزش پرستاری می‌باشد.

۶۵. بررسی نظرات اعضاء هیأت علمی در اداره گروههای آموزشی در دانشکده پزشکی شهید بهشتی تهران، سال ۱۳۸۲

دکتر حبیب ا... پیروی، دکتر مسعود مردانی، دکتر محمد رهنوردی، دکتر خیرمند، زهرا غیبی

آدرس: تهران، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

زمینه و هدف: دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی دومین دانشکده پزشکی بزرگ کشور است که دارای ۶۶۷ عضو هیأت علمی و ۳۲ گروه آموزشی است. در این مطالعه که در سال ۱۳۸۲ در جهت اهداف مدیریتی طرح ریزی و اجرا گردید، نظرات اعضاء هیأت علمی این دانشکده در مورد بهترین شیوه مدیریت گروه های آموزشی و راه های ممکن افزایش مشارکت اعضاء هیأت علمی در امور آموزش و پژوهش گردآوری گردید.

روش و ابزار: ۳۸۶ نفر از ۶۶۷ عضو هیأت علمی دانشکده پزشکی (۵۷.۹٪)، به پرسشنامه محقق ساخته به صورت ناشناس پاسخ دادند. از این تعداد ۳۸۲ پرسشنامه (۹۸.۹۶٪) که پاسخ دهی به بیش از ۵۰٪ سؤالات داشتند، در مطالعه وارد شدند.

نتایج: اکثریت پاسخ دهندگان، ۱۷۳ از ۳۸۲ نفر (۴۷.۹٪)، با امکان انتخاب یک فرد، حداکثر برای دو دوره متوالی به عنوان مدیر گروه آموزشی موافق بودند. در مورد انتخاب همزمان یک فرد به عنوان رئیس بخش و مدیر گروه آموزشی، ۳۹.۷٪

مخالف و۳۱،۲٪ موافق بودند. اکثریت پاسخ دهندگان، ۱۹۲ نفر (۵۰،۷٪)، موافق جلسات ماهانه گروه آموزشی بودند.

در جهت افزایش مشارکت اعضاء هیأت علمی در امور پژوهشی و آموزشی، ٦۳،٤٪ پاسخ دهندگان، افزایش ارزش اجتماعی اعضاء هیأت علمی در جامعه را به عنوان راه حل دانستند؛ ٤٥،۳٪ آنان، ارائه امکانات رفاهی بهتر به اعضاء هیأت علمی را حائز اهمیت شمردند؛ ٦٤٪ پاسخ دهندگان تسهیل روند بررسی طرحهای پژوهشی را به عنوان عامل مؤثر معرفی نمودند.

در حالیکه ٥٤٪ پاسخ دهندگان، شرکت دادن تمامی اعضاء هیأت علمی در پروژه های تحقیقاتی را به عنوان راه حل بهبود تعامل و ارتباط بخشهای آموزش و پژوهش در دانشکده دانستند، ٤۷،٥٪ پاسخ دهندگان با ادغام بخشهای پژوهشی با بخشهای آموزشی به عنوان یک راه حل در این راستا تأکید داشتند. همچنین ۲٥٪ آنان معتقد بودند که دانشکده می بایستی اعضاهیأت علمی پژوهشی رااستخدام ودراین جهت بکار گیرد.

نتیجه گیری: نظرات اعضاء هیأت علمی می تواند به عنوان راهنمایی در جهت تصمیم گیریهای مسئولان دانشکده پزشکی جمع آوری شده و بکارگرفته شود. این انتخاب زمانی اهمیت می یابد که اجرای مؤثر تصمیمات، نیازمند همکاری و تعامل اعضاء هیأت علمی دانشکده باشد.

٦٦. بررسی تأثیر آموزش ضمن خدمت مدیران پرستاری برسبک رهبری آنان از دیدگاه خودشان و پرستاران

مریم زعیمی پور کرمانشاهی، دکتر زهره ونکی
دکتر ابراهیم حاجی زاده

آدرس: تهران، بزرگراه جلال آل احمد. دانشگاه تربیت مدرس

زمینه و هدف: توجه به تأثیر مدیران پرستاری مراکز بالینی بر عملکرد حرفه ای پرستاران حائز اهمیت می باشد. مدیران پرستاری در مقابل ارائه مراقبت به بیماران پاسخگو بوده و می توانند به ارتقاء سطح کیفیت خدمات منجر گردند. آموزش ضمن خدمت نقش مهمی دربهسازی مدیران پرستاری درمراکز بالینی دارد.مطالعات متعدد بر رفتارهای مدیران پرستاری نشان دادند که مدیران با رفتارهای اثربخش و ایجاد محیط سالم می توانند بر رضایت شغلی، حس تعهد، مسئولیت پذیری، بهره وری و کیفیت ارائه خدمات تأثیر مثبت گذارند.این مقاله تأثیر برنامه آموزش ضمن خدمت مدیران پرستاری بر سبک رهبری آنان از دیدگاه خودشان و پرستاران را تعیین و ارتباط بین آنها را بررسی می نماید.

روش و ابزار: پژوهشی نیمه تجربی بصورت قبل و بعد در سال ۱۳۸۳ در یک بیمارستان آموزشی منتخب شهر تهران انجام شده است.نمونه های پژوهش کلیه پرسنل پرستاری [۱۱۱نفر] و مدیران پرستاری[۲۰ نفر] بودند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه تعیین سبک رهبری"مدل اوهایو(LBDQ)" با پایائی r =۰/۸۸ بود که قبل و یکماه پس ازاتمام مداخله توسط مدیران وپرسنل تکمیل گردید.تجزیه وتحلیل داده ها باروشهای آماری توصیفی و تحلیلی انجام گرفت.

نتایج: مدیران(٤٤/٤٪)استفاده از سبک رهبری S۱ (رابطه مداری و وظیفه مداری در حد بالا)را در قبل از مداخله بیان نموده اند که بعد از مداخله به (۷۰٪) افزایش نموده و(۲۷/۸٪) آنان استفاده از سبک رهبری S۳ (رابطه مداری و وظیفه مداری درحد پائین)را در قبل مداخله بیان نموده اند که بعد از مداخله به (۱٥٪) کاهش یافته است. مقایسه سبک رهبری مدیران قبل و بعد از مداخله با استفاده از آزمون آماری مک نمار تفاوت معناداری(p = ۰/۲۱۹) نشان نمیدهد. بیشتر پرسنل پرستاری (۸۱٪) در قبل از مداخله سبک رهبری مدیران خود را سبک S۳ بیان کرده اند که در بعد از مداخله به(٥۷٪) کاهش یافته است. تنها (۱٪) آنها سبک رهبری مدیرانشان را در قبل مداخله S۱ بیان نموده اند که بعد از مداخله به (۲۱٪) افزایش یافته است. مقایسه سبک رهبری مدیران از دیدگاه پرسنل پرستاری قبل وبعد از مداخله با استفاده از آزمون آماری مک نمار تفاوت معناداری (p <۰/ ۰۰۱)نشان می دهد.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که برنامه آموزشی مهارتهای رهبری و مدیریتی مدیران پرستاری با ارتقاء دانش کاربردی مدیریتی منجر به تغییر رفتارهای آنان شده و این تغییر توسط پرسنل پرستاری درک شده است و می تواند منجر به ارتقاء عملکرد حرفه ای پرستاران تحت رهبری آنها گردد.

۶۷. عوامل موثر در تغییر برنامه آموزشی موجود به PBL

شایسته حاجی زاده، معصومه دل آرام، فرانک صفدری

آدرس: تهران، معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی ایران

زمینه و هدف: بررسی های انجام شده در نظام آموزشی فعلی نشان داد که نظام فعلی آموزشی دارای نقاط ضعفی از جمله غیر قابل انعطاف بودن آن در مقابل تغییرات بوده است.
در طول دهه ۱۹۸۰، سازمان بهداشت جهانی با هدف تغییر جهت سیاستهای بهداشتی، دانشگاهها را تحت کنترل قرار داد و با تمرکز بر آموزش حرفه پزشکی و پیرا پزشکی سه مرحله را برای تغییر آموزش علوم پزشکی معرفی نمود: تعریف و ارزشیابی کیفیت آموزش پزشکی، اجرای راهبردهای تغییر و نظارت بر پیشرفت تغییر.
از آن پس طیف وسیعی از مسائل که بر آموزش علوم پزشکی تاثیر می گذارد بررسی شد و رویکردهای جدیدی مطرح شد که PBLاز آن جمله بود هدف این مقاله بررسی عوامل موثر بر تغییر برنامه آموزشی به PBLمی باشد.
روش و ابزار: روش این مطالعه مقالات و متون موجود پیرامون مولفه های موثر بر تغییر برنامه آموزشی به PBLمی باشد.
نتایج: نتایج بررسی های انجام شده نشان داد که در اجرای روش PBL، تشویق و حمایت مسئولین اجرایی مسئله ای اساسی است و از آنجا که اجرای روش PBLمستلزم تغییر نگرش اساتید از آموزش استاد محور به دانشجو محور است، جلب حمایت و نظر اساتید در مورد این روش نیز عامل مهمی است که تعیین کننده موفقیت این روش است. نتایج تحقیقات دیگر نشان می دهد که اکثر دانشجویان به روش PBLعلاقمند هستند علاقه دانشجویان و حمایت از آنان می تواند مشوق اساتید و سایر دانشجویان در پذیرفتن این روش باشد. از آنجا که در PBLنقش دانشجو در دریافت مطالب درسی و مطالعه آنها فعالتر است باید وقت کافی به منظور تامین این هدف به او داده شود. صرفنظر از سطح اجرای PBLدر برنامه آموزشی، مسئله مهم ارزیابی دقیق نتایج و نحوه اجراست تا بتدریج مشکلات موجود رفع شده تجارب بیشتری در این زمینه کسب شود، شواهد اندکی وجود دارد که نشان دهد مربی یک ارزیاب موثر در مورد عملکرد دانشجویان است اکثر مربیان صرفا قادرند سطح دانش دانشجویان را ارزیابی کنند. اغلب محققان در این رابطه اتفاق نظر دارند که دانشکده می بایست نقش تسهیل کننده و حمایتی در اجرای برنامه PBLداشته باشد اما کلمه تسهیل کردن دارای تفاسیر و تعابیرگوناگونی است و فرایند آموزش و مربیگری و هم فرایند یادگیری همراه با مربی را در بر دارد.
نتیجه گیری: خواه انگیزه اجرای PBLاز هیات اجرایی ناشی شود، خواه اساتید یا دانشجویان، مسئله مهم همواره همکاری هر سه گروه با همدیگر و تلاش درارتقای مهارت اساتید است.در فرایند طراحی و اجرای برنامه PBL، توجه به نکات زیر لازم است: در نظر گذفتن زمان آموزشی کافی، تهیه منابع یادگیری،در نظر گرفتن اساتید کافی و دادن آموزش کافی به آنان در جهت کسب مهارتهای لازم برای یک راهنما،وجود اهداف واضح و روشهای ارزیابی مناسب،توجیه کردن اساتید و دانشجویان، برگزاری کارگاههای مکرر برای اساتید در جهت معرفی PBLو یا ارزیابی تجارب انجام شده.

۶۸. بررسی ویژگی های مدیریت تدریس اعضاء هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

حسین هادی ندوشن، حسین کریمی، علی فتاحی

آدرس: یزد، انشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی

زمینه و هدف: در دنیای امروز با توجه به پیشرفت های سریع علوم و تکنولوژی نه میتوان به تمام دانش موجود دست یافت و نه میتوان هر شخصی را با هر خصوصیتی به کار تدریس وا داشت. آشنائی با عوامل مؤثر بر یادگیری و اصول آن جهت بهبود آموزش امری اساسی می باشد و آموزش باید بر پایه و مطابق وضع شناختی فراگیران انجام پذیرد. لذا انجام این مطالعه به منظور بررسی ویژگیهای اعضاء هیئت علمی انجام گرفت.
روش و ابزار: در این پژوهش بر اساس پرسشنامه ۱۲ سئوالی ویژگیهای اساتید به چهار دسته، دانشجو مدار(Laissez-Faire)، استاد مدار (Aurhoritarian)، آمرانه (Authoritative)، بی

تفاوت(Indifferent) تقسیم گردید. مطالعه از نوع توصیفی (Cross-sectional) و روش نمونه گیری به صورت سرشماری انتخاب گردید که شامل ۱۸۲ عضو هیئت علمی بودند. (۸۲/٤٪ مذکر و ۱۷/٦٪ مؤنث)، ٤۳/۲٪ دانشکده پزشکی، ۱٤/۲٪ دندانپزشکی، ۱۸/٦٪ بهداشت، ۱٦/٤٪ پرستاری و مامائی، ۷/٦٪ پیراپزشکی.

نتایج: از ۱۸۲ نفر عضو هیئت علمی شرکت کننده در پژوهش، ٦٦٪ به روش دانشجو مداری، ۷۰/۳٪ به روش استاد مداری، ۱٥/٦٪ به روش آمرانه و ۷/٤٪ به روش بی علاقگی و بی تفاوتی به امر تدریس اشتغال داشتند. از ۷۰/٤٪ افرادی که به صورت indifferent آموزش‌می دادند، ٦٤/٦٪ مذکرو ٥/٤٪ مؤنث بودند و از ۷۰/٤٪ افرادی که به روش استاد مداری آموزش می دادند، ٦/۹٪ مؤنث و ۰/٥٪ مذکر بودند.

نتیجه گیری: انتخاب شیوهٔ خاص برای تدریس امری است که با عوامل مختلفی بستگی دارد لذا مدرسین براساس ویژگیهای فردی خود شیوه ای خاص برای برقراری ارتباط با فراگیران و تعلیم و تربیت انتخاب می کنند. بر اساس نتایج این تحقیق هیچ یک از شیوه های تدریس بر شیوهٔ دیگر ارجحیت ندارد و در امر تدریس باید با توجه به عواملی مانند هدف، محتوای آموزش، نیاز فراگیران، روش ارزشیابی و شرایط موجود شیوهٔ تدریس انتخاب گردد.

٦۹. دانشجویان پزشکی دوره بالینی بخش کودکان چه دروسی را باید آموزش ببینند؟

دکتر محمدرضا دهقانی، دکتر محمدحسین فلاح‌زاده، زهرا کریمیان

آدرس: شیراز، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: معمولاً دروسی که جهت دانشجویان بالینی گروه آموزشی کودکان طی یک برنامه درسی و در یک دوره آموزشی بایستی ارائه گردد براساس اهداف آموزشی که مبتنی بر علائم نشاه‌ها و بیماریهای شایع و پایه می‌باشد قرار می‌گیرد. ما در این کار پژوهشی به دنبال ایفا نقش علائم نشانه‌ها و در عین حال بیماریهای شایعی که طی سه سال متوالی باعث مرگ و میر درکودکان دربیمارستانهای آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی شیراز رخ داده است می باشیم.

روش و ابزار: در این مطالعه که به صورت جمع‌آوری اطلاعات در طی سه سال متوالی در کودکانی که در بخشهای فوق تخصصی اتفاقات و جنرال کودکان بستری شده‌اند صورت گرفته است که اطلاعات شامل سن، جنس و علائم و یا نشانه‌ها و یا بیمار اولیه‌ای که باعث بستری و در نهایت اطلاعاتی که دال بر علت مرگ کودکان می‌شود، می‌باشد.در نهایت کلیه اطلاعات بدست آمده توسط برنامه آماری spss تجزیه و تحلیل شده است.

نتایج: از ۱۰۱۸٥ تعداد کودکان بستری شده در بخشهای فوق تخصصی و جنرال و اتفاقات ٥۷۲۱ تعداد پسر و ٤٤٦٤ دختر بودند که ۷/۹ در صد کل آنان دارای علائم و نشانه‌های گاستروانتریت، ۸/۳٪ آنان دارای علائم حرکات غیر طبیعی، ۷/۷٪ آنان دارای علائم مشکلات تنفسی، ۳/٦٪ دارای علائم تب، ۲/٤٪ آنان دارای علائم و نشانه‌های عفونت‌های ادراری و شایعترین علت‌های مرگ کودکان شامل بیماریهای مادرزادی قلب (۱۳/٤٪) و لوسمی (۹/۲٪) و کم خونی کولیز (۹٪) و تشنج (٦/۸٪) و سپسیس (٤٥/٤٪).

نتیجه گیری: در تدوین برنامه‌های آموزشی گروههای آموزشی بالینی بایستی دروسی که طی یک دوره آموزشی تدریس می‌گردد براساس یافته‌هایی که می‌توان شامل شایعترین علل مرگ و میر، شایعترین علائم و نشانه‌های در ارتباط با مرگ و میر باشد صورت گیرد. که به نظر می‌رسد در دوره آموزشی دانشجویان بالینی گروه آموزشی کودکان می‌توان به علائم و نشانه‌های تب، مشکلات تنفسی مشکلات ادراری و بیماریهای لوسمی، کم خونی‌ها، گاستروانتریت و.... اشاره کرد.

۷۰. بررسی آگاهی و نگرش هیئت علمی در مورد برنامه ریزی و طراحی درس در دانشگاه علوم پزشکی همدان در سال ۱۳۸۳

شهره امدادی، سعید امیری

آدرس: همدان، مرکزمطالعات وتوسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: اساتید دانشگاه نقش مهمی در آموزش دانشجویان دارند. یکی از وظایف با اهمیت ایشان برنامه ریزی

و طراحی درس می باشد. این مطالعه با هدف تعیین میزان آگاهی و نگرش هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان در رابطه با طراحی و برنامه ریزی درسی انجام گرفته است.

روش و ابزار: این مطالعه بصورت مقطعی بوسیله پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۲۰ سوال آگاهی، ۲۰ سؤال نگرش و برخی سوالات زمینه‌ای انجام گرفت. به منظور جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه‌ها به تمامی اعضای هیئت علمی داده شد و تنها ۱۲۰ پرسشنامه تکمیل و عودت گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده از نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

نتایج: نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که میانگین نمره آگاهی هیئت علمی زن ۱۲/۲۵ و میانگین نمره آگاهی هیئت علمی مرد ۱۱/۴۶ است (P-value =۰/۴۲۹). میانگین نمره آگاهی اعضاء هیئت علمی در حد متوسط پایین (۱۱/۷۵) می‌باشد. میانگین نمره آگاهی هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامائی بالاترین نمره (۱۴/۸۴) و میانگین نمره آگاهی هیئت علمی گروههای بالینی دانشکده پزشکی پایینترین نمره(۱۰/۲۶) و اختلاف مشاهده شده معنی دار است (P-value<۰/۰۵). میانگین نمره آگاهی اساتید رسمی بیشتر از اساتید پیمانی و قراردادی می باشد (P-value =۰/۰۲). با افزایش مرتبه اعضای هیئت علمی نمره آگاهی ایشان از طراحی درس کاهش یافته است (P-value =۰/۰۰۲).

نگرش اعضای هیئت علمی زن نسبت به مردان مثبت تر بوده است (P-value=۰/۰۴).نمره نگرش هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامائی با ۳/۲۹ ونمره نگرش هیئت علمی گروههای بالینی دانشکده پزشکی ۲/۷۸ (P-value=۰/۰۱۷). نمرات نگرش اعضای هیئت علمی با مرتبه علمی ایشان رابطه دارد و این رابطه تقریباً معنی دار و منفی است یعنی با افزایش مرتبه علمی نگرش ایشان منفی تر شده است (P-=۰/۰۵۲ value). نمرات آگاهی هیئت علمی با نمرات نگرش ایشان رابطه معنی داری دارد. با افزایش آگاهی، نگرش ایشان نیز مثبت تر شده است (P-value <۰/۰۵).

نتیجه گیری: میزان آگاهی و نگرش هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان متوسط به پایین ارزیابی می شود و ایشان نیاز به باز آموزی در مورد طراحی درس دارند. مدیران گروه‌های آموزشی با اتخاذ تصمیماتی مناسب مانند نوشتن طرح درس را برای همه دروس اساتید و غیره می‌توانند آگاهی و نگرش اعضاء هیئت علمی را ارتقاء بخشند.

۷۱. تدوین حداقل های یادگیری دوره اینترنی پزشکی در اورژانس های داخلی و جراحی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

دکتر سید محمد امیرشاه کرمی، دکتر ذبیح‌اله عابدی
دکتر ایمان ادیبی، دکتر نوشین میر خشتی
دکتر فاطمه هادی زاده، دکتر احسان یوسفیان

آدرس: اصفهان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: اورژانس محلی جهت تصمیم گیری سریع و اجرای به موقع تصمیمات می باشدکه لزوم برنامه ریزی دقیق و حساب شده جهت انجام امور و هماهنگی بین افراد را موجب میگردد. اورژانس هایی مانند اورژانس مراکز آموزشی درمانی از آن جهت است که آموزش و یادگیری دانشجویان نیز در آن صورت می گیرد دارای اهمیت ویژه است نظر به پیشنهادریاست دانشگاه علوم پزشکی اصفهان جهت باز نگری در سیستم آموزشی اورژانسها ، پروژه ای تحت عنوان پروژه دوره مستقل اورژانس، طراحی گردید که در بخشی از آن به تدوین حداقلهای آموزشی اینترنتی پرداخته میشود.

روش و ابزار: مطالعه حاضر از انواع مطالعات توصیفی است که به روش Delphi انجام می شود. در زمستان ۸۲ فاز اول طرح با مطالعه کتب رفرانس اورژانس، کوریکولومهای آموزشی دانشگاه های معتبر اورژانس و نظر سنجی از افراد صاحب نظر جهت تهیه information pool در حدود ٦ ماه انجام شد. در فاز دوم اطلاعات مرحله اول بین ۱۰ نفر رزیدنت و پزشک عمومی ۱۰نفر استاد دانشگاه و ۲نفر اینترن توزیع و نظر ایشان راجع به لزوم آموزش موضوع در اورژانس (Yes/No) و حیطه داخلی و جراحی موضوع استخراج شد. Ranking بدست آمده جهت اجرای فاز سوم در اختیار ده نفر از کارشناسان و مسولین اجرای دوره قرار گرفت تا اطلاعات آماری را پس از بحث اورژانس گفتگو تایید نمایند. تمامی پرسشنامه ها از لحاظ Validity , Reability مورد تایید قرار گرفت.

نتایج: در فاز اول مجموعا ٤٣٢ عنوان در ۱۳ گروه (نورولوژی/ چشم ENT / تروما...) به دست آمد در مرحله

دوم از مجموع ۲۲پرسشنامه ۱۹ پرسشنامه جمع آوری گردید. در مرحله سوم cut off point برابر ۵۰ ٪ به عنوان سطح پذیرش موضوع در حداقلهای یادگیری مورد توافق قرار گرفت البته در باره تمامی item ها نیز بحث انجام شد.

نتیجه گیری: شیوه Delphi در عین دقت گیر بودن دقیق ترین روش تدوین حداقلهای آموزشی در مراکز معتبر است . ٤٣٢ عنوان در فاز اول حاکی از جامع بودن مطالعات انجام شده میباشد و Response rate برابر ۸۵٪ موثر بودن مراجعه حضوری به هر یک از تکمیل کنندگان را موید است. عدم وجود موردی که پس از بحث و گفتگو در فاز سوم به طور اشتباه از لحاظ آماری حذف شده باشد حاکی از هم بستگی قابل قبول بین پاسخ های ارائه شده میباشد.

فصل ۳

ارزیابی دانشجو و آزمون

و تکنیکهای عملی و نیز مهارت بررسی و مراقبت از بیماران مبتلا به بیماریهای شایع داخلی و جراحی به ترتیب ۱۳۵/۰۶+۷۴/۳۵،۴۴/۸۴ +۲۷/۴۳و در سطح مهارت متوسط بود.مهارت در زمینه دارو درمانی بیماران با میانگین۶۲/۱۲و مهارت بررسی و اداره درد با میانگین۷/۸۸ نیز در سطح مهارت متوسط بود مهارت آنها در انجام پروتکل های دارو درمانی و تهیه نمونه جهت آزمایشات به ترتیب در ۸۸ و۷۴ درصد موارد در سطح خوب و عالی گزارش شده است.فراوانی نسبی مهارت کارشناسان پرستاری در بکارگیری تجهیزات پیشرفته بخشها متأسفانه در ۲۲درصد سطح خوب وعالی ودر ۲۰ درصد درسطح ضعیف بوده است.

نتیجه گیری: یافته های این بررسی منعکس کننده نظرات دانش آموختگان جدید پرستاری در مورد توانمندی حرفه ای و نیز کفایت برنامه های آموزشی فعلی در کسب تبحر بالینی آنها است. مک کارتی و هیگینز(۲۰۰۳) می نویسد: برنامه های پرسپتورشیپ باعث افزایش تصمیم گیری،مشکل گشایی و مهارتهای بالینی و تکنیکی دانشجویان می شود.این طرح می تواند موجب ارتقاءکیفی سطح مهارتهای بالینی پرستاران شود به شرطی که در اجرای آن دقت و هماهنگی لازم جهت تحقق اهداف بعمل آید. لذا نتایج این مطالعه می تواند نشانگر لزوم تخصصی شدن رشته پرستاری در مدارج بالاتر و نیز راهنمایی جهت برنامه ریزی های آینده در آموزش پرستاری باشد. دسته مهارت ضعیف، متوسط، خوب و عالی تقسیم و نتایج اعلام شد

۷۴. ارزیابی نحوه یادگیری مهارتهای اساسی بالینی پرسنل مامایی دانشگاه علوم پزشکی یزد

مریم دافعی، خدیجه نصیریانی، شهناز مجاهد، مهشید بکایی

آدرس: یزد ، بلوار دانشجو، دانشکده پرستاری و مامایی

زمینه و هدف: ارزشیابی موثرترین شیوه برای بهبود کیفیت آموزش است بخصوص آنکه نحوه یاد گیری ارزیابی و موارد نقص و قوت مشخص و سپس هر یک بر حسب نیاز تغییر یا ارتقاء داده شود. این مطالعه نیز با هدف تعیین نحوه یادگیری مهارتهای بالینی انجام گرفته است تا بر اساس نتایج نحوه آموزش مامایی بهبود یابد.

روش و ابزار: این مطالعه از نوع مقطعی می باشد. جامعه و نمونه پژوهش شامل ۱۴۰ نفر از ماماهای شاغل در مراکز بهداشتی – درمانی بودند که به روش سرشماری انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها چک لیست نحوه یادگیری مهارتهای مامایی رایج بود که به روش خود گزارش دهی تکمیل شد. نحوه یادگیری مهارتهای بالینی در این بررسی به صورت ذیل تقسیم شده بود

۱- یادگیری در دوران دانشجویی توسط مربی ۲- یادگیری دردوارن دانشجویی توسط یک شخص صلاحیت دار ۳- یادگیری دردوارن دانشجویی توسط سایر دانشجویان ٤- یادگیری در محیط کار توسط همکاران و٥- سایر موارد یادگیری ...

نتایج: یافته ها نشان داد که اکثر واحدهای مورد بررسی مهارتهای مربوط به مراقبت از مادر طول لیبر (۳۹/۳٪)، مهارت انجام زایمان غیر طبیعی (۳٦/٤٪)، مراقبتهای لازم از مادر بعد از اعمال جراحی زنان (٤۷٪) و مهارت مراقبت از نوزاد را در دوران دانشجویی و توسط مربی مربوطه آموخته بودند اما مهارتهای انجام اقدامات صحیح دارو درمانی (٤۲٪) و مراقبت از مادر باردار با حاملگی پرخطر (۵۰٪) را اکثراً دردوران دانشجویی و توسط یک شخص صلاحیت دار (پرسنل مسئول، رزیدنت و...) آموخته بودند.همچنین این بررسی نشان داد که اکثر نمونه ها (۳۰/۷) مهارت مربوط به استفاده صحیح از وسایل اتاق زایمان و نوزادان را در زمان دانشجویی و توسط دانشجویان بالاتر آموخته بودند. لازم به ذکر است که بین بعضی از مشخصات دموگرافیک واحدهای مورد بررسی و نحوه یادگیری مهارتهای رایج اختلاف معنی دار آماری (p =۰/۰۰۳) یافته شد.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج اکثریت آموزشها توسط مربیان صورت گرفته است اما آنچه مسلم است دستیابی به مهارت کامل وصلاحیت حرفه ای همه جانبه قبل از ورود به حرفه نیازمند تلاش بیشتری می باشد که از جمله آن افزایش کسب مهارت بیشتر دانشجو توسط مربی است که خود نیازمند تأمین مربی کافی جهت آموزش، برگزاری دوره های بازآموزی جهت مربیان و استفاده بیشتر از مراکز مهارتهای بالینی می باشد همچنین با توجه به نتایج پیشنهاد می شود استفاده از پرسنل متبحر بیمارستان می تواند تأثیر قابل ملاحظه ای در افزایش مهارت دانش آموختگان داشته باشد

۷۲. بررسی وضعیت تحصیلی فارغ التحصیلان دانشگاه علوم پزشکی مازندران طی سالهای (۱۳۸۲-۱۳۶۷)

منصور رنجبر ، میترا محمودی، محمود بزرگی

آدرس: مازندران، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: بررسی وضعیت تحصیلی در دانشگاهها به روند رشد آموزشی کمک می کند. این تحقیق به منظور بررسی وضعیت تحصیلی فارغ التحصیلان دانشگاه علوم پزشکی مازندران وشناسایی برخی عوامل موثر برآن طی سالهای گذشته انجام گرفت.

روش و ابزار: مطالعه از نوع توصیفی بوده وجامعه مورد مطالعه دانشجویان فارغ التحصیل شده در دانشگاه علوم پزشکی مازندران طی سالهای ۱۳۶۷تا ۱۳۸۲ بوده وروش نمونه گیری سرشماری ومتد جمع آوری اطلاعات گذشته نگر بوده است.ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای حاوی متغیرهای تحقیق بود که جهت بررسی وضعیت تحصیلی فارغ التحصیلان،معدل ترم ومعدل کل آنان از بایگانی آموزش هر دانشکده استخراج ومورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت ومعدل میانگین تحصیلی، جنسیت فارغ التحصیلان،معدل ترم ومعدل کل آنان ورابطه وضعیت تحصیلی با عواملی مانند نوع اقامت دانشجو، نوع سهمیه،وضعیت تاهل،رشته تحصیلی، جنسیت فارغ التحصیلان و.. در پرسشنامه ثبت گردید وپس از جمع آوری اطلاعات آنالیز آماری با نرم افزار 'SPSS۱۱ وبا استفاده از آمار توصیفی وتحلیلی وآزمونهای کای دو وآنالیز واریانس انجام شد.

نتایج: از مجموع ۱۳۹۷ فارغ التحصیلان ۶۳/۹٪ زن و ۳۶/۱٪ مرد، ۷۰/۱۵٪ مجرد ۱۹/۳۲٪ متاهل بودند ۴۸/۵٪ فارغ التحصیلان بومی و۴۲/۵٪ غیربومی بودند.۶۳/۲٪ خوابگاهی و ۲۲/۵٪ مالکیت و۱/۱٪ اقامت استیجاری داشتند.۶۵۰ نفر در مقطع کاردانی و۴۹۷ نفر کارشناسی و۲۵۰نفر درمقطع دکتری فارغ التحصیلان شده اند.معدل دانشجویان با جنسیت، تاهل ونوع سهمیه قبولی ورشته تحصیلی ارتباط معنی داری داشته است و معدل دانشجویان با نوع اقامت، بو.می بودن وغیر بومی بودن، شروع ترم (مهر یا بهمن) و با سال تحصیلی ارتباط معنی داری نداشته است ومیانگین معدل از سال ۱۳۷۸ به بعد روند افزایش داشته است.

یافته ها نیز نشان می دهند که دانشجویان درترمهای ابتدایی شروع تحصیل، احتمالاً به دلیل عدم سازش با محیط دانشگاهی معدل پایین تر وتعداد مشرو.طی بیشتر بوده است ولی با سپری شدن چند ترم دانشجو جایگاهش را پیدا کرد واز طریق آشنایی بیشتر با مسائل وقوانین آموزشی معدل بالاتری را داشتند.

نتیجه گیری: برنامه ریزی آموزشی در دانشگاهها باید متناسب با شرایط دانشجویان وبراساس مهمترین عوامل موثر وضعیت تحصیلی صورت گیرد

۷۳. خود سنجی مهارت بالینی فارغ التحصیلان پرستاری در بدو اشتغال بکار

فرحناز فرنیا، خدیجه نصیریانی، طاهره سلیمی، لیلی شهبازی

آدرس: یزد، دانشکده پرستاری و مامایی

زمینه و هدف: تبحر بالینی یک بحث حرفه ای و صنفی مهم در پرستاری است که از دیر باز همواره مورد توجه مسئولین و برنامه ریزان بوده و تلاشهای بسیاری جهت فراهم نمودن شرایط مناسب یادگیری و ارزیابی کیفیت نظام آموزشی در توانمند سازی دانش آموختگان این رشته بعمل آورده اند.بنابر این با توجه به اهمیت موضوع بر آن شدیم تا مطالعه ای با هدف«تعیین مهارت بالینی(شناختی و روانی حرکتی)فارغ التحصیلان پرستاری در بخشهای داخلی و جراحی در بدو اشتغال بکار از دیدگاه خود آنها'انجام دهیم.

روش و ابزار: این مطالعه از نوعsurvey است که در کلیه پرستاران طرحی مشغول بکار در یکی از بخشهای عمومی یا تخصصی داخلی و جراحی بیمارستانها ی دولتی شهر یزد انجام گرفته است.ابزار گرد آوری اطلاعات پرسشنامه حاوی دو بخش مشخصات دموگرافیک و چک لیست مهارتها بود.دراین بخش مهارتهای شناختی و روانی حرکتی مورد نیاز پرستاران در بخشهای عمومی و تخصصی داخلی و جراحی از پذیرش تا ترخیص یا مرگ بیماران بر اساس مقیاس ٤درجه ای لیکرت بررسی می شد.سپس امتیازات حاصله به چهار.

نتایج: طبق نتایج به دست آمده۹۲٪ واحدها مؤنث، ۲۲درصد در بخشهای ویژه و ۱۲٪در بخش اورژانس مشغول به کار بودند. میانگین+انحراف معیار امتیاز مهارت انجام پروسیجرها

۷۵. بررسی آمادگی رزیدنتهای جدیدالورود دانشگاه علوم پزشکی تبریز در مورد انجام مهارتهای عملی مختلف برروی بیمار در سال ۱۳۸۳

دکتر ابوالقاسم امینی، دکتر سوسن حسن‌زاده سلماسی دکترعلی‌اکبر اعلم‌الهدی، دکتر رضا غفاری، دکتر کامران صداقت، حوریه سربازوطن، پریسا گل‌عنبر

آدرس: تبریز،خیابان دانشگاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: حرفه پزشکی بیش از معلومات تئوری به توانایی انجام بموقع مهارتها و بکارگیری اطلاعات ذهنی در عمل نیازمند است. یادگیری مهارتهای عملی نیازمند تکرار و تمرین فراوان در جهت کسب اعتماد بنفس برای انجام مهارت در شرایط ضروری است. بنابراین آموزش مهارتهای بالینی در پزشکی اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته و نیازمند برنامه‌ریزی رسمی جهت توانمندسازی دانشجویان در طی تحصیل می‌باشد. هدف از این تحقیق بررسی آمادگی در رزیدنتهای جدیدالورود و کارورزان فارغ‌التحصیل شده در مورد انجام مهارتهای عملی مختلف برروی بیمار می‌باشد.

روش و ابزار: این مطالعه توصیفی- مقطعی با بررسی آمادگی رزیدنتها و کارورزان در مورد توانایی انجام مهارتهای عملی مختلف برروی بیمار انجام شده است. جامعه مورد مطالعه ۷۵ نفر از رزیدنتهای جدیدالورود بودند. اطلاعات از طریق پرسشنامه‌ای شامل بر آمادگی دانشجویان در مورد انجام مهارتهای عملی بر روی بیماربود. مقیاس‌لیکرت (از بسیارکم = ۱ تا بسیارزیاد = ٦) برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد و داده ها با نرم افزار SPSS و روش آماری توصیفی تجزیه و تحلیل گردیدند.

نتایج: با توجه به نتایج به دست آمده میانگین امتیاز آمادگی دانشجویان برای انجام مهارتهای عملی برروی بیمار ۲/۰۷ ± ۵۴/۷۱ بود که ۲۵ درصد دانشجویان ۴۱/۳۳٪، ۵۰ درصد ۵۲٪، ۷۵ درصد ۶۵/۳۳٪ آمادگی برای انجام مهارتهای‌عملی برروی بیمارداشتند. بالاترین متیاز در مورد تزریقات و احیاء قلبی ریوی پایه بود و پایین‌ترین امتیاز در مورد کانول‌گذاری شریان، کاتدان و چست تیوب بود.

نتیجه‌گیری: امیداست با توجه به نتایج بدست آمده و با توسعه بخشهای مهارتهای بالینی و پشتکار مسئولین، روزبروز بر ارتقاء فراگیری کارهای عملی افزوده‌تر شده و دانشجویان با مشاهده فواید اینگونه آموزشها شخصاً در کاهش آسیبهای روحی و روانی، آسیب فیزیکی بیشتر، افزایش اعتماد بنفس و کاهش خطرات کارهای عملی موثر واقع شوند.

۷٦. بررسی رضایتمندی کاراموزان و کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمان از ارزشیابی به روش (OSCE)

دکتر زهرا جلیلی، عصمت نوحی، دکتر فاطمه احمدپور

آدرس: کرمان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: در سال ۱۹۷۵ هاردن ارزشیابی بالینی با ساختار عینی (OSCE) را توصیف کرد. در موقعیت‌های مختلف، در دوره‌های مختلف و زمانهای ویژه ارزشیابی بالینی به روش OSCE انجام شد و نتیجه گرفتند که تععین شایستگی‌ها، مهارتها و نگرش در موقعیت‌های مختلف، در ایستگاههایی متشکل از چندین روش آزمونهای عملکرد، سؤالات چند گزینه‌ای، سؤالات تشریحی و در بیشتر موارد از بیماران استاندارد شد می توان استفاده کرد.)این بیماران اشخاصی هستند که برای نشان دادن علائم و نشانه‌های بیماری در هنگام اجرای تست‌ها، آموزش دیده‌اند.)مزایای این روش شامل قابلیت ارزیابی تعداد زیادی از رفتارهای بالینی در دوره زمانی کوتاه بود. هدف از این پژوهش عبارتست از تعیین میزان رضایت‌مندی کارآموزان و کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمان از ارزشیابی مهارتهای بالینی به شیوه (OSCE).

روش و ابزار: این مطالعه از نوع مطالعه مقطعی (Cross - Sectional) بود و جامعه مورد تحقیق کل دانشجویان پزشکی (کارآموز / کارورز) دانشگاه علوم پزشکی کرمان که روش ارزشیابی آنها به شیوه OSCE بوده است تشکیل داد، n = ۱٦۲ نفر بوده است. اطلاعات از طریق پرسشنامه پژوهشگر پس از تعیین روایی (r = ۰/۷۵) جمع آوری شد.

نتایج: نتایج این مطالعه نشان داد که کارآموزان و کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمان که مهارتهای بالینی آنها به روش OSCE مورد ارزشیابی قرار گرفته بوده است از رضایت‌مندی مطلوبی نسبت به این روش ارزشیابی برخوردار

بوده‌اند بطوری که با (۹۶/۸ درصد) P < ۰/۰۳۲ نسبت به برگزاری این روش در سایر بخشهای بالینی نیز اعلام موافقت نموده‌اند. در بررسی رابطه متغیرها ی (جنس، سن، سال ورود، دوره تحصیلی) با رضایت‌مندی تفاوتی مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: اهمیت توسعه مهارتهای حرفه‌ای دانشجویان در سیستم بهداشتی درمانی خصوصاً دانشجویان پزشکی ضرورت یادگیری روشهای دقیق و عینی ارزشیابی بالینی را نشان می‌دهد.

با توجه به اینکه ارزشیابی به سبک OSCE ضمن تأثیرات آموزشی می‌تواند به قضاوت مدرسین بالینی در مورد شایستگی حرفه‌ای دانشجویان کمک نماید.و از طرفی بر اساس نتایج این مطالعه که رضایت‌مندی دانشجویان را به همراه داشت. توسعه آموزش این روش و بکارگیری آن در همه گروههای آموزشی ضروریست.

۷۷. بررسی مهارتهای تفکرانتقادی مدرسین در استفاده از شیوه های ارزشیابی دانشجویان در دانشکده علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی تهران- ۱۳۸۳

شیدا جلالی، دکتر مهدی دوایی، دکتر کامبیز پوشنه

آدرس: تهران، دانشگاه آزاد اسلامی ، دانشکده پزشکی

یکساعت اندیشیدن برتر از هفتاد سال عبادت است. "پیامبر اکرم ص"

زمینه و هدف: گسترش مرزهای دانش،فن آوری های نوین را به ارمغان می آورد و این حرکت وقفه ناپذیر و پیشرفتهای تکنولوژیکی به توسعه و تعمق بیش از پیش در عتوم بخصوص علوم پزشکی نیازمند می باشد.ارتقائ خدمات در تمامی عرصه ها و از جمله در آموزش علوم پزشکی بعنوان یکی از ارکان تاثیر گذار در بالابردن کیفیت بهداشت و درمان در جامعه همیشه در نظر بوده است. رسالت تعلیم و تربیت بخصوص در رشته های علوم پزشکی پروراندن انسان متفکری است که می خواهد راه تکامل همه جانبه خود را هموار ساخته و به دنیا و انسانهای اطراف خود مرتبط کردد. از آنجاییکه حجم زیاد و بمباران اطلاعاتی در عصر حاضر نیازمند پرورش مهارتهای اندیشیدن در طی دوران تحصیلات آکادمیک است، لذا استفاده از شیوه های ارزشیابی مناسب و برخورداری مدرسین از مهارت های تفکر انتقادی یکی از اولویت های اصلی در آموزش در علوم پزشکی می باشد. فارغ التحصیل های ما در بالین بیمار و در لحظات بحرانی نیاز به تصمیم گیری های موثر و با استفاده از دانش آموخته شده دارند، لذا این پژوهش به بررسی مسائل مذکور پرداخته است.

روش و ابزار: پژوهش حاضر از گروه تحقیقات توصیفی است که در سال ۸۳-۱۳۸ بر روی ۹۶ نفر از مدرسین گروه علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی تهران انجام شده است.در این پژوهش مدرسین از طریق نمونه گیری تصادفی انتخاب شده اند.ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه بوده که در سه بخش به بررسی اطلاعات دموگرافیک مدرسین، سبک تفکر انتقادی،و شیوه های ارزشیابی آنان در دروس پایه و تخصصی پرداخته است.بررسی سبک تفکر انتقادی مدرسین با استفاده از سئوالات تفکر انتقادی کالیفرنیا بوده است.نتایج توسط آمار توصیفی و با استفاده از آزمون های استنباطی و نرم افزارکامپیوتری(اس.پی.اس.اس) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نتایج: بر اساس نتایج بدست آمده و تجزیه وتحلیل های آماری نشان داده است که تمامی مدریسن ا تفکر انتقادی برخوردار بوده اند.در ارتباط با جنسیت مدرسین،مدرسین مذکر دارای تفکر انتقادی بیشتری به نسبت مدریسن مونث بوده اند. همچنین تمامی مدرسین از آزمون گیری در ارزشیابی خود استفاده نموده اند. استفاده ازمقالات در۶۰،۳۱٪ موارد، ۵۳،۹۶٪ تمرینات گروههای کوچک و۳۱،۷۴٪ کار گروهی را نیز از دانشجویان خواستار شده اند. مدرسینی که دارای مرتبه علمی بالاتر و سابقه تدریس بیشتری بوده اند، از تفکر انتقادی بیشتری بر خوردار بوده و از سئوالات تشریحی و کوتاه پاسخ بیشتر از سئوالات چند جوابی و... استفاده کرده اند. در دروس پایه و تخصصی، مدرسینی که از سبک تفکر انتقادی بالاتری برخوردار بوده اند از روش آزمون گیری کمتر و از کار گروهی دانشجویان ومقالات بیشتر استفاده کرده اند.همچنین مدرسین با تفکر انتقادی بالاتر در دروس پایه با توجه به انحراف معیار ومیانگین بدست آمده از سئوالات چند جوابی بیشتر از تشریحی استفاده کرده اند. مدرسین مونث در دروس پایه و تخصصی از سئوالات کوتاه پاسخ وچند جوابی بیشتر از مدرسین مذکر استفاده نموده اند.

همچنین مدرسینی که دارای تفکر انتقادی بالاتری بوده اند، به حضور و غیاب دانشجویان اهمییت کمتری داده اندو تشویق به حضوردرکلاس را با اهمییت تردانسته اند.

نتیجه گیری: تفکر انتقادی بعنوان مجموعه ای از مهارتها، شرایط مطلوب یادگیری، کسب تجربه و خلاقیت جهت تصمیم گیری موثر وصحیح را برای مدرس و فراگیر ایجاد می کند.استفاده از تفکر انتقادی در شکوفایی وبه فعل در آوردن استعدادهای نهفته در حل مسائل حرفه ای، و یکی از راههای دستیابی به ارتقائ کیفیت آموزش در علوم پزشکی می باشد.استفاده از شیوه های ارزشیابی صحیح،ضمن گردآوری و تفسیر اطلاعات در رابطه با موفقیت برنامه آموزشی و در رسیدن به هدفها نیز داوری کرده و نشان میدهد که تا چه حد یک برنامه آموزشی در نیل به هدفهای گسترده تر و اجتماعی موثر می باشد. ارزشیابی صحیح می تواند در مراحل مختلف آموزش، تغییرات مورد نظر ایجاد شده در فراگیران را بخوبی مشخص نماید، که در این صورت می توان گفت برنامه آموزشی موفق بوده است.برای حرکت بسوی مهارت محوری مبتنی بر دانش پیشرفته واستفاده از تفکر انتقادی به عنوان جنبه مهمی از عملکرد حرفه ای در علوم پزشکی،نیاز به استفاده از شیوه های نوین در آموزش و تربیت فراگیرانی با تفکر قضاوتگر، تیز بین،با سعه صدر،کنجکاو و.....= متفکر انتقادی در جامعه خواهیم داشت که پرورش آنان مسئولیت مهمی را به عهده مدرسین گذاشته است.

۷۸. بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد کارورزان پزشکی نسبت به رابطه پزشک – بیمار

دکتر ندا دولتخواه، دکتر علی فخاری، عبدالرضا شقاقی

آدرس: تبریز، دانشکده پزشکی، گروه روانپزشکی

زمینه و هدف: دانشکده‌های پزشکی و برنامه های دستیاری آموزش پزشکی، زمینه کسب مهارت های اساسی و پیچیده و طبی را برای دانشجویان و پزشکان تازه فارغ التحصیل شده در سطح حرفه ای فراهم می آورند. ولی اغلب به یک زمینه مهارتی عمده، یعنی توانایی برقراری رابطه موثر بین پزشک و بیمار نمی پردازند. هدف از این‌مطالعه تعیین میزان دانش، نگرش و عملکرد کارورزان نسبت به رابطه پزشک- بیمار تعیین ارتباط دانش و نگرش، دانش و عملکرد کارورزان پزشکی نسبت به رابطه پزشک – بیمار و تعیین ارتباط سن و جنس کارورزان با میزان دانش، نگرش و عملکرد آنان نسبت به رابط پزشک – بیمار می باشد.

روش و ابزار: تعداد ۱۰۰نفرازکارورزان پزشکی بطور تصادفی انتخاب شدندکه شامل ٤٩ نفر مرد و ۵۱نفر زن بودند و توسط پرسشنامه ای که اعتبار آن تائید شده بود، مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج حاصله به روش Kolmogorov- smirnov test، one- sample test، pearson، t-test و روش بررسی فراوانی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند.

نتایج: ۳۵ درصد از کارورزان به سوالات دانش پاسخ صحیح داده بودند. در مورد گروه اول سوالات نگرش،۵۲ درصد از کارورزان در حد ((خیلی زیاد)) ۳۳ درصد در حد ((زیاد)) و ۱۰ درصد در ((متوسط)) نگرش مثبت ابزار داشته بودند. در مورد گروه دوم سوالات نگرش ٦٨ درصد از کارورزان به سوالات پاسخ صحیح داده بودند. در مورد سوالات عملکرد نیز، ۵۵ درصد از کارورزان، پاسخ صحیح ارائه کرده بودند.

ارتباط معنی دار مثبت بین سطح دانش و نگرش، سطح دانش و عملکرد و سطح نگرش و عملکرد کارورزان، مشهود بود.

رابطه معنی داری میان جنس کارورزان و میزان پاسخ های صحیح به سوالات به طور کلی و بین سن کارورزان و سطح عملکرد آنان وجود نداشت.میان سن کارورزان وسطح دانش و نگرش آنان ارتباط معنی دار منفی وجود داشت.

نتیجه گیری: به نظر میرسد پاسخ صحیح کارورزان به سوالات نگرش وعملکرد ناشی از شخصیت قبلی خود آنان و تجارب شخصی آنها باشد که به تدریج و طی دوره های آموزشی قبلی و مشاهده روابط اساتید با بیماران کسب شده است نه ناشی از دروس کلاسیک ارائه شده توسط دانشکده پزشکی. لذا پیشنهاد می شود درس رابطه پزشک- بیمار به عنوان یکی از دروس ضروری در سر فصل های برنامه آموزش پزشکی قرار گیرد.

۷۹. بررسی دیدگاه اساتید بالینی درباره تاثیر ارائه فیدبک به اساتید طراح سوال و تهیه بانک سوال شخصی برای اساتید بر بهبود کیفیت ازمونها

وجیهه غلامی، محمد دادگسترنیا

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دوره مقدمات پزشکی بالینی

زمینه و هدف: آزمونهای کتبی هنوز هم هسته مرکزی ارزشیابی دانشجویان پزشکی در دوره های بالینی را تشکیل میدهد. در اغلب دانشکده های پزشکی، حتی قبل از اجرای آزمونهای بالینی، یک ازمون چند گزینه ایی برای اطمینان از دانش پایه ایی فراگیران برگزار میشود.با توجه به کیفیت پایین اغلب این آزمونها، دانشکده پزشکی اصفهان کار اموزش و بهبود کیفیت طراحی سوال توسط اساتید بالینی را به گونه ایی غیر مستقیم و عملی تر انجام داد.

روش و ابزار: دوره مقدمات پزشکی بالینی از سال۱۳۸۱ اقدام به اجرای طرح ارائه باز خورد پس از هر ازمون به اساتید طراح سوال و تهیه بانک سوال نموده است. مراحل این طرح در واحد ارزشیابی دوره ICM و زیر نظر کارشناسان ارزشیابی اجرا میگردد. در مطالعه ای Cross-Sectional دیدگاه اساتید درگیر در این طرح مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: یافته های پژوهش نشان دادکه تمامی اساتید بالینی (۱۰۰٪) بر این باورند که اگاهی از نتایج ارزشیابی سوالات نقش مثبتی در بهبود کیفیت این ازمونها خواهد داشت. ۷۷٪ آنان این روند را در بهبود Reliability آزمونها موثر میدانستند. ٦٦٪ مایل بودندکه ارزشیابی سوالت اساتید دیگر در اختیار انان قرار گیرد اما ٤٤٪ انان راضی بودند که سوالاتشان در اختیار دیگران قرار گیرد. همچنین ۱۰۰٪ انان مایل به دریافت جزوه کوچکی درباره اصول طراحی سوال بودند با اینکه ۷۷٪ انان قبلا در کارگاهی با این عنوان شرکت کرده بودند.٦٦٪ معتقد بودند که نظارت کارشناسان خطاهای احتمالی را کاهش خواهد داد.

نتیجه گیری: در آزمونهای کتبی استفاده از سوالات مناسب و استاندارد از ضروریات است و Item Analysis بیش از همه اطلاعات مفیدی را برای بهبود کیفیت آزمونهای MCQ در اختیار ما قرار میدهد. برای استفاده از نتایج تجزیه و تحلیل کمی و کیفی سوالات راهکارهای عملی باید اندیشیده شود. در این طرح کمبود وقت اساتید بالینی از طریق دخیل کردن افراد اموزش دیده در این کار جبران خواهد شد. اموزش اساتید نیز به طور غیر مستقیم و در خلال ایجاد بانک سوال شخصی برای انان صورت میگیرد. در کنار ان استفاده از خود اموز نیز راه مناسبی برای اموزش اساتید خواهد بود. در طولانی مدت استفاده از سوالات مناسب بانک سوال منجر به افزایش پایایی ازمونها خواهد گردید.

۸۰. مقایسه دوروش ارزشیابی حیطه عاطفی دانشجویان کارورز پرستاری در مراکز آموزشی‌درمانی‌شهررشت۱۳۸٤

مینو میترا چهرزاد، مهشید میرزایی

آدرس: رشت، دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی

زمینه و هدف: سنجش نگرش وارزشیابی حیطه عاطفی یکی از بخشهای مهم ارزشیابی دانشجویان پرستاری در بالین است ومعمولا در محیطهای بالینی حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد از امتیازات ارزشیابی دانشجو به حیطه عاطفی اختصاص داده می شود.مشکل اساسی روشهای سنجش اهداف حیطه عاطفی این است که باید موقعیتهایی را بوجود آورد که آزمون شوندهرفتار عاطفی مورد نظر خودرابروز دهد. محیط بالینی وبیمارستان بهترین موقعیت را برای سنجش این حیطه فراهم می سازد زیرا ارتباط نزدیک بین استادودانشجو ایجادشده واستاد به راحتی می تواند به مشاهده غیر محسوس ومداوم دانشجویان درموقعیتهای مختلف ارتباطی ومسئولیت ودقت و... بپردازد. درعین حال دربعضی موارد بین استادو دانشجو در مورد ارزشیابی این حیطه اختلاف نظر وجود دارد.جهت تعیین این اختلاف نظرپژوهشگران برآن شدند تا به مقایسه دوروش ارزشیابی حیطه عاطفی که توسط استاد وتوسط دانشجو صورت‌می‌گیرد‌بپردازند.

روش و ابزار: این پژوهش یک مطالعه توصیفی-مقایسه ای است که با هدف مقایسه دوروش ارزشیابی حیطه عاطفی توسط استاد(گزینه بایست) وتوسط دانشجو(یادداشتهای روزانه) دردانشجویان کارورز پرستاری در بخشهای کودکان مراکز بهداشتی-درمانی شهررشت انجام شده است.نمونه های مورد پژوهش به صورت سرشماری از کلیه جامعه پژوهش یعنی کلیه دانشجویان کارورز پرستاری در بخشهای کودکان

در دونیمسال متوالی در دو مرکز آموزشی درمانی شهرکرد انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل فرم ارزشیابی حیطه عاطفی به صورت گزینه بایست ورتبه بندی شده بود که در ۱۰ حیطه (وضع ظاهر وبهداشت-وقت شناسی – مسئولیت پذیری – دقت – ارتباط با مددجو وخانواده – ارتباط با مربی وهمکاران – انتقاد پذیری – صرفه جویی و نگهداری از وسایل – سرعت عمل و مشاهدات وگزارشات)بودکه توسط اساتید تکمیل می گردید.همچنین .جهت ارزشیابی حیطه عاطفی توسط دانشجو در ۱۰ حیطه ذکر شده از یادداشتها و گزارش های دانشجو استفاده شد ونهایتا نتایج دو گروه مورد مقایسه قرار گرفت.

نتایج: نتایج پژوهش فوق نشان می دهد براساس آزمون ضریب همبستگی پیرسون تفاوت معنی داری درحیطه ظاهر وبهداشت-وقت شناسی-دقت-انتقادپذیری وصرفه جویی در وسایل وارائه گزارشات وجود دارد.بنابراین ارزشیابی دانشجو توسط استاد با نگرش دانشجو از خود در حیطه عاطفی نتایج یکسانی دارد

نتیجه گیری: با توجه به همخوان بودن نتایج دو روش ارزشیابی فوق در اکثر حیطه های عاطفی استفاده از روش گزینه بایست توسط اساتید دارای اعتبار مناسبی جهت سنجش حیطه عاطفی بوده و قابل اجرا می باشد.

۸۱. آزمون CRP: ابزاری برای ارزیابی استدلال بالینی در دانشجویان مقدمات پزشکی بالینی

علیرضا منجمی، وحید عشوریون، پیمان ادیبی، محمد دادگسترنیا

آدرس: اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی، دانشکده پزشکی، دفتر ICM

زمینه و هدف: آزمون Clinical Reasoning Problem(CRP) شامل تعداد سناریوی بالینی است که از شرح حال و معاینه بیمار تشکیل شده است. مطالعات متعدد CRP را یک وسیلهٔ پایا برای ارزیابی روند پیشرفت استدلال بالینی در دوره های PBL نشان داده است. تاکید روش CRP به جای صحت تشخیص بر ارزیابی روند تشخیص است.. هدف از این مطالعه تهیه و تطبیق آزمونی برای ارزیابی استدلال بالینی دانشجویان پزشکی در مقطع پاتوفیزیولوژی می باشد.

روش و ابزار: این امتحان شامل سه سوال می باشد که توسط متخصصین رواسازی شده است. دانشجویان اجازه داشتند از کتاب استفاده کنند. پس از برگزاری امتحان پاسخها با استفاده از کلید استاندارد تصحیح شد. با توجه به اینکه کلید استاندارد با مشکلاتی مواجه بود با نظر افراد مجرب و پاسخ های دانشجویان کلید سوالات مجدداً رواسازی شد و سیستم نمره دهی بر اساس دو فرآیند تعیین تشخیص افتراقی و لیست کردن یافته هاصورت گرفت.

نتایج: برای این امتحان ٦ نمره از بیست در نظر گرفته شده بود که به هر سوال دو نمره،به هر تشخیص ۰/۲ نمره و به هر یافته تشخیصی نیز ۰/۲ نمره اختصاص یافت. به دانشجویان از این نظر اجازه داده شد که از کتاب استفاده کنند تا اثر دانش لازم برای استدلال بالینی حذف شود.

نتیجه گیری: CRP روش مناسبی برای ارزیابی استدلال بالینی می باشد ولیکن نحوه نمره دهی و کلید آن نیاز به بازنگری دارد. در ضمن این آزمون می تواند به عنوان روشی برای آموزش استدلال بالینی به کار رود.

۸۲. بررسی شیوه ارزشیابی دانشجویان توسط اساتید در محیط های بالینی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

احمد فخری، حسین کمیلی ثانی، عبدالحسین شکورنیا

آدرس: اهواز، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: ارزشیابی دانشجو یکی از مهمترین ارکان برنامه ریزی آموزش قلمداد می گردد. یک ارزشیابی مؤثر نه تنها در تمایز دانشجویان نقش بسزایی دارد بلکه به مدرس در ارزیابی فعالیتهای خود نیز کمک مینماید. با توجه به اینکه شیوه های مختلفی جهت ازرشیابی دانشجو وجود دارد. در این بررسی بنا داریم، علاوه بر تعیین روشهای ازرشیابی دانشجویان، میزان برخورداری از شاخص های استاندارد بودن این روشها را نیز مورد بررسی قرار دهیم. و با شناخت چالشهای موجود در جهت رفع آنها برنامه ریزی نمائیم

روش و ابزار: این تحقیق یک مطالعه توصیفی است و جامعه مورد مطالعه تعداد ۱۸۰ عضو هیئت علمی بالینی دانشگاه جندی شاپور اهواز میباشد. که از این گروه یک نمونه ٦۰ نفری بطور تصادفی انتخاب شد و در این تحقیق شرکت کردند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه خود ساخته ای بود که جهت تعیین روایی و پایایی آن از نظرات کار شناسان

و آزمون مجد د استفاده شد. با مراجعه پژوهشگر به محیط کار آموزش بالینی پرسشنامه ی مذکور، در اختیار اعضاء هیئت علمی قرار گرفت پس از تکمیل به پرسشگر عودت داده شد. سپس داده ها توسط برنامه آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتیجه گیری: اعضاء هیئت علمی شرکت کننده در این مطالعه در پاسخ به این سئوال ((در برگزاری امتحانات از کدام نوع سئوال استفاده می کنید)) ۹۴/۹ درصد سوالات چند گزینه ای را بیان کردند و ۳۰/۵ درصد نیز اظهار داشتند علاوه بر سوالهای چند گزینه ای از سوالات تشریحی نیز استفاده می کنند. در ارتباط با میزان آشنایی با اصول طراحی سوالات چند گزینه ای ۷۵/۹ درصد زیاد و ۳٤/۱ درصد کم و خیلی کم را اعلام نمودند. در پاسخ به این سوال ((آیا ضریب دشواری و ضریب تمایز سوالهای خود را تعیین می کنید)) ۸۲/۱ درصد پاسخ منفی و ۱۷/۹ درصد پاسخ مثبت ارائه کردند. در ارتباط با تعیین روایی و پایایی سوالهای امتحانی خود ۷۳/٦ درصد پاسخ منفی و ۲٦/٤ درصد پاسخ مثبت را بیان کردند. در پاسخ به این سئوال ((آیا بعد از برگزاری امتحان، سوالات امتحانی و کلید سوالات را در اختیار دانشجو قرار میدهید)) در ارتباط با سئوالات امتحانی ۷٤/۱ درصد پاسخ مثبت و ۲۵/۹ درصد پاسخ منفی دادند و در مورد کلید سئوالات ٦۳/۸ پاسخ مثبت و ۳٦/۸ درصد پاسخ منفی دادند. همچنین ۷٤/۱ درصد اساتید امتحان میان ترم برگزار می کنند و ۲۵/۹ درصد اظهار نمودند که این امتحان را برگزار نمی کنند.

۸۳ . ارزیابی انترنهای بیمارستان امام خمینی از کیفیت درس اخلاق پزشکی

فریبا اصغری

آدرس: تهران، امیرآباد شمالی، مرکز تحقیقات اخلاق وتاریخ پزشکی

زمینه و هدف: یکی از روشهای سنجش نیاز آموزشی دانشجویان تعیین رضایتمندی آنها از دانش و مهارتهایی است که در طی دوره آموشی فرا می‌گیرند. در این مطالعه جهت ارزیابی درس اخلاق پزشکی در فراهم آوردن توانایی لازم در برخورد اخلاقی با موارد بالینی انترنهای بیمارستان امام خمینی مورد نظر سنجی قرار گرفتند.

روش و ابزار: طی پرسشنامه ای از انترنها در خصوص نظر ایشان در مورد ضرورت درس اخلاق پزشکی، رضایت ایشان از کیفیت ارائه این درس و ارزیابی درس اخلاق پزشکی در توانمند ساختن آنها در برخورد اخلاقی با موارد بالینی (به صورت ۲۳ آیتم لیست شده)، پرسش شده بود. از انترنها خواسته شد که ارزیابی خود را به صورت دادن امتیاز از صفر (بسیار ضعیف) تا ۱۰ به معنی بسیار مناسب در پرسشنامه وارد نمایند. از ۲۷ انترن حاضر ۲۵ نفر پاسخ دادند.

نتایج: نمره ارزیابی کلی انترنها از کل درس اخلاق پزشکی ۳/۷٦ از ۱۰ بود در عین حال میانگین امتیاز داده شده در مورد ضرورت آموزش درس اخلاق پزشکی ۸/۰٤ از ۱۰ بود. از میان ۲۳ آیتم موارد اخلاق پزشکی تنها در مورد ٦ آیتم میانگین امتیازی که انترنها به کیفیت آموزش درس اخلاق پزشکی دادند بالای ۵ بود که بالاترین امتیاز به رازداری به میزان ٦/٦۸ داده شد و بعد از آن به ترتیب بالاترین امتیاز متعلق به دادن اطلاعات به بیمار، نوشتن گواهی های دروغ، مسائل جنسی، رضایت آگاهانه به درمان و خطاهای پزشکی بود. پائینترین امتیاز مربوط به مسائل خاتمه حیات از قبیل عدم احیاء قلبی ریوی و قطع درمان نگهدارنده می‌باشد

نتیجه گیری: نظرسنجی انجام شده نمایانگر نارضایتی انترنها از کیفیت ارائه این واحد می‌باشد. در حالی که ایشان آموزش اخلاق پزشکی را بسیار ضروری می‌دانند و برای آموزش این درس اهمیت قائلند. در حقیقت نتایج این مطالعه ضرورت اصلاح دوره آموزش اخلاق پزشکی دانشجویان پزشکی و غنی سازی محتوای آن را مطرح می‌سازد.

۸٤. بررسی تأثیر کارگاههای آموزشی روش تدریس در میزان به کارگیری مهارتهای طرح سئوال در بین اساتید دانشگاه علوم پزشکی اراک

لادن سالمی، مریم رفیعی

آدرس: اراک، میدان بسیج، سایت سردشت، دانشکده پزشکی

زمینه و هدف: آنچه مسلم است فارغ التحصیلان بسیاری از مراکز که جذب محیطهای دانشگاهی می گردند دوره های خاص تدریس را نمی گذرانند بنابراین هر چند از نظر علمی در رشته تخصصی خود مهارت داشته باشند ولیکن در امر تدریس که فن خاص خود را می طلبد تجربه و آشنایی ندارند

لذا ضرورت گذراندن کارگاههای روش تدریس ترجیحاً در ابتدا ورود یک عضو هیات علمی امری است اجتناب ناپذیر یکی از جمله رایجترین روشهای ارزشیابی دانشجویان برگزاری امتحان است و یک نوع از انواع امتحانات طرح سئوالات چهار گزینه ای می باشد و این نیاز به یادگیری و آموزش این مهارت دارد یکی از اموری که در کارگاههای روش تدریس با آن اهتمام می ورزند آموزش طرح استاندارد سئوال است با توجه به اهمیت طرح سئوال و ارزشیابی سئوال کارگاههای روش تدریس یکی از دوره هایی است که به اساتید کمک می نماید تا با استفاده از ضریب دشواری و تمیز و همچنین استفاده از شاخص هایی چون میانگین نمرات کلاسی و انحراف معیار به طرح استاندارد سئوال بپردازند

روش و ابزار: در این تحقیق از مطالعه عرضی یا مقطعی استفاده گردیده آزمودنی ها ۲۵ نفر از اساتید دانشگاه علوم پزشکی اراک که کارگاه روش تدریس را گذرانده اند و اند که به روش تصادفی انتخاب شدند. آخرین آزمونی که اساتید فوق از دانشجویان بعمل آورند انتخاب گردید. سپس سئوالات امتحانی فوق بوسیله شاخصهای دشواری و تمیز و همینطور میانگین نمرات و انحراف معیار احتساب گردید.

نتایج: نتایج حاصل از این تحقیق نشان می دهد که اساتیدی که این کارگاه را گذرانده اند از لحاظ طرح سئوال سخت و دشوار، متوسط و آسان هیچ تفاوتی با اساتیدی که دوره را نگذرانده اند ندارند. در رابطه با فرض دوم تحقیق یافته ها نشان می دهد مدرسین این دو گروه یعنی گروه آموزش دیده و گروه آموزش ندیده از لحاظ سئوالاتی که ضریب تمیز صفر دارند. هیچ تفاوتی با هم ندارند یعنی سئوالات خنثی که بین دانشجویان ممتاز وضعیف تفاوتی قائل نمی گردد در هر دو گروه یکسان است.

نتیجه گیری: آنچه که محقق در پی این پژوهش به آن دست یافت این است که با توجه به یافته های حاصل از این داده ها گروه اساتیدی که کارگاه روش تدریس و طرح سئوال را گذرانده اند نسبت به طرح سئوالاتی که از لحاظ ساختاری کمتر اشکال دارند و منطبق بر اصول طرح سئوالات چهار گزینه ای می باشد مهارت کمتری دارند. چرا که بین اساتیدی که کارگاه روش تدریس را گذرانده اند در خصوص کسب سئوالاتی که ضریب تمیز منفی دارند تفاوت معنی داری با اساتیدی که این کارگاه را نگذرانده وجود دارد با توجه به شواهد می توان گفت که میانگین نمرات کلاسی اساتیدی که کارگاه روش تدریس گذرانده اند با میانگین نمرات کلاسی بقیه اساتید تفاوتی ندارد بدین معنا که دانشجویان این مدرسین از لحاظ قوی بودن و یا ضعیف بودن در درس مربوط یکسان می باشند. همچنین می توان نتیجه گرفت که کلاسهای هر دو گروه مدرسین آموزش دیده و ندیده از لحاظ پراکندگی نوع دانشجو قوی و ضعیف یکسان بوده و اختلاف معنا داری بین ترکیب کلاس درس با توجه به نمرات پایان درس در این دو گروه وجود نداشته است مهارت طرح سئوال استاندارد در حال حاضربعنوان یک مسأله قابل بحث آموزشی مطرح است بدیهی است ارائه یک سیستم صحیح ازروش تدریس وارائه یک گردش درست ازیادگیری نیازبه تحقیق وتفحص بیشتری دارد.

۸۵. بررسی نگرش اساتید و دانشجویان مقطع بالینی دانشکده پزشکی ساری نسبت به آزمونهای بالینی در سال تحصیلی ۸۳-۸۲

مهرنوش کوثریان ، میترا محمودی ، کوروش وحید شاهی سیامک سعیدی، لیلا شهباز نژاد

آدرس: مازندران ، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی

زمینه و هدف: آزمون همیشه یک رکن اساسی و با اهمیت در آموزش بوده است و در واقع همیشه این آزمون است که آموزش را می سنجد. در حال حاضر از روش های متعددی جهت آزمونهای پایان دوره دانشجویان پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی مازندران استفاده می شود. هدف از انجام این مطالعه، بررسی نگرش اساتید و دانشجویان پزشکی مقطع بالینی در مورد این آزمونها بود.

روش و ابزار: این مطالعه که به صورت توصیفی مقطعی انجام شد. جامعه مورد مطالعه دانشجویان مقطع بالینی و اساتید این دوره بودند. روش نمونه گیری به صورت سر شماری بوده و مطالعه با استفاده از پرسشنامه ای خود ایفا که روایی آن توسط چند تن از متخصصین با تجربه تأیید شده و پایایی آن با روش آزمون مجدد(۲:۰/۹) قابل قبول بود. نگرش اساتید و دانشجویان مقطع بالینی نسبت به انواع امتحانات بالینی و نحوه برگزاری آن با مقیاس ٤گزینه ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف سنجیده شد (حداکثر امتیاز ٤٨). اطلاعات دموگرافیک آنها نیز ثبت گردید. از آمار توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون جهت بررسی ارتباط بعضی متغیرها، استفاده شد.

۸۶ . بررسی روند نحوه انتخاب ضریب اطمینان در آزمونهای مبتنی بر اعتماد در دانشجویان پزشکی

دکتر بهزاد قاسمی، دکتر محمود قادر مرزی

آدرس: کردستان،دانشگاه علوم‌پزشکی، مرکزمطالعات‌وتوسعه‌آموزش پزشکی

زمینه و هدف: آزمونهای مبتنی بر اطمینان (Confidence Based Assessment) عبارتند از آزمونهای چند گزینه ای که در آن دانشجویان علاوه بر انتخاب یک گزینه برای هر سوال، درجه اعتماد خود را نسبت به صحت آن انتخاب میکنند و متناسب با آن در ازای صحیح یا غلط بودن پاسخ، درجات متفاوتی از نمره مثبت یا منفی دریافت میکنند. این روش موجب میشود دانشجویان به درک صحیحی از دانش خود دست یافته، بعلاوه استاد ابزار دقیق تری جهت ارزشیابی دانشجویان در اختیار خواهد داشت.

روش و ابزار: در نیمسال دوم ۸۴- ۱۳۸۳ در درس بیوشیمی ۱ از تعداد ۱۹ نفر دانشجوی پزشکی (کل دانشجویان ورودی نیمسال)، تعداد ٦ کویز به روش " ارزشیابی مبتنی بر اعتماد" بعمل آمد. سطوح اطمینان در ٤ سطح C۱,C۲,C۳,C٤ (به ترتیب افزایش اطمینان) پیش بینی شده بود که در صورت درست یا نادرست بودن جواب به ترتیب (۱/۰۵+ و ۰/۳۵-) ، (۱+ و ۰/۲۵-) و (۰/۷+ و ۰/۱۵-) و (۰/۳+ و ۰) تعلق میگرفت. پس از هر آزمون پاسخ صحیح سوالات به دانشجویان اعلام میشد. جهت تصحیح اوراق از نرم افزار ویژه MCQAssistant استفاده گردید. اطلاعات به کمک نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: از آزمون یک تا ششم انتخاب ضریب اطمینان ٤ =C٤ ٤ Confidence level کاهش یافته است (شاخص میانگین ۱۲/۷٦ در سه آزمون اول، در برابر ۹/۵۵ در سه آزمون دوم). C۳ و C۲ افزایش یافته اند. در تمام آزمونها بیشترین گزینه های صحیح با ضریب ٤ انتخاب شده اند [۳٦/ ۷ در برابر ۲/٦۷ شاخص مجموع T۱ و T۲ و T۳ (=T) True]. در مورد سوالات غلط نیز انتخاب ضریب اطمینان ٤ بالا بوده است اما میزان انتخاب آن به اندازه سوالات صحیح نبوده است [۳/۷۸ در برابر ٤/۰۳ مجموع F۱ وF۲ و F۳ (F=False)]. در دو آزمون آخر مشخصا F٤ کاهش یافته و F۱ و F۳ افزایش یافته است.

نتیجه گیری: دانشجویان پزشکی تمایل به انتخاب ضریب اطمینان بالا (بویژه دارند). این تمایل در گزینه های صحیح و غلط وجود دارد، هرچند در گزینه های صحیح بیشتر از گزینه های غلط بوده است. بتدریج دانشجویان به طرف انتخاب ضریب اطمینان ۱ و ۲ تمایل پیدا کرده اند که میتواند ناشی از یافتن درک صحیح نسبت به میزان صحت سوالات و تصمیم گیری درست در قضاوت نسبت به درستی یا نادرستی گزینه ها باشد.

۸۷. ارزیابی‌میزان‌اثربخشی‌کارعملی دانشجویان مامائی در بخشهای مختلف

پوراندخت افشاری، سیمین صادقی

آدرس: اهواز، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: از آنجا که دانشجویان مامائی با جنبه‌های مختلف سلامت زنان در سنین باروری ارتباط دارند لذا کار بالینی آنان در بخش‌های مختلف انجام می‌گیرد. از سوی دیگر بهترین فرد برای ارزیابی اثربخشی این کار عملی دانشجویانی می‌باشند که واحدهای مختلف کار بالینی را گذرانده و نمره قبولی را از واحد گذرانده شده دریافت نموده‌اند لذا با هدف ارزیابی دانشجویان مامائی از میزان اثربخش بودن کار بالینی پژوهش حاضر صورت پذیرفت.

روش و ابزار: این پژوهش مطالعه ایDescriptive است که طی آن ۵۰٪ دانشجویان مامائی ترم پنجم و بالاتر و ناپیوسته دانشگاه علوم پزشکی اهواز براساس پرسشنامه طراحی شده نظرات خویش را ابراز نمودند نتایج حاصل پس از کد گذاری با نرم افزار آماری SPSS مورد آنالیز قرار گرفت.

نتایج: در پرسش از دانشجویان دریافتیم ٥٤/٥٪ ایشان تعداد بخشها و بیمارستانهای تخصصی را کافی نمی‌دانند و ۵۰٪ تعداد دانشجویان را در هر واحد زیاد می‌دانند، ٦٤/٦٪ نمونه‌ها ابراز داشتند میزان نظارت مربی بر کار ایشان با افزایش ترم کاهش نمی‌یابد و مربی اختیارات کار عملی ایشان را افزایش نمی‌دهد. ارزیابی آن از واحد فنی پرستاری ٤٨/٣٪ متوسط، ٤٤/٤٪ خوب بود. این میزان در واحد داخلی جراحی ٤٨/٣٪ متوسط و ۳۵/٦٪ ضعیف عنوان شد. در واحدهای تخصصی OB ۸۲/۷٪ ارزیابی خوب و بسیار خوب، Gyn ٦٥/٣٪ خوب

و بسیار خوب، ادمیت ٦٩٪ خوب، تنظیم‌خانواده ۷۵/۸٪ خوب و بهداشت مادر و کودک ٦٥/٥٪ خوب بود. مهمترین ویژگیهای یک کار عملی خوب از دیدگاه ٤٠٪ احترام در محیط کارآموزی- ٣٦٪ آموزش تئوری مناسب، ٢١٪ داشتن مربی خوب، و اختیار دادن به مربی ودانشجو و ایجاد تطابق بین کار عملی با آموخته‌های تئوری عنوان شد.

نتیجه‌گیری: دانشجویان شرایط محیط بالینی را برای یک کارآموزی ایده‌آل نسبتاً مناسب می‌دانند و در ارزیابی از واحدهای مختلف مشخص گردید که رضایت ایشان از واحدهای تخصصی بیشتر از واحدهای پایه است.

۸۸ . میزان دستیابی کارورزهای دانشگاه علوم پزشکی به اهداف آموزشی بخش اطفال از دیدگاه خودشان در سال ۸۲-۸۱

دکتر آراز قورچایی، دکتر کاظم کاظم نژاد

آدرس: گلستان، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: با توجه به نیازهای در حال تغییر جامعه، آموزش پزشکی نیز باید فرآیندی متحول داشته باشد. یکی از عوامل اصلی که می تواند آموزش را از حالت ایستا به مسیری پویا و با کیفیت سوق دهد، ارزشیابی است.

این مطالعه به منظور تعیین میزان دستیابی کارورزهای دانشگاه علوم پزشکی گلستان به اهداف آموزشی بخش اطفال از دیدگاه خودشان انجام شد.

روش و ابزار: این مطالعه توصیفی (ارزیابی درونی) در سال ۸۲-۸۱ بر روی کل کارورزهای دانشگاه علوم پزشکی گلستان (٥٠ نفر) انجام شد و با تهیه پرسش نامه (دارای روایی و پایایی) اطلاعات جمع آوری شده را با استفاده از آزمون T -Test مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم.

نتایج: ٣٧ نفر از شرکت کنندگان (٧٤٪) مرد و ١٣ نفر (٢٦٪) زن بودند. آزمون T–Test اختلاف آماری معنی داری را بین کارورزهای مرد و زن در اداره بیماریهای اورژانسی و غیر اورژانسی و همچنین ادارهٔ عملی بیماران در بخش اطفال نشان نداد. در بین دانشجویان وقتی که علاوه بر شنیدن و دیدن مورد بیماری را شخصاً یا زیر نظر استاد اداره می کردند کار عملی بهتری مشهود بود.

نتیجه گیری: میزان دستیابی دانشجویان کارورز به اهداف آموزشی بخش اطفال خوب بود. به هر حال فراهم کردن تسهیلات لازم جهت آموزش مثل کارگاه آموزش بالینی، کارگاه مهارت های بالینی، مرکز مهارت های بالینی و تهیه فیلم های آموزشی و کار عملی زیر نظر اساتید، رسیدن به اهداف آموزشی را مطلوب تر می نماید.

۸۹ . بررسی میزان مهارت دانشجویان سال آخر رشته پرستاری در ارزیابی سلامت بیماران بستری در بیمارستان‌های آموزشی یکی از دانشگاه های علوم پزشکی کشور در سال ۱۳۸۳

حسین مدنی، نسرین بهرامی نژاد

آدرس: زنجان، دانشکده پرستاری شهرستان ابهر

زمینه و هدف: با توجه به اینکه گرفتن تاریخچه و انجام معاینه فیزیکی بیماران اساس فرایند پرستاری و پیدا نمودن مشکلات بیماران برای طرح ریزی برنامه های مراقبتی می باشد لذا مطالعه حاضر به منظور تعیین میزان مهارت دانشجویان سال آخر رشته پرستاری درارزیابی سلامت بیماران در سال ۱۳۸۳ در یکی از دانشگاه های علوم پزشکی کشور انجام گرفت.

روش و ابزار: به منظور انجام این مطالعه تمامی دانشجویان سال آخر یکی از دانشگاه های علوم پزشکی کشور که ٤٧ نفر بودند به صورت روش نمونه گیری آسان یا در دسترس مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه های اطلاعات فردی و چک لیست مشاهده ای بررسی وضعیت سلامت بود.پس از تایید روایی و پایایی پرسشنامه ها با مطالعه ابتدایی، پرسشنامه های اطلاعات فردی توسط نمونه ها تکمیل گردید و پژوهشگران با حضور در بخشهای کارورزی دانشجویان آنها را از نزدیک از نظر ارزیابی وضعیت سلامت بیماران و پیدا نمودن مشکلات آنها مشاهده نموده و با چک لیست مشاهده ای ارزیابی نمودند. سپس اطلاعات مربوطه با روشهای آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: نتایج نشان داد که ٢٠/٤ درصداز دانشجویان در بررسی سلامت بیمار ضعیف بودند و ٦٨/٢ درصد دانشجویان در بررسی سلامت بیماران نمره متوسط گرفتند (که نمره اکثریت آنها نزدیک به ضعیف بود) و تنها ١١/٤

درصد از دانشجویان در بررسی سلامت بیماران دارای مهارت خوبی بودند.

نتیجه گیری: در تحقیق حاضر مشخص گردید که اکثریت دانشجویان سال آخر رشته پرستاری در بررسی سلامت بیماران ضعف و مشکل دارند که این مشکل در دیگر دانشگاه های کشور نیز وجود دارد.از این رو برنامه ریزی دقیق برای انجام بررسی سلامتی بیماران درتمام کارآموزی ها و رفع اشکال دانشجویان بمنظور کسب مهارت در آنها پیشنهاد می گردد.

۹۰. بررسی مشکلات مربیان هنگام ارزشیابی بالینی دانشجویان رشته پرستاری دانشکده علوم پزشکی شاهرود

حسین ابراهیمی، ربابه زروج حسینی، داود عودی

آدرس: شاهرود، خیابان شهدا، دانشکده علوم پزشکی

زمینه و هدف: آموزش بالینی یکی از مهمترین قسمتهای آموزش دانشجویان رشته های علوم پزشکی می باشد. هنگامی یک دوره آموزش می تواند مفید و اثر بخش باشد که یک ارزشیابی صحیح در جهت مشخص کردن موقعیت فعلی و شناسایی عوامل مورد نیاز برای ایجاد تغییرات متناسب با توجه به نیازهای متحول شده جامعه و پیشرفت های جدید صورت گیرد. این پژوهش با هدف تعیین مشکلات مربیان هنگام ارزشیابی بالینی دانشجویان رشته پرستاری دانشکده علوم پزشکی شاهرود انجام گردید.

روش و ابزار: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی – مقطعی می باشد. نمونه پژوهش شامل ۳۵ نفر مربیان رسمی، پیمانی و حق التدریس گروه پرستاری دانشکده علوم پزشکی شاهرود می باشد. پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی – مقطعی می باشد. نمونه پژوهش شامل ۳۵ نفر مربیان رسمی، پیمانی و حق التدریس گروه پرستاری دانشکده علوم پزشکی شاهرود می باشد.

نتایج: یافته های پژوهش مبین آن بود که واحدهای مورد پژوهش دارای میانگین سنی ۳۷/۵۲ سال و میانگین سابقه اشتغال به کار ۱۲/۵۸ سال میانگین سابقه آموزش دانشجویان ۸/۴۵ سال و متوسط تعداد دانشجویان ۹ نفر در هر بخش بوده است. بیشترین مشکلات مربیان هنگام ارزشیابی بالینی در رابطه با برخی ویژگیهای دانشجویان و عدم ارائه تکالیف بالینی در موعد مقرر توسط دانشجویان مجرد شاغل و متأهل شاغل بود. در حالی که در مورد ارائه تکالیف بالینی در موعد مقرر توسط دانشجویان مجرد غیرشاغل وپذیرش نمره نهایی ارزشیابی کمترین مشکل مشاهده گردید. سایر یافته ها نشان دهنده آن بود که بیشترین مشکلات مربیان در رابطه با ابزار ارزشیابی مربوط به سنجش میزان نگرش دانشجویان و مرتبط نبودن فرم ارزشیابی با موقعیتهای موجود در محیط کارورزی بود. در حالیکه کمترین مشکلات در رابطه با رعایت نظم و انضباط و احترام گذاشتن دانشجو به مربی، پرستاران و بیماران گزارش گردید. در خصوص مشکلات مربیان در رابطه با محیط و زمان کارورزی بیشترین مشکلات سنجش مهارتهای بالینی در شیفت شب و ساعات کارورزی دانشجویان در شیفت شب گزارش شد. در حالیکه کمترین مشکلات مربوط به سنجش مهارتهای بالینی دانشجویان در شیفت صبح و ساعات کارورزی آنها در شیفت صبح بود.

نتیجه گیری: در خصوص مشکلات مربیان در رابطه با محیط و زمان کارورزی بیشترین مشکلات سنجش مهارتهای بالینی در شیفت شب و ساعات کارورزی دانشجویان در شیفت شب گزارش شد. در حالیکه کمترین مشکلات مربوط به سنجش مهارتهای بالینی دانشجویان در شیفت صبح و ساعات کارورزی آنها در شیفت صبح بود.

۹۱. بررسی توانمندی لوله گذاری متخصصین اطفال تازه فارغ التحصیل شده

دکتر نعمت بیلان

آدرس: تبریز، دانشگاه علوم پزشکی، معاونت آموزشی

زمینه و هدف: یکی از حیطه های مهم یادگیری، توانمندی (competency) افراد است تا حدیکه به عملکرد (performance) تبدیل شده وملکه وجود شود. لازمه تحقق چنین امری، تعریف حداقل های یادگیری در هر دوره، برنامه ریزی برای اجرا وارزیابی آن است. هدف این مطالعه بررسی کفایت متخصصین اطفال تازه فارغ التحصیل شده از نظر لوله گذاری روی مولاژ بوده است.

روش و ابزار: دریک مطالعه تحلیلی- مقطعی، توانمندی لوله گذاری آنان بامشاهده وپرکردن چک لیست در قالب ۱۱سوال سنجیده شد.

نتایج: این بررسی نشان داد که از۱۱۹ نفر شرکت کننده در این امتحان فقط ۵۰نفر لوله گذاری مناسب انجام داده، ۳۰ نفر لوله را ثابت نموده، ۳۳ نفر استریلیتی رارعایت کرده، ۸ نفر محتویات معده راآسپیره کرده و۱۰۱ نفر ازتیغه مناسب استفاده نمودند. آنالیز نتایج بااستفاده ازآزمون z برای یک نسبت نشان داد که اگر درصد توانمندی مورد نظر را۹۰٪ فرض کنیم به غیر از مورد انتخاب تیغه مناسب در بقیه موارد با $p<۰,۰۰۰۷$ اختلاف معنی دار با میانگین وجود داشته و اگر درصد را۱۰۰٪ در نظر بگیریم درتمام موارد با $p<۰,۰۰۰۷$ اختلاف معنی دار خواهد بود.

نتیجه گیری: با توجه به نقش اساسی لوله گذاری در احیا ونیز تنفس مکانیکی، ضرورت بازنگری درتنظیم حداقل های یادگیری وتلاش برای یاددهی ویادگیری مناسب آن برای متخصصین اطفال اجتناب ناپذیر خواهد بود.

۹۲. بررسی مهارتهای ارتباطی دستیاران تخصصی دندانپزشکی در بخش‌های بالینی و تاثیر آن بر رضایتمندی بیماران

مهری یاوری، علی عماد زاده، سعید ابراهیم زاده، ناهید احمدیان

آدرس: مشهد، دانشگاه علوم پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: تمرکز بر مراقبت های فنی آن سبب شده است که پزشکان بطور سنتی از روشهای ارتباطی غیر مؤثر استفاده نموده و در نتیجه مشکلات عمده بیماران به روشنی مشخص نمی گردد.این مطالعه به منظور بررسی و تحلیل مهارتهای ارتباطی دستیاران تخصصی دندانپزشکی و تاثیر آن بر رضایتمندی بیماران انجام شده است.

روش و ابزار: ۳۰ نفر دستیار سال اول دانشکده دندانپزشکی مشهد و ۳۰ نفر از بیماران آنها که به طور تصادفی انتخاب شده بودند مورد مطالعه قرار گرفتند. برای جمع آوری اطلاعات مربوط به مهارتهای ارتباطی دستیاران با استفاده از روش فیلم برداری و سیستم IAS، چک لیست مشاهده ای تکمیل گردید. اطلاعات مربوط به رضایتمندی بیماران از طریق پرسشنامه جمع آوری شد.

نتایج: در زمینه مهارتهای ارتباطی در کل۴۳/۳٪، در حیطه مهارتهای روانی- اجتماعی۶۳/۳٪، در حیطه مهارتهای تشخیصی۲۰٪ ودر حیطه مهارتهای مشاوره و آموزش۷/ ۲۶٪ دستیاران از وضعیت مطلوب برخوردار بوده اند. درکلیه حیطه های موردبررسی با بهبود وضعیت مهارتی دستیاران میانگین نمره رضایتمندی افزایش یافته است. آزمون آماری ANOVAدرکل ودرسه حیطه اختلاف معنی داری رابین میانگین نمره رضایت بیماران بر حسب وضعیت مهارت ارتباطی دستیاران نشان داد ($P<۰/۰۵$). آزمون همبستگی نیز وجود رابطه خطی بین مهارت ارتباطی ورضایتمندی را نشان داد. ضریب همبستگی برای مهارتهای ارتباطی در کل و حیطه روانی - اجتماعی در سطح ۰/۰۱ و در حیطه تشخیصی و مشاوره در سطح ۰/۰۵ معنی دار بود. معادله خط محاسبه شده نیز وجود همبستگی را تائید کرد.

نتیجه گیری: مهارتهای ارتباطی جزء جدایی ناپذیر مهارتهای بالینی پزشکان است که می تواند اثر بخشی درمان و همچنین میزان رضایتمندی بیماران را افزایش دهد. دست اندرکاران آموزش پزشکی با یستی دوره های آموزشی لازم برای تقویت مهارتهای ارتباطی دانشجویان و کادر پزشکی را طراحی و اجرا نمایند.

۹۳. بررسی عوامل موثر در پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

دکتر مسعود رودباری، دکتر عباس شیبک

آدرس: زاهدان ، دانشگاه علوم پزشکی ، دانشکده بهداشت

زمینه و هدف: تعیین عوامل تاثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی و نحوه ارتقاء آنان به مقاطع بالاتر و همچنین رتبه‌بندی تحصیلی آنان از جمله مسایلی است که مورد توجه دانشجویان و دانشگاهیان است. هدف از این مطالعه ارائه روشی برای تعیین مهمترین عوامل آموزشی تاثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی زاهدان و نحوه ارتقاء آنان می باشد.

روش و ابزار: در این مطالعه مقطعی ۹۹ نفر از شرکت‌کنندگان در امتحانات پیش‌کارورزی شهریور و اسفند ۱۳۸۰ دانشگاه علوم پزشکی زاهدان انتخاب و میانگین‌های مقاطع علوم پایه، پیش‌کارورزی و بالینی و نمرات امتحانات جامع علوم پایه و پیش‌کارورزی آنان در سال ۱۳۸۱ جمع‌آوری شده است. سپس به منظور تعیین عوامل تاثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان از روش تجزیه و تحلیل عاملی استفاده شد. با استفاده از این روش فاکتورهایی که ترکیبی از متغیرهای مورد بررسی می‌باشند، محاسبه می‌شوند. سپس با استفاده از ضرایب استاندارد شده فاکتورهای فوق کلیه دانشجویان رتبه‌بندی شده و رتبه‌بندی حاصل از این روش با رتبه‌بندی حاصل از میانگین مقطع بالینی و نمره امتحان جامع پیش‌کارورزی مقایسه گردید.

نتایج: با استفاده از این روش تنها یک فاکتور به دست آمد که با نتغیرهای مورد بررسی همبستگی بسیار خوبی داشت. با استفاده از این فاکتور می‌توان ۷۰/۹٪ تغییرات کلی را تبیین کرد. رتبه‌بندی دانشجویان با استفاده از فاکتور مورد بررسی بسیار متفاوت از رتبه‌بندی با استفاده از میانگین بالینی و امتحان پیش‌کارورزی بوده اما روش استفاده از میانگین مقطع بالینی به رتبه‌بندی حاصل ازفاکتورموردنظرنزدیکتربوده است.

نتیجه گیری: با توجه به استفاده از کلیه عوامل آموزشی موجود در این روش و همینطور نتایج واقعی‌تر تجزیه و تحلیل عاملی، پیشنهاد می‌شود که برای بررسی وضعیت تحصیلی و رتبه بندی دانشجویان و همینطور ارزیابی دانشگاه‌های علوم پزشکی و وضعیت بهداشتی و درمانی استان‌ها از روش تجزیه و تحلیل عاملی استفاده شود تا وضعیت واقعی موارد مورد ارزیابی مشخص شود.

۹۴. عوامل موثر بر آزمون جامع پیش کارورزی دانشکده های پزشکی ایرن بر اساس اطلا عات موجود در بانک اطلاعات و رتبه بندی دانشکده های پزشکی ایران

قاسم میش مست نهی

آدرس: زاهدان، دانشکده پزشکی

با افزایش پذیرش دانشجوی پزشکی از ۱۳۲۳ نفر در سال ۱۳۵۷ به ۵۳۳۵ نفر در سال ۱۳۶۵ گر چه مشکل کمبود پزشک برطرف شد اما این افزایش کمیت متاسفانه همراه با افت کیفیت آموزش پزشکی بوده است، لذا مسئولین وزارت بهداشت در سال ۱۳۷۷ از دبیرخانه شورای آموزش پزشکی و تخصصی خواستند تمام عوامل موثر در ارتقای کیفیت آموزش را شناسائی و جمع آوری نماید که این مجموعه اطلاعات بنام بانک اطلاعات و رتبه بندی دانشکده های پزشکی ایران درسال ۱۳۷۹ توسط وزارت بهداشت منتشر گردید

از آنجا که آموزش دارای سه فاکتور اصلی الف) درون داد سیستم ب) فرآیند آموزش ج) و برون داد سیستم می باشد، این تحقیق به منظور شناحت عوامل موثر منجمله درون داد های سیستم و فاکتورهای موثر درفرایند آموزشر بالینی برآزمون جامع پیش کارورزی بر اساس اطلاعات موجود در بانک اطلاعات فوق الذکر صورت گرفته است. این مطالعه از نوع توصیفی – تحلیلی بوده و جامعه آماری، اطلاعات موجود در کتاب فوق الذکر می باشد. در این مطالعه از روش های آماری همبستگی ساده ورگرسیون چندگانه برای تعیین نقش هر یک از متغییر ها استفاده و برای امور داده پردازی و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SSPS استفاده شده است. در این مطالعه تاثیر فاکتورهائی از قبیل رتبه در:کنکور سراسری، آزمون جامع علوم پایه، سرانه هیات علمی به دانشجو در مقطع بالینی، سرانه تخت آموزشی، تراکم کلاس بالینی، فعالیت های آموزشی بالینی، آموزش درون بخشی، کتابخانه، تجهیزات بیمارستانها، آموزش درمانگاهی و آزمونهای داخلی (وتعداد رشته های تخصصی و فوق تخصصی): بر آزمون جامع پیش کارورزی دانشکده های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. اطلاعات موجود در ویرایش اول کتاب فوق الذکر (۱۳۷۹) نشان می دهد که آزمون جامع پیش کارورزی تنها با سرانه تخت آموزشی دارای ضریب همبستگی معنی دا ر و منفی (۰/۸۶-) می باشد اما بدنبال انتشار ویرایش جدید کتاب فوق الذکر(۱۳۸۲) اطلاعات جدید عوامل فوق بعلاوه تعداد رشته های تخصصی و فوق تحصصی دانشکده های مختلف مجدداً مورد بررسی قرار گرفت در این مرحله مشاهده شد،آزمون جامع پیش کارورزی با فاکتورهایی از قبیل رتبه در:کنکور، آزمون جامع علوم پایه، نسبت هیات علمی به دانشجو در مقطع بالینی، تعداد رشته های تخصصی و فوق تخصصی و آموزش درمانگاهی همبستگی معنی دار داشته اما در هر دو بررسی بر خلاف انتظار، آزمون جامع پیش کارورزی با هیچکدام از فاکتورهای: تراکم کلاس بالینی،

فعالیت های آموزشی بالینی، آموزش درون بخشی، تجهیزات بیمارستانها، و آزمون های داخلی همبستگی معنی دار ندارد. دربررسی رگرسیون چندگانه تنها سرانه تخت آموزشی در بررسی اول و رتبه در کنکور در بررسی دوم وارد مدل گشته است. نتایج حاصل از اطلاعات موجود در ویرایش اول و دوم کتاب بسیار متفاوت است که جای تامل دارد، علاوه بر این نتایج فوق بیانگر همبستگی منفی بین آزمون جامع پیش کارورزی و سرانه تخت آموزشی می باشد، به بیان دیگر کیفیت آموزش بالینی در دانشکده های با تخت آموزشی کمتر بهتر است. این یافته ها همچنین بیانگر این است که گرچه ممکن است بعضی فاکتورهای مفروض در بعضی سیستمهای آموزشی از عوامل موثر بر آموزش بالینی باشند ولی فاکتور های فوق بر سیستم آموزش پزشکی ایران منطبق نیست و ما باید هر چه زودتر خود معیارهای موثردر سیستم آموزش خود را شناسایی و مورد توجه قرار دهیم.

۹۵. مهارتهای تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سمنان

حسن بابامحمدی ، حسین خلیلی

آدرس: سمنان، دانشگاه علوم پزشکی، دانشکده پرستاری و پیراپزشکی

زمینه و هدف: امروزه ارتقاء سطح مهارتهای تفکر انتقادی یک نتیجه قابل انتظار از تحصیلات عالی دوره کارشناسی و بالاتر به حساب می آید. از این رو اتحادیه ملی پرستاری و سازمان دانشگاهی پرستاری آمریکا از سال ۱۹۸۶ رشد و توسعه مهارتهای تفکر انتقادی را به عنوان یک جزء ضروری ارزشیابی دانشجویان کارشناسی و مقاطع بالاتر و همچنین یک بخش اجباری جهت تایید اعتبار نامه پرستاران قرار داده است.به منظور آشنایی با و سطح مهارت دانشجویان پرستاری سمنان مطالعه ای با هدف تعیین مهارتهای تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سمنان انجام گرفت.

روش و ابزار: در مطالعه ای توصیفی مقطعی سطح مهارتهای تفکر انتقادی دانشجویان کارشناسی پیوسته و ناپیوسته پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سمنان در سال ۱۳۸۱ مورد بررسی قرار گرفت.. حجم نمونه ۱۰۷ نفر شامل کلیه دانشجویان کارشناسی پیوسته پرستاری سالهای اول تا چهارم (۷۰ نفر) ودانشجویان ناپیوسته پرستاری سالهای اول و دوم (۳۷ نفر)مشغول به تحصیل در نیمسال اول تحصیلی ۸۱-۸۰بوده است. ابزار مورد استفاده شامل آزمون مهارتهای تفکر انتقادی کالیفرنیا فرم ب California Critical Thinking Skills Test:) CCTST:FB Form B) است که حاوی ۳۴ سئوال چند گزینه ای با یک پاسخ صحیح در ۵ حوزه مهارتهای شناختی تفکر انتقادی (تحلیل، ارزشیابی، استنباط، استدلال استقرائی وقیاسی) می باشد.،پرسشنامه توسط نمونه ها تکمیل گردید.پس از جمع آوری اطلاعات، داده ها توسط برنامه نرم افزاری SPSSWIN و با آزمون های آماری ANOVA و T و آزمون همبستگی پیرسون و اسپیرمن مورد تجزیه وتحلیل قرار گرفت.

نتایج: یافته های پژوهش نشان داد که میانگین نمرات دانشجویان کارشناسی پیوسته پرستاری ودانشجویان کارشناسی ناپیوسته پرستاری در آزمون مذکور به ترتیب شامل ۱۲/۳۴ با انحراف معیار ۲/۴۵ و ۱۱/۲۷ با انحراف معیار ۳/۱۰ بود که اختلاف میانگین نمرات آزمون بین این دو دوره از نظر آماری معنی دار بود.در دوره پیوسته میانگین نمرات آزمون دانشجویان سالهای مختلف گزارش یافته و بین تفکر انتقادی دانشجویان سالهای مختلف اختلاف معنی داری وجود داشت اما در دوره کارشناسی ناپیوسته اختلاف بین میانگین نمرات آزمون دانشجویان سال اول و دوم از نظر آماری معنی دار نبود. درهر دودوره بین سن وجنس دانشجویان با میانگین نمرات آنها در آزمون CCTST همبستگی معنی داری وجود نداشت اما بین معدل نیمسالهای قبل با نمرات آزمون مذکور همبستگی مثبت ومعنی دار ولی ضعیف وجود داشت. (r =۰/۳۱۰ =P۰/۰۱).

نتیجه گیری: نتایج پژوهش نشان داد که دانشجویان کارشناسی پیوسته پرستاری از سطح تفکر انتقادی بالاتری نسبت به دانشجویان کارشناسی ناپیوسته برخوردار بوده و در این گروه همچنین دانشجویان سالهای بالاتر از مهارتهای تفکر انتقادی بالاتری نسبت به دانشجویان سال پایین برخوردار هستند بعبارتی آموزش پرستاری و تحصیلات عالیه بطور نسبی سبب رشد مهارتهای تفکر انتقادی در دانشجویان کارشناسی پیوسته شده است.

۹۶. بررسی میزان آگاهی کاورزان دانشگاه علوم پزشکی تهران از مهارت های ارتباطی آنان در محیط بالینی(مطالعه کمی)

دکتر علی اکبرزینالو، محسن توکل، سیما ترابی، دکتراوئن لین

آدرس: تهران، دانشگاه علوم پزشکی، مرکزمطالعات وتوسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: اهمیت ایجاد ارتباط مؤثر، مهارتی است که از دید متخصصان آموزش پزشکی پوشیده نیست. مطالعات بسیاری در زمینه این مهم که ارتباط مؤثر پزشک – بیمار، محور انتقال خدمات درمانی با کیفیت مؤثر و مناسب به بیمار است وجود دارد و نشان داده شده است که رضایت بیمار به میزان معتنابهی موجب کاهش مصرف داروهای مسکن، مدت اقامت در بیمارستان، مراقبت های بعد از عمل جراحی و تعداد زیادی از پیامد های بیولوژیکی، روانی و اجتماعی گردیده است. این مطالعه به دنبال یافتن میزان آشنایی کارورزان دانشگاه علوم پزشکی تهران از مهارت های ارتباطی در بالین است.

روش و ابزار: این مطالعه یک تحقیق توصیفی – مقطعی با استفاده از پرسشنامه ای طراحی شده است که بین کارورزان دانشگاه علوم پزشکی تهران در یک سال توضیع شده است. داده ها حاصل از جمع آوری ۲۲۳ پرسشنامه میباشد.سازگاری درونی عناوین ۰/۸۹۷۶ بود.

نتایج: کلا" سطح آگاهی کارورزان غیر قابل قبول بود.نتایج بیان کننده این مهم بودند که کارورزان آگاهی محدودی از مهارت های ارتباطی و شناسایی این مهارت ها داشتند. اکثریت انترن ها (۷۸/۱ درصد) حتی یک مقاله در رابطه با مهارت های ارتباطی مطالعه نکرده بودند.وقتی از آنان سؤال گردید آیا هیچ دوره آموزشی رسمی در رابطه با مهارت های ارتباطی بالینی گذرانده یا آموزش دیده اند، ۹۱/٤ درصد آنان جواب "نه" داده بودند و بقیه نیز دوره های اختصاصی مانند CPR، تزریقات و سمیولوژی را گذرانده بودند که ارتباطی به مهارت های پزشک – بیمار ندارند. به علاوه، تفاوت معنی داری بین میانگین داده های بدست آمده از کارورزان در خصوص انتقال اخبار ناگوار و آموزش روابط جنسی ایمن وجود داشت.سطح اطمینان کارورزان پسر در خصوص مهارت های ارتباطی تا حد معنی داری بالاتر از دختران بود. محاسبات آماری همه داده ها با احتساب سن و جنس نشان دهنده معنی دار بودن اثر عامل جنسیت و تأثیر متقابل آن با سن بود.

نتیجه گیری: نتایج حاصله دلالت دارد بر اینکه نیاز مبرمی به ادغام واحدی تحت عنوان " مهارت های ارتباطی " در کوریکولوم پزشکی عمومی در ایران،با توجه به در نظر گرفتن مذهب و فرهنگ کارورزان احساس می شود.راهکارهای پیشنهادی و محدودیت های موجود در این زمینه مورد بحث وبررسی قرار خواهد گرفت.

۹۷. ارزشیابی تأثیر آموزش واحد درسی"جمعیت و تنظیم خانواده" بر آگاهی و نگرش دانشجویان دانشکده مهندسی برق دانشگاه یزد، سال۱۳۸۳

دکتر فروغ شفیعی، معصومه عباسی شوازی
محمد تقی عباسی شوازی، دکتر فربد عبادی فردآذر

آدرس: یزد، مرکز تحقیقات رفتارهای بهداشتی و ارتقاء سلامت

زمینه و هدف: امروزه تنظیم خانواده بعنوان بخشی از حقوق بشر و منزلت انسانی شناخته شده است و از جمله حقوق باروری که در کنگره قاهره مورد تأکید واقع شده است، حق دسترسی همگان، بخصوص نسل جوان به اطلاعات صحیح در مورد بهداشت باروری می باشد. در همین راستا دولت جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲ با تصویب قانون تنظیم خانواده، وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را موظف به ایجاد واحد درسی بنام" جمعیت و تنظیم خانواده" در کلیه رشته های آموزشی خود گردانید. این تحقیق، مقدمه ای بر تحقیقات گسترده تر علمی است و سعی بر آن دارد تا با ارائه سرفصل جدیدی برای واحد درسی "جمعیت و تنظیم خانواده"، گامی در جهت دستیابی جوانان به نیازهای آموزشی خود در زمینه بهداشت باروری بردارد.

روش و ابزار:این پژوهش، مطالعه تحلیلی (Analytical study) ، از نوع مورد- شاهد یا(Case- control) می باشد که با هدف "تعیین تاثیر آموزش واحد درسی «جمعیت و تنظیم خانواده» بر آگاهی و نگرش دانشجویان در دو گروه مورد و شاهد، در دانشکده مهندسی برق دانشگاه یزد، در سال ۱۳۸۳ "انجام گرفته است. نمونه های مورد بررسی، ۲۵۲ نفراز دانشجویان این دانشکده بودند که در دو گروه مورد و شاهد مورد مطالعه قرار گرفتند. گروه مورد شامل دانشجویانی بود که درس

«جمعیت و تنظیم خانواده» را گذرانیده بودند و گروه شاهد، دانشجویانی که این واحد را نگذرانیده بودند. از این تعداد ۱۴۴ نفر در گروه مورد و ۱۰۸ نفر در گروه شاهد قرار گرفتند.
ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بود که به روش خود- ایفا (Self-Administered) توسط دانشجویان تکمیل گردید. سئوالات پرسشنامه مشتمل بر: مشخصات دموگرافی- اجتماعی دانشجویان، سنجش آگاهی، نگرش آنان در خصوص مسائل جمعیتی و تنظیم خانواده بود. دو سئوال نیز به نظر خواهی از دانشجویان در رابطه با واحد درسی «جمعیت و تنظیم خانواده»اختصاص داشت. اطلاعات پرسشنامه ها پس از تکمیل و کد گذاری، بصورت داده های آماری در نرم افزار (SPSS۱۱,۵) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: یافته های پژوهش در مورد مشخصات دمو گرافی- اجتماعی، حاکی از آن بود که اکثر دانشجویان در هر دو گروه، مرد و مجرد بودند و اغلب دانشجویان گروه‌مورد اظهار داشتند که روش ارائه درس به آنها سخنرانی بوده است و در کلاس مشارکت غیر فعال داشته اند. در زمینه آگاهی، نتایج پژوهش نشان داد که بیشتر دانشجویان در گروه مورد (۶۰٪)، رتبه متوسط داشتند، در حالیکه (۵۶٪) دانشجویان در گروه شاهد، رتبه آگاهی آنان ضعیف بود و بطور معناداری آگاهی گروه مورد بیشتر از گروه شاهد گزارش شد($P<0,0001$) . همچنین آشنایی با روشهای پیشگیری از بارداری در گروه مورد، بطور معناداری بیش از گروه شاهد بود($P<0,05$).در گروه مورد، آگاهی فقط با نحوه مشارکت در کلاس رابطه معنی داری را نشان داد($P<0,04$) و در گروه شاهد آگاهی مردان بیش از زنان گزارش شد.($P=0,01$)
در قسمت سنجش نگرش، اکثر دانشجویان در هر دو گروه، رتبه متوسط را کسب کردند، به عبارت دیگر، نگرش دانشجویان دو گروه تفاوت معنی داری نداشت($P>0,05$) .همچنین در زمینه نگرش، در گروه مورد، دانشجویان زن بطور معنی داری، نگرش بهتری نسبت به دانشجویان مرد داشتند ($P<0,0001$) و نیز نگرش دانشجویانی که در کلاس مشارکت نسبتا فعال داشتند، بطور معنی داری بیش از دانشجویان غیر فعال در کلاس بود($P=0,03$).همچنین در گروه شاهد، نگرش دانشجویانی که تحصیلات مادر آنها لیسانس و بالاتر بود، با $P=0,02$ بصورت معنی داری بیش از دانشجویانی بود که مادران آنها تحصیلات راهنمائی داشتند. در همین گروه، بین سن و میزان نگرش رابطه معکوس و معنی داری مشاهده شد.($P=0/02$) . در ضمن در هر دو گروه بین میزان آگاهی و میزان نگرش، رابطه مستقیم و معنی داری مشاهده شد($P<0/05$).

نتیجه گیری: در نهایت میتوان گفت که آموزش واحد درسی «جمعیت و تنظیم خانواده» توانسته است در حد کمی بر آگاهی دانشجویان تحت مطالعه موثر واقع شود ولی بر نگرش این دانشجویان تاثیر معنی داری نداشته است.

۹۸. تأثیر آموزش بر اعضاء هیأت علمی درطرح سئوالات چند گزینه ای (MCQ) از نظر اعتبار صوری (Face validity) و اعتبار محتوائی (content validity)

دکتر علی فتاحی بافقی، حسین کریمی

آدرس: یزد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی

زمینه و هدف: ارزیابی میزان یادگیری دانشجو با طرح سئوال در پایان کلاس از جمله مواردی است که استاد به وسیلهٔ آن می تواند نسبت به شیوهٔ تدریس و چگونگی یادگیری دانشجو اطلاعاتی به دست آورد تا در مراحل بعدی تدریس با اصلاح اهداف یا شیوه های تدریس بتواند یادگیری را در دانشجو تقویت و تحصیل کند. به همین منظور این پژوهش در اعضاء هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد در سال ۱۳۸۳ صورت گرفت.

روش و ابزار: این تحقیق به روش کار آزمائی از نوع مقایسه قبل و بعد بر روی تعداد ۱۶۱ نفر عضو هیأت علمی در دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد صورت گرفت. کلیه این اعضاء قبل و بعد از شرکت در کارگاه آموزشی طراحی سئوالات عینی. اعتبار صوری و اعتبار محتوائی سئوالات آنها بررسی و ثبت گردید. محتوای آموزشی شامل آموزش واژه ها، ارزشیابی، اندازه گیری، امتحان، خصوصیات سئوالات عینی، مزایا، معایب، نحوهٔ بررسی ضریب دشورای و ضریب تمیز و همبستگی سئوالات با کل آزمونها بوده است. برای کلیه معیارها از طریق Rating scarle به تفکیک قبل و بعد از آموزش کارگاهی طبقه بندی شدند و تأثیر کارگاه با آمارهٔ MCNEMAR،S مورد قضاوت آماری قرار گرفت.

نتایج: تحقیق روی تعداد ۱۶۱ نفر انجام گرفت ۷۴٪ مذکرو ۲۶٪ مؤنث بودند. ۶۲٪ استادیار و ۳۸٪ مربی بودند. قبل از آموزش

۲۱٪ سئوالات بصورت منفی طراحی شده بود در صورتیکه بعد از آموزش این میزان ۹٪ قبل از آموزش در ۳۲٪ سئوالات مسئله اصلی در گزینه ها قرار داده شده بود در صورتیکه بعد از آموزش به٤/۳٪ کاهش یافت قبل از آموزش ۱۷/۸٪ از سئوالات چند هدف گنجانده شده بود ولی بعد از آموزش به ٦/٤٪ رسید قبل از آموزش ۲۱٪ سئوالات گزینه همسان نداشتندبعد از آموزش به ٤/۲٪ رسید. قبل از آموزش در ۲۸٪ سئوالات پایه سئوالات ناتمام بود ولی پس از آموزش به ۲/۸ درصد رسید.در مجموع تأثیر آموزش کارگاهی با عوامل فوق الذکر ارتباط معنی دار نشان داد. (P>۰،۰۵)

نتیجه گیری: با توجه به نتایج بدست آمده آموزش کارگاهی در زمینه های آموزش طراحی سئوال تأثیرات مطلوبی بر عملکرد اعضاء هیئت علمی داشته است. لذا توصیه می شود اعضاء هیئت علمی دانشگاهها در سطح وسیع با برنامه ریزی صحیح در این کارگاهها شرکت نمایند.

۹۹. بررسی دانش، نگرش و عملکرد تغذیه ای کارورزان دانشگاه علوم پزشکی کرمان

دکتر حسین صافی زاده، مریم عظیمی

آدرس: کرمان، دانشگاه علوم پزشکی ، گروه پزشکی اجتماعی

زمینه و هدف: تغذیه نقش مهمی در تعداد زیادی از وضعیت های پاتوفیزیولوژیک از جمله بیماریهای شایع نظیر دیابت، سرطان ها و بیماریهای قلبی عروقی دارد. علی رغم اشراف به اینکه غالباً از پزشکان جهت ارائه راهنمایی در مورد جنبه های تغذیه ای بیماریها سئوال می گردد، منتهی هنوز در برنامه های درسی دانشکده های پزشکی بویژه در آموزش بالینی و آموزش مبتنی بر بیمار به درس تغذیه بطور شایسته ای تاکید نمی شود. هدف از انجام این مطالعه تعیین آگاهی، نگرش و عملکرد تغذیه ای کارورزان دانشگاه علوم پزشکی کرمان بود.

روش و ابزار: ابزار مطالعه پرسشنامه خود ایفا بود که توسط ۱۰۵ کارورز تکمیل گردید.

نتایج: میانگین نمره دانش، نگرش وعملکرد کارورزان در مورد تغذیه بترتیب ۱/۸٦ ± ۷/۰۹ (از ۱۵ نمره)، ۳/۵٤ ± ۱۵/۵۰ (از ٤۰ نمره) و ۱/۵۸ ± ۱/٤۸ (از ۷ نمره) بدست آمد. در تجزیه و تحلیل بعمل آمده مشخص گردید که دانش و عملکرد دانشجویان برحسب جنس تفاوتی نداشته اما در نگرش؛ پسران نگرش بهتری از دختران دارند.(P <۰/۰۵) بین نمره دانش و نگرش رابطه مثبت معنی دار مشاهده گردید (P=۰/۰٤۸ و r=۰/۱۹٤) و با افزایش آگاهی کارورزان در مورد علم تغذیه، نگرش ایشان نیز بهتر می شود؛ بین نگرش و عملکرد کارورزان هم رابطه منفی معنی دار وجود داشت (P=۰/۰۰۵ و r= -۰/۳۲٦)؛ بطوری که علی رغم بینش مناسب نسبت به اصول تغذیه منتهی عملکرد مطلوبی ندارند.

نتیجه گیری: بطورکلی نتایج مطالعه حاکی از آن است که نقیصه جدی در دانش تغذیه ای کارورزان وجود دارد، بعلاوه نگرش و عملکرد تغذیه ای ایشان نیز بسیارنامطلوب می باشد. با توجه به اهمیت تغذیه مناسب در سلامتی و همچنین بهبود بیماران و جلوگیری از عوارض بیماری ها، برنامه ریزی دقیق جهت ارتقای سطح دانش تغذیه ای کارورزان و تاکید بر اهمیت علم تغذیه درآموزش پزشکی ضروری می باشد. برهمین اساس توصیه می گردد، آموزش درس تغذیه بازنگری شده و بطور مناسب در برنامه درسی دانشکده های پزشکی دیده شود.

۱۰۰. ارزیابی براساس اطمینان رویکردی تکمیل کننده در آزمون های چند گزینه ای

دکتر محمود قادرمرزی، دکتر بهزاد قاسمی

آدرس: کردستان، دانشگاه علوم پزشکی ، گروه بیوشیمی

در ارزیابی بر اساس اطمینان(confidence-based assessment)، که شکل کامل شده‌ای از آزمون‌های چند گزینه ای (MCQ) است، از آزمون شونده خواسته می‌شود که به هر سؤال دو پاسخگویی مجزا داشته باشند. (۱) طبق معمول یکی از گزینه‌ها را به‌عنوان جواب انتخاب کنند و (۲) سطح اطمینان خود به صحت گزینه‌ی انتخابی را اعلام کنند. هرچه سطح اطمینان پایین‌تر باشد نمره‌ی متعلق به آن سؤال (خواه امتیاز مثبت خواه منفی) کاهش خواهند یافت(www.ucl.ac.uk/lapt) دو سال مداوم است که ارزیابی بر اساس اطمینان در آزمون‌های درس بیوشیمی رشته‌ی پزشکی دانشگاه ما اجرا می‌شود. ابتدا دانشجویان با قراردادها آشنا می‌شوند. آنگاه در آزمون‌ها (هفتگی، میان ترم وپایان ترم) دانشجویان برای هر سؤال یکی

از سطوح چهارگانه‌ی قرار دادی اطمینان را مشخص می‌کنند. از نرم افزار MCQassistant برای علامت خوانی پاسخ نامه‌ها (تشخیص گزینه و سطح اطمینان انتخابی)، آنالیز و نمره دهی استفاده می‌شود.

نتایج به کار گیری ارزیابی بر اساس اطمینان در آزمون های برگزار شده نشان دادند که گنجاندن این بعد جدید در ارزیابی سبب می‌شود که: (۱) دانشجو به سمت قضاوت درست در دانش خود تشویق شود. زیرا صحت این قضاوت با بهینه شدن نمره همراه است. (۲) بتوان پاسخ دهی صحیح از روی دانش را از پاسخ صحیح از روی حدس تشخیص داد (۳) دانشجو سؤالات را بی پاسخ نگذارد زیرا پایین ترین سطح اطمینان فاقد نمره منفی است (٤) دانشجویان ظریفتر از هم تفکیک شوند زیرا سطوح اطمینان بارم هر سؤال را به چندین پله ریز کرده اند. (٥) تحلیل دقیق‌تری از سؤالات و آزمون شوندگان با عنایت به بعد جدید (سطوح اطمینان) ارائه شده و آزمون دارای فید بک قوی تری روی بانک سؤال و دانشجویان باشد. در مجموع ما استفاده از ارزیابی اطمینان را رضایت بخش برای آزمون گیرنده و آزمون شونده یافته و آنرا در راستای " به سوی آموزش عمیق‌تر و آزمون های بهتر" یافته اشاعه آنرا برای آموزش پزشکی مفید ارزیابی می‌کنیم.

۱۰۱. نظر کارورزان پزشکی در مورد روشهای آزمون در بخشهای بالینی

دکتر علی فخاری، دکتر محمدحسن کارگرماهر
دکتر قلی زادگان افشرد

آدرس: تبریز، دانشگاه علوم پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: هیچ روش و برنامه آموزشی بدون وجود ارزیابی مناسب و متناسب با محتوای آموزشی کامل نخواهد بود. روشهای مختلف ارزیابی می تواند بعنوان مکمل یک برنامه آموزشی عمل نماید یا باعث اختلال در آن شود. مشاهدات نشان می‌دهد که اغلب روشهای ارزیابی در بخشهای بالینی فقط برای سنجش دانش دانشجویان پزشکی طراحی شده‌اند. در این مطالعه سعی شده است نظر کارورزان پزشکی در مورد روشهای ارزیابی در بخشهای مختلف بالینی آموزشی دانشگاه علوم پزشکی تبریز بررسی شود.

روش و ابزار: در این روش ۱۰۰ نفر کارورز پزشکی بصورت تصادفی از دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز و آزاد اسلامی تبریز از ۱۰ بخش آموزشی انتخاب و نظر آنان که توسط یک پرسشنامه طراحی شده، اخذ گردید. و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS۱۰ و روش آماری همبستگی پیرسون و اسپیرمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: بنابه نتایج بدست آمده از کارورزان پزشکی ۳۷٪ ارزیابیهای بخشهای بالینی بصورت امتحان شفاهی، ۲۲٪ تستی چهارجوابی، ۱٤٪ روش تشریحی کتبی بوده است و هیچ امتحان عملی از آنان بعمل نیامده است. ٦۲٪ ارزیابی‌ها بر اساس عملکرد در طول دوره و فقط ۲٦٪ ارزیابی‌هاموید سطح معلومات آنان بوده است. بیش از ٥۰٪ کارورزان از روشهای ارزیابی ناراضی بودند و فقط ۲۸٪ از کارآیی روشهای ارزیابی در مورد مهارت و توانایی خود اظهار رضایت کرده بودند. ۳٤٪ کارورزان نمره کسب شده خود را منصفانه می‌دانستند. در میان بخشهای آموزشی بخش روانپزشکی از بالاترین و بخش کودکان پائین‌ترین نمره رضایت را از نظر روش ارزیابی پایان دوره کسب کرده بودند.

نتیجه گیری: با وجود روشهای مختلف ارزیابی بنظر می‌رسد مراجعه به نظر کارورزان در مورد تاثیر روشهای آزمون یکی از ابزار کار یک برنامه آموزشی کامل می‌باشد. تجدید نظر در روشهای ارزیابی اجتناب ناپذیر بنظر می‌رسد.

۱۰۲. بررسی وضعیت ارزشیابی تحصیلی دانشجویان از دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی کردستان

دکتر بهزاد قاسمی، دکتر راز خطیبی، مهندس مجتبی ساعد پناه

آدرس: کردستان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: ارزشیابی یکی از مراحل مهم آموزش میباشدکه در آن مدرس متناسب با اهداف آموزش، بر حصول اهداف از پیش تعیین شده نظارت میکند. ارزشیابی معمولاً در طول برنامه آموزشی ونیز در پایان دوره انجام می شود.

روش و ابزار: در این مطالعه با استفاده از کل ۱۲٤ نفر عضو هیات علمی و همتراز آموزشی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، ٤٦ نفر پرسشنامه را تکمیل و دعوت دادند(۳۷٪).

اطلاعات وارد برنامه SPSS گردیدو تجزیه و تحلیل آماری روی آن صورت گرفت.

نتایج: میانگین سنی اساتید ۴۰/۵ سال و میانگین سابقه تدریس ۹/۵ سال بوده است. ۶۱٪ جهت ارزشیابی علاوه بر آزمون پایان ترم، از کویز هم استفاده میکنند که عمدتاً کمتر از ۲۵٪ نمره ارزشیابی را شامل میشود. ۷۱٪ علاوه بر آزمونها، سایر فعالیتهای علمی را در ارزشیابی تاثیر میدهند، ۴۸٪ رفتار دانشجویان را در ارزشیابی نهایی تاثیر گذار میدانند.

۵۲٪ گاهی پاسخ سوالات آزمونها را به دانشجویان اعلام میکنندو ۸/۵٪ هرگز پاسخ سوالات را اعلام نمی کنند. ۷۶٪ معتقد بودند که میزان مطابقت نمره ارزشیابی آنان با معلومات دانشجویان در حد ۷۵٪ است.۸۷٪ به دانشجویان فرصت جبران شکست می دهند، ۱۵٪ در صورت نیاز دانشجو جهت عدم مشروطی یا پاس کردن درس به وی نمره میدهند در حالیکه ۵۶/۵٪ معتقدند در وضعیت مشابه، سایرهمکاران به دانشجویان کمک میکنند.

۸۷% در آزمونها علاوه بر ارزشیابی، اهداف آموزشی نیز دارند و ۸۵% معتقدند تعداد سوالاتشان با حجم درس و ساعات تدریس متناسب است. ۶۵٪ معتقدند در روش فعلی مورد استفاده ایشان جهت ارزشیابی، تواناییهای فردی دانشجویان نیز مورد شناسایی و توجه قرار میگیرد.

۹۳/۵٪ ضروریات آموزشی را تعریف نموده اند که عمدتاً بیش از ۵۰٪ میزان ارزشیابی را بخود اختصاص میدهد.

فقط ۱۵/۲٪ معتقدند که آزمونهای آنان بگونه ای است که دانشجویان متناسب با درک خود از مطالب، نمره کسب میکنند و ۱۷/۴٪ روششان به گونه ای است که فقط دانشجویانی که بخوبی مطالعه کرده باشند نمره قبولی کسب میکنند.

نتیجه گیری: اگر چه روشهای مختلفی برای ارزشیابی مورد استفاده قرار میگیرد، شاخصهایی بعنوان استاندارد تعریف و مورد توافق اکثریت صاحب نظران قرار گرفته اند. با توجه به اهمیت ارزشیابی در فرایند آموزشی پیشنهاد میگردد معاونت آموزشی دانشگاهها، ضروریات ارزشیلبی را تعریف نموده بر اجرای آن در فرایند ارزشیابی تحصیلی دانشجو نظارت کنند.

۱۰۳. بررسی سبک یادگیری دانشجویان

دکتر سید اصغر رسولی نژا د

آدرس: کاشان ، دانشگاه علوم پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: اساساً هر کس ترجیحاً با یک شیوه خاص بهتر یاد می‌گیرد و اساتید باید شیوه تدریس خود را با سبک یادگیری (learning style) دانشجویان تطبیق دهند. اما بنظر می رسد ما در کلاسهای درس کمتر به این مقوله مهم توجه می‌کنیم ک ممکن است باعث افت کارآیی تدریس گردد. بدین منظور این مطالعه در دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کاشان در سال ۱۳۸۳ انجام گرفت.

روش و ابزار: این مطالعه یک پژوهش توصیفی است که در آن ۱۳۰ نفر از دانشجویان پرستاری و بهداشت و مامایی مورد مطالعه قرار گرفتند. برای جمع‌آوری داده‌ها از یک پرسشنامه استاندارد شده که در آن ۳۰ سوال در ۶ حیطه یادگیری دیداری (visual)، مشارکت عملی در کلاس درس (tactile)، شنیداری (auitory)، گروهی(group) کار عملی در فیلد و آزمایشگاه (kinesthetic) ویادگیری انفرادی (individual) مورد استفاده قرار گرفت. نظرات افراد مورد مطالعه در مورد ترجیح آنان در یادگیری با استفاده از امتیازبندی لیکرت بین ۵- ۱ تعیین گردید. پس از جمع آوری داده‌ها امتیازات کسب شده طبق دستورالعمل در عدد ۲ ضرب شده بصورت زیر دسته بندی گردید: ۵- ۳۸ (major LSP) ، ۳۷- ۲۵ (minor LSP) و۲۴- ۰(negligible LSP)تعیین گردید. سپس بااستفاده ازآمارتوصیفی نتایج مورد تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج : ۴۴ نفر (۳۲/۳در صد) از افراد مورد مطالعه مذکر و ۸۸ نفر(۶۷/۷در صد) مونث بودند. ۵۹ نفر (۴۵/۴درصد) دانشجوی پرستاری ، ۵۲ نفر (۴۰درصد) دانشجوی بهداشت و ۱۹ نفر (۱۴/۶ درصد) دانشجوی مامایی بودند. امتیاز کسب شده گروه یک (دیداری) ۱/۱ ± ۳۷/۷، امتیاز گروه دو (مشارکت عملی در کلاس) ۱± ۳۸/۶ ، امتیاز گروه سه (شنیداری) ۱/۳ ± ۳۱/۳ ، امتیاز گروه چهار (گروهی)۱/۲ ± ۳۵/۸ ، امتیاز گروه پنج (کار عملی در فیلد) ۱/۴ ± ۳۹/۳۸ و امتیاز گروه شش (مطالعه انفرادی) ۱/۲ ± ۳۰/۶ که کمترین امتیاز و ترجیح در مورد سبک یادگیری دانشجویان بوده است. دراین مطالعه بین سبک یادگیری، جنس و رشته تحصیلی اختلاف معنی‌داری مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: با توجه به امتیازات کسب شده و اختلاف سبک یادگیری دانشجویان بنظر میرسد، روشهای تدریس دیداری و عملی از کارآیی بالاتری برخوردار بوده ولازم است اساتید در زمان تهیه طرح درس به آن توجه کند.همچنین مطالعه بیشتر دردروس مختلف و در شرایط مختلف بمنظور مشاهده کارآیی شیوه‌های تدریس ویادگیری دانشجویان توصیه میگردد.

۱۰۴. بررسی میزان دستیابی به حداقلهای ضروری یادگیری از دیدگاه دانشجویان مامایی دانشکده پرستاری و مامایی اصفهان

سهیلا احسانپور

آدرس: اصفهان، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی و دانشکده پرستاری

زمینه و هدف: بدون شک یکی از مهمترین عوامل موثر در پیشرفت بشر در قرن اخیر توجه به فرآیند ارزشیابی بوده است و در این راستا در یک موسسه آموزشی نعیین میزان موفقیت و دستیابی به اهداف و پی بردن به نقاط قوت و ضعف و اصلاح برنامه آموزشی از طریق آموزشی امکان پذیر است یکی ازمهمترین اهداف آموزشی این است که دانشجو بتواند وظیفه‌ای را هوشمندانه و با آگاهی مهارت کافی انجام دهد.
در این پژوهش ابتدا حداقلهای ضروری یادگیری دانشجویان کارشناسی مامایی در برخی دروس تخصصی تعیین گردیده و سپس میزان دستیابی دانشجویان به این اهداف در دودوره بررسی گردیده است.

روش و ابزار: این پژوهش یک مطالعه توصیفی و به تعبیری نوعی ارزشیابی آموزشی بر مبنای الگوی سیپ (CIPP) میباشد. جامعه پژوهش را دانشجویان مامایی که کلیه واحدهای دوره کارشناسی مامایی را گذرانده‌اند و آماده امتحان فینال عملی میباشند، تشکیل میدهد که شامل دو دوره و تعداد ۳۶ نفر میباشد دانشجویانی که بیش از دو ترم تحصیلی میهمان بوده‌اند یا در دانشکده دیگری تحصیل نموده و به این دانشکده منتقل شده‌اند از نمونه‌های پژوهش حذف گردیده‌اند. محیط پژوهش دانشکده پرستاری مامایی اصفهان بوده و ابزار گرد آوری پرسشنامه بوده که به‌روش تکنیک دلفی با استفاده از نظر اساتید تهیه گردیده، دروس مورد بررسی شامل: بهداشت مادر و کودک، بیماری داخلی جراحی (۱،۲،۳)، بارداری و زایمان (۴،۳،۲،۱)، بیماریهای اطفال، بیماریهای نوزادان، بیماریهای زنان، فن مامایی بوده است. مجموعاً ۱۲ درس و ۶۱ واحد درسی تخصصی مورد بررسی قرار گرفت و با شاخص دیدن، شنیدن، مطالعه، تجربه وتوانایی انجام کار مورد سنجش قرار گرفت.

نتایج: حداقلهای ضروری در درس بهداشت مادر و کودک در ۶۶ عنوان، بارداری و زایمان در ۹۰ عنوان، بیماریهای زنان ۴۴ عنوان، بیماریهای داخلی و جراحی در مامایی ۱۱۳ عنوان، بیماریهای کودکان ۲۲ عنوان، بیماریهای نوزادان ۳۹ عنوان، فن مامایی ۲۸ عنوان استخراج گردید. نتایج نشان داد که در بیش از ۹۰٪ موارد کلیه دروس طبق سرفصل مصوب ستاد انقلاب فرهنگی توسط استاد مربوطه در کلاس تدریس شده است. در آموزش بالینی دانشجویان در موارد ناشایع تجربه کافی نداشته‌اند (نظیر زایمان بریچ، فورسپس، کاتسر زنان و....) همچنین در برخی از موارد مانند احیا نوزاد دانشجویان تجربه‌ای را کسب ننموده‌اند.

نتیجه گیری: یافته‌ها نشان داد که اغلب موارد در سخنرانیهای کلاسی به دانشجویان ارائه شده است اما در برخی موارد تجربه دانشجو در کسب مهارت ضعیف میباشد، پیشنهاد میشود اساتید از روشهای نوین در جهت فعال سازی دانشجو در کلاس درس استفاده نمایند،همچنین برای آموزش موارد ناشایع از فیلم، مولاژ و سایر وسایل سمعی بصری جدید برای تکمیل آموزش بالینی دانشجویان بهره گیرند.

۱۰۵. تحلیل چند متغیره فاکتورهای مؤثر بر سنجش پایایی آزمون‌های معلم ساخته

دکتر زهراسادات مشکانی، فرشته حسین‌آبادی

آدرس: تهران ، دانشگاه علوم پزشکی

بر اساس تعریف متون اندازه‌گیری پایایی آزمون به دقت وسیله اندازه‌گیری اشاره می‌کند و آزمونی پایاست که در یک فاصله زمانی کوتاه بتواند نتایج تقریبا همسانی را بدست دهد. بررسی‌ها نشان داده‌اند که عوامل زیادی می‌تواند پایایی را تحت تأثیر قرار دهد. از قبیل نمونه انتخاب نشده، طول آزمون محدودیت زمانی آزمون، ضرایب سختی و تمایز، اضطراب امتحان و انشا امتحانات. در این مطالعه ۳۹۲ امتحاناتی که توسط دانشکده پزشکی از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ به صورت چند گزینه‌ای توسط هیأت علمی گروه‌های آموزشی دانشکده (علوم

و بالینی) طراحی شده‌اند مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج نشان داد که متوسط ضریب پایایی با استفاده از فرمول کودرریچارد دیون ۰/۷۱ با انحراف معیار ۰/۱۵ (در علوم پایه ۰/۷۵ و در علوم بالینی ۰/۷۲) بود. مقایسه امتحانات در طول ترم‌های متوالی وضعیت بهبود را نشان داد. به طوری‌که مقایسه سال ۷۹ با سال ۸۳ اختلاف معنی‌دار آماری (P=۰،۰۰۰) برای سال اول، و نتایج برای سال دوم (P=۰،۰۰۲) و برای سال سوم (P=۰،۰۰۵) برای سال چهارم (P=۰،۰۰۵) را نشان داد. رگرسیون چند متغیره عوامل نشان داد که امتحانات طولانی با ضریب سختی متوسط می تواند ۸ برابر پایایی امتحانات را اضافه کنند. در حالیکه امتحانات طولانی با ضریب سختی بالا می‌تواند ۱۳ برابر پایایی امتحانات در مقایسه با سؤالات آسان افزایش دهد. (P=۰،۰۰۰) ضریب تمایز منفی باعث کاهش پایایی می‌شود. (P=۰،۰۰۵). نتایج این مطالعه می‌تواند کاربردی برای طراحان سؤال امتحانی در دانشکده پزشکی و به طور کلی در آموزش باشد.

۱۰۶. بررسی میزان توانمندی مهارتهای عملی و نگرشی دانشجویان پزشکی سال ششم دانشگاه علوم پزشکی شیراز و مقایسه آن با نمره امتحان کتبی پیش‌کارورزی ایشان در سال ۱۳۸۳

دکتر مهوش علیزاده نائینی، دکتر محمدرحیم کدیور
دکترمحمدعلی قیومی، دکتر زهرا علوی، دکتر نرگس واثقی
دکتر نازنین کرمی‌فر ، سهیلا امیری

آدرس: شیراز ، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: در تربیت پزشکی عمومی مطلوب، توجه به آموزش در حیطه‌های مهارتهای عملی و نگرشی دارای اهمیت خاصی می‌باشد. ارزیابی توانمندی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان در زمینه‌های فوق، نه تنها برای تعیین کارآمدی ایشان ضروری می‌باشد بلکه می‌تواند اطلاعات بسیار مفیدی برای برنامه‌ریزی آموزشی در اختیار مسئولین قرار دهد. آگاهی از وضعیت موجود، از اساسی‌ترین نیازهای برنامه‌ریزی مطلوب می‌باشد. تاکنون در سراسر دنیا روشهای متفاوتی را برای تعیین توانمندی دانشجویان در حیطه‌های فوق به کار گرفته‌اند که هر کدام از نظر اجراء و نتیجه دارای مشکلات و تفاوتهایی بوده و همچنین از میزان اعتبار و روائی (Validity & Reliability) متفاوتی برخوردار می‌باشند. آزمون OSCE یکی از روشهای ارزیابی مهارتهای عملی و نگرشی می‌باشد. اگرچه برگزاری این آزمون هزینه و مشکلات فراوانی بهمراه دارد،ولی ازآنجائیکه دارای اعتبارویژه میباشد، مورد استقبال قرار گرفته است. این بررسی بمنظور آگاهی از توانمندی دانشجویان سال ششم پزشکی در حیطه مهارتهای عملی و نگرشی و مقایسه آن با سطح دانش انجام گرفت.

روش و ابزار: در این مطالعه مقطعی(Cross sectional)، که در اسفندماه ۸۳ صورت گرفت یک روز پس از برگزاری آزمون پره‌انترنی، کلیه دانشجویان سال ششم پزشکی (جمعاً ۱۱۹ نفر) در آزمون OSCE شرکت نمودند.

این آزمون پس از انجام هماهنگی‌های بسیار دقیق و آموزش برگزار کنندگان و بیمارنمایان، به طور مشابه در دو مرحله و در سه طبقه درمانگاه شهید مطهری شیراز برگزار گردید. هر دانشجو در ۱۹ ایستگاه از نظر توانمندی در زمینه‌های اخذ شرح حال، مهارتهای عاطفی و ارتباطی، معاینه بالینی، فضاوت بالینی، انجام CPR، بخیه زدن و غیره مورد بررسی قرار گرفت و یک ایستگاه نیز به پذیرایی اختصاص یافت. براساس چک لیستهای ارزیابی که متناسب بااهداف تهیه شده، توانمندی دانشجویان مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج آزمون OSCE با نمرات امتحان کتبی پره‌انترنی دانشجویان به روش ضریب همبستگی R Pearson و x^2 مورد مقایسه قرار گرفت.

نتایج: میانگین کل نمره OSCE معادل ۱۰۵/۱۵ (۵۵/۳۳٪) با محدوده نمره ۱۴۳/۲۵- ٤٤/٥ (۷۷/۳۹٪ - ۲۵٪) بود که با میانگین نمره پره‌انترنی که معادل ٦٥/۷۸ با ۸۸/٥٪ - ۳۹٪ بود، ارتباط معنی‌داری داشت. در بین ۱۹ ایستگاه بیشترین نمره مربوط به تشخیص بیماری پیلونفریت از طریق مصاحبه با بیمارنماوخواندن آزمایشهای مربوطه بامیانگین ۷/٥۹ (۷٥/۹٪) و کمترین نمره مربوط به تفسیر زیج حیاتی با میانگین ۰/۸٦(۸/٦٪) بود. براساس نمره پره‌انترنی دانشجویان به ٥ گروه ضعیف تا قوی تقسیم و نمرات آزمون در هر گروه مقایسه شد و مشخص گردید در همه گروهها رابطه معنی‌داری بین نمرات کتبی وعملی وجود دارد.

نتیجه گیری: براساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، سنجش مهارت‌های بالینی و آگاهی از توانمندی دانشجویان بازخورد مناسبی جهت برنامه‌ریزی آموزشی مهارتهای عملی خواهد بود. علاوه بر آن انگیزه دانشجویان را در کسب مهارتهای عملی افزایش می‌دهد.

فصل ۴

ارزشیابی و اعتبار بخشی بالینی

۱۰۷. بررسی تاثیر تفاوت نمرات ارزشیابی ارائه شده توسط دانشجویان و مسئولین بر نمره کل ارزشیابی اعضای هیئت علمی در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد - ۱۳۸۳

دکتر معصومه معزی، دکتر هدایت اله شیرزاد، دکتر بهنام زمان زاد

آدرس: شهرکرد ، مرکز مطالعات وتوسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: هیئت علمی بعنوان یک عامل مهم در نظام آموزشی سهم به سزائی دارد و ارزشیابی از کیفیت فعالیتهای علمی – آموزشی اعضای هیئت علمی دانشگاه در بالا بردن سطح کیفیت فعالیت آنان و کمک به مدیران در تصمیم گیریهای صحیح مفید است. مسئولیت و تعهد دانشگاه در قبال جامعه، نیاز به اتخاذ تصمیم در مورد انتخاب، گزینش، تداوم اشتغال و ارتقای اساتید و تمایل خود اساتید به آگاهی از اثر بخشی تدریس و راهکارهای بهبود آن از دلائل ضرورت ارشیابی هستند. جهت ارزشیابی از یک استاد راههای متعددی وجود دارد و ارزشیابی از کیفیت تدریس می تواند توسط خود استاد، همکاران، مدیران گروههای آموزشی و دانشجویان صورت پذیرد. در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد این امر توسط دانشجویان و مسئولین شامل مدیر گروه آموزشی و معاون آموزشی دانشکده و بیمارستـــان در دو دانشکده پزشکـــی و پرستاری و مامائی انجام

می شود و مدیر گروه نیز توسط رئیس دانشکده ارزشیابی می گردد. با توجه به وجود تفاوت عقیده اساتید در تاثیر ارزشیابی دانشجویان و مسئولین بر نمره ارزشیابی، این مطالعه به منظور تعیین میزان تاثیر و اختلاف بین نمرات ارزشیابی ارائه شده توسط دانشجویان و مسئولین دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد به منظور بهبود کیفیت روند ارزشیابی صورت پذیرفت.

روش و ابزار: مطالعه حاضر مطالعه ای توصیفی- تحلیلی به روش مقطعی است که بر روی نمرات ارزشیابی اساتید هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در ۳ نیمسال تحصیلی(نیمسال دوم ۸۲ – ۸۱، نیمسال اول و دوم ۸۳–۸۲) صورت پذیرفت. اطلاعات لازم که نمرات خام و میانگین نمرات ارزشیابی اساتید توسط دانشجویان و مسئولین در ۳ نیمسال تحصیلی (به تفکیک گروههای پایه، بالینی و پرستاری و مامائی) بود از مستندات مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه استخراج گردید وازطریق نرم افزار SPSS ۱۱ و آزمونهای آماری t مستقل و آنالیز واریانس یک طرفه تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: میانگین نمره ارزشیابی ارائه شده توسط دانشجویان پایه در ۳ نیمسال متوالی ذکرشـــده به ترتیب ۱۶/۱۵، ۱۶/۴۷، ۱۶/۳۷میباشد. میانگین نمره ارزشیابی ارائه شده توسط دانشجویان بالینی به ترتیب۱۷/۴۲، ۱۶/۳۵، ۱۷/۰۲ و میانگین نمره ارزشیابی ارائه شده توسط دانشجویان پرستاری ومامایی به ترتیب ۱۵/۹۱، ۱۶/۹۸، ۱۶/۰۷ است.میانگین نمره ارزشیابی مسئولین پایه به ترتیب ۱۷،۵۷/۲۲ / ۱۸/۱۸،۵۳ بوده و مسئولین بالینی به ترتیب با میانگین ۱۶/۱۷،۳/۴۱،۱۶/۱۲ اساتید زیر مجموعه خود را ارزشیابی نموده اند

میانگین نمره ارزشیابی مسئولین پرستاری و مامائی نیز به ترتیب ۱۸/۱۸،۳۹/۸۷، ۱۸/۴۷ می باشد. آزمون t نشان داد که بین میانگین نمرات دانشجویان و مسئولین در مجموع این ۳ نیمسال اختلاف معنی دار با $P < ۰,۰۵$ وجود دارد. که این اختلاف به تفکیک در گروه پرستاری و مامائی با $P= ۰,۰۳$ معنی دار بوده ولی در مورد گروه پایه ($P=۰,۰۵۲$) و بالینی ($P = ۰,۵۵$) معنی دار نبود. آزمون آنالیز واریانس یک طرفه نشانگر عدم وجود اختلاف معنی دار بین نمرات ارزشیابی دانشجویان سه گروه بود ولی بین نمرات مسئولین ۳ گروه اختلاف معنی دار وجود داشت. ($P =۰,۰۱۹$)

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که بین ارزشیابی یک استاد توسط دانشجویان و مسئولین اختلاف وجود دارد وارزشیابی دانشجویان از ثبات بیشتری برخورداراست. (بررسی موردی گاهاً نشانگر وجود اختلاف زیاد بین این دونوع ارزشیابی است). به نظر می رسد این اختلاف در گروه پرستاری و مامائی و سپس گروه پایه بیشتر وجود دارد و ارزشیابی مسئولین این دو گروه نسبت به ارزشیابی دانشجویان از سطح بالاتری برخوردار است. شاید یکی از دلائل این امر حضور بیشتر اساتید گروه پایه و پرستاری و مامائی و داشتن و گذاشتن زمان بیشتر درامور محوله از طرف مسئولین است. هر چنداطلاع دقیق از دلایل این مساله نیاز به بررسی بیشتر دارد ولی به نظر میرسد در صورت رتبه بندی نمرات اساتید در کل دانشگاه باید به وجود این اختلاف توجه نمود.

۱۰۸. بررسی مقایسه ای عوامل مرتبط با آموزش بالینی اثر بخش از دیدگاه اساتید و دانشجویان

گیتی آتش سخن، روشنک حسن زهرایی، شایسته صالحی سهیلا احسانپور، اکبر حسن زاده

آدرس: کرج ـ خیابان میر عماد

زمینه و هدف: با توجه به اینکه حدود ۵۰٪ از دوره های آموزش رشته های پرستاری و مامایی صرف آموزش بالینی و درمانگاهی می شود،توجه به آموزش بالینی و ویژگیهای آن، بسیار با اهمیت می باشد. در این پژوهش به تعیین و مقایسه عوامل مرتبط با آموزش بالینی اثر بخش از دیدگاه اساتید و دانشجویان پرداخته شده است.

روش و ابزار: پژوهش حاضر در مرحله اول به جهت تدوین علل سوروی جهت مقایسه دیدگاه ها توصیفی- تحلیلی بوده است. عوامل مرتبط با آموزش بالینی اثر بخش در پنج حیطه عوامل مرتبط با خصوصیات فردی فراگیر، عوامل مرتبط با برنامه ریزی آموزشی، عوامل مرتبط با مدرس بالینی، عوامل مرتبط با ارزشیابی بالینی، عوامل مرتبط با محیط بالین مورد بررسی قرار گرفت. تعداد ۱۱۱ نفر از دانشجویان سال آخر پرستاری و مامایی و ٤٦ نفر اساتید هیئت علمی به شکل سرشماری انتخاب شدند. ابزار گرد آوری داده ها پرسشنامه بود که جهت تعیین اعتبار و اعتماد آن از روشهای اعتبار محتوی وآزمون مجدد تایید قرار گرفت. سوالات هر حیطه بر مبنای مقیاس لیکرت(خیلی کم، کم، تاحدی، زیاد، خیلی زیاد) با امتیاز ۱،۲،۳،٤،٥ و محاسبه میانگین هر حیطه تدوین شد.
تکمیل پرسشنامه ها در دانشکده و مراکز بهداشتی و درمانی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی اصفهان صورت گرفت جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روشهای آمار توصیفی (میانگین حداقل،حداکثر، انحراف، استاندارد) و استنباطی (آزمون تی) استفاده شده است.

نتایج: امتیاز اساتیدبه خصوصیات فردی فراگیر(٤/٢٣±٠/٢٨) و امتیاز دانشجویان به این حیطه (٤/١٩±٠/٥٢) می باشد. امتیاز اساتید به مدرس بالین (٤/٢٤±٠/٢٨) و امتیاز دانشجویان به این حیطه (٤/١٩±٠/٧٣)، امتیاز اساتید به محیط بالین (٤/١٢ ±٠/٤٣) و امتیاز دانشجویان به این حیطه (٤/٠٦±٠/٧٤) بود، در حیطه برنامه ریزی آموزشی امتیاز اساتید (٤/٣٤±٠/٤٠) و امتیاز دانشجویان به این حیطه (٤/١٧ ±٠/٨٠) بوده است. امتیاز اساتید به حیطه ارزشیابی بالینی(٤±٠/٤٨) و امتیاز دانشجویان به این حیطه (٣/٩٥ ± ٠/٨١) بوده است. در مقایسه محیط بالین(P=٠/٥٩)، ارزشیابی بالینی(P=٠/٧٠)، مدرس بالین (P=٠/٦٥)، برنامه ریزی آموزشی (P=٠/١٦)، خصوصیات فردی فراگیر (P=٠/٦٤) دیدگاه ها تفاوت معنی داری را نشان نداد. از دیدگاه اساتید با عوامل مرتبط با برنامه ریزی آموزشی بود. در حالیکه دانشجویان عوامل مرتبط با مدرسین بالین، خصوصیات فردی فراگیر را، تواماً به عنوان اولویت انتخاب نمودند.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که هر دو گروه این عوامل را بر آموزش بالینی موثر میدانند اما به نظر می رسد اساتید با بینشی عمیق، به برنامه ریزی آموزشی به عنوان عاملی موثر که تمامی حیطه های دیگر را به نوعی در بر میگیرد توجه نمودند در حالیکه دانشجویان با وقوف بر نیاز هایشان و درک نقش اساسی مدرس به تعیین این الویت پرداخته اند بی شک توجه به مولفه های موثر درآموزش بالینی وتربیت افرادماهردرارتقاسلامت جامعه موثراست.

۱۰۹. بررسی وضعیت آموزشی کارکنان درمانی شاغل در بیمارستانهای دولتی و نیمه دولتی شهر بندرعباس سال ۸۳

صغری فلاحی، علی اکبر حسام، شهلا سهرابی پور

آدرس: هرمزگان ، دانشگاه علوم پزشکی ، بیمارستان شهید محمدی

زمینه و هدف: به رویکردی که هدف اصلی آن تغییر ویادگیری کارکنان و افزایش مهارتهای لازم جهت ایفاء موثر وظایف شغلی است آموزش گفته میشود که هدف اصلی آن تغییر یادگیری و کمک به رشد فرد ونیز توانمند کردن وی برای ایفای نقشی کارآمدتر در اجتماع میباشد.
پژوهش حاضر با هدف کسب آگاهی از میزان دستیابی به وضعیت آموزشی کارکنان درمانی شاغل در بیمارستانهای دولتی ونیمه دولتی شهر بندرعباس گردیده است. بدیهی است که شناسایی و تعیین عوامل موثر و موانع به گروه کمک خواهد کرد که در تثبیت و تقویت نقاط ضعف کارکنان بکوشند، که در نهایت منجر به ارتقاء کیفیت آموزشی کارکنان خواهد شد.

روش و ابزار: در این پژوهش توصیفی- تحلیلی از پرسشنامه ای پژوهشگر ساخته استفاده شد. این پرسشنامه شامل دو

بخش است. قسمت اول مربوط به سئوالات دموگرافیک و قسمت دوم سئولات مربوط به جنبه های مختلف آموزشی (علاقمندی – موانع و منابع) بود.
جامعه مورد مطالعه کارکنان درمانی شاغل در بیمارستانهای دولتی و نیمه دولتی شهر بندر عباس در سال ۸۳ میباشد. پرسشنامه مزبور در سه نوبت به کارکنانی که مایل در شرکت در مطالعه بودند داده شد. که از مجموع ۵۰۰ نفر پرسنل بیمارستانها تعداد ۳۱۰ نفر در این پژوهش شرکت کردند. اطلاعات حاصل از پرسشنامه با استفاده از نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابتدا اطلاعات کد بندی شده ودر تجزیه و تحلیل آماری از آزمونهای کای – اسکور، فراوانی، فراوانی نسبی، میانگین و انحراف معیار استفاده شد. ضریب اطمینان حدود ۹۵٪ در نظر گرفته شد.
نتایج: نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که ۵۶/۵٪ از کارکنان درمانی بیمارستانهای دولتی و نیمه دولتی شهر بندرعباس از زمان برگزاری کلاسهای آموزشی و ۴۸/۷٪ آنان از مکان برگزاری دوره های آموزشی و ۴۲/۶٪ از افراد از نحوی برگزاری کلاسهاو دوره های آموزشی ناراضی بودند. و ۵۴/۸٪ افراد برگزاری دوره های آموزشی و تخصصی را در محیط کار کافی نمیدانستند.در حالیکه تعداد۳۷/۱٪ افراد از زمان و ۴۳/۵٪ از مکان آموزشی و فقط ۲۰/۶٪ افراد از نحوی برگزاری دوره های آموزشی در مجموع راضی بودند.
همچنین در این مطالعه بین فاکتورهای زمان و مکان برگزاری دوره های آموزشی- بکارگیری مربیان کارامد و با تجربه- نوع شیفت کاری کارکنان- سمت افراد و استفاده از وسایل کمک آموزشی جهت برگزاری کلاسهای آموزشی در بیمارستانها با کیفیت آموزش کارکنان ارتباط معنادار مشاهده شده است. ($P<0/05$)
نتیجه گیری: با توجه به نتایج این تحقیق مدیران پرستاری و سازمانها باید از مربیان متخصص و کارآمد و متناسب با سمت و رده افراد شاغل در بیمارستانها جهت آموزش کارکنان استفاده کنند. این کار سبب استقلال کارکنان در مراکز در مانی شده ودر نهایت باعث بهبود کیفیت امر مراقبتهای پرستاری میشود.همچنین در امر آموزش باید با نقاط ضعف و قوت کارکنان در تعیین نیازهای آموزشی آنها آشنا گردند.جهت آموزش از زمان و مکان مناسب همراه با استفاده از تجهیزات کمک آموزشی، ایجاد انگیزه و علاقه،به شرکت در کلاسهای آموزشی، کنفرانسها، گنگره، برقراری صحیح عدالت جهت انتخاب کارکنان و غیره استفاده کنند..

۱۱۰. تحلیل سئوالات فیزیوپاتولوژی در دانشکده علوم پزشکی در سال ۱۳۸۳

فهیمه مجیدی، بختیار بناکار

آدرس: فسا، دانشکده علوم پزشکی

زمینه و هدف: ارزشیابی یکی از بنیادی ترین وظایف هر موسسه آموزشی محسوب می گردد. ارزشیابی به اشکال و با اهداف مختلفی صورت می پذیرد و ممکن است. ارزشیابی در مورد آزمون، دانشجو وهر فرآیند اجرایی دیگر صورت پذیردپایه واساس ارزشیابی درست را اندازه گیری تشکیل می دهد.مهمترین وسیله اندازه گیری پیشرفت تحصیلی ازمون است وهرآزمون باید از ویژگیهایی برخوردار باشد دقت در ساخت آزمون منجر به افزایش اعتبار ارزشیابی می گرددواین امر بیانگر ضرورت تحلیل آزمون در جهت بر بستن راه به مشکلات آینده است. هدف از انجام این تحقیق تحلیل سئوالات فیزیوپاتولوژی در دانشکده علوم پزشکی فسا
روش و ابزار: در این پژوهش هر یک از ۱۳۰۰ سوال مجموع سئوالهای آزمون فیزیوپاتولوژی از نظر ضریب دشواری، ضریب تمیز، روایی، وجود گزینه های انحرافی و غیره مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفتند تا نقاط قوت و ضعف هر سوال وکل آزمون تعیین گردد.
نتایج: نتایج کسب شده سئوالات مقطع فیزیوپاتولوژی دروس بهداشت (۶۱سوال) عفونی (۱۳۲سوال) اعصاب (۵۴سوال) و داخلی (۳۲سوال) انجام شد که نتایج نشان داد دروس بهداشت با ضریب دشواری ۶۶٪، عفونی با ضریب دشواری ۷۵٪، اعصاب با ضریب دشواری ۷۲٪ داخلی با ضریب دشواری ۸۰٪ دارند.
نتیجه گیری: بدیهی است که هرچه تشخیص یک سوال نزدیکتر به ۵۰٪ باشد سوال بهتری خواهد بود. سوال با ضریب دشواری ۵۰٪ معمولا دارای قدرت تشخیصی ایده آل است اما به هر حال ضریب دشواری بین ۲۰- ۸۰٪ قابل قبول می باشد.

۱۱۱. ارزیابی درون گروهی بخش پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی سمنان در سال ۱۳۸۱

اکرم شهبازی، شهین کمال، بتول کریمی، راهب قربانی محمد نوری سپهر

آدرس: سمنان ، دانشگاه علوم پزشکی ، بخش پزشکی اجتماعی

زمینه و هدف: ارزیابی درونی گروه های آموزشی پزشکی از جایگاه خاصی برخوردار است. بخش پزشکی اجتماعی نیز به عنوان یک گروه آموزشی با رسالت تربیت دانشجویان کار آمد و با دیدی جامعه نگر از این امر مستثنی نمی باشد. این تحقیق برای تعیین بازده فعالیت های آموزشی و غیر آموزشی و سنجش میزان مطلوبیت عوامل مؤثر بر آنها و نیز اقدامات لازم جهت بهبودی فعالیت های گروه، اهمیت دارد.

روش و ابزار: مطالعه حاضر در سال ۱۳۸۱ با استفاده از الگوی اعتبار بخشی و طبقه بندی گورمن انجام شد. عوامل مورد ارزیابی عبارت بودند از: مدیر گروه، اعضای هیأت علمی، عرصه ها، وسایل و تجهیزات. اطلاعات از طریق پرسشنامه ها و چک لیست ها جمع آوری و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در مجموع، بیش از ۶۰۰ ملاک با ویژگی های متعدد ارزیابی شدند.

نتایج: نتایج ارزیابی نشان داد که وضعیت مدیر گروه با امتیاز ۲/۵٤ رتبه رضایت بخش بود. هیأت علمی از نظر فعالیت های علمی ـ پژوهشی با امتیاز ۲/۰۲ و ارتباط با سایر مراکز علمی با امتیاز ۲ رتبه مرزی و از نظر سابقه آموزشی و رشته تخصصی، الگوی رفتاری، مشاغل اجرائی و نحوه حضور در واحد های دانشگاهی، رتبه بسیار قوی را احراز نمودند. نظرات دانشجویان در مورد اعضاء هیأت علمی و ارائه دروس تئوری رتبه خوب، در مورد کارآموزی و کارورزی رتبه بیش از رضایت بخش تا قوی، متغییر بوده است. بیشترین کمبود، وسایل و تجهیزات در مراکز بهداشتی درمانی روستائی و مناسب ترین وسایل، فنی و اداری موجود در محل استراحت دانشجویان کارورز مشاهده شده است.

نتیجه گیری: یافته ها نشان می دهد که اعضای هیأت علمی گروه پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی سمنان در زمینه فعالیت های علمی ـ پژوهشی و ارتباط با سایر مراکز علمی، نیاز به فعالیت بیشتری دارند. هر چند در بسیاری از ملاک ها از وضعیت مطلوبی برخوردارند. هم چنین گروه از نظر تجهیزات مورد نیاز جهت بهبود فعالیت های آموزشی به حمایت بیشتر مسئولین دانشگاه نیاز مند می باشد.

۱۱۲. بررسی نقاط قوت و ضعف آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامائی دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد در سال ۱۳۸۳

معصومه دل آرام، فرشته آئین

آدرس: شهر کرد، دانشگاه علوم پزشکی، دانشکده پرستاری و مامائی

زمینه و هدف: آموزش بالینی از مقاطع حساس آموزش پزشکی است که در ایجاد توانمندیهای حرفه ای فراگیران نقش عمده ای دارد.ارتقاء کیفیت آموزش بالینی مستلز م بررسی مستمر وضعیت موجود، شناخت نقاط قوت و اصلاح نقاط ضعف است. هدف این مطالعه تعیین نقاط قوت و ضعف آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامائی دوره های روزانه و شبانه دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد بود.

روش و ابزار: این مطالعه توصیفی - تحلیلی با استفاده از پرسشنامه خود ساخته در دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد انجام شد و نظرات ۱۵۰ نفر از دانشجویان پرستاری و مامائی جمع آوری شد. تدوین پرسشنامه با استفاده از شکایات شایع دانشجویان از آموزش بالینی در سالهای گذشته و نقطه نظرات اساتید در این زمینه گرد آوری و با مطالعه منابع علمی لیست آیتم های پرسشنامه تهیه شد. روائی این ابزار با استفاده از اعتبار محتوی و پایائی آن از طریق آزمون مجدد تعیین شد. نمونه گیری بصورت آسان انجام شده و کلیه دانشجویان پرستاری و مامائی دوره روزانه و شبانه که ترمهای آخر خود را می گذراندند، در مطالعه شرکت داده شدند.

نتایج: مشخص بودن شرح وظایف دانشجو در بخش (۷۰٪)، ارائه اهداف درس در اولین روز کار آموزی و آموزش در راستای این اهداف، مطلع شدن دانشجو از نحوه ارزشیابی در اولین روز کار آموزی (۷۰٪) و رضایت دانشجو از نحوه ارزشیابی (۷۵٪)، رعایت مراحل آموزش بالینی یعنی ابتدا مشاهده، سپس عملکرد همراه مربی و نهایتا عملکرد مستقیم (۷۰٪)، حمایت کامل مربی از دانشجو (۷۵٪)، آموزش اخلاق حرفه ای و نحوه ارتباط با بیمار (۷۵٪)، برخورد مناسب مربی با دانشجو (۱۰۰٪) و نظارت کافی بر روند آموزش بالینی (۷۵٪)

مهمترین نقاط قوت و اهمیت ندادن به نظرات دانشجو در برنامه ریزی کارآموزی (۷۰٪)، ناهماهنگی دروس نظری و کار آموزی (۸۰٪)، عدم وجود امکانات رفاهی (۸۷٪)، عدم امکان تصمیم گیری دانشجو در برنامه ریزی مراقبت از بیمار (۷۵٪)، عدم استفاده از وسائل کمک آموزشی در محیط بالینی (۱۰۰٪) و عدم ارزشیابی مربی بالینی توسط دانشجو (۷۵٪) مهمترین نقاط ضعف آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان بودند. در این مطالعه همچنین نقاط قوت و ضعف از دیدگاه دانشجویان قوی و ضعیف مورد مقایسه قرار گرفته است که نتایج آن بطور مفصل در متن مقاله خواهد آمد.

نتیجه گیری: استفاده از نظرات دانشجویان در برنامه ریزی کار آموزی، فراهم کردن شرایط کاربرد آموخته های تئوری بر بالین بیمار، برقراری امکانات رفاهی کافی، استفاده از وسائل کمک آموزشی در محیط بالینی و ارزشیابی مربیان بالینی توسط دانشجویان مسائلی هستند که می توانند در ارتقاء کیفیت آموزش بالینی موثر واقع شوند.

۱۱۳. بررسی خصوصیات مدرس بالینی اثربخش از دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

اعظم علوی، ندا پروین، محمد رحیمی، فرانک صفدری

آدرس: شهرکرد. دانشکده پرستاری و مامایی

زمینه و هدف: آموزش پدیده ای است که مداوم در جنب و جوش است.بیشترین حجم آموزش پرستاری و مامایی به صورت بالین در بیمارستانها ارائه می شود.آموزش بالینی فرایندی پیچیده ای است که تحت تاثیر عوامل و متغیرهای متعددی قرار دارد و نقش مربی بالینی به عنوان یک عنصر اساسی در این فرایند بسیار حائز اهمیت است. از آنجا که برای ارتقاء کیفیت آموزش بایستی محور همه فعالیتها بر مدار دانشجو باشد و در این زمینه جلب رضایت و اغنای وی جهت یادگیری هر چه پربارتر امری مهم و ضروری است. هدف از این مطالعه تعیین خصوصیات یک مدرس بالینی اثربخش از دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه عاوم پزشکی شهرکرد بود.

روش و ابزار: این پژوهش یک مطالعه توصیفی است که بر روی ۱۳۷ دانشجوی پرستاری و مامایی در سال ۱۳۸۳ انجام گردید.ابزار گرد آوری اطلاعات پرسشنامه ای با ٥٦ سوال و در پنج حیطه شامل ویژگی های (حرفه ای)، (شخصی)، (ارتباطی)، (تدریس)، (ارزشیابی) با مقیاس لیکرت ۰تاه بود.نتایج با نرم افزار spss به صورت میانگین و انحراف معیار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: یافته ها نشان داد که مهمترین خصوصیات یک مدرس بالینی اثربخش از دیدگاه دانشجویان به ترتیب عبارتند از: داشتن حسن خلق با میانگین (٤/٤٨)، مسئولیت پذیری در برابر اعمال خود با میانگین (٤/٤٧)، نشان دادن مهارتهای بالینی وقضاوت حرفه ای صحیح با میانگین(٤/٤٣). پایین ترین خصوصیت از دیدگاه دانشجویان آموزش به کارکنان بخش با میانگین (۳/٥۹) بود.

نتیجه گیری: در این پژوهش کلیه خصوصیات مطرح شده در پرسشنامه با نمره بالا مورد تایید دانشجویان قرار گرفت. بنابراین همه مدرسان بالینی باید سعی کنند که به این ویژگی ها دست پیدا کنند.

۱۱٤. ارزشیابی آموزشی درپانزده گروه آموزشی علوم بالینی و پایه در دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر فرشته فرزیان پور ، دکتر محمد علی صدیقی گیلانی
دکتر علیا کبر زینالو ، دکتر محمدرضا اشراقیان

آدرس: تهران ، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: ارزشیابی، فرایندی نظامدار برای جمع آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات به منظور بررسی میزان عملی شدن هدفها می‌باشد. در سیستم نظام آموزش دانشگاهی منظور ازآموزش، ایجاد تغییرات مناسب و روز افزون در حاصل این سیستم یعنی دانشجویان است و هدف از ارزیابی، ارتقای کیفیت آموزش می باشد. ارزشیابی آموزشی بهترین شاخصی است که میزان رسیدن به هدفها را نشان می دهد و به تحلیل کیفیت فعالیتهای این سیستم می‌پردازد. و از آن می توان به نتایج منطقی و متعارف دست یافت.

روش و ابزار: در این مطالعه پانزده گروه آموزشی بالینی و علوم پایه در دانشگاه علوم پزشکی تهران با هدف انطباق

آموزش با نیازهای جامعه و ارتقای کیفیت با استفاده از نظر سنجی استادان و دانشجویان در سال ۱۳۸۳ انجام شده است. این پژوهش یک مطالعه توصیفی تحلیلی می‌باشد که بر اساس ده گام و در هشت حوزه با عوامل مورد ارزیابی مثل مدیریت و سازماندهی، هیات علمی، فراگیران، نیروی انسانی و پشتیبانی، فضاهای آموزشی، پژوهشی، بهداشتی و درمانی، تجهیزات آموزشی، پژوهشی، آزمایشگاهی و تشخیصی، دوره ها، برنامه‌های آموزشی، فرایند تدریس و یادگیری و رضایت مندی دانش آموختگان انجام شده است.

نتیجه گیری: میانگین کل نتایج ارزشیابی آموزشی در ۹ گروه آموزشی علوم پایه و ٦ گروه آموزشی بالینی در هشت حوزه براساس الگوی SWOTs بترتیب ۷۱/۱٪ علوم پایه و ۷۰/۹٪ بالینی یعنی نسبتاً مطلوب تحلیل شده است.

۱۱۵. ارزیابی وضعیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامایی دانشکده علوم پزشکی گناباد

فاطمه هادیزاده طلاساز، نازنین شماعیان رضوی

آدرس: مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی

زمینه و هدف: آموزش بالینی قلب آموزش حرفه ای است. جهت بهبود و ارتقاء کیفیت آموزش بالینی، وضعیت آن همواره باید مورد ارزیابی قرار گیرد. در این راستا پژوهشی با هدف تعیین وضعیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان دوره های روزانه و شبانه دانشکده علوم پزشکی گناباد در نیمسال اول ۸۳-۸۲ انجام گردیده است.

روش و ابزار: این پژوهش از نوع پیمایشی مقطعی است که به صورت سرشماری بر روی کلیه دانشجویان واجد شرایط پرستاری و مامایی مشغول به تحصیل در دوره های روزانه و شبانه انجام گردید. دیدگاه دانشجویان در مورد آموزش بالینی توسط پرسشنامه وضعیت آموزش بالینی (متشکل از ٤ بخش کلی عملکرد مربیان بالینی، همکاری پرسنل، دانشجو و بیمار، امکانات و تجهیزات محیط بالینی و سیستم ارزشیابی بالینی) مورد ارزیابی قرار گرفت. در هر بخش، هر یک از عبارات به صورت ٤ نقطه ای(بسیار خوب، خوب، متوسط و بد) تعریف شده و به هر عبارت نمره صفر تا ۳ تعلق گرفته است. در نهایت بر اساس نمره کسب شده، وضعیت آموزش بالینی در هر بخش و در مجموع در ٤ سطح بسیار خوب، خوب، متوسط و بد تقسیم بندی گردید. جهت تحلیل داده ها از روشهای آماری توصیفی، آزمونهای تی، من ویتنی و ضریب همبستگی پیرسون در سطح اطمینان ۹۵٪ استفاده شد.

نتایج: نتایج پژوهش نشان داد که اکثر دانشجویان،عملکرد مربیان را در سطح خوب (۵۹٪)، همکاری پرسنل، دانشجو و بیمار را در سطح متوسط (۳۱/٤٪)، امکانات و تجهیزا ت محیط بالینی را در سطح بد (٤۹/۵٪) و نحوه ارزشیابی بالینی را در سطح بد (٤۱٪) گزارش کرده بودند. نمره آموزش بالینی در هر یک از بخشهای فوق برحسب رشته تحصیلی (پرستاری، مامایی) تفاوت معنی داری نداشت.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج پژوهش، برخی از ابعاد آموزش بالینی از سطح خوب، برخی از سطح متوسط و برخی از سطح بد برخوردار بوده است، لذا تقویت جنبه های مثبت و همچنین اصلاح نقائص می تواند گامی موثر در راستای ارتقاء کیفیت آموزش بالینی باشد.

۱۱٦. بررسی نظرات اساتید دانشگاه علوم پزشکی زاهدان نسبت به ارزشیابی استاد

علی نویدیان، اسدا... کیخائی، محمد علی طبسی، غلامحسین سرگزی

آدرس: زاهدان ، خیابان شریعتی، دانشکده پرستاری

زمینه و هدف: ارزشیابی اعضای هیئت علمی دانشگاهها به روشهای مختلف توسط دانشجو، مصاحبه، مشاهده، خودسنجی، همکاران، کارهای تحقیقاتی و علمی و... انجام می شود که یکی از این شیوه ها، روش بحث انگیز و انتقادپذیر ارزشیابی توسط دانشجو است.

روش و ابزار: پژوهش حاضر به روش توصیفی – تحلیلی دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان را نسبت به ارزشیابی استاد بررسی نموده است. جامعه پژوهش را کلیه اعضای هیئت علمی علوم پایه (۸۳ نفر) تشکیل داده اند. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه جمع آوری شده و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نتایج: نتایج بدست آمده بر اساس جدول شماره یک نشان می دهد ۶۰/۱ درصد افراد، ارزشیابی توسط دانشجو، ۲۰/۸ درصد آنها ارزشیابی از طریق انجام کارهای تحقیقاتی، ۱۹/۵ درصد ارزشیابی از طریق خودسنجی، ۱۶/۹ درصد ارزشیابی توسط مدیر گروه، ۱۳ درصد ارزشیابی به روش همکار از همکار، ۸/۹ درصد ارزشیابی بر اساس واحدهای تدریس شده و ۵/۲ درصد افراد نیز ارزشیابی توسط معاونت آموزشی دانشکده را بیشتر از ۲۰ درصد تعیین نموده اند. همچنین ۵۷/۹ درصد جامعه مورد پژوهش اغراض شخصی، ۸۵/۶ درصد عدم صداقت، ۸۹/۱ درصد افراد بی توجهی و عدم دقت دانشجویان را در تکمیل فرمهای ارزشیابی موثر دانسته اند.

نتیجه گیری: براساس نتایج پژوهش چنانچه بخواهیم ارزشیابی دقیق و قابل اعتمادی را از اعضای هیئت علمی دانشگاه انجام دهیم، بایستی از روشهای مختلف ارزشیابی توأماً استفاده نمود، و تنها یک روش آن هم ارزشیابی توسط دانشجو جهت قضاوت و تصمیم گیری ملاک عمل قرار نگیرد.

۱۱۷. ارزیابی سوالات امتحانات فیزیوپاتولوژی و بالینی رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بابل در سال تحصیلی ۸۳-۸۲

منیره پروانه، دکتر محمد رضا حسنجانی روشن
دکتر ایمان جهانیان، سمیه اسحاقی

آدرس: بابل، دانشگاه علوم پزشکی،مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: ارزشیابی دانشجویان برای گذراندن دوره های فیزیوپاتولوژی و بالینی اهمیت ویژه ای دارد. درطراحی سوالات امتحانی اصول و قواعدی را باید مد نظر قرار داد. تنه سوال، متن اصلی سوال را تشکیل می دهد و شامل مساله مورد پرسش می باشد. در تاکسونامی ۱ دانش، در تاکسونامی ۲ تجزیه تحلیل و در تاکسونامی ۳ قضاوت دانشجو ارزیابی می گردد. این مطالعه به منظور ارزیابی سوالات امتحانی رشته پزشکی در دوره های فیزیوپاتولوژی و بالینی دانشگاه بابل انجام شده است.

روش و ابزار: دراین مطالعه توصیفی - مقطعی سؤالات گروههای آموزشی جراحی، داخلی، قلب، زنان، عفونی و اعصاب دانشگاه علوم پزشکی بابل طی سال تحصیلی ۸۳-۸۲ ارزیابی گردید. با بررسی تنه سؤالات واستخراج اطلاعات مربوط به تاکسونامی ۳،۲،۱ داده ها در پرسشنامه ای ثبت گردید. سپس کد گذاری و وارد کامپیوتر شده و با نرم افزار spss آنالیز گردیدند.

نتایج: از مجموع ۷۷۰ سؤال بررسی شده تنه ٤٤ سؤال(۵/۷٪) نامفهوم بود. ۳۹۰ سؤال (۵۰/۶٪) تاکسونامی ۱، ۲۵٤ سؤال (۳۳٪) تاکسونامی ۲ و در ۸۲ مورد(۱۰/۶٪) سؤالات تاکسونامی ۳ بودند. در واقع در ٤۳/۶٪ موارد سؤالات تجزیه تحلیل و قضاوت دانشجورا می سنجید.

نتیجه گیری: سؤالات مطرح شده در بیش از نیمی از موارد دانش را ارزیابی می کنند و از انجا که تجزیه تحلیل و قضاوت در افزایش مهارت دانشجو تاثیر بسزایی دارد پیشنهاد می شود در طرح سؤالات تاکسونامی ۲و۳ بیشتر مد نظر واقع شود.این تحقیق برگزاری بیشتر کارگاههای آموزشی طرح سؤالات را برای اعضای هیات علمی این دانشگاه به منظور ارتقائ کارایی استاد و دانشجو پیشنهاد می کند.

۱۱۸. بررسی ارتباط بین موفقیت دانشجویان پزشکی در امتحانات و نتیجه ارزشیابی اعضاء هیئت علمی توسط ایشان

دکتر عبدالعلی ابراهیمی، دکتر رضا نیک اندیش، بیتا سادات زگردی

آدرس: فسا ، دانشکده علوم پزشکی

زمینه و هدف: بر همگان واضح است که روش های آموزشی و خصوصیات فردی اعضاء هیئت علمی می تواند در موفقیت دانشجویان موثر واقع گردد. یکی از روش های ارزیابی اساتید، ارزشیابی مداوم آنها توسط دانشجویان می باشد. در این مطالعه سعی بر این است که رابط بین نتیجه ارزیابی اعضاء هیئت علمی توسط دانشجویان و نمرات مکتسبه دانشجویان در هر کدام از مواد درسی ارائه شده توسط ایشان بررسی گردد.

روش و ابزار: نتیجه ارزیابی اعضاء هیئت علمی در ۲ سال متوالی از طریق مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی جمع آوری گردید. نمرات امتحانی دانشجویان در طی همان دو سال از مدیریت آموزش بدست آمد ارزیابی اعضاء هیئت علمی در سه زمینه عمده شامل توان علمی، روش های آموزش و خصوصیات فردی با نتیجه بدست آمده از امتحانات

دانشجویان در مواد درسی مربوطه از طریق نرم افزار SPSS و آزمون مجذور کار بررسی گردید.

نتایج: رابطه معنی داری مابین نمرات دانشجویان و دیدگاه آنها در رابطه با اعضاء هیئت علمی بدست نیامد. همچنین بین میزان موفقیت دانشجویان در امتحان نهایی و نظر کلی دانشجویان نسبت به اساتید وجود نداشت.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه رابطه آماری معنی داری بین موفقیت دانشجویان در امتحانات و نتیجه ارزیابی اساتید وجود ندارد می توان گفت که عوامل دیگری می تواند در موفقیت آنها تاثیر گذار باشد. از بین این عوامل می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- مهارت های مطالعه دانشجویان ۲- انگیزه های یادگیری ۳- میزان روائی و پایائی ارزیابی دانشجویان ازاعضاء هیئت علمی ٤- روش های ارزشیابی دانشجویان ٥- عملکرد و برخورد اعضاء هیئت علمی در ارتباط با نتیجه ارزیابی توسط دانشجویان. نهایتا" بر اساس مطالعه انجام شده دیدگاه ما بر این است که ارزیابی اعضاء هیئت علمی توسط دانشجویان بدون توجه به سایر عوامل موثر در ارزیابی می تواند نتایج غیر دقیقی بدست دهد.

۱۱۹. ارزیابی آموزشی گروه مدارک پزشکی

کبری علیگلبندی، حسن صیامیان، آزیتا بالا غفاری رقیه صادقی، سیده شهربانو رشیدا

آدرس: ساری، خیابان سلمان فارسی، دانشکده پیراپزشکی

زمینه و هدف: در ارزیابی درونی، میزان تطابق اهداف نظام(برنامه) با وضعیت موجود آن ارزیابی و بر اساس آن فعالیتهای آینده برنامه ریزی می شود با توجه به نقش اساسی ارزیابی در ارتقاء و نیز تضمین کیفیت آموزشی، هدف این مطالعه ارزیابی درونی گروه آموزشی مدارک پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران می باشد.

روش و ابزار: در این مطالعه توصیفی مقطعی از الگوی اعتبار بخشی و طبقه بندی گور من برای ارزیابی درونی استفاده شده است. عوامل مورد ارزیابی عبارت بودند از: اهداف آموزشی(دوره های کار آموزی در عرصه)، پژوهشی(تعداد سمینارهای راهنمایی شده شرکت در همایش ها، ارائه و چاپ مقاله در مجلات معتبر داخلی و خارجی توسط اعضای گروه)، پشتیبانی (نیروی انسانی و فضا و تجهیزات)، جایگاه سازمانی (ارزیابی مدیر، شورا، اعضای گروه) و فرایند تدریس می باشد. امتیاز ارزیابی از میانگین نمرات ملاک ها (بین ٥-۱) بدست آمده و براساس طبقه بندی گور من تجزیه و تحلیل خواهد شد.

نتایج: در ارزیابی اهداف آموزشی پژوهشی پشتیبانی و جایگاه سازمانی برای مدیر گروه شورا و اعضاء امتیازات کسب شده در طبقه بندی گورمن مشخص می گردد.

نتیجه گیری: در مجموع نتایج بدست آمده، گروه آموزشی مدارک پزشکی را با امتیازات کسب شده در محدوده ای مشخص از طبقه بندی گورمن قرار داده که نشانگر وضعیتی از دسته بندی های مطلوب یا نسبتا مطلوب و یا ضعیف می باشد که با توجه به شناسایی ملاک های ناموفق پیشنهادات لازم جهت رفع نارسایی ها ارائه خواهد شد.

۱۲۰. بررسی میزان رضایتمندی کارورزان از کارگاههای آموزش مهارتهای بالینی برگزار شده درمرکز مهارتهای بالینی دانشگاه علوم پزشکی کاشان

دکترمنصوره مومن هروی، دکتراسماعیل فخاریان

آدرس: کاشان،دانشگاه علوم پزشکی،مرکز مطالعات وتوسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: رضایتمندی فراگیران از یک فرایند آموزشی نشانه موثر بودن تمام حیطه های آموزشی میباشد. کسب مهارتهای بالینی به شکل عملی و مناسب، یک فرایند کلیدی در آموزش دانشجویان پزشکی محسوب میشود.هدف از انجام این تحقیق بررسی رضایتمندی کارورزان شرکت کننده در کارگاههای آموزش مهارتهای بالینی بود.

روش و ابزار: این مطالعه توصیفی بر اساس نظرسنجی وخود ارزیابی ۸٥ کارورز شرکت کننده در ٥ کارگاه آموزش مهارت بالینی که در سالهای ۸۳-۸۲ در مرکزمهارتهای بالینی کاشان برگزار گردیده بود صورت گرفت. جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه و مقیاس لیکرت انجام گرفت و نتایج مورد تجزیه وتحلیل آماری قرار گرفتند.

نتایج: در کل میزان رضایتمندی کارورزان از نحوه برگزاری کارگاهها بترتیب ۸۱/۷٪، ۸۱/۱٪، ۷۳/٤٪، ٦۷/٤٪، ٦٦/٥٪، ۷۰/۹٪بود.

نظرات کارورزان در مورد مدیریت اجرایی،امکانات آموزشی ومانکن ها،مدت زمان کارگاه،کیفیت تدریس مدرسین،جزوات آموزشی ارائه شده در کارگاه وفضای فیزیکی کارگاهها بترتیب عبارت بود از: ۸۳/۲٪، ۷۵/٤٪، ٦٦/٤٪، ۷٦/٥٪، ۷۹/٤٪، ۷٤/٤٪
نظر کارورزان در مورد تاثیر کارگاه در افزایش توانایی آنان درانجام مهارتهای آموزش داده شده عبارت بود از:
پونکسیون لومبر٦۹/۳٪، احیاء وانتوباسیون ۷۰/٤۲٪، سوند ادراری٦۱/۲۳٪، NG tube ٦۲/٦٪ افتالموسکوپی٤٦/۸۲٪، اتوسکوپی٤٦/۲۰٪، پاپ اسمیر۷۷/۳٪، گذاشتن IUD ۷٤/٤۱٪، انجام ECG ٥٤/۳٪، ABG ٥٤/۷۲٪، خونگیری٥۱/٥٤٪، تزریقات ٥۰/۸٪، بخیه٦۰/۹۲٪

نتیجه گیری: در کلیه موارد درصد رضایتمندی و میزان تاثیر کارگاهها درتوانایی انجام مهارتها از نظر کارورزان بیش از ٥۰٪ میباشد. کارگاههای آموزش بالینی میتواند گامی در جهت فراگیری مهارتهای بالینی پیش از تماس با بیمار بمنظور کاهش آسیب فیزیکی به بیماران و افزایش اعتماد بنفس و کاهش تنش روحی روانی دانشجویان باشد.

۱۲۱. اعتبار بخشی فرآیندی جهت ارزشیابی و ارتقای کیفیت برنامه های آموزش مامایی در دنیا

فرانک صفدری ده چشمه، روشنک حسن زهرایی، سهیلا احسانپور

آدرس: شهرکرد، رحمتیه ، دانشکده پرستاری و مامایی

زمینه و هدف: نظام های آموزش برای هماهنگی با پیشرفت دانش و علوم نا گزیر باید پویایی خودرا حفظ نمایند ودر انجام این مهم ارزیابی مستمر وپی گیراز کیفیت نظام آموزشی وبهبود دوره ها وبرنامه های مختلف امری ضروری است بخصوص در حرفه های علوم پزشکی با توجه به مسئولیت خطیر حفظ و ارتقاءسلامت جامعه این ضرورت ملموس تر است.یکی از راهکار های دهه اخیر برای ارتقای کیفیت آموزش مامایی، اعتبار بخشی مبتنی بر استاندارد است که بعنوان ابزاری جهت مستند نمودن کیفیت آموزش این رشته بکار گرفته شده است.

مروری بر مطالعات: در کشور های مختلف با توجه به ساختار سیاسی و اداری مقام ذیصلاح و نحوه انجام اعتباربخشی متفاوت است. در آمریکا شورای اعتبار بخشی آموزش مامایی (MEAC) با رسالت ارتقاء کیفیت آموزش مامایی استاندارد ها و معیارهایی را برای آموزش مستقیم مامایی در دوازده حوزه تدوین کرده که منعکس کننده صلاحیت ملی و اصول مراقبت های مامایی می باشد.اعتبار بخشی آموزش غیر مستقیم مامایی نیز در این کشور توسط شاخه اعتبار بخشی کالج آمریکایی پرستار- ماماها (ACNM) و در پنج حوزه صورت می گیرد.

در نیوزیلند اعتبار بخشی آموزش مامایی و برگزاری امتحانات ملی جهت ثبت ماماها بعهدهٔ شورای پرستاری نیوزلند است، این شورا نیز استانداردهای لازم برای ثبت نام ماماها را در ده حوزه معرفی کرده است. در استرالیا بورد پرستاری هر ایالت مقام ذیصلاح اعتبار بخشی برنامه های آموزش مامایی به شمار می رودو در حال حاضر اتحادیه کالج استرالیایی ماماها (ACMI) وظیفهٔ تعیین استانداردهای ملی را برای برنامه های آموزش مامایی در این کشور به عهده گرفته است.

نتیجه گیری: ترویج برتری در آموزش از طریق توسعه شاخص هاو دستورالعملهایی برای بررسی اثربخشی،بهبود مستمر کیفیت آموزش از طریق خود ارزیابیهای مداوم و مشارکت و همیاری اعضای هیئت علمی از مهمترین منافع اعتبار بخشی و تایید دستیابی مؤسسه به سطح استاندارد رسمی و مدون وافزایش سطح استاندارد در میان مؤسسات آموزشی از اهم اهداف اعتباربخشی است. در این مقاله فر ایند اجرایی اعتباربخشی در کشورهای پیشرو مورد بررسی قرارمی گیرد.

۱۲۲. بررسی مشکلات آموزش بالینی از نظر دانشجویان سال آخر مامایی دانشگاه علوم پزشکی بابل

شبنم امیدوار، فاطمه باکویی، هاجر سلملیان،حسن عظیمی

آدرس: بابل، دانشگاه علوم پزشکی، گروه مامایی

زمینه و هدف: آموزش بالینی فرایندی پیچیده ای است که تحت تاثیر عوامل و متغیرهای زیادی قرار دارد و باعث می شود

آنچه را که دانشجو بصورت علمی آموخته در عمل بکار گیرد هیچ تجربه ای به اندازه شرایط بالینی برای آموزش دانشجویان غنی نیست زیرا در این شرایط دانشجو می تواند حجم زیاد محتوای درسی فراگرفته شده را با هم ترکیب کند و بکار برد. هرچه آموزش بالینی پربارتر باشد آموزش با شتاب و کیفیت مناسب تری پیش خواهد رفت.

دست اندرکاران آموزش باید عوامل مؤثر بر کیفیت و کمیت آموزشی را شناسایی نموده و عوامل منفی یا بازدارنده آموزشی را تحت عنوان مشکلات آموزشی معرفی نمایند بدون تردید، شناخت مشکلات اولین گام برای کاهش آنها بشمار می رود و یکی از بهترین و قابل اطمینان ترین منابع جهت بررسی مشکلات آموزش بالینی، خود دانشجویان هستند چرا که حضور و تعاملی مستقیم و بی واسطه با این فرایند دارند.

شکی وجود ندارد که به گفته بتس Betts کیفیت خوب آموزش، ماما را برای ایفای نقش و مسئولیتهای چندگانه اش بیشتر آماده می کند

روش و ابزار: این مطالعه ای توصیفی تحلیلی بود که به روش پرسشنامه ای به مرحله اجرا در آمد.به این صورت که تمامی دانشجویان سال آخر مامایی اعم از روزانه و شبانه پرسشنامه تدوین شده را تکمیل نموده و بعد از جمع آوری پرسشنامه ها بررسی آماری روی اطلاعات آماری موجود انجام شد

نتایج: میانگین سنی آنها ۱/۰۸ ± ۲۲/۷۵ سال و میانگین معدل آنها ۱/۱٤ ± ۱٦/٤۲ بود. هیچکدام از دانشجویان شاغل نبوده و دانشجوی میهمان نیز در بین آنها نبود. ۱٦/٤٪ آنها به رشته تحصیلی خود علاقه ای نداشتند و ۳۸/۲٪ هم خود را تقریبا علاقه مند می دانستند. ۸۱/۸٪ معتقد بودند که آموزش بالینی در مامایی با مشکلاتی روبرو است که ٤۰٪ مشکلات را در حد زیاد و ٤۱/۸٪ مشکلات را متوسط می دانستند. ۷۲/۷٪ آموزش بالینی را از لحاظ امکانات و عوامل محیطی ضعیف و با مشکلاتی مواجه می دانستند. ۸۷/۳٪ معتقد بودند که مشکلات آموزش بالینی ناشی از مشکلات مربیان آموزش بالینی است. ۸۳/٦٪ واحدهای تئوری پیش بالینی و پراتیک را دارای مشکلاتی قلمداد کردند. ۵۲/۷٪ مشکلات را مربوط به پرسنل بیمارستانها و مراکز بهداشتی درمانی می دانستند. ۷٤/۵٪ از واحدهای پژوهش نیز مشکلاتی را در ارزشیابی بالینی احساس می کردند. بطورکلی دانشجویانی که ساکن خوابگاه نبودند مشکلات بیشتری در آموزش بالینی احساس می کردند اما بین وضعیت سکونت با نظر دانشجویان در مورد میزان مشکلات آموزش بالینی ارتباط معنی داری وجود نداشت. بین وضعیت تاهل با مشکلات مربوط به عوامل و امکانات محیطی ارتباط معنی داری وجود داشت (P = ۰/۰۳). بین دوره های آموزشی روزانه و شبانه با نظرشان در مورد میزان مشکلات در ارزشیابی بالینی ارتباط معنی داری وجود داشت (۰/۰۱ = بین علاقه مندی به رشته تحصیلی با نظرشان در مورد میزان مشکلات آموزش بالینی از جنبه پرسنلی ارتباط معنی داری وجود داشت (P = ۰/۰٤)

نتیجه گیری: با توجه به یافته های پژوهش و بررسی مطالعات مشابه در دانشگاههای دیگر کشور بنظر می رسد مشکلاتی از قبیل مشکلات محیطی و امکانات از جمله تراکم دانشجو در بخشها، تداخل کارآموزی دانشجویان مامایی با دانشجویان پزشکی و عدم وجود امکانات رفاهی برای آنها از عمده ترین مشکلات در قسمت عوامل و امکانات است و عدم توجه به شیوه صحیح ارزشیابی که در آموزشهای بالینی براساس مهارتهای عملی بنا می گردد از عمده ترین مشکلات آموزش بالینی دانشجویان مامایی دانشگاه بابل می باشد که با توجه به شناسایی مسائل امید آن می رود که گامی هرچند کوچک در جهت مرتفع سازی آن برداشته شود

۱۲۳. تاثیر ارتقاء سیستم ارزشیابی در حیطه آموزش بالینی بر رضایت دانشجویان پرستاری و مامایی کاشان سال ۱۳۸۳

اعظم باقری

آدرس: کاشان ، دانشگاه علوم پزشکی ، دانشکده پرستاری و مامایی

زمینه و هدف: منظور از ارزشیابی دانشجویان عمدتاً ارزشیابی پیشرفت تحصیلی یا ارزشیابی از میزان یادگیری آنان است. با این حال در یک برنامه کامل ارزشیابی دانشجویی متغیرهای دیگری چون استعداد، هوش، شخصیت، نگرش، علاقه و... در

نظر گرفته می شوند برای این منظور داده های زیادی جمع آوری می گردند و وسایل مختلف اندازه گیری به کار می روند. استفاده از نتایج ارزشیابی نه تنها برای قضاوت در باره عملکرد یادگیرندگان بلکه برای داوری در باره اثر بخشی کیفیت آموزشها و روشها و مواد آموزشی نیز مفید هستند و عمده تر ین ملاک قضاوت در ارزشیابی هدفهای آموزشی از پیش تعیین شده است تا بر اساس آن بتوان تعیین کرد دانشجویان تا چه میزانی به هدفهای آموزشی خود دست یافته اند. از این جهت پژوهشی انجام شده تا تاثیر شفاف سازی سیستم ارزشیابی منطبق بر اهداف از پیش تعیین شده در حیطه آموزش بالینی را بر رضایت دانشجویان پرستاری و مامایی بررسی کند.

روش و ابزار: این پژوهش آینده نگر بوده و در قالب T.Q.M انجام شده است. پس از طراحی فرآیند جاری آموزش بالینی و به روش بارش افکار توسط صاحبان فرآیند (دانشجویان و اساتید) سیستم ارزشیابی بعنوان اولویت ارتقاء و رضایت دانشجویان بعنوان شاخص ارزیابی انتخاب شد. در همین راستا فرم رضایت سنجی دانشجویان تهیه و پس از انجام مطالعه پایلوت روایی و پایایی آن تائید گردید. فرم مذکور توسط ٤٠ نفر از دانشجویانی که تحت مطالعه پایلوت نبودند و به روش تصادفی انتخاب شده بودند قبل از برنامه ارتقاء تکمیل شد. سپس سیستم ارزشیابی تعریف، پروسیجرهای اساسی و اهداف منطبق بر آن تعیین و شیوه ارزشیابی و نمره مربوط به هر پروسیجر مشخص شده و قالب ارزشیابی در اختیار دانشجویان قرار گرفت. نهایتاً در پایان ترم و پس از اجرای برنامه ارتقاءو انجام ارزشیابی به شیوه جدید مجدداً رضایت دانشجویان اندازه گیری شد.

نتایج: نتایج حاکی از آن بود که شفاف سازی سیستم ارزشیابی در قالب اهداف از پیش تعیین شده و اطلاع دقیق دانشجویان از روند ارزشیابی موجب افزایش چشمگیر رضایت دانشجویان شده بود. (P=۰،۰۰)

نتیجه گیری: نتایج حاصل از پژوهش می تواند حاکی از آن باشد که شفاف سازی فرآیند آموزش و اجرای آن با آگاهی کامل دانشجویان از تک تک مراحل آن نه تنها تاثیر عمده ای بر رضایت دانشجویان و اساتید خواهد گذاشت بلکه نقش موثری در سهولت امر آموزش و افزایش سطح یادگیری و مهارت دانشجویان دارد.

۱۲٤. بررسی برنامه آموزش پزشکی‌از دیدگاه فارغ التحصیلان و کارورزان رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

حسن عدالتخواه ، علی عابدی ، طرلان حمیده خو

آدرس: اردبیل، دانشگاه علوم پزشکی ، دانشکده پزشکی

زمینه و هدف: برنامه آموزشی مدون و کارآمد از ارکان اساسی آموزش پزشکی می باشد و در سالهای اخیر در اکثر دانشگاههای پزشکی سراسر جهان اصلاحات و تغییراتی در برنامه آموزش پزشکی در حال شکل گیری است این مطالعه با هدف بررسی کل برنامه آموزش پزشکی از دیدگاه فارغ التحصیلان و کارورزان رشته پزشکی و همچنین نظرسنجی از پاسخگویان در مورد یک سری تغییرات پیشنهادی صورت گرفته است.

روش و ابزار: در این مطالعه توصیفی – مقطعی روش نمونه گیری سرشماری و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ای شامل ٦ سوال در مورد اطلاعات دموگرافیک و ۱۷۰ سوال مربوط به برنامه آموزش پزشکی بود. روایی پرسشنامه با روایی محتوا تایید شد. اطلاعات بدست آمده کد گذاری شده و سپس با استفاده از نرم افزار SPSS آنالیز گردید.

نتایج: در مجموع ۷۰ نفر کارورز و ۱۲ نفر پزشک عمومی فارغ التحصیل از دانشگاههای اردبیل در این طرح شرکت داشتند.ازنظر مناسبت حجم دروس ارائه شده در دوره پزشکی درس بیوشیمی در مقطع علوم پایه بیش از حد نیاز و دروس بافت شناسی تئوری و جنین شناسی در مقطع علوم پایه، فارماکولوژی، پاتولوژی اختصاصی عملی، آمار و روش تحقیق، بخشهای قلب، رادیولوژی و اورژانس در مقطع بالینی کمتر از حد نیاز ارزیابی شدند و همچنین مدت بخش زنان و زایمان برای آقایان نیز بیش از حد نیاز ارزیابی شد.

نتیجه گیری: براساس این تحقیق اکثریت پاسخگویان با اضافه شدن دوره هایی جدید با مقاطع مختلف پزشکی موافق بودند. اکثریت پاسخگویان با اعمال تدابیری برای ایجاد ارتباط بین علوم پایه و بالینی موافقت داشتند. در مورد فواصل امتحانات جامع نیز اکثریت موافق برگزاری هر سه ماه یکبار بودند. نیمی از پاسخگویان بصورت تشریحی نظرات دیگری علاوه بر موارد ذکر شده در پرسشنامه ارائه نمودند، که آنها نیز مورد

جمع بندی قرار گرفته و به عنوان نتایجی که زمینه تحقیقات بعدی باشند ارائه شدند. نتایج این طرح نشانگر این موضوع است که برنامه‌آموزش پزشکی تئوری پاسخگوی نیازهای دانشجویان این رشته نمی باشد و آنها در بسیاری از قسمتهای این برنامه خواستار تغییراتی اساسی می باشند.

۱۲۵. استانداردها ابزاری برای اعتباربخشی آموزش بالینی در مامایی

فرانک صفدری ده‌چشمه، روشنک حسن زهرایی
سهیلا احسانپور، اعظم علوی، شایسته حاجی زاده

آدرس: شهرکرد، رحمتیه، دانشکده پرستاری و مامایی،گروه مامایی

زمینه و هدف: آموزش بالینی از مهمترین ارکان آموزش در پرستاری و مامایی بوده و هدف‌آن تامین نیروی انسانی کارآمد، متبحروآگاه جهت رفع نیازهای‌جامعه است برای نیل به این‌هدف لازم است وضعیت موجود بطور مستمر ارزیابی گردد و چنانچه این ارزیابی مبتنی بر استاندارد باشد ضمن مشخص کردن نقاط قوت و ضعف، فاصله وضعیت فعلی با وضعیت مطلوب نیز آشکار می گردد و این امکان را فراهم میکندتا در جهت ارتقاء کیفیت آموزش بالینی برنامه ریزی شود. با توجه به نقش آموزش مامایی در ارتقاءسلامت جامعه و با عنایت به اینکه جهت ارزیابی کیفیت و مشروعیت بخشیدن به اهداف و عملکرد آموزش بالینی مامایی در کشور استانداردهای مدونی وجود ندارد،پژوهش حاضر با هدف بررسی استانداردهای بین المللی آموزش بالینی در مامایی و پیشنهاداستانداردهای مناسب کشوری‌انجام‌شده‌است

روش و ابزار: این پژوهش یک مطالعه چندبعدی (تری آنگولیشن) است که داده های آن طی ۷ مرحله گردآوری شده اندکه در مراحل ۱تا۳ پس از جستجو و استخراج استانداردهای کشورهای پیشرو (آمریکا استرالیا، نیوزیلند ،انگلیس، کانادا و..)،ابزار نظرنجی که شامل استانداردهای بالینی پیشنهادی است تعیین وطی مراحل٤تا۷ با تکنیک دلفی و از طریق اجماع این استانداردهابه نظر سنجی گذاشته شده است. جمعیت پژوهش۲۵نفر و شامل مدیران گروه‌های مامایی دانشگاههای علوم پزشکی دولتی با حداقل مقطع کارشناسی پیوسته مامایی کشور و اعضا هیات بورد مامایی می باشند که بترتیب از طریق نمونه گیری آسان و سرشماری در پژوهش شرکت داده شدند.نتایج توسط روش های آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نتایج: پس از بررسی پاسخهای واحدهای مورد پژوهش در طیف مطلوب(۹۳٪)،نسبتاً مطلوب(٤٪) و نا مطلوب (۳٪)و اعمال نظرات ایشان از طریق تکنیک دلفی یافته های نهایی در حوزه آموزش بالین و در قالب٤۰استاندارد(همراه با شاخص های عملکردی هر استاندارد) استخراج گردیدکه بطور کامل در اصل مقاله ارائه خواهند شد.

نتیجه گیری: تهیه استانداردها اولین گام در اعتباربخشی آموزش بالینی مامایی است لذابا بکارگیری استانداردهای مورد توافق بعنوان راهنمایی برای ارزیابی آموزش بالینی مامایی و بدنبال آن با رفع کاستی ها و نواقص موجود در ابعاد مختاف آموزش بالین مامایی می توان بسوی بالندگی حرفه ای طی مسیر کرد.

۱۲۶. اعتبار بخشی برنامه های آموزش پزشکی عمومی

دکترصالح صالحی، دکتر ولی الله حسنی
دکتر احمد رئیس السادات، دکتر کسری نوابی

آدرس: دبیرخانه شورای آموزش پزشکی عمومی

علم پزشکی پایه سلامت جامعه است ولذا تضمین صلاحیت علمی و عملی پزشکان تضمین سلامت جامعه است. هدف ازاعتباربخشی برنامه های آموزشی، تضمین حداقلهای دانش عملی و نظری فارغ التحصیلان است. اعتباربخشی ازسالها قبل درکشورهای پیشرفته جهان به عنوان ابزاری برای تضمین و ارتقاء کیفیت آموزش پزشکی به کار گرفته میشود و دراین کشورها نهادهای مستقل قانونی متولی انجام آن هستند. در کشور مانیز می توان ازاین روش کمک گرفت، بخصوص که بعد از دو دهه گسترش کمی درپذیرش دانشجوی پزشکی و افزایش در تعداد دانشکده های پزشکی،امروزه کیفیت آموزش در دانشکده ها به شدت باهم تفاوت دارند و باعث بروز نگرانیهای جدی در خصوص آموزش پزشکی عمومی کشور شده است.

اولین جنبه ای که در اعتباربخشی در نظرگرفته می شود این است که چه کسی مسئول تعیین اعتبار دانشکده های

پزشکی است؟ لذا اولین قدم برای انجام ارزشیابی واعتباربخشی طراحی یک سیستم ملی متشکل از مجموعه ای از مدیریت عالی اکادمیک و تکنیکی است که هدایت و رهبری و تنظیم آموزش پزشکی در دانشکده های مختلف کشور را از راه اعطای اعتبار به عهده می گیرد. با ادغام آموزش پزشکی در وزارت بهداشت و تغییرات پیش آمده درمدیریت نظام آموزش پزشکی کشور مدیریت ارزشیابی آموزش پزشکی عمومی به مدت دو دهه دچار خلاء قانونی گردید. لذا برنامه ریزان وزارت بهداشت در یک اقدام منطقی و به منظور ایجاد یک مدیریت واحد و قانونی شورای آموزش پزشکی عمومی را تشکیل داده و وظیفه ارزشیابی و اعتبار بخشی را به عهده دبیرخانه این شورا قرار دادند. این دبیرخانه در اولین اقدام خود تدوین استاندارد ملی آموزش پزشکی عمومی کشور را آغاز نمود.

تدوین استاندارد ملی ویژگیها و ظرافتهای خاصی دارد که نیازمند کاری علمی و سنگین بوده و اجماع و توافق همه صاحبنظران در مورد مفاد استاندارد ملی ضروری است. در این مقاله تلاش می شود ضمن مروری بر روند قانونی اعتباربخشی و ارزشیابی برنامه های آموزش پزشکی عمومی کشور در خصوص نحوه تدوین استاندارد ملی نیز توضیحاتی داده می شود.

۱۲۷. بررسی دو روش ارزشیابی دانشجویان در بخش ارتودنسی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

دکترحسین عقیلی، دکتر محمد حسین باقیانی مقدم، دکتر علی رفعتی

آدرس: یزد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، حوزه معاونت آموزشی

زمینه و هدف: با توجه به پیشرفت تکنولوژی و کاربرد کامپیوترها در تمام زمینه های علمی و استفاده از نرم افزارهای مختلف جهت ارزشیابی های گوناگون، نرم افزاری جهت امتحان عملی بخش ارتودنسی دانشکده دندانپزشکی یزد در سال ۱۳۸۳ تهیه و امتحان با این نرم افزار کامپیوتری (Computer Based Testing) یا CBT با امتحان مرسوم در بخش که به روش (Paper Based Testing) یا PBT برگزار می شود، مقایسه شد. هدف از این تحقیق تهیه نرم افزار جهت ارزشیابی دانشجویان بررسی میزان رضایت و نگرش دانشجویان از روش CBT ومقایسه میانگین نمرات دانشجویان دردو روش میباشد.

روش و ابزار: نرم افزار کامپیوتری با خصوصیات خود ارزیابی (Self evaluation) ، ارزیابی گروهی (Class evaluation)، توانایی تعیین نمودن ضریب سختی و ضریب تمیز، اعلام نتیجه سریع هر Case و کل امتحان، توانایی تعیین نمودن حیطه های شناختی هر سؤال، اضافه نمودن Case، Link شدن به سایتها و ژورنالهای معروف ارتودنسی تهیه و سپس سؤالات امتحان CBT طراحی شد. از ۲۸ دانشجو با نمونه گیری به روش آسان به هر دو روش CBT و PBT امتحان گرفته شد و پرسشنامه ای پس از پایان امتحان PBT و CBT بین همه دانشجویان جهت نظرسنجی از دانشجویان تکمیل شد. یافته ها تحت آزمون های ANOVA و آمار توصیفی قرار گرفت.

نتایج: میانگین نمرات در روش PBT و CBP، بترتیب ۱۳ و ۱۶ با انحراف معیار ۵ و ۳ بود. دو آزمون CBT و PBT دارای همبستگی مثبت ($P= ۰،۰۰۰۱ , r = ۰،۷$) و معنی داری بودند نظر سنجی نشان داد که ۹۳ درصد با کیفیت تصاویر برنامه امتحان گیرنده موافق بودند و توانائی سنجش مهارتهای بالینی از نقطه نظر تئوی و عملی بترتیب ۸۵ درصد و ٦٤ درصد و نقش کامپیوتر در کاهش استرس ناشی از تنظیم وقت ٦٤ درصد موافق داشت. تاثیر گذاری آشنایی قبلی با کامپیوتر کسب امتیاز و عدم استرس در مودر نحوه کار با برنامه بترتیب ٦٨ و ٦٧ درصد موافق داشت و میزان رضایت از روش کامپیوتری بجای روش

واینکه آیاروش کامپیوتر PBT در اجرای آزمون میتواند موارد نیاز به یادگیری بیشتر را نشان دهد بترتیب ٦٨ و ٨٩ درصد با آن موافق بودند و نهایتاً ۹۷ درصد معتقد بودند که این روش جهت آموزش در بخش مفید است

نتیجه گیری: میانگین نمرات در روش CBT بالاتر بود. روش CBT توان رتبه بندی جهت Criterion based evaluation را دارا است ونگرش دانشجویا ن برای آزمون CBT مثبت است و می توان گفت که این روش می تواند جایگزین مناسبی برای روش PBT باشد.

۱۲۸. کیفیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پزشکی مقطع بالینی دانشگاه علوم پزشکی ایران

طیبه فصیحی هرندی، سید کامران سلطانی عربشاهی
سیداحمد تهامی، سکینه محمد علیزاده

آدرس: کرمان ، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: آموزش بالینی از مقاطع حساس آموزش پزشکی است که در شکل دهی توانمندیهای حرفه‌ای فراگیران نقش عمده‌ای دارد. ارتقاء کیفیت آموزش بالینی مستلزم بررسی مستمر وضعیت موجود، شناخت نقاط قوت و اصلاح نقاط ضعف است.
هدف از این مطالعه به منظورارزیابی کیفیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان بالینی انجام شد.

روش و ابزار: جهت انجام این مطالعه توصیفی - تحلیلی با استفاده از پرسشنامه خود ایفا به طور تصادفی از ۳۲۰ نفر از دانشجویان بالینی درخواست شد که به پرسش نامه تنظیم شده پاسخ دهند. در مجموع ۲۴۹ پرسش نامه که به طور کامل پر شده بود با استفاده از شاخص مرکزی و پراکندگی، آزمون t.test آنالیز واریانس یکراهه و شفه تجزیه و تحلیل شد.

نتایج : دانشجویان بالینی حیطه تسلط علمی اساتید را خوب، حیطه مدیریت آموزشی و ارتباط و مشاوره را متوسط ارزیابی نمودند. بیشترین میانگین نمره در حیطه تسلط علمی مربوط به تسلط اساتید به مطالب مورد تدریس، در حیطه مدیریت آموزشی مربوط به انتخاب بیماران براساس اهداف دوره بالینی، در حیطه ارتباط و مشاوره مربوط به ارائه بازخورد به دانشجویان در طول دوره بالینی بود.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که از نظر دانشجویان مورد مطالعه کیفیت آموزش بالینی در حد نسبتامطلوبی قرار دارد. حضور فعال و موثر اساتید در عرصه‌های بالینی، تشکیل کارگاه های آموزشی با هدف تغییر نگرش و آشنایی هر چه بیشتر آنان با روش های نوین آموزش و ا رزیابی، رعایت توازن بین پذیرش دانشجو با امکانات موجود آموزشی از راههای بنیادی و اساسی ارتقاء کیفیت آموزش بالینی می باشد.

۱۲۹. ماهیت، فرایندو بازخورد ارزشیابی استاد: دیدگاه اعضای هیأت علمی

مینا توتونچی، دکتر طاهره چنگیز، لیلی عالی پور

آدرس: اصفهان ، دانشگاه علوم پزشکی ، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: درمطالعات، ارزشیابی اساتید توسط دانشجویان مورد انتقاد قرار گرفته است و به نظرات مشتریان اصلی ارزشیابی استاد که اعضاء هیات علمی دانشگاه باشند، کمتر توجه شده است. مطالعات موجود در زمینه ارزشیابی از فرایند ارزشیابی محدود می باشد. این مطالعه با هدف تعیین نظرات اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در مورد ماهیت و فرایند ارزشیابی اساتید در سال ۱۳۸۳ انجام گرفته است.

روش و ابزار: در یک مطالعه توصیفی ۱۸۵ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با روش نمونه‌گیری طبقه ای تصادفی مورد مطالعه قرار گرفتند. روش گردآوری اطلاعات استفاده از پرسشنامه ای روا و پایا بود که مشخصات دموگرافیک اساتید و سه حیطه ماهیت ارزشیابی، فرایند اجرایی و بازخورد ارزشیابی را با مقیاس ۵ نقطه ای لیکرت و با ۵۰ سئوال مورد پرسش قرار می داد. تجزیه و تحلیل داده ها با نرم افزار SPSS و بصورت محاسبه میانگین و انحراف معیار نمرات گزینه ها و حیطه های ارزشیابی استاد انجام شد و مقایسه گروهها با آزمونهای T و ANOVA انجام گرفت.

نتایج: ارزشیابی ۲/۶±۰/۴۵ و فرایند اجرای بازخورد ارزشیابی ۲/۵±۰/۴ از کل نمره ۵ بود. بالاترین امتیاز در مورد ضرورت ارزشیابی استاد در فرایند آموزشی، مطلق نبودن ارزشیابی برای بهبود فرایند یادگیری- تدریس، اجرای ارزشیابی سالیانه و ارسال محرمانه آن و امکان اصلاح عملکرد اساتید با توجه به نتایج ارزشیابی بود. در حالیکه اساتید در مورد موضوعات در نظر نگرفتن فعالیت های جنبی استاد در ارزشیابی، محدود بودن اصلاح عملکرد بدون مشاوره و راهنمایی، ارزشیابی مشابه از دروس با ماهیت متفاوت، امتیاز پائین را اختصاص داده بودند.

نتیجه گیری : نتایج پژوهش بیانگر نگرش متوسط نسبت‌به ماهیت ارزشیابی استاد و نگرش منفی نسبت به فرایند اجرا و بازخورد بود که با بعضی مطالعات همخوانی دارد. برنامه

ریزان آموزشی لازمست نسبت به تهیه ابزار مناسب ارزشیابی و اصلاح فرایندهای اجرایی و بکارگیری نتایج حاصله از ارزشیابی برای مشاوره و اصلاح عملکرد اساتید اقدام نمایند.

۱۳۰. تدوین استانداردهای اعتباربخشی دانشگاههای علوم پزشکی کشور

دکتر علی رضا یوسفی، دکتر طاهره چنگیز، دکتر نیکو یمانی روشنک حسن زهرایی، سهیلا احسانپور

آدرس: اصفهان ، دانشگاه علوم پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: توسعه علمی کشور مستلزم ارتقا کیفی دانشگاهها و حرکت آنها براساس موازین و معیارهای پذیرفته شده علمی است. بنابراین بایستی به روشهای صحیح و تجربه شده ای دست یافت که استمرار توسعه کیفی دانشگاهها و بکارگیری معیارهای علمی در آموزش و پژوهش و ارائه خدمات و نیز شیوه های مناسب مدیریت مجموعه های علمی را تضمین کند. در این راستا شیوه های گوناگونی برای ارزیابی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی پیشنهاد شده که شیوه اعتبار بخشی بیش از همه مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس طرح اعتباربخشی مؤسسه ای دانشگاههای علوم پزشکی کشور به منظور تدوین استانداردهای آموزشی جهت اعتباربخشی انجام گردید.

روش و ابزار: این پژوهش به صورت چند مرحله ای طراحی گردیده و در طی سه فاز اصلی به انجام رسید. در مرحله اول، استانداردهای معتبر از دانشگاههای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه گردآوری گردید و مورد بررسی و تحلیل قرارگرفت و فرآیند ساخت استانداردها نیز مشخص گردید. در مرحله دوم: استانداردهای معتبر گردآوری شده، به منظور سازگاری با شرایط داخلی مورد پالایش قرار گرفت و استانداردهای ویژه کشوری، مبتنی بر فرایند استاندارد سازی تدوین گردید. در مرحله سوم: درباره استانداردهای اعتباربخشی، با استفاده از تکنیک دلفی توافق سازی به عمل آمد و در نهایت استانداردهای ملی اعتبار بخشی مؤسسه ای تدوین گردید.

نتیجه گیری: با توجه به افزایش توجه محوری به کیفیت در تمام مقولات اجتماعی از جمله کیفیت در آموزش عالی و همچنین با در نظر گرفتن حرکات اخیر سازمان بهداشت جهانی منطقه و شرق مدیترانه در راستای تحول و بهبود آموزش پزشکی از طریق اعتبار بخشی، استقرار نظام ملی اعتبار بخشی بر اساس نتایج این تحقیق و استانداردهای تدوین شده به افزایش مقبولیت دانشگاههای علوم پزشکی در سطح ملی و جهانی کمک شایانی خواهدنمود. طوری که تمام دانشگاهها در قالب این استانداردها مورد ارزشیابی قرار گرفته و با آگاهی از نقاط قوت و ضعف خود بر اساس برنامه ریزی مشخص شده به سمت بهبود و ارتقا حرکت کنند.

۱۳۱. مقایسه تأثیر دو الگوی آموزشی معلم مدار و فرد مدار بر میزان یادگیری مهارتهای دانشجویان پرستاری

مینو میترا چهرزاد، شادمان رضا ماسوله

آدرس: رشت، دانشکده پرستاری ومامایی شهید بهشتی

زمینه و هدف: الگوهای آموزشی ابزاری برای یادگیری بوده که ضمن یاری فراگیران در کسب اطلاعات، نظریات، مهارتها، ارزش ها و طرق تفکر، بر توان آنان در حصول به هدفهای معین و متفاوت می افزاید. افزایش توانایی یادگیری یکی از مقاصد اساسی این الگوها محسوب می شود.

روش و ابزار: این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی است که با هدف مقایسه تأثیر دو الگوی آموزشی معلم مدار(نمایش عملی) و فردمدار(شبیه سازی) بر میزان یادگیری مهارتهای دانشجویان پرستاری در مورد نحوه انجام احیاء نوزاد در سال ۱۳۸۲ در دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت انجام شده است. نمونه های این پژوهش را ۳۱ نفر از دانشجویان ترم سوم پرستاری تشکیل می دهند که به صورت سرشماری از جامعه پژوهش انتخاب شده بودند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل چک لیست مشاهده در مورد انجام احیاء نوزاد بود. ابتدا پیش آزمون از دانشجویان به عمل آمد، سپس دانشجویان به طور تصادفی به دو گروه(آزمون و شاهد) تقسیم شدند و در یک گروه تحت آموزش به روش نمایش عملی و یک گروه تحت آموزش به روش شبیه سازی قرار گرفتند. دو هفته بعد آزمون نهایی از هر دو گروه به عمل آمد.

نتایج: نشان می دهد که میانگی نمرات قبل و بعد از آموزش در هر دو گروه افزایش چشمگیری داشته است، یعنی آموزش

به روش نمایش عملی (P< ۰/۰۰۵) و به روش شبیه سازی (P< ۰/۰۰۵) بر عملکرد دانشجویان تأثیر مثبت داشته است. اما در مقایسه تأثیر آموزش در دو گروه، اختلاف معنی دار آماری مشاهده نشد.

نتیجه گیری: با توجه به رضایت فراگیران از روش شبیه سازی، اختصاص اکثریت زمان کلاس به فعالیت دانشجو، کاهش مدت زمان آموزش و کاهش هزینه در استفاده از روش های مبتنی بر الگوی فرد مدار، می توان گفت استفاده از این روش می تواند سبب ارتقاء کیفیت آموزش مهارتهای پرستاری گردد.

۱۳۲. بررسی میزان آشنائی اعضای هیئت علمی با روشهای نوین آموزش پزشکی و وسایل سمعی وبصری و رایانه در دانشگاه علوم پزشکی گلستان - ۱۳۸۳

دکتر محمدرضا یوسفی، دکتر عبدالوهاب مرادی، بتول نوری

آدرس: گرگان، مرکز مطالعات وتوسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: جامعه دانشگاهی امروزه بطور گسترده ای به اطلاعات متکی است وهرنوع برنامه ریزی آموزشی و پژوهشی بدون استفاده از اطلاعات برمبنای تکنولوژی های جدید و روشهای نوین آموزش پزشکی، امری به دور از واقعیت جامعه جهانی میباشد از طرفی گسترش روز افزون تکنولوژی آموزشی زمینه های مناسب آنرا می طلبد هدف از این تحقیق بررسی میزان آشنائی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گلستان از روشهای نوین آموزش پزشکی ووسایل سمعی وبصری ورایانه میباشد.

روش و ابزار: این مطالعه بصورت مقطعی و از نوع توصیفی وتحلیلی است که در سال ۱۳۸۳ بر روی ۳۸ نفر از اعضای هیئت علی انجام گرفته است. در این پژوهش ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای است که در یک مطالعه اولیه پایایی و روایی آن بررسی و نهایتا یک پرسشنامه با روایی و پایایی قابل قبول تهیه گردید.

ازاطلاعات سئوالات مربوط به میزان آشنائی اعضای هیئت علمی با وسایل سمعی وبصری ورایانه و میزان آشنائی آنها از روشهای نوین آموزش پزشکی جمع آوری گردید که هریک از گزینه ها بصورت بسیار کم با نمره یک تا بسیار زیاد با نمره ۵ در مقیاس لیکرت در نظر گرفته شده است. اطلاعات پس از جمع آوری و ورود در نرم افزار SPSS۱۱,۵ و با استفاده ازآزمونهای مناسب مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت که سطح معنی دارآزمونها۰,۰۵ درنظر گرفته شده است.

نتایج: در این مطالعه ٦٧/٦٪ افراد مرد بوده اند که میانگین سنی افراد ٤١ سال ومیانگین سابقه کار آنها ۹/۸ سال بوده است و در چهار گروه زنان - کودکان - جراحی و داخلی بررسی شده اند. نتایج نشان داد که ۱۱/۱۰٪ افراد مورد مطالعه به میزان بسیار زیاد با وسایل سمعی و بصری و رایانه آشنائی داشته اند که همه آنها مرد بوده اند و نیز در بین خانمها ۸۳/۲٪ اظهار داشته اند که با وسایل سمعی و بصری و رایانه به میزان متوسط آشنائی دارند که از نظر آماری با P <۰,۰۵ میزان آشنائی بین دو جنس معنی دار میباشد. همچنین مشخص شد که در گروه سنی کمتر از ٤٠ سال فقط ۱۵٪ آنها اظهار داشتند که با وسایل سمعی وبصری و رایانه بمیران زیاد آشنائی دارند که این رقم در گروه سنی بالای ۵۰ سال ۲/۹٪ بوده است. تمام افرادیکه اظهار نموده اند که میزان آشنائی آنها با وسایل سمعی و بصری و رایانه خیلی خوب بوده است کمتر از ۱۵ سال سابقه کار داشته اند و از بین افرادیکه اظهار نموده اند میزان آشنائی آنها با وسایل سمعی وبصری و رایانه بطور متوسط میباشد ٦٥٪ آنها دارای سابقه کار ۱۰-۵ سال بوده است. نتایج نشان داد که ٤٧٠٤٪ افراد مورد مطالعه در گروه داخلی بوده اند که از این تعداد ۲/ ۲۲٪ اظهار داشتند که با وسایل سمعی و بصری و رایانه به میزان بسیار زیاد آشنائی دارند که تنها گروهی بودند که این میزان آشنائی را داشتند و تمام افراد گروه کودکان اظهار داشتند که میزان آشنائی آنها با وسایل سمعی وبصری و رایانه در حد متوسط است که این رقم در گروه زنان ۸۰٪ و گروه جراحی ٥٤/٥٪ و گروه داخلی ۵۰٪ میباشد. همچنین ٤٥/٨٪ از آقایان و ۳۳/۳٪ از خانمهای هیئت علمی اظهار داشتند که به میزان زیاد از روشهای نوین آموزش پزشکی اشنائی دارند. همه افرادیکه در گروه سنی بالای ۵۰ سال داشتند اظهار نمودند که با روشهای نوین آموزش پزشکی بمیزان زیاد آشنائی دارند در حالیکه این رقم در گروه سنی ٥٠-٤٠ سال ٤٥/٥٪ و در گروه سنی کمتر از ٤٠ سال ۳۵٪ میباشد. همه افرادیکه سابقه کار کمتر از ۵ سال و بالای ۱۵ سال داشتند با روشهای نوین آموزش پزشکی آشنائی زیاد داشتند در حالیکه این رقم در افراد با سابقه کار ۱۰-۵ سال ۳۰٪ و ۱۵-۱۰ سال ۳۳/۳ میباشد.

همچنین مشخص گردید که ۵۰٪ افراد گروه کودکان با روشهای نوین آموزش پزشکی به میزان زیاد آشنائی دارند در حالیکه این رقم در گروه زنان ۲۰٪ و گروه جراحی ٤٥/٥٪ و گروه داخلی ٤٤/٤٪ میباشد.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که میزان آشنائی اعضای هیئت علمی مرد با وسایل سمعی و بصری و رایانه و روشهای نوین آموزش پزشکی نسبت به خانمها بیشتر است و نیز افرادیکه در گروه سنی پائین و سابقه کار کمتر آشنائی بیشتری با وسایل سمعی و بصری و رایانه و روشهای نوین آموزش پزشکی داشتند و همچنین گروه داخلی بیشتر از بقیه گروهها و گروه زنان کمتر از سایر گروهها نسبت به وسایل سمعی وبصری و رایانه آشنائی داشتند ولی گروه کودکان بیشتر از سایر گروهها یا روشهای نوین آموزش پزشکی و گروه زنان کمتر از بقیه گروهها ی با روشهای نوین آموزش پزشکی آشنائی داشتند که در مجموع ۵۰٪ افراد مورد مطالعه با روشهای نوین آموزش پزشکی آشنائی زیادی نداشتند که پیشنهاد میگردد با برگزاری کلاسها وکارگاههای آموزشی نسبت به افزایش آشنائی اعضای هیئت علمی با وسایل سمعی وبصری و روشهای نوین آموزشی پزشکی بخصوص برای افراد با سابقه کار وسن بالا و گروههای زنان و اطفال اقدام گردد.

۱۳۳. ارزیابی اثربخشی آموزش بالینی داخلی – جراحی از دیدگاه دانش آموختگان جدید پرستاری

خدیجه نصیریانی، فرحناز فرنیا، فاطمه نصیریانی اردشیردهموبد، سیمابرزگری

آدرس: یزد، دانشکده پرستاری ومامائی

زمینه و هدف: دانشگاهها بستر اصلی تدارک وتامین نیروی انسانی کارآمد جهت رفع نیازهای جامعه است. دانشجویان علوم پزشکی به منظور داشتن حداکثرکارآیی، باید دانش و مهارت لازم برای حرفه آینده خود کسب کنند و آنها در کلاسهای آموزشی تئوری، اطلاعات و دانش لازم را کسب نموده و از طریق تمرین و تجربه در محیطهای بالینی، توانمندی،شایستگی و صلاحیت لازم را احراز می کنند. در رشته پرستاری که از علوم وابسته پزشکی است اهمیت آموزش بالینی به حدی است که آموزش بالینی را بخش اصلی و قلب حرفه پرستاری می دانند.به طوریکه ورود پرستارانی که مهارت لازم را ندارند سلامت جامعه را به خطر می اندازد بنابراین تربیت فارغ التحصیلان ماهر هدف نهایی آموزش پرستاری بوده و جهت اطمینان به دستیابی این هدف نیاز به ارزشیابی است این ارزشیابی بخصوص در بدو اشتغال به کار اهمیت دارد چرا که فارغ التحصیل با نیازهای خود مواجه و به آسانی آموزش را ارزشیابی خواهد کرد.

روش و ابزار: این مطالعه از نوع توصیفی – تحلیلی است جامعه و نمونه پژوهش شاملکلیه فارغ التحصیلان جدید پرستاری شاغل در بخشهای داخلی جراحی و ویژه بیمارستانهای دولتی شهر یزد در سال ۱۳۸۲و مشتمل بر۵۰ نفر بودند که به روش نمونه گیری سرشماری انتخاب شدند روش اخذ اطلاعات پرسشنامه خود ایفا شامل دو بخش: مشخصات دموگرافیک واحدها و چک لیست مهارتهای داخلی جراحی مورد نیاز کارشناس پرستاری بود که به روش خود گزارش دهی تکمیل شد.

نتایج: یافته ها نشان داد که ۹۲٪واحدهای مورد پژوهش زن، ۵۸٪ متاهل،۵۲٪ فارغ التحصیل دوره روزانه ۲۸٪سابقه کار کمتر از ۱۲ماه واکثریت دارای معدل گروه « ب » بودندبر اساس یافته های بدست آمده اکثریت واحدهای مورد پژوهش در زمینه مهارتهای بررسی ومراقبت از بیماران مبتلا به بیماریهای شایع داخلی وجراحی(۲۹/۱۱ + ۰٤/ ۷۹)، بررسی و مراقبت از بیماران دچار درد(۳/۹٦+۷/٦٤)،نمونه گیری در تستهای تشخیصی وآزمایشگاهی (٤/۳۸ + ۱۰/٦٦)،مراقبتهای قبل وبعد روشهای تشخیصی (۹٦/۹+ ۲٤/۸) و انجام پروتکل های مراقبتی (۲۲/۱۱ + ٦۸/۱۲)در سطح متوسط،در زمینه مراقبت در دارو درمانی گروههای مختلف دارویی (۱٦/۲۲ + ٦۸/۱۲) در سطح خوب و در زمینه گزارش نویسی (۳/۲۷ + ۱۷/۳۳) در سطح عالی ودر زمینه استفاده از تجهیزات درمانی ٤/٥٥ + ۱٦/۲۸ در سطح ضعیف قرار داشته آزمون آماری تی مستقل فقط بین جنس با میانگین نمرات کسب شده اختلاف معنی داری نشان داد. (T= ۳,٤٥ P= ۰,۰,٥)

نتیجه گیری: بر اساس یافته های بدست آمده اکثریت واحدهای مورد پژوهش در زمینه مهارتهای داخلی جراحی بررسی شده درسطح متوسط قرار می گیردکه احتمالاً عدم آموزش کافی ومناسب، عدم مواجهه با کیس ها،کوتاهی مدت دوره های کارآموزی،بروز بعضی از بیماریها در فصول خاص سال،

عدم وجود امکانات وتجهیزات جهت آموزش وغیره ممکن است موجب بروز چنین وضعیتی شود ولی باید در نظر داشت که وجود مربیان متبحر و متخصص در آموزش دانشجویان نقش بسزایی دارد ودر کل چنین به نظر می رسد که برنامه های آموزشی رایج فرصت کافی برای ارتقاء وبهبود آگاهی ومهارت پرستاران فارغ التحصیل فراهم نمی سازد که جهت رفع آن نیاز به بررسی سطح مهارتهای دانشجویان قبل از شروع کارآموزی، استفاده از اتاق مهارتها (SKILL LAB) در محیطهای بالینی، فراهم سازی فرصتی قبل از فارغ التحصیلی جهت تمرین مهارتهای مورد نیاز، برگزاری امتحان بالینی دقیق از عملکرد دانش آموختگان در پایان دوره تحصیلی به صورت فینال وغیره می باشد.

۱۳٤. بررسی نظرات اساتید ودانشجویان درمورد فرم ارزشیابی اساتید علوم پایه توسط دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان- ۱۳۸٤

فرزانه صابری، حسین اکبری، اعظم باقری
معصومه حسینیان، مریم صبوری

آدرس: کاشان،دانشگاه علوم پزشکی،مرکزمطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: با توجه به اهمیت نقش ارزشیابی درامر قضاوت، درخصوص کیفیت فرایند آموزش ونقش شناخته شده آن درپشبرد اهداف آموزشی، ارتقاء فرآیند ارزشیابی اساتید ضرورت دارد با توجه به اینکه دانشجو واستاد دو رکن ارزشیابی اساتید توسط دانشجویان می باشند، این مطالعه به منظور بررسی نظرات اساتید ودانشجویان درمورد فرم ونحوه اجرای ارزشیابی صورت گرفت.

روش و ابزار: این مطالعه درقالب TQM انجام شد. بدین صورت که پس از اعلام نتایج ارزشیابی سالانه اساتید درسال ۱۳۸۲ پرسشنامه ای به صورت جداگانه برای اساتید ودانشجویان درخصوص نظر سنجی از نقاط قوت وضعف سئوالات فرم های ارزشیابی تهیه، اعتبار صوری ومحتوای آن توسط قضاوت متخصصان آموزش تائید گردید. سپس پرسشنامه برای ۸۲ عضو هیات علمی و۱۲۰ دانشجو جهت تکمیل ارسال گردید سپس فرم ها جمع آوری وجمع بندی شده ومورد تجزیه وتحلیل قرارگرفت

نتایج: دراین مطالعه از ۸٦ فرمی که برای کلیه اعضای هیات علمی علوم پایه ارسال گردید ۵۱ پرسشنامه واز ۱۲۰ پرسشنامه دانشجویان ۹۵ پرسشنامه تکمیل گردید.
اکثر اساتید ودانشجویان فرم را به دلایل زیر فاقد اعتبار لازم برای سنجش نظرات واقعی دانسته اند:
۱- عدم همخوانی فرم اررزشیابی موجود با نحوه تدریس استاد به عنوان مهم ترین آیتم
۲-عدم وجود سئوالات باز وبستن راه پاسخها دریک قالب محدود
۳- عدم وزن دهی مناسب آتیم ها ویکسان بودن وزن شاخصهای مهم وکم ارزش
٤- سنجش مواردی تحقیق وترجمه واینترنت..... دردروس نظری با توجه به محدودیتهای موجود دردانشگاه
۵- نامشخص بودن تعداد قابل اعتماد دانشجو برای سنجش استاد در هر کلاس
٦- لزوم تفکیک فرمهای ارزشیابی اساتید بالینی تئوری تخصصی وعمومی
۷-لزوم تفاوت گذاری ارزشیابی دانشگاههای روزانه وشبانه
نتیجه گیری: با توجه به نقاط ضعف عنوان شده طراحی یک فرم با روایی وپایایی کافی که بتواند پاسخگوی نیاز های اساتید ودانشجویان باشد، ضروری به نظر می رسد.

۱۳۵. بررسی موانع اثر بخشی کاربالینی

حسین کمیلی ثانی، پوراندخت افشاری

آدرس: اهواز، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: هدف از کار بالینی در علوم پزشکی و رشته مامائی انطباق دانش تئوری آموخته شده بر بالین بیمار و تمرین مکرر برای مشاهده چهره های مختلف یک بیماری و ملکه شدن آموخته های قبلی و یاد گرفته های جدید در جهت حل مشکلات جامعه است. در مواردی به این هدف دست نمی یابیم لذا به منظور دستیابی به موانع انجام یک کارورزی خوب و اثر بخش پژوهش حاضر صورت گرفت.

روش و ابزار: این پژوهش مطالعه ایDescriptive است که طی آن ۵۰٪ دانشجویان مامائی ترم پنجم و بالاتر و ناپیوسته دانشگاه علوم پزشکی اهواز براساس پرسشنامه طراحی شده

نظرات خویش را ابراز نمودند نتایج حاصل پس از کد گذاری با نرم افزار آماری SPSS مورد آنالیز قرارگرفت.

نتایج: یکی از موانع اثر بخشی کارورزی ارائه کار بالینی قبل از تئوری است.۵۸٪ دانشجویان زمان ارائه دروس تئوری را همزمان با عملی و ۳۸/۸٪ قبل از عملی ابراز نمودند. ۸۲/۳٪ دانشجویان از محتوای سرفصل دروس تئوری اطلاع داشته و ۵۳٪ آنان آن را از مدیرگروه درخواست نموده بودند.٤٥٪ دانشجویان اعتقاد داشتند که کار عملی آنها تا حدودی با سرفصل تئوری تطبیق دارد و ۳۵/۵٪ این تطابق را خوب ذکر کردند. از آنجا که مربی خوب از ارکان مهم کارآموزی اثر بخش است لذا در این خصوص نیز سوالاتی بعمل آمد. ٤٨/٥٪ دانشجویان مهمترین ویژگی یک مربی کارآمد را آموزش عملی با نظارت، ۳٦/۳٪ ایجاد اعتماد به نفس در دانشجو ۱۵/۲٪ توانایی انجام کار مستقل عنوان نمودند اما مهمترین مشکل ایشان از دیدگاه ٦٧/٧٪این مسئله عنوان شد که مربی آنان بدون اجازه رزیدنت نمی تواند در خصوص بیمار تصمیم گیری نماید و اما مهمترین عامل در ایجاد توانایی کار مستقل از دیدگاه ٤٧٪احترام به شخصیت ایشان و مربی در بیمارستان و ٤٨٪ وجود مربی توانا و کارآمد ذکر شد.

نتیجه گیری: هدف از کار بالینی ایجاد و توانایی کار مستقل و خوبی توسط کارآموز است و این امر مسیر نخواهد بود مگر با به کارگیری مربی توانا، شناسایی و تعریف نقش او در عرصه کار و احترام به شخصیت مربی و دانشجو

۱۳٦. بکارگیری روش TQM در طراحی و ارتقاء فرایند ارزشیابی توسط دانشجویان

حسین اکبری، عباس بهرامی، اعظم باقری، فرزانه صابری معصومه حسینیان، مریم صبو ری

آدرس: کاشان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: با توجه به اهمیت نقش ارزشیابی در امر قضاوت در خصوص کیفیت فرآیند آموزش و نقش شناخته شده آن در پیشبرد اهداف آموزشی ارتقا فرآیند ارزشیابی اساتید ضرورت دارد لذا با توجه به نقایص متعدد در فرمهای موجود ارزشیابی اساتید که روایی و پایایی لازم را ندارند. EDC به عنوان یکی از مراکز مهم توسط آموزش در صدد ارتقا کیفیت فرآیند ارزشیابی اساتید علوم پایه می باشد.

روش و ابزار: در این مطالعه که روش TQM صورت گرفت مراحل کار بشرح زیر بوده است.پس از رسم نمودار قالبی و نمودار فرآیند جاری ارزشیابی تیم ارتقا سازمان دهی و بهترین نمودار ارزشیابی طراحی گردید سپس با استفاده از نتایج نظر سنجی از اساتید و دانشجویان، بارش افکار و رای گیری متعدد بر اساس جدول اولویت بندی فرم ارزشیابی به عنوان اولویت ارتقا انتخاب شد. جدول گانت طراحی فرم ارزشیابی تهیه شده سپس بااستفاده از فرمهای ارزشیابی متعدد از منابع علمی و همینطور نظرات کارشناس فرم جدید تهیه و مطالعه پایلوت برای تامین اعتبار و پایایی فرمهای انجام شد.اطلاعات جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرارگرفت در نهایت اصلاحات لازم انجام شد.

نتایج: نتایج حاکی از آن بود که نظرات دانشجویان و اساتید در خصوص فرم جدید به شکل معنی داری با فرم قبلی تفاوت داشت.

نتیجه گیری: با توجه به افزایش اعتبار و پایایی فرم جدید و فرآیند اجرای ارزشیابی پیشنهاد می گردد فرآیند فوق الذکر و فرم طراحی شده به عنوان جایگزینی بر ای روش قبلی بکارگرفته شود.

۱۳۷. بررسی تأثیر کارگاه طبابت مبتنی بر مستندات بر نگرش و مهارت اعضاء هیئت علمی آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور ۱۳۸٤

دکتر جلیل کوهپایه، دکتر سلطانی عربشاهی دکتر حمیدرضا برادران

آدرس: تهران ، دانشگاه علوم پزشکی ایران

زمینه و هدف: طبابت مبتنی بر مستندات در بسیاری از دانشکده‌های پزشکی سراسر جهان به عنوان بخشی از برنامه آموزشی دستیاری مورد استفاده می‌باشد. اما امروزه تحقیقات محدودی در مورد اثربخش ترین روشهای آموزش این رویکرد آموزشی انجام شده است. هدف از این بررسی ارزشیابی اینکه یک دوره آموزشی طبابت مبتنی بر مستندات

به شکل کارگاه می تواند منجر به تغییر نگرش و عملکرد اعضاء هیئت علمی آموزشی گردد.

روش و ابزار: مطالعه از نوع نیمه تجربی می‌باشد. ٦٧ عضو هیئت علمی در دو روز برنامه کارگاهی طبابت مبتنی بر مستندات حضور یافته و دو پرسشنامه قبل و بعد به شکل درجه بندی کیلرت را تکمیل نمودند. برای مقایسه نتایج حاصل، از آزمون غیر پارامتریک ویلکاکسون استفاده شد.

نتایج: بدنبال اجراء کارگاه آموزشی نگرش نسبت به طبابت مبتنی بر مستندات بهبود معنی دار نشان نداد اما گزارش شخصی شرکت کنندگان از مهارت خود به گونه‌ای معنی دار بهبود پیدا کرد (P=۰،۰۰۰) همچنین در بین دو جنس نگرش نسبت به طبابت مبتنی بر مستندات تغییری نشان نداد اما در مورد بهبود مهارت تفاوت معنی دار نشان داده شد (P=۰،۰۰۱).

نتیجه گیری: یک کارگاه طبابت مبتنی بر مستندات بر مبنای اصول یادگیری بالغین در دستیابی به اهداف آموزشی می‌تواند موفق باشد. برای بررسی ارتباط بین تمایل به تغییر رفتار فراگیران و آموزش موفق طبابت مبتنی بر مستندات نیاز به مطالعات بیشتری وجود دارد.

۱۳۸. مقایسه نظرات اساتید و دانشجویان در ارتباط با ارزشیابی استاد

پوراندخت اسداللهی، حسین کمیلی ثانی
عبدالحسین شکورنیا،مهرداد مد یری

آدرس: اهواز، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: ارزشیابی یکی از اجزاء بسیار مهم چرخه آموزشی می باشد. و در یک مؤسسه آموزشی، مدیران و مسئولان آموزشی می بایست در جهت طراحی روشهای علمی و مؤثر جهت ارزشیابی سیستم کوشش های لازم را بکار گیرند،و از نتایج آن در جهت نیل به اهداف آموزشی و ارتقاء کیفیت آموزش بهره برداری نمایند.هدف از این مطالعه بررسی و مقایسه دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز با دیدگاه اساتید آن دانشگاه در خصوص ارزشیابی استاد می باشد تا از نتایج آن در بهبود کیفیت آموزشی دانشگاه استفاده کنیم.

روش و ابزار: این تحقیق یک مطالعه توصیفی است و جامعه مورد بررسی شامل دو گروه می باشد گروه اول ۱۷٤ عضو هیئت علمی دانشگاه و گروه دوم ٥٦١ دانشجو (۱٥٪ کل دانشجویان) که به روش خوشه ای انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه خود ساخته ای بود. که پایایی و روایی تعیین شده بود. داده ها توسط برنامه SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: اساتید و دانشجویان شرکت کننده در این مطالعه نظرات ذیل را اظهار نمودند: در ارتباط با میزان اهمیت ارزشیابی در دانشگاه ۸۰ درصد اساتید و ٤۹/٥ درصد دانشجویان نظر موافق خود را اعلام نمودند. در ارتباط با مناسب بودن سوالات پرسشنامه ارزشیابی استاد ۲٥/۳۱ درصد اساتید و ٥۸ درصد دانشجویان نظر موافق خود را بیان کردند. و در ارتباط با مناسب بودن ارزشیابی به روش پرسشنامه ٦۸ درصد اساتید و ٥۹ درصد دانشجویان نظر موافق خود را اعلام نمودند.

نتیجه گیری: نتایج بد ست آمده از این مطالعه نشان داد که اساتید و دانشجویان در ارتباط با بخشهایی از ارزشیابی استاد توسط دانشجو نظر همسان و در مواردی نیز با یکدیگر اختلاف نظر داشتند. لذا با توجه به اینکه ارزشیابی از اجراء لاینفک آموزش می باشد توجه به نظرات افراد ذینفع و ذیعلاقه در تدوین و اجرای آن می تواند سهم بزرگی در بهبود فرایند یادهی – یادگیری داشته باشد و به بهبود کیفی این فرایند کمک نماید.

۱۳۹. بررسی نظرات دانشجویان ترم آخر و مدرسین گروه بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی‌قزوین‌در مورد محتوی برنامه آموزشی مقطع کاردانی رشته بهداشت محیط

سید مسعود حسینی، رامین سرچمی

آدرس: قزوین ، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: این پژوهش بمنظور ارزشیابی برنامه آموزشی رشته بهداشت محیط از طریق نظر خواهی از دانشجویان ترم آخر و اساتید این رشته انجام گرفته است.

روش و ابزار: این پژوهش یک مطالعه نظر سنجی است. در این پژوهش ۲٤ نفر از دانشجویان ترم آخر و ۳ نفر از اساتید

رشته بهداشت محیط در دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی – درمانی قزوین شرکت کـــرده و در جنبه های مختلف برنامه اظهار نظر نموده اند. روش نمونه گیری، سرشماری بوده و کل جمعیت در طرح شرکت داده شده اند.

نتایج: از نظر هر دو گروه دانشجویان و مدرسین: ۱ – برخی از دروس نیاز به تغییر واحد دارند، ۲ – محتوای برخی دروس متناسب با کار کاردانهای بهداشت محیط نبوده و یا در آن کاربرد ندارند، ۳ – برخی از دروس هیچ کمکی به درک دروس تخصصی رشته نمی نمایند، ٤ – به اعتقاد عده ای از دانشجویان، محیطهای کارآموزی بطور مناسب برای دروس تخصصی تعیین نشده اند، ٥ – امکان استفاده از بعضی از آموخته های نظری در محیطهای کارآموزی وجود ندارند، ٦ – امکانات و تجهیزات برخی از محیطهای کارآموزی کافی نبوده، ۷ – برخی از وظایف فارغ التحصیلان این رشته با گروههایی از سازمانهای دیگر تداخل دارد.

نتیجه گیری: یافته های این پژوهش در بازنگری برنامه های آموزشی رشته بهداشت محیط قابل استفاده است، همچنین هر یک از دروس باید مورد بررسی قرار گیرد تا نقاط قوت و ضعف آنها بر مبنای نتایج این پژوهش و پژوهشهای تکمیلی در همین زمینه مشخص شود تا نسبت به بازنگری در آرایش و محتوای دروس تصمیم گیری بعمل آید.

۱٤۰. ارزیابی درونی گروه جراحی دانشکده علوم پزشکی جهرم

عبدالعلی سپید کار، صدیقه نجفی پور، میترا امینی

آدرس: جهرم، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: ارزیابی سبب ایجاد زمینه ای مساعد جهت قضاوت درباره کیفیت آموزش، میزان دستیابی به اهداف آموزشی و تعیین نقاط قوت و ضعف آموزش را فراهم می آورد این مطالعه با هدف ارزیابی درونی گروه جراحی دانشکده پزشکی با همکاری گروه جراحی و مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی جهرم انجام شد

روش و ابزار: با استفاده از الگوی مبتنی بر هدف عوامل پشتیبانی، فضا و تجهیزات در آموزش بالینی، جایگاه سازمانی مدیر گروه،اعضای هیات علمی، اهداف آموزشی گروه و فرایند آموزش و یادگیری مورد ارزشیابی قرار گرفت جامعه پژوهش شامل کلیه اعضای هیات علمی گروه جراحی و کارورزان پزشکی و پرسنل بخش جراحی بود. با استفاده از پرسشنامه، چک لیست، مشاهده و مصاحبه داده های مورد نیاز جمع آوری گردید پرسشنامه ها بر اساس مقیاس رتبه بندی لیکرت به پنج رتبه عالی، خوب،متوسط، ضعیف و خیلی ضعیف تقسیم شد و ارقام۵-۱ برای آنان در نظر گرفته شد.

نتایج: فرایند آموزش از نظر دانشجویان بالینی بخش جراحی در۹۰درصد موارد مطلوب ذکرشد. از نظر دانشجویان کیفیت کار اعضای هیات علمی گروه در زمینه چگونگی آموزش اعمال جراحی، ارتباط با بیماران و نظارت بر روند معاینه کلینیکی در حد مطلوب بود چگونگی آموزش رویه های درمانی در اکثر موارد خوب توصیف گردید. در زمینه آموزش احیای قلبی و ریوی (CPR) و همچنین نحوه گذاشتن Chest Tube و وضعیت آموزش را متوسط تا نامطلوب دانسته اند. در زمینه عوامل پشتیبانی، فضا و تجهیزات آموزش بالینی و وسایل کمک آموزشی وضعیت نسبتا* مطلوب عنوان شد. و فعالیت های پژوهشی و شرکت در کنفرانس های آموزشی، توانایی مدیر گروه و اعضای هیات علمی، وضعیت نسبتا مطلوب عنوان گردید.

نتیجه گیری: آموزش بخش جراحی از نظر عوامل مختلف مطلوب تا نسبتا* مطلوب عنوان گردید.

۱٤۱. تهیه ابزارارزشیابی جدید مربیان بالینی پرستاری و مامایی از دیدگاه دانشجویان در دانشکده پرستاری و مامایی کردستان سال ۱۳۸۳

شهناز خالدی، فراست اردلان

آدرس: کردستان ، دانشکده پرستاری مامایی

زمینه و هدف: ارزیابی آموزشی را می‌توان گردآوری و استفاده از اطلاعات برای تصمیم‌گیری برنامه‌های آموزشی دانست. اگر مهمترین نتیجه و اثر فرایند آموزش را یادگیری بدانیم، بدیهی است که بهترین معیار برای تعیین یادگیری، عقیده و نظر خود فراگیر می‌باشد. تحقیقات نشان داده که

بطور کلی دانشجویان در ارزیابی مربیان خود قضاوت درستی داشته و برخی محققین معتقدند نمرات دانشجویان معمولاً معتبرتر از همه منابع اطلاعاتی می‌باشد. از این رو پژوهش حاضر برای دسترسی به ابزار معتبر و پایایی برای ارزشیابی مربیان بالینی پرستاری و مامایی توسط دانشجویان صورت گرفت.

روش و ابزار: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی است که در آن با استفاده از منابع و متون موجود در زمینه رفتارهای مؤثر در آموزش بالینی ابزاری در قالب پرسشنامه کتبی تهیه شده، و سپس اعتبار و پایایی آن با روشهای استاندارد مورد بررسی قرار گرفت. جامعه پژوهش دانشکده پرستاری و مامایی کردستان بود که از میان دانشجویان پرستاری و مامایی در مقطع کارشناسی تعداد ۱۵۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردیدند، که در آن رفتارهای آموزشی ٤ مربی بالینی پرستاری و مامایی را توسط مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت تعیین کردند.

نتایج: نتایج این تحقیق نشانگر آن بود که اعتبار محتوایی ابزار تهیه شده توسط ۱۰ مربی بالینی و ٤٥ دانشجوی ممتاز سال آخر پرستاری و مامایی تأیید گردید و کمترین و بیشترین میانگین اهمیت رفتارهای آموزشی بالینی از دیدگاه مربیان و دانشجویان تعیین گردید. جهت اعتبار پرسشنامه از روش ضریب همبستگی اسپیرمن براون استفاده شد که ضریب همبستگی برابر با (r=۰/۹۹) محاسبه گردید. که نشان دهنده پایایی بالای این ابزار می‌باشد.

نتیجه‌گیری: بررسی نظرات مربیان بالینی و دانشجویان درباره رفتارهای آموزشی با اهمیت در آموزش بالینی در موارد زیادی مشابه بوده و نشان دهنده توافق بین دو گروه بود. می‌توان چنین نتیجه گرفت که نظرات دانشجویان به عنوان یکی از اجزاء اصلی فرآیند آموزش می‌بایست به عنوان منبعی معتبر در تعیین اثر بخشی هر برنامه آموزشی پیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. و ابزار بدست آمده چون دارای اعتماد و پایایی بالایی می‌باشد می‌تواند به عنوان یکی از منابع معتبر و قابل اعتماد در ارزشیابی مربیان بالینی پرستاری و مامایی بکار گرفته شود.

۱٤۲. بررسی نظرات دانش آموختگان دوره کارشناسی پرستاری درخصوص محتوی برنامه‌آموزش پرستاری مقطع کارشناسی پیوسته پرستاری

مهدی جعفرزاده فخاری،عباس حیدری

آدرس: سبزوار، دانشکده علوم پزشکی

زمینه و هدف: پیشرفت سریع علم و تکنولوژی و در راستای آن تغییر در نیازهای جامعه و فراگیران، لزوم بازنگری در برنامه های آموزشی از جمله آموزش پرستاری را اجتناب ناپذیر نموده است. انجام تغییر در محتوی دروس پرستاری و ارائه نظرات اصلاحی در این زمینه بدون انجام یک بررسی همه جانبه و دقیق امکان پذیر نخواهد بود.این مطالعه به منظور تعیین نظرات دانش آموختگان دوره کارشناسی پرستاری در خصوص محتوی برنامه آموزش پرستاری مقطع کارشناسی پیوسته پرستاری انجام شده است.

روش و ابزار: این مطالعه از نوع توصیفی ومقطعی می باشد که در آن ۱۰۱ نفر از پرستاران شاغل در بیمارستانهای دانشکده علوم پزشکی سبزواراز طریق پرسشنامه ای که در خصوص اهداف طرح تدوین گردیده بود موردسوال قرار گرفتند.اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از نرم افزارآماری (spss)مورد تجزیه وتحلیل قرار گرفتند.

نتایج: بر اساس یافته های این مطالعه میانگین سنی واحدهای مورد مطالعه ۲۸/۳ با انحراف معیار ٤/۷ سال و به طور متوسط ٥/۳ سال سابقه کار داشتند. از نظر سطح تحصیلات کلیه واحدها دارای مدرک کارشناسی پرستاری بودند. بر اساس یافته های این مطالعه درس پرستاری داخلی جراحی با میانگین ۳/٥٦ از ٤ نمره دارای بیشترین کاربرد در پرستاری و درس متون اسلامی با میانگین ۱/۸۷ دارای کمترین کاربرد در پرستاری است. همچنین درس پرستاری بهداشت جامعه با میانگین ۳/۷٦ دارای بیشترین تناسب و درس زبان تخصصی با میانگین ۲/۳۸ دارای کمترین تناسب تعداد واحد با نیاز پرستارمیباشد. بدین معنی که تعداد واحد در نظر گرفته شده برای زبان تخصصی بسیارکم بوده ومتناسب بانیاز نمی‌باشد.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های این مطالعه در خصوص کاربرد دروس عمومی در پرستاری به نظر می رسداساتید محترم دروس مذکوربایستی به شکل ملموس تری نقش

دروس فوق را درحرفه پرستاری تبیین نموده وخود نیز اطلاعات بیشتری از ماهیت حرفه پرستاری داشته باشند..

۱۴۳. بررسی نظرات دانشجویان و مربیان پرستاری در مورد OSPE و روش معمول ارزشیابی بالینی

زهرا تذکری، ناصر مظفری ، آسیه موحد پور، عفت مظاهری منصوره کریم الهی، محمد علی محمدی ، مریم زارع

آدرس: اردبیل ، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: ارزشیابی آموزشی یک فرایند نظام دار جمع آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات است که تعیین می کند آیا هدفهای مورد نظر آموزشی تا چه میزانی تحقیق یافته اند یا در حال تحقق یافتن هستنددر حال حاضر مهارتهای بالینی در پرستاری بطور معمو ل انجام میشودکه روش ارزشیابی ذهنی (Ospe)مباشد.یکی از روش های جدید ارزشیابی مهارتهای بالینی آزمایشگاهی استفاده از ارزشیابی عملی عینی با ساختار میباشد. لذا این مطاله به منظور بررسی نظرات دانشجویان و مدرسان در مورد روشهای ارزشیابی فوق طراحی شد

روش و ابزار: این مطالعه به روش مداخله ای انجام گرفت که جامعه پژوهش آن را دانشجویان پرستاری و مامائی دانشگاه علوم پزشکی در دوره های روزانه و مربیان شرکت کننده در فرآیند احتمال پراتیک، تشکیل می دادند. ابتدا کتاب فن علمی پرستاری و مامائی توسط گروه به شکل چک لیست طراحی و سپس ۳ نوع ایستگاه در اتاق پراتیک دانشکده تعبیه گردید که در ایستگاه اول پروسجر علملی، ایستگاه دوم مهارت برقراری ارتباط گزارش نویسی در پرونده و در ایستگاه سوم پرسش و پاسخ انجام می گرفت در این بررسی تعداد ۱۰۰ دانشجو در طی ۲ ترم به روش فوق مورد آزمون قرار گرفتند پس نظرات آنها از طریق پرسش نامه لیکرت سنجیده ومقایسه شدند

نتایج: نتایج نشان داد که اکثر دانشجویان(۸۲٪) مؤنث و۶۵٪ معتقد بودند که همه مهارتها را نمی توان از این طریق ارزشیابی کردچون زمان برای آزمون کم است.۷۹٪ از نحوه نمره دهی راضی با OSPE را بهتر برآورد کردند چون نحوه نمره دهی عینی تر بود. اکثر۹۰٪ مدرسان نیز از نحوه ارزشیابی با OSPE رضایت داشتند.

نتیجه گیری: از آنجائیکه نگرش اکثر مربیان و دانشجویان در مورد اجرای طرح فوق مثبت بودلذا پیشنهاد می گردد که پروژه فوق جزو برنامه درسی و امتحانی این دانشکده و سایر مراکز مشابه مثل آزمایشگاه فیزیولوژی، میکروبیولوژی... قرار گیرد.

۱۴۴. طراحی الگوی مناسب جهت ارزیابی درونی بخشهای بالینی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل به منظورارتقای کیفیت آموزشی

سوسن فرخی، بهزاد رسول زاده، موسی الرضا معماری

آدرس: اردبیل، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: یکی از راهکارهای بهبود کیفیت آموزشی، ایجاد سازوکار مناسب و کارآمد جهت ارزیابی است.باتوجه به اهمیت موضوع، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل با همکاری مرکز مطالعات وتوسعه ی آموزش پزشکی تصمیم به ارزیابی درونی بخش های بالینی گرفت.

روش و ابزار: جهت ارزیابی درونی بخشهای بالینی ابتدا کارگاه آموزشی ارزیابی درونی توسط نیروهای متخصص برای اعضای هیات علمی بخش های مذکور تدارک دیده شد. سپس ضمن تعیین مجری طرح و کمیته ویژه ارزیابی، متشکل از اعضای هیات علمی در هر بخش،جدول زمانبندی فعالیت تدوین شد. اعضای کمیته بر اساس جدول زمانبندی، در مرحله ی نخست به تعیین و تدوین اهداف گروهها در سه حیطه ی آموزشی، پژوهشی و خدمات تخصصی پرداختند و جهت تعیین عوامل و ملاکهای مورد نظر از تجارب ملی و بین المللی استفاده کردند. پس از این مرحله نشانگرهای آموزشی و معیار قضاوت هر یک از نشانگرها با توافق اعضای کمیته تدوین و مطابق با این نشانگرها، ابزارهای اندازه گیری جهت گرد آوری داده های های مورد نیاز طراحی گردید. داده های جمع آوری شده از طریق روشهای آماری توصیفی آنالیز گردید.

نتایج: نتایج بدست آمده از ارزیابی درونی نشان داد که وضعیت موجود بخشهای بالینی اعصاب و روان، زنان و زایمان، نورولوژی، چشم و اورولوژی در سال ۱۳۸۳ نسبت به سال ۱۳۸۱ تغییر کرده، بطوریکه شاخصهای کیفی این بخشها در این فاصله زمانی، ارتقاء یافته است ولی وضعیت موجود بخشهای گوش و حلق و بینی، داخلی و ارتوپدی هیچ تغییری نکرده بود.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که ارزیابی درونی، یک فرایند مؤثر جهت شناسایی نقاط قوت و ضعف می باشد و

زمینه ساز مشارکت اعضای هیات علمی برای ارتقای کیفیت در برنامه ریزی توسعه دانشگاهی است. بطوریکه نتایج بدست آمده حاکی از بهبود کیفیت علمی و افزایش مسئولیت پذیری در برخی از بخشهای بالینی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل می باشد.

۱۴۵. ارزشیابی دانشجویان از کیفیت مشاوره اساتید

سیده عذرا شمس دین، سهراب نجفی پور

آدرس : فسا ، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: مشا وره دانشجویی فرا ید مهمی در توسعه قابلیت های دانشجویان وآگاه سازی آ نها به وضعیت موجود خویش ودادن دیدگاههای صحیح نسبت به اینده فرا روی انها دارد. بهبود فرایند مشاوره سبب رضایتمندی دانشجویان از تجربیات دانشگاهی گردیده و انها را تشویق میکند تا جهت دستیابی به اهداف اموزش متعالی کوشش و تلاش کافی بنمایند. این مطالعه جهت بررسی میزان رضا یتمندی دانشجویان دانشکده پزشکی فسا از کیفیت مشاوره اساتید صورت گرفت.

روش و ابزار: جهت انجام مطالعه فوق پرسشنامه استاندارد اساتید مشاوره که مطابق با قوانین وزارت مطبوع می باشد تهیه گردید و۸۵ د انشجو بطور داوطلب ان را پر کردند و نظرات خود را نسبت به راهنمایی های اساتید مشاور در زمینه های مختلف بیان نمودند.

نتایج: بر اساس نتایج بد ست امده ۵۶٪ از دانشجویان بطور کلی رضایت خود را از اساتید مشاوره در ٦ زمینه بررسی شده ذیل اعلام نمودند:

۱. سهل الوصول بودن دسترسی دانشجو به اساتید راهنما ۲ .شناخت استعداد ها و توا ناییهای دانشجو ۳. اشنا کردن دانشجو با مقررات و ضوابط اموزشی ٤. ارزیابی مکرر وضعیت تحصیلی دانشجو ٥. ارائه راهنماییهای لازم در زمینه تحصیل ٦.و بررسی زمینه های احتمالی افت تحصیلی دانشجو.دانشجوهای مورد مطالعه در تحقیق فوق شامل ۲۳ پسر و٦۲ دختر بودند. که تعداد ۳۱ نفر در رشته پزشکی ۲٦ نفر در رشته علوم ازمایشگاهی و ۲۸ نفر در رشته پرستاری مشغول به تحصیل می باشند و اکثریت انها از اساتید مشاور خود در زمینه شناخت استعدادها و توانایی های دانشجو رضایت داشتند.

نتیجه گیری: ارزیابی منظم و دورهای برنامه مشاوره جهت موثر بودن ان ضروری است از طرفی ارزیابی دانشجویان باید بصورت منظم و آکادمیک جهت تعیین کیفیت فرایند مشاوره صورت گیرد. پیشنهاد می گردد که اساتید مشاوری جهت شاوره دانشجویان انتخاب گردند که به فرایند مشاوره بعنوان یک فعالیت اساسی اهمیت داده و جهت مشاوره صحیح دوره های لازم را گذرانده ونسبت به این امر مهم مسئو لیت پذیر باشند.

۱٤٦. مقایسه برنامه آموزش پرستاری با رویکرد جامعه نگر در ایران و دانشکده های پرستاری آمریکا

محسن حجت ، عزت صمدی پور

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی بقیه ا...(عج) دانشکده پرستاری

اغلب به نظر می رسد که دانشگاههای علوم پزشکی و پرستاری سرگرم مشغله های آکادمیک هستند و بریده از نگرانیها و دغدغه های جامعه بوده و در جهت رفع نیازمندهای جامعه نمی کوشند. افزایش تعداد افراد مسن، بیماریهاتی مزمن و مبتلایان به ناتوانی باعث شد تا نیاز مراقبت در جامعه با تاکید بیشتری روبرو گردد. نوع آموزش باعث ایجاد حس مسولیت پذیری دانشجو در برابر جامعه شده و باعث برقراری ارتباط بین علم نظری و مهارت عملی دانشجو می گردد، دانشکده های پرستاری بطور سنتی فارغ التحصیلانی با توانایی اندک یا محدود به جامعه تحویل می دهند لذا نقش پرستار سنتی فاقد ارتباط و یا دارای ارتباط اندکی با کارکرد پرستاری جامعه نگر می باشد. برای اینکه یک برنامه آموزشی را جامعه نگر بدانیم باید به مشخصات زیر نگاه کنیم و بررسی نماییم که آیا این موارد در برنامه هر دانشگاه گنجانده شده است یا خیر؟

الف) اهداف برنامه تا چه حد با نیازها و اولویتهای جامعه فاصله دارند.

ب) علاوه بر درمان چه طیفی از مراقبتهای بهداشتی را پوشش می دهند.

ج) برنامه تا چه حد دانشجو را به جامعه نزدیک می کند.

د) دانشجویان در این برنامه چقدر منابع موجود در جامعه را می شناسند و روش استفاده از آنرا یاد می گیرند.

ه) آیا مفهوم زندگی در آن جامعه را همراه با طراحی بهبود و ارتقاء آن فراگرفته اند

در این مقاله با نگاهی اجمالی به ارزیابی برنامه های درسی در مسیر تغییرات جامعه نگری و جامعه گرا شدن پرستاری به

بررسی سرفصلهای دروس دانشکده های پرستاری در ایران و چند دانشکده آمریکایی از جمله آلاباما(Alabama) لویزانا (Louisiana)، داکوتا (Dakota) و کوتز(Kutz) می پردازیم.

۱۴۷. بخش از دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران در سال ۱۳۸۳

کبری عابدیان کاسگری، فرزانه پازنده، زهره شاه حسینی

آدرس: ساری، دانشکده پرستاری و مامائی

زمینه و هدف: آموزش بالینی به عنوان قلب تحصیلات حرفهای، از اهمیت بسزایی در نظام آموزش پرستاری و مامایی برخوردار است و برای تامین ملزوماتآن هزینه هنگفتی صرف میشود. محور آموزش بالینی، مربی بالینی است که اثر بخشی او میتواند در نتایج فرایند بالینی موثر باشد. ولی هنوز خصوصیات مربی بالینی اثر بخش سوال بر انگیز و تصویر مربی بالینی اثر بخش واضح و روشن نیست. لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین خصوصیات مربی بالینی اثر بخش از دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران در سال ۱۳۸۲ انجام شد.

روش و ابزار: این پژوهش توصیفی بر روی ۸۸۲ دانشجو انجام گرفت. ابزار پژوهش پرسشنامه بود که در دو بخش تنظیم شد. بخش اول مربوط به اطلاعات دموگرافیک و بخش دوم مربوط به عبارات خصوصیات مربی بالینی اثر بخش در پنج حیطهٔ (صلاحیت حرفهای، خصوصیات شخصیتی، روابط بین فردی، مهارت آموزشی و ارزشیابی دانشجو) بود که هریک از عبارات بر مبنای مقیاس پنج امتیازی لیکرت از کاملاً موافق، تا کاملاً مخالف مورد بررسی قرار گرفت.اعتبار این پرسشنامه با استفاده از اعتبار محتوا و پایانی آن با ضریب آلفاکرونباخ (۷۸٪) تعیین گردید. جهت نمونه گیری از روش سرشماری استفاده شد و نمونهها، دانشجویان مامایی و پرستاری در مقطع کارشناسی پیوسته روزانه دانشکده های شهید بهشتی، تهران و ایران بودند که در ترم پنج و بالاتر مشغول تحصیل بودند.

نتایج: یافتههای پژوهش نشان داد که تقریباً تمامی دانشجویان با همه خصوصیاتی که به عنوان اثر بخشی مربی بالینی ذکر شدهموافقت داشتند، ولی درجه آنها در حیطه های مختلف متفاوت بود. دانشجویان بالاترین امتیاز را به حیطه شخصیتی (۹۰ ± ۹۵ = x) و کمترین امتیاز را به خصوصیات ارزشیابی دانشجو (۲/۸ ±۶۹=x) اختصاص دادند. این پژوهش نشان داد که بین متغیرهایی مانند سن، ترم تحصیلی، علاقمندی به دانشگاه محل تحصیل از نظر وجود امکانات آموزشی و همچنین دانشگاه محل تحصیل با درجه موافقت خصوصیات مربی بالینی اثر بخش همبستگی وجود داشت.

در تدریس بالینی مربی کاملاً زیر ذرهبین دقیق دانشجویانی است که به شدت تشنه فراگیری هستند. بنابراین مربیان محترم پرستاری و مامایی باید با این امر واقف باشند که دانشجویان در حین بهرهبرداری از دانش تئوری و مهارتهای عملی آنها مشغول الگو برداری از شخصیت و رفتار مربی بالینی هستند.

نتیجه گیری: بنابراین برنامه ریزان و مسئولین محترم آموزش پرستاری و مامایی میتوانند با استفاده از نتایج این پژوهش در جهت قدرتمند ساختن مربی بالینی برای استفاده بهینه از فرصتهای بالینیو ایجاد فضای مناسب جهت اجرای نقش، اثر بخشی خویش، برنامه ریزی دقیقی طرح نموده و در مسیر ارتقاء آموزش بالینی گامی اساسی و مثبت بردارند.

همچنین مسئولین محترم آموزشی با الهام از نتایج این تحقیق و تحقیقهای مشابه می توانند از دیدگاه دانشجویان در ارتباط با خصوصیات مربی بالینی اثر بخش در تهیه و تدوین فرمهای جدید ارزشیابی مربی بالینی استفاده نمایند.

۱۴۸. بررسی تاثیر فعالیتهای آموزشی کمیته ی تجویز و مصرف منطقی داروی استان اردبیل ازمهر ۱۳۷۸تا شهریور۱۳۸۳بر شاخص های نسخه نویسی پزشکان عمومی استان

موسی الرضامعماری، عفت نوشیار، محمدرضا رضایی بنا سوسن فرخی، بهزاد رسول زاده

آدرس: اردبیل، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: کمیته ی تجویز ومصرف منطقی داروی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل،از مهرماه ۱۳۷۸فعالیتهای آموزشی خود را با اهداف تصحیح اشکالات نسخه نویسی پزشکان عمومی و متخصص استان وبهینه سازی تجویز ومصرف دارو آغاز

نموده است.در این تحقیق،تاثیر این فعالیت ها برروند شاخص های تجویزومصرف دارو توسط پزشکان عمومی استان بررسی شده است.

روش و ابزار: کمیته در مدت مذکوردرراستای اهداف خود درقالب فصلها ودوره های زمانی مختلف،جزئیات بیش از ۳٦۳۸٤٥ نسخه را درراینه ثبت و برای ۳۱۱ پزشک عمومی استان، پرونده ی کامل تشکیل داده است.کمیته درپایان هر سال،وضعیت نسخه نویسی هر یک از پزشکان راهمراه با مقایسه ی شاخص های نسخه نویسی آنها با میزان قابل قبول کشوری وتجویزمصرف منطقی دارو، در قالب فرمهای تنظیم شده به اطلاع آنها رسانده است.اهم فاکتورهای مورد بررسی شامل میانگین اقلام تجویزی در یک نسخه،تعداد ودرصدنسخ دارای بیش از ٤ قلم دارو،درصد تجویزداروهای تزریقی،آنتی بیوتیکها کورتیکواستروئیدها و تداخلات دارویی متوسط وشدید می باشند.درضمن کمیته در این مدت ١٤جلسه باموضوع بررسی علمی نسخ پزشکان مربوطه تشکیل داده ودر پایان نتایج بررسی را به همراه آموزش های لازم به آنها اعلام نموده است.در موارد لازم،پزشکان تشویق یا برای آموزش بیشتر فراخوان شده اند.علاوه بر فعالیت فوق،کمیته مزبوربا نشرچندمقاله وپمفلت آموزشی باموضوعات بررسی اشکالات شایع نسخه نویسی وتجویز منطقی دارو وتوزیع بین تمامی پزشکان وبرگزاری کارگاهها و سمینارهای آموزشی ، سعی در به روز نمودن اطلاعات، اطلاع رسانی وآموزش تجویز و مصرف منطقی دارو به ایشان داشته است.

نتایج: روند تغییرات شاخص هایی مانند تعداد اقلام تجویزی (از٤/٣٦به٣/٥٤) درصد بیماران دریافت کننده داروهای تزریقی (از٦٢/١١ به ٤٢/٩٣) و... تغییر قابل توجهی را نشان می دهند.درصد تجویز آنتی بیوتیک ها وکورتیکواستروئیدها تغییر چندانی نداشته ولی با توجه به کاهش تعداد اقلام تجویزی درهرنسخه در کل،کاهش نشان می دهند.

نتیجه گیری: بطورکلی مطالعه حاضر، موید تاثیر معنی دارفعالیت های آموزشی کمیته بر روند تجویز ومصرف دارو در استان می باشد،گرچه تغییرات مزبور ناشی از عوامل دیگری نظیر قوانین و نظارت های سازمان های بیمه گر نیز می تواند باشد.باوجود روند رو به بهبود شاخص های مذکور،اکثر آنها تا میزان قابل قبول کشوری و تجویز منطقی دارو، فاصله داشته و لزوم فعالیت های فرهنگی و آموزشی بیشتر با جامعه پزشکی و اقشار مختلف مردم را نشان می دهند.

۱٤۹. وضعیت کارآموزی در عرصه از دیدگاه دانشجویان ترم آخر رشته های اتاق عمل و هوشبری

اکبر رستمی نژاد، زهره کریمی، علی کامکار، حمید رضا غفاریان

آدرس: یاسوج ، دانشگاه علوم پزشکی، آموزشکده پیراپزشکی

زمینه و هدف: کارآموزی در عرصه در دستیابی دانشجویان به توانمندی های حرفه ای نقش اساسی دارد. با توجه به اهمیت نظرات دانشجویان در فرایند آموزش،مطالعه حاضر با هدف بررسی وضعیت کارآموزی در عرصه از دیدگاه دانشجویان ترم آخر اتاق عمل و هوشبری انجام پذیرفت.

روش و ابزار: این تحقیق یک مطالعه توصیفی تحلیلی است که بر روی ۳۹ نفر از دانشجویان ترم آخر اتاق عمل و هوشبری آموزشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج در سال ۱۳۸۳ انجام شد.نمونه پژوهش همان جامعه پژوهش است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای دو قسمتی شامل؛اطلاعات دموگرافیک و نظرات دانشجویان در باره کارآموزی در عرصه بود.داده‌های جمع‌آوری شده به وسیله نرم افزار SPSS و روشهای آماری توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: یافته‌ها نشان داد که ۲۸/۲ درصد از دانشجویان وضعیت کارآموزی درعرصه را در سطح ضعیف،۲٥/٦ درصد درسطح متوسط و٤٦/۲ درصددرسطح خوب بیان کردند. بین جنس، رشته تحصیلی ومعدل کل دانشجویان باوضعیت کارآموزی درعرصه اختلاف معنی‌دار آماری مشاهده نشد.

نتیجه گیری: اساس یافته های مطالعه تقویت برنامه‌های موجود و تأمین محیط‌های آموزشی استانداردمورد تأکید قرارمیگیرد.

۱٥۰. تدوین شاخص‌های سنجش کارایی درونی در حوزه آموزش بالینی در دانشگاه‌های علوم پزشکی

میترا دادمان، دکترعلیرضا یوسفی
دکتر محمد حسین یارمحمدیان

آدرس: اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی

زمینه و هدف: فرآیند بررسی و تعیین کیفیت و کارایی درونی دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی، با استفاده از مولفه ها

و شاخص‌های عملکردی مورد توجه روز افزون قرار گرفته است. شاخص‌های کارایی درونی در دانشگاه ها قادر خواهند بود با اندازه گیری نسبت درون دادها و فرآیندها به برون دادها، کیفیت ها را در قالب کمیت ها نشان داده و به اعداد و ارقام تبدیل نمایند. با توجه به آنکه دانشگاه‌های ما در حال حاضر فاقد یک نظام ارزشیابی مدون، علمی و نهادینه می‌باشند، بایستی شاخص‌های مناسب و استاندارد منطبق با شرایط کشور تدوین گردیده و پس از تایید، جهت ارزیابی دانشگاه‌های علوم پزشکی مورد استفاده قرار گیرند.

روش و ابزار: پژوهش حاضر یک تحقیق بنیادی ـ کاربردی بوده که به روش توصیفی از نوع پیمایشی با هدف جمع آوری و تدوین شاخص‌های آموزش بالینی در دانشگاه‌های علوم پزشکی صورت گرفته است. در این مطالعه ابتدا به جمع آوری و استخراج شاخص‌های عملکردی در آموزش بالینی در ایران و جهان نموده و سپس با در نظر گرفتن اهداف استراتژیک آموزش بالینی و بررسی کلیه مقالات و کتب موجود در این زمینه مجموعه ای مشتمل بر ٤٥ شاخص آموزش بالینی جمع آوری گردیده و سپس بصورت Panel expert در اختیار تعدادی از صاحبنظران و کارشناسان امور آموزش پزشکی قرار گرفت. در تدوین شاخص ها ٤ ملاک اصلی یعنی قابل اندازه گیری بودن، قابل ارزیابی بودن، قابل برنامه‌ریزی بودن و مناسب بودن برای ارتقاء کیفیت آموزش بالینی در دانشگاه‌های علوم پزشکی مدنظر قرار گرفته است. پس از اعمال نظر صاحبنظران و حذف و تعدیل نهایتاً بر ۱۵ شاخص توافق نظر حاصل گردید و بدلیل تخصصی بودن پژوهش، شاخص ها در اختیار ۳۰ تن از صاحبنظران و کارشناسان فن در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان که بصورت هدفمند برگزیده شده بودند، جهت اعتبار سنجی قرار گرفت.

نتایج: پس از جمع آوری نظرات داده ها در جداول توزیع فراوانی در سه سطح کاملاً مناسب، نسبتاً مناسب و نامناسب بصورت درصد محاسبه گردید. نتایج بیانگر آن است که تمامی شاخص‌های تدوین شده از نظر صاحبنظران در سطح مطلوب ارزیابی شده و برای سنجش کارایی درونی در حوزه آموزش بالینی مناسب می‌باشند.

نتیجه‌گیری: حوزه آموزش بالینی بعنوان یک حوزه اختصاصی و ارزشمند، وجه تمایز سایر دانشگاه‌ها با دانشگاه علوم پزشکی بوده و تعیین استانداردهای آموزشی و تدوین شاخص‌های سنجش کارایی درونی در حوزه آموزش بالینی، مطابق با شرایط فرهنگی آموزشی کشور می‌تواند علاوه بر یاری رساندن به برنامه‌ریزان و سیاستگزاران در چگونگی ارزشیابی مراکز و مؤسسات آموزش بالینی، بعنوان یک راهکار مهم، مؤثر و لازم‌الاجرا در جهت افزایش کیفیت آموزش بالینی در دانشگاه‌های علوم پزشکی گام بردارد.

۱۵۱. کاستی های آموزش بالینی درپرستاری ازدیدگاه دانشجویان پرستاری

شهلا پیامنی، زهره پیامنی، فریبا امینی، طاهره طولابی

آدرس: خرم آباد، دانشکده پرستاری ومامایی

زمینه و هدف: پرستاران اعضای کلیدی درارائه خدمات سیستم های بهداشتی درمانی هستند.انگیزه،توانمندی علمی ومهارتی وارائه خدمات مراقبتی ودرمانی برمبنای دانش وتجربه توسط این گروه درارتقای سطح بهداشت وسلامتی جامعه نقش بسزایی دارد.اگرچه آموزش پرستاری دردنیادرمقایسه باآموزش پزشکی قدمت زیادی ندارد ولی درهمین مدت کوتاه پیشرفتهای قابل توجهی داشته وامروزه این حرفه دارای دهها گرایش وتخصص است وشاغلین آن مدارج علمی متعددی راکسب نموده اند.باوجوداین پیشرفتهای چشمگیر واقعیتها موید آن است که درزمینه تربیت پرستار بالینی آموزش پرستاری هنوز دستخوش کاستی های فراوانی است.شناسایی نیازهاوتغییرات ضروری درآموزش پرستاری اولین گام دررفع نواقص وارتقاءکیفیت آن است این مطالعه باهدف شناسایی کاستی های آموزش بالینی ازدیدگاه دانشجویان پرستاری انجام گرفته است.

روش و ابزار: روش مطالعه غیرتصادفی بوده و۱۰۰ نفر از دانشجویان ترم سوم به بالا درمقاطع کارشناسی پیوسته ودانشجویان ناپیوسته پرستاری دردوره های شبانه وروزانه دانشکده پرستاری ومامایی خرم آباد درآن شرکت نمودند،اطلاعات بکمک پرسشنامه جمع آوری شد وپیشنهادات واحدهای نمونه جهت ارتقاء کیفیت آموزش بالینی جمع آوری گردید.

نتایج: یافته نشان دادکه ازدیدگاه دانشجویان عمده ترین مشکلات دانشجودرآموزش بالینی عبارتنداز طولانی بودن زمان کارآموزیهای روزانه وعدم وجودمواردجدید یادگیری بالینی که به انجام فعالیتهای تکراری غیرهدفمند منجر می شود،عدم آزادی عمل دانشجویان، فاصله زیاد دانشجو از فعالیتهای پژوهشی درمحیط بالین،استفاده ازپرسنل بخش ویامربیان کم تجربه درکارآموزی ها، تئوری گرایی درآموزش بالینی واختصاص تکالیف زیادووقت گیر به دانشجو،استفاده ازدانشجویان بعنوان نیروی کارجهت انجام اموررایج بخش ها، کمبود امکانات وتجهیزات دردسترس جهت انجام مراقبت علمی وصحیح ازبیمار، عدم وجودمکانی برای استراحت ویاتجدید قوای دانشجوو شرح وظایف نامناسب دانشجویان پرستاری دربخش بالینی.

نتیجه گیری: اگر سیستم پرستاری بخواهد دگرگونی اساسی درساختارآموزش باهدف تربیت پرستاران توانمند و بامهارت ایجادکند لازم است بازنگری جدی دربرنامه آموزش واندیشه ها وباورهای مدرسین ومربیان پرستاری ایجادشود وبر پرورش اعتماد به نفس دردانشجویان، ایجاد ارتباط متقابل انسانی بین معلم ودانشجو وپرهیز از مقررات خشک نظامی که جزیی اساسی درآموزش پرستاری بوده است تاکید نمایند.

۱۵۲. افزایش اثر بخشی آموزش از طریق یادگیری مشارکتی در مقایسه با یادگیری انفرادی

مژگان بهشید ، مهناز نعیمی

آدرس: تبریز ، دانشکده پرستاری و مامائی

زمینه و هدف: آموزش مجموعه فعالیتهایی است که بوسیله آن مدرس به فراگیر کمک می کند تا چیزی را بیاموزد و در حقیقت ارتباطی است که به منظور ایجاد یادگیری پی ریزی وهماهنگی می شود. بهترین راه یادگیری برای فراگیران، انجام فعالیتهای کاوش گرانه و مبادله تجربیات با دیگران است و این مبادله تجربیات از ویژگیهای بارز یادگیری مشارکتی محسوب می گردد. امروزه این شیوه موثر آموزشی برای سطوح مختلف تحصیلی از ابتدایی تا تحصیلات آکادمیک و در طیف وسیعی از مواد درسی مورد استفاده قرار می گیرد.

روش و ابزار:یادگیری مشارکتی یک شیوه آموزشی فراگیرمدار بوده که در آن فراگیران در گروههای کوچکی که شامل اعضاء با توانائیها و قابلیتهای مختلف بوده و یک هدف یادگیری تقسیم شده را دنبال می کنند، به فعالیت می پردازند. این شیوه، انواع تکنیکهای انگیزشی را برای جذاب ترنمودن آموزش بکارگرفته و در نهایت باعث موفقیت و پیشرفت تحصیلی فراگیران، تقویت مهارتهای فردی و اجتماعی،تغییر نگرش فراگیران نسبت به یادگیری وتاثیر روی عواطف و احساسات فراگیران می گردد. در این مقاله به بحث پیرامون نحوه فراهم سازی مقدمات لازم در گروه فراگیر برای انجام

تکنیکهای یادگیری مشارکتی در محیط بالینی،نحوه اجرای تکنیکهای مختلف یادگیری مشارکتی و نتایج مطالعات انجام شده در میزان اثربخشی یادگیری مشارکتی در مقایسه با یادگیری انفرادی می پردازیم.

نتیجه گیری: یادگیری مشارکتی در مقایسه با یادگیری انفرادی از طرق مختلف از جمله فراهم ساختن یک مجموعه شناختی مشارکتی بین فراگیران، ایجاد و افزایش انگیزه در فراگیران نسبت به یادگیری مواد، پایه ریزی دانش فراگیران توسط خود آنها، فراهم ساختن بازخورد سازنده، توسعه مهارتهای اجتماعی و گروهی برای موفقیت در خارج از کلاس و ارتقاء تعامل مثبت بین اعضای گروههای دارای فرهنگ، وضعیت اجتماعی و اقتصادی مختلف باعث ارتقاء میزان یادگیری فراگیران و پرورش تفکر خلاق (critical thinking) می گردد.

۱۵۳. بررسی روشهای ارزشیابی بالینی توسط اساتید دانشکده پرستاری مامایی کاشان، سال ۱۳۸٤

میترا زندی، محسن تقدسی

آدرس: کاشان، دانشکده پرستاری مامایی

زمینه و هدف: هر نظام برای پاسخ دادن به نیازهای فعلی و نیز گام نهادن به عرصه آینده نیازمند آموزش شایسته کارکنان سطوح مختلف خود است. آموزش بالینی فرآیندی است پویا که بخش اعظم و حیاتی تربیت پرستارانی با کفایت و حرفه ای را تشکیل می دهد. ارزش آموزش بالینی ایده آل در توسعه فردی وحرفه ای و همچنین مهارتهای بالینی پرستاری غیر قابل انکار می باشد. در بسیاری از تحقیقات صورت گرفته، ارزشیابی به عنوان مهمترین حیطه اثربخشی در آموزش بالینی مطرح شده است. هدف واقعی از ارزشیابی نظارت و گردآوری اطلاعات جهت بهبود وضعیت آموزشی است. از آنجائیکه برای حفظ استانداردهای پرستاری، ارزشیابی دانشجویان در بخشهای بالینی اهمیت فراوانی دارد، لذا بر آن شدیم تا روشهای ارزشیابی مهارتهای بالینی که توسط اساتید دانشکده پرستاری مامایی کاشان بکار گرفته می شود را بررسی نمائیم.

روش و ابزار: این پژوهش یک مطالعه توصیفی است که جامعه مورد بررسی را کلیه مربیان پرستاری (۱۵نفر) که در حال حاضر آموزش بالینی دانشجویان را عهده دارهستند، تشکیل داده اند. داده ها از طریق پرسشنامه ای (شامل متغیرهای زمینه ای، روشهای ارزشیابی و آیتمهای ارزشیابی) جمع آوری گردید که روایی آن از طریق روایی محتوی و پایایی آن از طریق آزمون مجدد تایید شد. سپس نتایج بدست آمده به کمک شاخصهای توصیف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: ۸۰٪ نمونه های این پژوهش دارای سابقه کار بالای ۱۰ سال و۲۰٪ دارای مدرک PhD هستند. ۸۰٪ از مربیان در گرایش داخلی جراحی و۲۰٪ در گرایش اطفال و روان مشغول آموزش هستند. روشهای ارزشیابی بالینی بکار گرفته شده در محیط بالینی توسط مربیان به ترتیب شامل روش ارزشیابی مستمر (چک لیست روزانه) ۹۰٪، آزمون شفاهی ٤۰٪، آزمون تشریحی ۳۰٪،استفاده از فرم دانشکده ۳۰٪، آزمون تستی ۲۰٪، آزمون تستی تشریحی ۱۰٪ و روش OSCE ۱۰٪ می باشد. آیتمهایی که در نظر سنجی از مربیان در زمینه ارزشیابی بالینی دانشجویان بدست آمد از دیدگاه مربیان به ترتیب اولویت شامل میزان دانش فردی، مهارتهای روان حرکتی، تکنیکهای برقراری ارتباط با بیمار، آموزش به بیمار، حضور به موقع و رعایت وقت، ارتباط با مربی، ارتباط با پرسنل و وضعیت ظاهری دانشجو بود.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش می توان استنباط کرد که تکنیکهای بکار گرفته شده تا حدود زیادی به سنجش میزان دانش فردی دانشجویان پرداخته اما به نظر می رسد روشهای سنتی ارزشیابی مانند امتحانات رسمی و ساختاری از کفایت لازم برای بررسی جامع یادگیری مهارتهای بالینی دانشجویان (که در اولویت دوم از نظر خود مربیان قرار دارد) برخوردار نیست و این یافته ها در واقع نشان دهنده ضرورت اجرای روشهای ارزشیابی مناسب از جمله مشاهده عملکرد، روشهای ارزیابی صلاحیت بالینی، روش سه گام، ارزشیابی تفکر خلاق و... می باشد.

۱۵٤. مشکلات آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان ترم آخر کارشناسی مامایی دانشکده پرستاری و مامایی تبریز در سال ۱۳۸٤

شیرین حسن‌پور، سهیلا بانی

آدرس: تبریز ، دانشکده پرستاری و مامایی

زمینه و هدف: علوم پزشکی در خدمت به مردم و تامین و حفظ سلامت جامعه نقش والایی دارد و هر گونه نقص در آموزش علوم پزشکی از جمله آموزش مامایی تاثیر مستقیم بر فراگیری دانشجو و در نهایت سلامت خانواده و جامعه دارد. قرن ۲۱ از سوی سازمانها و فدراسیونهای آموزشی به عنوان قرن کیفیت آموزش اعلام شده است و مرتبا" در مورد ارتقای کیفیت آن صحبت می‌شود. با توجه به اهمیت آموزش بالینی مامایی درشکل‌دهی مهارتهای اساسی و توانمندی‌های حرفه‌ای دانشجویان و با عنایت به این که جهت ارتقای کیفیت آن اولین قدم شناخت مشکلات آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان به عنوان مشتریان فرآیند آموزش می‌باشد، برآن شدیم تا پژوهشی با عنوان فوق و با هدف کلی تعیین مشکلات آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان ترم آخر کارشناسی مامایی وبا اهداف ویژه: تعیین مشکلات آموزش بالینی در زمینه عوامل مربوط به مربی بالینی، دانشجو، محیط آموزش بالینی، برنامه-ریزی آموزشی و ارزشیابی از دیدگاه دانشجویان ترم آخر کارشناسی مامایی دانشکده پرستاری و مامایی تبریز انجام دهیم.

روش و ابزار: پژوهش حاضر یک بررسی توصیفی بود که در دانشکده پرستاری و مامایی تبریز انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای متشکل از هفت قسمت، شامل مشخصات فردی و اجتماعی دانشجویان و بیانیه‌هایی در رابطه با اهداف ویژه پژوهش بود. نمونه‌های مورد پژوهش ٤٤ نفر دانشجوی ترم آخر کارشناسی مامایی روزانه و شبانه بودند که تمامی واحدهای درسی خود را در دانشکده پرستاری و مامایی تبریز گذرانده بودند. روش نمونه‌گیری به طریق سرشماری بود.

نتایج: نتایج پژوهش نشانگر آن بود که مهمترین مشکلات آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان شامل: عدم وجود امکانات رفاهی مناسب برای دانشجویان در بیمارستانها، عدم وجود تجهیزات و امکانات مناسب آموزشی در بخشها، بی علاقگی دانشجو نسبت به رشته تحصیلی خود و عدم وجود معیار مناسب ارزشیابی در بالین بودند.

نتیجه‌گیری: اگر به دانشجویان که مشتریان ما در امر آموزش هستند به دقت گوش دهیم آنها بهترین مربیان ما در اصلاح خدمات و فعالیتها خواهند بود. لذا می‌توان اولویتهای لازم جهت اصلاح در فرآیند آموزش بالینی دانشجویان مامایی را از دیدگاه خودشان اولویت بندی نموده و در اختیار مسئولین امر قرارداد. هر گونه سرمایه‌گذاری در امر آموزش علوم پزشکی نوعی سرمایه‌گذاری بنیادین محسوب می‌شود.

۱۵۵. بررسی نقش بالینی مدرسان پرستاری در ایران: یک مطالعه تری‌انگولیشن

دکتر وحید زمان‌زاده، دکتر زهره پارسا یکتا
دکتر اسکندر فتحی آذر، لیلا ولی‌زاده

آدرس: تبریز، شریعتی جنوبی ، دانشکده پرستاری و مامایی

زمینه و هدف: به جهت اهمیت وافر آموزش بالینی در پرستاری و عدم موفقیت آن، بعد از انتقال آموزش سنتی (بیمارستانی) به آموزش عالی و همین‌طور روشن نبودن ماهیت نقش بالینی پرستاری در این فرهنگ آموزشی، پژوهش حاضر با هدف درک نقش بالینی و نحوه ایفای آن توسط مدرسان پرستاری در ایران انجام گردید.

روش و ابزار:تری انگویشن اساس این مطالعه را تشکیل داده است، بدین شکل که ابتدا یک مطالعه کیفی در مورد نحوه ایفای نقش بالینی بر روی ۱۵ نفر از مدرسان پرستاری که به شکل نظری نمونه گیری شده بودند، صورت گرفت. در این مرحله، از روش گراندد تئوری برای تجزیه و تحلیل استفاده گردید. گرد آوری داده ها مصاحبه نافذ و غیر رسمی بوده است، بعد از انجام مصاحبه و حصول طبقات مفهومی، مطالعه فوق بر روی ٦ تن از دانشجویان و پرسنل پرستاری تکرار شد که هیچ طبقه مفهومی اضافی حاصل نگردید. مرحله بعد یک مطالعه کمی به‌اجرادرآمد. در این مرحله بر اساس یافته های بدست آمده از مرحله کیفی و همینطور مروری بر متون، ابزاری تهیه شدکه چهار نقش مدرس پرستاری(آموزش بالینی، تدریس در کلاس، مدیریت آموزشی و پژوهش) را بررسی می‌نمود تا بتوان با یک مطالعه کمی، ضمن تأیید یافته های مرحله کیفی، از یافته های کمی سه نقش دیگر (به غیر از آموزش بالینی) بررسی، نتیجه گیری و پیشنهادات دقیق تر در مورد نقش بالینی استفاده شود.

نتایج: «هویت حرفه‌ای» به عنوان مفهوم مرکزی این مطالعه مربوط به درکی است که مدرسان پرستاری در رابطه با حرفه ونقش بالینی از خود ارائه کرده و آن را در قالب توصیف یا تئوری گرایی و عمل یا مهارت گرایی گزارش نموده‌اند.در مطالعه کمی نیز مشخص گردید که اکثریت آنان (۶۳/۱ درصد)هویت توصیف گرایی را اتخاذ نموده‌اند همچنین مطالعه حاضر نشان داد که درون‌مایه‌های «روشنی نقش»، « استقلال و اختیار در کار» و «شایستگی بالینی» در شکل گیری آن نقش بسزایی دارند.به نظر می‌رسد هویت حرفه ای برخی از مدرسان پرستاری ممکن است در تضاد با پرستاران بخش خدمتی بوده باشد، لذا آنها به جهت دوری از کشمکشهای نقشی سعی داشته‌اند با اتخاذ برخی از راهکارها، با ابهام در نقش و دیگر مشکلات نقشی خود کنار بیایند.متوسل شدن به درون مایه همرنگی از این باب بوده است که متاسفانه این مکانیسم ها، بنوبه خود آنها را از اهداف اصلی آموزش دور ساخته است، به طوریکه ۳۷/۹ درصد آنان برایند آموزشی را در حد ضعیف و ۵۵/۲ درصد نیز آن را در حد نسبی گذارش نموده‌اند.در کنار این یافته‌ها،مطالعه نشان داد که مدرسان پرستاری نه تنها در بعد حجم کاری به عنوان یکی از شاخص‌های بعد ابزاری تقش (رتبه اول در مقایسه با سایر نقش‌ها) مشکل داشته‌اند،بلکه دربعد احساسی نقش نیز،۹۳/٤ درصد آنان جهت-گیری بی تفاوتی در قبال نقش بالینی گزارش نموده‌اند.

نتیجه گیری: فقدان تسلط بر نقش بدلیل مشکلات موجود در بعد احساسی و ابزاری این نقش وبه استناد مطلوب نبودن دو درون مایه مهم این مطالعه - اختیار در کار و معنی دار بودن وظایف (روشنی نقش)- و از آنجائیکه طبق مدل انگیزش شغلی، این دو از ارکان اصلی انگیزشی هر شغل محسوب می-گردند، می‌توان ادعا نمود که مدرسان پرستاری در نقش بالینی خود توان انگیزشی لازم را ندارند. از سوی دیگر مرور بر متون نشان داد که راهنماهای حرفه‌ای و سازمانی کافی در این زمینه وجود ندارد، لذا توصیه می‌شود رهبران آموزشی و خدمتی با در نظر گرفتن دیدگاههای حرفه ای و سازمانی، مدل های بکار گرفته شده در پرستاری و حرف دیگر، در توسعه یک مدل جامع و مانع که بتواند توان انگیزشی نقش بالینی و به تبع آن برآیند آموزش را ارتقاء دهد، به تشریک مساعی بپردازند.

۱۵٦. وضعیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامایی

لیلی شهبازی ، طاهره سلیمی

آدرس: یزد، بلوار دانشجو -- دانشکده پرستاری ومامایی شهید صدوقی

زمینه و هدف: آموزش بالینی فرایندی پویا است که نیمی از زمان آموزش دوران تحصیلی دانشجویان پرستاری و مامایی را تشکیل می دهد. ارتقاء کیفیت آموزش بالینی می تواند موجب تربیت پرستارانی با کفایت حرفه ای در حیطه های مختلف بالینی گردد. براین اساس پژوهش حاضر با هدف تعیین وضعیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامایی دانشکده های پرستاری و مامایی دانشگاههای علوم پزشکی شهید صدوقی یزد و اصفهان صورت گرفته است.

روش و ابزار: این مطالعه از نوع زمینه ای بوده است و کلیه دانشجویان ترم ششم و بالاتر که تمایل به شرکت در پژوهش داشتند پرسشنامه شامل اطلاعات دموگرافیک و سئوالات بازو بسته درباره برنامه آموزشی، ارزشیابی بازده کلی برنامه آموزش بالینی و مناسب ترین زمان برای آموزش بالینی را تکمیل نموده اند. داده ها با استفاده از نرم افزار آماری spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نتایج: نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر آن است که دیدگاه ۷۳٪ دانشجویان پرستاری و مامایی نسبت به وضعیت آموزش بالینی در چهار بعد از پنج بعد یاد شده بد و بسیار بد می باشد و بهترین زمان (شیفت کاری) برای آموزش بالینی صبح ذکر شده است. تفاوت معنی دار میان نظریات گروههای مختلف مشاهده نشد. هم چنین نتایج نشانگر آن است که هیچ یک از ابعاد آموزش بالینی اعم از برنامه آموزشی، نحوه کار آموزش دهندگان، امکانات و تجهیزات،نقش اعضاء دیگر تیم بهداشتی و بازده کلی آموزش از دیدگاه دانشجویان دو دانشکده مورد قبول نبوده و رضایت خاطر آنها را تامین نمی کند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصله بنظر می رسد افزایش مهارتهای بالینی آموزش دهندگان، ارائه طرح درس، ارتقاء انگیزه در جریان جهت ارائه کارآموزی موثرتر، متناسب نمودن تعداد دانشجو و بیمار، ایجاد هماهنگی لازم میان برنامه آموزشی و محیط ارائه خدمات و فراهم نمودن امکانات و

تجهیزات می تواند به افزایش کارآیی آموزش بالینی در دانشکده های پرستاری و مامایی کمک کند.

۱۵۷. ارزشیابی فعالیتهای آموزشی، پژوهشی اعضاء هیات علمی دانشکده پزشکی تبریز درسال۸۲

دکتر رامین مصری، دکتر محمد برزگر، دکتر منیژه سیاح ملی دکتر مهستی علیزاده، زهره طهماسبی

آدرس: تبریز، دانشکده پزشکی، حوزه معاونت آموزشی، واحد ارزشیابی

زمینه و هدف: تحقیق در مورد میزان دستیابی به اهداف آموزش پزشکی از طریق ارزشیابی امکان پذیر است. ارزشیابی به معنی بررسی پرزحمت خصوصیات و قابلیتهای برنامه بوده و هدف آن گردآوری اطلاعات در مورد ویژگیهای نظام آموزشی است که به منظور تصمیم گیری جهت ایجاد تغییر در عوامل تاثیر گذار برنامه و ارتقاء کارائی، اثر بخشی و کیفیت نظام آموزشی انجام می گیرد. با توجه به استاد محور بودن آموزش پزشکی در کشور ما، عملکرد اعضاء هیات علمی هنوزیکی از مهم ترین عوامل دخیل در دستیابی به اهداف آموزشی بشمار میرود.

روش و ابزار: طی یک مطالعه توصیفی مقطعی بروش نمونه گیری در دسترس تعداد ۲۱۳ نفر از ۲۷۹ نفر اعضا هیات علمی رسمی و پیمانی استادیار به بالا از طریق تکمیل پرسشنامه وارد این مطالعه شدند.

نتایج: از گروههای علوم پایه ۹۴/۵۹٪ و بالینی ۷۳/۵۵٪ و در کل ۷۶/۳۴٪ وارد مطالعه شدند. بیشترین میزان مشارکت در مطالعه در گروههای بالینی مربوط به ارتوپدی، پاتولوژی، روانپزشکی، پوست و اعصاب و کمترین آن مربوط به رادیولوژی بود. میانگین امتیاز فعالیت آموزشی در گروههای بالینی ۷۱/۵۴ (سقف ۸۰) و علوم پایه ۶۶/۹۸ و در کل ۶۹/۲۶ می باشد. میانگین درصد احراز شرط پژوهش (امتیاز بالای ۱۵) در علوم پایه ۶۰٪ ، بالینی ۳۶/۸۳٪ ودر کل۳۸/۹۷٪ بود.

نتیجه گیری: بررسی کمی یافته ها حاکیست با اینکه میانگین امتیاز فعالیت آموزشی به حداکثر نزدیک بوده و در بالینی بیشتر از علوم پایه است، بر اساس فید بک اخذ شده از فراگیران، وضعیت آموزش نظری و بالینی چندان مطلوب نمی باشد. نتایج ارزشیابی فعالیتهای پژوهشی بعلت مستند بودن فعالیتها، اعتبار بیشتری دارند. تاثیر فعالیتهای اجرایی در سایر فعالیتها چندان قابل مشاهده نیست.

پیشنهاد: با توجه به نقش افزایش میزان بهره وری اعضای هیات علمی در پیشبرد اهداف آموزش پزشکی، باید مراکز مطالعات وتوسعه آموزش پزشکی در دانشکده پزشکی برای انجام ارزشیابی موثرو کارآمد تشکیل شده ودر بیمارستانهای تابعه ازکارشناسان آموزش در جهت درک بهتر وضعیت موجود و کسب اطلاعات لازم برای تصمیم گیری در خصوص ارتقا آموزش پزشکی استفاده کرد.

۱۵۸. ارزشیابی برنامه های آموزش مداوم طب کاربرگزار شده در دانشگاه علوم پزشکی تهران‌از دیدگاه شرکت کنندگان

دکتر غلامحسین فلاحی، حمید خانجانی، پانتهآ پدرام

آدرس: تهران، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: صاحبان علوم پزشکی در زمره افرادی هستند که کاهش اطلاعات در زمینه علمی برای آنها و جامعه ای که از خدمات آنها بهره میبرند ضایعات زیادی را به دنبال دارد. دفترآموزش مداوم دانشگاه برآن است که میزان مطلوبیت و اثربخشی دوره های آموزش مداوم را با استفاده از نظرات شرکت کنندگان دراین برنامه ها ارتقاء دهد و بدین وسیله در پایان هر سال میزان کاستی ها و سطح کیفی برنامه ها مورد بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر بدون ارزشیلبی آگاهی از تحقق اهداف برنامه ممکن نمیباشد. بدین منظور در پایان هر برنامه آموزش مداوم پرسشنامه ارزیابی برنامه در اختیار شرکت کنندگان قرار میگیرد.

روش و ابزار: شرکت کنندگان شامل کلیه پزشکانی هستند که در برنامه های مدون گروه طب کار از فروردین لغایت اسفند ماه سال ۱۳۸۳ شرکت کرده اند.پایایی آزمون آلفای کرونباخ بین ۹۰-۸۰ در صد بوده است($a = ۸۲$).

نتایج: میانگین سن افراد ۳۳/۵ سال (انحراف معیار ۵/۱) و میانگین سابقه کار افراد ۶/۵ سال (انحراف معیار ۳/۳) بود. کیفیت برنامه های اجراء شده از درجه خوب برخوردار بود. مهم ترین انگیزه شرکت کنندگان به ترتیب تجدید اطلاعات و چاره جویی در حل مشکلات حرفه ای، نکات مثبت برنامه ها

استفاده از اساتید مجرب و آشنا با مطالب جدید و نکات منفی برنامه ها طولانی بودن زمان اجرای برنامه ها می باشد. بین کیفیت برنامه ها و سابقه کار شرکت کنندگان و جنسیت، با آزمون مربع کای ارتباط معنی‌داری مشاهده نگردید.

نتیجه گیری: با توجه به جدید بودن مبحث طب کار و اینکه شرکت کنندگان مهم ترین انگیزه خود را از شرکت در برنامه ها تجدید اطلاعات و چاره جویی در حل مشکلات حرفه ای بیان نموده اند لزوم بازنگری در نحوه برگزاری این برنامه ها و به روز کردن متدهای آموزشی به کار رفته در آموزش بزرگسالان مشهود است. با توجه به این مهم پژوهش دیگری جهت به روز کردن متدهای تدریس در آموزش بزرگسالان در سال ۸٤ در حال انجام است.

۱۵۹. اصلاح فرم نظر خواهی تدریس نظری از دیدگاه اساتید و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بابل

دکترامراله مصطفی زاده، دکتر ایمان جهانیان
دکتر روشنک ثاقبی، غلامرضا بینش پژوه

آدرس: بابل، دانشگاه علوم پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: یک راه ارتقاء کیفیت آموزش، بکارگیری نظر فراگیران بعنوان رکن مهم نظام آموزشی است و پاسخهای دقیق آنان کمک شایانی به روند آموزش می نماید. این مطالعه به منظور بررسی سوالات فرم تدریس نظری، جهت ارائه یک فرم ایده آل به فراگیران ونهایتا بهبود کیفیت ارزشیابی انجام گردیده است.

روش و ابزار: این مطالعه توصیفی توسط مرکز مطالعات در سال تحصیلی ۸٤-۸۳ انجام شده است.پرسشنامه ای حاوی ۲۲ سوال فرم فوق، با متغیرهای " موافق، مخالف،عبارت پیشنهادی" برای کلیه ۲۰۸ عضوهیات علمی فرستاده شد. پس از تکمیل،۸۸ فرم به مرکز ارسال گردید. ٤۰ فرم نیز توسط دانشجویان رشته ها و مقاطع مختلف تکمیل گردید.
اطلاعات کد گذاری و وارد کامپیوتر شده و با نرم افزار SPSS آنالیز گردید. نتایج در کمیته ارزشیابی و متعاقباً در شورای EDC مطرح گردید و تغییرات لازمه داده شد.

نتایج: با بررسی نظرات مشاهده شد که اکثریت با گزینه طرح شده موافق بودند. بطور میانگین، اساتید در ۸۱/۲۵٪ و دانشجویان در ۷۰٪ موارد متغیر "موافق" و بترتیب در۱۸/۷۵٪ و ۳۰٪ " مخالف" را انتخاب نمودند. باجمع بندی داده ها به تفکیک سوال و مرور پیشنهادات، نهایتا ۸ سوال باز نویسی شدند، ۳ سوال حذف، ۱ سوال اضافه (اهمیت به حضور و غیاب) و٤ سوال ادغام گردیدند. ۷ مورد هم بدون تغییر ماندند.

نتیجه گیری: پس از جرح و تعدیلهای متنوع نهایتا فرمی حاوی ۱۸ گزینه تصویب گردید. با اصلاحات انجام شده و ارزشیابی دقیقترتدریس اساتید و یافتن معایب موجود در کناربرگزاری جلسات توجیهی و کارگاههای مختلف، می توان چالشها وموضع گیریهای متعاقب را بحداقل رسانیده و بهبود کارایی و اثر بخشی سیستم آموزش پزشکی شاهد بود.

۱٦۰. مقایسه ارزیابی کیفیت آموزشی اتندینگ جراحی از نظر رزیدنتها با خودازمایی اتندینگ

نوید امیدی فر، دکتر نیکو یمانی، دکتر وحید گوهریان
دکتر کریم سهرابی

ادرس: اصفهان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: مطالعات مختلف تاثیرقابلیتهای آموزشی اساتید بر عملکرد دانشجویان ودستیاران دوره جراحی را نشان داده اند. هدف از انجام این مطالعه بدست آوردن براورد کلی از سطح آموزش رزیدنتی رشتهٔ جراحی از دیدگاه دستیاران این رشته و پیدا کردن نقاط ضعف و قوت آن بود که با جمع آوری نظرات رزیدنتها درارزشیابی اساتید خود و مقایسه با نظر خود ایشان انجام شد.

روش و ابزار: ۱۷رزیدنت جراحی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با پر کردن پرسش نامه هایی که در آن ۱۸استاد خود را از لحاظ انجام وظایف آموزشی در اتاق عمل، بخش، درمانگاه و کنفرانسها مورد ارزیابی قرار دادند در مطالعه شرکت کردند. پرسش نامه های مشابهی هم در بین اساتید توزیع شد تا ایشان نیزبا بررسی عملکرد خویش در بخشهای ذکر شده خود رامورد ارزیابی قرار دهند. نتایج نمراتی که رزیدنتها به اساتید خود دادند با نمراتی که اساتید به خودشان داده بودند با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه وتحلیل و با آزمون آماری Student-t test مقایسه شد.

نتایج: میانگین نمراتی که رزیدنتها در بخش اتاق عمل، سایر مکانهای آموزش بالینی و سرانجام جمع بندی کلی به اساتید خود دادند بترتیب۰/۵۹ ± ۳/۹۴، ۰/۵۸ ± ۳/۸۹ و ۰/۵۶ ± ۳/۸۶ از حداکثر ۵ نمره بود.بعد از تجزیه و تحلیل و جمع بندی نمراتی که رزیدنتها به اساتید خود دادند معلوم شد پراکندگی نمرات کسب شده اساتید دربخشهای مختلف نسبت به میانگین همان دسته بالاست به نحوی که همه نمرات با میانگین نمونه تفاوت معنی دار داشتند. از مجموع اساتید ۱۴ نفر (۷۷/۷٪) پرسشنامه های خودآزمائی را پر کردند که در مقایسه با سایر همکارانی که پرسشنامه خود ارزیابی را تکمیل نکرده بودند نمرات بهتری از سوی رزیدنتها دریافت کردند.

نتیجه گیری: این مطالعه تفاوت قابلیت های آموزشی اساتید و رضایتمندی دستیاران از ایشان را آشکار ساخت. در ضمن نشان داد سطح آموزش رزیدنتی جراحی در اتاق عمل از سایر بخشهای آموزشی بالاتر است و نیز اینکه ضعف اصلی آموزش بیشتر در امر مدیریت آموزشی و دادن فیدبک به دستیاران است.

۱۶۱. ارزشیابی برنامه های آموزشی دوره کارآموزی دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تبریز از دیدگاه مربیان و دانشجویان

دکتررضا قلی وحیدی، دانش خواه، آراکس، حسین کوشاور

آدرس: تبریز، دانشگاه علوم پرشکی ، دانشکده بهداشت

زمینه و هدف: دوره کارآموزی از جهت توان مند نمودن و آموزش مهارت های عملی دانشجویان از اهمیت برخوردار است. آموزش در عرصه در رشته پرستاری بخش عمده آموزش پرستاری را تشکیل میدهد و در برنامه ریزی های آموزشی مورد توجه خاص می باشد. به عبارت دیگر فارغ التحصیلان رشته پرستاری زمانی قادر خواهند بود، نقش خطیری را در ارتقاء سلامت جامعه ایفا نمایند که بتوانند در دوره کارآموزی مهارت های عملی را در ابعاد مختلف آموزش ببینند.

با توجه به اهمیت موضوع و به منظور اطلاع از کیفیت آموزش مهارت های لازم، دیدگاه مربیان و دانشجویان پرستاری در این مورد مطالعه شد. تصور می شد که با این مطالعه بتوانیم نقاط قوت و ضعف این دوره راشناسایی نمائیم تا بتوانیم ازطریق طراحی مداخله های برنامه ریزی مناسب دربهبود آن بکوشیم.

روش و ابزار: به منظور مطالعه دیدگاه مربیان و دانشجویان پرسش نامه ای طراحی شد که کیفیت آموزش مهارت های بالینی را در شش بعد مختلف از جمله« نحوه ارائه خدمات به مددجو» مراقبت از بیمار« تامین ایمنی مددجو» « اصول مدیریت» « آموزش به بیمار» و روش های حفظ کیفیت مراقبت ها را شامل می شد. این پرسشنامه بر اساس مقیاس ۵ درجه لیکرت تنظیم شد و نمونه مورد مطالعه شامل کلیه مربیان و دانشجویان پرستاری ترم ۸ دانشکده پرستاری و مامایی تبریزمی شد.

نتایج: یافته های مطالعه نشان داد که وضعیت کیفیت آموزش در هر شش بعد از نظر مربیان و دانشجویان در حد متوسط می باشد. در چهار بعد مهارت های ارائه خدمت به مدد جو، مراقبت از بیمار ارتقای کیفیت خدمات و آموزش بیمار اختلاف معنی دار آماری بین دیدگاه های دو گروه مشاهده شد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه، لازم است تدابیری اندیشیده شود که کیفیت آموزش در دوره کار آموزی از حد متوسط تا سطح مطلوب ارتقاء یابد تا بتوان از این طریق خدمات با کیفیت در اختیار مددجویان قرار داد. بنابراین لازم است مداخله های مناسب در جهت بهبود کیفیت آموزش در هر کدام از ابعاد شش گانه طراحی و اجرا شود.

۱۶۲. بررسی تاثیر مدل آموزش بر مبنای طرح مسئله در اثر بخشی کارآموزی رژیم درمانی دانشجویان علوم تغذیه در مقایسه با روش سنتی آموزش

مهندس محمدرضا نریمانی،دکتررضا قلی وحیدی
دکتر سید داود حسینی نسب، دکتر علیرضا استادرحیمی

آدرس: تبریز، دانشگاه علوم پرشکی، دانشکده بهداشت و تغذیه

زمینه و هدف: دوره کارآموزی درعرصه رژیم درمانی یکی ازمهمترین دوره های برنامه درسی رشته علوم تغذیه میباشد.دراین دوره فرصتی فراهم میشود که دانشجویان را قادر به بکارگیری آموخته های نظری وعملی خود، درمحیط واقعی مینماید.عوامل مختلفی اثربخشی این دوره را تحت تاثیر

قرارمیدهد که ازآن جمله میتوان به استراتژیهای آموزشی اشاره کرد. بنابراین ازآنجا که استراتژیهای آموزشی دراثربخشی برنامه های آموزشی ازاهمیت و موقعیت خاصی برخوردارهستند. دراین تحقیق از میان انواع استراتژیهای آموزشی، اثربخشی استراتژی روش آموزش مبتنی برحل مسئله در تیم های متشکل از دانشجویان دوره کارآموزی درمقایسه با روش آموزش سنتی مطالعه شد.

روش و ابزار: تعداد ۳۲ نفرازدانشجویان کارآموز براساس میانگین نمرات ارزشیابی دانش آنها به دوگروه تجربی وشاهد تقسیم شدند که گروه تجربی با استراتژی آموزش مبتنی بر حل مسئله وگروه شاهد با استراتژی آموزش مرسوم تحت آموزش قرار گرفتند.اثر بخشی استراتژیهای آموزشی از طریق تحلیل میزان افزایش دانش، بهبود نگرش ومیزان افزایش مهارت عملی، قبل و بعد از ارائه آموزش مورد مقایسه قرارگرفت.

نتایج: یافته ها نشان داد که آموزش مبتنی برحل مسئله بر بهبود نگرش،افزایش دانش و مهارت عملی دانشجویان گروه تجربی موثربود.همچنین مقایسه دو استراتژی فوق نشان داد که آموزش مبتنی بر حل مسئله علاوه بر اینکه درسه حیطه نگرش، دانش ومهارت بیشتراز روش مرسوم موثر بوده در یادگیری بالینی واحد های مورد پژوهش نیز اثر بخش بود.

نتیجه گیری: استراتژی روش آموزشی تیمی مبتنی برحل مسئله در مقایسه با استراتژی روش آموزش سنتی درافزایش میزان یادگیری مهارت بالینی، بهبود نگرش وافزایش دانش دانشجویان اثربخش تربود. بنابراین احتمالاً تغییر استراتژی آموزشی از آموزش مرسوم در کارآموزی عرصه رژیم درمانی به آموزش تیمی بر مبنای حل مسئله باعث تغییرات اساسی در میزان یادگیری مهارت های بالینی، دانش وبهبود نگرش دانشجویان میشود ودانشجویان میتوانند با استفاده از استراتژی روش آموزشی حل مسئله آموخته های نظری خود را در محیطهای کاری بهتر بکارگیرند.

۱۶۳. پدیدار شناسی مدرّس بالینی کارآمد

محمد حسن صاحبی‌حق

آدرس: تبریز، دانشکده پرستاری و مامایی ،گروه پرستاری بهداشت جامعه

زمینه و هدف: هیچ کس در هیچ جامعه ای منکر نقش دانشگاهها در پیشرفت و توسعه جامعه نخواهد شد. و باز هیچ کس در هیچ جامعه ای منکر نقش اساتید در ارتقاء علمی دانشگاهها، فن آوری اطلاعات و توسعه تحقیق نخواهد شد. این جایگاه ارزشمند و والا شایسته آنهایی است که به نیازهای دانشگاه و آنگاه جامعه پاسخگو باشند.

مسایل و مشکلات بالینی دانشجویان پرستاری از دیر باز وجود داشته و امروزه نیز انتقادهای زیادی بر آن وارد است. در چنین موقعیتی ایفای نقش برای یک مدرّس بالینی پرستاری همواره پر استرس بوده و هست. این پژوهش با یک نگرش انتقادی در راستای فراهم سازی زمینه مساعد برای اصلاح محیط های بالینی دانشجویان پرستاری شروع شده و با توجه به نقشی که اساتید پرستاری در اصلاح محیط های بالینی میتواند داشته باشند اول از همه و قبل از هر چیز دیگر خصوصیات یک مدرّس بالینی کارآمد را از منظر دانشجویان با تجربه خود مورد بررسی قرار می‌دهد اگر چه قرار دادن خود (خود حرفه ای) در معرض انتقادها کاری است بس مشکل، ولی هر فردی که نظام مشتری مداری را قبول نموده و طالب اصلاح امور است از این انتقادها باید استقبال نماید.

روش و ابزار: این مطالعه یک پژوهش کیفی از نوع فنومنولوژی بوده که در آن ۲۷ دانشجوی ترم ۸ پرستاری که مدرّسین مختلف را در طی ٤ سال دوره کارشناسی تجربه کرده بودند برگه ثبت خصوصیات مدرّس بالینی را ثبت نموده و سپس مورد مصاحبه قرار گرفتند. تمها از برگه ثبت استخراج و در خوشه‌های اولیه قرار گرفتند، خوشه‌های اولیه مورد بررسی بیشتر قرار گرفته و مواردی از آن با یکدیگر ادغام شدند، تعدادی از تمها از یک خوشه به خوشه دیگر انتقال یافتند، تعدادی از تمها نیز که با یکدیگر مترادف بودند حذف شدند، برای تمهای نزدیک به هم زیرخوشه‌هایی تشکیل شد و تمهای نهایی توسط ۲ نفر از اساتید و ٥ نفر از دانشجویان مورد پژوهش مجدداً مورد بررسی قرار گرفت و پس از اصلاحات لازم تجزیه و تحلیل روی تمها شروع شد.

نتایج: در مجموع تم های بدست آمده توانست در ٤ خوشه قرار بگیرد. این خوشه ها عبارت بودند از: ۱- ویژگیهای فردی مدرّس (١٤تم)، ۲- الگوهای ارتباط مدرّس (۲۸تم)، ۳- ویژگیهای تخصصی مدرّس (تئوری - بالینی) (۲۰تم)، ٤- مسایل مربوط به مدیریت آموزشی که به نحوی عملکرد مدرّس را نیز میتوانست تحت تأثیر قرار دهد(۱۰ تم).

نتیجه گیری: برخلاف تصور اولیّه پژوهشگر بیشترین تمهای گزارش شده مربوط به الگوی ارتباطی مدرّس بود. پژوهشگر انتظار داشت با توجه به تحصیلات بالا و سوابق اساتید، مشکلی از نظر نحوه برقراری ارتباط با دانشجویان گزارش نشود، در صورتی که گزارش مشکلات ارتباطی در برگه ثبت و مصاحبه بیشترین مقدار را به خود اختصاص میداد. کمترین تمهای گزارش شده مربوط به مدیریت امور آموزشی بود امّا با اینحال پژوهشگر معتقد است با عنایت به اینکه خوشهها (و در نتیجه تمهای زیرمجموعه آنها) میتواند یکدیگر راتحت تاثیر قرار دهد مدیریت امور آموزشی در رسیدن به تمهای مورد انتظار دانشجویان نقش مهمی را میتواند ایفاء نماید.

١٦٤. دینامیک گروهی اعضا گروه بیماریهای داخلی دانشگاه علوم پزشکی کرمان جهت مقایسه نظرات دانشجویان و اساتید و یافتن عوامل موثر در الگو شدن مدرسین

دکتر علی اکبر حقدوست، دکتر محمد رضا شکیبی

آدرس: کرمان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: برای بررسی روابط بین اعضا یک گروه و تعیین عوامل موثر در شکل گیری روابط بین افراد، بررسی دینامیک گروه یکی از مناسبترین روشها است. در این مطالعه، عوامل موثر در الگو شمرده شدن یک استاد توسط دانشجویان به صورت عمیق تعیین شد. همچنین ارزیابی گردید که تا چه میزان نظرات همکاران درباره خصوصیات شخصیتی یکدیگر با نظرات دانشجویان منطبق است. از اهداف دیگر این مطالعه تعیین میزان خطای هالهای (hallow effect) در هنگام پر نمودن پرسشنامههایی از این نوع بود.

روش و ابزار: مطالعه مذکور به صورت مقطعی و در گروه بیماریهای داخلی انجام شد. اطلاعات لازم از مدرسین (۱۳ مدرس از ۲۱ نفر عضو گروه) و از کلیه دانشجویان بخش (۲٦ نفر در آخرین هفته کارآموزی و کاروزی) بدست آمد. پرسشنامه طرح از نوع شبکه (grid) بود و پاسخ دهندگان، خصوصیات بارز علمی، شخصیتی و فعالیت اعضا هیئت علمی بخش را تعیین مینمودند. از آنها خواسته شده بود تا تنها در صورت اطمینان از وجود خصوصیت مورد سوال، آن را علامت بزنند و در صورت عدم اطمینان و یا ناآشنا بودن با وی، خانه مربوطه را خالی بگذارند. در عین حال Rho در فرم دانشجویان و اساتید به ترتیب ۰،۰۸۷ و ۰،۱۷۲ بدست آمد.

نتیجه گیری: این نتایج نشان میدهد که دیدگاه دانشجویان و اساتید با یکدیگر متفاوت است و یکی را نمیتوان جایگزین دیگری کرد. در عین حال، بدلیل بالا بودن Rho در فرم اساتید، احتمالاً اعتبار این گونه پرسشگریها در بین اساتید کمتر است و همکاران بدلیل تعارفات و محدودیتها، نظرات واقعی خود را کمتر بروز میدهند. همچنین بنظر میرسد جهت الگوسازی برای دانشجویان، بایست توجه بیشتری به معلم بودن، باشخصیت بودن، دلسوز بودن، عملگرا بودن و پرکار بودن اساتید ابراز داشت.روابط بین امتیازات اخذ شده مربوط به خصوصیات افراد بر اساس نظرات دانشجویان و اساتید جداگانه محاسبه و به وسیله همبستگی پیرسن محاسبه شد. همچنین از روش لاجستیک رگرسیون برای پی بردن به خصوصیات شخصیتی، علمی و فعالیت اعضا در الگو شدن برای دانشجویان استفاده شد و متغیرهای مرتبط به وسیله روش conditional forward method در مدل نهایی گزینش شدند. برای تعیین اثر هالهای از مدل رگرسیون خطی استفاده شد و ضریب همبستگی درونی (intra cluster Rho correlation) به روش random effect محاسبه شد.

در فرم اساتید، اکثر گزینهها با یکدیگر ارتباط معنیدار نشان دادند، در این بین، ضعیفترین ارتباط بین سواد و اخلاق (r=۰،۳، p=۰،۱۷) و قویترین ارتباط بین باشخصیت بودن و احترام به دیگران گذاشتن (r=۰،۹۳، p<۰،۰۰۰۱) بدست آمد. این ارتباطات در بین پاسخهای دانشجویان بصورت کلی قویتر بود؛ در این بین ضعیفترین ارتباط بین پرکار بود و آرمانگرا بودن (r=۰،۲۷، p=۳) و قویترین بین معلم خوب بودن و با شخصیت بودن (r=۰،۹۸، p<۰،۰۰۰۱) بدست آمد. هیچ یک از ضرایب همبستگی بین پاسخهای دانشجویان و اساتید معنیدار نبود و قویترین آنها در مورد پرکار بودن اساتید دیدهشد (r=۰،۳۷، p=۰،۱٤). عوامل موثر در الگو شدن استاد برای دانشجویان عبارت بودند از: معلم خوب بودن

(OR=۸/٦)، با شخصیت بودن (OR=٤/٥)، دلسوز بودن (OR=٤/۱)، عملگرا بودن (OR=۳/۸)، و پرکار بودن (OR=۳/٤).

۱٦٥. بررسی عوامل مؤثر بر ارتقا کیفیت آموزش بالینی مامایی از دیدگاه دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۸۳

زهره علیزاده دیبازری، مرضیه تارویردی

آدرس: تبریز، دانشگاه علوم پزشکی ، دانشکده پرستاری و مامایی

زمینه و هدف: تعیین عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت آموزش بالینی در پرستاری و مامایی نیازمند شناسایی فاکتورهایی است که باعث بهبود نتایج آموزش بالینی می گردد که در این میان هماهنگ کردن دروس نظری و بالینی در رشته مامایی و پرستاری به عنوان یکی از عوامل بسیار مهم در ارتقا کیفیت آموزش بالینی پرستاری و مامایی شناسایی شده است. مسئله شکاف بین آموزش نظری و بالینی پرستاری و مامایی از ریشه های عمیقی برخوردار است و همیشه نگرانی هایی را ایجاد کرده است. بنابراین در جهت کاهش دادن و از بین بردن این شکاف بررسی حاضر با هدف تعیین عوامل مؤثر در ارتقا کیفیت آموزش بالینی مامایی از دیدگاه دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی تبریز انجام گرفت تا شاید به این طریق بتوان این عوامل را شناسایی کرده و در جهت بهبود کیفیت آموزش بالینی و از بین بردن فاصله بین دروس تئوری و عملی اقدام نمود.

روش و ابزار: در این مطالعه توصیفی از پرسش نامه ای مشتمل بر دو بخش جهت نظر سنجی استفاده شد. بخش اول شامل اطلاعات دموگرافیک و بخش دوم شامل سؤالاتی در ارتباط با عوامل مؤثر در از بین بردن فاصله بین دروس تئوری و عملی در جهت بهبود کیفیت آموزش بالینی بود. فرم دوم از ٤ بخش اصلی ساخته شده بود که شامل عوامل مربوط به فراده، عوامل مربوط به فراگیر، عوامل مربوط به محیط آموزشی و عوامل مربوط به ارزشیابی بود. برای تعیین درجه اهمیت عوامل مؤثر در بهبود کیفیت آموزش بالینی از مقیاس پنج درجه ای لیکرت استفاده شد. جامعه پژوهش شامل دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی تبریز بودند برای نمونه گیری از روش سرشماری استفاده گردید و نمونه پژوهش کاملا منطبق بر جامعه پژوهش انتخاب شد.

نتایج: یافته های پژوهش نشان داد که فاکتور مربوط به فراگیر به عنوان مهمترین عامل مؤثر در ارتقای کیفیت آموزش بالینی مامایی از دیدگاه دانشجویان این رشته بود که بعد از آن فاکتورهای مربوط به فراده، محیط آموزش بالینی و ارزشیابی به ترتیب از درجه های بعدی اهمیت برخوردار بودند. در بعد عوامل مربوط به فراگیر" مشخص بودن وظایف حرفه ای دانشجو در محیط بالینی "، در بعد عوامل مربوط به فراده" بر قراری ارتباط مناسب مدرس با دانشجو"، در بعد محیط آموزش بالینی،" امکانات و تجهیزات مناسب آموزشی در محیط های بالینی" و در بعد ارزشیابی" ارزشیابی بالینی دانشجویان در پایان دوره کارآموزی " از فاکتورهای مؤثر در ارتقای کیفیت آموزش بالینی مامایی از دیدگاه دانشجویان بود.

نتیجه گیری: آگاهی از عواملی که در ارتقا کیفیت آموزش بالینی تاثیر دارد به مدیران و برنامه ریزان آموزشی کمک خواهد کرد تا با برخورد اصولی در جهت رفع اشکالات موجود اقدام نمایند و به این ترتیب شرایط آموزش بالینی مؤثرتری برای دانشجویان فراهم گردیده و در نهایت منجر به بالاتر رفتن کیفیت آموزش می گردد.

۱٦٦. به کارگیری روش نوین ارزشیابی بارس گامی در جهت ارتقا کیفیت آموزش بالینی

راضیه امینی، دکتر زهره ونکی،حرمت السادات امامزاده قاسمی

آدرس: تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده پزشکی،گروه پرستاری

زمینه و هدف: یکی از تفاوت های آموزش در علوم پزشکی با آموزش سایر علوم جنبه آموزش بالینی است.در مورد علم پرستاری نیز آموزش بالینی رکن اساسی است. آموزش بالین یعنی آماده کردن دانشجویان برای کامل کردن دانش کسب کرده،به عبارتی بالین ترجمان دانش تئوری به عملی است. یکی از مباحث بسیار اساسی و تاثیر گذار بر کل فرآیند آموزش بالین توجه به بحث ارزشیابی است.امروزه روش های نوین ارزشیابی با توجه به ساختار ویژه ای که دارند میتوانند موثر تر از روش های سنتی در جهت ارتقا کیفیت آموزش عمل نمایند.روش بارس (BARS:behavioaly anchored)

rating scale یکی از روش های نوین ارزشیابی است که درآن رفتارهای مورد انتظار سنجش می شود به این ترتیب که جنبه های ویژه و خاص عملکرد یک شغل مورد سنجش قرارمی گیرد.با توجه به اینکه ارزشیابی دراین روش بر پایه عملکردهای رفتاری است،ارزیاب میتواند بازخورعینی به ارزشیابی شونده دهد. در این بررسی هدف تعیین میزان تاثیر به کارگیری ابزار ارزشیابی تهیه شده بر پایه BARS بر کیفیت عملکرد بالینی (مهارت های مدیریتی) دانشجویان پرستاری در کارآموزی مدیریت پرستاری است.

روش و ابزار: در مرحله اول پژوهش ابزار ارزشیابی کارآموزی مدیریت پرستاری با توجه به گامهای ارزشیابی BARS طراحی گردید پس از کسب روایی (Validity) و پایایی(Tziner) ابزار در مرحله دوم جهت بررسی تاثیر آن برمهارتهای مدیریتی دانشجویان در یک دوره یک ماهه کارآموزی مدیریت پرستاری به کار گرفته شد.سپس با استفاده از چک لیست بررسی مهارت های مدیریتی دانشجویان،عملکرد دانشجویان اندازه گیری وبا گروه شاهد که از طریق روش سنتی ارزشیابی مورد ارزشیابی قرار گرفتند مقایسه گردید.

نتایج: نتایج نشان داد که اکثر دانشجویان در گروه شاهد مهارت مدیریتی در سطح متوسط داشتند در حالی که در گروه آزمون در پایان کارآموزی دارای مهارت مدیریتی در سطح خوب بودند. مقایسه مهارت مدیریتی در دو گروه با استفاده از آزمون تی مستقل با $p = ۰/۰۰۵$ تفاوت معنی دارنشان داد. به عبارتی میانگین نمره مهارت مدیریتی دانشجویان از ۸۳/۸۳ در گروه شاهد به ۱۱۳/٤۱ در گروه آزمون افزایش یافته است.بدین ترتیب نتایج به دست آمده نشان داد که به کارگیری ابزار تهیه شده بر مبنای روش بارس در کارآموزی مدیریت پرستاری موجب افزایش مهارت مدیریتی دانشجویان می شود

نتیجه گیری: با توجه به رسالت مهم آموزش بالین در ترجمه دانش تئوری به عملی به کارگیری روش نوین ارزشیابی که به سنجش رفتارهای ویژه و مورد انتظار از یک شغل یا عملکرد می پردازد میتواند در جهت ارتقا کیفیت آموزش بالینی موثر باشد. در این زمینه تزینر(Tziner) (۲۰۰۲) نیز نشان داد تکنیک بارس می تواند مستقیماً تاثیرات مطلوب تری بر عملکرد افراد در مقایسه با سایر روش های ارزشیابی بگذارد.

۱٦۷. بررسی مشکلات آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری فسا در سال۸۳-۸٤

محمد حسین خادمیان، شهناز کریمی

آدرس: ،فسا ، دانشکده علوم پزشکی وخدمات بهداشتی درمانی

زمینه و هدف: علیرغم پیشرفت های فراوان در علم پرستاری هنوز تغییرات اساسی موثر ومدونی در آموزش بالینی پرستاری صورت نگرفته است. در این مطالعه توصیفی مروری بر مشکلات کنونی آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان در چهار حیطه ۱- آموزشی، ۲-عوامل مربوط به استاد،۳- محیط آموزش بالینی و٤-تجهیزات صورت گرفته است وکلیه دانشجویان سال چهارم مورد پژوهش قرار گرفته اند.

روش و ابزار: جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه پژوهشگر ساخته حاوی ۳۲ سوال بر اساس مقیاس لیکرت و یک سوال باز استفاده شده است.در این پژوهش کلیه دانشجویان سال چهارم پرستاری (تعداد ٤۰ دانشجو)شرکت کرده اند.

یافته ها: نتایج نشان می دهد در حیطه آموزشی عمده ترین مشکلات آموزش بالینی به ترتیب کمبود بحث و بررسی های تشخیصی ومراقبتی در بالین بیمار (۹۵ درصد)، فاصله بین آموزش تئوری و بالینی (۸۵ درصد)، عدم تناسب تشخیص طبی بیماران با موضوع آموزش بالینی (۸۰ درصد) می باشد.

در حیطه عوامل مربوط به استاد عمده ترین مشکلات عدم ایجاد توانایی تعیین تشخیص های پرستاری بیمار توسط مدرس(۸۰ درصد)، عدم تسلط مربیان بر نقش محوری فرآیند پرستاری در آموزش بالینی(۷۰ درصد) می باشد.

در حیطه عوامل مربوط به محیط آموزش بالینی عمده ترین عامل، کمبود بیماران با تشخیص های متناسب با دروس تئوری در آموزش بالینی (۱۰۰ درصد)، وجود ملاقاتی و همراه بیمار در ساعات آموزش بالینی (۹٤ درصد)، عدم احساس امنیت شغلی در هنگام مراقبت وانجام پروسیجرهای مراقبتی توسط دانشجو در محیط آموزشی (۸۲ درصد)، و عدم همکاری پزشکان (۷٦ درصد) ذکر گردید.

در حیطه تجهیزات عدم وجود تجهیزات مورد نیاز در آموزش بالینی ۸۲ درصد) بعنوان عمده ترین مشکلات مطرح گردید.

نتیجه گیری: مشکلات موجود در آموزش بالینی می تواند مانع از دستیابی به هدف اصلی تربیت پرستار در نظام آموزش پرستاری بالینی که یادگیری در حیطه روان حرکتی ومهارتی

می باشد، گردد. لذا ضرورت دارد مسئولین آموزش پرستاری همگام با سایر تحولات زمانی در حرفه، از مشکلات موجود در آموزش بالینی پرستاری اطلاع حاصل کرده و به رفع و اصلاح آن بپردازند تا دانشجو در محیط بالینی در حیطه مراقبت موثر از بیمار توانمند گردد.

۱۶۸. بررسی نظرات دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز نسبت به عملکرد آموزش اساتید بخش زنان و زایمان در نیمسال تحصیلی ۸۴-۸۳

طیبه مرعشی، مریم طاهره زاده ، حسین کمیلی ثانی، شهین حیدری

آدرس: اهواز، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور

زمینه و هدف: ارزشیابی یکی از اجزاء بسیار مهم چرخه آموزشی می‌باشد. در طی اجرای فرآیند آموزش مدیران و مسئولان آموزش می‌بایست در جهت طراحی روشهای علمی و مؤثر جهت ارزشیابی سیستم کوشش‌های لازمرا بکار گیرند. و از نتایج آن در جهت نیل به اهداف آموزش و ارتقاء کیفیت آموزش بهره‌برداری نمایند. یکی از متداول‌ترین روشهای ارزشیابی فعالیت‌های آموزش که تقریباً در تمام دانشگاههای معتبر دنیا انجام می‌گیرد. ارزشیابی اساتید توسط دانشجویان (STE) است. هدف از این پژوهش بررسی دیدگاه دانشجویان بخش زنان و زایمان راجع به ارزشیابی نحوه تدریس اساتید این بخش می‌باشد.

روش و ابزار: مطالعه حاضر مطالعه‌ای توصیفی است. جامعه مورد پژوهش ۳۸۲ دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اهواز بودند و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه بود. که حاوی ۱۸ سؤال بسته و با مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از یک هیچ‌وقت تا ۵ همیشه طراحی گردید. در مجموع ۳۷۱ پرسشنامه در ارتباط با ۱۹ عضو هیئت علمی بخش مربوطه توسط دانشجویان تکمیل و جمع‌آوری گردید. داده‌ها با استفاده از برنامه Spss مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

نتایج: یافته‌های پژوهش نشان داد میانگین رضایت دانشجویان در ارتباط با حضور اساتید در بخش ٤/٥٤ از ٥ می‌باشد. ۵۹/۳٪ دانشجوان در ارتباط با تشویق اساتید به یادگیری بیشتر در آنان، نظر موافق خود را اعلام نمودند. و در ارتباط با انجام ارزیابی دقیق آنان توسط اساتید ۵۵/۷٪ نظر مثبت داشتند. همچنین با استفاده از آزمون kruskal – wallis میانگین رضایت از تدریس اساتید بخش مربوطه در ارتباط با تمامی سوالات پرسشنامه با (P =۰/۰۰۰۱) معنی دار بود و ضریب همبستگی اسپیرمن نیز بین سؤالات پرسشنامه کاملاً معنی‌دار بود. (P =۰/۰۰۰۱)

۱۶۹. بررسی دیدگاه اساتید و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند نسبت به ارزشیابی استاد توسط دانشجو

دکتر مسعود ضیائی، دکتر محمد رضا میری
محمد رضا حاجی آبادی، دکتر قدسیه آذر کار

آدرس : اهواز، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: ارزشیابی را می توان به عنوان فرآیند تحلیل و کنترل طراحی شده برای تعیین ارتباط، اثر بخشی،معنی دار بودن و تأثیر فعالیتهای مشخص و درجه کار آیی که از طریق آن حاصل می شود، مورد توجه قرار داد.ارزشیابی استاد یا اعضاء هیئت علمی نوعی ارزشیابی آموزشی است که عبارت از تعیین میزان موفقیت اعضای هیئت علمی در رسیدن به هدفهای آموزشی خود که به آنان در جهت اصلاح و بهبود روشها و فعالیتهای آموزشی شان کمک می نماید و از طرفی مدیران را در جهت تصمیم گیری های معقول تر و درست تر در باره استخدام، ترفیع و ارتقاء آنان راهنمایی می نماید.بنابراین به نظر می رسد که ارزشیابی از فعالیتهای اعضای هیئت علمی اقدامی ضروری است.

روش و ابزار: در یک مطالعه توصیفی مقطعی اعضاء هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند (٦٠ نفر) و دانشجویان (۲۸۰ نفر) مورد مطالعه قرار گرفتند. نظرات آنان به وسیله دو پرسشنامه مجزا که با روایی محتوی و پایایی همسانی درونی آلفای کرونباخ تعیین گردیده بود، جمع آوری شد. داده ها بوسیله نرم افزار spss به صورت فراوانی و بکارگیری آزمون

کای اسکوئربا ۰/۰۵ = α برای مقایسه فراوانی ها تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: از مجموع ۶۰ نفر اساتید (۳۰ نفر علوم پایه، ۳۰ نفر بالینی) ۹۵ در صد اساتید از ارزشیابی خود توسط دانشجو اطلاع داشتند و نیز ۸۱/۷ در صد مسئول ارزشیابی دانشگاه را مرکز مطالعات و توسعه دانشگاه (EDC) میدانستند، همچنین ۹۱/۷ در صد اساتید باز خورد نتایج ارزشیابی خود را دریافت کرده بودند. ۳۵/۵ در صد آنان نسبت به مفید بودن اعلام نمره ارزشیابی در بهبود تدریس کاملاً موافق بوده و ۴۰ درصد معتقد بودند که تکمیل فرم ها توسط دانشجو بدون احساس مسئولیت و حوصله بوده و ۳۰ در صد تکمیل آن را بدون صداقت می دانستند.در ارتباط با دانشجویان از مجموع ۲۸۰ نفر، ۱۲/۸ در صد اعتقاد داشتند که فرم های ارزشیابی می تواند تا حد زیادی ارزیابی کننده تدریس استاد باشد، ۳۹/۳ در صد از دانشجویان فرم ها را با حوصله کافی تکمیل می نمودند و ۸۲/۹ درصد از دانشجویان معتقد بودند که به نتایج ارزشیابی خیلی کم بها داده می شود.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه ارزشیابی شیوه تدریس اساتید و و باز خورد آن به اساتید فرآیندی است با هدف بهبود تدریس و ارتقاء آموزشی آنان و همچنین ارزشیابی اساتید توسط دانشجویان رایج ترین روش ارزشیابی در دانشگاهها بوده و در حال حاضر مسأ له بحث انگیز آموزشی می باشد لذا ارائه یک سیستم آموزشی مطلوب و نحوه اجرای عادلانه و هماهنگ که رضایت اساتید را هم به دنبال داشته باشد کاملاً ضروری به نظر می رسد.

۱۷۰. بررسی میزان انطباق دانشکده پزشکی سمنان با استانداردهای فدراسیون جهانی آموزش پزشکی

معصومه صابریان، سعید حاجی آقاجانی، محمدرضا رضوانی محمد اسماعیل امین بیدختی

آدرس: سمنان ، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: فدراسیون جهانی آموزش پزشکی (WFME) یک سازمان غیردولتی است که در ارتباط با آموزش و مهارت آموزی پزشکان در تمام سطوح آموزش مقدماتی، تخصصی و آموزش مداوم و با هدف دست‌یابی به بالاترین استانداردهای علمی و اخلاقی در آموزش پزشکی فعالیت می‌نماید.

پروژه استانداردسازی WFME جهت اعتباربخشی دانشکده‌های پزشکی به منظور تضمین حداقل استانداردهای کیفیت در برنامه‌های آموزش پزشکی و ترغیب دانشکده‌ها به طراحی و تنظیم برنامه های خود به منظور تغییر و بهبود کیفیت مطابق با توصیه‌های بین‌المللی، همچنین حمایت و محافظت از حرفه پزشکی و نیروی حرفه‌ای این رشته و جهانی شدن رو به افزایش آن با استفاده از استانداردهای بین‌المللی کاملاً تعریف شده می‌باشد. این فدراسیون استانداردهای پایه در خصوص آموزش پزشکی عمومی را در ۹ حوزه و ۳۶ زیر حوزه تدوین نموده است. این تحقیق با هدف تعیین میزان انطباق دانشکده پزشکی سمنان با استانداردهای بین‌المللی WFME انجام گرفته است.

روش و ابزار: این مطالعه یک بررسی از نوع ارزشیابی درونی مبتنی بر استاندارد می‌باشد که با هدف تعیین میزان انطباق دانشکده پزشکی سمنان با استانداردهای بین‌المللی WFME ۲۰۰۳ (استانداردهای پایه) انجام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه و چک لیست بود که در مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی سمنان و با استفاده از استانداردهای بین‌المللی۲۰۰۳ WFME (استانداردهای پایه) در ۹ حوزه و ۳۶ زیر حوزه، تدوین گردیده و وضعیت موجود دانشکده را مورد بررسی قرار می‌داد. پاسخها بصورت بلی و خیر تقسیم گردیده بود. جامعه و نمونه مورد ارزشیابی را مسئولان دانشکده، اعضاء هیئت علمی، نیروهای پشتیبانی و دانشجویان تشکیل می‌دادند. به منظور گردآوری داده‌ها پژوهشگران به نمونه‌ها مراجعه و با راهنمایی سوالات پرسشنامه با آنان مصاحبه و در مواردی که پاسخ بلی بود از آنان خواسته می‌شد که مستندات لازم را ارائه دهند. برای استخراج داده‌ها اطلاعات بدست آمده مورد بررسی قرار گرفت و به پاسخهای بلی که مستندات مربوطه وجود داشت امتیاز مثبت و به پاسخهای خیر امتیاز منفی تعلق میگرفت سپس با محاسبه فراوانی مطلق و نسبی نتایج مورد قضاوت قرار گرفت.

نتایج: یافته‌ها نشان داد که دانشکده پزشکی سمنان در مجموع ۹ حوزه بمیزان ۶۰/۳۳٪ با استانداردهای بین‌المللی WFME ۲۰۰۳ مطابقت دارد که این انطباق در حوزه‌های رسالت و اهداف ۵۸/۶۶٪ در حوزه برنامه آموزشی ۷۱/۹٪ در حوزه ارزشیابی بازده آموزشی ۶۲/۵٪، در حوزه دانشجویان ۷۳/۴٪ در حوزه هیات علمی ۹۰٪ و در حوزه منابع آموزشی ۸۸٪ حوزه ارزشیابی و پایش برنامه‌های آموزشی ۴۴٪ حوزه مدیریت عالی و اجرائی ۵۰٪ و تازه سازی مداوم ۱۰۰٪ میباشد.

نتیجه‌گیری: عدم انطباق موارد مربوط به حوزه رسالت و اهداف ناشی از عدم استقلال علمی مدیریت در طراحی برنامه آموزشی، تعریف برونداد آموزشی و نظرسنجی از شاغلین و دانشجویان در خصوص ارتباط صلاحیتها و تواناییهای آنان با نیازهای جامعه می‌باشد. کسب نظرات دانشجویان در برنامه‌ریزی درسی نظرسنجی از دانش‌آموختگان در مورد مشکلات حین اشتغال به شفافیت این موضوع کمک می‌نماید در حوزه ارزشیابی بازده آموزشی تجزیه و تحلیل نتایج آزمونها جهت بررسی ارتباط بین ارزشیابی و یادگیری و میزان دست‌یابی به اهداف، توسط اساتید و گروههای همگن پیشنهاد می‌گردد. در حوزه پایش و دوره‌های آموزشی، تعیین ارتباط بین عملکرد دانشجو با برنامه آموزشی به کمک تجزیه و تحلیل داده‌های مربوطه به میانگین طول دوره، نمرات خام، میزان ردی و قبولی، میزان ترک تحصیل، توسط مدیران، EDO، گروههای آموزشی و ادرات آموزش، شناسایی نقاط قوت و ضعف برنامه را امکانپذیر می‌سازد. در حوزه مدیریت عالی و اجرایی، ارائه تعریف واضح و شفاف از رهبری علمی، استقلال در زمینه هدایت بودجه آموزشی و راهکارهای جذب، تعیین تعداد و تخصص کادر اداری جهت انجام فعالیتهای پشتیبانی متناسب با فعالیتهای آموزشی، ضروری بنظر می‌رسد. لذا با توجه به شرایطی که دانشکده پزشکی سمنان از نظر فضا، امکانات، اساتید مجرب و... دارد. با برنامه‌ریزی مناسب و اجرای بموقع آن قادر خواهد بود انطباق خود را با استانداردهای بین‌المللی WFME افزایش داده و در عرصه جهانی آموزش پزشکی حضوری موثر و فعال داشته باشد.

۱۷۱. ارزشیابی بازاندیشی مربیان دانشکده پرستاری مامایی شیراز

دکتر مرضیه معطری

آدرس: شیراز، دانشکده پرستاری مامایی حضرت فاطمه (س)

دو قطبی بودن آموزش در دو حیطه نظری و عملی در رشته‌های علوم پزشکی ضرورت بکارگیری راهبردهای موثر را برای تلفیق مفاهیم نظری در محیط بالینی روشن نموده است. یکی از راهبردهای آموزشی ارائه شده برای تلفیق مفاهیم نظری در عمل استفاده از بازاندیشی است اما معلمین رشته‌های علوم پزشکی تا چه حد با این مفهوم آشنا هستند و تا چه حد به توسعه آن در دانشجویان خود می‌پردازند.

در حال حاضر مهارتهای آموزشی بیشتر براساس تجارب شخصی حاصل می‌شود و شرکت در کارگاههای آموزشی نیز راه دیگری برای آموزش مهارتهای آموزشی مدرسین است اما سوال این است که مفهوم بازاندیشی به عنوان راهبرد موثر در یادگیری تجربی تا چه حد در این کارگاهها مور تاکید قرار می گیرد.

اطلاعات در دسترس نشان می‌دهد که برخی مدرسین رشته‌های علوم پزشکی در فعالیتهای نظری و عملی خود از log book استفاده می‌نمایند. اینگونه فعالیتها می‌تواند آغاز خوشایندی برای استفاده از بازاندیشی و توسعه تفکر انتقادی در دانشجویان باشد.

در این مقاله بازتاب آموزش بازاندیشی در دو کارگاه آموزش بالینی جهت مدرسین دانشکده پرستار و مامایی شیراز مورد تحلیل قرار می‌گیرد و باز اندیشی‌های ارائه شده براساس چارچوب Sparks langer و همکارانش ۱۹۹۰ که با استفاده از سطوح بازاندیشی ارائه شده توسط Van Menen، روانشناسی شناختی و نظریه یادگیری تجربیKolb تدوین شده است مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۱۷۲. بررسی یک استاد خوب از دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

علیرضا احتسابی، زهرا مشیری، رحیم بقایی

آدرس: ارومیه، خیابان بسیج، دانشکده پرستاری و مامایی

زمینه و هدف: مطابق دیدگاه طراحی سیستماتیک آموزشی، استاد اساسی ترین عامل برای ایجاد موفقیت مطلوب در تحقق هدفهای آموزی است. اوست که می‌تواند حتی نقص کتابهای درسی و کمبود امکانات آموزشی را جبران کند یا برعکس بهترین موفقیت و موضوع تدریس را با علوم توانایی در ایجاد ارتباط عاطفی مطلوب به محیط غیرفعال و غیر جذاب تبدیل کند. این مطالعه به منظور تعیین ویژگی‌های یک استاد خوب از دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه انجام گردید.

روش و ابزار: این پژوهش یک مطالعه توصیفی است و جامعه پژوهش را ٦٦ نفر از دانشجویان رشته پزشکی در مقطع علوم پایه تشکیل می‌داد وسیله گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه می‌باشد که در چهار قسمت تنظیم شده است: قسمت اول حاوی ۳ سوال مربوط به مشخصات فردی، قسمت دوم مهمترین ویژگیهای یک استاد خوب در بعد شایستگی حرفه‌ای (۸ سوال)، شایستگی آموزشی (۸ سوال) و شایستگی شخصیتی (۷ سوال) تشکیل می‌داد، داده‌های جمع آوری شده با روشهای آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: نتایج نشان داد مهمترین ویژگی‌های یک استاد خوب در بعد شایستگی حرفه‌ای به ترتیب ٥٤/٥٪ ارائه مطالب به صورت کاربردی، ٤٨/٥٪ بحث با دانشجو در کلاسی در خصوص موضوع آموزشی، ٣٩/٤٪ ارائه مطالب دریک نظم منطقی و توانایی لازم در خصوص زمان عدم درک مطلب از طرف دانشجو، ٣٦/٤٪ استفاده از وسایل آموزشی و ٣٣/٣٪ دارای توانایی تعامل با دانشجو و در بعد شایستگی آموزشی، ٦٦/٧٪ تسلط و آگاهی بر موضوع درسی، ٥١/٥٪ داشتن ازاطلاعات عمومی، ٤٤/٤٪ توجه خاصی به مفاهیم ضروری مورد نیاز در درس، ٣٩/٤٪ داشتن طرح درسی و ٣٦/٤٪ داشتن تجربه در امر تدریس و در بعد شایستگی شخصیتی، ٨١/٥٪ مودب، صمیمی بودن و احترام به دانشجو، ٦٦/٧٪ ظاهر آراسته، ٥٩/٣٪ بیان شیوا درس در تدریس و انتقادپذیری بودن و ٤٦/٣٪ قاطع بودن و دارای خلاقیت را ذکر نمودند.

نتیجه گیری: شناسایی ویژگیهای خوب به مسئولین و اساتید کمک می‌کند، تا استاد را از دریچه دانشجو ببینم و با ارائه برنامه مناسب در تنظیم فعالیت های تدریسی و ارزیابی آموزشی تصمیمی آگاهانه بگیریم.

۱۷۳. بررسی میزان رضایت دانشجویان کارآموز وکارورز از نحوه آموزش بالینی اساتید مراکز آموزشی درمانی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

رحیم بقایی، زهرا مشیری، داوود خورشیدی

آدرس: ارومیه، خیابان بسیج، دانشکده پرستاری و مامایی

زمینه و هدف: برای ارتقاء کیفیت آموزش بالینی،شناخت مشکلات در وضعیت موجود و بکارگیری راهکارهای مناسب امری ضروری است. ارتقاء کیفی آموزش بالینی موجب خواهد شد که فرد آموزش گیرنده بتواند مطالب را به صورت عملی بر بالین بیمار به فعل تبدیل کند. این مطالعه به منظور تعیین میزان رضایت دانشجویان کارآموز و کارورز از نحوه آموزش بالینی اساتید در بخشهای داخلی مراکز آموزشی درمانی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه انجام گرفت.

روش و ابزار: این پژوهش یک مطالعه توصیفی است و جامعه پژوهش را ۱۲۰ نفر از دانشجویان کارآموز و ۱۱۰ نفر از دانشجویان کارورز تشکیل می‌داد. وسیله گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه می‌باشد که در دو قسمت تنظیم شده است: قسمت اول ۷ سوال مربوط به مشخصات فردی و قسمت دوم ۲۱ سوال در ارتباط با میزان رضایت دانشجو از نحوه آموزش بالینی و سه سوال باز تشکیل می داد. داده‌های جمع آوری شده با روش‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: نتایج نشان داد که ٥٠/٥٪ دانشجویان کارآموز از توجه اساتید به حضور دانشجو در بخش، ٤٤/١٪ در نحوه پاسخگویی اساتید به سوالات، ٣٢/٣٪ نسبت به حفظ شخصیت توسط اساتید داخلی و کاملاً داخلی، ٦٥/٦٪ نقش اساتید در ایجاد انگیزه، ٦٢/٤٪ از ساعات حضور اساتید در بخش،٥٩/١٪

از نحوه برقراری ارتباط اساتید نسبتاً راضی، ۵۹/٤٪ از نقش رزیدنتها در امر آموزش، ۳٦/۹٪ از تناسب بین انتخاب بخش و اهداف آموزش بالینی، ۳٤/۸٪ از نحوه آموزش نسبت به افزایش مهارت های دانشجو در گرفتن شرح حال، معاینات فیزیکی problem list، ۳۸/۹٪ از مشارکت آنان در مباحث علمی مورنینگ رپورت و ۳٤/۸٪ از استفاده از وسایل کمک آموزشی در امر آموزشی، ٤۳٪ از شرکت در کلیه اساتید در راند و گراند راند ناراضی و خیلی ناراضی بودند.

اکثریت ٤۵/۵٪ دانشجویان کارآموز از نحوه پاسخگویی اساتید به سوالات داخلی، ۵۱/۱٪ از ارزشیابی بالینی بر اساس اهداف آموزشی نسبتاً راضی، ٦۰٪ نقش رزیدنت در امر آموزش و ۳۹/۸٪ از نقش اساتید در ایجاد انگیزه در دانشجو، ۲۹/۹٪ از مشارکت دانشجویان در مباحث علمی و ۲۹٪ در استفاده از وسایل کمک آموزشی و ۲٦/۱٪ از شرکت کلیه اساتید در راند و گراند راند ناراضی و خیلی ناراضی بودند.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان داد عدم بیان اهداف آموزشی، ارزیابی نکردن دانشجویان براساس اهداف نقش رزیدنتها در امر آموزش استفاده کمتر از وسایل کمک آموزشی در مورنینگ رپورت، عدم حضور اساتید در راند و گراند راند، ساعات حضور اساتید در بخش ها از عوامل عمده نارضایتی دانشجویان می‌باشد. ضروری است جهت رفع مشکلات دانشجویان و کاهش اضطراب اهمیت موضوع بیش از پیش مورد توجه مسئولین آموزشی قرار گیرد.

۱۷٤. بررسی وضعیت آموزش بالینی در مقطع کارورزی در بیمارستان آموزشی درمانی دکتر شریعتی فسا

دکتر مسعود حسین زاده ، مریم فیروزی ، دکتر محمد حسن حورنگ ، دکتر علیرضا توسلی، عبدالرضا جلادت

آدرس: فسا، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: انجام ارزیابیهای منظم، پویا و سیستماتیک از اصولی ترین اقدامات نظارتی در جهت ارتقای وضعیت موجود آموزش می باشد این مطالعه بر آن است تا آموزش بالینی در مقطع کارورزی که یکی از مراحل مهم آموزش پزشکی می باشد را از جهات مختلف مانند آموزش در مانگاهی، وضعیت راندهای آموزشی، کنفرانسهای بالینی، وضعیت ثبت و ضبط پرونده بیماران، اهداف آموزشی و نحوه ارزیابیهای آخر بخش مورد بررسی قرار دهد.

روش و ابزار: پس از بررسی کامل متون علمی و دستورالعملهای مربوط به ارزیابیهای درونی، پرسشنامه های کامل و جامعه ای تهیه گردید. و در طی مدت سه ماه از کلیه بخشهای بالینی و در درمانگاهها بازرسی به عمل آمده است، مواردی که نیاز به مدارک مخصوص داشته اند.پس از مشاهده مدارک مربوط علامت گذاری شده و در مواردی که نظر خواهی لازم داشته اند پس از کسب نظر کارورز، استد مربوطه و پرستاران بخش تصمیم گیری شده و ثبت گردیده است. پس از جمع آوری داده ها توسط برنامه نرم افزاری آمار تجزیه و تحلیلهای لازم انجام گرفته است.

نتایج: بررسی داده ها نشان می دهد در مقطع کارورزی آموزش درمانگاهی و کنفرانسهای بالینی چه از نظر کمی و چه از لحاظ کیفی وضعیت مطلوبی داشته اند. در مورد کیفیت راند های آموزشی و نحوه مشارکت کارورزان در بحثهای علمی اشکالاتی وجود داشته و وضعیت فاکتورمذکورمتوسط بوده. همچنین ثبت وضبط ورعایت قواعدپرونده نویسی بیماران اشکالات عدیده ای داشته وبطورکلی درتمام بخشها بخصوص بخشهای داخلی و جراحی وضعیت نا مطلوب داشته است.

نتیجه گیری: ارزیابی وضعیت آموزش بالینی در مقطع کارورزی نشان می دهد اگر چه آموزش در مانگاهی و کنفرانسها وضعیت مطلوبی داشته اند لیکن در مورد راند های آموزشی و بخصوص ثبت و ضبط پرونده ها وضعیت شایسته ای وجود نداشته است.

۱۷۵. بررسی میزان صلاحیتهای بالینی پرستاران تازه‌کار

نسرین جعفری گلستان

آدرس: تهران ، خیابان شریعتی، دانشکده پرستاری ارتش

زمینه و هدف: نهایت هدف پرستاری، تأمین بهبودی و سلامت برای مددجویان از طریق ارائه مراقبت‌ها با کیفیتی در حد مناسب میباشد و این در حالی است که پرستاران تازه‌کار، پس از فارغ‌التحصیل شدن، در محیط‌های بالینی رها شده و دچار تردید، دودلی و سردرگمی می شوند،همچنین پرستاران تازه

کار همسو با اهداف سازمانها نیستند عدم توانمندی پرستاران تازه‌کار در ارائه ماراقبتهای بالینی و ایفای بهینه نقش های حرفه‌ای،نیازمند مسئولیت پذیری مدیران است لذا بدیهی است اگر پرستاران مراقبتهای پرستاری را بر اساس استانداردهای حرفه‌ای خود ارائه دهند و به عبارتی از صلاحیت بالینی مناسب برخوردار باشند، به ندرت نگران دادگاه و تخلفات حرفه‌ای خواهند بود. لذا این مطالعه جهت تعیین میزان صلاحیت بالینی پرستاران تازه کار انجام شده است.

روش و ابزار: این مطالعه توصیفی بوده و میزان صلاحیت بالینی پرستاران تازه کار با مشاهده عملکرد مراقبتی آنها برای ۷۲ بیمار در بخش های داخلی جراحی اندازه‌گیری شده است.

نتایج: نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که صلاحیت بالینی پرستاران تازه کار در حیطه‌های ارتباط با بیمار، شناختی و عملکرد بالینی در اجرای پروسیجرهای تخصصی و عمومی در کلیه بخش‌های مورد مطالعه ر سطح ضعیف است در بررسی ارتباط میان کل صلاحیت‌های بالینی پرستاران تازه کار، به ویژه مهارت های ارتباطی و شناختی آنان و ویژگی‌های دموگرافیک بیماران (سن، جنس، وضعیت تاهل و نوع بیماری) رابطه معناداری دیده نشد.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که پرستاران تازه کار در بدو ورود به محیط‌های واقعی بالینی، فاقد صلاحیتهای بالینی متناسب با نیازهای محیط های بالینی می‌باشند، لذا کیفیت مراقبتهای پرستاری درسطح نامطلوب ارائه می‌شوند پرستاران تازه‌کار به نیازهای فردی و اصول روانشناختی مددجویان در ارائه مراقبتها توجهی ندارند پرستاران تازه کار در محیط های بالینی فاقد راهنمایی عملکردی و استانداردهای حرفه‌ای مراقبتی مطابق با نیازهای محیط می‌باشند

۱۷۶. وضعیت آموزش مهارتهای بالینی پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی بیرجند از دیدگاه دانشجویان

دکتر طوبی کاظمی، محمد رضا حاجی آبادی، دکتر بهاره فروزش

آدرس: بیرجند، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی

زمینه و هدف: یادگیری مهارتهای بالینی در بخش آموزش بالینی فرصتی را برای دانشجویان پزشکی فراهم میکند تا مهارتهای بالینی خود را در یک موقعیت اموزشی شبیه سازی شده که برای یادگیری تعدادی از مهارتهای اساسی طراحی و تجهیز شده است از طریق تمرین بر روی مانکن‌ها و تجهیزات متصل به آنها در مرکز مطالعه تعیین وضعیت آموزش و یادگیری مهارتهای بالینی در دانشجویان پزشکی (دوره استاژری و انترنی) براساس رویکرد خود سنجی میباشد.

روش و ابزار: این مطالعه به روش توصیفی – مقطعی و از طریق پرسشناه حاوی سئوالاتی در باره ۸ مهارت بالینی شایع صورت گرفت جهت تهیه پرسشنامه تعدادی از مهارتهای عملی شایع از منابع موجود استخراج گردید و سپس جهت تعیین روایی پرسشنامه از سه گروه افراد شامل تعدادی از اساتید، پزشکان عمومی و دانشجویان پزشکی نظر خواهی شد و مهارتهای مسئول را در سه سطح ضروری در امر آموزشی، متوسط و غیر ضروری مشخص نمایند سپس مهارتهایی که در سه گروه مشترکند در حد ضروری تشخیص دادند (۸ مهارت) به عنوان سئوالات پرسشنامه مطرح گردید. در مرحله بعد با استفاده از پرسشنامه نظر دانشجویان کارورز و کارآموز دانشگاه که بخشهای اصلی را گذرانده بودند در مورد آموزش عملی، میزان توانایی و نحوه یادگیری، هر یک از مهارتها مورد سئوال قرار گرفت . پس از تکمیل پرسشنامه و کد گذاری بر روی آنها اطلاعات جمع‌اوری وارد کامپیوتر و توسط نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: در مجموع ۹۰ نفر از دانشجویان در مطالعه شرکت کردند که شامل ٤۹ نفر کارورز و ٤۱ نفر استاژ بودند نظر خواهی نشان داد از میان ۸ مهارت بالینی ۲۲/۷ درصد کارورزان این مهارتها را در مرکز مهارتهای بالینی و بقیه افراد این مهارتها را به صورت شخصی و یا با کمک سایر دانشجویان و دیگر عرصه‌های آموزشی آموخته‌اند و ۳۳/۳ درصد اظهار داشتند این آموزش در مرکز مهارتهای بالینی توسط پزشکان متخصص و افراد صلاحیت دار انجام گرفته است. یافته ها همچنین نشان داد بیشترین میزان کارایی مربوط به مهارت CPR (۸۹/۸٪) و کمترین کارایی مربوط به Tap پلور (۳٤/۳٪) و در مورد نحوه انجام مهارتها به طور مستقل فقط (۲۵/۵٪) می‌توانند این مهارتها را به تنهایی انجام دهند که بیشترین درصد مربوط به Tap پریتوان (۳۹/٦٪) و LP (٦۸/۷٪) و کمترین آن مربوط به CPR (۱۸/۷٪) میباشد

نتیجه گیری: یافته ها نشان می دهد آموزش عملی مرکز مهارتهای بالینی با وضعیت مطلوب فاصله زیاد دارد و درصد

بالائی از دانشجویان (۷۷/۳٪) مهارتهای ضروری را از افراد صلاحیت دار و در مرکز مهارتهای بالینی فرا نگرفته اند و در نهایت درصد بالائی از دانشجویان اظهار داشته اند در صورت لزوم قادر به انجام بعضی از این مهارتها که در بسیاری موارد نیاز جهت جان بیماران است نمی باشند. بطورمثال ۵۰٪ دانشجویان قادر به انجام CPR نیستند. یافته ها بوضوح ضعف آموزش مهارتهای عملی در مرکز مهارتهای بالینی را نشان میدهد. بررسی مطالعات مشابه سایر دانشگاهها نیز نتایج تقریبی مشابهی را نشان می دهد. بدون شک بهبود این وضعیت نیاز برنامه ریزی و فعال نمودن مرکز مهارتهای بالینی را دارد. و همکاری مسئولان جهت برنامه های آموزش در نظر گرفتن کارگاههای آموزشی مهارتهای بالینی بصورت اجباری برای دانشجویان ، توجه بیشتر به فعالیتهای بخش مهارتهای بالینی و افزودن یک واحد درسی با عنوان آموزش مهارتهای بالینی و استفاده از تجربیات آموزشی دانشگاهی سایر کشورها می تواند راهکارهایی مناسب برای حل این مشکل باشد.

۱۷۷. ارزیابی یک ارزیابی: آیا اجرای ارزیابی درونی درگروههای آموزشی منجر به تغییرات مطلوب در روند آموزش گردیده است؟

عبدالحسین شکورنیا، محمد اسماعیل مطلق، نادر ستایش فر احمد فخری، علیرضا ملایری

آدرس: اهواز ، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: یکی از روش های ارزیابی هر برنامه می تواند بررسی نظرات صاحبان اصلی آن برنامه می باشد. اینان از روند پیشرفت برنامه و میزان تحقق اهداف بهتر از هر کس دیگری اطلاع دارند و قطعا قضاوت های آنان در کشف نقاط ضعف و قوت و اصلاح برنامه موثر خواهد بود .طرح ارزیابی درونی در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز از سال ۱۳۷۵ با گروه داخلی آغاز وسپس در سا لهای بعد در تعداد دیگری از گرو های آموزشی نیز به اجرا در آمد و تا سال ۸۳ طرح در ۲۵ گروه آموزشی دانشگاه بطور کامل به اجرا در آمد. هدف غائی اجرای طرح ارزیابی درونی در دانشگاه بهبود کیفیت آموزش اعلام گردیده است. اما آیا این هدف تحقق یافته است. مجریان طرح بهترین پاسخ دهنده به این پرسش هستند. هدف این مطالعه ارزیابی نظرات و دیدگاه های مجریان طرح ارزیابی درونی در دانشگاه بوده است.

روش و ابزار: پرسشنا مه ای مشتمل بر ۱۵ سئوال بسته و یک سئوال باز و متشکل از دو بخش، یک بخش در ارتباط با میزان موفقیت طرح در دانشگاه و بخش دوم در ارتباط با نحوه اجرای طرح در گروه تهیه و بعد از انجام روایی و پایایی جهت تمامی مجریان طرح در دانشگاه ارسال گردید.۲٤ پرسشنامه از ۲۵ پرسشنامه توزیع شده توسط مجریان طرح تکمیل و عودت داده شد. (یکی از مجریان طرح در مأموریت آموزشی بودند). اطلاعات جمع آوری شده با نرم افزار spss تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: ٤۵/۸ درصد جامعه مورد مطالعه زن و ۵٤/۲ درصد مرد بودند. ۹۵/۸ درصد مجریان طرح ارزیابی درونی را یک حرکت مثبت و مفید ارزیابی می نمایند. اما ۸۳/۳درصد اعتقاد دارند که ارزیابی درونی تا حدودی توانسته است به اهداف خود برسد.٤۳/۵ درصد مجریان طرح از میزان مشارکت اعضاء گروه در اجرای طرح رضایت دارند.و تنها ۳۳/۳ درصد میزان نهادینه شدن طرح را در گروه خوب ارزیابی نموده اند. بین نظرات زنان و مردان مجری طرح ارزیابی درونی تفاوت معنی دار آماری مشاهده نشد.

نتیجه گیری: علیرغم نگرش مثبت اساتید و مجریان طرح بنظر می رسد اجرای طرح هنوز نتوانسته است به اهداف کامل خود در ایجاد تغییرات مطلوب نائل شود. فلذا پیشنهاد میشود ضمن ارزیابی های بیشتر و تشکیل جلسات منظم با مجریان طرح و مدیران گروههای مجری طرح ارزیابیهای دقیق تری بعمل آید.

۱۷۸. بررسی نظرات اعضاء هیئت علمی بالینی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد از فرم ارزشیابی و ارائه راهکارهای جدید

حسین کریمی، حسین هادی ندوشن محمد حسن احرامپوش، حسین عقیلی

آدرس: یزد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی

زمینه و هدف: ارزشیابی از کیفیت کار اساتید به صورت رسمی و غیر رسمی مدت های مدیدی است که مورد توجه

محققان قرار دارد امروزه به علت کیفیت تدریس اعضاء هیئت علمی هنگام اتخاذ تصمیم در مورد انتخاب، گزینش، تداوم اشتغال به کار و ارتقاء آنان مورد توجه قرار می گیرد. یکی از مهمترین ابزارها برای تعیین موقعیت تدریس مدرسین دانشگاه استفاده از قضاوت دانشجویان با استفاده از مقیاس های مدرج و پرسشنامه های نظر سنجی است.

روش و ابزار: این پژوهش به روش سرشمار ی و از نوع توصیفی ـ تحلیلی بر روی ۱٤٥ نفر عضو هیئت علمی بالینی (۷۳٪ مرد و ۲۷٪ زن) صورت گرفت. ابتدا فرم ارزشیابی دانشجو از استاد، وزارت بهداشت و درمان به اعضاء هیئت علمی ارجاع و نظرات آنان دررابطه با فرم مربوطه جویا شدیم.سپس از طریق فن دلفی و Item bank، Data Base وبا استفاده ا ز مقایس لیکرت ویژگیهای اعضاء هیئت علمی را به چهار دستهٔ (علمی، حرفه ای، ارتباطی و شخصیتی) تقسیم گردید و برای هر کدام از این ویژگیها شاخصهای مورد نظر مشخص گردید.

نتایج: این تحقیق روی تعداد ۱٤٥ نفر عضو هیئت علمی بالینی انجام گرفت (۷۳ درصد مرد ۲۷ درصد زن). در مجموع ۸۲/٦٪ به فرم موجود ارزشیابی دانشجو از استاد اعتراض داشتند و معتقد بودند که ملاک های مورد ارزشیابی عینی نیستند و بسیاری از دانشجویان به خاطر بعضی از مسائل از این فرم به عنوان تسویه حساب استفاده می کنند. ۸۹/۹٪ اعضاء هیئت علمی یکی از راههای ارزشیابی از استاد را دانشجو دانستند ولی راههای دیگر مانند ارزشیابی از خود، ارزشیابی همکار از همکار به عنوان راههای تکمیلی نام بردند. ۷۲/٦٪ افراد مورد پژوهش تنها ملاک مورد نظر ویژگیهای علمی خصوصاً تسلط علمی جهت ارزشیابی دانشجو مهم دانستند و ۵۹/٦٪ سنجش ویژگیهای ارتباطی وشخصییتی استاد را در قلمرو دانشجویان نمی دانستند. ۸۱٪ زنان مورد پژوهش ویژگیهای ارتباطی و شخصیتی را در فرم ارزشیابی دانشجو از استاد مؤثر می دانستند. اعضاء هیئت علمی با سابقه بالای ۲۰ سال اعتقاد کمتری نسبت به این فرم داشتند در ضمن ارتباط رشته تخصصی با ملاک های مورد ارزیابی مورد بررسی قرار گرفت که رابطه معنی داری وجود نداشت. ($P< ۰/۰۵$).

نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش و اهمیت ارزیابی تدریس اعضاء هیئت علمی توصیه می شود فرمهای ارزیابی دانشجو از استاد مورد بازنگری جامع قرار گیرد و حتی المقدور ملاک های مورد ارزشیابی ملاک های عینی خصوصاً مسائل علمی و تخصصی مورد ارزیابی قرار گیرد. در ضمن جهت کاهش سلیقه های شخصی دانشجویان توصیه می شود از روشهای دیگر ارزشیابی در ارزیابی از استاد مورد توجه قرار گیرد.

۱۷۹. بررسی مشکلات آموزش بالینی و ارائه راه حل ها از دیدگاه دانشجویان پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال تحصیلی ۸۳-۸۲

طاهره یعقوبی، فاطمه سالمه، فرحناز گل محمدی، فرخنده وزیری

آدرس: ساری . دانشکده پرستاری و مامایی نسیبه

زمینه و هدف: تقریباً ۵٪ از زمان در دانشکده های پرستاری و مامایی به آموزش بالینی اختصاص دارد. از این رو کارآموزی های بالینی اهمیت جیاتی در شکل دهی هویت حرفه ای دارد به گونه ای که آموزش بالینی قلب آموزش حرفه ای در پرستاری و مامایی نامیده می شود. آموزش بالینی فراگیری است که در آن دانشجویان با حضور بیمار و به صورت تدریجی تجربیاتی کسب می کنند و ذهن خود را با استفاده از تجربیات و استدلات منطقی برای حل مشکلات بیمار آماده می کنند. برای دستیابی به آموزش بالینی کارآمد لازم است وضعیت موجود آموزش به صورت مستقر ارزیابی گرددنقاط قوت و ضعف آن شناسایی شود. به منظور شناخت وضعیت آموزش بالینی و نیل به ازتقاء کیفیت آموزش، بررسی نظرات فراگیران اهمیت ویژه ای دارد.

روش و ابزار: مطالعه به صورت توصیفی طرح ریزی شد ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بود. اعتبار و پایانی پرسشنامه قبلاً تایید شده بود. روش نمونه گیری به صورت سر شماری بود. و میزان پاسخ گویی دانشجویان ٤۳٪ بود. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی استفاده گردید.

نتایج: مهمترین مشکلات مطرح شده از جانب دانشجویان به صورت خیلی مهم موارد زیر بوده است: مناسب نبودن مدت زمان کارآموزی (٥٤٪) ایجاد اضطراب توسط مربی (۹۰٪) نداشتن انگیزه برای اشتغال در حرفه در آینده (۷۲٪) عدم شناخت جامعه و بیماران از حرفه پرستاری (٦۳٪) ضعف در

همکاری و هماهنگی پرسنل با مربی (٤٥٪) عدم علاقه به رشته پرستاری (٤٥٪) و مهمترین راه حل ها مطرح شده از سوی دانشجویان پرستاری به صورت با اهمیت موارد زیر می باشد تعیین شرح وظایف دانشجویان در بخش (٦٣٪) برگزاری جلسه توجهی در ابتدای کارآموزی (٥٤٪) استقلال کار دانشجو در بخش (٩٠٪)، تدریس دروس نظری قبل از کارآموزی مربوطه (١٠٠٪) انتخاب اساتید در بخش با توجه به سابقه کار(٥٤٪) بکار گیری پرسنل مجرب بیمارستان به عنوان همکار آموزش بالینی (٧٢٪) تجدبد نظر روی رفتار کارکنان و مربیان با دانشجویان (٩٠٪)

نتیجه گیری: با شناخت مشکلات آموزش بالینی مسئولین قادر خواهند بود که برنامه های آموزشی مطلوب را طرح ریزی کنند و سبب ارتقاء در کیفیت آموزش بالینی گردند. ارزیابی نقطه نظرات دانشجویان امر بسیار مهمی در تغییر فرآیند آموزش می باشد. ایجاد انگیزه و علاقه در دانشجویان نسبت به رشته تحصیلی،امر بسیار مهمی در کیفیت بادگیری دانشجویان در مهارت های بالینی می باشد.

۱۸۰. بررسی مشکلات آموزش بالینی و ارائه راه حل ها از دیدگاه دانشجویان پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال تحصیلی ۸۳-۸۲

طاهره یعقوبی، فاطمه سالمه، فرحناز گل محمدی، فرخنده وزیری

آدرس: ساری ، دانشکده پرستاری و مامایی نسیبه

زمینه و هدف: هدف نهایی آموزش پزشکی کسب مهارت های بالینی در دانشجویان پزشکی است. آموزش بالینی فرآیندی است پیچیده که تحت تاثیر عوامل و متغیرهای زیادی قرار می گیرد. دوره آموزش بالینی از مقاطع مهم آموزش پزشکی است که طی آن توانمند یهای اولیه حرفه ای دانشجویان پایه ریزی می شود. برای دستیابی به آموزش بالینی مطلوب، لازم است وضعیت موجود آموزش به صورت مستقر ارزیابی گردد و تماما قوت و ضعف آن شناسایی شود. یکی از راههای بسیار مهم و خوب شناسایی مشکلات آموزش بالینی و ارائه راه حل ها از نقطه نظر آموزش گیرندگان می باشد شناخت مشکلات موجود در برنامه ریزی آموزشی از دید دانشجویان در ارتقاءکیفیت آموزش بالینی مهم است.

روش و ابزار: تحقیق به صورت توصیفی طرح ریزی شد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بود. اعتبار و پایانی پرسشنامه قبلاً تایید شده بود. روش نمونه گیری به صورت سرشماری بوده و میزان پاسخ گویی دانشجویان ۳۹٪ میباشد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی استفاده گردید.

نتایج: مهمترین مشکلات آموزش بالینی مطرح شده از طرف دانشجویان که خیلی مهم در نظر گرفته شد، شامل موارد زیر بوده است عدم هماهنگی بین دروس تئوری و عملی (٤٥٪)، کمبود امکانات ووسایل لازم برای انجام مراقبت و درمان ۳۰٪ عدم ارائه طرح درس و شرح وظایف و انتظارات در روز اول کارآموزی (۳۰٪)نامناسب بودن شیوه ارزشیابی (۳٪) عدم علاقه به حرفه پزشکی (۳۰٪) عدم آشنایی با مهارت های بالینی قبل از ورود به بخش (٤٠٪) و بهترین راه حل های مطرح شده از سوی دانشجویان جهت رفع مشکلات آموزش بالینی که با اهمیت در نظر گرفته شد شامل موارد زیر بوده است بازدید مسئولین از مراکز آموزش قبل از شروع ترم (٥٠٪) تعیین شرح وظایف دانشجویان در بخش های مختلف (٦٥٪) برگزاری جلسه توجهی در ابتدای کارآموزی (٧٠٪) روزآمد بودن اطلاعات اساتید بالینی (٦٠٪)در اختیار گذاشتن امکانات آموزش و بهداشتی برای دانشجویان ٦٥٪) استقلال کاری دانشجو در بخش (٥٠٪)

نتیجه گیری: با شناخت مشکلات آموزش بالینی مسئولین قادر خواهند بود که برنامه های آموزشی مطلوب را طرح ریزی کنند و سبب ارتقاء بر کیفیت آموزش بالینی گردند. ارزیابی نقطه نظرات دانشجویان امر بسیار مهمی در تغییر فرآیند آموزش می باشد. برگزاری جلسات توجهی، تدوین طرح درس جهت آموزش بالینی و ایجاد انگیزه در دانشجویان جهت فراگیری مهارت های بالینی سبب افزایش کیفیت آموزش بالینی خواهد شد.

۱۸۱.مقایسه مشکلات آموزش بالینی از دیدگاه مربیان و دانشجویان سال چهارم پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایران

معصومه فرج الهی، ربابه شکرآبی

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی ایران ، دانشکده پرستاری و مامایی

زمینه و هدف: آموزش بالینی بخش مهمی از نظام آموزش پرستاری است که طی آن دانشجویان پرستاری مهارت های لازم جهت مراقبت از بیماران را کسب می‌کنند. وجود مشکلات متعدد در بخش آموزش بالینی می‌تواند بر کیفیت این آموزش اثرات منفی داشته باشد. هدف از این پژوهش مقایسه مشکلات آموزش بالینی از دیدگاه مربیان و دانشجویان سال چهارم پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایران می باشد.

روش و ابزار: مطالعه انجام شده از نوع توصیفی- مقایسه‌ای است که در آن مشکلات آموزش بالینی از دیدگاه مربیان و دانشجویان پرستاری مورد بررسی و مقایسه قرارگرفت. نمونه پژوهش شامل تمامی ۵۰ مربی پرستاری با مدرک کارشناسی ارشد که در بخش‌های بالینی بیمارستانهای آموزشی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی ایران مشغول آموزش بودند و ۱۶۵ دانشجوی پرستاری سال چهارم دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایران در سال ۱۳۸٤ که از بین ۱۷۵ نفر به صورت سرشماری حاضر به شرکت در مطالعه و تکمیل پرسشنامه شدند.

نتایج: براساس یافته‌ها مهم‌ترین مشکلات آموزش بالینی از دیدگاه مربیان پرستاری عبارت بودند از: فقدان یا کمبود امکانات آموزشی و رفاهی برای دانشجویان در محیطهای بالینی (۲۲ در صد)، تفاوتهای موجود بین اهداف آموزشی کارآموزی و انتظارات بخش از دانشجو (۱۸ درصد) و کثرت تعداد دانشجویان موجود در بخش (۱٤درصد). عمده‌ترین مشکلات آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری عبارت بودند از: ناهماهنگی بین آموخته‌های نظری و کارهای عملی (۱٦/٤ درصد)، تفاوتهای موجود بین اهداف آموزشی کارآموزی و انتظارات بخش از دانشجو (۱٤/٥ درصد) و عدم استفاده از فرایند پرستاری در مراقبت‌های بالینی (۱۳/۹ درصد).

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌ها، مشکلاتی در بخش آموزش بالینی پرستاری وجود دارد که برخی از آنها هم از دیدگاه مربیان و هم از دیدگاه دانشجویان در اولویت می‌باشند. لذا توصیه می‌شود که تحقیقات بیشتری در این زمینه انجام گیرد تا مسئولان محترم برنامه‌ریزی آموزشی با آگاهی بیشتری و براساس نیاز فراگیران برای آموزش بالینی کشور تصمیم بگیرند.

۱۸۲. خصوصیات استاد ایده‌ال از دیدگاه دانشجویان پرستاری

فاطمه سالمه، طاهره یعقوبی، محبوبه یعقوبیان

آدرس: ساری ، دانشکده پرستاری و مامایی نسیبه

زمینه و هدف: آموزش پزشکی بخشی از نظام آموزش عالی است که با حیات انسانها سر و کار دارد لذا با توجه به جنبه‌های کمی و کیفی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و هدف آن تربیت افراد کارآمد و شایسته است. استاد یک مهره مهم در آموزش دانشجو می‌باشد.

روش و ابزار: این مطالعه یک پژوهش توصیفی است که با هدف تعیین خصوصیات ایده‌ال از دیدگاه دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری مامایی ساری بعمل آمد. در این مطالعه ٦۰ نفر از دانشجویان روزانه و شبانه که حداقل سابقه سه ترم تحصیل داشتند انتخاب گردید سپس اطلاعات از طریق پرسشنامه کسب گردید، محاسبات آماری داده‌ها با استفاده از راهنمای برنامه نویسی SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش نمونه‌گیری بطور تصادفی بود.

نتایج: نتایج بدست آمده نشان داد که ٥۹/٤ درصد از دانشجویان به رشته تحصیلی علاقه داشتند و همچنین ٦۷/٥ درصد آنها اعتقاد داشتند که یک استاد باید توانایی کنترل و اداره کلاس را داشته باشد فقط ۳٥/٦ درصد آنها رعایت نظم و تربیت را از سوی دانشجو بسیار مهم دانستند و ۹۱/۸ درصد بیان خوب استاد را مهم دانستند. ۸۱ درصد آنها اعتقاد داشتند که یک استاد خوب باید در بیان مطالب درس تسلط داشته باشد. ٦۷/٥ درصد انتظار نحوه برخورد محترمانه از استاد داشتند. همچنین ۷۰/۲ درصد آنها استفاده از مثالهای روشن و واضح جهت ارائه بهتر مطالب را بسیار مهم دانستند.

نتیجه‌گیری: امید است نتایج بدست آمده راهگشای اساتید پرستاری در جهت تدریس موثر و مفید باشد تا از این را بتوان پرستاران آینده را خوب تربیت نمود و گامی موثر در ارتقای سلامت جامعه برداشته شود.

۱۸۳. بررسی میزان اجرای طرح درس از نظر دانشجویان دانشکده‌های پیراپزشکی و پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی کاشان

مهرداد مهدیان، دکتر زریچهر وکیلی، دکتر رضوان منیری دکتراکبر علی اصغرزاده، معصومه حسینیان فرزانه صابری، صدیقه میران‌زاده

آدرس: کاشان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: از آنجایی که درس به عنوان یک توصیف کتبی فرآیند تدریس می‌تواند نقش بسزایی در کمک به دانشجویان در پاسخ به سئوالات آنان در باب انتظاراتی که از آنها می‌رود، چیزهایی که باید یاد بگیرند، روشهای تدریس مورد استفاده برای آنها، چگونگی ارزشیابی، عرصه و زمان آموزش داشته باشد بر آن شدیم که با انجام این مطالعه دیدگاه دانشجویان را نسبت به طرح درس و نظرات آنان را نسبت به برآورده شدن نیازهای فوق بسنجیم.

روش و ابزار: در این بررسی توصیفی تعداد ۲۲۷ نفر از دانشجویان مقاطع کارشناسی پرستاری، مامایی، مدارک پزشکی و کاردانی هوشبری و اتاق عمل شرکت داشتند ابزار مطالعه پرسشنامه‌ای حاوی ۱٤ سئوال (۲ سئوال تشریحی) در ارتباط با نقش طرح درس در کمک به یادگیری، مزایای طرح درس و نحوه اجرای طرح درس بود. از آمار توصیفی برای تحلیل نتایج استفاده گردید.

نتایج: بیشتر دانشجویان (۷۳/٦٪) معتقد بودند که ارائه طرح درس به یادگیری بهتر آنها کمک مینماید. عمده دانشجویان (۷۵٪) اعتقاد داشتند که محتوای مطالب تدریس شده بر اساس طرح درس صورت پذیرفته است. میانگین واحدهای ارائه شده در دانشکده‌های پیراپزشکی و پرستاری مامایی به ترتیب ۲/۳+۲۰/۸۱ و ۲/٤٥ + ۱۹/۷۵ واحد و میانگین واحدهای دارای طرح درس در دانشکده‌های فوق به ترتیب ۳/۱ + ۸/۲۳ و ۲/٥ + ۸/۲۹ واحد بوده است.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه اکثر دانشجویان معتقد بودند که وجود طرح درس به یادگیری بهتر آنها کمک می‌نماید و با عنایت به اینکه بر اساس نظر سنجی حاضر هنوز برای حدود نیمی از دروس اخذ شده توسط دانشجویان طرح درس مدون وجود ندارد،بایستی اعضای هیئت علمی تشویق به نگارش طرح درس گردید ه و ملزم گردند که ضمن تدریس محتویات آموزش بر اساس آن، ارزشیابی و امتحان نیز متناسب با آن انجام گیرد. بیشترین اشکال اعضای هیئت علمی در تعیین و نحوه نوشتن رفرنسها و همچنین اشکال در نوشتن اهداف آموزشی بود. به منظور افزایش اثر بخشی طرح درس در راهنمایی دانشجویان به دستیابی نتایج مورد انتظار در فرآیند تدریس رعایت دقت بیشتر در تدوین طرح درس ضروری به نظر می‌رسد مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی با ارائه باز خورد موثر قادر خواهد بود ضمن برطرف نمودن اشکالات آشکار شده در این مطالعه، به ارتقای فرآیند تدریس در دانشگاه کمک نماید.

۱۸٤. تبیین روش جامع نگر و مبتنی بر مدارک مستند جهت رتبه بندی اعضای هیئت علمی بالینی دانشگاه علوم پزشکی اراک در سال ۱۳۸٤

دکتر منیژه کهبازی، دکتر علی چهرئی، دکتر افسانه نوروزی دکتر محمد خلیلی، دکتر فاطمه دره، دکتر افسانه زرگنج فرد دکتر بهمن صالحی، دکتر علی فانی

آدرس: اراک ، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: برای ارتقاء کیفیت پزشکی لازم است ارزیابی مستمر در سطوح مختلف (سازمانی، فردی) انجام شود. در دانشگاههای علوم پزشکی ارزیابی مستمر روی دانشجویان و گیرندگان خدمت، گروههای آموزشی و اخیراً دانشکده های پزشکی انجام شده است ولی جای ارزیابی فردی اعضاء هیئت علمی بالینی که تأثیر به سزایی در امر ارتقاء آموزش پزشکی دارند، خالی به نظر می رسد. لذا به این منظور شیوه ای جامع نگر و مبتنی بر شواهد برای ارزیابی این افراد تدوین شد.

روش و ابزار: در این تحقیق توصیفی که با هدف طراحی روش جامع نگر و مبتنی بر مدارک مستند جهت رتبه بندی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اراک انجام یافت از جلسات بحث گروهی متمرکز (Focus group discussion) در بین اساتید گروههای آموزشی مختلف و دانشجویان پزشکی استفاده شد و وظایف اعضاء هیئت علمی در یک نمودار درختی تعیین و امتیاز گذاری گردید. سپس ۸ نفر از اعضاء هیئت علمی بعنوان ارزیاب، در داخل گروههای آموزشی به ارزیابی فعالیتهای اعضاء هیئت علمی با نظارت خود فرد، مدیر گروه و یک ناظر از طرف هیئت ارزیاب پرداخته و سپس جهت هر یک از اعضای هیئت علمی کارنامه ای صادر شد.

نتایج: نمودار درختی بر اساس سه شاخه اصلی فعالیتهای آموزشی، پژوهشی و اجرایی اعضاء هیئت علمی می باشد. شاخه فعالیتهای آموزشی خود به زیر شاخه های آموزش نظری (مشتمل بر واحدهای تدریس شده، سر پرستی پایان نامه، استاد راهنمای آموزش و برگزاری سخنرانی علمی) آموزش عملی بالینی (مشتمل بر فعالیت در گزارش صبحگاهی، ویزیت آموزشی درمانگاه، برگزاری ژورنال کلاب و معرفی بیمار و گزارش مرگ و میر، آنکالی و مداخلات عملی) و فعالیتهای تخصصی آموزشی خارج از دانشگاه تقسیم می شود. در شاخه فعالیتهای پژوهشی، ارائه و چاپ مقالات و کتاب، اجرا و داوری طرحهای پژوهشی و شرکت در کنفرانسها و فرصتهای مطالعاتی مد نظر می باشد. در شاخه اجرایی نیز علاوه بر امتیاز مربوط به فعالیتهای مدیریتی و اجرایی، شرکت در جلسات شوراهای مربوط به دانشگاه و دانشکده در نظر گرفته شده است.

نتیجه گیری: روند طراحی نمودار درختی و امتیاز گذاری آن می تواند به عنوان راهی جهت قابل اندازه گیری کردن مقوله آموزش مورد استفاده قرار گیرد و مطمئناً ارزیابی مبتنی بر مدارک و جامع نگر راهکار بسیار مناسبی جهت ارتقاء آموزش پزشکی می باشد.

۱۸۵. بررسی نظرات دانشجویان پرستاری و مامایی در مورد مشکلات آموزشی در بیمارستان الزهرا تبریز

سارا عباسعلیزاده، سریه گوهرانپور، حجت حسین پور

آدرس: تبریز، بیمارستان الزهرا، دفتر پرستاری

زمینه و هدف: با شناخت مشکلات آموزشی پرستاری و مامایی مسئولین می توانند برنامه های آموزشی مناسب را طرح ریزی کنند تا باعث افزایش کیفیت ارائه خدمات بهداشتی به تمام افراد جامعه شود. هدف از این مطالعه بررسی نظرات دانشجویان پرستاری و مامایی در مورد مشکلات آموزشی در مرکز آموزشی و درمانی الزهرا که مکان آموزشی تعداد کثیری از دانشجویان پرستاری و مامایی در هر ترم تحصیلی است می باشد.

روش و ابزار: این مطالعه توصیفی بر روی ٦١ دانشجوی پرستاری و مامایی در بیمارستان الزهرای تبریز انجام شد. پرسشنامه ای مشتمل بر ۲۱ سوال در سه قسمت اطلاعات دموگرافیک، تجهیزات و امکانات آموزشی و عملکرد مدیریتی تهیه شده و در اختیار دانشجویان قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفت.

نتایج: ٧٦/٨٪ پاسخ دهندگان دانشجوی مامایی و ۲۳/۲٪ آنان دانشجوی پرستاری بودند. سن متوسط پاسخ دهندگان ۲۳ سال بود. در مورد میزان رضایت دانشجویان از امکانات و تجهیزات آموزشی ۱۱٪ پاسخ دهندگان آن را کافی و ۵۰٪ در حد متوسط و ۳۹٪ آن را ناکافی دانستند. در ارتباط با برخورد کادر، پزشکان و مربیان با دانشجویان ۱۹٪ آن را خوب و ۲۸٪ آن را نامناسب دانستند. در مورد همکاری کادر پرستاری و پزشکان در امر آموزش ۱۱٪ آن را مناسب و ۲۳٪ آن را نامناسب دانستند. در کل از عملکرد مدیریتی آموزش در بیمارستان ۲۳٪ راضی و ۲۲٪ ناراضی بودند.

نتیجه گیری : با توجه به نتایج بررسی نیاز به افزایش امکانات آموزشی در بیمارستان و توجه بیشتر به آموزش صحیح دانشجویان لازم می باشد که این توجه در جنبه های گوناگون در بیمارستان باید اعمال گردد.

۱۸۶. بررسی ارتباط شیوه‌های آموزش درمان سرپایی با اثربخشی آموزش در کارورزان پزشکی

دکتر محمدحسین رضایی فرد

آدرس: تبریز ، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، بیمارستان کودکان

در یک درمانگاه کودکان حداقل ۱٤ نفر اطراف هر کودک بیمار حضور دارند.(حداقل ٥ نفر کارورز، ٥ نفر کارآموز، یک نفر رزیدنت، دو نفر والدین بیمار و یک نفر استاد) اگر کودکی که روی تخت معاینه قرار گرفته از دیدن افراد حاضر بر بالین خود آشفته نشده و بی‌قراری و گریه نکند، به آغوش والدین فرار نکند و والدین بیمار نیز با سوالات پی‌درپی و مداخلات خود در روند معاینه اختلال ایجاد نکنند می‌توانیم یک معاینه بالینی کامل و دقیق داشته باشیم.

روش ۱: استاد کنار تخت معاینه قرار گرفته و بیمار روی تخت معاینه و والدین معاینه‌کنندگان دور تخت معاینه حلقه زده‌اند.

نقاط قوت و ضعف روش ۱:

نقاط قوت: - مطمئن بودن روش- رضایت نسبی والدین بیمار

نقاط ضعف: - عدم دسترسی تمام کارورزان و کارآموزان به بیمار - مقاومت بیمار یا والدین در برابر معاینات مکرر

در این روش بیشتر از ۲-۳ نفر نمی‌توانند معاینه را انجام دهند.

روش ۲: کارورزان هر کدام روی یک تخت معاینه مستقل به تنهایی بیمار را معاینه می‌کنند و پس از ثبت اطلاعات و نکات منفی و مثبت معاینه، تحت نظارت استاد، معاینه مجدد از بیمار انجام می‌شود.

نکات قوت: - مهارت‌یابی در شرح حال گرفتن و استقلال فردی کارورزان و فرصت کافی برای معاینه بیمار- راحتی نسبی والدین

نکات ضعف: - امکان معاینه برای یک نفر از کارورزان مقدور بوده و بقیه که هر کدام در حال معاینه بیمار دیگری می‌باشند از بیماران دیگر بی‌اطلاع هستند هر چند که ممکن است بیماری جالب باشد.

روش ۳: کارورزان هر کدام روی یک تخت مستقل مشغول معاینه هستند و استاد بر بالین تک تک بیماران حاضر شده و آنها را راهنمایی می‌کند در این روش ممکن است ۲-۳ نفر کارورز یک بیمار را معاینه کنند.

نکات قوت: معاینه توسط چند نفر بهتر از یک نفر است

نکات منفی: اخذ شرح حال توسط ۲ یا ۳ نفر و حضور استاد بر بالین هر کدام از بیماران به علت برداشتهای متفاوت، زمان به مراتب بیشتری را می‌طلبد اما بحث و بررسی بیشتر به این صورت در تبیین بیماری کمک بیشتری خواهد کرد.

سوال: با در نظر گرفتن تعداد زیاد کارورزان و کارآموزان کدامیک از سه روش ذکر شده، عملی و اثربخش‌تر خواهد بود.روش پیشنهادی اینجانب بدین صورت است که: اتاق معاینه به صورت آمفی‌تئاتر کوچکی می‌باشد که همه ناظر بر صحنه بوده و اشراف بر استاد و بیمار داشته با استفاده از وسایل سمعی بصری اثربخشی و کیفیت آموزش به حداکثر ممکن ارتقاء یابد و فرایند مثبتی در یادگیری و درمان ایجاد گردد.

۱۸۷. سنجش عملکرد اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی کاشان بر اساس الگوی معادل سازی

دکتر اسماعیل فخاریان، محسن اربابی
فخرالسادات میرحسینی، مریم نمکی، لیلا حاجی فروش

آدرس: کاشان ، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: با توجه به تناقضات موجود در آئین نامه مربوط به تکالیف عمومی اعضای هیأت علمی و همچنین مشخص نبودن ساعات کار موظف و عدم دسترسی به یک سیستم هماهنگ و کارآمد در کشور و به منظور افزایش میزان بهره وری و انسجام بخشی در مجموعه فعالیتهای اساتید و دستیابی به یک شاخص قابل قبول ، بررسی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان طی سال تحصیلی ۱۳۸۳-۸۲ صورت پذیرفت.

روش و ابزار: این بررسی به صورت توصیفی درمورد ٥۰ عضو هیأت علمی تمام وقت و فعال اداری دانشگاه ، شامل ۱٦ نفر از دانشکده پرستاری و مامایی، ۱۲ نفر پیراپزشکی ، ۹ نفر بهداشت و ۱۳ نفر از پزشکی صورت پذیرفت. کلیه اطلاعات مربوط به فعالیتهای آموزشی ، پژوهشی و اجرایی اعضای هیأت علمی از قبیل : مرتبه علمی، دانشکده محل خدمت، وضعیت استخدامی، گروه آموزشی، سابقه کار، تعداد

واحدهای تدریس اعم ازنظری ، عملی، کارآموزی و کارورزی ، تعداد دانشجوی تحت راهنمایی، تعداد پایان نامه راهنمایی و مشاوره شده، تعداد سخنرانی ، طرحهای تحقیقاتی ، کتب و درسنامه های تالیف شده، مقالات وخلاصه مقالات چاپ شده ، فعالیتهای مربوط به ارتقاء دانش فردی، طراحی و راه اندازی بخش یا آزمایشگاه، فعالیتهای جانبی آموزشی، پژوهشی وهمچنین فعالیت اجرایی و مدیریتی درسطوح مختلف دانشگاه در فرم اطلاعات مخصوص ، ثبت و مستندات آن درنرم افزاربانک اطلاعات جمع آوری و تطبیق داده شد. سپس براساس دستورالعمل مصوب هیأت رئیسه دانشگاه و فرمولهای تدوین شده، برای مجموعه فعالیتهای یک عضو هیأت علمی در یک سال تحصیلی ، واحد معادل نظری تعیین گردید. همچنین میانگین فعالیتهای آموزشی، پژوهشی و اجرایی دانشکده ها برای یک سال تحصیلی محاسبه شد.

نتایج: میانگین واحد معادل فعالیتهای آموزشی اعضای هیأت علمی دانشکده پرستاری مامایی ۲۶/۱ ، پیراپزشکی ۲٤/٥٦ ، بهداشت ۳۱/۱ و پزشکی ۱۸/۱۳واحد ومیانگین فعالیتهای پژوهشی به ترتیب،۱/٤۲، ۲، ۱/۷٥، ٥/٤۳واحد بود. میانگین واحد معادل فعالیتهای اجرایی اعضای هیأت علمی دانشکده پرستاری و مامایی ۲۸/ ، پیراپزشکی۳/۹، بهداشت ٤/۱۱ و پزشکی ۱/٤ واحدومیانگین فعالیتهای جانبی به ترتیب،۰/٦۸، ۰/۹۱، صفرو ۰/۰٤ واحدبود. درمجموع دانشگاه، میانگین فعالیتهای آموزشی ۲٤/٥٦، فعالیتهای پژوهشی ۲/٦٦، فعالیتهای اجرایی ٤/۱۱ وفعالیتهای جانبی ۰/٤٥واحد تعیین گردید. اختلاف بین فعالیتهای مورد بررسی به لحاظ آماری معنی دارمی باشد.($p<0.01$)

نتیجه گیری: میانگین فعالیتهای آموزشی، پژوهشی ، اجرایی و جانبی اعضای هیأت علمی مطابق با ارقام مندرج در آئین نامه های مربوط می باشد. ازاینرو پیشنهاد می شود به منظور بهره گیری از تمامی توان و تجربه اعضای هیأت علمی در اداره دانشگاه، کلیه فعالیتها معادل سازی شده و در بانک اطلاعات آنان ضبط شود. همچنین ازاین الگو می توان جهت پرداخت حق تمام وقتی و بهره وری و.... استفاده نمود.

188. EVALUATION OF MEDICAL EDUCATION BY GRADUATES

M‹Kemal Alimoglul‹ yesim senol‹ Mehtap Turkay‹ Mehmet Aktekin

Antalya TURKEY

Background and objectives: the objective of the study was to get feed – back from graduates of Akdeniz university school of medicine on their undergraduate medical education.

Method and material: the study was conducted among graduates of the last ten years participants were asked to complete a questionnaire including 42 items on 8 topics: Doctor - patient relation, holistic approach to the patient, Scientific basis of diseases and treatment, Basic professional skills, preventive medicine, self evaluation and confidence, Management, leadership and team - work skills and self directed learning. The graduates scored each item 1to 6 regarding the contribution of their undergraduate medical education to their daily practice. Only questionnaires (n=430, 43%) obtained from the graduates working in primary and secondary care were included in the study for those in academic settings might have different requirements in their practice.

Results: overall mean score was 4.2±1.2 over 6.The highest scores were on topics Holistic approach (4.8 ±1.3)‹ preventive medicine (4.5±1.2) and self directed learning (4.4±1.1). The topics "Management‹ Leadership and team work skills" and "Scientific basis of the diseases and the treatment" were given lowest scores (3.8±1.3 and 3.9±1.1 respectively).

Conclusion: Medical schools should be in contact with their graduates to obtain feedback. This kind of feedback may be useful for schools to reevaluate their curricula and educational methods

۱۸۹. دیدگاه اعضای تیم سلامت در باره نیازهای آموزشی پرستاران شاغل در مراکز بهداشتی درمانی شهر کاشان

منصور دیانتی، دکتر محسن ادیب حاج باقری

آدرس: کاشان، دانشگاه علوم پزشکی، دانشکده پرستاری

زمینه و هدف: آموزش مداوم بخش تفکیک ناپذیری از فعالیتهای هر سازمان است. طی چند دهه گذشته فرصتهای مشارکت پرستاران در انواع برنامه های آموزش مداوم بطور قابل توجهی افزایش یافته است. اولین گام در طراحی هر برنامه آموزشی تعیین نیازهای آموزشی فراگیران است. آموزش مداوم برای کارکنان پرستاری نیز بایستی بر اساس نیاز حرفه ای و جهت اطمینان ازصلاحیت حرفه ای، افزایش کیفیت مراقبت و پیشگیری از خطاهای حرفه ای طراحی شود. یکی از راههای تعیین نیازهای آموزشی دانش آموختگان کسب نظرات آنها و نیز گروه های حرفه ای مرتبط با آنها است و از آنجائیکه مطالعات کافی در این زمینه انجام نشده است،این تحقیق با هدف بررسی نظرات اعضای تیم سلامت شاغل در مراکز آموزشی درمانی کاشان در رابطه با نیازهای آموزش پرستاران شاغل در مراکز درمانی انجام شد.

روش و ابزار: این مطالعه از نوع توصیفی بوده و بر روی یک نمونه در دسترس از پزشکان متخصص، اعضای هیئت علمی پرستاری و مامایی و نیز پرستاران شاغل در مراکز آموزشی درمانی کاشان انجام شد. ابزار پژوهش عبارت بود از پرسشنامه ای شامل متغیرهای سن، جنس، مدرک تحصیلی، سابقه کار و نیز سوالاتی درباره ضرورت باز آموزی، داشتن مطالعه مداوم حرفه ای،محل دانش اموخته گی و مناسب ترین روش بازآموزی. همچنین ۲۱ عنوان از نیازهای آموزشی پرستاران ذکر شده بود که پرسش شوندگان بایستی آنهارا به ترتیب اولویت مرتب می نمودند. داده ها با استفاده از آمار توصیفی و نرم افزار EPIo تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: از مجموع ۳۰۰ پرسنامه ۱۷۳ پزسشنامه تکمیل و عودت داده شد.پاسخگویان شامل:۱۹ پزشک، ۲۰ عصو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی و ۱۳٤ پرستار کارشناس بودند. میانگین سنی واحدهای مورد پژوهش ۵/۵± ۳۲ سال و سابقه کار آنها بطور متوسط ٤/۳± ۷/۲ سال بود. در مجموع ۸۷ درصد پرسش شونده گان بازآموزی را ضروری دانستند و مشخص شد ۸۰ درصد پرستاران شاغل مطالعه حرفه ای مداوم را دنبال می کنند و ٥٦ درصد آنها دانش آموخته دانشگاه علوم پزشکی کاشان بودند. در رابطه با اولویت نیازهای آموزشی جهت بازآموزی از نظر پزشکان سه اولویت اول ترتیب شامل CPR (نمره اولویت ۱۰۱)، فوریتهای پرستاری (نمره اولوین ۱۰٦) و بررسی وضعیت سلامت بیمار(نمره اولویت ۱۰۹) بود. از نظر اعضا هیئت علمی پرستاری ۳ اولویت اول شامل ارتباط با بیمار (نمره اولویت ۱۹۳)، آموزش به بیمار(نمره اولویت۱۰۷) و بررسی وضعیت (نمره اولویت ۱٦۰) بود. در حالیکه از نظر خود پرستاران که بیشترین حجم جامعه پژوهش را در بر می گرفتند سه اولویت اول شامل شناخت داروهای جدید(نمره اولویت٦۰۲)، CPR (نمره اولویت ٦۲۲) و بعد فوریتهای پرستاری (نمره اولویت٦۲۹) بود. از مجموع نظرات سه گروه، سه اولویت مهم جهت بازآموزی به ترتیب فوریتهای پرستاری (نمره اولویت ۹۱۹)، CPR (نمره اولویت ۹۳۰) و شناخت داروهای جدید (نمره اولویت ۱۰۱۱٦) بودند و تفاوتهایی در نوع اولویت ها و درجه اولویت ها در نتایج مشاهده شد. در رابطه با روش بازآموزی پرستاران شاغل، روش کنفرانس و کارآموزی بطور همزمان در بخش با ۵۰ مورد (۳۷/۳٪) بیشترین درخواست کننده را داشت.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد، از نظر اعضای تیم سلامت نیازهای آموزسی شامل: فوریتهای پرستاری، احیای قلبی ریوی و شناخت داروهای جدید سه اولویت اول بوده و این موید آن است که اعضا تیم سلامت بیشترین نیاز بازآموزی را ارتقا مهارتهای نظری و علمی در حیطه فوریت ها موارد اورژانس دانسته اند. پرستاران شاغل بهترین روش باز آموزی راکنفرانس و کارآموزی همزمان با آن می دانند. و پیشنهاد می گردد در بازآموزی پرستاران موارد فوق در نظر گرفته شود

فصل ۵

روش های پژوهش و نیازسنجی بالینی

۱۹۰. ارزیابی و مقایسه نیازهای آموزشی اعضای هیئت علمی پایه و بالینی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد- اسفند ماه ۱۳۸۲

دکتر معصومه معزی، دکتر هدایت اله شیرزاد، دکتر بهنام زمان زاد دکتر یحیی مدیحی

آدرس: شهرکرد، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: نیاز سنجی آموزشی فرآیندی است که از طریق آن نیازهای آموزشی در اولویت تنظیم گردیده و برای کاهش و یا بر طرف سازی آنها اقدام می گردد و جز ئی جدائی ناپذیراز برنامه ریزی آموزشی محسوب می شود. این مطالعه در پایان سال ۱۳۸۲ به منظور تعیین نیازهای آموزشی اساتید دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد جهت برنامه ریزی آموزشی صورت پذیرفت.

روش و ابزار: پژوهش حاضر مطالعه ای توصیفی تحلیلی به روش مقطعی بوده وازجامعه آماری اعضای هیئت علمی دانشگاه، ۹۲ نفر مشتمل بر ۳۸ استاد از گروه پایه (پزشکی و پرستاری و مامائی) و ٥٤ استاد بالینی به روش متوالی آسان انتخاب گردیدند که تقریباً حدود ۷۵ درصد از اساتید موجود را در بر می گرفت. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه پژوهشگر ساخته بود که روایی محتوایی آن بوسیله کارشناسان و پایانی آن به روش آلفای کرو نباخ تائید گردید و بوسیله آن میزان آشنائی اساتید در ۳ حیطه رایانه (زمینه ها: مبانی کامپیوتر، ویندوز، Word، Power Point، Excell، Spss، اینترنت)، آموزش و پژوهش (زمینه ها: روش تدریس، نگارش طرح درس، روش تحقیق، مقاله نویسی، پژوهش در آموزش) و زبان انگلیسی (زمینه ها: گرامر، مکالمه، ترجمه متون تخصصی) به روش خود ارزیابی و از طریق معیار لیکرت مورد سنجش قرار گرفت. از دیدگاه پژوهشگران آشنایی خیلی ضعیف و ضعیف در هر حیطه بعنوان غیر قابل قبول،آشنایی متوسط بصورت قابل قبول وآشنایی درحد خوب وعالی مطلوب درنظر گرفته شد. داده هاازطریق نرم افزار SPSS۱۱وآزمون مجذورکای موردتجزیه وتحلیل قرارگرفتند.

نتایج: پژوهش اخیر نشانگر آشنائی مطلوب ٥۱ درصد از اساتید در حیطه آموزش و پژوهش، ٤۱ درصد در حیطه زبان انگلیسی و ۲۲/۵ درصد در حیطه رایانه بود. بیشترین میزان آشنایی غیرقابل قبول به حیطه رایانه با ۴۶/۵ درصدتعلق داشت و در حیطه های زبان انگلیسی و آموزش و پژوهش به ترتیب، ۱۷/۵ درصد و ۱۶/۵ درصد از اساتید وضعیت خود را خیلی ضعیف وضعیف ارزیابی نموده بودند. (در مورد هر کدام از زمینه ها در حیطه های ۳ گانه نیز بصورت جداگانه بررسی توصیفی به عمل آمد که در اصل مقاله موجود است.) اختلاف اساتید پایه و بالینی در زمینه آشنایی با زبان انگلیسی معنی دار نبود ($P > ۰/۰۵$) ولی درحیطه آموزش و پژوهش در تمامی زمینه ها اساتید پایه از ارزیابی بهتری برخوردار بودند ($P< ۰/۰۵$). درحیطه رایانه نیز اساتید پایه آشنایی بیشتری با نرم افزار های Exell، Spss داشتند که این اختلاف معنی دار بود. ($P < ۰/۰۵$)

نتیجه گیری: نتایج پژوهش اخیر نشانگر توجه بیشتر به امر توانمند سازی اساتید از طریق برگزاری دوره های آموزشی در هر سه حیطه آموزش و پژوهش، رایانه و زبان انگلیسی با تاکید بر دو مورد آخر می باشد. چرا که در عصر حاضر با توجه به پیشرفت سریع فن آوری، لازمه آموزش مطلوب و پژوهش صحیح، استفاده و بهره گیری مناسب از رایانه و تسلط در حد لازم بر زبان انگلیسی بعنوان زبان علمی جهانی است. بنابراین جهت ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش بعنوان دو رکن اساسی هر دانشگاه، تاکید بر برگزاری دوره های آموزشی آشنائی با نرم افزارهای مختلف و زبان انگلیسی بصورت کاربردی ضروری به نظر می رسد.

۱۹۱. تحلیل وظایف و تعیین نیازهای آموزش بالینی پزشکان عمومی کشور جمهوری اسلامی ایران

دکتر شهرام یزدانی، دکتر سعید حاتمی، دکتر محمد حسین زاده، دکتر فخرالسادات حسینی، دکتر رامین همایونی

آدرس: تهران، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: امروزه در نظام سلامت، نقش پزشکان عمومی از لحاظ تعداد و نوع فعالیتهایی که انجام می دهند تأثیر شگرفی در پیشبرد خدمات سلامت در جامعه دارد. برای پزشکان عمومی نقش های متفاوتی در نظام سلامت از جمله ارایه کنندهٔ خدمات سلامت، ترویج کنندهٔ سلامت، پژوهشگر و غیره قابل تصور است. بدیهی است هر یک از این نقش ها

وظایف خاص خود را در بر دارد. یقینا بدون تعیین این وظایف، محتوای آموزشی پزشکی نیز مبتنی بر پیامد (Outcome-based) نخواهد بود. لذا هدف از این مطالعه با در نظر گرفتن نقش ارائه کننده خدمات سلامت، تعیین دقیق وظایف پزشک عمومی در کشور ایران و سپس مشخص نمودن نیازهای آموزش بالینی نظری و عملی دوره تربیت پزشک عمومی برمبنای میزان وظایف محوله بود.

روش و ابزار: محور تحلیل وظایف در این پروژه بیماری قرار گرفت و وظایف پزشک عمومی به ۷ عنوان شامل تشخیص، درمان، ارجاع، پیگیری، پیشگیری، غربالگری و بیماریابی و آموزش بیمار تقسیم گردید. برای این عناوین یک سیستم کدگذاری از ۳ تا ٦ سطح طراحی شد. برای نیازهای آموزشی نظری نیز ۱۰ عنوان شامل تعریف، اپیدمیولوژی، اتیولوژی، پاتوفیزیولوژی، علائم بالینی، یافته‌های پاراکلینیکی، رویکرد تشخیصی، رویکرد درمانی، عوارض و پیش آگهی و پیشگیری مشخص شد و برای هریک از این عناوین نیز یک سیستم کدگذاری دو بعدی شامل ضرورت مطالعه و سطح کتب مطالعه (مجموعا ١٦ حالت) قرار داده شد. عناوین بیماریها از تقسیم بندی ICD-۹CM بدست آمد و پس از چندین بار اصلاح تعداد حدود ۱۳۰۰ عنوان بیماری در ۲۰ حیطه تخصصی انتخاب و در فرم های مخصوصی برای نیاز سنجی وارد شد. این نیازسنجی از ٤۳۰ نفر افراد خبره در حیطه های تخصصی به روش دلفی و گروه متمرکز انجام شد. نتایج پس از آنالیز و اصلاح در قالب ۲۰ جلد کتاب منتشر گردید. طراحی و اجرای این پروژه حدود ٤ سال بطول انجامید.

نتیجه گیری: نتایج این پروژه می تواند در نظام آموزشی در طراحی و تدوین درسنامه های پزشکی، طراحی دوره های آموزش بالینی نظری، طراحی دوره های آموزشی بالینی عملی مراکز آموزشی درمانی اعتبار بخشی و تعیین صلاحیت مراکز آموزشی- درمانی و ارزیابی صحیح دانشجویان پزشکی در پایان دوره آموزشی و همچنین در حیطه سلامت در تدوین نظام ارجاع بیماران، تدوین راهکارهای بالینی، تهیه مرجع استناد در دعاوی قضایی پزشکی، تدوین سیاستهای کلان و نظام پرداخت سازمانهای بیمه گر بکار گرفته شود.

۱۹۲. ارتقاء حرفه ای دانش آموختگان پرستاری با آموزش بر اساس نیازهای آموزشی واقعی

عباسعلی ابراهیمیان

آدرس: سمنان، دانشکده پرستاری و پیراپزشکی

زمینه و هدف: نیروی انسانی پایه و اساس نظامهای درمانی از جمله پرستاری را تشکیل می دهد. وجود پرسنل واجد شرایط بخصوص پرسنلی با دانش کافی نقش موثری در بالا بردن کیفیت مراقبتهای پرستاری دارد. چنانچه طرح ها و برنامه های آموزشی نیروی انسانی متناسب با نیازهای بهداشتی و شرایط اجتماعی کشور نباشد قادر نخواهد بود سطح سلامت جامعه را به حدی برسانند که مردم بتوانند از نظر اقتصادی و اجتماعی زندگی مولدی داشته باشند .به همین منظور مطالعه ای با هدف تعیین نیازمندیهای آموزشی پرسنل پرستاری بخشهای ویژه انجام شد.

روش و ابزار: در این پژوهش ۱۰۰ نفر از پرستاران شاغل و پرستارانی که سابقه کار در بخشهای سی سی یو و آی سی یو بیمارستانهای تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی سمنان داشته اند به روش سر شماری انتخاب شدند. در ابتدا از آنها خواسته شد تا نیازهای آموزشی خود را در مورد ۹ مبحث مهم بخشهای ویژه به ترتیب مشخص نمایند سپس با استفاده از پرسشنامه ای که میزان اطلاعات آنها را در این ۹ مبحث می سنجید میزان اطلاعات آنها مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: بررسی نیازهای آموزشی پرستاران مورد پژوهش نشان داد که به ترتیب اعلام نظر آنها ۷۰ درصد نیاز به آموزش EKG ٦۹/٦٪ ، نیاز به آموزش CPR ٦۷/٦٪ ، نیاز به آموزش تفسیر تستهای آزمایشگاهی ٦٦/۸٪ ، نیاز به آموزش تفسیر ABG ٦٥/۸٪ ، نیاز به آموزش CAD ٦۳/۸٪ نیاز به شناخت داروها، ٦۳٪ نیاز به آموزش مراقبتهای پرستاری، ٦۲/٤٪ نیاز به آموزش ونتیلاتور و ٦۲/۲٪ نیاز به آموزش معاینات فیزیکی داشتند. اما بررسی پرسشنامه نشان داد که اطلاعات پرستاران به ترتیب اهمیت در موارد زیر کمتر است: معاینات فیزیکی، تفسیر EKG، کار با ونتیلاتور، تفسیر ABG، تفسیر تستهای آزمایشگاهی، CAD، CPR، مراقبتهای پرستاری و شناخت سرم ها و داروها می باشد.

نتیجه گیری: بر اساس اطلاعات بدست آمده می توان چنین نتیجه گرفت که بررسی نیازهای آموزشی پرسنل پرستاری

باید بر اساس روشهای کلاسیک ارزشیابی صورت گیرد و نظر سنجی تنها نمی تواند بیانگر نیازهای آموزش واقعی باشد.

۱۹۳. استفاده از روش خود ارزیابی «Self Evaluation» برای ارزیابی نیازها و برنامه ریزی جهت ارتقاء سطح کیفی آموزش دانشجویان دوره کاردانی رادیولوژی

دکتر اکبر علی اصغرزاده، حمید رضا ملکوتی شاد، مهرداد مهدیان

آدرس: کاشان ، دانشکده پیراپزشکی

زمینه و هدف: فرایند برنامه ریزی ارتقاء کیفی آموزش مشخص کننده میزان رسیدن به اهداف، مشکلات مسیر و چگونگی غلبه بر آن است.خود ارزیابی بعنوان اولین قدم برای تعیین نیازهای دانشجویان و ارتقاء برنامه های آموزشی می باشد. این پژوهش با هدف ارزیابی سطح کیفی فارغ التحصیلان سالهای ۷۴ تا ۷۹ دوره کاردانی رادیولوژی دانشگاه علوم پزشکی کاشان از عملکرد خود و نقش آموزشهای دانشگاه در بالا بردن سطح مهارتها و اعتماد به نفس به آنها در محل کار صورت گرفت.

روش و ابزار: برای اینکاربه تعداد فارغ التحصیلان سالهای ۷۴ تا ۷۹ پرسشنامه ای تهیه گردید و به آدرس آنها ارسال گردید. سوالات شامل دو محور بود. در محور اول اطلاعاتی در مورد وضعیت اشتغال، وضعیت استخدام و رضایت شغلی و در محور دوم در مورد روشهای پرتونگاری، کمک های اولیه، و فیزیک تشخیصی وغیره سوال شد. یافته ها از میان ۱۲۳ نفر فارغ التحصیل مذکور ٥٤ نفر (٤٤٪) به سوالات پاسخ دادند. از میان پاسخ آشنایی بیشتر به اصول اخلاق پزشکی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. قطعا سرمایه گذاری در این امر مهم منجر به آشنایی هر چه بیشتر بیماران و پزشکان به حقوق متقابل و افزایش کیفیت سلامت جامعه خواهد بود. نمونه در دسترس از پزشکان متخصص، اعضای هیئت علمی پرستاری و مامایی و نیز پرستاران شاغل در اعضای هیئت علمی پرستاری و مامایی و نیز پرستاران شاغل در مراکز آموزشی درمانی کاشان انجام شد. مراکز آموزشی درمانی کاشان انجام شد. ابزار پژوهش عبارت بود از پرسشنامه ای شامل متغیرهای سن، ابزار پژوهش عبارت بود از پرسشنامه ای شامل متغیرهای سن، جنس، مدرک تحصیلی، سابقه کار و نیز سوالاتی درباره ضرورت باز آموزی، داشتن مطالعه مداوم حرفه ای، محل دانش اموخته گی و مناسب ترین روش بازآموزی. همچنین ۲۱ عنوان نیازهای آموزشی ذکر شده بود که پرسش شوندگان جنس، مدرک تحصیلی، سابقه کار و نیز سوالاتی درباره ضرورت بازآموزی، داشتن مطالعه مداوم حرفه ای، محل دانش اموخته گی و مناسب ترین روش بازآموزی. همچنین ۲۱ عنوان نیازهای آموزشی ذکر شده بود که پرسش شوندگان بایستی آنهارا به ترتیب اولویت مرتب می نمودند. داده ها با استفاده از آمار توصیفی و نرم افزار EPI٥ تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: از مجموع ۳۰۰ پرسنامه ۱۷۳ پرسشنامه تکمیل و عودت داده شد. پاسخگویان شامل:۱۹ پزشک، ۲۰ عصو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی و ۱۳٤ پرستار کارشناس بودند. میانگین سنی واحدهای مورد پژوهش ٥/٥± ۳۲ سال و سابقه کار آنها بطور متوسط ٤/۳± ۷/۲ سال بود. دهندگان ٤٦/۲٪ شاغل بودند که از این گروه ۲۰/۳٪ رضایت شغلی خود را عالی، ٤۰/۷٪ خوب، ۱٤/۸٪ متوسط و ۱۱/۱٪ کم اعلام نمودند. همچنین ٥۱/۲٪ پاسخ دهندگان اعتماد به نفس خود را در محیط کار عالی، ٤۲/٥٪ خوب، ٥٪ متوسط و ۰/٦٪ کم بیان کرده اند. در خصوص بکار گیری روشهای حفاظتی و استفاده از نکات فیزیکی جهت ایجاد تصاویر بهتر ٥۷/۷٪ عالی، ۳۳/۳٪ خوب، ٦/۷٪ متوسط و۱/۲٪ ضعیف جواب داده اند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج بدست آمده از این پژوهش می توان نتیجه گرفت که آموزشهای ارائه شده در طول تحصیل تا حد زیادی توانسته اعتماد به نفس کافی را در فارغ التحصیلان ایجاد کند البته لازم است برنامه ریزیهای جدیدی در جهت ارتقاء کیفی اجرا شود و مجدداً ارزیابی انجام گیرد.

۱۹٤. بررسی اولویت های آموزشی پزشکان عمومی از دیدگاه خودشان در سال ۱۳۸٤ در شهرستان فسا

دکتر سعید خادمی، فاطمه دری پور
دکتر کاوس جمالی، دکتر شیوا جوهری

آدرس: فسا، دانشکده علوم پزشکی

زمینه و هدف: امروزه آموزش مداوم بعنوان یک ضرورت در جهان مطرح است و یکی از مهم ترین مراحل برنامه ریزی

آموزشی تعیین اولویت آموزشی پزشکان عمومی جهت افزایش کارائی و اثر بخشی آموزش می باشد. این مطالعه به منظورتعیین اولویتهای آموزشی پزشکان عمومی جهت بهره گیری در برنامه ریزی آموزشی طراحی شده است.

روش و ابزار: این تحقیق بصورت مقطعی، توصیفی انجام شده است که در آن با استفاده از پرسشنامه اطلاعات ازتمام پزشکان شاغل در شهرستان(در بخش خصوصی و دولتی) جمع آوری شده است پرسشنامه شامل اطلاعات دموگرافیک و یک جدول از عناوین ۱۶ گانه آموزشی طراحی شده براساس لیکرت ۵قسمتی می باشد. پس از جمع آوری داده ها توسط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نتایج: براساس یافته های تحقیق جمعیت مورد مطالعه ٦٣/٦٪ مذکر ٣٦/٤٪ مونث با میانگین سنی ۳۵ سال و سابقه خدمت ۷ سال که ۵۷/٦ درصد در بخش خصوصی و ٤٢/٤ درصد در بخش دولتی مشغول به خدمت می باشند. از نظر این گروه اولویت آموزشی آنها به ترتیب ۱-بیماریهای کودکان با ۹۰/۹٪ ۲- داخلی با ۸٤/۸٪ ۳- بیماریهای عفونی با ٦۰/٦٪ ٤- پوست و زنان با ۵۷/٦٪ ۵- جراحی ٤۸/۵٪ ٦- یورولوژی، فارماکولوژی با ٤۸/۲٪ ۷- نورولوژی ۳٦/٤٪ ۸- رادیولوژی، روانپزشکی، ارتوپدی، چشم، رادیولوژی با ۳۳/۳٪ ۹- پاتولوژی با ۱۸/۲٪ ۱۰- آمار و اپیدمی با ٦/۱٪ می باشد. ضمناً در مباحث مختلف مهم ترین نیاز آموزشی خود را به ترتیب آموزش درمان بیماریها، روش پیشگیری و عفونتهای ارگان می دانند .

نتیجه گیری: بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق اولویت های آموزش و نیاز آموزشی در هر مبحث مشخص می گردد که می توان بر اساس آن حداکثر بهره را به پزشکان عمومی رساند.

۱۹۵. بررسی تناسب کمی و کیفی دروس علوم پایه با نیاز دانشجویان پزشکی در مقطع بالینی، دانشکده پزشکی یاسوج آذر ماه ۱۳۸۳

حمید رضا غفاریان شیرازی، دکتر ابراهیم حاتمی پور
کوروش نگین تاجی، مسعود محمدی باغ ملائی، عبدالواحد ظریفی

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

زمینه و هدف: رشته پزشکی بعنوان شغلی که مستقیما" با حیات انسانها سروکار داشته و در درمان و معالجه بیماران رکن اصلی را بعهده دارد از اهمیت بالایی برخوردار است. جایگاه آن به گونه ای است که گسترده ترین تغییر و تحول روزمره را در جهان دارد.در حالی که بیش از سی سال است که در کشور ما این رشته تحصیلی تغییر عمده ای نداشته است.هدف این پژوهش آگاهی از نظریات مشتریان اصلی آموزش پزشکی در مقطع بالینی راجع به تناسب کمیت و کیفیت و کاربرد دروسی است که در مرحله علوم پایه تحصیلات خود گذرانیده اند است.

روش و ابزار: این مطالعه توصیفی تحلیلی بوده و بصورت مقطعی انجام شده است.ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای است که بوسیله محققین طراحی و پس از دو مرحله پیش آزمون دارای ضریب پایائی آلفای کرامباخ ۸۲٪ با روش دو نیمه سازی بوده است همچنین با نظر کارشناسان دارای روائی مناسب بوده است. باتوجه به انتخاب چهار نوع گزینه مشابه برای سئوالات تستی شامل موافق با افزایش کمی و کیفی دروس، موافق با وضعیت فعلی، موافق با تقلیل و تعدیل کلیات و نهایتا" موافق با حذف درس مورد نظر، جوابهای بدست آمده دسته بندی شد. اطلاعات به وسیله ارائه پرسشنامه به کلیه دانشجویان بالینی دانشکده پزشکی یاسوج ارائه و در تعداد ۵۱ پرسشنامه تکمیل و جمع آوری شده و با استفاده از نرم افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل گردیدند.

نتایج: ٤۵ درصد دانشجویان موافق با حذف و ۱۳/۷ درصد خواستار تقلیل دروس گروه معارف به میزان ۱۲ واحد بودند. ٦۰ درصد موافق با تقلیل یا تعدیل ۸ واحد دروس گروه بهداشت بودندوبخصوص ۳٦/۷ درصد از دانشجویان خواستار حذف درس کنترل جمعیت و تنظیم خانواده بودند.٤۸/۳ درصد موافق با افزایش کمی و کیفی و۳۰٪ موافق با وضعیت فعلی دروس گروه زبان انگلیسی با ۱٤ واحد بودند.

پیشنهادات کلی دانشجویان در پاسخ به سئوال تشریحی در خصوص نیاز به اضافه شدن دروس دیگری به مقطع علوم پایه موارد زیر بیشترین اهمیت را داشتند. دروس کار برد کامپیوتر و اینترنت در پزشکی، زبان انگلیسی، مکاله انگلیسی، آناتومی، بیوشیمی بالینی، روش معاینات بالینی. همچنین دانشجویان خواستار تاکید اساسی درآموزش صحیح و یادگیری دروس فیزیولوژی، آناتومی، پاتولوژی وزبان انگلیسی در مقطع علوم پایه بودند. بیشترین پیشنهادات در مورد طول مدت تحصیل، به ترتیب: علوم پایه ۱/۵ سال، فیزیوپاتولوژی ۱/۵ سال و بالینی ۳ سال و در کل شش سال بوده است.

نتیجه گیری: دروسی که اکثردانشجویان موافق با افزایش کمی و کیفی آنها بودند به ترتیب اهمیت شامل آناتومی و تشریح عملی با ۵۸/۳ درصد زبان انگلیسی ۴۸/۳ درصد و فیزیولوژی ۴۱/۷ می باشند که نشان دهنده اهمیت این دروس ارائه شده در دوران علوم پایه و کاربرد آن در دوره بالینی می باشد. همچنن نتایج این مطالعه بیانگر عدم تناسب شدید کمی و کیفی دروس ارائه شده در دوره علوم پایه پزشکی با نیاز دانشجویان در مقاطع بالینی است. این نتایج با مطالعات مشابه دیگر که در سطح کشور انجام شده همخوانی دارد و حاکی از نیاز شدید به تجدید نظر کلی در برنامه ریزی دروس ارائه شده در رشته پزشکی و بخصوص مقطع علوم پایه دانشگاه های کشور است.

۱۹۶. آیا دانشجویان حرف پزشکی و پیرا پزشکی به جهت عملکرد بالینی خود نیاز به آموزش قوانین و مقررات حرفه ای دارند؟

افسانه ارزانی، فاطمه الحانی

آدرس: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده پزشکی، گروه پرستاری

زمینه و هدف: رشد و پویایی هر جامعه و ایجاد روابط معقول و منطقی بین افراد مستلزم وجود قانون و پایبندی افراد به قوانین وضع شده میباشد امروزه علیرغم تمام تلاش کارکنان حرف پزشکی و با وجود امکانات وسیع میزان نارضایتی و شکایت بیماران رو به افزایش نهاده است. از سوی دیگر امروزه با گسترش نقش کارکنان حرف پزشکی، آنان با موارد قانونی و حقوقی بیشتری مواجه میگردند. هدف ما دراین مطالعه بررسی میزان آگاهی دانشجویان پرستاری از قوانین و مقررات حرفه ای میباشد. از آنجاییکه حرفه پرستاری مسئولیت حفظ،تأمین و ارتقا سطح سلامت در جامعه را عهده دار میباشد. بنابراین باید به عنوان یک حرفه در قبال ارائه خدمات خود پاسخگو باشند و مسئولیتها را بپذیرند و اصل عدم آسیب رسانی به بیمار را در حین مراقبت مد نظر داشته باشند پرستاران میتوانند با هوشیاری در قبال اقدامات انجام شده منطبق با استانداردها و قوانین، خود را از نظر سقوط اخلاقی و شغلی و فراخوانده شدن به محاکم قضایی محافظت نمایند

روش و ابزار: پژوهش اخیر یک مطالعه توصیفی میباشد. جمع آوری اطلاعات بصورت پرسشنامه ای حاوی ۱۰ دانشکده های پرستاری و مامایی در استان مازندران در سال ۱۳۸۳ در ارتباط با قوانین و مقررات حرفه ای مورد بررسی قرار دادیم. نمونه ها بطور غیرتصادفی و در دسترس انتخاب شده بودند.

نتایج: یافته های بدست آمده نشان داد که آگاهی۵۵/۵٪ از دانشجویان پرستاری در ارتباط با قوانین و مقررات حرفه ای و مسائل حقوقی در حد پایینی میباشد و فقط اطلاعات ۱۵٪ از آنها در حد متوسط میباشد.

نتیجه گیری: مطالعه ما نشان داد که آگاهی دانشجویان از قوانین و مقرراتحرفه ای در سطح مطلوبی نیست. از آنجاییکه عدم آشنایی با وظایف و تکالیف قانونی ممکن است احتمال خطا و مسئولیت و جبران خسارت و مجازات را مطرح نماید لذا مسئولین و مدرسین آموزش پرستاری در دانشکده های پرستاری باید لزوم یادگیری قوانین و مقررات حرفه ای را در دانشجویان پرستاری تأکید کنند زیرا دانشجویان پرستاری کسانی هستند که در آینده ای نزدیک وارد سیستم مراقبتی و درمانی خواهند شد. علاوه بر آن بکار بستن قوانین حرفه ای در عملکرد بالینی به معنای اجرای مراقبتها مطابق با استاندارد های حرفه ای و متعاقب آن به ارتقاء عملکرد صحیح پرستاران دست خواهیم یافت، از طرفی ارائه مراقبتها بر اساس استانداردهای حرفه ای، آنها را ازمورد اتهام واقع شدن هم محافظت میکند.

۱۹۷. بررسی اهمیت نقشهای آموزشی مدرسان در محیط بالینی از دیدگاه اعضای هیات علمی دانشکده پرستاری و مامائی دانشگاه علوم پزشکی تهران

سپند ریاضی، مژگان صفری

آدرس: تهران، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: ارتقای کیفی آموزش به معنای بهبود چگونگی وضعیت فرآیند یاددهی – یادگیری و کلیه عناصر دخیل در عرصه

های مرتبط با تعلیم و تربیت، به عنوان یکی از رسالتهای دانشگاه محسوب گشته، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. عوامل بسیاری برارتقای کیفیت آموزش، تاثیرگذار هستند. در این رهگذرتوجه به یکی از مهمترین این عوامل یعنی اعضای هیات علمی دانشگاه و نقشهای متعدد آموزشی آنان، امری بدیهی و اجتناب ناپذیر است. اهداف این پژوهش عبارتند از: تعیین اهمیت نقشهای آموزشی مدرسان در عرصه بالینی از دیدگاه اعضای هیات علمی دانشکده پرستاری و مامائی دانشگاه علوم پزشکی تهران. تعیین اهمیت مسؤولیتهای فردی که برای آینده مد نظراست.

روش و ابزار: پس از تدوین طرح اولیه، جهت دستیابی به اهداف مورد نظر، اطلاعات از طریق پرسشنامه با ۳۶ سؤال در مقیاس لیکرت جمع آوری شد. این پرسشنامه در مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی تهران از نظر روایی و پایایی مورد ارزیابی قرار گرفت. بدین ترتیب که در ابتدا با بهره گیری از نظرات اعضای هیات علمی، سنجش روایی محتوا و وزن دهی به هر یک از عبارات انجام شد و پس از استفاده از ضریب آلفای کرانباخ (ثبات درونی) پرسشنامه تعیین گردید.

نتایج: براساس نتایج بدست آمده (۷۲٪) ۱۸ نفر اهمیت نقش مدرسین به عنوان تامین کننده اطلاعات را جهت اجرای برنامه های آموزشی در محیط بالینی، زیاد و بسیار زیاد دانسته و تنها ۳ نفر گزینه کم را انتخاب کرده اند. در ارتباط با نقشهای تسهیل کننده، الگوی نقش، امتحان کننده، طراح و برنامه ریز، طراح منابع آموزشی به ترتیب (۷۳٪) ۱۹ نفر،(۹۶٪) ۲٤ نفر، (۷۳ ٪) ۱۹ نفر، (۷٦٪) ۲۰ نفر، (۷۸٪)۲۱ نفربا انتخاب گزینه بسیار زیاد و زیاد، اهمیت نقشهای مذکور را جهت اجرای برنامه های آموزشی تایید کرده اند. در خصوص مسؤولیتهای فردی که مدرسین برای آینده ترسیم کرده اند، اطلاعات بدست آمده عبارتند از: تامین کننده اطلاعات (٦۱٪) ۱٤ نفر، الگوی نقش (۹۱/۷٪) ۲۲ نفر ، تسهیل کننده (۸۸٪) ۲۱ نفر ، امتحان کننده (۷۰/۸٪) ۱۷ نفر ، طراح و برنامه ریز (٦۸/٦٪) ۱٦ نفر ، طراح منابع آموزشی (۷۲/۳٪) ۱۸ نفر

نتیجه گیری: براساس نتایج این مطالعه، مدرسین نقشهای آموزشی متعددی برای خویش قائلند و از نظر آنان اهمیت نقشهای مذکور جهت اجرای برنامه های آموزشی و با توجه به مسؤولیتهای فردی که برای آینده خود ترسیم نموده اند، با یکدیگر متفاوت است.

۱۹۸. بررسی نظرات فارغ التحصیلان پزشکی با سابقه کمتر از ۷ سال نسبت به آموزش جامعه نگری در دوران تحصیل شیراز ۲۰۰۲

صدیقه نجفی پور، دکتر فریدون عزیزی، فاطمه نجفی پور دکتر سهراب نجفی پور

آدرس: شیراز، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: ضرورت ایجاد جامعه نگری در آموزش پزشکی، یادگیری فعال، ادغام علوم پایه و بالینی، آموزش مبتنی بر نیازهای جامعه، به دنبال کنفرانس جهانی ۱۹۸۸ ادینبورگ در اکثر دانشگاههای دنیا و ایران مورد تاکید قرار گرفت. با توجه به اینکه بیش از یک دهه از اجرای آن در ایران می گذرد اما گزارش جامعی از نظرات فارغ التحصیلان ارائه نشده است از آنجایی که اگر آموزش پزشکی وضعیت جامعه نگری پیدا نکرده باشد وانحصارا بر آموزش بیمارستانی تاکید شود رسالت علم پزشکی که مراقبت از افراد سالم، درمان بیماران و مراقبت از جامعه است برآورده نخواهد شد. از این جهت این مطالعه با هدف بررسی نظرات پزشکان عمومی با سابقه کمتر از ۷ سال خدمت انجام شد.

روش و ابزار: این یک مطالعه مقطعی ـ توصیفی است. میزان جامعه نگری از دیدگاه ۱۷۹ پزشک عمومی با سابقه کمتر از ۷ سال خدمت از طریق مصاحبه بررسی گردید. با استفاده از پرسشنامه ایی روا و پایا میزان موفقیت پزشکان در زمینه دانش کسب شده در مورد بیماریها، ارائه خدمات به بیماران، تبحر آنها در تشخیص کلینیکی، قضاوت بالینی،... بررسی شد.

نتایج: ٤۰ درصد از پزشکان در مرکز استان ، ٤۰ در صد در شهرهای اطراف ، ۱۷ درصد در دهکده و مابقی کار نمی کردند. ٦۵ درصد از فارغ التحصیلان دانش کسب شده در دوران تحصیل براساس جامعه نگری را در حد متوسط، ۲۰ درصد در حد خوب، ۱۵ درصد ضعیف دانستند.٦۳ درصد از میزان کارایی دانش و مهارت های آموخته رضایت داشتند و موفق تر ین شاخص های کسب شده را در زمینه تشخیص های کلینیکی، تصمیم گیری بالینی و درمان بیماریها ذکر کردند و بیشترین موارد عدم تحقق را در زمینه تشخیص های رادیولوژی ذکر کردند

نتیجه گیری: یافته های پژوهش نسبی بودن آموزش پزشکی جامعه نگر را در شیراز مورد تائید قرار میدهد.

۱۹۹. بررسی عوامل موثر در پیشرفت تحصیلی از دیدگاه دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی شهر کرد

فرانک صفدری ده چشمه ، معصومه دل آرام
ندا پروین ، فاطمه امینیان

آدرس: شهرکرد، رحمتیه، دانشکده‌پرستاری و مامایی

زمینه و هدف: دانشجویان نیروی برگزیده از نظر استعداد، خلاقیت، پشتکار و منابع معنوی جامعه و سازندگان فردای کشور هستند و لازمه پیشرفت تحصیلی و زندگی موفقیت آمیز آنان، برخورداری از آرامش و امنیت خاطر در ابعاد زیستی، روانی، اجتماعی و آموزشی همچنین بذل توجه به سایر مؤلفه های تاثیرگذار در محیط یادگیری است لذا توجه به پیشرفت تحصیلی دانشجویان گامی بسوی توسعه پایدار است و به همین دلیل در سالهای اخیر کشورهای مختلف توجه روز افزونی به این امر معطوف داشته اند. هدف این مطالعه بررسی عوامل موثر در پیشرفت تحصیلی از دیدگاه دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی شهرکرد بود.

روش و ابزار: در یک مطالعه توصیفی- تحلیلی در سال ۱۳۸۳ دانشجویان ترم سوم وبالاتر رشته های پرستاری، مامایی، تکنسین اتاق عمل و هوشبری شهرکرد به روش سرشماری مورد مطالعه قرار گرفتند و نظرات آنان به وسیله پرسشنامه محقق ساخته و مشتمل بر ویژگیهای دموگرافیک و ٦ بخش و ٤٧ سوال در زمینه عوامل موثر در پیشرفت تحصیلی که روایی آن با اعتبار محتوا و پایایی آن با آزمون مجدد تایید شده بود،جمع آوری گشت. جهت تجزیه وتحلیل داده ها از نرم افزارspss وآمارتوصیفی بصورت فراوانی همچنین مجذور کای، آزمون تی وضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

نتایج: در خصوص عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی بر حسب میانگین، فاکتورهای مربوط به محتوای آموزشی با میانگین ٤/٤٦+٠/٦٣ بیشترین امتیاز و فاکتورهای مربوط به فراگیر با میانگین ٣/٨٨+٠/٦١ کمترین امتیاز را داشتندهمچنین عواملی که در هریک از ٦ حیطه بیشترین سهم را از دیدگاه دانشجویان در پیشرفت تحصیلی داشت استخراج گردید که در اصل مقاله آورده شده است.

نتیجه گیری: هرچند یادگیری و پیشرفت تحصیلی تحت تاثیر مشترک ویژگیهای خانواده، فراگیر، آموزشگر، محتوای آموزش، محیط و امکانات آموزشی و عوامل اجتماعی اقتصادی می باشد اما بذل توجه به مولفه هایی که از دید دانشجو در هر قسمت بعنوان عوامل بسیار مؤثر قید شده است،می تواند راه را برای پیشرفت آنان هموارتر سازد.

۲۰۰. بررسی نظرات اعضای هیأت علمی و پزشکان عمومی در مورد مهارت های عملی ضروری که یک پزشک عمومی باید بداند

میترا محمودی، کوروش وحید شاهی، لیلا شهبازنژاد

آدرس: مازندران ، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: انجام یک سری اقدامات مداخله ای جزء وظایف کارورز می باشد و وی باید این اقدامات را که برای درمان بیماران ضروری است در دوران کارورزی به کار گیرد. دانشجویان پزشکی این مهارتها را به طرق مختلف و از افراد گوناگونی فرا می گیرند اما مطالعه یا مدارک مشخصی درمورد ضرورت نوع مهارت عملی و مناسب بودن آموزش یا صلاحیت مرجعی که مهارتها را آموزش می دهد، در دست نیست.هدف از انجام این مطالعه تعیین دیدگاه اساتیدو پزشکان عمومی در مورد آن دسته از مهارتهای عملی که یک دانشجوی پزشکی در زمان فارغ التحصیلی باید بداند و به خوبی انجام دهد، بوده است .

روش و ابزار: این مطالعه که بصورت توصیفی توسط پرسشنامه ای خود ایفا شامل٤٨ مهارت عملی که در اختیار تمامی اعضای هیأت علمی رشته های داخلی، جراحی، اطفال و زنان و ٢٠ نفر پزشک عمومی قرار گرفت، انجام شده است . پایایی آن با روش آلفاکرونباخ ٠/٩ و روایی آن توسط چند تن از اساتید تایید شده است. شرکت کنندگان در مطالعه در هر مهارت یکی از ٤ گزینه لازم است بداند، بهتر است بداند، لازم نیست بداند، و نمی توانم اظهار نظر کنم را انتخاب می کردند نمونه گیری به صورت تصادفی‌ساده و مبتنی بر دسترس انجام شد. داده ها وارد نرم افزار SPSS١٠ شد و با استفاده از شاخصهای آماری توصیفی، تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: میزان پاسخ دهی به سوالات توسط پزشکان عمومی٢٠ نفر (٪١٠٠)و اعضای هیأت علمی٪٩٣/٤ (٢٧ نفر) بوده است. تمامی پزشکان عمومی و اعضای هیئت علمی، تزریق داخل عضلانی و وریدی و زدن بخیه و کشیدن آن را ضروری می دانستند در حالی که تمامی پزشکان عمومی انجام CPRو تمامی اعضای هیأت علمی گذاشتن سوند اداری و NGTرا ضروری می دانستند. از میان ١٦ مهارتی که بیشترین امتیاز را کسب کرده بودند و به عنوان آنچه پزشک عمومی ضروری است بداند انتخاب شد، در ١٠ مهارت میان اساتید و پزشکان

عمومی توافق وجود داشت شامل :انجام عملیات احیا، ترزیق داخل عضلانی و داخل وریدی، بخیه زدن و کشیدن آن، گذاشتن سوند اداری، بی حسی موضعی و گذاشتن لوله تراشه، اخذ ECG، گذاشتن لوله نازوگاستریک،گرفتن نمونه خون شریانی. در ٦ مهارت نیز اختلاف نظر وجود داشت، از نظر پزشکان عمومی، شستشوی گوش، گذاشتن تامپون قدامی بینی، خارج کردن جسم خارجی از گوش، چشم و بینی، آتل گیری، برداشتن زگیل و کنترل خونریزی پس از کشیدن دندان، نیز بیشترین امتیاز را کسب کردند اما از نظر اساتید، انجام تست PPD، کشت خون، نمونه خون محیطی (PBS)، نمونه گیری از زخم ها، کشت گلو و گرفتن زایمان واژینال نیز ضروری بودند .

نتیجه گیری: توجه به اختلاف نظر موجود بین اعضای هیأت علمی به عنوان آموزش دهندگان و پزشکان عمومی به عنوان افرادی که از آموزه های دوران دانشجویی خود، باید استفاده کنند، بررسی و نیاز سنجی اساسی در مورد دانسته های پزشکان عمومی در زمان فارغ تحصیلی، باید انجام شود و براساس آن سیستم های آموزشی تنظیم گردند.

۲۰۱. بررسی دیدگاه اساتید بالینی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان در مورد اهمیت آموزش مهارتهای ارتباطی به دانشجویان پزشکی در مراکز آموزش مهارتها سال ۱۳۸٤

دکتر اباصلت برجی، فاطمه کیانی

آدرس: زاهدان ، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: آموزش پزشکی در کشورهای کمتر توسعه یافته عمدتا برارزیابی وارتقای علمی پزشکان تاکید می کند اما در کشورهای توسعه یافته در برنامه های آموزش پزشکی مداوم بخشی هم برای بهبود مهارتهای ارتباطی گنجانده شده است. آموزش مهارتهای ارتباطی، یکی ازمباحث مهم آموزش پزشکی است در حالی که آموزش این مهارتها در برنامه رسمی آموزش پزشکی کشور گنجانده نشده است. بنابراین به منظور برنامه ریزی و تدوین دروسی که در آن دانشجوی پزشکی بتواند با اصول ارتباط صحیح با بیمار آشنا شود، تعیین دیدگاه اساتید بالینی درباره آموزش این مهارتها ضروری است.

روش و ابزار: این مطالعه توصیفی - تحلیلی می باشد. مطالعه به صورت سرشماری انجام شد وپرسشنامه در اختیار تمامی اعضاء هیئت علمی بالینی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان قرار گرفت. ٤٦نفر در مطالعه شرکت داشتند. ابزار گرد آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته شامل سه بخش اطلاعات دموگرافیک، نگرش و سوالات باز بود.

نتایج: از مجموع ٤٦ نفر شرکت کنندگان در مطالعه ۳٤/۸٪ خانم و ٦٥/۲٪ آقا بودند از نظر سن ٤۱/۳٪ بین ۳۰تا ۳۹ سال و٥٦/٥٪ بین ٤۰تا ٤۹ سال بودند و سابقه تدریس ۱۰/۹٪ کمتر از ٤سال ۳۹/۱٪ بین ٥ تا۹سال و٤۱/۳٪ بین ۱۰تا ۱٤ سال و تنها ۷/ ۸٪ بین ۱٥تا ۱۹ سال سابقه تدریس داشتند. در مورد نگرش، همه اعضای هیئت علمی نگرش مثبت در باره آموزش مهارتهای ارتباطی داشتند و نگرش با هیچکدام از مشخصات دموگرافیک مثل جنس،سن و سابقه تدریس رابطه آماری معنی داری نشان نداد. همچنین در پاسخ به سوال بازکه آموزش این مهارتها در چه مقطعی و توسط چه کسانی ودر قالب چند واحد درسی باشد نظرات متفاوتی مطرح شده که به تفصیل در اصل مقاله خواهد آمد.

نتیجه گیری: دیدگاه کلیه اعضاءهیئت علمی صرفنظر از جنس، سن وسابقه تدریس نسبت به آموزش مهارتها مثبت می باشد.

پیشنهاد: با توجه به نتایج مطالعه پیشنهاد می شود که حد اقل ۲ واحد آموزش مهارتهای ارتباطی در برنامه آموزش پزشکی گنجانده شود.بهتر است آموزش بخشی از واحد پیشنهادی در مرکز مهارتهای بالینی به صورت کارگاه برگزار گردد و تمامی دانشجویان پزشکی ملزم به شرکت در کارگاه گردند.

۲۰۲. بررسی میزان و چگونگی آموزش و منابع مورد استفاده توسط کارکنان گروه پزشکی پس از فارغ‌التحصیلی

مینا روشنی‌پور، محبوبه یداللهی، فرخ حبیب‌زاده

آدرس: شیراز، واحد آموزش و پژوهش، بهداشت و درمان صنعت نفت

زمینه و هدف: چندی است که پزشکی مبتنی بر شواهد راه خود را در تمام عصه‌های این علم باز کرده است. هر روز شواهد جدیدتر راهگشای ما هستند و امر مداوای بیماران را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. آگاهی از این درمان‌های جدید از

جمله مهم‌ترین وظایفی است که دانش‌آموختگان علوم پزشکی باید به آن همت گمارند.

هدف: بررسی میزان و چگونگی آموزش و منابع مورزد استفاده توسط گروه علوم پزشکی پس از فارغ‌التحصیلی

روش و ابزار: پرسشنامه‌ای شامل خصوصیات فردی، منابع مورد استفاده، دفعات شرکت در کلاس‌های آموزشی و... طراحی شد و توسط ۳۲ نفر از دانش‌آموختگان مقاطع مختلف رشته‌های علوم پزشکی که به صورت اتفاقی از مراکز دانشگاهی و غیر دانشگاهی شهر شیراز انتخاب شده بودند، تکمیل شد. اطلاعات موجود با نرم‌افزار آماری EpiInfo ٦ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج: میانگین (انحراف معیار) سنی افراد مورد پژوهش (۷) ۳۲ سال و میانگین سابقه‌ی کار آنها (۵)۷ سال بود. ٦۹٪ این افراد در مراکز درمانی غیر دانشگاهی و ۳۱٪ در مراکز دانشگاهی مشغول فعالیت بودند. برای ۸۵٪ این افراد دوره‌های بازآموزی مدون اصولاً در نظر گرفته نشده بود. ۷۸٪ افراد در یک سال گذشته حداقل یک مطلب علمی متناسب با رشته‌ی تحصیلی خود خوانده بودند، اما مدت زمانی که از آخرین مطالعه‌ی افراد می‌گذشت در شاغلین مراکز دانشگاهی کمتر از پرسنل مراکز غیر دانشگاهی بود ($p<0/0001$). ۲۲٪ آنها در رابطه با رشته‌ی مربوطه یا اصلاً مطالعه نمی‌کردند یا بیش از یک سال از زمان آخرین مطالعه‌ی آنها می‌گذشت. بیش از ۹۰٪ افراد مورد مطالعه تمایل داشتند در دوره‌های آموزشی شرکت کنند. در حالی که تفاوت آماری معنی‌داری بین تعداد دوره‌های برگزار شده در مراکز دانشگاهی و غیر دانشگاهی مشاهده نشد، تنها ٤۲٪ افراد موفق شده بودند در چنین دوره‌هایی شرکت کنند. ۲۲٪ افراد از اینترنت استفاده می‌کردند و فقط ۳۵٪ افراد مجلات پزشکی را مطالعه می‌کردند. این در حالی بود که تمام (۱۰۰٪) افراد مورد مطالعه مجلات هنری یا خبری را می‌خواندند. به نظر می‌رسد نبودن انگیزه، در دسترس نبودن مجلات پزشکی و اینترنت، قدیمی بودن کتاب‌های موجود و نبودن یا کم بودن کلاس‌های آموزشی و دوره‌های بازآموزی یا مناسب نبودن زمان برگزاری این دوره‌ها از مهم‌ترین مشکلات آموزشی می‌باشند.

نتیجه‌گیری: آموزش و بازآموزی گروه درمانی پس از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه کافی نبوده و این امر مستلزم شناخت، نیازسنجی و برنامه‌ریزی دقیق‌تر و منسجم‌تری برای آموزش تمامی گروه‌ها و سطوح کادر درمانی است.

۲۰۳. نیاز سنجی در آموزش مداوم: آیا بین نظرات پزشکان عمومی و اتندینگ گروه های اطفال و داخلی هماهنگی وجود دارد؟

شهین حیدری سورشجانی،عبدالحسین شکورنیا،طیبه مرعشی

آدرس: اهواز ، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور

زمینه و هدف: یکی از عواملی که ضامن کیفیت برنامه های آموزش مداوم بوده و اخیراً مورد توجه دفاتر آموزش مداوم قرار گرفته است اجرای برنامه های مورد نیاز مشمولین آموزش مداوم می باشد. و قطعاً یکی از ابزار تحقق این مهم انجام نیازسنجی از گروه های هدف می باشد. مطالعه حاضر به منظور تعیین نیازهای آموزشی پزشکان عمومی به مباحث بیماری های داخلی و اطفال از دیدگاه خودشان و مقایسه نظرات آنان یـا اتـندینگ بخش های داخلی و اطفال دانشگاه که مسئولیت اجرای برنامه های آموزش مداوم پزشکان عمومی را به عهده دارند انجام شد.

روش و ابزار: این مطالعه یک پژوهش توصیفی و ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای بود که روایی و پایداری آن قبلاً انجام و به تأیید رسیده بود. جـامعه مـورد مطالعه تمامی اتندینگ بخش های داخلی و اطفال و ۲۰٪ پزشکان عمومی شاغل در استان خوزستان بودند. اطلاعات گردآوری شده با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: در مجموع پزشکان متخصص یا میانگین بالاتری نسبت به پزشکان عمومی ضرورت مباحث مربوط به رشته های تخصصی خود را در آموزش مداوم پزشکان عمومی مورد تأکید قرار داده اند. در ارتباط با بیماری های اطفال میانگین نظرات اتندینگ بخش اطفال ۲/٤۹ (مقیاس سنجش حداقل ۱ وحداکثر ۳ بوده است)در مقابل نظرات پزشکان عمومی ۱/۸۰ و در ارتباط با بیماری های داخلی میانگین نظرات اتندینگ بخش داخلی۲/٦۰ در مقابل نظرات پزشکان عمومی ۱/۹۹. در بیماری های اطفال اتندینگ مباحث بیماری های عفونی و

اسهال و استفراغ را با بالاترین میانگین ضروری ترین مباحث اما پزشکان عمومی بیماری های گوارشی و تنفسی را ضروری ترین مباحث مورد نیاز اعلام نموده و مباحث اسهال و استفراغ و بیماری های عفونی را در مرتبه سوم و چهارم ذکر نموده اند. در ارتباط با بیماری های داخلی اتندینگ و پزشکان عمومی مباحث مربوط به بیماری های گوارش و کبد و بیماری های روماتولوژی را به ترتیب بیشترین و کمترین مباحث مورد نیاز پزشکان عمومی اعلام نموده اند و بعد از آن بیماری های تنفسی و بیماری های خون و انکولوژی در مرتبه سوم و چهارم قرار گرفته اند.

نتیجه گیری: با توجه به ناهماهنگی بین نظرات پزشکان عمومی و اتندینگ در برخی از موارد و نظر به این که معمولاً در برگزاری برنامه های آموزش مداوم بیشتر نظرات اتندینگ لحاظ می شود پیشنهاد می گردد مجموع نظرات اتندینگ و پزشکان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و مبنای تعیین مباحث قرار گیرد.

۲۰۴. بررسی نیاز به آموزش مهارتهای بالینی از نظر پزشکان عمومی

شهلا پیامنی، دکتر فریبا طرهانی، مهتاب امانی، فریبا امینی، زهره پیامنی

آدرس: خرم آباد، دانشکده پرستاری و مامایی

زمینه و هدف: یکی از ضروری ترین بخش های آموزش حرفه پزشکی، لزوم آموزش تعداد زیادی از مهارت های عملی و ارتباطی در کنار حیطه های نظری است بر اساس مستندات موجود رویکرد سنتی در آموزش بالینی به دانشجویان پزشکی موفق نیست از آنجائیکه فراگیری مهارت های عملی و بالینی مستلزم آموزش برنامه ریزی شده و مشاهده و تمرین کافی مهارت هاست احتمال اینکه در طی تجارب محدود بالینی امکان تمرین کافی و کسب اعتماد به نفس در انجام برخی مهارت ها فراهم نشود وجود دارد لذا این مطالعه در سال ۱۳۸۳ جهت بررسی میزان نیاز پزشکان عمومی در شهر خرم آباد به باز آموزی برخی مهارت های بالینی انجام گردید. اهداف مطالعه شامل تعیین مهارتهای بالینی ضروری از دیدگاه واحدهای نمونه، تعیین نیاز به بازآموزی هر یک از این مهارت ها، تعیین منابع یادگیری مهارت های مذکور و جمع آوری پیشنهادات آنان جهت ارتقاء مهارتهای بالینی در دانشجویان پزشکی و پزشکان فارغ التحصیل بود.

روش و ابزار: این مطالعه توصیفی - مقطعی بر روی ۹۵ نفر از پزشکان شرکت کننده در دوره های باز آموزی مرکز توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی لرستان انجام شد. روش نمونه گیری غیر تصادفی بود و ابزار بررسی، پرسشنامه ای مشتمل بر ویژگیهای فردی و حرفه ای و سوالات مرتبط با اهداف بود پرسشنامه دارای روایی محتوای بوده وپایایی آن بروش آزمون مجدد تایید گردید اطلاعات پس ازجمع آوری باابزار۹ SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: یافته ها نشان داد که از دیدگاه بیش از ۹۰٪ اعضاء نمونه توانایی انجام احیاء قلبی ریوی در بزرگسالان، کودکان و انستیوباسیون ضروری ترین مهارت های مورد نیاز بود، در حالیکه مهارتها ی گذاشتن IUD و خارج کردن آن، انجام رنگ آمیزی گرم و AFB و اپیزیوتومی به ترتیب کمترین ضرورت را داشتند. بیشترین موارد نیاز به بازآموزی، انجام مهارتهای مورد نیاز در شرایط اورژانس مثل جا انداختن شکستگی ساده یا در رفتگی ساده، خروج جسم خارجی از حلق و حنجره و انجام احیاء در کودکان و بزرگسالان بود که از جانب بیش از ۷۵٪ واحدهای نمونه مطرح گردید.

نتیجه گیری: نتایج بررسی موید نیاز درصد قابل توجهی از اعضای نمونه به بازآموزی مهارت های مورد بررسی در مطالعه بود به نظر میرسد در حال حاضر خلا قابل توجه در توانمندی فارغ التحصیلان پزشکی درانجام بسیاری از مهارت های عملی وجود دارد لذا بازنگری در برنامه آموزش پزشکی توسط مسئولین و برنامه ریزان با تأکید بیشتر بر آموزش مهارتهای عملی و بالینی امری ضروری است.

۲۰۵. نظرات مدیران و اعضاء هیئت علمی در زمینه نیاز سنجی آموزشی اعضاء هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

علی عماد زاده، دکتر محمد حسین بحرینی، مهری یاوری شکرانه صدیق بهزادی

آدرس: مشهد، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: انجام نیاز سنجی و تعیین دقیق نیازهای آموزشی اعضاء هیات علمی باعث ارتقاء کیفیت آموزش

پزشکی شده و مبنای طراحی، اجرا و ارزشیابی فعالیت های سیستم آموزشی قرار می گیرد. این مطالعه با هدف بررسی نظرات مدیران واحدهای آموزشی و اعضاء هیات علمی دانشگاه درزمینه نیازسنجی ومقایسه نظرات آنهاانجام شده است.

روش و ابزار: دراین مطالعه نظرات ٤١ نفرازمدیران و٤٣ نفر از اعضاء هیات علمی ازطریق پرسشنامه موردبررسی قرارگرفت.

نتایج: الگوهای مناسب نیاز سنجی آموزشی اعضاء هیات علمی بهتر است شامل این ویژگیها باشد: به نیازهای بیان شده توجه شود، منابع تعیین نیاز، اهداف و استانداردها باشند. نیاز سنجی در سطح گروه آموزشی انجام شود. توجه بیشتر به نیازهای توسعه ای معطوف و نوع نیاز سنجی بتا یا زتا باشد. نیاز سنجی درهمه سازمان و با فواصل زمانی مشخص با استفاده از پرسشنامه انجام شود. آزمون آماری تنها در زمینه مفهوم نیاز اختلاف معنی داری را بین میانگین نظرات مدیران و اعضاء هیات علمی نشان داد (P = ۰/۰۰٤).

نتیجه گیری: لازم است قبل از طراحی و اجرای هر برنامه آموزشی برای اعضاء هیات علمی به منظور ارتقاء دانش و مهارت حرفه ای آنها نیاز سنجی انجام گردد. در انجام فرایند نیاز سنجی استفاده از الگوهای مشخص متناسب با شرایط و شامل ویژگیهای مورد نظر مدیران و اساتید که در این بررسی تعیین گردیده است می تواند اثر بخشی و کارایی این فرایند را افزایش دهد.

۲۰٦. بررسی نیازهای پزشکان عمومی شهرستان فسا بر اساس برنامه آموزشی مدون ۱۳۸٤

فاطمه دری پور، دکتر سعید خادمی، شیدا جوهری، شیوا بیگی زاده

آدرس: فسا ، دانشکده علوم پزشکی

زمینه و هدف: در سیستم آموزش پیشرفته، گام اول برنامه ریزی آموزشی، شناسایی ومشخص نمودن، اولویتهای نیازهای آموزشی به منظور ارتقاء کیفیت آموزشی است، و چنانچه بصورت صحیح ومتناسب با محتوای آموزشی طرح ریزی و انجام شود، می تواند نقش مهم و اساسی در اثر بخشی و بهسازی برنامه های آموزشی داشته و امکان استفاده مناسب از منابع محدود و در دسترس را فراهم نماید. هدف از این مطالعه تعیین نیازهای آموزشی کلیه پزشکان عمومی بر اساس برنامه های مختلف آموزش مدون وزارتی می باشد.

روش و ابزار: این پژوهش مطالعه ای توصیفی و مقطعی است و ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه ای دو بخشی می باشد که شامل اطلاعات دموگرافیک و لیست عناوین تعیین شده وزارتی است.

نتایج: یافته ها نشان داد بیشترین وکمترین میانگین نمره نیاز آموزشی در گروههای مختلف به ترتیب در گروه اطفال بیماریهای عفونی شایع کودکان با میانگین نمره (۸/٤٥) و ایمنسازی با میانگین نمره (٤/۳۳). در گروه داخلی، بیماریهای داخلی با میانگین نمره (۸/۰۹)و روزه داری وپزشکی با میانگین نمره (٤/٦۳). در گروه زنان، عفونتهای سیستم ژنیتال، فوریتهای زنان ومامائی، دیسمنوره وسندرم قبل از قاعدگی با میانگین نمره (۷/۳۰) و نازایی با میانگین نمره (٤/۳۳). در گروه چشم، فوریتهای چشم با میانگین نمره (۷/۷٥)و استرابیسم با میانگین نمره (٤/۳۱). در گروه گوش وحلق وبینی، گرفتگی صدا ولارنژیت با میانگین نمره (۸/۰۳) و فلج محیطی عصب صورت با میانگین نمره (٦/۷۲). در عنوان پوست، آلودگی با شپش با میانگین نمره (۷/۲۷) و بیماریهای پوستی رایج منطقه ای با میانگین نمره (٥). در گروه جراحی، شکم حاد جراحی با میانگین نمره (۸/۰۳) و مهارتهای عملی فوری لوله گذاری تراشه با میانگین نمره (٦/۳٦). در زمینه اعصاب، صرع با میانگین نمره (۷/۰۳)و موضوع سنکوپ با میانگین نمره (٤/۷۸). در زمینه روان پزشکی، اختلالات روانی شایع کودکان با میانگین نمره (۸/۳٦) و سایکوکار فارماکولوژی با میانگین نمره (٦/٥٤). در گروه عفونی، نحوه برخورد با بیمار تب دار با میانگین نمره (۸/۲۷) و آندوکاردیتها با میانگین نمره (٦/۳۳) بود.

نتیجه گیری: طبق نتایج پژوهش، نیازهای آموزشی در گروههای مختلف آموزشی، نشان داد که نیازهای شغلی پزشکان عمومی، تقریبا" با بیماریهای شایع در هر گروه مطابقت دارد.

۲۰۷. بررسی نیازهای آموزشی پزشکان عمومی به آموزش مداوم از دیدگاه خودشان

عبدالحسین شکورنیا. طیبه مرعشی. شهین حیدری. حسین الهام پور

آدرس: اهواز، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: هدف اصلی آموزش مداوم، بهینه سازی خدمات بهداشتی درمانی و دستیابی به استاندارد های مطلوب خدمات پزشکی است. شناسایی و اولویت بندی نیازهای یادگیری فراگیران گام اساسی در طراحی برنامه های آموزشی اثر بخش و متناسب با نیازهای جامعه می باشد. هدف از این مطالعه بررسی نیازهای آموزشی و تعیین محتوای برنامه های آموزش مداوم از دید پزشکان عمومی در شهرستان اهواز (ایران) می باشد.

روش و ابزار: این پژوهش مطالعه ای مقطعی است و جامعه پژوهش پزشکان عمومی شاغل در استان خوزستان می باشند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای مشتمل بر ۱۹ بخش در ارتباط با بیماریهای مختلف که توسط..۳ پزشک عمومی(۲۰٪ جامعه مورد مطالعه)که به روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند تکمیل گردید. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار spss و آزمون های مقایسه میانگین ها و آنالیز واریانس یکطرفه آنالیز گردید.

نتایج: ۶۳/۱ درصد پزشکان عمومی مذکر و ۳۶/۹ درصد مونث بودند. میانگین سن و سابقه کار آنها به ترتیب ۶/۶ ±۳۶ و ۶/۵ ± ۸ بود. بیماریهای دستگاه گوارش و غدد و متابولیسم به ترتیب با میانگین ۲/۱۰ و ۲/۰۳ بیشترین میانگین نمره نیاز آموزشی و بیماریهای عفونی و جراحی به ترتیب با میانگین ۱/۷۵ و ۱/۸۱ کمترین میانگین نمره نیاز آموزشی پزشکان عمومی اعلام شده بود. جنبه های تشخیص، درمان و پیشگیری بیماریها به ترتیب با میانگین های ۲/۰، ۱/۹۵ و ۱/۸۱ با تفاوتی اندک نسبتا با اهمیت قلمداد شده اند. همبستگی معنی دار آماری بین نیازهای آموزشی پزشکان عمومی زن و مرد مشاهده نگردید. اما همبستگی معنی دار آماری بین نیازهای آموزشی و سن پزشکان عمومی ($p<0/05$) و بین نیازهای آموزشی و سابقه کار ($p<0/05$) مشاهده گردید.

نتیجه گیری: برای افزایش اثربخشی برنامه های آموزش مداوم توجه به تطابق محتوای آمورش با نیازهای آموزشی فراگیران از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد و نیازسنجی آموزشی امری ضروری است. لذا پیشنهاد می شود با توجه به ویژگی های متفاوت افراد، محتوای برنامه های آموزش مداوم متناسب با نیازهای فراگیران طراحی شود.

۲۰۸. معرفی یک الگوی نیازسنجی جامع و کاربرد آن در آموزش مداوم پزشکی

دکتر ابوالقاسم امینی، مهندس عبدالرضا شقاقی، دکتر کامران صداقت

آدرس: تبریز، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: استفاده از روشهای نیازسنجی مناسب در برنامه‌ریزی آموزشی بعنوان یک ضرورت مورد قبول همگان است. روشهای نیازسنجی رایج متکی بر تعیین نیازها در مرحله تدوین برنامه آموزشی است و نیازهای فراگیران و مجریان برنامه‌های آموزشی در سایر مراحل اجرای برنامه معمولاً مورد غفلت قرار می‌گیرد.

تاکنون الگوی نیازسنجی جامعی برای سنجش نیازهای اختصاصی برنامه‌ها، مجریان و فراگیران در کلیه مراحل طراحی واجرای برنامه‌های آموزشی ارائه نشده است. در این مقاله یک الگوی نیازسنجی جامع و چند مرحله‌ای با استفاده از روشهای گوناگون نیازسنجی در مراحل مختلف تدوین و تکوین برنامه‌های آموزشی معرفی و نتایج بکارگیری این مدل در تعیین نیارهای آموزش مداوم پزشکان عمومی نیز ارائه می‌گردد. الگوی مورد اشاره مبتنی بر ارائه چارچوبی کاربردی برای تعیین نیازهای آموزشی عمومی و اختصاصی در برنامه‌های آموزشی است.

روش و ابزار: این الگوی نیازسنجی بر مبنای مرور و تحلیل ابعاد، مراحل و روشهای نیازسنجی موجود و با در نظر گرفتن نیازهای مشتریان برنامه‌ها در سطوح مختلف طراحی شده است. برای سنجش جامعیت و کارآیی این مدل با استفاده از نظر خبرگان و کارشناسان به روش بحث گروهی متمرکز و روش دلفی و مرور شاخص‌ها و مطالعات میدانی، در سنجش نیازهای آموزش مداوم ۸۰۰ نفر از پزشکان عمومی به اثبات رسیده است.

نتایج: نیازسنجی آموزش مداوم پزشکان عمومی براساس این الگو نشان داد که: ۱.بین نیازهای عمومی یا کلی پزشکان با

نیازهای اختصاصی یا فردی آنان متفاوت وجود داشته و استفاده از این الگو توانست نیازهای اختصاصی آنان را به تفکیک افراد و با مشارکت خودشان تعیین و طبقه‌بندی کند.
۲.اولویت‌های آموزش مداوم نسبت به گروههای آموزشی متفاوت بوده و تعداد متقاضیان هرگروه آموزشی به تفکیک برنامه‌های اولویت‌دار نیز تعیین گردید. ۳. نیازهای آموزش مداوم سالانه و پنجساله دفتر آموزش مداوم دانشگاه به تفکیک برنامه‌ها، روش‌ها، عرصه و زبان‌های ترجیحی متقاضیان مشخص گردید.٤. نیازهای آینده آموزشی شرکت کنندگان در برنامه‌ها نیز برای دستیابی به توانمندی و عملکرد مطلوب در برخی برنامه‌های منتخب مشخص گردید. ٥. کارآیی جامعیت، انعطاف‌پذیری و مسئولیت استفاده این الگو در سنجش نیازهای آموزشی در این مطالعه نشان داده شد.

نتیجه‌گیری: استفاده از نیازسنجی در برنامه‌ریزی آموزشی یک ضرورت بشمار می‌رود ولی در صورتیکه از آن فقط به عنوان ابزاری در تعیین نیازها کلی و یا بایدهای یادگیری عمومی استفاده شود، اثربخشی لازم را نخواهد داشت.
بکارگیری یک الگو و چارچوب جامع و چند مرحله‌ای برای تعیین نیازهای آموزشی در مراحل سیاستگزاری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه آموزشی و همچنین در پایان هر برنامه، می‌تواند کاستی‌های موجود را مرتفع ساخته و هر سه گروه مدیران، مدرسان و فراگیران را بعنوان مشتریان مستقیم درگیر فرایند نیازسنجی کرده و نیازهای جامعه را نیز توسط آنان و همچنین با نگاه به سایر شواهد و مطالعات ملحوظ کند. بنابراین استفاده از الگوی جامع COMPE در نیازسنجی بعنوان یک ابزار ارتقای کیفیت آموزش پیشنهاد می‌شود.

۲۰۹. تدوین عناوین فارماکوپه دانشجویی بر اساس مهارتهای مورد انتظار برای کاربرد داروها در بخش داخلی

طاهره چنگیز، پیمان ادیبی، زهرا فقیه ایمانی

آدرس: اصفهان، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی

زمینه و هدف: مهارتهای دارو درمانی اثراتی جدی بر سرنوشت بیمار دارد. عملا پزشکان از یادگیری همهٔ حجم زیاد اطلاعات دارویی ناتوان اند و گاهی حتی بخشهای ضروری در خاطرشان نمی ماند. هدف این مطالعه روشن ساختن بخشهای ضروری از فارماکولوژی بالینی و اطلاعات دارویی برای پزشک عمومی است تا براساس آن برنامه آموزشی محوری را برای دانشجویان پزشکی تنظیم شود.

روش و ابزار: داروهایی که به طور معمول برای درمان بیماریهای مندرج در برنامه آموزشی اصلی کارورزان بخش داخلی بکار می رود براساس کتاب های مرجع استخراج گردید. ۷ سیاهه تخصصی شامل داروهای مرتبط با رشته های تخصصی قلب، ریه، کلیه، غدد، گوارش، خون، و روماتولوژی تنظیم شد. سه نفر از اساتید هر رشته در مورد ضرورت آگاهی پزشک عمومی نسبت به جنبه های مختلف اطلاعات دارویی هر دارو نظر دادند. این جنبه ها شامل اشکال دارویی، تداخلات، عوارض جانبی و توصیه های نسخه پیچی بود. موارد عدم توافق بین افراد همرشته برای تهیه فهرست نهایی به یک گروه متمرکز از متخصصین ارجاع شد.

نتایج: اساتید در ۹۸۸ آیتم به توافق رسیدند و ٤١٠ مورد در گروه متمرکز مطرح شد. نتایج در جدولی شامل ضرورت یادگیری هر یک از جنبه های داروهای رایج در بخش داخلی برای دانشجویان پزشکی ارائه گردید.

نتیجه گیری: این مطالعه اهداف آموزشی را در مورد ۲۱٤ دارو مشخص نمود. ضرورت و میزان یادگیری در قالب «کاملا ضروری به صورت مشروح»، «تا حدودی ضروری در حد مختصر» و «بدنیست آگاهی داشته باشد » مشخص گردید. این مطالعه شیوه ای عملی را در تدوین اهداف آموزشی به خصوص در برخورد با موضوعات چند وجهی و پیچیده ارائه می نماید.

۲۱۰. بررسی شرح وظایف اعضاء هیات علمی از دیدگاه اعضا هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال ۱۳۸۳

دکتر آبتین حیدرزاده، عطاا... اسدی لویه
دکتر حیدردادخواه تیرانی، مینو نعمتی

آدرس: گیلان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: ادغام آموزش و درمان در دانشگاه های علوم پزشکی و گسترش روز افزون دامنه علوم، منجربه چندگانگی و پیچیدگی شرح وظایف اعضا هیات علمی دانشگاه ها وپدیدار شدن چالشی بزرگ در زمینه سنجش عملکرد موثر این افراد

گشته است. این تحقیق به بررسی دیدگاه اعضا هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان در خصوص ابعاد وظایفشان در زمینه های گوناگون پرداخته است.

روش و ابزار: مطالعه مقطعی حاضر بر روی جامعه هدف اعضا هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان شاغل در سال ۱۳۸۳ انجام شده است.طی سه جلسه بحث گروهی با اعضا هیات علمی علوم پایه، بالینی و پرستاری و به روش گروه اسمی حیطه های اصلی فعالیت اعضا و اجزا آن طبقه بندی گردید.سپس با استفاده از پرسشنامه بسته خودایفا اقدام به جمع آوری داده ها در خصوص الویت بندی اجزا فعالیت در حیطه های ششگانه و وزن دهی به هر یک از الویت ها گردید و در یک قالب ۶۰۰ امتیازی مورد ارزیابی قرار گرفت. داده های جمع آوری شده تحت نرم افزار SPSS۱۰ وارد رایانه شده و تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: از تعداد ۲۲۰پرسشنامه توزیع شده ۱۵۳ مورد تکمیل گشت. حیطه های اصلی فعالیت اعضا هیات علمی به ترتیب الویت (میانگین امتیاز حاصله)عبارتند از: آموزش(۴۲۱/۸)، توسعه فردی(۳۴۸/۱)،مراقبت از بیمار و درمان(۳۲۷/۵)، پژوهش و تحقیق(۳۰۱/۵)، مدیریت و فعالیت های اجرائی(۲۱۹/۲) و فعالیت های خارج از دانشگاه (۱۵۷/۲).بررسی الویت های مورد نظر اعضا هیات علمی علوم پایه،بالینی و پرستاری نشانگر تفاوت معنی دار آماری بود (P=۰/۰۳۲).همچنین تفاوت معنی داری بین الویت های انتخابی اعضا هیات علمی بر اساس سابقه کار آنها مشاهده شد (P<۰/۰۰۱).

نتیجه گیری: با توجه به الویت های مورد نظر اعضا هیات علمی و تفاوت نظر بین افراد با سابقه کار متفاوت و حیطه کاری متفاوت لازم است در تنظیم شرح وظایف علمی و سنجش فعالیت موثر و بهره وری آنان از ابزار های جامع و قابل انعطاف و مستند استفاده گردد.

۲۱۱. بررسی نیازهای آموزش جامعه پزشکی استان گیلان در سال ۱۳۸۳

دکتر آبتین حیدرزاده ، حبیب صابر، عطاا... اسدی لویه
دکتر حیدر دادخواه ، دکتر مهرداد ایزدی ، معصومه ادیب

آدرس: گیلان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: آموزش مداوم پزشکی به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر در فرایند آموزش پزشکی مطرح است. برنامه ریزی برای این آموزش نیازمند تعیین نیازهای فراگیران و الویت های ارائه خدمات سلامتی در جامعه است. مطالعه حاضر به منظور تعیین نیازهای آموزشی جامعه پزشکی استان گیلان در سال ۱۳۸۳ است.

روش و ابزار: این مطالعه مقطعی بر روی جامعه هدف پزشکان شاغل در استان گیلان انجام شد. نمونه مورد بررسی به صورت سهمیه ای وتصادفی ساده انتخاب گشت.ابزار سنجش این مطالعه پرسشنامه ای حاوی متغییرهای دموگرافیک و سوالات باز در خصوص علل شایع مراجعات سر پایی، بستری، نیاز های اصلی آموزشی پزشکان از دیدگاه خودشان و روشهای باز آموزی پیشنهادی آنها بود. پرسشنامه ها توسط رابطین طرح در اختیار پزشکان قرار داده شد و در فاصله یک هفته و طی دو بار پیگیری جمع آوری شد. داده های جمع آوری شده پس از ورود در نرم افزار Excell در ۲۹۶ عنوان و ۵۱ سر فصل طبقه بندی شده و سپس با استفاده از نرم افزار SPSS۱۰ مورد تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: از مجموع ۱۲۵۴ پزشک شاغل در یطح استان ۳۸۴ نفر مورد پرسشگری قرار گرفتند و ۳۳۶ پرسشنامه تکمیل شده باز گردانده شد (۸۷/۵ درصد). شایعترین علل مراجعه به ترتیب شامل: اختلالات گوارشی (۸/۶در صد) عفونتهای تنفسی فوقانی و تحتانی (۸/۴ درصد)، آسم و COPD (۸ درصد)، سوانح و مصمومیت ها (۷/۹ درصد) و بیماریهای ایسکمیک قلب (۶/۷ درصد) بوده اند. ده الویت اعلام شده آموزشی پزشکان عبارت است از بیماریهای ایسکمیک قلب، احیا قلبی ریوی، روشهای جدید تشخیصی، روشهای درمانی جدید، بیماریهای گوارش فوقانی، بار داری و عوارض، لپتوسپیروز، COPD، دیابت و اختلالات کبدی بیشترین روش پیشنهادی، خود آموزی و مکاتبه بوده است.

نتیجه گیری: با توجه به گستردگی و تنوع نیاز های جامعه پزشکی لازم است مراکز آموزش مداوم پزشکی به طور دوره ای و با استفاده از ابزار ها در دسترس همه پزشکان اقدام به نیازسنجی آموزشی نمایند. همچنین پیشنهاد می گردد هنگام طراحی برنامه ها به بار بیماریهای منطقه نیز توجه گردد.

۲۱۲. بررسی تحقق اهداف آموزش بالینی در رشته مامایی در دانشکده علوم پزشکی شاهرود

ناهید بلبل حقیقی، علی دادگری، یدا... مشایخی

آدرس: شاهرود ، دانشکده علوم پزشکی

زمینه و هدف: نخستین رسالت موسسات آموزش عالی بویژه در رشته‌های با اساس بالینی همچون مامایی،تحقق اهداف آموزشی بالینی می‌باشد. در این پژوهش میزان تحقق اهداف آموزشی در دانشکده علوم پزشکی شاهرود بر اساس الگوی SELF_REPORT در دانشجویان سال‌های مختلف تحصیلی دانشجویان مامایی بررسی شده است.

روش و ابزار: در این تحقیق ۹۶ نفر از دانشجویان مامایی دانشکده علوم پزشکی شاهرود که در سال‌های اول تا چهارم تحصیل می‌کنند به عنوان واحدهای مورد پژوهش در نظر گرفته می‌شوند با استفاده از پرسشنامه بر اساس سرفصل های مصوب وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی سوالات منتخب از دروس اصلی و تخصصی رشته های مربوط از منابع مورد نظر استخراج گردیدند. همچنین ۶۰ پروسیجر اصلی بالینی که انتظار می‌رود فراگیران در طی چهار سال تحصیل خود رد موقعیتهای بالینی کسب و مرور نمایند استخراج گردیدند. پس از اجرای آزمون ملاک سنجش پژوهش آن است که در سال اول ۲۰ در صد در سال دوم ۴۵ در صد در سال سوم ۷۵ درصد و در سال چهارم ۱۰۰درصد می‌باشد. در بخش پروسیجرها انتظار می‌رود درصد پروسیجرهای تکرار شده کافی در سال اول ۲۰ درصد در سال دوم ۴۵ درصد در سال سوم ۷۵ درصد و در سال چهارم ۱۰۰ درصد می‌باشد.

نتایج: بر اساس نتایج بدست آمده بیش از ۶۰ درصد اهداف آموزشی بالینی بندرت یا هیچگاه برآورده نمی‌شوند. همچنین حدود ۲۱٪ اهداف آموزش بالینی بطور کامل یا تقریباً کامل برآورده می‌شوند.

نتیجه گیری: پژوهشگران پیشنهاد می‌کنند برنامه درسی بالینی در رشته مامایی می‌باید متناسب با نیازهای این دانشجویان و بر اساس امکانات بالینی در محیط کارورزی و توانمندهای دانشجویان در سالهای مختلف تحصیلی تغییرات اساسی یابند. همچنین به نظر می‌رسد که در رشته‌های علوم پزشکی نیاز به تحول آموزش بالینی و گرایش به سمت مهارتهای عملی داشته باشند.

۲۱۳. تعیین حداقل های ضروری یادگیری رشته پزشکی در چهار بخش اصلی و مقایسه میزان حصول به اهداف در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، شهرکرد و دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد در سال ۱۳۸۲

دکتر مسیح صبوری، شهرام شایان، احمد صالحی

آدرس: اصفهان ، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: تعیین اهداف آموزشی به خصوص هدف های آموزش حیطه مهارتی در رشته های پزشکی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این مطالعه براساس اجماع بین منابع و دیدگاه صاحب نظران، اساتید بالینی، دستیاران پزشکی و پزشکان عمومی به تعیین اهداف ضروری در چهار بخش اصلی پرداخته و سپس میزان حصول به این اهداف را در سه دانشگاه از دیدگاه کارورزان مورد مقایسه قرار داده است.

روش و ابزار: نوع مطالعه: این پژوهش یک مطالعه توصیفی (از نوع دلفی - پیمایشی - مقطعی و علّی - مقایسه ای است).
جامعه و روش نمونه گیری: جامعه مورد مطالعه شامل کارورزان پزشکی چهار بخش اصلی (داخلی، جراحی زنان، کودکان) سه دانشگاه بوده که به روش نمونه گیری تصادفی تصادفی ساده ۷۶ نفر کارورز جهت مطالعه انتخاب شده اند.
ابزار جمع آوری اطلاعات: چک لسیت و پرسشنامه . اهداف ضروری حیطه مهارتی در چهار بخش اصلی براساس اجماع بین منابع و دیدگاه صاحب نظران اساتید بالینی دستیاران پزشکی و پزشکان عمومی به روش دلفی تعیین شده و سپس براساس چک لیست میزان دستیابی کارورزان پزشکی به اهداف ضروری حیطه های مهارتی در چهار بخش اصلی مورد ارزیابی و در سه دانشگاه مورد مقایسه قرار گرفته است. داده ها با استفاده از برنامه نرم افزاری SPSS و روش های آماری توصیفی و استنباطی (پارامتری و ناپارامتری) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نتایج: حداقل های ضروری یادگیری برای کارورزان بخش داخلی، زنان، جراحی و اطفال به ترتیب شامل ۲۶، ۳۹، ۵۱، ۳۵ مورد می باشد که این مهارت ها را می توان در سه مقوله: ۱) معاینه فیزیکی کامل و گرفتن شرح حال به عنوان مهم ترین مهارت در چهار بخش اصلی ۲) مهارت انجام پروسیجرها ۳)

تشخیص و اداره بیماری های شایع، طبقه بندی نمود. کارورزان پزشکی سه دانشگاه ۲۰ درصد از اهداف یادگیری ضروری چهار بخش اصلی را به صورت عالی، ۳۵ درصد از اهداف را به صورت خوب، ۲٤ درصد از اهداف را به صورت متوسط و ۲۱ درصد از اهداف را به صورت ضعیف قادر به انجام آن می باشند و در کل توانمندی انجام اهداف یادگیری ضروری توسط کارورزان در حد متوسط ارزیابی شده است. میانگین وزنی توانمندی سه دانشگاه (اصفهان، شهرکرد، آزاد اسلامی نجف آباد) به ترتیب برابر: ۲/۸٦، ۳/۵۳، ۲/۹۱ و میانگین رتبه سه دانشگاه نیز به ترتیب برابر با: ۳۱/۳۲، ٤۹/٦۹ و ۳٤/۸۹ می باشند که براساس آزمون دان فقط بین توانمندی کارورزان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و شهرکرد در چهار بخش اصلی تفاوت معنی داری وجود دارد.

نتیجه گیری: تعیین اهداف آموزشی براساس توجه به نیازهای فراگیران، نیازهای جامعه و دیدگاه متخصصان برنامه به منظور تعیین مواد آموزشی، برنامه، روش و نظام ارزیابی و در نتیجه تحقق اهداف آموزشی امر مسلمی است. وجود دوره های تخصصی و فوق تخصصی، نوع بیماران مراجعه کننده و میزان درگیری مستقیم اساتید . در اداره بیماران از مؤلفه های مهم و تأثیرگذار برفرآیند یاددهی-یادگیری کارورزان پزشکی می باشند.

۲۱٤. بررسی تأثیر استفاده از آموزش مبتنی بر شبکه در ارتقاء سطح دانش فیزیوپاتولوژی قلب دانشجویان سال چهار پزشکی

دکتر علیرضا رحیمی ممقانی، دکتر شادی شیوا، دکتر جهانبخش صمدی خواه، سجاد خادم نژاد، آنیتا چهری، امیر اشرفی زاده

آدرس: تبریز، خیابان گلگشت، کوی گلستان، خانه علوم پزشکی ایران

زمینه و هدف: استفاده از ابزار آموزش مجازی یکی از فرصتهای نوینی است که پیشرفت تکنولوژی اطلاعات در اختیار آموزش پزشکی قرار داده است. دانشگاههای معتبر جهان در کنار آموزشهای جاری خود سالهاست که از دوره های آموزشی الکترونیکی برای آموزش دانشجویان خود به شکل آموزش از راه دور استفاده می کنند. در کشور ما نیز برای اولین بار خانه علوم پزشکی ایران با همکاری گروه قلب دانشگاه علوم پزشکی تبریز دوره آموزش الکترونیکی در پورتال آموزشی www.medsh.org برای دوره فیزیوپاتولوژی قلب دانشجویان پزشکی طراحی و اجرا نموده است، که شامل فایلهای PowerPoint به همراه سخنرانی اساتید، کتب مرجع به تفکیک عناوین درسی، اتاق گفتگو، تخته سفید گفتگو، تصاویر و اشکال آموزشی و ... می‌باشد. هدف از این مطالعه تعیین تأثیر استفاده از این آموزش در ارتقاء سطح دانش فیزیوپاتولوژی قلب دانشجویان سال چهارپزشکی می‌باشد.

روش و ابزار: این مطالعه به روش مداخله‌ای بالینی (Clinical Trial) طراحی گردید. گروه مورد مطالعه دانشجویان سال چهار پزشکی بودند که بر اساس معدل به صورت خوشه‌ای تصادفی به دو گروه مساوی تقسیم شدند. گروه اول تنها از آموزش سنتی استفاده کردند و گروه دوم به همراه آموزش سنتی از آموزش الکترونیکی نیز بهره بردند. در انتهای مطالعه نتایج امتحان پایان ترم دانشجویان و فرم نظر سنجی در دو گروه توسط نرم افزار آماری SPSS ۱۲ و تستهای آماری Independent sample t-test و Chi square مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. سطح معنی داری در این مطالعه P<۰،۰۵ در نظر گرفته شد. پایایی پرسشنامه نظر سنجی با آلفای کرونباخ معادل ۰/٦۵ محاسبه گردید.

نتایج: میانگین نمره بدست آمده در گروه شاهد معادل ۱/۷ ± ۰۵/ ۱۳ بود و این میانگین در گروه مورد ۱/۸ ± ۱٤/۰۸ بود که اختلاف معنی داری بین دو گروه بدست آمد (P=۰،۰۳۳ و t=۲،۱). میانگین رضایت از دوره آموزشی ۰/٦ ± ۳/۰۷ از ۵ بود. ۷۸/۷٪ دانشجویان تمایل داشتند در دوره های بعدی شرکت نمایند. ولی تنها ۱۸/۸٪ دانشجویان تمایل به جایگزینی کل دوره فیزیوپاتولوژی به صورت الکترونیکی و بدون شرکت در کلاس داشتند.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه این دوره برای اولین بار در سیستم آموزش پزشکی کشور اجرا شده است نتایج بدست آمده حاکی از تأثیر خوب آن در ارتقاء سطح دانش دانشجویان می‌باشد که می‌تواند در دوره‌هایی مانند دوره فیزیوپاتولوژی که بیشتر جنبه تئوری دارد برای دانشجویان سراسر کشور مورد استفاده قرار گیرد. همچنین می تواند راهی برای ارتباط بین دانشگاههای علوم پزشکی در سطح کشور برای طراحی و استفاده از دوره‌های مشترک قرار گیرد. با وجود این برطبق نظر سنجی بعمل آمده با وجود رضایت بالا از برگزاری دوره همراه با دوره سنتی، در حال حاضر تمایل دانشجویان به جایگزینی کامل آن به جای دوره های حضوری پایین می‌باشد.

فصل ۶

آموزش مداوم و ارتقای حرفه ای

۲۱۵. بررسی نگرش اعضای هیئت علمی سخنران به رویکرد فعالیتهای آموزشی و پژوهشی در برنامه های آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی گلستان -۱۳۸۳

دکتر عبدالوهاب مرادی، دکتر محمدرضا یوسفی، بتول نوری

آدرس: گرگان ، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: آموزش مداوم بعنوان استراتژی نوین در حفظ و ارتقاء مهارتهای حرفه ای و آگاهیهای علمی و فنی جامعه پزشکی وبه روز نگه داشتن دانش پزشکی از اهمیت ویژه برخوردار است که در فرآیند یاددهی این برنامه با مشکلات وچالشهای فراوان مواجه میباشدهدف این مطالعه بررسی نگرش اعضای هیئت علمی بارویکرد فعالیتهای آموزشی وپژوهشی نسبت به برنامه های آموزش مداوم دردانشگاه علوم پزشکی گلستان میباشد.

روش و ابزار: این مطالعه بصورت مقطعی و از نوع توصیفی- تحلیلی است که در سال ۱۳۸۳ برروی ۳۸ نفر اعضای هیئت علمی که در اجرای برنامه های آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی گلستان سخنرانی داشته اند انجام گرفته است. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای است که در یک مطالعه اولیه پایایی و روایی آن بررسی و نهایتا یک پرسشنامه با روایی و پایایی قابل قبول تهیه گردید. سئوالات پرسشنامه در سه قسمت میزان آشنائی، رضایتمندی و نگرش به برنامه های آموزش مداوم با رویکرد فعالیتهای آموزشی و پژوهشی با ۱۲ سئوال تنظیم گردید که از این میان اطلاعات سئوالات مربوط به نگرش اعضای هیئت علمی در منظور کردن همکاریشان با برنامه های آموزش مداوم بعنوان فعالیت آموزشی پژوهشی جهت ارتقاء و ترفیع سالیانه، یا موظفی فعالیتهای آموزشی و یا بعنوان یک واحد درسی جمع آوری گردید که هر یک از این گزینه ها بصورت بسیار کم با نمره یک تا بسیار زیاد با نمره ۵ در مقیاس لیکرت در نظر گرفته شده است.

نتایج: در این مطالعه ٦٧/٦ %افراد مرد بوده اند که میانگین سنی افراد ٤١ سال ومیانگین سابقه کار آنها ۹/۸ سال بوده است. در ٤ گروه زنان، کودکان، جراحی و داخلی با برنامه های آموزش مداوم همکاری داشته اند نتایج نشان می دهد که بیشترین میزان موافقت در گروه سنی کمتر از ٤٠ سال با منظور این فعالیت در ارتقاء و ترفیع سالیانه ۳۳/۳ درصد و در موظفی فعالیتهای آموزشی ۸/۸٪ درصد و بعنوان واحد درسی ۲۱/۹ درصد می باشد. ولی این رقم در گروه سنی بالای ۵۰ سال بترتیب۳٪ و۸/۸٪ و ۳/۱٪ بوده است. نتایج این تحقیق نشان می دهد ۹٤/۱٪ افراد مورد مطالعه دارای سابقه کار کمتر از ۱۵ سال میباشند که ٤۹/۹٪ آنها به میزان زیاد با منظور کردن این فعالیتها جهت ترفیع و ارتقاء و۱۸/۲٪ آنها با موظفی فعالیتهای آموزشی و ۳۱/۲٪ آنها بعنوان واحد درسی موافق بوده اند. در کل افراد مورد مطالعه ٦۲/۵٪ اعضای هیئت علمی گروه داخلی بسیار کم موافق احتساب این فعالیت بعنوان موظفی آموزشی بوده اند و این گروه در منظور کردن همکاریشان بعنوان فعالیت آموزشی درارتقاءوترفیع سالانه بیشتر از سایر گروهها موافقت خود را اعلام نموده اند.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد با افزایش سن میزان نگرش افراد با رویکرد فعالیت آموزشی و پژوهشی در برنامه های آموزش مداوم کاهش می یابد و نیز افراد با سابقه کار کمتر از ۱۵ سال با منظور همکاریشان در برنامه های آموزش مداوم جهت ترفیع و ارتقاء سالیانه بسیار زیاد موافق می باشند. ولی این میزان در ارتباط با احتساب آن بعنوان واحد درسی و موظفی آموزشی بسیار کم بوده است. و بین گروههای آموزشی گروه داخلی کمتر از سایر گروهها در احتساب این فعالیت بعنوان موظفی اموزشی موافق بوده اند ولی بالعکس در احتساب آن در ترفیع و ارتقاء سالیانه بیشتر از سایر گروهها موافق بوده اند.

۲۱٦. مقایسه برنامه های آموزش مداوم مدون ۲۵ امتیازی و ۵ امتیازی از دیدگاه پزشکان عمومی در استان گلستان سال ۸۳-۸۲

دکتر محمدرضا یوسفی، محمدرضا ربیعی

آدرس: گلستان ، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: با توجه به هدف ارتقای حرفه ایی و تجدید و روز آمد نمودن اطلاعات پزشکی و علمی پزشکان عمومی، امروزه آموزش مداوم در مجامع علمی و دانشگاهی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. از سال ۸۳ برنامه های مدون ۲۵ امتیاز تبدیل به برنامه های مدون پنج امتیازی گردید و مورد اجرا قرار گرفت هدف از این تحقیق مقایسه برنامه های آموزش مداوم ۲۵ امتیازی و ۵ امتیازی در زمینه های موفقیت، متناسب بودن و رضایت شرکت کنندگان بوده است.

روش و ابزار: این مطالعه به صورت مقطعی و از نوع توصیفی می باشد که در چهار برنامه مدون ۲۵ امتیازی در سال ۸۲ و ٤ برنامه مدون ٥ امتیازی اجرا شده در سال ۸۳ در استان گلستان انجام گرفته است. در این پژوهش ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای است که از طرف وزارت بهداشت جهت ارزیابی برنامه های آموزش مداوم تهیه شده ودرحین اجرای برنامه های آموزش مداوم در بین شرکت کنندگان توزیع و در پایان برنامه ها جمع آوری می شود، استفاده گردید سئوالات در سه قسمت موفقیت برنامه ها در تحکیم اطلاعات قبلی و ارائه مطالب جدید علمی – متناسب بودن محتوی برنامه ها با نیازهای شغلی و میزان رضایت شرکت کنندگان از برنامه های مدون آموزش مداوم تنظیم گردید هریک از گزینه های پرسشنامه مذکور بصورت بسیار کم با نمره ۱ تا بسیار زیاد با نمره ٥ در مقیاس لیکرت در نظر گرفته شده است. حجم نمونه در این مطالعه برای برنامه های مدون سه روزه ۱۲۱نفر وبرنامه های مدون یک روزه ٦٤ نفر میباشد که اطلاعات مربوطه با آنها پس از جمع آوری و ورود آن در نرم افزار SPSS ۱۱،٥ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. آزمون آماری مورد استفاده کای دو و من-ویتنی بوده و سطح معنی دار آزمونها ۰/۰٥ در نظر گرفته شده است.

نتایج: با استفاده از مقیاس لیکرت، ۷٦/۹ درصد شرکت کنندگان، برنامه های مدون یکروزه را موفق ارزیابی کردند در حالیکه این رقم در برنامه های مدون سه روزه، ٥۹/٦ درصد بوده است. ۷٥/۹ درصد شرکت کنندگان برنامه های مدون یک روزه را متناسب با نیازهای شغلی خود دانسته اند در صورتی که در خصوص برنامه های مدون سه روزه ٥۷/٤ درصد شرکت کنندگان آن را متناسب با نیازهای شغلی خود ارزیابی کرده اند. همچنین ۷۹/۷ درصد شرکت کنندگان از برنامه های مدون یک روزه رضایت داشته اند که این رقم در برنامه های مدون سه روزه به ٦٦/۲ درصد می رسد. که اختلاف آماری معنی داری بین میزان موفقیت، تناسب و رضایت در برنامه های مدون یک روزه و سه روزه وجود داشته است ($P<0/05$)

نتیجه گیری: نتایج این تحقیق نشان می دهد که در مجموعه عملکرد برنامه های مدون ٥ امتیازی بهتر از ۲٥ امتیازی بوده است که به نظر می رسد علت اصلی آن تخصصی تر بودن، زمان کوتاه و نیز تنوع برنامه ها می باشد. لذا پیشنهاد می گردد که برنامه ریزان و متولیان برنامه های آموزش مداوم با بهره گیری از منابع علمی جدید جهت تقویت و تنوع هر چه بیشتر برنامه های یکروزه گام بردارند.

۲۱۷. بررسی تاثیر مسئولیتهای اجرایی و مشغله حرفه ای در فعالیتهای آموزش مداوم اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گلستان سال ۱۳۸۳

دکتر محمدرضا یوسفی، دکتر عبدالوهاب مرادی، بتول نوری

آدرس: گرگان ، مرکز مطالعات وتوسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: با توجه به نقش مهم و موثر برنامه های آموزش مداوم در ارتقاء دانش، مهارت و یا ارتقاء شایستگی حرفه ای پزشکان عمومی با تاکید بر استفاده از روشهای نوین آموزش پزشکی و مدرسین مجرب و فارغ از مسئولیتهای اجرایی برنامه های آموزش مداوم در سطح دانشگاه علوم پزشکی گلستان با مشکلات و چالشهای فراوانی بخصوص در فرآیند یاددهی روبرو میباشد که هدف این مطالعه بررسی میزان تاثیر مسئولیتهای اجرایی و مشغله حرفه ای اعضای هیئت علمی در فعالیتهای برنامه آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی گلستان میباشد.

روش و ابزار: این مطالعه بصورت مقطعی و از نوع توصیفی تحلیلی است که در سال ۸۳ بر روی ۳۸ نفر از اعضای هیئت علمی که در برنامه آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی گلستان سخنرانی داشته اند انجام گرفته است.در این پژوهش ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای است که در یک مطالعه اولیه پایایی و روایی آن بررسی و نهایتا یک پرسشنامه با روایی و پایایی قابل قبول تهیه گردید.اطلاعات سئوالات مربوط به میزان تاثیردرگیری و مشغله حرفه ای ومسئولیت اجرایی در فعالیت آموزش مداوم اعضا هیئت علمی جمع آوری گردید که هریک از این گزینه ها بصورت بسیارکم با نمره ۱ و بسیارزیاد با نمره ٥ درمقیاس لیکرت در نظر گرفته شده است که اطلاعات پس از جمع آوری و ورود در نرم افزار spss ۱۱،٥ و بااستفاده از آزمونهای آماری مناسب مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت که سطح معنی دار آنها ۰/۰٥ در نظر گرفته شده است

نتایج: در این مطالعه ٦٤٪ افراد مرد بوده اند که میانگین سنی افراد ٤۱ سال و میانگین سابقه کار آنها ۹/۸ سال بوده است و

در چهار گروه زنان، کودکان، جراحی و داخلی با برنامه های اموزش مداوم دانشگاه همکاری داشته اند که ۳۶٪ افراد مورد مطالعه اظهار داشتند که مسئولیت اجرایی و مشغله حرفه ای بیشترین تاثیر را در فعالیتهای آموزشی آنها داشته است که ۲۴٪ مربوط به آقایان بوده است.از ۳۰/۴٪ افراد که به میزان زیاد به تاثیر مسئولیت اجرایی در فعالیتهای آموزشی معتقد بوده اند حدود ۱۳٪ در گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ سال و ۱۷/۴٪ در گروه سنی کمتر از ۴۰ سال بودند. از ۹۵/۸٪ افراد مورد مطالعه که دارای سابقه کار کمتر از ۱۵ سال می باشند ۲۹/۱٪ آنها اظهار داشتند که مسئولیت اجرایی در فعالیتهای آموزشی آنها به میزان زیاد تاثیر گذار می باشد که ۲۰/۸٪ آن مربوط به افراد با سابقه کار ۱۰-۵ سال میباشند ۶۰٪ از اعضای هیئت علمی گروه زنان اظهار داشتند که مسئولیت اجرایی و مشغله حرفه ای به میزان زیاد در فعالیت آموزش مداوم آنها تاثیر داشته است که این رقم در گروه اطفال ۲۵٪، گروه جراحی ۲۸/۶٪ گروه داخلی ۲۷/۳٪ بوده است.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که مسئولیت اجرایی در آقایان بیشتر از خانمها بر روی فعالیتهای آموزش مداوم تاثیر داشته است که با افزایش سن این تاثیر کاهش می یابد و در افراد با سابقه کار ۱۰-۵ سال مسئولیت اجرائی بیشترین تاثیر را در کاهش فعالیتهای آموزشی آنها داشته است. و نیز تاثیر مسئولیت اجرایی و مشغله حرفه ای بر روی فعالیتهای آموزش مداوم در گروه جراحی و زنان بیشتر از سایر گروه ها بوده است. بنابراین پیشنهاد می شود که بدلیل حجم و تنوع برنامه های آموزشی در گروه جراحی و زنان از افراد جوانتر و بدون مسئولیت اجرایی در فعالیتهای آموزش مداوم استفاده گردد.

۲۱۸. ارزیابی نیازهای آموزش مداوم پرسنل مامائی

شهناز مجاهد ، خدیجه نصیریانی ، مریم دافعی
علی اکبر واعظی ، حسین کریمی

آدرس: یزد، مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه

زمینه و هدف: ورود به هر حرفه مستلزم آگاهی و مهارت در آن میباشد. اما با توجه به گسترش روز افزون علوم و پیشرفت تکنولوژی و تغییرات سریعی که در خدمات بهداشتی درمانی رخ داده آموزش مداوم را بخشی تفکیک ناپذیر از فعالیتهای هر سازمان نموده است و اولین قدم در برآورده نمودن آن تعیین نیازهای آموزشی فراگیران می باشد. نظر به اینکه هدف برنامه های بازآموزی آموزش مستمر وبه روز کردن اطلاعات مشمولین آموزش مداوم جهت پاسخگویی به نیازهای آموزشی شغلی و ارتقاء سطح علمی همگام با تغییرات و تحولات جامعه است لذا آگاهی مسئولین و برنامه ریزان از نیازهای آموزش مداوم پرسنل ضروری می باشد.

روش و ابزار: این مطالعه از نوع مقطعی Cross Sectional می باشد که با هدف تعیین نیازهای آموزش مداوم پرسنل مامائی انجام گرفته جامعه پژوهش کلیه کارشناسان مامائی شاغل در مراکز بهداشتی درمانی بودند که به روش سرشماری انتخاب شده و تعداد آنها مشتمل بر ۱۰۰ نفر بود. ابزار گرد آوری داده ها چک لیست مهارتهای رایج مامایی شامل ۶۸ آیتم بودکه به روش گزارش دهی تکمیل شد.

نتایج: با توجه به نتایج پژوهش اهم نیازهای آموزشی در زمینه های مختلف به ترتیب اولویت عبارت بود از:
آموزش انجام زایمان بریچ و دوقلویی و انجام تست Nst، Oct انجام اقدامات لازم از مادر در صورت وقوع خونریزی بعد از زایمان و هماتوم دستگاه تناسلی، ارائه خدمات به مادران باردار معتاد ، استفاده از دستگاه ECG و گلوکومتر و... مراقبت از نوزاد در زمان فتوتراپی. لازم به ذکر است که در اکثر موارد بین متغیرها دموگرافیک و نیازهای آموزش مداوم ارتباط معنی دار آماری یافته شد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج تحقیق پیشنهادات ذیل ارائه می گردد:
برنامه ریزی هر چه سریعتر در جهت رفع نیازهای آموزشی پرسنل با توجه به اولویتهای مورد نیاز تشکیل مراکز آموزش مداوم جهت فارغ التحصیلان رشته های پیراپزشکی در دانشگاههای علوم پزشکی اختصاص قسمتی از برنامه های بازآموزی به صورت کارگاه های آموزشی مهارتهای بالینی با توجه به نیاز آموزشی پرسنل اقدام جهت ارتقاء کیفیت آموزش بالینی دانشجویان مانندااستفاده بیشتر از مراکز skill lab.

۲۱۹. تجزیه و تحلیل ارزشیابی برنامه های آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی گلستان

دکترعبدالله عباسی، دکتر محمدرضا یوسفی، دکتر آزاد رضا منصوریان

آدرس: گرگان ، معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

زمینه و هدف: آموزش مداوم بعنوان یک استراتژی حفظ و ارتقاء دانش جامعه پزشکی، یک ضرورت اجتناب ناپذیر بوده که هدف آن تحکیم آموخته های کلاسیک، تازه های علمی وحل مشکلات حرفه ایی میباشد. لذا لزوم بکار گیری تدابیر جهت موفقیت وتناسب برنامه های آموزش مداوم با نیاز های شغلی شرکت کنندگان و نیز افزایش عوامل انگیزشپزشکان عمومی دراین برنامه ها روشن می گردد.

این مطالعه به منظور تجزیه و تحلیل ارزشیابی برنامه های آموزش مداوم از دیدگاه شرکت کنندگان در خصوص موفقیت و تناسب برنامه ها با نیاز های شغلی و نیز بررسی عوامل انگیزش شرکت کنندگان در برنامه ها در چهار حیطه تجدید کردن اطلاعات- مبادله اطلاعات و تجربیات با دیگر همکاران چاره جویی در حل مشکلات حرفه ای و کسب امتیاز میباشد.

روش و ابزار: این مطالعه بصورت مقطعی واز نوع توصیفی- تحلیلی است بر روی ۱۲۱ پرسشنامه وزارتی خود اجرا برنامه های آموزش مداوم ازپزشکان عمومی شرکت کننده در برنامه های اجرا شده دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۸۲ انجام گرفته است که اطلاعات پس از جمع آوری وورود در نرم افزار SPSS ۱۱،۵ و با استفاده از آزمونهای آماری با سطح معنی دار ۰،۰۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: در بررسی بعمل آمده از ۱۲۱ نفر از پزشکان عمومی ۷۰/۱٪ شرکت کنندگان مرد بودند که میانگین سنی شرکت کنندگان ۲۵/۶ سال و ۱۱٪ شرکت کنندگان سابقه کار بالای ۲۰ سال و ۶۱/۳٪ سابقه کار زیر ۱۰ سال داشته اند. در مجموع ۴۳/۸٪ پزشکان محتوی برنامه ها را متناسب با نیاز های شغلی خود خوب دانسته اند که این تناسب از نظر پزشکان زن کمتر بوده است و افزایش سن و سابقه کار این تناسب در برنامه های مدون کمتر از برنامه های غیر مدون می باشد.

در مجموع ۱۸/۹٪ شرکت کنندگان برنامه های آموزش مداوم را موفق دانسته اندکه در بررسی تاثیر عوامل زمینه ای سن- جنس- سابقه کار و نوع برنامه(مدون و غیر مدون) عوامل جنس (مذکر) و نوع برنامه (غیر مدون) دارای ارتباط معنی دار ($P<0/05$) در موفقیت برنامه ها داشته است و نیز ۹۱/۱٪ پزشکان مهمترین انگیزه شرکتدر برنامه ها را کسب امتیاز ذکر کرده اند که عوامل زمینه ائی سن – جنس – سابقه کار- نوع برنامه (مدون و غیر مدون) در انگیزش شرکت کنندگان جهت کسب امتیاز تاثیر یکسان داشته است.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان میدهد که با افزایش سن و سابقه کار پزشکان تناسب محتوی برنامه های مدون با نیاز های شغلی آنها کمتر از برنامه های غیر مدون بوده است و نیز این تناسب از دیدگاه پزشکان زن کمتر بوده است. با توجه به نتایج عدم توجه به محتوی برنامه های با نیازهای شغلی پزشکان با توجه سابقه کار و جنس آنها از عوامل موثر در کاهش موفقیت برنامه ها بوده است بنابراین می توان با به روز کردن محتوی علمی برنامه ها و منطبق بودن برنامه ها با تازه های علمی و متناسب کردن با نیاز های شغلی و شرایط منطقه براساس نیاز سنجی جهت بهبود کیفیت برنامه های آموزش مداوم گام برداشت. همچنین پیشنهاد می شود در برنامه ریزی ها در جهت تحصیح نگرشها اقدامات جدی تری صورت گیرد بطوری که با اجرای برنامه های آموزش مداوم براساس نیازپزشکان ومشارکت آنان منجربه ترغیب انگیزه در بعد علمی آن و حضور فعال دربرنامه ها وافزایش دانش گردد.

۲۲۰. بررسی نیازهای آموزش مداوم (مدون) دندانپزشکان عمومی شهرستان تبریز در بهمن سال ۱۳۸۳

دکتر علی فخاری، علیرضا زادگان، حبیب الله قمی

آدرس: تبریز ، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: مسلماً یکی از عوامل مهم پیشرفت و توسعه هر جامعه ای لحاظ کردن نیازها و اهداف آموزش آن جامعه بوده، بقول فیخته فیلسوف تربیت آلمانی « سعادت و شقاوت جامعه در گرو آموزش و پرورش، نیازها و کیفیت آن است». لذا نظر به تحولات شگرف بنیادی در عرصه‌های مختلف جامعه و به منظورپاسخگویی منطقی به نیازهای پزشکی شهروندان، لزوم طراحی علمی برنامه‌ها و ایجاد انگیزه بیشتر در مشارکت دندانپزشکان در جهت ارتقاء سطح دانش و

مهارتهای حرفه ای خود ضرورت مبرم به شناخت نیازهای آموزش مداوم آنان داریم.

روش و ابزار: مطالعه از نوع توصیفی تحلیلی بود. جمع آوری اطلاعات از طریق ۱۱۰ پرسشنامه بصورت تصادفی ساده و حضوری در بین دندانپزشکان شهرستان تبریز در بهمن ۸۳ انجام گرفته که به تعداد ۸۰ پرسشنامه تکمیل و برگردانده شد و با استفاده از نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روایی ظاهری و محتوی و اعتبار پرسشنامه به تایید استادان صاحب نام و کارشناسان آموزش مداوم مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه رسید.

نتایج: با توجه به اینکه تعداد برنامه‌های مدون آموزش مداوم در دوازده حیطه براساس دستور العمل اجرایی آموزش مداوم طراحی شده و با استفاده از روش لیکرت بصورت ۵ مقیاس یعنی خیلی زیاد – زیاد– متوسط ــ کم ــ خیلی کم منظور شده بود لذا نتایج بصورت اولویت بندی با میانگین توزیع فراوانی مطلق ودرصد میزان یعنی ۱- تکنولوژی اطلاعاتی و نحوه استفاده ازمنابع علمی مانند مقالات کامپیوتر،اینترنت، زبان انگلیسی و... در٤/٥٤٪ ۲- ترمیمی ٤/۳۲٪ ۳- پروتز ثابت(متحرک)٤/۲۱٪ ٤- پریودنتیکس٤/۲۰٪ ٥- پاتولوژی دهان وفک وصورت٤/١٦٪ ٦- دندانپزشکی اطفال٤/١١٪ ۷- ارتودنتیکس٤٪ ۸- جراحی دهان و فک وصورت ٤٪ ۹- اندودنتیکس۹۲ /۳٪ ۱۰- کاشت دندان Implant۳/٦۲٪ ۱۱- رادیولوژی دهان و فک و صورت۳/٦۰٪ ۱۲- بهداشت دهان و دندان۳/٤۲٪ بدست آمد.

نتیجه گیری: این مطالعه قصد داشت نیازهای آموزش مداوم دندانپزشکان عمومی تبریزرااولویت بندی نماید که مبنای بسیار مهم وتعیین کننده در طراحی وبرنامه ریزی آموزشی است. با عنایت به این اولویت بندی که درواقع محورتدوین برنامه‌هامی باشد برنامه‌های آموزش مداوم طراحی و برگزارمی شوند که جنبه عینی و علمی قضیه را در خود داشته است. بدین ترتیب زمینه مناسب جهت مشارکت بیشتر و حضور فعالانه مشمولین دندانپزشک در برنامه‌ها فراهم میگردد و موجب ارتقاء سطح دانش و مهارتهای کلینیکی می شود.

۲۲۱. بررسی دانش و عملکرد مشمولین آموزش مداوم در خصوص فناوری اطلاعات و ارتباطات

دکتر مهناز بهادرانی، دکتر طاهره چنگیز
دکتر علیرضا یوسفی، مینا توتونچی

آدرس: اصفهان ، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: پیشرفتهای که در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات در عصر حاضر رخ داده است کلیه جنبه های زندگی بشر را دستخوش تحول نموده است. این فناوری بر علوم پزشکی نیز تاثیر قابل ملاحظه ای گذاشته و منجر به تحولات عمده ای در این حیطه شده است. لذا آشنائی با آن برای شاغلین حرفه های پزشکی لازم و ضروری به نظر می رسد. این تحقیق به منظور جمع آوری اطلاعات لازم در خصوص میزان اطلاعات و دانش این گروه و نیز نگرش آنان صورت گرفته تا از نتایج حاصله دربرنامه ریزی برنامه های آتی آموزش مداوم استفاده شود.

روش و ابزار: در یک مطالعه توصیفی پیمایشی، از شرکت کنندگان در برنامه های حضوری آموزش مداوم طی پرسشنامه‌ای پایا و روا، دانش و مهارت شرکت کنندگان در خصوص استفاده از رایانه و نگرش آنان در مورد فناوری اطلاعات و ارتباطات، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم افزار SPSS با محاسبه شاخصهای آماری و توزیع فراوانی داده ها انجام شد.

نتایج: طبق نتایج حاصله از این تحقیق، ۵۵٪ گروه هدف در کارگاههای آموزش رایانه شرکت کرده اند و ۷٤٪ آنان آدرس پست الکترونیکی داشته و فقط ۲۰٪ آنان اصلا از پست الکترونیکی استفاده نمی کنند. میانگین نمرات دانش و مهارت کار با رایانه در تمامی موارد در گروه هدف بیش از ۵۰ از ۱۰۰ محاسبه گردید. اکثر شرکت کنندگان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات را جهت بهبود فعالیتهای حرفه ای خود موثر می دانستند.

نتیجه گیری: نظر به کاربرد روز افزون فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم پزشکی و نیز با توجه به استقبال مشمولین آموزش مداوم از فراگیری علوم رایانه ای، لازم است برنامه ریزی لازم، جهت برگزاری دوره های اموزش مداوم مرتبط، انجام شود.

۲۲۲. بررسی میزان استفاده ازروش سخنرانی توسط اعضای هیئت علمی دربرنامه های آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی گلستان سال ۱۳۸۳

دکتر عبدالوهاب مرادی، دکتر محمدرضا یوسفی، بتول نوری

آدرس: گرگان ، مرکز مطالعات وتوسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: آموزش مداوم به عنوان استراتژی نوین در حفظ و ارتقاء مهارتهای حرفه ای و آگاهیهای علمی و فنی جامعه پزشکی و به روز نگه داشتن دانش پزشکی از اهمیت ویژه ای برخوردار است که در فرآیند یاددهی این برنامه ها با مشکلات و چالشهای فراوان مواجه میباشد که هدف مطالعه بررسی میزان استفاده از روش سخرانی در برنامه های آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی گلستان توسط اعضای هیئت علمی میباشد.

روش و ابزار: این مطالعه به صورت مقطعی واز نوع توصیفی- تحلیلی است که در سال ۸۳ بر روی ۳۸ نفراعضای هیئت علمی که در اجرای برنامه های آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی گلستان سخنرانی داشته اند انجام گرفته است.در این پژوهش ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای است که دریک مطالعه اولیه پایایی و روایی آن بررسی ونهایتا یک پرسشنامه با روایی و پایایی قابل قبول تهیه گردید اطلاعات سوالات مربوط به میزان استفاده از روش سخنرانی در برنامه آموزش مداوم جمع آوری گردید که هریک از این گزینه ها بصورت بسیار کم با نمره یک تا بسیار زیاد با نمره ۵ در مقیاس لیکرت در نظر گرفته شده است که اطلاعات پس از جمع آوری و ورود در نرم افزار spss۱۱،۵ وبا استفاده از آزمونهای آماری مناسب مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت که سطح معنی دار آنها ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است.

نتایج: در این مطالعه ۷۰/۶٪ افراد مرد بوده اند و میانگین سنی افراد ۴۱ سال و میانگین سابقه کار آنها ۹/۸ سال بوده است. و در چهار گروه زنان، کودکان، جراحی و داخلی با برنامه های آموزش مداوم دانشگاه همکاری داشته اند ۶۶/۷٪ آقایان از روش سخنرانی در برنامه های آموزش مداوم استفاده زیاد و بسیار زیاد داشته اند در حالیکه این رقم برای خانمها ۶۰٪ بوده است و نیز ۶۱/۱٪ افراد مورد مطالعه در گروه سنی کمتر از ۴۰ سال به میزان زیاد از روش سخنرانی در برنامه های آموزش مداوم استفاده کرده اند که این رقم در گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ سال ۴/۵ ٪ بوده است ونیز ۴۸/۵٪ افراد مورد مطالعه با سابقه کار کمتر از ۱۵ سال اظهار داشتند که به میزان زیاد از روش سخنرانی در برنامه های آموزش مداوم استفاده نموده اند که از این رقم، ۳۳/۳٪ آن مربوط به افراد با سابقه کار ۱۰-۵ سال می باشد. ۵۰٪ افراد مورد مطالعه به میزان زیاد از روش سخنرانی در برنامه های اموزش مداوم استفاده کرده اند که از این تعداد ۳۳/۳٪ مربوط به گروه داخلی میباشد که شامل ۶۶/۷٪ افراد گروه میباشد و کمترین آن مربوط به گروه کودکان میباشد.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که آقایان بیشتر از خانمها از روش سخنرانی در برنامه آموزش مداوم استفاده کردند و همچنین با افزایش سن و سابقه کار میزان استفاده از این روش در برنامه های آموزش مداوم کاهش داشته است و همچنین در این مطالعه مشخص شد که در بین گروههای آموزشی گروه داخلی بیش از سایر گروهها از روش سخنرانی در برنامه های اموزش مداوم استفاده کرده است بنابراین پیشنهاد میگردد که برای این گروه کارگاههای آموزشی در خصوص روشهای نوین آموزش پزشکی برگزار گردد.

۲۲۳. بررسی نیازهای آموزش مداوم متخصصین زنان و زایمان کاشان

محسن اربابی، لیلا پرورش، حسین اکبری، اعظم مصداقی نیا

آدرس: کاشان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: با توجه به اهمیت نیازسنجی در برنامه‌ریزی‌های آموزش و عدم آگاهی کامل از محتوی آموزشی مورد نیاز متخصصین و به منظور تعیین نیازهای آموزش مداوم متخصصین زنان و زایمان این مطالعه در سال ۱۳۸۲ در دانشگاه علوم پزشکی کاشان صورت گرفت.

روش و ابزار: تحقیق به روش Cross-sectional و به صورت سرشماری روی کلیه ۱۶ متخصص زنان و زایمان شاغل در کاشان اعم ازهیئت علمی وغیرعضوهیئت علمی صورت گرفت. اطلاعات مربوط به افراد از قبیل سن، جنس، سابقه کار، محل کار و موضوعات مورد نیاز آموزش مداوم که شامل ۵ گروه

اصلی بود، از طریق مصاحبه بر حسب اولویت تعیین و در پرسشنامه ثبت گردید. داده‌های پرسشنامه استخراج و نتایج به صورت آمار توصیفی، گزارش و درصد میانگین هر نیاز تعیین گردید.

نتایج: از ۱۶ متخصص مورد بررسی ۳ نفر (۱۹٪) مرد ۱۳ نفر (۸۱٪) زن بودند. دامنه سنی پزشکان ۶۷-۳۳ و میانگین سنی آنان ۱۱/٤ ± ٤۳/۳ سال بود. ۷ نفر (٤٤٪) عضو هیئت علمی و ۹ نفر (٥٦٪) غیر عضو هیئت علمی بودند PCOD با ۷۲٪ بررسی نازایی با ٦۸٪ روش‌های تحریک تخمک گذاری با ٦۹٪ منوپوز با ٦۲٪ به ترتیب بالاترین نمره اولویت نیاز را به خود اختصاص داده بود. درمان دارویی بیماری‌ها با ٦۸/۸٪ از بین محورهای برنامه بیشترین اولویت را داشت. بین جنس، سن، سابقه کار و موضوعات مورد نیاز رابطه معنی‌داری مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: PCOD، بررسی زوج نازا، روش‌های تحریک تخمک گذاری، منوپوز و درمان دارویی آن‌ها از موضوعات مورد نیاز متخصصین زنان و زایمان می‌باشد. از این رو لازم است در برنامه‌ریزیها آموزش مداوم مورد توجه قرار گیرد. تحقیق در مورد اثر بخشی این موضوعات بر فعالیت حرفه‌ای آنان توصیه می‌شود.

۲۲٤. بررسی نیاز های آموزش مداوم پزشکان عمومی کاشان

محسن اربابی، لیلا پرورش، حسین اکبری

آدرس: کاشان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: با توجه به اهمیت نیاز سنجی در برنامه ریزی های آموزش مداوم وعدم آگاهی کامل از محتوی آموزشی مورد نیاز پزشکان وبه منظور تعیین نیاز های آموزش مداوم پزشکان عمومی، این مطالعه درسال ۱۳۸۲ در دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی صورت گرفت

روش و ابزار: تحقیق به روش توصیفی و تصادفی درروی ۹۲ پزشک عمومی شاغل در بخش خصوصی و مراکز بهداشتی درمانی صورت گرفت. از طریق مصاحبه پرسشنامه استاندارد شده شامل اطلاعات فردی و محورهای آموزش مداوم در زمینه پزشکی داخلی، زنان و زایمان، کودکان، جراحی، چشم پزشکی، گوش وحلق وبینی، فارماکولوژی وروان پزشکی تکمیل گردید داده های پرسشنامه استخراج و نتایج به صورت آمار توصیفی، گزارش درصد و میانگین رتبه بر نیاز تعیین گردید.

نتایج: از ۹۲ پزشک عمومی، ٦٦ نفر (۷۱/۷٪)مرد و۲٦ نفر (۲۸/۳٪) زن بودند دامنه سنی پزشکان، ۸۲- ۲٥ سال و میانگین سنی آنان ۹/۱+ ٥/ ۳٥سال بود. میانگین سابقه کار ٦/٦سال تعیین گردید ۳٤نفر (۳۷٪) در مطب خصوصی و ٥۸ نفر (٦۳٪) در مراکز بهداشتی درمانی به فعالیت مشغول بودند اورژانس های جراحی با ۷۱/۷٪ اورژانس های داخلی با ٦٦/۳٪ اورژانس های چشم پزشکی با ٥٦/٥٪ اورژانس های روان پزشکی با ٥٤/۳٪ اورژانس های گوش وحلق وبینی وروش های نسخه نویسی با ٤٥/۷٪ اورژانس های زنان وزایمان ٤۲/٤٪ و رشدونمو کودکان با ۲۷/۲٪ به ترتیب بالاترین نمره اولویت نیاز را به خود اختصاصی داده بود علائم کلینیکی با ٥٦/۷٪ و درمان بیماریها با ٥۳/۳٪ بالاترین امتیاز محورهای سخنرانی ها را داشت بین سن، جنس سابقه کار و اولویت های تعیین شده رابطه معنی داری وجود نداشت.

نتیجه گیری: اورژانس ها از بین موضوعات آموزش مداوم، تعیین نیاز پزشکان عمومی می باشد. همچنین علائم کلینیکی و چگونگی درمان بیماری ها از اولویت های سخنرانی می باشد. از این رو لازم است در برنامه ریزی های آموزش مداوم مورد توجه قرار گیرد تحقیق در مورد اثر بخشی این موضوعات بر فعالیت حرفه ای پزشکان توصیه می شود..

۲۲٥. برنامه های خودآموزی آموزش مداوم جامعه پزشکی، «تحلیل میدانی»

لیلا پناهنده ، فرهاد سمیعی، سیامک شریعت تربقان ف نیک فرمان

آدرس: تهران ، دفتر آموزش مداوم وزارتخانه

زمینه و هدف: در سال ۱۳۷۰ مجلس قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی را تصویب نمود. هر چند برنامه های خودآموزی یکی از ٥ نوع برنامه مصوب آئین نامه قانون مذکور بود ولیکن ۲ سال بعد کمیته خودآموزی شروع به فعالیت کرد. این کمیته مصوبات طراحی، اجرا و ارزشیابی این

نوع برنامه ها در سطح کشور به عهده دارد. هدف از این مطالعه نشان دادن روند تغییرات برنامه های خودآموزی در طی دوره ۱۰ ساله (۷۲ الی۸۳) به منظور پیشنهاد گام های آتی می باشد.

روش و ابزار: در این مطالعه تمامی مستندات مرتبط با برنامه ها از سال ۷۲ الی ۸۳ بررسی شد. این مستندات شامل مدارک درخواست مجوز (قبل از اجرای برنامه)، نتایج بررسی آنان جهت صدور مجوز و تخصیص امتیاز و نتایج ارزشیابی پس از اجرا می باشد.

نتایج: مطالعه افزایش بازرسی در تعداد برنامه ها را نشان می دهد ولیکن هنوز درصد ناچیزی از کل برنامه ها را شامل می شود. هر چند تنوع برنامه ها افزایش یافته ولیکن برنامه های صوتی – تصویری، مولتی مدیا ارتقای مناسبی نیافته اند. با وجود اینکه افزایش طراحی برنامه های خودآموزی برای رشته های متفاوت صورت گرفته ولیکن هنوز امکان اخذ حداقل امتیاز از طریق شرکت در این نوع برنامه ها برای برخی از رشته ها وجود ندارد.

نتیجه گیری: وجود دستاوردهای ثبت برنامه های خودآموزی، کیفیت و کمیت این برنامه ها رضایت بخش نبوده و تمامی نیازها و تقاضای مشمولین را برآورد نمی کند. در پایان پیشنهادات و مداخلاتی جهت ارتقای وضعیت موجود ارائه می شود.

۲۲۶. بررسی نظر پزشکان عمومی پیرامون برنامه های آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

دکتر فریبا حقانی، دکتر علی رضا یوسفی

آدرس: اصفهان ، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: آموزش مداوم به فعالیتهای پس از فارغ التحصیلی که به منظور افزایش دانش، مهارت یا ارتقاء شایستگی های حرفه ای طراحی می شود؛ اطلاق می گردد. یکی از راههای ارتقاء کیفیت برنامه های آموزش مداوم، توجه به فرآیند تدریس این برنامه ها و استفاده از نظر شرکت کنندگان جهت بهبود طراحی آنها می باشد. این پژوهش به بررسی نظر پزشکان عمومی شرکت کننده در برنامه های آموزش مداوم پیرامون فرآیند تدریس این برنامه ها پرداخت.

روش و ابزار: از طریق یک پژوهش پیمایشی، نظر ۲۸۰ نفر شرکت کننده در سه نوع برنامه آموزش مداوم شامل سمینار- کنفرانس، همایش و مدون – معادل مدون بررسی شد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بود که روایی آن از طریق روایی محتوا و پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ بررسی شد. داده ها با نرم افزار SPSS و با روش آماری به صورت توزیع فراوانی و درصد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: یافته های پژوهش نشان داد اکثریت شرکت کنندگان مواردی چون تسلط علمی مدرسین، استفاده به جا و مناسب از رسانه ها، بیان شیوا و رسای مدرسین را خیلی خوب و خوب ارزیابی کرده اند ولی در مواردی مانند به کارگیری روشهایی برای تبادل نظر و تحرک شرکت کنندگان، اختصاص زمان به پرسشهای شرکت کنندگان، طرح سؤال و فراهم کردن فرصت اندیشیدن، ضعف هایی وجود دارد.در مقایسه سه نوع برنامه، سمینار- کنفرانس از نظر میزان رضایت شرکت کنندگان در رتبه اول و برنامه های مدون- معادل مدون از نظر طرح سؤال و فراهم کردن فرصت اندیشیدن کمترین میزان رضایت را داشته است.

نتیجه گیری: جهت افزایش اثربخشی برنامه های آموزش مداوم، باید امکان بیان تجربیات و مشارکت شرکت کنندگان در فرآیند تدریس فراهم شود. همچنین در محتوای مطالب و نحوه ارائه آن نیز بازنگری هایی صورت گیرد.

۲۲۷. اعتبار بخشی آموزش مداوم جامعه پزشکی ایران

دکتر فرهاد سمیعی، اعظم اصلانی، دکتر سیامک شریعت تربقان

آدرس: وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، اداره کل آموزش مداوم جامعه پزشکی

زمینه و هدف: سابقه ۱۳ سال آموزش مداوم جامعه پزشکی در ایران، تجارب فراوانی را بهمراه داشت.. این تجارب مسئولین آموزش مداوم کشور را به تعریف حداقل سطح قابل قبول کیفیت آموزش مداوم و راه اندازی سیستم اعتباربخشی در ایران ترغیب نمود. بطور متوسط سالانه حدود۱۰۰۰ برنامه آموزش مداوم برگزار می شود اما براساس بررسی های بعمل آمده رضایت شرکت کنندگان از برنامه ها بطورنسبی تامین شده و تاثیر آنها بر عملکرد شرکت کنندگان و سلامت جامعه معلوم نیست.

هدف از این مطالعه تدوین استانداردها وفرایند اعتباربخشی آموزش مداوم جامعه پزشکی می باشد

روش و ابزار: استانداردهای آموزش مداوم جامعه پزشکی ایران عمدتا با بهره گیری از استانداردهای ACCME و استانداردهائی که در ایالت کالیفرنیا بکار می روند تدوین شده است. بطوریکه استانداردهای مذکور در ۱۲ جلسه کارشناسی با حضور اساتید صاحبنظر در امر آموزش مداوم و دست اندرکاران اجرائی از نظر محتوائی، با شرایط کشور انطباق داده شد. لذا اصلاحات و تغییراتی در استانداردهای ACCME برمبنای وضعیت آموزش مداوم در کشور داده شد. سپس جهت اظهارنظر به جمع بزرگتری (۴۰ نفر) از کارشناسان آموزش مداوم ارسال گردید. جهت اجرای آزمایشی استانداردها چند مرکز دولتی و چند مرکز غیردولتی انتخاب خواهند شد.

نتایج: از ۳۲ استانداردی که در ایالت کالیفرنیا برای آموزش مداوم جامعه پزشکی معرفی شده، ۳۰ استاندارد برای ایران در نظر گرفته شد. که تعدادی بعنوان استاندارد ضروری تعریف شد...استانداردهای ضروری بدین معنااست که عدم رعایت حتی در یک مورد منجر به رد صلاحیت می شود. استانداردهای غیر ضروری، مواردی هستند که بهتر است رعایت شوند. برای هر استاندارد چهار سطح از یک الی چهار تعریف شده است که سطح چهار بهترین می باشد لذا یک حداقل سطح کیفیت تعیین گردید و ارتقاء به سطوح بالاتر از سطح پایه معین شد. فرایند اجرای اعتباربخشی، بطور مبسوط در آئین نامه اجرائی اعتباربخشی آموزش مداوم جامعه پزشکی که به تصویب شورایعالی آموزش مداوم جامعه پزشکی رسید آمده است.

نتیجه گیری: امید آن می رود با این مطالعه امکان دسترسی به استانداردهای ملی وسیستم کارآمد اعتبار بخشی مراکز آموزش مداوم در کشور فراهم شود. بطوری که ضمن برخورداری از قابلیت اجرائی بالا، مورد تائید صاحبنظران آموزش مداوم نیز باشد. تدوین فرآیند اعتباربخشی براساس مقتضیات کشور امری دشوار است چرا که اعتباربخشی تغییراتی را در سطح مراکز آموزش مداوم بدنبال خواهد داشت که بیم آن می رود با مقاومت همراه باشد.

۲۲۸. آموزش مداوم جامعه پزشکی در کشورهای مدیترانه شرقی (سال ۱۳۸٤)

اعظم اصلانی، دکتر سیامک شریعت تربقان، دکتر فرهاد سمیعی

آدرس: وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، اداره کل آموزش مداوم جامعه پزشکی

زمینه و هدف: اگرچه نمایندگان کشورهای منطقه درچندین همایش منطقه ائی ،(Tunis، Tunisia ۱-٤ June ۱۹۹۲) (Egypt،۲٤-۲۷ July، ۱۹۹۵) (Tehran، ۱٦-۱۹ August، ۱۹۹۸)، به دعوت سازمان بهداشت جهانی (WHO)، گزارشی از آموزش مداوم کشورهای خود را ارائه دادند ولی هنوز ارتباط تعریف شده ای میان سیستم های آموزش مداوم این کشورها وجود ندارد. در این مطالعه آموزش مداوم اعضاء تیم سلامت در کشورهای منطقه مدیترانه شرقی (ایران، عراق، لبنان، بحرین، کویت، قطر، پاکستان، عمان، یمن، سودان، مصر، کویت، اردن در سال ۲۰۰۵ توصیف می گردد تا ضمن شناخت وضعیت کنونی آموزش مداوم در کشورهای مذکور، افق های همکارهای آتی میان کشورها معین شود. هدف تعیین وضعیت آموزش مداوم جامعه پزشکی در کشورهای منطقه مدیترانه شرقی.

روش و ابزار: اطلاعات این مطالعه از داده های موجود در منابع و وب سایت کشورها گردآوری خواهد شد، همچنین یک پرسشنامه برای مسئولین آموزش مداوم کشورها ارسال گردیده و اطلاعات براین مبنا تکمیل خواهد شد.

نتایج: در کشورهای منطقه مدیترانه شرقی اگر چه نیاز به سامان دهی بهتری در تدوین استراتژی مکتوب و ساختار نظامند برای آموزش مداوم است ولی حضور آموزش مداوم در تمام کشورها قابل تحسین می باشد. در بسیاری از این کشورها آموزش مداوم با Recertification و Relicensing مرتبط نشده است. آموزش از راه دور بصور مختلف (تلفن، اینترنت و...) یکی از انواع آموزش مداوم است که در برخی کشورهای منطقه رواج دارد. اعتباربخشی آموزش مداوم یک ضرورت برای کشورهای منطقه است.

نتیجه گیری: بدلیل وجود مشترکاتی در زمینه های مذهبی، زبان و مشکلات سلامتی انتظار می رود بتوان به زمینه های مناسبی برای همکاری های منطقه ائی دست یافت. برقراری یک سیستم امتیازدهی واحد در کل کشورهای منطقه ضمن ایجاد یکپارچگی، مشارکت بیشتر افراد در برنامه های دیگر کشورهای منطقه را بدنبال خواهد داشت.

۲۲۹. بررسی دیدگاه پزشکان عمومی در مورد ضرورت و انگیزه های شرکت کنندگان در برنامه های بازآموزی و چگونگی اجرای آن، ساری، ۱۳۸۳

لیلا شهبازنژاد، وجیهه غفاری ساروی، کوروش وحیدشاهی شهرام پورطبیب

آدرس: مازندران ، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی

زمینه و هدف: دانش پزشکی دائماً در حال تغییر و تحول است و آموزش مداوم پزشکی، به عنوان راه حل شایسته ای از سالها قبل در جهان شناخته شده است. در این بین آگاهی از دیدگاه مخاطبین برنامه های آموزش مداوم در مورد جنبه های مختلف آن اهمیت ویژه ای دارد. هدف از انجام این مطالعه بررسی وضعیت اجرای برنامه های آموزش مداوم از دیدگاه پزشکان عمومی و انگیزه آنها از شرکت در آن می باشد.

روش و ابزار: در این مطالعه توصیفی مقطعی،جامعه مورد مطالعه تمامی پزشکان عمومی شرکت کننده در برنامه های آموزش مداوم که توسط دانشگاه علوم پزشکی مازندران از مهرماه تا اسفند سال ۱۳۸۳ برگزار گردید و سایر پزشکان عمومی شاغل در شهر ساری بوده اند. روش نمونه گیری به صورت سرشماری و مبتنی بر دسترس بوده و ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای خودایفا بود که روایی آن به تایید صاحبنظران رسیده و پایایی آن با ضریب آلفای ۰/۹ قابل قبول بوده است. در این پرسشنامه فهرستی از ویژگیهای برنامه های آموزش مداوم تهیه شده و شامل گزینه هایی است که شرایط مطلوب را از نظر دیدگاه شرکت کنندگان و همچنین انگیزه آنان از شرکت در چنین برنامه هایی می پرسد. داده ها وارد نرم افزار SPSS ۱۱ شده و با استفاده از تستهای آماری توصیفی تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: ۵۰ نفر از پزشکان عمومی در مطالعه شرکت کردند که ۷۴٪ آنها مرد بودند و میانگین سنی شرکت کنندگان ۵/۳۴+۳۲/۴۴ سال بود. ۸۶٪ آنها بومی و ۷۲٪ آنها متاهل بودند. انگیزه اصلی از شرکت در برنامه های بازآموزی در ۶۰٪ افراد، کسب امتیاز بود؛ تحکیم اطلاعات قبلی وکسب اطلاعات جدید در ۲۸٪ آنها انگیزه اصلی شرکت در این برنامه ها بود. از نظر ۵۶/۵٪ آنها برنامه ها بهتر است در چند روز متوالی برگزار شود، میانگین تعداد روزهای مطلوب ۰/۹۳+۲/۳ روز بوده و ۶۴٪ افراد سه روز آخر هفته را برای برگزاری برنامه مناسب می دانستند. ۸۹٪ آنها، نیازسنجی از پزشکان عمومی را برای انتخاب عناوین و ۵۸٪ ترکیبی از روش مکاتبه ای و حضوری را روش اموزش مطلوب می دانستند.۱۴٪ افراد وضعیت برنامه ها را ضعیف، ۶۶٪ متوسط و ۲۰٪ خوب ارزیابی کردند. نظر هیچ یک از آنها نسبت به این برنامه ها در حد عالی نبود. ۶۰٪ رشته داخلی را بیشترین نیاز دانسته و ۵۶/۵٪ خواستار برگزاری کارگاه CPR بودند.

نتیجه گیری: در حال حاضر اکثر پزشکان عمومی با انگیزه های غیر علمی در برنامه های آموزش مداوم شرکت می کنند و وضعیت مطلوب آنها در برخی موارد با وضع موجود تفاوت دارد. به نظر می رسد برنامه ریزی آموزش مداوم براساس نیازها و شرایط پزشکان شرکت کننده در این برنامه ها، منجر به افزایش انگیزه و بهره وری این برنامه ها شود.

۲۳۰. نظر سنجی از پزشکان عمومی شهر کرمانشاه درخصوص برنامه آموزش مداوم پزشکان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه سال ۱۳۸۰

پروانه عبدالمالکی، دکتر ماری عطایی، غفور رستمی دکتر مهدی زبری، رستم جلالی

آدرس: کرمانشاه ، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: با توجه به اینکه اندوخته های ذهنی با گذشت زمان دچار نقصان می گردد و حجم زیادی از اطلاعات علمی و تجربی هر روزه به دنیای علم افزوده می گردد، امروزه آموزش مداوم به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر در جهان و همینطور در کشور ما مطرح است. با این وجود به نظر می رسد که علی رغم اجرای برنامه های آموزش مداوم، اثرات آن در تغییر نگرش و عملکرد آموزش دیدگان زیر سؤال رفته و مناسب ترین شیوه ارائه نیز بخوبی مشخص نشده است.

روش و ابزار: در این مطالعه توصیفی که بر روی ۲۸۲ پزشک عمومی در دامنه سنی ۳۴ تا ۷۳ سال شامل ۲۰۸ مرد و ۷۸ زن شاغل در شهرستان کرمانشاه در سال ۱۳۸۰ انجام گرفت پس از انتخاب نمونه های مورد نیاز به روش سیستماتیک، به مطب پزشکان مراجعه و با دراختیار گذاشتن پرسشنامه اطلاعات لازم کسب گردید، اطلاعات کسب شده. حول ۹ محور شامل: ضرورت آموزش مداوم بعد از فارغ التحصیلی، فاصله

زمانی از فارغ التحصیلی تا شروع آموزش مداوم، تأثیر آموزش مداوم در نگرش و عملکرد پزشکان، مقایسه تأثیر منابع مختلف آموزشی، مقایسه تأثیر روش های مختلف برگزاری برنامه های آموزش مداوم، اختیاری یا اجباری بودن شرکت در برنامه ها، نوع مطالب ارائه شده و به روز بودن آنها، مشارکت در بحث و مشارکت در انتخاب موضوع بود. بعد از کسب اطلاعات آنها را کد بندی نموده و تجزیه و تحلیل آماری به صورت توصیفی با نرم افزار SPPS در قالب نمودارها و جداول به عمل آمد.

نتایج: بیش از ۹۰٪ پاسخ دهندگان بدون توجه به مدت زمان فارغ التحصیل شدن آنها بر ضرورت اجرای آن تأکید داشته اند، ولی شیوه اجرای آن که بیشتر بصورت ایراد سخنرانی است مورد پسند شرکت کنندگان قرار نگرفته است و تنها ٤٠٪ آنها با این شیوهٔ برگزاری موافق بوده اند در صورتیکه بیش از ۷۹/۳٪ شرکت کنندگان موافق اجرای برنامه ها بصورت Approach to case (نحوه برخورد عملی با بیمار) بوده اند. همچنین ۸۹/۳٪ آنان معتقد به ارائه مطالب جدید و به روز بوده اند، ۸۱/۳٪ موافق مشارکت فعال شرکت کنندگان در بحث و ۸۱/۸٪ موافق انتخاب موضوع ارائه شده توسط خود شرکت کنندگان بوده اند۷۰٪ پزشکان با اجباری بودن برنامه های آموزش مداوم مخالف بودند.

نتیجه گیری: در نهایت این مطالعه نشان داد که آموزش مداوم یک امر اجتناب ناپذیر و ضروری است و بهتر است در تدوین برنامه ها خود شرکت کنندگان نظر داشته باشند (طبق نیاز سنجی) و به جای سخنرانی یک طرفه از مشارکت فعال شرکت کنندگان بهره گرفته شود. و در این میان شیوهٔ Approach to case(نحوه برخورد با بیمار) بعلت مقبولیت بالا بیشتر در برنامه ها گنجانده شود. علیرغم اینکه در تمام دنیا از نظر مسئولین آموزش پزشکی شرکت در برنامه ها اجباری است ۷۰٪ مشمولین با اجباری بودن مخالفند، به نظر می رسد تجدید نظر در برنامه ریزیهای کلان آموزش پزشکی و سیاستهای وزارت متبوع جهت افزایش انگیزه افراد برای شرکت در برنامه ها ضروری باشد و از طرفی سیستم های ارائه دهنده آموزش مداوم نیزلازم است جذابترین شیوه های انتقال معلومات را جهت ترغیب واستقبال پزشکان دست چین نمایند.

۲۳۱. بررسی کیفیت برنامه های آموزش مداوم گروه زنان از دیدگاه شرکت کنندگان در دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر غلامحسین فلاحی، پانتهآ پدرام،حمید خانجانی

آدرس: تهران، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

امروزه آموزش مداوم به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر در جهان مطرح است و بویژه در رشته های گروه پزشکی حایز اهمیت فراوان است. پس از گذشت سالهای متمادی از اجرای برنامه اموزش مداوم در دانشگاه علوم پزشکی تهران، تلاش دفتر آموزش مداوم دانشگاه در سالیان اخیر براین است که بدنبال نیازسنجی های پیشین وتغییرات انجام گرفته میزان مطلوبیت و اثربخشی این برنامه ها را با استفاده از نظرات شرکت کننده در برنامه های آموزش مداوم مورد بررسی قرار داده و بدین وسیله در پایان هر سال میزان کاستی ها و سطح کیفی برنامه ها مورد بررسی قرار گیرد. گروه هدف شامل کلیه متخصصین زنان شرکت کننده در برنامه های آموزش مداوم گروه زنان در سال ۱۳۸٤ بوده است.پایایی آزمون آلفای کرونباخ ۸۱ درصد (a=۸۱) قابل اعتماد بوده است.میانگین سن افراد ٤۰/۹ سال (انحراف معیار ۳/۷) و میانگین سابقه کار افراد ۹/٦ سال (انحراف معیار ٤/۱) بوده است. کیفیت برنامه ها از درجه خوب برخوردار بود.مهم ترین انگیزه شرکت کنندگان به ترتیب تجدید اطلاعات و چاره جویی در حل مشکلات حرفه ای،نکات مثبت برنامه ها تنوع و جدید بودن مطالب و نکات منفی طولانی بودن زمان اجرای برنامه ها بود. مهم ترین پیشنهادات جهت برنامه های آتی، مطالب در حوزه سرطان پستان و تخمدان بود. بین کیفیت برنامه ها با سابقه کار شرکت کنندگان و مدرک تحصیلی و جنسیت با آزمون مربع کای ارتباط معنی داری مشاهده نشد. با توجه به نتایج طولانی بودن زمان اجرای برنامه ها به عنوان یک نکته منفی مطرح گردیده است که لزوم بازنگری در برنامه های چند روزه و توجه به اجرای برنامه های یک روزه را میطلبد.در خصوص روشهای آموزشی مورد کاربرد در آموزش مداوم گروه زنان و بالا بردن اقبال افراد به شرکت در این دوره ها پژوهشی در سال ۸٤ در حال انجام است.

۲۳۲. بررسی نیازهای آموزش مداوم (مدون) داروسازان شهرستان تبریز در اسفند سال ۱۳۸۳

دکتر علی فخاری، علیرضا زادگان، حبیب الله قمی، دکتر شادی شیوا

آدرس: تبریز، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: هدف عمده اجرای قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی کشور ارتقاء سطح دانش، مهارتهای شغلی، بهینه‌سازی خدمات بهداشتی درمانی کشور و دستیابی به استانداردهای کارآمد و مطلوب خدمات پزشکی و حرفه‌ای وابسته منطبق با نیازهای جامعه است. لذا نظر به تحولات شگرف در عرصه‌های مختلف جامعه و ایجاد انگیزه و علاقه در بین داروسازان تبریز، تهیه و طراحی علمی برنامه‌های آموزش مداوم که مناسب و در جهت پاسخگویی به این نیازهای آموزشی باشد، جلب مشارکت داروسازان تبریز در جهت ارتقاء سطح دانش و مهارتهای حرفه‌ای خود ضرورت مبرم به شناخت نیازهای آموزشی آنان داریم.

روش و ابزار: مطالعه از نوع توصیفی تحلیلی بود. جمع آوری اطلاعات از طریق ۷۰ پرسشنامه بصورت تصادفی ساده و حضوری در بین داروسازان شهرستان تبریز در اسفند ۸۳ انجام گرفته که به تعداد ۵۸ پرسشنامه تکمیل و برگردانده شد و با استفاده از نرم افزار spss مورد تجزیه وتحلیل قرار گرفت. روایی ظاهری و محتوی و اعتبار پرسشنامه به تایید استادان صاحب نام و کارشناسان آموزش مداوم مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه رسید و Reliability مطالعه با توجه به آزمون آلفای کرونباخ ۰/۴۲۵۴ میباشد.

نتایج: با عنایت به اینکه تعداد برنامه‌های مدون یکروزه آموزش مداوم داروسازان در قالب بیست هدف آموزشی براساس دستوالعمل اجرایی آموزش مداوم طراحی شده و با استفاده از روش لیکرت بصورت ٤ مقیاس یعنی خیلی کم =۱، کم=۲، زیاد=۳ خیلی زیاد=٤ منظور شده بود لذا نتایج بصورت اولویت بندی با میانگین توزیع فراوانی مطلق ودرصد میزان یعنی ۱- نوآوری تازه‌ها ۱۳/۷٤٪، ۲- دارودرمانی اختلالات کلیه و مجاری ادراری ۳/۷۳٪، ۳- نوآوری تازه‌ها ۳/۷۲٪، ٤- دارو درمانی بیماریهای گوارش۳/۷۱٪، ۵- دارو درمانی بیماریهای عفونی ۳/۷۰٪، ٦- مباحث اجتماعی - حرفه‌ای ۳/٦۹٪، ۷- نوآوری تازه‌ها (۳)۳/٦۸٪، ۸- دارودرمانی اختلالات رنگدانه‌ای ۳/٦۷٪، ۹- مباحث اجتماعی- حرفه‌ای ۳/٦۵٪، ۱۰- دارودرمانی درد و اختلالات روماتوئید ۳/٦۲٪، ۱۱- نوآوری تازه‌ها ۳/٦۱٪، ۱۲- مباحث اجتماعی - حرفه‌ای ۳/۵۹٪، ۱۳- دارو درمانی غدد درون‌ریز ۳/۵۸٪، ۱٤- دارودرمانی سرطان و بیماریهای خونی ۳/۵۸٪، ۱۵- مباحث اجتماعی - حرفه‌ای ۳/۵۷٪، ۱٦- دارودرمانی بیماریهای قلب و عروق ۳/۵٦٪، ۱۷- دارودرمانی زنان و زایمان ۳/۵٦٪، ۱۸- دارودرمانی اختلالات تنفسی ۳/۵۵٪، ۱۹- مباحث اجتماعی- حرفه‌ای ۳/۵۲٪، ۲۰- دارودرمانی اختلالات عصبی ۳/٤۳٪ بدست آمد.

نتیجه گیری: این مطالعه قصد داشت نیازهای آموزش مداوم داروسازان تبریز را اولویت بندی نماید که مبنای بسیار مهم و تعیین کننده در طراحی و برنامه‌زیزی آموزش مداوم است لذا با توجه به این اولیت‌بندی که در واقع محور تدوین برنامه می‌باشد برنامه‌های آموزش مداوم براساس آن طراحی و برگزار می‌شوند. بدین ترتیب زمینه مناسب جهت مشارکت بیشتر حضور فعالانه مشمولین داروساز در برنامه‌ها را فراهم می‌نماید و موجب ارتقاء سطح دانش و مهارتهای کلینیکی می‌باشد.

۲۳۳. بررسی نیاز های آموزش مداوم داروسازان شاغل در شهرستان کاشان

اعظم مصداقی نیا، محسن اربابی، حسین اکبری

آدرس: کاشان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: کلیه فارغ التحصیلان رشته های مختلف گروه پزشکی از جمله داروسازی برای داشتن مجوز قانونی فعالیت حرفه ای خود ملزم به گذراندن دوره های آموزش مداوم وکسب امتیازات لازم سالانه می باشند. با توجه به کمبود اطلاعات دقیق از نیاز ها وعلایق این افراد، این مطالعه به منظور تعیین اولویتها وبررسی نیاز های آموزشی داروسازان شاغل در واحدهای مختلف خصوصی ودولتی شهرستان کاشان انجام شد.

روش و ابزار: این تحقیق به وسیله پرسشنامه ای که بر مبنای عناوین مورد بحث دربرنامه های مدون جاری آموزش مداوم تهیه شده بود انجام پذیرفت وپرسشنامه شامل سه بخش: الف) اجتماعی، حرفه ای ب) داروسازی عمومی وبالینی ج) داروسازی صنعتی بود که داروسازان عناوین مربوط به هربخش را به ترتیب اولویت مورد نظر خود شماره گذاری نموده وپرسشنامه ها را تکمیل نمودند.

نتایج: در این تحقیق ٤٢ داروساز شاغل در شهرستان کاشان که ۱۳نفر (۳۰/۹٪) زن و۲۹ نفر(٦۹/۱٪) مرد بودند مورد مطالعه قرار گرفتند. از کل این افراد ۲۸ نفر (٦٦/٦٪) فقط در داروخانه و١٤نفر (٤/ مدیریت واقتصاد درداروخانه بوده است که ۱۸نفر (٤٦/۱٪) از داروسازان این موضوع را جزء اولویت های اول ودوم درنظر گرفته اند. پس از آن موضوعاتی مانند داروهای ترکیبی وآشنایی با کاربرد کامپیوتر درداروخانه به عنوان اولویت های دوم وسوم درنظر گرفته شدند. از بین ۲۷ موضوع مربوط به داروسازی عمومی وبالینی بیشترین اولویت مربوط به موضوع دارو درمانی دربیماریهای شایع بوده است وسپس موضوعاتی مانند تداخلات دارویی و دارو درمانی درنوزادان دراولویتهای دوم و سوم قرار گرفتند. دربین ۱۲ عنوان مربوط به داروسازی صنعتی بیشترین اهمیت به موضوع فرمولاسیون اشکال مختلف دارویی داده شده است. موضوعات دیگری مانند روشهای ساخت و تازه های صنعت داروسازی در اولویت های بعدی قرار گرفتند.

نتیجه گیری: به نظر می رسد لازم است برای طراحی برنامه های آموزش مداوم (CME) بهتر است به موضوعات مورد علاقه فراگیران توجه واهمیت بیشتری اختصاص داده شود که حتماً رضایتمندی بیشتر این افراد را در پی خواهد داشت. نتایج این مطالعه نشان میدهد مباحثی از قبیل مدیریت واقتصاد درداروخانه دارای بیشترین اولویت میباشد که این موضوع میتواند به دلیل اشتغال بیشترآنها در داروخانه ها باشد لذا لازم است مباحث مربوط به اموردارو‌خانه داری بیشتر از سایر عناوین مورد توجه طراحان برنامه های آموزش مداوم (CME) قرار بگیرد.

۲۳٤. بررسی نظرات شرکت کنندگان در سمینارها، کنفرانس های علمی و برنامه های مدون دانشگاه علوم پزشکی کاشان

محسن اربابی، سید محسن میری

آدرس: کاشان ، دانشگاه علوم پزشکی ، دفتر آموزش مداوم

زمینه و هدف: آموزش مداوم به منظور افزایش توان حرفه ای و آگاهی های علمی وفنی جامعه پزشکی و کاستن از هزینه های بهداشتی درمانی ضرورتی اجتناب ناپذیر است.با توجه به نظرات متفاوت و متناقضی که درخصوص اثربخشی برنامه های آموزش مداوم دردسترس می باشد این تحقیق به منظور تعیین انگیزه ها و نظرات شرکت کنندگان درسمینارها، کنفرانس های علمی و برنامه های مدون دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سال ۱۳۸۲ اجرا شده است صورت پذیرفت.

روش و ابزار: تحقیق به روش توصیفی بر روی ۵۷۰ شرکت کننده درسمینار ها،کنفرانس های علمی و برنا مه های مدون صورت گرفت.اطلاعات شخصی از قبیل جنس،سن،وسابقه کار در پرسشنامه ثبت شد. نظرات شرکت کننده ها در مورد محتوی علمی برنامه ها،مدیریت برنامه ها و میزان رضایت از زمان،مکان و وسایل کمک آموزشی و هم چنین انگیزه شرکت آنان، در پرسشنامه استاندارد شده ثبت گردید.پاسخ ها در پنج طبقه بسیار کم، کم متوسط، زیاد و بسیار زیاد دسته بندی ومیانگین هر طبقه تعین گردیدسایر نتایج به صورت آمار توصیفی گزارش گردید.

نتایج: از ۵۷۰ فرد مورد بررسی، ٦٦٪ مرد و٣٤٪ زن بودند.میانگین سنی افراد۳۵ سال و میانگین سابقه کار ۸ سال بود.از نظر تحکیم اطلاعات قبلی،ارائه مطالب جدید علمی،متناسب بودن محتوی برنامه ها با نیاز های شغلی جامعه پزشکی و توانایی در ایجاد علاقه به مطالعه تخصصی به ترتیب ٢٦٪،٢٣٪،٢٩٪،٢٤٪ شرکت کنندگان برنا مه ها را بسیار موفق ارزیابی کردند.هم چنین شرکت کنندگان، امکان مشارکت در بحث ها، توانائی مدیریت در برقراری نظم، مفید بودن سیستم های اطلاع رسانی، میزان امتیاز تعلق یافته، میزان رضایت از بکارگیری وسایل آموزشی ومیزان رضایت از زمان ومکان اجرای برنامه را به ترتیب ۱۹٪،۳۲٪،۱۹٪، ۳۳٪، ۳٦٪ و۳۷٪ بسیار زیاد ارزیابی نمودند. مهمترین انگیزه شرکت درسمینارها، کنفرانس های علمی وبرنامه های مدون عبارت بود از: تجدید اطلاعات ۷۲٪، مبادله اطلاعات وتجربیات ۲۰٪

چاره جویی درحل مشکلات حرفه ای ۲٤٪ وکسب امتیاز ۳۲٪. تسلط علمی سخنرانان، بیان شیوا وروان سخنرانان، تناسب محتوای سخنرانی با موضوع برنامه و کاربرد مطالب سخنرانی با امکانات موجودبه ترتیب از دیدگاه ۷۹٪، ۷۲٪، ۷۷٪ و ۷۲٪ از شرکت کنندگان خوب ارزیابی شد.

نتیجه گیری: برنامه ریزی اجرایی وعلمی سمینارها، کنفرانس های علمی و برنامه های مدون به گونه ای است که موجبات تحکیم اطلاعات صحیح قبلی ورضایت مندی شرکت کنندگان را فراهم می نماید. لازم است درجهت ارتقاء برنامه ها، تلاش شود. تحقیق در خصوص اثربخشی چنین برنامه هایی بر عملکرد حرفه ای جامعه محترم پزشکی توصیه می شود.

۲۳۵. مطالعه مروری در زمینهٔ تغییر در امتیازدهی (از محاسبه ساعات به ارتقاء عملکرد حرفه‌ای) در برنامه‌های آموزش مداوم جامعه پزشکی ۸۲-۷۹

عصمت شیخ سعد آبادی، احمد زراعت پیشه، رؤیا افشاریان فرید رحیم‌پور، حسنعلی زاهد مقدم

آدرس: مشهد ، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: برای تحقق سلامت در جامعه، نیاز به فعّالیت کارکنانی است که خدمات بهداشتی و درمانی را با کیفیت مطلوب و استاندارد ارائه نمایند. برنامه‌های آموزش مداوم با هدف حفظ و ارتقاء مهارتهای شغلی این کارکنان، در بسیاری از کشورهای جهان اجرا می‌گردد. مطالعه در پژوهش‌های انجام شده در زمینه آموزش مداوم جامعه پزشکی می‌تواند منجر به اتخاذ استراتژی‌های جدید در سیاست‌گذاری و طراحی برنامه‌های آموزشی گردد.

روش و ابزار: در این مقاله بیش از ۳۰ پژوهش کاربردی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. عمده این پژوهشها در دانشگاه علوم پزشکی مشهد و سایر دانشگاههای داخل کشور و برخی نیز در خارج از کشور انجام شده‌اند. نتایج پژوهش‌های مورد بررسی از نظر تطابق با شرایط فعلی آموزش مداوم در کشور و اهمیت این نتایج در بهبود و اصلاح فعالیت‌های آموزش مداوم توسط کارشناسان واحد آموزش مداوم اولویت‌بندی شده‌اند.

نتایج: امروزه اهمیت و لزوم آموزش مداوم مورد توافق جمعی صاحب نظران، کارشناسان و اعضاء جامعه پزشکی است و شیوه‌های مختلف آموزش مداوم در اشکال سمینار، کنفرانس، کارگاه در بسیاری از کشورها وجود دارد با این حال در بررسی انجام شده ۵۱/۳ درصد جامعه پزشکی در استان خراسان معتقدند شکل فعلی اجرا برنامه‌ها، منجر به ارتقاء مهارتهای شغلی آنان نمی‌شود. همچنین در مطالعه دیگری توسط پروفسور دیویس در روش رسمی آموزش مداوم در آمریکا نشان می‌دهد این سیستم که مشابه با ایران امتیازات ارائه شده متناسب با طول برنامه است، زمان، انرژی و منابع را تلف می‌کند بدون آنکه نتیجه زیادی را ارائه دهد. در یک بررسی دیگر در داخل کشور شرکت کنندگان علی‌رغم آن که تا دو ماه بعد از حضور در برنامه‌ها، افزایش چشمگیر معلومات در حیطه آگاهی و دانش را حفظ کرده بودند، امّا تغییر واضح و متناسبی را در عرصه عملکرد نداشته‌اند. در کشورهایی مانند کانادا دو مسیر اعتبارگذاری، یکی مبتنی بر فعالیت‌های آموزشی صحیح و منطقی و دیگری بر مبنای ارزیابی فعالیت‌های عملکردی بایک بازخورد آموزشی و تعالی بخش استفاده نموده‌اند در تغییر عملکرد موفق‌تر بوده‌اند.

نتیجه‌گیری: نتایج بررسی نشان می‌دهد که از ارائه امتیاز بر حسب زمان صرف شده می‌بایست پرهیز شود و بجای آن باید به فعالیت‌های آموزشی، تغییر رفتار و انجام کار امتیاز داده شود.

۲۳٦. بررسی وضعیت سالنهای همایش که برنامه‌های مدون در سال ۱۳۸۳ در آن اجرا شده از نظر وجود برخی استانداردهای مرتبط با آن

شکوفه مسعودی ، عصمت شیخ سعد آبادی
دکتر مریم حسینی ابریشمی ، رؤیا افشاریان

آدرس: مشهد، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: فعالیتهای مختلف یادگیری نیاز به طراحی انواع متنوعی از سالنهای همایش دارد. بیشتر برنامه‌های آموزش مداوم دانشگاهها را در حال حاضر برنامه‌های مدون تشکیل می‌دهد. این برنامه‌ها، آموزش در گروههای کوچک را ترتیب می‌نماید. آموزش در گروههای کوچک باید حداقل از سه ویژگی برخوردار باشد که عبارتند از مشارکت فعال، تماس رو

در رو و فعالیت هدف از برای دستیابی به اهداف آموزش در گروههای کوچک باید به وضعیت سالنهای همایش توجه خاصی مبذول گردد. هدف کلی تعیین وضعیت سالنهای همایشی که برنامه‌های مدون آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۸۳ در آن اجرا شده از نظر وجود برخی استانداردهای مرتبط با آن.

روش و ابزار: این مطالعه از نوع توصیفی بوده که نتایج آن از طریق چکلیستی که به بررسی سالنهای همایش در آموزش بالغین پرداخته است، حاصل شده است. این چکلیست به بررسی سالنهای همایش از نظر امکانات، اندازه، ساختار نوع پنجره‌ها، صندلیها و میزهای موجود در آن، نور و صدا، تهویه، پوش کف سالن و وجود سالن پذیرایی و پارکینگ در مجاورت سالن همایش پرداخته است.

نتایج: نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر آن بود از ۱۵۲ برنامه اجرا شده در سال ۱۳۸۳، ۹۳ برنامه به صورت مدون اجرا شده (۶۱٪ از برنامه‌ها) که از این تعداد ۷۲ برنامه مدون در سه سالن همایش اجرا شده که دو سالن آن ظرفیت ۳۰۰ نفر و یک سالن با ظرفیت ۱۲۰ نفر بوده است. تعداد شرکت کنندگان در برنامه‌های مدون طبق دستورالعمل، حداکثر ۵۰ نفر می‌باشد. ۷۲ برنامه مدون در سالنهای همایش اجرا شده که صندلیهای آن ثابت بوده و امکان طراحهای متنوع سالن با توجه به نوع برنامه منتفی ساخته است. نیاز به وجود تکنولوژی پیشرفته برای برگزاری برنامه‌های آموزش از راه دور و غیره مشاهده نگردیده است. در ۵۱ برنامه از سالن ورودی به عنوان سالن پذیرایی و ۲۷ برنامه بدلیل عدم وجود سالن پذیرایی و سالن ورودی، در داخل سالن برگزاری برنامه‌ها، پذیرایی صورت گرفته است در اکثر برنامه‌های مدون پارکینگ در مجاورت سالن همایش جهت پارک وسایل نقلیه شرکت کنندگان وجود نداشته است از نظر دما، تهویه و صدا، رنگ دیواها و پنجره‌ها و ساختار ساختمان را از نظر عبور صندلی چرخدار و بعضی امکانات، سالنها در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار داشتند.

نتیجه‌گیری: مدنظر قرار دادن عوامل مختلفی که منجر به افزایش یادگیری و موفقیت برنامه‌های آموزش مداوم می‌گردد از اهمیت خاصی برخوردار است. یکی از این عوامل توجه به سالنهای همایش است که توجه کمتری به آن شده است. سالنهای همایش را با توجه به نوع برنامه و تعداد و نیاز شرکت کنندگان می‌توان متنوع طراحی نمود تا مشارکت فعال هر چه بیشتر فراگیران را فراهم نماید.

۲۳۷. بررسی نظرات پزشکان عمومی در خصوص برنامه‌های آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

رضا سالم صافی، دکتر خدیجه مخدومی، علی بنی آدم بهلول رحیمی، محمدرضا پورباقر، ناصر شیخی

آدرس: ارومیه ، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: شناخت انگیزه مشمولین آموزش مداوم، غنی سازی محتوای برنامه های آموزش مداوم و بکارگیری روشهای متناسب آموزشی با ویژگی های مشمولین آموزش مداوم نه تنها آموزش را جالب می نماید. بلکه به نیازهای مشمولین و راههای یادگیری آنها پاسخ مناسب می دهد. نظر به اینمه اهداف برناه‌های آموزش مداو اعتلای سطح علمی و مهارتها و بروز کردن اطلاعات مشمولین جهت پاسخ گویی به نیازهای فردی و در کنار آن رفع نیازهای جامعه است، ضروری است ت روشها، نیازها، انگیزهٔا و محتوای برنامه‌ها از نظر شرکت کنندگان مورد بررسی قرار گیرد تا مسئولین با شناسایی و آگاهی نظرات مشمولین آموزش مداوم در خصوص نیازهای آموزشی، محتوای برنامه‌ها، روشهای آموزشی، شیوه‌های اجرایی برنامه‌ها و عوامل انگیزشی اطلاعات لازم را جهت اتخاذ روشها و راهکارهای مناسب در جهت پر بار سازی برنامه‌هه و افزایش رضایت خاطر شرکت کنندگان بعمل آورد.

روش و ابزار: این پژوهش بصورت توصیفی و جامعه آماری شامل مشمولین آموزش مداوم (پزشکان عمومی) می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کاکران به تعداد ۲۳۰ نفر تعیین شد. روش نمونه گیری از نوع غیر احتمالی نمونه گیری به روش آن صورت پذیرفت. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه‌ای منطبق بر اهداف پژوهش به تعداد ۴۳ سوال در چهار بخش مربوط به محتوای آموزش، روشه و شیوهٔای بکار رفته در برنامه‌های آموزش، شناسایی نیازهای آموزش و انگیزه طراحی گردید رواعی محتوایی سوالات توسط کارشناسان تأئید و اعتبار وثبات آن از طریق فرمول آلفای گرونباخ ۷۱ درصد تعیین کردند. از کل پرسشنامه‌های توزیع

شده ۸۷ درصد آن به طور کامل تکمیل و بقیه به علت مخدوش بودن از مطالعه حذف شدند. داده‌ها پس از جمع آوری توسط نرم افزار SPSS با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: در ارزیابی پاسخهای داده شده به سوالات بخش محتوای میانگین نمرات ٦ سوال ارائه شده ۳/۰۱ می‌باشد که این نمره با توجه به حداکثر نمره ٥ طیف پرسشنامه از نظر شرکت کننده زیاد ارزیابی می‌گردد. در بخش روشهای آموزش ۸٤/٥ درصد از افراد ابراز کرده‌اند که روش ارائه مطالب در صورت سخنرانی می‌بشاد. از نظر شرکت کنندگان بهترین شیوه اجرا بصورت مدون و بهترین روش اجرایی پیشنهادی بحث پیرامون موارد بالینی می‌باشد. در بخش مربوط به نیازها، فوریتها و حوادث و سوانح در اولویت اول و بیماریهای داخلی در اولویت دوم قرار گرفت. در بخش مربوط به انگیزه‌ها بالاترین نمره را انگیزه کسب امتیاز دارا می‌باشد. توضیحات بیشتر در خصوص اطلاعات بدست آمده در اصل مقاله ارائه خواهد گردید.

نتیجه گیری: مسئولین توجه بیشتر به نظرسنجی‌های انجام یافته در برنامه‌ها داشته و در اجرای برنامه‌ها نتایج نظرسنجی‌ها را در برنامه‌ریزی برای ارائه برنامه مد نظر داشته باشند.

۲۳۸. بررسی مقایسه‌ای نتایج نظرسنجی پزشکان عمومی و داروسازان در مورد خودآموز اطلاعات داروئی (۲) منتشر شده در مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی مشهد ۸٤-۱۳۸۳

عصمت شیخ سعدآبادی، شکوفه مسعودی، سعید ابراهیم‌زاده محمد آرامجو، محمد رضا هوشیار

آدرس: مشهد، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: یادگیری دائمی و به روز کردن اطلاعات و مهارتها در مسائل بهداشتی که با سلامت جامعه سر و کار دارد دارای اهمیت است. در این راستا ارائه تازه‌های رشته‌های مختلف همراه با در نظر گرفتن محدودیت زمانی و مکانی امکان یادگیری بهتر را فراهم میکند. با خودآموزی عملیات آموزشی و وظایف حرفه‌ای در یک محیط انجام میشود. ارزشیابی در خودآموزی قضاوت درباره وضعیت آموزش از راه دور و نحوه اثربخشی این نوع آموزش در جامعه پزشکی میباشد. هدف از این پژوهش تعیین و مقایسه نظرات دو گروه از جامعه پزشکی یعنی پزشکان عمومی و داروسازان از خودآموز اطلاعات دارویی(۲) منتشر شده در مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی از نظر دستیابی به اهداف آموزش مداوم می‌باشد.

روش و ابزار: این مطالعه از نوع تحلیلی بوده که بر روی ٦٥٧ پرسشنامه نظرسنجی از پزشکان عمومی و داروسازان از خودآموز اطلاعات دارویی(۲) در مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی مشهد صورت گرفته است. از این تعداد ۳٤۲ پرسشنامه نظرسنجی مربوط به داروسازان و ۳۱٥ پرسشنامه مربوط به پزشکان عمومی بوده است.

نتایج: نتایج حاصل از مقایسهٔ نظرسنجی پزشکان عمومی و داروسازان از خودآموز اطلاعات دارویی(۲) بیانگر آن بود که اختلاف معنی‌داری در این خودآموزبین میزان تأثیر خودآموز در تحکیم اطلاعات قبلی و ارائه مطالب جدید علمی و تناسب محتوی با نیازهای شغلی وجود نداشته است (P = ۰/۱۸۸) ولی در توانایی ایجاد علاقه به مطالعه تخصصی اختلاف معنی‌داری بین دو گروه وجود داشته است. (P = ۰/۰۲۷) و این امر در مورد پزشکان عمومی به میزان بیشتری بوده است.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان داد که خودآموز به میزان ۷۰ درصد اهداف آموزش مداوم را در هر دو گروه پوشش داده و رضایتمندی جامعه پزشکی را از طریق کاهش هزینه‌ها، اختیار و آزادی در انتخاب موضوع، زمان و فضای یادگیری فراهم نموده است.

۲۳۹. بررسی نتایج نظرسنجی پزشکان عمومی از خودآموز ترک اعتیاد موفق منتشر شده در مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی مشهد سال ۸٤ -۸۳

عصمت شیخ سعد آبادی، شکوفه مسعودی سعید ابراهیم‌زاده ، حسنعلی زاهد مقدم

آدرس: مشهد، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: برنامه‌های آموزش مداوم یکی از رایجترین روشهای روزآمد نمودن جامعه پزشکی میباشد و در این راستا یکی از برنامه‌های آموزش مداوم خودآموزی می‌باشد که در آن یادگیرنده و یاددهنده یکی بوده و اهداف، موضوعات،

محتوای یادگیری و شیوهٔ آن برای یادگیرنده روشن میباشد. ارزشیابی خودآموزی می‌تواند توسط یادگیرنده و یا هر فردی که به موضوع یادگیری و اهداف آن آشناست، انجام پذیرد.

ارزیابی نتایج نظرسنجی پزشکان عمومی از نظر دستیابی به اهداف آموزش مداوم از خودآموز ترک اعتیاد موفق منتشر شده در مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی می‌باشد.

روش و ابزار: این مطالعه از نوع توصیفی می باشد که بر روی ۳۴۸ پرسشنامه نظرسنجی پزشکان عمومی در مورد خودآموز ترک اعتیاد موفق در مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی مشهد صورت گرفته است این پرسشنامه شامل مشخصات دموگرافیک نمونه‌های مورد پژوهش، اهداف آموزش مداوم در زمینه استفاده از خودآموز و میزان امتیاز تعلق یافته به آن مجموعه بوده است.

نتایج: نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر آن بوده است که ۷۳٪ از افراد پاسخ دهنده مرد بودند، ۵۷٪ از افراد در رده سنی ۴۰-۳۱ سال قرار داشته، ۹۲٪ افراد سابقه خدمت کمتر از ۱۵ سال داشته‌اند.

در تعیین دستیابی به اهداف آموزش مداوم در استفادهٔ از خودآموزها ۷۵٪ متناسب بودن محتوای خودآموز با نیازهای شغلی، ۷۳٪ محتوی کتاب را از نظر تحکیم اطلاعات قبلی و ۷۲ ٪ از نظر ارائه مطالب جدید علمی مؤثر دانسته و ۶۹٪ توانایی خودآموز را در ایجاد علاقه به مطالعه تخصصی مفید ارزیابی نموده و از نظر میزان امتیاز تخصیص یافته به خودآموز میانگین بدست آمده ۵۰٪ بوده است.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصله بیانگر آن بود که خودآموز ترک اعتیاد موفق توانسته است اهداف آموزش مداوم (محتوی ارائه مطالب جدید، تحکیم اطلاعات قبلی، تناسب با نیازهای شغلی و ایجاد علاقه به مطالعه تخصصی) پزشکان عمومی را به میزان زیادی پوشش داده و در نتیجه به عنوان یکی از بهترین منابع برای یادگیری خود محور در اختیار جامعه پزشکی قرار گیرد و پزشکانی که در جامعه مشغول فعالیت حرفه‌ای هستند با استفاده از این منبع ارزشمند توانسته‌اند علاوه بر مراقبت از بیمار به امر آموزش مداوم هم بپردازند.

۲۴۰. ارتقاءِ فرآیندهای برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های آموزش مداوم جامعه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سالهای ۸۳ - ۱۳۸۲

محمد جعفر مدبر عزیزی، عصمت شیخ سعدآبادی شکوفه مسعودی، حسنعلی زاهد مقدم، فرید رحیم‌پور سید موسی سیدی، رؤیا افشاریان، نیره هوشیار

آدرس: مشهد، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: اجرای دوره‌های آموزشی جهت ارتقاءِ مهارتهای شغلی جامعه پزشکی یکی از وظایف دانشگاههای علوم پزشکی است و فرآیندهای برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های آموزشی، از اصلی‌ترین فعالیتهای آموزش مداوم در این زمینه می‌باشد. هدف کلی از ارتقاءِ این فرآیندها افزایش اثربخشی و کارایی برنامه‌ها و جلب رضایت مشتریان نهایی یعنی جامعه پزشکی بوده است.

روش و ابزار: براساس مراحل FUCOUS-PDCA جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه صورت گرفت. داده‌هایی که در جریان فرآیند برنامه‌ریزی جمع‌آوری گردید شامل: انجام نیازسنجی آموزشی رشته‌های مختلف، میزان امتیاز تخصیص یافته به برنامه‌ها، مشارکت گروه‌های آموزشی در امر برنامه‌ریزی، تعداد و پراکندگی برنامه‌های مدون در طول سال بوده است. داده‌های فرآیند اجرا شامل: زمان ثبت شده جهت انجام هر خدمت (در مورد ۲۵۰ نفر از مراجعین) و بررسی پرسشنامه نظرسنجی از ۲۵۰۰ شرکت کننده در مورد موفقیت برنامه‌ها بوده است.

نتایج: نتایج حاصله از فرآیند برنامه‌ریزی قبل و بعد از ارتقاءِ بیانگر افزایش تعداد برنامه‌های مدون از ۱۱ برنامه به ۱۰۴ برنامه، افزایش امتیاز تخصیص یافته به تفکیک گروهها، مشارکت گروههای آموزشی از ۹ گروه به ۱۸ گروه، پراکندگی برنامه‌های مدون از ۶ ماه به ۱۰ ماه در طول سال، انجام نیازسنجی کلیه برنامه‌های مدون و تعیین اولویتهای آموزشی بوده است. در ارتقاءِ فرآیند اجرا حذف ۱۳ مرحله از ۲۰ مرحله ثبت نام و صرفه جویی ۱۰ ساعت وقت جامعه پزشکی (با توجه به ۲۰،۰۰۰ مراجعه کننده) میانگین موفقیت برنامه‌ها در جلب رضایت شرکت کنندگان از ۶۲/۵٪ به ۷۰/۴۲٪ ارتقاءِ پیدا کرده است.

نتیجه‌گیری: ارتقاء فرآیند برنامه‌ریزی موجب افزایش، تنوع، پراکندگی، توزیع مناسب برنامه‌ها، شرکت فعال گروههای آموزشی در تعیین اولویت‌ها براساس نیازسنجی در برنامه‌ریزی گردید. ارتقاء فرآیند اجرا موجب کاهش زمان تلف شده مشمولین و استفاده بهینه از وقت آنها در جهت ارتقاء سلامت جامعه و دستیابی به اهداف پزشکی گردیده است. همچنین برطرف نمودن علل خاص در عدم موفقیت برنامه‌ها، موجب جلب رضایت شرکت کنندگان از برنامه‌های حضوری گردیده است.

۲۴۱. UNDERGRADUTE FAMILY MEDICINE TRAINING IN TURKEY

Hakan YAMAN، MD، MS

University of Akdeniz، Faculty of Medicine Department of Family Medicine، Antalya

TürkiyeAccording to the "Socialization of Health Services" law، health care has been expected to be provided by three different levels of care. The medical practitioner in primary care was expected to solve most problems in primary care and to relief the secondary health care services. This has not been proven to be real nowadays. Primary care physicians lack tools and instruments to perform high quality health care in their communities. Adequate provision of CPD and mental/professional support is also missing. Recruitment of new graduates to primary care services is another obstacle and primary care services are mostly seen as a second choiceClerkships in family medicine in undergraduate medical training programs may help medical faculties to reach their educational objectives concerning this. Besides some short introductory lectures the use of practical sessions، problem based learning sessions are widely applied to enhance the learning process in students. The Educational Agenda of EURACT provides a good frame for these programs Challenges to obtain space and slots in undergraduate curricula is the main obstacle of such new and innovative training programs. Providing evidence of good outcomes is another problem because of lack of experience in Turkish context، even the Northern European and American positive experience of the last decades.

فصل ۷

فنون نوین در آموزش بالینی

۲۴۲. معرفی بسته نرم افزاری آموزش کدگذاری بیماریها

آذر کبیرزاده، بنیامین محسنی ساروی، رقیه صادقی

آدرس: ساری، خیابان سلمان فارسی، دانشکده پیراپزشکی

این بسته نرم افزاری طرحی ابتکاری می باشد که داده ها و مواد آموزشی آن براساس کتاب طبقه بندی بین المللی بیماریها دهمین ویرایش (ICD-۱۰) گردآوری شده است. طراحان نام کدگذار را برای آن برگزیده اند. هدف اصلی از طراحی این برنامه تسهیل کددهی، افزایش میزان دقت و بالابردن صحت کدهای مورد نظر و همچنین آموزش حین کددهی می باشد. براساس تجربیات و همچنین گرایش تحصیلی طراح برنامه (آموزش مدارک پزشکی) در بیشتر مراکز درمانی و همچنین مراکز آموزشی در دانشگاهها، دانشجویان و کاربران بعلت تنوع و گستردگی واژههای موجود در زمینه علوم پزشکی در انتخاب کد مورد نظر همیشه با مشکل مواجه هستند. گاهی مشاهده می شود که انتخاب یک کد ممکن است حتی تا نیم ساعت بطول بیانجامد. (البته در مورد کدهای تکراری این مورد به حداقل ممکن کاهش می یابد) از طرف دیگر چون یک فرهنگ فارسی به انگلیسی در زمینه واژههای موجود در حوزه علوم پزشکی وجود ندارد بنابراین عمل کدگذاری بیشتر با تاخیر مواجه خواهد شد.

معرفی نرم افزار: این نرم افزار یک بانک اطلاعاتی هوشمند است که تحت سیستم عامل win۹۸ کارایی دارد. منوهای آموزشی برنامه در خط عمودی و منوهای اطلاعاتی - آموزشی در خط افقی فهرست شده اند.منوهای آموزشی صرفاً به آموزش کدگذاری پرداخته و عموماً به صورت متن هستند. منوهای اطلاعاتی - آموزشی به صورت یک بانک دهنده این است که فنتومهای ساخته شده از نظر شکل ظاهری، تشابه رادیوگرافیکی و پارامترهای اطلاعاتی قوی با استفاده از جدیدترین فرهنگها و تصاویر دقیق و در صورت نیاز به تلفظ کلمات در فهرست با در نظر گرفتن مرتبه الفبایی فهرست شده اند. منوهای اطلاعاتی آموزشی عبارتند از فهرست علل خارجی صدمات، فهرست بیماریها و صدمات، فهرست سندرومها، اپونیوم ها فهرست اعمال جراحی، فهرست مرفولوژی سرطانها، فهرست کدهای خدمات بهداشتی (z کدها)، اختصارات موجود در ICD و واژگان آناتومیکی موجود در ICD. منوهای آموزشی در خط عمودی عبارتند از اطلاعات مربوط به ICD، آموزش کدگذاری، مطالبی در خصوص نام گذاری بیماریها، کتب کدگذاری، کتب نام گذاری. سه منوی دیگر نیز در برنامه گنجانده شده است که عبارتند از پدیدآورندگان، اهداف و نتایج برنامه و راجع به برنامه.

روش جستجو و آموزش: در منوی اصلی فهرست حروف الفبا آورده شده است با استفاده از موشواره با اشاره به یک حرف کلیه حروف موجود در آن منو فعال خواهند شد. روش دیگر تایپ کردن کلمه مورد نظر در پنجره تایپ کلمات است. در صورت تایپ کلمه مورد نظر منوی مربوطه فعال خواهد شد. در صورتی که برای واژه مورد نظر تصاویری نیز در نظر گرفته شده باشد در پنجره توضیحات به آن اشاره خواهد شد. برای آگاهی از تلفظ واژه با کلیک روی گزینه مربوط به تلفظ، از چگونگی تلفظ اطلاع خواهید یافت. تعاریف از جدیدترین فرهنگها، تصاویر از وب، واژهها از ICD و تلفظ انگلیسی از منابع برنامه است. قابلیت بالا همچون یک فرهنگ پزشکی فارسی به انگلیسی و بالعکس، کارکرد در تمامی کامپیوترها و سادگی کار از محاسن برنامه است.

طراحان برنامه انتظار دارند تا بتوانند به آموزش بالا در زمینه کدگذاری بیماریها با این برنامه دست یابند. انشاا... مورد قبول کاربران و دانشجویان قرار خواهد گرفت.

۲۴۳. بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج درمورد تکنولوژی اطلاعات(IT) و کاربرد های آن در علم پزشکی

غفاریان شیرازی حمید رضا، دکتر ابراهیم حاتمی پور، عبدالواحد ظریفی

آدرس: یاسوج، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: یکی از عوامل موثردر پیشرفت یک کشور توانایی در آموزش مستمر و تربیت نیروی انسانی کارآزموده است. در این رابطه استفاده از تکنولوژی اطلاعات در فراگیری دانش و مهارت به یکی از عناصر ضروری آموزش و پرورش تبدیل شده است.به طوری که شکوفایی نیروی فکری و عقلانی یک ملت به حمایت تکنولوژی اطلاعات بستگی دارد.در واقع استفاده از این تکنولوژی نوعی محرک قوی است که درجه

تأثیر و میزان بهره وری و دگرگونی های علمی واجتماعی در عصر جدید را افزایش میدهد.در این طرح میزان آگاهی و نگرش دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج در زمینه های مختلف کاربرد تکنولوژی اطلاعات در علوم پزشکی: در دسترسی به منابع، طرح پژوهشی مورد بررسی قرار گرفته است.

روش و ابزار: این تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده به صورت مقطعی انجام شده است.بیش از ۱۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج در مقاطع مختلف تحصیلی، که به صورت چند مرحله ای در سال ۱۳۸۳ نمونه گیری شده اند را در بر می گیرد. جمع آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه کتبی مشتمل بر ۱۷ سئوال، که اکثر سؤالات با استفاده از پرسش های چند ارزشی لیکرت بوده است، انجام گرفته است.

نتایج: نتایج بررسی نشان داد که میزان آگاهی و اطلاع دانشجویان پزشکی از تکنولوژی اطلاعات و ابعاد وسیع آن بسیار اندک می باشد به این ترتیب که از دانشجویان مورد مطالعه ۹۱ درصد نمره کمتراز۶۰ و ۸۰ درصد نمره کمتر از ۴۰ از کل نمره صد داشته اند. ۹۹ درصد دانشجویان آشنائی با این دانش را ضروری دانسته و با ارائه آن به صورت یک واحد درسی موافق بوده اند. همچنین مطالعه نشان داد که ۸۲ درصد دانشجویان امکانات کامپیوتری و اینترنتی دانشگاه و دانشکده را ضعیف یا خیلی ضعیف دانسته اند.

نتیجه گیری: با وجودی که سیستم های نوین تکنولوژی اطلاعات، که شامل سیستم های چند رسانه ای ارتباط از راه دور، کنفرانسهای ویدیوئی، کنفرانسهای کامپیوتری، آموزشهای پیشرفته است و روز به روز فراگیرتر می شوند، آگاهی و استفاده دانشجویان پزشکی در این زمینه بسیار محدود میباشد. ضرورت آموزش، فراهم کردن امکانات وکاربرد وسیع تکنولوژی اطلاعات در کلیه ابعاد آموزشی و پژوهشی در دانشگاهها ی علوم پزشکی و بخصوص برای دانشجویان پزشکی که با سلامت انسانها که مهمترین سرمایه ایشان است سروکار دارند کاملا احساس می گردد.

۲۴۴. به کارگیری روش های جدید در آموزش ژنتیک پزشکی

دکتر پروین پاسالار

آدرس: تهران، دانشگاه علوم پزشکی، دانشکده پزشکی

زمینه و هدف: با پیشرفت علوم مولکولی، کاربرد آنها در زمینه های مختلف علوم پزشکی روز به روز بیشتر می شود به گونه ای که هم اکنون در بیش از ۲۰ دانشگاه بزرگ جهان، رشته پزشکی مولکولی به عنوان یک تخصص بین رشته ای، آموزش داده می شود. فهم عمیق علوم مولکولی نقش مهمی در کاربرد آنها در زمینه های مختلف تشخیص، درمان و پیگیری بیماریها توسط پزشکان در آینده خواهد داشت. همچنین این امر نقش مهمی در هدایت گروهی از پزشکان درادامه تحصیل در زمینه ژنتیک مولکولی و علوم وابسته خواهد داشت.

روش و ابزار: به این منظور نرم افزار آموزشی در جهت آموزش علوم مولکولی تهیه گردیده است که در آن علاوه بر تدریس موجز، از تصاویر مختلف، فیلم کوتاه و Animation های متعدد استفاده شده است. این نرم افزار همچنین دارای بخش هایInteractive پرسش و پاسخ است. بنابراین به کمک آن نه تنها آموزش، بلکه ارزیابی توسط خود یادگیرنده صورت می گیرد. نرم افزار براساس عناوین اصلی به گونه ای تهیه شده است که فرد استفاده کننده می تواند بر حسب نیاز خود به بخش های عملی (آموزش تکنیکها) و یا بخش های تئوری مراجعه نماید.

نتیجه گیری: در هر صورت هرچند چنین نرم افزاری تنها نرم افزار موجود دراین زمینه در جهان نیست ولی اولین آنها درایران است. چنین نرم افزاری می تواند تا حدی باعث کاهش نگرانی دانشجویان شاغل به تحصیل در نقاط دور افتاده ایران شود.

۲۴۵. قابلیت های آموزشی پاداکستینگ

سهراب نجفی پور، صدیقه نجفی پور

آدرس: فسا، دانشکده پزشکی، بخش میکروب شناسی

اصطلاح پاداکستینگ از کلمه برادکستینگ و اپل ای پاد بوجود آمده و روشی جهت انتشار آنلاین صدا می باشد که اخیرا" خیلی رایج شده است. بطور خلاصه، پادکست، فایل های صوتی دیجیتالی ساخته شده است که به یک سایت اینترنتی آپ لود می شود، وشنوندگان با عضو شدن در آن سایت بصورت خودکار، فایل را دان لود کرده ودر صورت نیاز بوسیله یک دستگاه صوتی MP۳ خوان آن را می شنوند. جهت تولید پادکست، به یک میکروفون، یک کامپیوتر شخصی و یک نرم افزار صوتی نیاز است. پادکست می تواند یک فایل صوتی سخنرانی یا یک برنامه تلویزیونی کاملا" حرفه ای باشد. بهر حال مزیت پاداکستینگ بر سایر روش های سنتی برادکستینگ این است که به افراد فرصت می دهد که براحتی محتویات صوتی را بدون نیاز به اجازه دیگران یا ابزار گرانقیمت به سراسر جهان پخش کنند. این تکنولوی تولید کنندگان زیادی را قادر ساخته که برنامه های ساخته شده توسط خود را پخش کنند. این مقاله خلاصه ای از کلیات پاداکستینگ، چگونگی تولید و شنیدن پادکست های اینترنتی را شرح می دهد، وقابلیت های آموزشی پادکستینگ و استفاده از آن بعنوان رویکرد جایگزینی در یاددهی ویادگیری را بحث می کند. پادکستینگ از یک تکنولوژی با پایه XML به نام RSS استفاده می کند. که جهت دسترسی بهتر و سریعتر به اطلاعات ابداع گردیده است. سازمان های متعددی بااستفاده از این رویکرد فهرست های محتوایی و اطلاعاتی جدید را بصورت فایل XML یا RSS ارائه می دهند. تعداد قابل توجهی از نرم افزار هایی که به کامپیوتر اجازه خواندن و نشان دادن ورودی های RSS را می دهد وجود دارد زمانی که فایل پادکست روی کامپیوتر دان لود شد، می توان هر زمان و هرجا به آن گوش کرد. بعلاوه پادکست را می توان روی دستگاههای MP۳ خوان منتقل کرد. قابلیت های پادکستینگ در آموزش را بطور مثال می توان در حیطه های ۱- طراحی فعالیتهای دایره ای متقاطع، ۲- رویکردهای جایگزین تدریس و ۳- استفاده وارتقاء یادگیری شخصی، جستجو کرد. هزاران برنامه پادکست روی اینترنت وجود دارد و تعداد آن در حال افزایش می باشد. مدرسین، وکلا، پزشکان،زنان خانه دار، کودکان و حتی کلاس ها در حالی پادکستینگ می باشند من معتقدم که کاربرد این تکنولوژی در آموزش نتایج مبهوت کننده ای دارد که تازه در حال شناسایی است.

۲۴۶. نرم‌افزار «آزمون الکترونیک ابن‌سینا» رویکردی جدید در ارزشیابی آموزش بالینی پزشکی

دکتر افشین صرافی‌نژاد، مهندس یاسر ضیاء سیستانی
مهندس آزاده فروزش

آدرس: کرمان، مرکز آموزشی درمانی افضلی پور

زمینه و هدف: یکی از مهمترین اصول در فرآیندهای آموزش، ارزشیابی فراگیران است که چنانچه با روش صحیح و کیفیت مطلوب و مناسب انجام شود، بازخوردی ارزشمند و کاربردی در برنامه‌ریزی آموزشی و همچنین روشهای کنترل کیفی آموزش به مدیران و استادان می‌دهد. در آموزش بالینی پزشکی، برگزاری آزمونهای مربوط به بخشهای بالینی، یکی از مهمترین دغدغه‌های دانشجویان و استادان است، چرا که اغلب آموزش به صورت توأم تئوری و عملی صورت می‌گیرد، ولی آزمونها معمولاً به روش کتبی یا شفاهی تنها به کنترل سطح دانش نظری فرد می‌پردازند و این نقطه ضعف آزمونها، در کشف وسنجش توانایی‌های حسی دانشجویان بیشترجلوه‌گر می‌شود.

روش و ابزار: برای ایجاد یک سیستم اتوماسیون آزمون که علاوه بر تسهیل برگزاری آزمون و صرفه جویی در زمان، سبب یکسان‌سازی شرایط آزمون برای شرکت‌کنندگان نیز می‌گردد، با توجه به ماهیت عملکردی بخشهای بالینی پزشکی، پس از شناسایی عوامل مهم و مرتبط در آزمون، نرم افزار کاربردی خاصی در مدت زمان حدود ٦ ماه طراحی گردیده است. استفاده از ابزارهای مولتی مدیا برای سنجش مهارتهای بینایی و شنوایی دانشجو، از قبیل صدای قلب، تصاویر رادیوگرافی، الکتروکاردیوگرافی، پاتولوژی، علائم جسمی بیماریها، چهرهٔ بیمار، و مواردی از این قبیل، از ویژگیهای خاصی است که در این نرم افزار کاربردی تعبیه شده است. همچنین این امکان در نظر گرفته شده که روش انتخاب گزینه-ها به عنوان رویکرد دانشجو به تشخیص یا درمان بیماریها،

به صورت تحلیلهای خاص محتوایی، توسط استاد مربوطه قابل انجام باشد.

متدولوژی تولید نرم افزار نسخه‌ای سفارشی شده از پروسه RUP است که از دیدگاه ERD نیز به حل مسئله پرداخته است و پس از آنالیز و تحلیل اولیه و استخراج و مستندسازی ارتباطات بین زیرسیستمها و طرح جداول بانک اطلاعاتی، برای پیاده سازی نرم افزار از زبان برنامه‌نویسی C# با تکنولوژی پنج‌لایه و تحت .NET Framework با معماری Service Based (XML، SOAP) و با قابلیت پشتیبانی از پایگاه اطلاعاتی Microsoft SQL Server ۲۰۰۰ و Access ۲۰۰۳ با در نظر گرفتن تمهیدات امنیتی و سطوح دسترسی در سطح Application به صورت کاملاً قابل تفکیک برای استاد، تایپیست، ممتحن و دانشجو و... استفاده گردیده است.

از قابلیت‌های دیگر و منحصر به فرد این نرم افزار که تحت تمامی نسخه های ویندوز و به صورت مبتنی بر وب کار میکند، می‌توان به کارکرد تحت شبکه با استفاده از سرور و ایستگاه‌های کاری، امکانات مختلف استفاده از بانک سؤال طراحی شده، تعیین ضرایب دشواری و افتراق سؤالات هر آزمون، تنظیم روش پاسخگویی به سؤالات توسط دانشجو، تصحیح اتوماتیک و گزارشهای آماری آزمون، ثبت موارد تخلف و تقلب در برنامه، سؤال‌سازی مشروط و هدایت‌کننده، تنظیم وقت آزمون و زمان اضافه توسط ممتحن، کنترل رفتار دانشجو از راه دور، تصادفی‌سازی سؤالات و گزینه‌های پاسخ برحسب نیاز و به صورت اتوماتیک، پخش موزیک ملایم همزمان با آزمون، استفاده از ابزارهای بزرگنمایی برای تصاویر متصل به سؤالات و بسیاری موارد ارزشمند و جالب دیگر اشاره کرد.

نتیجه گیری: آزمون بالینی چه به صورت نظری و چه به صورت عملی به عوامل مختلف محیطی، ظاهر دانشجو، استرس روانی، نحوهٔ برخورد استاد، روابط دانشجو و استاد، نحوهٔ تکلم دانشجو و بعضاً خط یا انشای پاسخگویان می‌تواند بستگی داشته باشد. در روش برگزاری آزمون با استفاده از کامپیوتر علاوه بر تسهیل طراحی و تایپ سؤالات و امکان انجام آنالیزهای خاص بر روی نتایج آزمون‌ها، ضمن حذف یا تعدیل بسیاری از عوامل فوق الذکر، به دلیل ماهیت خاص کامپیوتر و قابلیتهای نرم افزاری، علاوه بر صرفه‌جویی در برخی از مواد مصرفی، استرس پاسخگو تا حدود زیادی کاهش و تمرکز فکری وی به دلیل توجه مستقیم به صفحه مونیتور افزایش می یابد و آزمون الکترونیک، می‌تواند به عنوان روشی ارزشمند و استاندارد، جایگزین روشهای معمول آزمونهای دانشگاهی یا آموزشگاهی بویژه در گروههای کوچک فراگیران گردد.

۲۴۷. برنامه رسالت مدار استعدادهای درخشان در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

دکتر شهرام یزدانی، دکتر رضا غلامی خوجین، دکتر دل آرا بابایی، دکتر امیر سهیل رضایی شیراز، دکتر محمد حسین زاده

آدرس: تهران، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

زمینه و هدف: تحولات جدید در زمینه تعاریف و مفاهیم استعداد درخشان از یک طرف و خصوصاً نیازهای کشور ما در زمینه حمایت و هدایت نخبگان و استعدادهای درخشان در جهت اولویت های ملی از سوی دیگر، تدوین برنامه هایی جدید را در این راستا ضروری می سازد. در این میان زمینه های ایجاد شده در قالب شورای عالی استعدادهای درخشان در وزات بهداشت، درمان و آموزش پزشکی امکان اجرای چنین برنامه هایی را بیشتر فراهم می کند. برنامه رسالت مدار استعدادهای درخشان با هدف حمایت و هدایت استعدادهای درخشان در جهت نیازهای کشور و به منظور تربیت مدیران و نیز دانشمندان آینده نظام سلامت تدوین و اجرا گشته است.

روش و ابزار: برنامه رسالت مدار استعدادهای درخشان در شهریور ماه سال ۱۳۸۱ با اجرای فاز مطالعاتی آغاز گشت. پس از ٦ ماه بررسی متون و مطالعه منابع موجود در سطح کشور و دنیا در فروردین ماه سال ۱۳۸۲ برنامه در مسیر تربیت مدیران نظام سلامت (Manager –Leader Pathway) راه اندازی شد. این مسیر در هفت سطح و در هشت حیطه طراحی و اجرا شده است. پس از آشنایی دانشجویان با برنامه در قالب جلسات Orientation session در هر دوره، ایشان وارد برنامه آموزشی "یادگیری خود محور تسهیل شده توسط شبکه" (web facilitated self directed learning) می‌شوند. این برنامه شامل استفاده از وب سایت (WWW.ARDN.NET\GTP)، جلسات راهبردی ماهانه، عضویت در گروههای ایجاد شده توسط دانشجویان سطوح بالاتر برنامه (mentor group) و مطالعه منابع موجود در

برنامه (knowledge – base references) می باشد. دانشجویان عضو برنامه به طور سالانه برای ورود به سطوح بالاتر تحت ارزیابی قرار می گیرند. این ارزیابی شامل آزمون کتبی از منابع مطالعاتی برنامه از یک طرف و سنجش فعالیت هایی چون مشارکت در آموزش دانشجویان سطوح پایین تر، هدایت گروههای تخصصی در وب سایت برنامه و... که در قالب پوشه فعالیتها ارائه می گردد، از طرف دیگر است.

نتایج: در حال حاضر بیش از ۵۰۰ نفر از دانشجویان استعدادهای درخشان از ۹ دانشگاه علوم پزشکی در رشته های پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی و... به عضویت برنامه در آمده اند. اطلاعات مربوط به فعالیت این اعضاء در برنامه در قالب یک بانک اطلاعاتی کامپیوتری گردآوری شده است و با توجه به پیشرفت آنها در برنامه به روز می گردد. در آزمونهای برگزار شده برای ارتقاء سطح در برنامه در دو سال اخیر ۵۳ نفر از این دانشجویان موفق به ارتقاء به سطوح بالاتر گشته اند و به دنبا ل آن گروههایی را برای هدایت و آموزش سطوح پایین تر تشکیل داده اند. به موازات مسیر ذکر شده، مسیر تربیت دانشمندان نظام سلامت (Scholar – Scientist Pathway) با هدف ایجاد اقتصاد دانش مدار و کمک به توسعه علمی نظام سلامت طراحی و در حال حاضر پس از گذراندن مرحله مطالعاتی شروع به اجراء گشته است.

نتیجه گیری: با توجه به استقبال دانشجویان دانشگاه های مختلف از برنامه، در حال حاضر گسترش برنامه از طریق استفاده از آموزش از راه دور (Distance learning) مد نظر قرار گرفته است.

۲۴۸. بررسی امکان استفاده دانشجویان پزشکی از آموزش مبتنی بر شبکه

دکتر علیرضا رحیمی ممقانی، دکتر شادی شیوا، حسن حسینی فرد، سجاد خادم نژاد، آنیتا چهری، آیدا پورالهوردی

آدرس: تبریز، خیابان گلگشت، کوی گلستان، خانه علوم پزشکی ایران.

زمینه و هدف: استفاده از ابزار آموزش مجازی یکی از فرصتهای نوینی است که پیشرفت تکنولوژی اطلاعات در اختیار آموزش پزشکی قرار داده است. دانشگاههای معتبر جهان در کنار آموزشهای جاری خود سالهاست که از دوره های آموزشی الکترونیکی برای آموزش دانشجویان خود به شکل آموزش از راه دور استفاده می کنند. شروع چنین دوره‌هایی در کشور ما و با سیستم آموزشی فعلی بخصوص در مقاطعی مانند دوره فیزیوپاتولوژی که بیشتر جنبه تئوری دارد می‌تواند منجر به افزایش ظرفیتهای آموزشی در کشور گردد. ولی در این بین بنظر می‌رسد برخی موانع مانع دسترسی بهتر دانشجویان به این نوع آموزش گردد. بنابراین گروه تحقیقاتی ما در صدد برآمد مطالعه‌ای را با هدف تعیین امکان استفاده دانشجویان پزشکی مقطع فیزیوپاتولوژی از آموزش مبتنی بر شبکه طراحی نماید.

روش و ابزار: این مطالعه به روش مقطعی تحلیلی(Cross sectional) طراحی گردید. گروه مورد مطالعه کل دانشجویان مقطع فیزیوپاتولوژی (حدود ۱۰۰ نفر) بودند که طی پرسشنامه‌ای به سؤالات پاسخ دادند. در پایان داده‌های بدست آمده توسط نرم افزار آماری SPSS ۱۲ و تست آماری Chi square مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. سطح معنی داری در این مطالعه $P<0.05$ در نظر گرفته شد. پایایی پرسشنامه با آلفای کرونباخ معادل ۰/۶۵ محاسبه گردید.

نتایج: در کل شرکت کنندگان میزان دسترسی به کامپیوتر و اینترنت در منزل به ترتیب ۸۱/۳٪ و ۷۳/۹٪ ومیزان کلی دسترسی ۹۰٪ بود. ۸۳/۳٪ دانشجویان قادر به کار در ویندوز و اینترنت در حد متوسط به بالا بودند. همچنین ۷۸/۷٪ دانشجویان تمایل داشتند در دوره‌های آموزش الکترونیکی شرکت نمایند. ولی تنها ۱۸/۸٪ دانشجویان تمایل به جایگزینی کل دوره فیزیوپاتولوژی به صورت الکترونیکی و بدون شرکت در کلاس داشتند.

نتیجه گیری: در کل با توجه به میزان دسترسی بالای دانشجویان پزشکی به اینترنت و علاقمندی دانشجویان به شرکت در این دوره‌ها به نظر می‌رسد شروع چنین دوره‌هایی می تواند مورد استفاده دانشجویان قرار گیرد.

۲۴۹. راهنمای مطالعه بعنوان ابزار یادگیری، تجربه جدیدی در برنامه نوین آموزش پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

دکتر رامین همایونی زند، دکتر شهرام یزدانی، دکتر فخرالسادات حسینی، دکتر سعید حاتمی، دکتر محمد حسین زاده، فتحیه مرتضوی

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، مرکز مطالعات و توسعهٔ آموزش پزشکی

زمینه و هدف: امروزه با بهره گیری از اصول یادگیری بزرگسالان، برنامه های آموزشی مختلف شامل برنامه های آموزش پزشکی روش های فعال یاددهی و یادگیری را جستجو کرده و بکار گرفته اند. در برنامه نوین آموزش پزشکی عمومی برای دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی نیز که در طول چند سال طراحی و از مهر ماه سال ۱۳۸۳ به اجراء در آمد، سعی شده است از این گونه روش های فعال یاددهی و یادگیری در جای جای برنامه استفاده شود. به همین منظور در مرحله کارآموزی این برنامه با در نظر گرفتن تمامی ملاحظات علمی و اجرائی روشی برای آموزش دانشجویان طراحی شده که گونه ای از یادگیری مکاشفه ای هدایت شده (GDL) بوده و رویکردی مسئله محور را به خدمت گرفته است. راهنمای مطالعه (Study Guide) ابزاری است که به منظور هدایت دانشجویان در این مسیر یادگیری طراحی شده است. در این مقاله سعی کردیم اهداف، چهارچوب و محتوای این راهنمای مطالعه را بررسی کرده و چگونگی طراحی و تدوین آن را برای دوره های چرخشی مختلف در مقطع کارآموزی تشریح نمائیم.

روش و ابزار: در یک فرآیند کار گروهی، تعدادی از کارشناسان آموزشی و اساتید بالینی در دوره ای چند ماهه در مرکز مطالعات و توسعه آموزشی پزشکی دانشگاه بر اساس اهداف مورد نظر چهارچوبی کلی را برای راهنمای مطالعه دوره های کارآموزی طراحی و رئوس مطالب هر دوره را به تفکیک استخراج نمودند. یک راهنمای مطالعه برای یکی از دوره های کارآموزی بصورت آزمایشی تألیف و مورد نقد و بررسی قرار گرفت. چهارچوب نهائی به همراه رئوس مطالب برای هر دوره در اختیار تیم های تألیف راهنمای مطالعه در هر گروه بین رشته ای قرار گرفته و تألیف راهنماهای مطالعه بر این اساس به اجراء در آمد.

نتایج: ۱۹ راهنمای مطالعه برای هر یک از دوره های چرخشی مرحله کارآموزی هر یک شامل دو بخش عمده به مرحله تألیف در آمده است. بخش اول شامل اصول و مبانی پایه و پاتوفیزیولوژیک و مبانی تشخیصی کلی و بخش دوم شامل نحوه رویکرد به تظاهرات عمده ای است که دانشجو پس از فارغ التحصیلی به عنوان پزشک عمومی با آن ها برخورد خواهد کرد.

نتیجه گیری: راهنمای مطالعه ابزاری است برای یادگیری به روش GDL که با توجه به طراحی خاص این روش در هر برنامه آموزشی می توان راهنمای مطالعه را بر مبنای آن و برای دست یابی به اهداف مورد نظر طراحی و تدوین نمود.

۲۵۰. طراحی برنامه Preceptorship در مقطع کارآموزی برنامه نوین آموزش پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

دکتر رامین همایونی زند، دکتر شهرام یزدانی، دکتر فخرالسادات حسینی، فتحیه مرتضوی، دکتر محمد حسین زاده، دکتر سعید حاتمی

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، مرکز مطالعات و توسعهٔ آموزش پزشکی

زمینه و هدف: در برنامه نوین آموزش پزشکی عمومی که از مهرماه سال ۱۳۸۳ در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در حال اجراء می باشد، سعی شده است با در نظر گرفتن راهبردهای نوین آموزشی، مداخلات متعددی در اجزاء مختلف برنامه صورت گیرد. یکی از ویژگی هائی که باید در انجام این مداخلات لحاظ گردد ایجاد فرصت های یکسان آموزشی و شرکت در تجارب یادگیری برنامه ریزی شده (Planned Learning Experiences) برای دانشجویان بویژه در عرصه های بالینی می باشد. به همین منظور در کنار بسیاری از مداخلات طراحی شده در برنامه آموزشی مقطع کارآموزی، یک برنامه Preceptorship نیز برای این مرحله طراحی شد تا دانشجویان در هر بخش بالینی بتوانند بصورت کاملاً برنامه ریزی شده و زیر نظر و هدایت شخصی بنام پرسپتور در فرصت های آموزشی ایجاد شده برای آنها شرکت نموده، بیشترین بهره یادگیری را از این فرصت ها ببرند. پرسپتور فردی است که با گروه کوچکی از دانشجویان یا تک تک آنها کار کرده و به عنوان معلم، الگو، و ارزشیابی کننده عملی می کند. امروزه برنامه های Preceptorship از

اهمیت خاصی در علوم پزشکی برخوردار بوده و بیانگر تعاملی است که ارتباط بین دروس تئوری و طبابت حرفه ای را برقرار می کند.

روش و ابزار: در طول دوره ای چند ماهه تعدادی از اساتید و کارشناسان آموزشی در مرکز توسعه دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با مطالعه و بررسی مستندات علمی و اجرائی جهانی و نیز برنامه آموزشی موجود دانشگاه در تمامی ابعاد، برنامهٔ Preceptorship دوره های کارآموزی را برای برنامه نوین آموزش پزشکی عمومی طراحی کردند.

نتایج: در این برنامه ویژگی ها و نحوه انتخاب پرسپتور، همچنین وظایف و مسئولیت های وی تعریف شده و برنامه زمان بندی آموزشی برای هر دوره آموزشی کارآموزی با جزئیات و بر اساس ساعات آموزشی برای تمامی روزهای هر دوره تدوین گردید. یک کتابچه راهنما تحت عنوان Preceptor Guide نیز برای هدایت پرسپورها تهیه شد که در آن پرسپتور ضمن آشنائی با وظایف و مسؤلیت های خود، با چگونگی عملکرد آموزشی خود در هر یک از جایگاههای آموزشی مانند بخش، درمانگاه، و.... آشنا شده و بصورت گام به گام هدایت می شود.

نتیجه گیری: هدایت یادگیری دانشجویان پزشکی بویژه در عرصه های بالینی باید بصورت کاملاً برنامه ریزی شده و زیر نظر اساتیدی انجام شود که تمام وقت خود را در بخش های بالینی صرف آموزش دانشجویان کرده و در ایجاد و هدایت تجارب و فرصت های یادگیری هدفمند برای آنان تبحر داشته باشند. این مهم می تواند با ایجاد برنامه های preceptorship در برنامه های آموزش پزشکی تحقق یابد.

۲۵۱. بررسی تاثیر استفاده از نرم افزار چند رسانه ای در سطح یادگیری درس مورفولوژی دندان در دانشجویان دوران علوم پایه دندانپزشکی

مرضیه آقازاده، دکترمسعود جعفری

آدرس: تبریز، دانشگاه علوم پزشکی ، دانشکده دندانپزشکی

زمینه و هدف: تغییر و تحول در آموزش امری بدیهی است و امروزه با توجه به پیشرفت روزافزون تکنولوژی دخالت ان در این تغییرات اجتناب ناپذیر است. سال هاست که در معتبرترین مراکز آموزشی جهان از شیوه آموزشی چند رسانه ای در مباحث مختلف استفاده می شود. در درس مورفولوژی نیز برای اولین بار در دنیا سی دی خودآموز چند رسانه ای تولید و مورد بررسی قرار گرفت. این ابزار شامل دو نسخه استاد و دانشجو می باشد. در نسخه دانشجو به بررسی نمای سه بعدی دندان همراه با خصوصیات ساختار خارجی آن و مقایسه آن با دندانهای مشابه پرداخته می شود. نسخه اساتید نیز نیز شامل طرح سه بعدی دندان می باشد که حرکت و چرخش آن کاملا در اختیار اساتید بوده و هنگام تدریس قادر خواهند بود با چرخاندن دندان و قرار دادن آن در نمای مناسب به بررسی خصوصیات آن قسمت بپردازند.

روش و ابزار: این مطالعه به روش clinical Trial طراحی گردید. گروه مورد مطالعه تعدادی از دانشجویان دوران علوم پایه دندانپزشکی (سال اول و دوم) بودند که بر اساس معدل به صورت خوشه ای تصادفی به دو گروه مساوی شدند و تمامی آنها قبل از شروع دوره به پرسشنامه ای پاسخ دادند. سپس گروه اول به روش سنتی(با استفاده از تصاویر کتاب) و گروه دوم با استفاده از نرم افزار خود آموز آموزش دیدند.

در انتها هر دو گروه به پرسشنامه دیگری پاسخ دادند که به همراه فرم نظرسنجی توسط نرم افزار آماری spss۱۲ و تست های Independent sample آماری مورد بررسی قرار گرفتند و اختلاف معنی داری بین دو گروه بدست آمد. (سطح معنی داری در این مطالعه $p<۰.۰۵$ در نظر گرفته شده بود و پایایی پرسشنامه نظر سنجی با آلفای کرونباخ معادل ۰/۶۰ محاسبه گردید.)

نتایج: میانگین نمره به دست آمده در گروه شاهد معادل ۱/۷ ±۱۴/۱۸ و این میانگین در گروه مورد ۱/۹ ± ۲۱ /۱۶ بود که اختلاف معنی داری بین دو گروه به دست آمد $t= ۲.۸$، $p= ۰.۲۹۳$ ، میانگین رضایت از دوره آموزشی ۳/۸۷ از ۵ بود و۸۵٪ دانشجویان از شرکت در دوره آموزشی رضایت داشتند.

نتیجه گیری: دندان دارای یک ساختمان سه بعدی است و بررسی جزئیات آن با تصاویر دو بعدی کتابها امکان پذیر نیست. چون این تصاویر از ۵ نمای مختلف گرفته شده و دانشجو باید این تصاویر را به شکل سه بعدی و تلفیقی در ذهن خود مجسم کند. مولاژهای موجود نیز جوابگوی تمام جزئیات ساختاری دندان نمی باشد و دندانهای طبیعی کشیده شده معدود بوده و معمولا به علت پوسیدگی، تروما و...

نمی تواند خصوصیات دندان را به شکل کامل در اختیار دانشجو قرار دهند. بنابراین فقدان یک ابزار مناسب برای کمک به مجسم کردن ساختار سه بعدی دندان کاملا مشهود می باشد. از طرفی رضایت بالای دانشجویان از برگزاری دوره آموزشی همراه با نرم افزار چند رسانه ای مورفولوژی دندان نشان دهنده این است که این نرم افزار می تواند خلا ایجاد شده را برطرف نماید.

۲۵۲. یادگیری مشارکتی در آماده سازی سمینار مجازی

عباس فروتن، سیمین نوری

آدرس: تهران، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی ـ دانشکده پزشکی

ارائه سمینار مجازی یکی از راههای یادگیری مشارکتی و دانشجو محور می باشد که با استفاده از یکForum و گروهبندی دانشجویان و اساتید در انجمنها روی شبکه اینترنت امکان پذیر می باشد. دراین پروژه تعداد ۶۳ نفر از دانشجویان پزشکی ترم اول ورودی مهر ماه ۱۳۸۳ دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی شرکت کننده در کلاس تکنولوژی اطلاعاتی، در قالب ۸ گروه کوچک ۹-۶ نفره به مطالعه و ارسال اطلاعات پرداختند. هشت عنوان با مضوعات علوم پایه و بالینی انتخاب و هشت نفر از هیات علمی دانشگاه به عنوان اساتید راهنما در این سمینار شرکت کردند. در هر گروه یک نفر دانشجو به عنوان هماهنگ کننده یا مسئول گروه انتخاب و اختیارات جهت ویرایش و تنظیم مجدد پیامهای سایر دانشجویان از طریق مدیریت انجمن به وی داده شد. کلیه منابع از طریق اینترنت ر مبنای یک متد جستجوی نظام مند که قبلا دانشجویان آموزش دیده بودند. انتخاب می شد و خلاصه مطالب توسط دانشجوی مربوطه در انجمن قرار می گرفت. در مرحله بعد استاد راهنما و هماهنگ کننده و سایر اعضای گروه، به راهنمائی و ارسال پیام می پرداختند تا بخشهای مختلف سمینار هر گروه ویرایش و منسجم گردد. این روش می تواند علاوه بر تر غیب فعالیتهای گروهی داخل و خارج کلاس، بخشی از وقت خارج از کلاس دانشجو و استاد در زمانهای متفاوت را بکار گیردو حاصل آن بصورت سمینار های متعدد مطالعه گردد.

۲۵۳. ساخت فنتومهای رادیوگرافی آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان

دکتر اکبر علی اصغرزاده، دکتر حسین نیکزاد، حمید رضا ملکوتی شاد

آدرس: کاشان، دانشگاه علوم پزشکی، دانشکده پیراپزشکی

زمینه و هدف: یکی از هدفهای تاسیس رشته فن آوری رادیولوژی تربیت دانش آموختگانی است که بتوانند تصاویر رادیوگرافیی تهیه نمایند که از کیفیت بالایی برخوردار باشند برای اینکار دانشجویان ابتدا در دروس نظری اصول مربوطه را فرا گرفته و سپس این اصول و روشها را در آزمایشگاه بصورت پراتیک تجربه می نمایند. و در نهایت بر روی بیمار جهت گرفتن تصویر اعمال می نمایند. در حال حاضر در کشور ما مرحله دوم به دلیل نبود امکانات مورد نیاز انجام نمی شود. که باعث بروز مشکلاتی می گردد. هدف از این پژوهش ساخت فنتومهای آموزشی رادیو گرافی بود تا دانشجویان قبل از اعمال اصول و غنون فراگرفته بر روی بیمار در ابتدا این موارد را بر روی فنتومها اجرا کرده و بعد از بدست آوردن آمادگی وارد بخشهای رادیولوژی گردند.

روش و ابزار: برای اینکار در ابتدا استخوانهای طبیعی مربوط به فنتوم مورد نظر تهیه گردید سپس استخوانهای مورد نظر با توجه به موقعیت آناتومیکی شان در بدن و وضعیت های مختلف رادیو گرافیک مورد در خواست تنظیم و تثبیت گردد. همزمان با این کار قالبی نیز از ناحیه مورد نظر تهیه شد و استخوانها در وضعیت آناتومیکی و رادیوگرافی صحیح داخل آن قرار گرفتند سپس قالب از پارافین مذاب پر گردید. بعد از سرد شدن، قسمت مورد نظر خارج شده اطراف آن پوشانده شد. و سپس سطح خارجی فنتومها رنگ آمیزی گردید. یافته ها: بررسی و مقایسه تصاویر رادیو گرافیک فنتومها و تصاویر حقیقی نشان دهنده این است که فنتومهای ساخته شده از نظر شکل ظاهری، تشابه رادیو گرافیکی و پارامتر های فیزیکی دانسیته و کنتر است با نمونه های انسانی مشابهت بالای دارند.

نتیجه گیری: نتایج نشان دهنده این است که امکان ساخت و تهیه چنین فنتومهایی در داخل کشور وجود دارد و از نظر کیفیت نیز این فنتومها در حدی می باشند که می توان از آنها در آموزش عملی دانشجو یان استفاده نمود.

فصل ۸

کیفیت آموزش بالینی و انگیزه های استاد و دانشجو

۲۵٤.بررسی رابطه بین میزان انگیزش تحصیلی و رفتارهای پر خطر بهداشتی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

سید سعید مظلومی، کوکب ایمانی، محمد حسن احرام پوش

آدرس: یزد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی ، دانشکده بهداشت

زمینه و هدف: اصطلاح انگیزش عبارت است از تمام عوامل روانی (آگاهانه، ناآگاهانه) آماده کننده انسان به منظور تحقق بخشیدن به بعضی از اعمال، گرایشها و اهداف، انگیزش یکی از شرایط اساسی و لازم برای یادگیری به حساب می آید. و در واقع می توان گفت گام نخست برای یادگرفتن محسوب می شود. بی انگیزگی برای مطالعه کردن نیز عبارت است از کیفیت و یا حالت قادر بودن به خواندن اما فقدان انگیزه و دلبستگی برای انجام این کار افراد بی انگیزه توانایی خواندن و نوشتن را دارند. اما هرگز این کار را از روی عشق و علاقه انجام نمی دهند. به طوری که گفته می شود در اکثر مواقع مشکل دانشجویان فهم مطالب آموختنی نیست بلکه بی انگیزه بودن به تحصیل است که مانع یادگیری می شود. بی انگیزه بودن نسبت به تحصیل گذشته از افت تحصیلی و اتلاف منابع مادی منجر به ناامیدی و دلسردی در دانشجویان شده و زمینه را برای ایجاد مشکلات روحی و انحرافات اجتماعی فراهم می کند.

هدف از انجام این تحقیق تعیین رابطه بین انگیزش تحصیلی دانشجویان و رفتار های پر خطر بهداشتی می باشد.

روش و ابزار: در این بررسی ۳۰۱ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد که در ترم اول تحصیلی ۸٤-۱۳۸۳ مشغول به تحصیل بودند مورد مطالعه قرار گرفتند. نمونه ها با توجه به تعداد دانشجویان هر دانشکده و به نسبت مقطع و جنس و به طور تصادفی انتخاب شدند. داده ها از طریق پرسشنامه جمع آوری و توسط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج: یافته ها نشان داد ۳۰/۲۳٪ از دانشجویان نمره انگیزش تحصیلی کم (۱٦۰ و کمتر) و ٤۰/۸٦٪ نمره انگیزش متوسط (۱۸۰-۱٦۱) و ۲۸/٦٪ دارای نمره انگیزش تحصیلی بالا (۱۸۰ و بالاتر) بودند، همچنین به اظهار خود دانشجویان ۱۰/۷٪ از دانشجویان سیگار، ۸/۷٪ مشروبات الکلی و ٤٪ مواد مخدر مصرف کرده اند. ۳/٤٪ رفتار پر خطر جنسی داشته اند. ۱٤/۱٪ درگیری فیزیکی،۲٦/۸٪ دچار پرخاشگری شده، ۲۱/۱٪ استفاده از قلیان،۲۱/۸٪ مصرف خودسرانه داروها شده اند، نتایج ارتباط معنی داری را بین رفتارهای پر خطر بهداشتی و جنسیت دانشجویان نشان داد همچنین ارتباط معنی داری بین نمره انگیزش تحصیلی و رفتارهای پرخطر بهداشتی به دست آمد. آزمون آماری X۲ رابطه معنی داری بین نمره انگیزش تحصیلی و میزان مطالعه دانشجویان در یک شبانه روز به دست آورد. (P=۰.۰۰، X۲ = ۳۲،٤۱۲)

نتیجه گیری: نتایج این پژوهش بر این مسئله تاکید دارد که ایجاد هر چه بیشتر آگاهی، علاقه و انگیزش دانشجویان نسبت به دروس توسط اساتید مربوطه و بالاخص اساتید راهنما باعث ارتقاء و وضع تحصیلی دانشجویان خواهد شد.

۲۵۵. بررسی عوامل مؤثر در کاهش انگیزه تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

دکتر پرویز مولوی، بهزاد رسول زاده

آدرس: اردبیل، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی

زمینه و هدف: یکی از بزرگترین معضلات آموزشی، کاهش انگیزه تحصیلی دانشجویان است. در این میان مهمترین رسالت نظام آموزشی، آماده ساختن دانشجویان برای کسب دانش، مهارتهای شناختی و شغلی جهت ورود به اجتماع می باشد. لذا باید جهت ارتقای کیفیت آموزشی دانشگاهها، عوامل کاهش دهنده انگیزه تحصیلی دانشجویان شناسایی و برطرف گردند. این مطالعه به منظور بررسی عوامل مؤثر در کاهش انگیزه تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل انجام گرفت.

روش و ابزار: این مطالعه از نوع توصیفی - تحلیلی می باشد. نمونه مورد مطالعه،۲٤۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل بود (۱۲۰نفردانشجوی باانگیزه و۱۲۰ نفردانشجوی بی‌انگیزه) که این تعداد، با اجرای آزمون انگیزه تحصیلی مشخص شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات شامل آزمونهای استاندارد شده انگیزه تحصیلی مک اینرنی، عزت نفس کوپر اسمیت و پرسشنامه محقق ساخته بود. میزان اعتبار آزمونهای استاندارد شده به ترتیب ۰/۷۳ و ۰/۸۸

گزارش شده است. میزان اعتبار پرسشنامه محقق ساخته نیز ۰/۸۵ برآورد گردید. این پرسشنامه‌شامل سوالاتی بود که دانشجویان‌را از لحاظ ویژگیهای فردی، اجتماعی، خانوادگی، آموزشی و میزان امید به آینده بررسی می نمود.باتوجه به نوع متغیرها،درتجزیه وتحلیل اطلاعات ازآزمون ناپارامتریک مجذور کای و روش آماری تحلیل ممیز استفاده شد.

نتایج : نتایج بدست آمده از این مطالعه نشان داد که از مجموع ۱۱ متغیر مورد مطالعه، ٦ متغیر میزان امید به آینده با ضریب (۰/۷۸)، میزان عزت نفس (۰/۷۲)، پایین بودن وضعیت اقتصادی دانشجویان (۰/٦۷)، نارضایتی‌ازروش تدریس اساتید(۰/٥٤)، نارضایتی از روش ارزشیابی مهارتهای بالینی و تئوری اساتید (۰/٤۷) و متأهل بودن دانشجویان (۰/۳۲) به ترتیب می توانندعلل کاهش انگیزه دانشجویان را تبیین کنند.

نتیجه گیری: در این پژوهش به تبیین رفتارهای اساسی دانشجویان پرداخته شد. با توجه به نتایج فوق ضروری است مسئولین دانشگاه علوم پزشکی اردبیل از طریق ارائه راهکارهای مناسب درجهت جلوگیری از بی انگیزگی تحصیلی در دانشجویان اقدام نمایند.

۲٥٦. بررسی نظرات دستیاران گروههای مختلف آموزشی بالینی دانشگاه علوم پزشکی کرمان در رابطه با کیفیت تدریس

اشرف ادهمی، دکتر نوذر نخعی، زهرا فتاحی

آدرس: کرمان، دانشگاه علوم پزشکی، مر کز مطالعات و آموزش پزشکی

زمینه و هدف: به منظور ارتقای کیفیت آموزش و برای نیل به آموزش بالینی کارآمد بررسی وضع موجود آموزش به روش ارزشیابی ضرورت دارد، تا با مشخص شدن نقاط قوت و ضعف تصمیم‌های لازم برای رفع نواقص اتخاذ گردد. از آنجا که یکی از راههای مهم، شناسایی کیفیت آموزش بررسی نظرات آموزش گیرندگان می‌باشد لذا به بررسی نظرات دستیاران پرداختیم.

روش و ابزار: این مطالعه به روش توصیفی است و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه خود ایفا مشتمل بر پانزده سؤال در زمینه‌های مختلف آموزشی بود که روایی و پایایی آن با استفاده از روشهای معمول تعیین گردید و در اختیار کلیه دستیاران یازده گروه آموزشی دانشگاه علوم پزشکی کرمان قرار گرفت و پس از جمع‌آوری داده‌ها، نتایج با استفاده از روشهای توصیفی ارائه شدند.

نتایج: نتایج این بررسی حاکی از آن است که از نظر دستیاران، اساتید بالینی این دانشگاه از مهارت عملی مطلوبی برخوردار می‌باشند ولی روش تدریس آنان نسبت به سایر موارد مورد بررسی در حد متوسط بوده و همبستگی معنی‌داری بین حیطه‌های) مورد بررسی نشان داده شد. ($P<0/0$)

نتیجه گیری: از نظر اکثریت دستیاران پزشکی این دانشگاه، مهمترین مشکل تدریس بالینی مناسب نبودن روش تدریس می‌باشد. اعضای هیئت علمی گروههای مختلف پزشکی با اخذ تخصص به تدریس مشغول می‌شوند. در حالی که بسیاری از آنان با روشهای تدریس، برنامه‌ریزی و ارزیابی آموزشی آشنایی کافی ندارند. برگزاری کارگاههای روشهای آموزش پزشکی می‌تواند در رفع این نقیصه مؤثر باشد.

۲٥۷. نقش آموزش پرستاری در توسعه عملکرد مبتنی بر شواهد

دکتر محسن ادیب حاج باقری

آدرس: کاشان، دانشگاه علوم پزشکی ، دانشکده پرستاری

زمینه و هدف: عملکرد مبتنی بر شواهد بصورت کاربرد معتبرترین تحقیقات موجود در مراقبت از طریق تلفیق آن با تجارب بالینی و ارزشهای بیمار تعریف شده است. به اعتقاد صاحب نظران، مراقبت مبتنی بر شواهد کیفیت مراقبت و رضایت بیمار و پرستار را افزوده و هزینه ها را کاهش میدهد. پرستاران بزرگترین گروه ارائه دهندگان خدمات سلامت را تشکیل داده و عملکرد آنها نقش مهمی در کیفیت مراقبت دارد. اخیرا محققان داخلی گزارشاتی را در زمینه عوامل تاثیر گذار بر تصمیم گیری بالینی پرستاران، کاربرد فرایند پرستاری و چگونگی گذر از نقش دانشجویی به پرستار بالینی منتشر نموده اند. اما تحقیقات کافی در زمینه عوامل تاثیر گذار بر عملکرد مبتنی بر شواهد انجام نشده است. با توجه به نقش آموزش پرستاری در آماده سازی دانشجویان برای بر عهده گیری نقش بالینی این تحقیق طی سال ۱۳۸٤ به بررسی میزان

آشنایی پرستاران با عملکرد مبتنی بر شواهد و نقش آموزش پرستاری در توسعه آن پرداخته است.

روش و ابزار: تحقیق بصورت کیفی (Qualitative) و به روش گراندد‌تئوری انجام شد. گراندد‌تئوری یک روش تحقیق کیفی است که برای بررسی فرایندهای اجتماعی نهفته در پس وضعیتهای انسانی بکار می‌رود. سوال این تحقیق آن بود که پرستاران تا چه حد با عملکرد مبتنی بر شواهد آشنا بوده و چه عوامل و فرایندهایی در مسیر آموزش پرستاری نقش تسهیلگر یا ممانعت کننده در توسعه مراقبت عملکرد مبتنی بر شواهد دارد؟ نمونه گیری به صورت هدفمند انجام و داده‌ها از طریق مصاحبه های باز نیمه سازمان یافته و مشاهده جمع آوری گردید. در مجموع ۲۳ نفر در ٤ بیمارستان آموزشی دانشگاه علوم پزشکی کاشان، یک دانشکده پرستاری و هیات مدیره نظام پرستاری این شهر مورد مصاحبه قرار گرفتند و ۲۰ ساعت مشاهده در بخشهای مختلف انجام شد. تجزیه و تحلیل داده ها به روش تحلیل مقایسه ای مداوم و مطابق با روش اشتراوس و کوربین طی سه مرحله کد گذاری باز، محوری و انتخابی (Open، Axial and Selective coding) انجام شد.

نتایج: چهار مدرس پرستاری، ۳ نفر از اعضای نظام پرستاری، ۳ مترون، ٦ سرپرستار و ۷ پرستار مورد مصاحبه قرار گرفتند. متوسط سن مشارکت کنندگان۴/۳ ±۳۱/۲ سال و سابقه کار آنها ۳/۳±۱۰/٤ سال بود. تجزیه و تحلیل محتوای تجارب و ادراکات پرستاران نشان داد که پرستاران با مفهوم، شیوه و اهمیت عملکرد مبتنی بر شواهد آشنا نیستند. بیشتر مشارکت کنندگان و بویژه رده های بالینی در طی ۳ ماه گذشته برای بهبود مراقبت مطالعه نکرده بودند. از نظر مشارکت کنندگان در تحقیق در حال حاضر نه تنها شیوه های آموزش و محتوای آموزشی مبتنی بر شواهد تنظیم نمی شوند بلکه الگوهای نقش نیز مبتنی بر شواهد عمل نمی کنند. به اعتقاد مشارکت کنندگان در تحقیق نقش های آموزش پرستاری در آماده سازی پرستاران برای ارائه عملکرد مبتنی بر شواهد در هفت مقوله "آشناسازی دانشجویان با مفهوم عملکرد مبتنی بر شواهد"، "واقف سازی دانشجویان و پرستاران به ارزش عملکرد مبتنی بر شواهد"، "آشناسازی پرستاران با زبان تحقیق و ایجاد مهارتهای لازم برای ارزیابی تحقیقات"، "ایجاد روحیه یادگیری مداوم"، "آشناسازی دانشجویان با روشهای دستیابی به منابع تحقیقات معتبر" و "تشویق دانشجویان به تحقیق بر مشکلات بالینی" و "توسعه استقلال عمل در دانشجویان پرستار برای عمل به عنوان عامل ایجاد تغییر" قرار می گیرد.

نتیجه گیری: در حال حاضر بیشتر پرستاران، مدیران پرستاری و حتی بسیاری از مدرسان و مربیان پرستاری با مفهوم‌و ملزومات عملکرد مبتنی بر شواهد آشنا نیستند. افزودن درس روش تحقیق در برنامه های آموزشی سطح کارشناسی و افزایش محتوای مربوط به "تحقیقات" و "عملکرد مبتنی بر شواهد" در برنامه های آموزشی کارشناسی ارشد پرستاری و نیز اهتمام به امر آموزش مداوم در پرستاری که متاسفانه در ایران نادیده گرفته شده است زمینه را برای توسعه عملکرد مبتنی بر شواهد و ارتقای کیفیت و هزینه اثر بخشی خدمات فراهم خواهد کرد.

۲۵۸. بررسی مشکلات آموزشی کارآموزی و کارورزی از دیدگاه مربیان مرتبط با دانشکده بهداشت

دکتر محمد حسین باقیانی مقدم، دکتر محمد حسن احرام پوش شهره شکاری، خانم قائم محمدی

آدرس: یزد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، دانشکده بهداشت

زمینه و هدف: هر چند یادگیری انسان صرفاً بر پایه طراحی اتفاق نمی‌افتد ولی کلاس درس جزء واحدی است که در آن تجربهٔ آموزشی به صورت طراحی شده انجام می‌گیرد. انجام فعالیتها در رسیدن به هدفهای برنامه بستگی به طرح‌ریزی مناسب و قبلی دارد. ترتیب منطقی از این که چه اعمالی، در چه مواقعی، کجا، توسط چه کسانی، برای چه گروههایی، در چه مدتی، با چه بودجه‌ای و با کدام روشها و وسایل انجام می‌شود، با تجزیه و تحلیل نیازهای سیستم انجام می‌پذیرد. دست‌اندرکاران حرفه‌ای تعلیم و تربیت، آموزگاران و مربیان حرفه‌ای و نظامی طراحان اولیه سیستم یادگیری هستند که در رویکرد وظیفه طراحی با پنج نوع مشکل اساسی مواجه می‌شوند، این مشکلات عبارتند از: هدایت – ارزشیابی – محتوا و توالی – روش و محدودیتها، که در صورت مرتفع شدن آنها کارآموزی و کارورزی از لحاظ کیفی ارتقاء می‌یابد. در این مطالعه سعی بر این است آن دسته از مشکلاتی که مورد توجه مربیان و دانشجویان می‌باشد و حل آنها بطور نسبی امکانپذیر است، بررسی گردد.

روش و ابزار: این مطالعه یک مطالعه توصیفی مقطعی (Cross-sectional) است که تعداد ۹۲ نفر از مربیان کارآموزی و کارورزی (۴۸٪ مرد و ۵۲٪ زن) که دارای حداقل مدرک کاردانی می باشند بطور سرشماری بررسی می‌نماید. اطلاعات موردنظر از طریق پرسشنامه ۳۵ سوالی شامل، ۶ سوال دموگرافیک و ۲۹ سوال مرتبط با مشکلات آموزشی جمع‌آوری گردید. اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: داده‌ها نشان داد که حدود ۹۰٪ از مربیان معتقدند رشته تحصیلی آنها با دانشجویانی که جهت همکاری به آنها معرفی می‌شوند، هماهنگی دارد. حدود ۲۲٪ از مربیان اظهار بی‌علاقگی در همکاری با دانشکده نموده بودند و ۹۰٪ مربیان انتظار پرداخت حق‌الزحمه معقول را داشتند

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این بررسی بیان کننده این است که مربیان در کلیه زمینه‌ها با مشکل روبرو بوده و نیاز به راهنماییهای آموزشی در جهت اجرای فعالیتهای محول شده دارند. در این مورد لازم است دانشکده با آنها همکاری و راهنمائی‌های موردنظر را بنماید.

۲۵۹. مقایسه انگیزه پیشرفت، فشارزاهای روانی تحصیلی و رضایت از دانشگاه و رشته تحصیلی بین دانشجویان موفق و ناموفق دانشگاه علوم پزشکی اهواز

محمد اسماعیل مطلق، حسین الهام پور، عبدالحسین شکورنیا

آدرس: اهواز، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: شکست تحصیلی و پیامدهای آن بین دانشجویان از اهم مسائل آموزش عالی کشور ماست. پژوهش های زیادی پیرامون تبیین عوامل موثر در شکست تحصیلی دانشجویان انجام گرفته است تا بتوان از نتایج آن برای بهبود فرآیند تحصیل در دانشگاه یاری گرفت. تحقیق حاضر نیز در همین راستا انجام گرفته است. این پژوهش براساس چهار فرضیه طراحی و اجرا شد:

بین فشارزاهای روانی تحصیلی دانشجویان موفق و ناموفق تفاوت وجود دارد. بین انگیزه پیشرفت دانشجویان موفق و ناموفق تفاوت وجود دارد. بین رضایت از رشته تحصیلی دانشجویان موفق و ناموفق تفاوت وجود دارد. بین رضایت از دانشگاه محل تحصیلی دانشجویان موفق و ناموفق تفاوت وجود دارد.

روش و ابزار: نمونه ای از یکصد نفر از دانشجویان مشروط دانشگاه علوم پزشکی اهواز در سال تحصیلی ۸۳-۸۲ انتخاب شده بودند. از بین دانشجویان هم ورودی آنها که معدل تحصیلی بالاتر از ۱۶ داشتند نمونه ای معادل بطور تصادفی انتخاب شد. ابزارهای تحقیق شامل فشارزاهای تحصیلی - روانی (دارای چهار خرده مقیاس فشارزاهای فارغ التحصیلی، محیط خوابگاهی، شرایط آموزشی و محیط آموزشی)، انگیزه پیشرفت، رضایت از رشته تحصیلی و رضایت از دانشگاه بودند (همگی این ابزارها از روایی و پایایی مناسبی برخوردار بودند).

نتایج: بدست آمده از بررسی فرضیه ها نشان داد که دانشجویان موفق از انگیزه پیشرفت کمتری برخوردار بودند. از رشته تحصیلی خود رضایت کمتری داشتند. دانشجویان موفق از فشارزاهای فارغ التحصیلی، محیط خوابگاهی، شرایط آموزشی و محیط آموزشی کمتری تجربه کرده اند. ولی بین دو گروه دانشجو در رضایت از دانشگاه تفاوت معنی داری وجود نداشته است.

۲۶۰. دیدگاه کارورزان پزشکی در مورد مشکلات آموزش بالینی دانشکده پزشکی تبریز و راهکارهای حل آنها

دکتر مهستی علیزاده، دکتر منیژه سیاح ملی

آدرس: تبریز، دانشکده پزشکی، گروه پزشکی اجتماعی

زمینه و هدف: مقطع کارورزی در دوره آموزش پزشکی عمومی در کسب مهارت و کارآمدی دانشجوی پزشکی بسیار موثر است. در این مقطع دانشجو آنچه را که آموخته است و در دوره کارآموزی در حضور اساتید و دستیاران فراگرفته بطور مستقل یا با نظارت آنها به مرحله عمل می گذارد. طی بررسی های کیفی و مصاحبه های انجام شده با کارورزان، آموزش بالینی در این دوره به نظر کارآمد نمی رسد. در این

مطالعه برآن شدیم تا دیدگاههای کارورزان را در مورد عدم کارآمدی آموزش در بخش های بالینی تعیین نماییم و نظر آنها را در مورد راهکارهای پیشنهادی حل این مشکل مشخص نماییم.

روش و ابزار: در یک مطالعه مقطعی تعداد ۸۰ کارورز پزشکی که بطور تصادفی از بخشهای مختلف بالینی انتخاب شدند پرسشنامه ای حاوی ۲۶ سوال در مقیاس لیکرت را تکمیل نمودند. سوالات در سه بخش مشکلات آموزش بستری، سرپایی و اورژانس مطرح شدند.

نتایج: در خصوص عوامل موثر در مشکلات آموزشی بخشهای بستری در اداره بیماران، ۸۶٪ عدم آموزش کافی توسط اساتید را در حد زیادی موثر دانسته بودند. عدم وجود انگیزه یادگیری بنظر ۶۳٪ کارورزان موثر بود. ۸۶٪ عدم اعتماد اساتید و دستیاران به کارورز در بخش ها را در حد زیاد و متوسط در ایجاد مشکلات آموزش بالینی موثر ذکر کردند. ۹۳/۳٪ عدم تطبیق ارزیابی پایان دوره با آموزش طول دوره را در ایجاد مشکلات آموزشی در حد زیادی موثر می دانستند. د رمورد اداره بیماران سرپایی ۷۳/۴٪ تاکید بیشتر به مسائل تخصصی و فوق تخصصی در آموزش بالینی را در مشکلات آموزش سرپایی و عدم وجود درمانگاه عمومی با مسئولیت کارورزرا در حد زیادی موثر ذکر کردند. رضایت کلی از بخشهای بالینی در ۷۳٪ موارد کم وبسیار کم بود. ۸۶٪ اظهار کردند که آموزشهای بالینی بخشها در ایجاد مهارت برای انجام وظایف شغلی آینده در حد کم و بسیار کم می باشد. ۸۰٪ کارورزان از شرح وظایف و اهداف آموزشی خود در بخشهای بالینی در حد کم و بسیار کم مطلع بودند.در مورد راهکارها مطالعه ای کیفی بین کارورزان، پزشکان عمومی واساتید دانشکده پزشکی در حال انجام است که نتایج آن متعاقبا' اعلام خواهد شد.

نتیجه گیری: کیفیت آموزش بالینی در ایجاد رضایت در کارورزان و کسب مهارتهای لازم در آنان مناسب نمی باشد. اکثر آنها از شرح وظایف و اهداف آموزشی خود بی اطلاع هستندکه این امر بازنگری در آموزش بالینی دوره کارورزی را طلب می کند.

۲۶۱. بکارگیری الگوی CQI در آموزش مداوم و تاثیر آن بر ماندگاری آموخته های تیم سلامت

بهزاد شمس، م. منوچهری، حجت ا... تنهائی، محمدرضا کریمی

آدرس: اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی، گروه آموزشی پزشکی

زمینه و هدف: سالهاست که از شروع قانون آموزش مداوم CME (بازآموزی) پزشکان و سایر اعضاء تیم سلامت مشمول قانون می گذرد و تلاشهای بسیاری صورت گرفته است تا کیفیت این آموزشها ارتقاء یابد ولی این نگرانی همیشه وجود داشته است که این آموزشها چه میزان ماندگار بوده است. با توجه به اینکه برنامه آموزشهای مداوم اغلب به صورت فشرده و نظری و یا با تمرین های عملی محدود اجرا گردیده و از الگوهای ارتقاء کیفیت کمتر استفاده شده است. این پروژه نظریه ای را آزمون کرد که در آن الگوی ارتقاء مستمر کیفیت CQI بعنوان راهکار تمرین عملی یادگیری محتوای آموزشی انتخاب شده و به صورت کارگاه آموزشی اجرا گردید. میزان ماندگاری آموخته ها در اعضاء تیم مراقبت سلامت و پس از دو سال در این پروژه ارزیابی شد.

روش و ابزار : پس از انجام نیازسنجی دانش و عملکرد اعضاء تیم سلامت در شهرستان شهرضا و مشخص شدن اولویت مراقبت مورد آموزش و روش کار تیمی، کارگاه هشت هفته ای در مورد مراقبت اولویت بندی شده (مراقبت تغذیه ای کودکان) برگزار گردید. در این کارگاه هر هفته روزهای شنبه به مدت چهار ساعت یک قسمت از مبحث CQI و یک بخش از مراقبت تغذیه ای کودکان ارائه گردیده و شرکت کنندگان در طول هفته موضوعات مورد بحث کارگاه را با روش CQI و به کمک اعضاء تیم خود پیاده نمودند. و مجدداً روز شنبه هفته بعد نتایج کار خود را داوطلبانه در جلسه ارائه کرده و اصلاحات لازم انجام شد و مبحث جدید ارائه گردید. این جلسه ها به مدت ۲ ماه و تا اتمام محتوای آموزشی ادامه یافت. به منظور ارزیابی ماندگاری آموزشها، پرسشنامه های مربوطه به صورت آزمونهای کتبی و چک لیست ها، تهیه و با تکمیل و تحلیل آنها دانش قبل از اجرا، بعد از اجرا و پس از ۲ سال اندازه گیری و مقایسه گردید. روائی محتوایی و صوری ابزار جمع آوری اطلاعات، از طریق تطبیق با اهداف یادگیری کارگاه و پایایی پرسشنامه از طریق دو نیمه نمودن کنترل گردید.

اطلاعات با محاسبه P-value و مقایسه دانش ماندگار قبل از آموزش و پس از دو سال در اعضاء تیم مراقبت تحلیل گردید.

نتایج: میانگین نمره دانش پزشکان در آزمون کتبی در فاصله دو سال به ترتیب: ۱۳/۳۷ (دو سال بعد) و ۱۱/۵۷ (قبل از برگزاری): P = ۰،۰۶ بدست آمد. میانگین نمره حاصله از دانش بهورزان در زمان مشابه به ترتیب: ۱۵/۹۳ و ۱۲/٤٦ : P = ۰،۰۰۱ بود. میانگین نمره کاردانها در زمان مشابه به ترتیب: ۱٦/٦٦ و ۱٤/۰۹: P = ۰،۰۰۰٦ بود. میانگین دانش مادران در زمان مشابه به ترتیب: ۱۲/۸٦ و ۱۲/۲۸: P = ۰،۰٦ بدست آمد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه هدف این طرح ارائه الگویی برای مؤثرتر کردن اجرای برنامه های آموزش مداوم بود و یکی از شاخص های اصلی آن ماندگاری آموزش‌هاست. الگوی طراحی و اجرا شده نشان داد که رویکرد CQI می تواند در بهبود کیفیت آموزش مداوم و ماندگاری آموخته ها مؤثر واقع شود. در توجیه علت آن می توان گفت که چون پیگیری مراقبت های تدریس شده از طریق اجرای عملی در عرصه خدمت بود و گامهای CQI نیز توسط مدیران (پزشکان) رعایت گردید آموزشها ماندگارتر و موجبات ارتقاء کیفیت را انشاء ا... فراهم‌خواهد کرد. از آنجا که با اجرای CQI موفقیت های چشم گیری در مدیریت ها به اثبات رسیده و نقش پزشک در نظام ارائه خدمات بیشتر در قالب مدیریت فرآیندها تعریف شده است و پزشکان شرکت کننده در کارگاه در این طرح مباحث پزشکی خود را در قالب مدیریتی و با اعضاء تیم اجرا نمودند. لذا می توان نتیجه گرفت که کاربردی نمودن آموزش ها با استفاده از الگوهای ارتقاء کیفیت می تواند راهکار مناسبی برای افزایش کیفیت آموزش های مداوم و ماندگاری آموخته ها باشد.

۲٦۲. بررسی عوامل استرس زای آموزش بالینی پرستاری از دیدگاه دانشجویان پرستاری و راهکارهای‌عملی در خصوص بهبود کیفیت آموزش بالینی

ماندانا ساکی، مژگان ساکی، معصومه روهنده

آدرس: خرم آباد، دانشکده پرستاری و مامائی

زمینه و هدف: آموزش بالینی بخش اساسی و مهم آموزش پرستاری است و بدون آن تربیت پرستاران کارآمد و شایسته هدفی دور از دسترس است. وجود هر گونه مشکل در آموزش بالینی کارائی و بازده این بخش از آموزش پرستاری را دچار مشکل می کند. استرس یکی از این مشکلات است که می تواند تاثیرات منفی برکیفیت و بازده کاری داشته باشد.پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل استرس زای آموزش بالینی پرستاری از دیدگاه دانشجویان پرستاری و راهکارهای عملی در خصوص بهبود کیفیت آموزش بالینی در سال ۱۳۸۲ انجام گرفته است.

روش و ابزار: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی مقطعی است. جامعه مورد مطالعه شامل کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل کارآموز در بخش های مختلف بیمارستان به جز دانشجویان فن پرستاری می باشد. نمونه ها به صورت تصادفی و به تعداد ۹۵ نفر انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند.

ابزار گردآوری اطلاعات در این مطالعه یک پرسشنامه سه قسمتی، قسمت اول سوالات مربوط به مشخصات فردی، قسمت دوم سوالات مربوط به عوامل تنیدگی آور بخش بالین و قسمت سوم مربوط به ارائه راهکارهای عملی ارتقاء و بهبود کیفیت آموزش بالینی بود.اطلاعات پس از جمع آوری از طریق نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: از ۹۵ دانشجویی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند ۸۷/٤٪ دختر، ۵۸٪ در رده سنی ۲۲-۲۰ سال، ۹۱/٦٪ مجرد، ۷۱/۵٪ ساکن خوابگاه و ۸۸/٤٪ در مقطع کارشناسی پیوسته مشغول به تحصیل بوده اند. یافته ها نشان داد عواملی نظیر زیاد بودن تعداد دانشجویان در بخش، هتک حرمت مربی به دانشجو در حضور سایرین، ایجاد استرس توسط مربی در حین انجام وظیفه، وجود ارتباطات غیر موثر بین مربی و دانشجو، روشن نبودن اهداف کارآموزی، عدم وجود مربی ثابت در بخشها، فقدان تجربه و عدم تناسب مهارت بالینی مربی با واحد تقبل شده، فقدان آمادگی لازم دانشجو هنگام حضور بر بالین بیمار، ترس از ابتلا به بیماری های عفونی، در دسترس نبودن وسایل مراقبت از بیمار، انجام مراقبتهای اولیه از بیمار درحضور دیگران، عدم دسترسی به مربی در مواقع اورژانس، انجام کارآموزی در بخش اورژانس و بخشهای ویژه و... از عوامل استرس زای بالین به حساب آمده و نیاز است جهت ارتقاء کیفیت آموزشهای بالینی پرستاری از مربیان ورزیده و با تجربه به جای مربیان طرحی استفاده نموده و با استفاده از شیوه های آموزشی موثر کیفیت این آموزشها را ارتقاء دهند.

نتیجه گیری: از آنجائیکه عوامل استرس زا تاثیرات منفی در آموزش بالینی داشته و اهداف آموزش پرستاری را تحت تأثیر

قرار میدهد نیاز است زمینه های لازم جهت حذف یا کاهش این عوامل فراهم گردد.

۲۶۳. بررسی موانع موجود در توانمند سازی دانشجویان پرستاری در آموزش بالینی

لیدا محسن پور، دکتر زهره ونکی

آدرس: تهران، خیابان قیطریه، خیابان صفا، کوچه شقایق، پلاک ۲۸

زمینه و هدف: در فرایند آموزش و از آن جمله آموزش پرستاری ایجاد موقعیت مطلوب جهت یادگیری و استقرار یک نظام آموزشی کار آمد ضروری است. پیوند بین آموزش نظری و بالینی سبب می شود تا دانشجویان پرستاری اطلاعات کسب شده خویش را بطور صحیح در موقعیتهای بالینی بکار گیرند. آموزش بالینی در توانمند سازی و پرورش تفکر انتقا دی و خلاق دانشجویان دارای نقش اساسی می باشد این مقاله قصد دارد موانع موجود در توانمندسازی دانشجویان پرستاری در آموزش بالینی رااز دیدگاه دانشجویان و اساتید تعیین و بررسی نماید.

روش و ابزار: یک پژوهش توصیفی و تحلیلی است که در سال ۱۳۸۳ در دانشکده های پرستاری دانشگاه تهران و دانشکده پرستاری ارتش صورت گرفته است. نمونه های پژوهش شامل ۳۰ نفر از اعضاء هیات علمی و ۳۲ نفر از دانشجویان پرستاری دانشکده های مذکور بوده است که پرسشنامه پژوهشگر ساخته را دریافت و تکمیل نموده اند، سپس تجزیه و تحلیل داده ها به کمک روشهای آمار توصیفی انجام گرفت.

نتایج: ۸۰٪ دانشجویان بطور مداوم و مستمر در زمینه رشته خویش مطالعه نداشته و ۵۲٪ آنها دلیل این امر را عدم انگیزه کافی دانسته اند.۵۳٪ اساتید مهمترین مشکل را در تجربه کاری خویش عدم انگیزه کافی دانشجویان پرستاری بیان نموده اند. ۸۲٪ دانشجویان برنامه ریزی نامناسب آموزشی را عامل عدم یادگیری پایدار و مؤثر دانسته اند. ۸۰٪ اساتید بیان نموده اند که ارائه مراقبت های پرستاری براساس اصول علمی فرایند پرستاری نمی باشد. ۸۸٪ دانشجویان نحوه عملکرد مربیان بالینی را متناسب با انتظارات خویش (طراحی مناسب، منظم، هدف دار) در بالین ندانسته اند. ۸۳٪ اساتید محیطهای بالینی را فرصت مناسب جهت بررسی عمیق توسط دانشجویان ندانسته و ۸۸٪ آنها علت این امر را واگذار نمودن کارهای غیر تخصصی به دانشجویان ذکر نموده اند. ۴۳٪ اساتید به برقراری روابط اجتماعی مناسب و حمایت روحی و روانی بیشتر دانشجویان از سوی مربیان بالینی تأکید نموده اند.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که آموزش بالینی در پرستاری به گونه ای طراحی نمی گردد تا تفکر خلاق و انتقادی را در دانشجویان پرستاری پرورش دهد بنابر این آنها قادر نمی باشند دانسته های خویش را در موقعیت های بالینی بکار گیرند همچنین حمایت روحی و روانی مناسب از سوی مربیان در محیطهای بالینی صورت نمی گیرد که این عوامل منجر به کاهش انگیزه دانشجویان جهت مشارکت در فعالیت های آموزشی و نهایتاً کاهش سطح توانمندی آنها می گردد. لذا طراحی برنامه مناسب جهت رفع موانع موجود ضروری بنظر می رسد.

۲۶۴. استاندارد سازی: راهکاری برای ارتقاء کیفیت آموزش بالینی پرستاری در ایران

نیره ناصری، شایسته صالحی، اصغر خلیفه زاده، علیرضا یوسفی

آدرس: اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی، دانشکده پرستاری و مامایی

زمینه و هدف: در سال های اخیر ضرورت اعتباربخشی آموزش پرستاری در ایران بالاخص در حیطه بالین بیش از پیش احساس شده است. با این وجود استانداردهای مدون و مکتوبی بدین منظور وجود ندارد و اعمال استانداردهای خارجی نیز در ایران امری غیر اصولی به نظر می رسد، لذا با بهره‌گیری از استانداردهای جهانی و نظرات صاحبنظران آموزش پرستاری در ایران، پژوهشی با هدف تدوین استانداردهای اعتباربخشی آموزش بالینی پرستاری منطبق با شرایط کشور انجام شده است.

روش و ابزار: این پژوهش یک مطالعهٔ تری آنگولیشن چندگانه می‌باشد که در سال های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸٤ انجام گرفته است؛ بدین ترتیب که در ابتدا استانداردهای جهانی اعتباربخشی آموزش پرستاری از طریق اینترنت استخراج گردیده و سپس با بهره‌گیری از این استانداردها و اظهارنظرات ۱٤ نفر از صاحبنظران در امر آموزش (تکنیک دلفی)، استانداردهای

پیشنهادی برای آموزش بالینی در مقطع کارشناسی پرستاری تنظیم شده است و در پایان، نظرات ۵۰ نفر از اعضای هیأت علمی پرستاری کشور در خصوص مطلوبیت این استانداردها با شرایط کشور با کمک روش زمینه یابی با طرح توصیفی سنجیده شده و نهایتاً استانداردهای با اجماع بیش از ۸۰٪ ارایه گردیده است.

نتایج: در مرحله اول، ۸۵ استاندارد در زمینه آموزش بالینی پرستاری از ۱٤ کشور یا ایالت دنیا استخراج گردیده است که پس از اعمال نظرات و پیشنهادات صاحبنظران در خصوص انطباق این استانداردها با شرایط کشور در مرحله دوم، ۵۵ استاندارد در پنج حیطهٔ مدرسین بالینی، دانشجویان، برنامه آموزشی، تسهیلات بالینی و فعالیتهای یاددهی - یادگیری پیشنهاد گردیده که نهایتاً در مرحله سوم با درصد مطلوبیت ۸۰ تا ۱۰۰ درصد مورد قبول صاحبنظران پرستاری کشور واقع شده است.

نتیجه گیری: اکثر استانداردهای پیشنهادی از وضعیت مطلوب و نسبتاً مطلوب برخوردار بوده و مواردی که آراء صد در صد را در این دو سطح به خود اختصاص نداده است، عمدتاً مربوط به متمرکز بودن سیستم آموزشی و نیز وضعیت حاکم بر سیستم آموزش بالینی پرستاری کشور بوده است. چنین استانداردهایی بر اساس پیشنهادات و نظرات اصلاحی صاحبنظران با شرایط ایران منطبق گردیده است. امید است که با بکارگیری این استانداردها جهت اعتباربخشی آموزش بالینی، کیفیت آموزش پرستاری در ایران ارتقاء یابد.

۲٦۵. بررسی ویژگیهای مربی بالینی اثربخش از دیدگاه دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه آزاد تبریز در سال ۱۳۸٤

سهیلا بانی، شیرین حسن‌پور

آدرس: تبریز، دانشکده پرستاری و مامائی

زمینه و هدف: یادگیری و کسب مهارت در بالین یکی از مطلوبترین روش‌های آموزشی است که ارتباط مستقیمی با ویژگیهای مدرسان بالینی دارد از آنجائیکه در فرآیند آموزش (تدریس و یادگیری) دو بخش وابسته به هم هستند و گرچه فعالیت تدریس فعالیت معلم است ولی نتیجه آن یادگیری است که معطوف به فرآگیر است لذا بررسی ویژگی مدرس بالینی اثربخش از دیدگاه مشتریان این حرفه یعنی دانشجویان اهمیت زیادی دارد. بنابراین برآن شدیم پژوهشی با عنوان یاد شده و با هدف کلی تعیین ویژگیهای مربی بالینی اثربخش از دیدگاه دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی و آزاد تبریز و با اهداف تعیین ویژگیهای مربی بالینی اثربخش از دیدگاه دانشجویان مامایی از نظر ۱- سازمان‌دهی و شفافیت ۲- مهارت آموزش گروه ۳- علاقمندی و انگیزش ٤- دانش ۵- نظارت بالینی ٦- صلاحیت بالینی ۷- ویژگیهای حرفه‌ای ۸- تعیین برخی از مشخصات فردی و اجتماعی دانشجویان مامایی انجام دهیم.

روش و ابزار: پژوهش حاضر یک بررسی توصیفی بودکه در دانشکده های پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی و آزاد تبریز انجام شد. ابزار گرد آوری داده های پرسشنامه ۸ قسمتی بود که توسط دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی و آزاد تبریز تکمیل شد. حجم نمونه ۱۰۰ نفر از دانشجویان مامایی بود و روش نمونه گیری در دسترس و آسان بود.

نتایج: یافته های پژوهش نشان داد که از دیدگاه دانشجویان مامایی در قسمت سازماندهی و شفافیت ، توضیح شفافیت مطالب (٤۸٪) ، در مهارت آموزش گروه ، جواب دادن به سوالات (٦٤٪) در زمینه علاقه مندی و انگیزش علاقه به حرفه (٤۲٪) ، از نظر دانش، هدایت و راهنمایی دانشجویان به متون مناسب(٤۱٪) ، در زمینه نظرات بالینی، تصحیح اشتباهات دانشجویان بدون تحقیر آنها(۵۹٪) از نظر صلاحیت بالینی داشتن مهارت در جمع آوری اطلاعات(٤۲٪) و از نظر ویژگیهای حرفه ای اعتماد به نفس (٦۰٪) از بالاترین ویژگیهای مربی بالینی اثر بخش شمرده شده اند.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که از دیدگاه دانشجویان مامایی پاسخ به سوالات، اعتماد به نفس تصحیح اشتباهات دانشجویان بدون تحقیق آنان از اهمیت بیشتری برای مربی بالینی اثر بخش برخوردارند بیشتر مطالعات نشان داده اند که دانشجویان معمولاً مدرسان بالینی که ویژگیهای خاصی را نشان داده اند مثبت تر ارزیابی میکنند بنابراین مربیان با شناختی نقاط ضعف خود و رفع آنها میتوانند گامهای موثری در جهت ارتقاء کیفی آموزش بالینی بردارند.

۲٦٦. بررسی عوامل مؤثر بر ارتقا کیفیت آموزش بالینی مامایی از دیدگاه دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۸۳

زهره علیزاده دیبازری، مرضیه تارویردی

آدرس: تبریز، دانشکده پرستاری و مامایی، گروه مامایی

زمینه و هدف: تعیین عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت آموزش بالینی در پرستاری و مامایی نیازمند شناسایی فاکتورهایی است که باعث بهبود نتایج آموزش بالینی می گردد که در این میان همامنگ کردن دروس نظری و بالینی در رشته مامایی و پرستاری به عنوان یکی از عوامل بسیار مهم در ارتقا کیفیت آموزش بالینی پرستاری و مامایی شناسایی شده است. مسئله شکاف بین آموزش نظری و بالینی پرستاری و مامایی از ریشه های عمیقی برخوردار است و همیشه نگرانی هایی را ایجاد کرده است. بنابراین در جهت کاهش دادن و از بین بردن این شکاف بررسی حاضر با هدف تعیین عوامل مؤثر در ارتقا کیفیت آموزش بالینی مامایی از دیدگاه دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی تبریز انجام گرفت تا شاید به این طریق بتوان این عوامل را شناسایی کرده و در جهت بهبود کیفیت آموزش بالینی و از بین بردن فاصله بین دروس تئوری و عملی اقدام نمود.

روش و ابزار: در این مطالعه توصیفی از پرسش نامه ای مشتمل بر دو بخش جهت نظر سنجی استفاده شد. بخش اول شامل اطلاعات دموگرافیک و بخش دوم شامل سؤالاتی در ارتباط با عوامل مؤثر در از بین بردن فاصله بین دروس تئوری و عملی در جهت بهبود کیفیت آموزش بالینی بود. فرم دوم از ٤ بخش اصلی ساخته شده بود که شامل عوامل مربوط به فراده، عوامل مربوط به فراگیر، عومل مربوط به محیط آموزشی و عوامل مربوط به ارزشیابی بود. برای تعیین درجه اهمیت عوامل مؤثر در بهبود کیفیت آموزش بالینی از مقیاس پنج درجه ای لیکرت استفاده شد. جامعه پژوهش شامل دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی تبریز بودند برای نمونه گیری از روش سرشماری استفاده گردید و نمونه پژوهش کاملا منطبق بر جامعه پژوهش انتخاب شد.

نتایج: یافته های پژوهش نشان داد که فاکتور مربوط به فراگیر به عنوان مهمترین عامل مؤثر در ارتقای کیفیت آموزش بالینی مامایی از دیدگاه دانشجویان این رشته بود که بعد از آن فاکتورهای مربوط به فراده، محیط آموزش بالینی و ارزشیابی به ترتیب از درجه های بعدی اهمیت برخوردار بودند. در بعد عوامل مربوط به فراگیر" مشخص بودن وظایف حرفه ای دانشجو در محیط بالینی "، در بعد عوامل مربوط به فراده" بر قراری ارتباط مناسب مدرس با دانشجو"، در بعد محیط آموزش بالینی،" امکانات و تجهیزات مناسب آموزشی در محیط های بالینی" و در بعد ارزشیابی" ارزشیابی بالینی دانشجویان در پایان دوره کارآموزی " از فاکتورهای مؤثر در ارتقای کیفیت آموزش بالینی مامایی از دیدگاه دانشجویان بود.

نتیجه گیری: آگاهی از عواملی که در ارتقا کیفیت آموزش بالینی تاثیر دارد به مدیران و برنامه ریزان آموزشی کمک خواهد کرد تا با برخورد اصولی در جهت رفع اشکالات موجود اقدام نمایند و به این ترتیب شرایط آموزش بالینی مؤثرتری برای دانشجویان فراهم گردیده و در نهایت منجر به بالاترفتن کیفیت آموزش می گردد.

۲٦۷. بررسی وضعیت آموزش بالینی (کارآموزی در عرصه) از دیدگاه دانشجویان پرستاری

طاهره یعقوبی، فاطمه سالمه، فرحناز گل‌محمدی، محبوبه یعقوبیان

آدرس: ساری ، دانشکده پرستاری و مامایی نسیبه

زمینه و هدف: آموزش بالینی بخش عظیمی از آموزش پرستاری را تشکیل می‌دهد. در این آموزش است که مهارتها شکل می‌گیرند و فراگیر توانایی کسب این مهارت را پیدا می کند و باید خود را برای فردایی آماده کند که باید به طور مستقل، مسئولیت مراقبت از بیماران را بر عهده بگیرد. آموزش بالینی کاری به مراتب سخت‌تر از آموزش تئوری است زیرا بسیار از مطالب درس را حتی بدون معلم می‌توان آموخت ولی آموزش بالینی همیشه به الگو نیاز دارد.

روش و ابزار: جهت بررسی نظرات دانشجویان و مشخص شدن مشکلات آنان، تحقیقی به صورت مطالعه زمینه‌ای طرح‌ریزی شد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه بود. کلیه دانشجویان پرستاری(روزانه و شبانه) که واحد کارآموزی در عرصه را داشتند. در پژوهش شرکت کردند و نظرات آنها در تمام گروههای آموزش مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: نتایج نشان داد که ۸۶/۷٪ از دانشجویان کارآموزی در عرصه را با کارآموزی‌های قبلی خود، متفاوت بیان کرده‌اند. طول مدت کارورزی در بخش در گروههای مختلف آموزش ۵۶/۷٪ مطلوب دانستند. ۷۰٪ از دانشجویان نحوه نظارت مربیان را نامنظم بیان نموده‌اند. در مورد رفتار پرسنل مراکز درمانی از نظر ارتباط، ۴۱/۴٪ از دانشجویان آن را نامطلوب و غیرصمیمی ذکر کرده‌اند.

نتیجه‌گیری: بین آنچه که دانشجوی پرستاری در کلاس درس می‌آموزد و باید در بالین بکارگیرد و آنچه که پرستاران بخش از او انتظار دارند، تفاوت زیادی وجود دارد و این امر اعتماد به نفس دانشجو را کاهش می‌دهد. در بخش‌های بالینی موجب نارضایتی دانشجویان از ارتباط پرسنل با آنها می‌شود. آمادگی محیط، فراهم بودن امکانات شرط لازم جهت آموزش بالینی می‌باشد. مسئولین و برنامه‌ریزان آموزش پرستاری باید در برنامه‌ریزی‌های بالینی دانشجویان، با تقسیم کار و دادن شرح وظیفه به دانشجویان پرستاری در مقاطع مختلف در کار بالینی سعی نماید که پرستاران آینده را با ایفای نقشهای واقعی خود و بکارگیری مهارتهای کسب شده در تمام حیطه‌ها در بالین بیمار اصول صحیح مراقبت از بیمار را بیاموزند و از طرفی سبب ارتقاء این رشته گردند

۲۶۸. بررسی و مقایسه نظر دانشجویان و اساتید پرستاری دانشگاه علوم پزشکی مازندران در مورد عدم وجود هماهنگی بین آموخته‌های حین تحصیل و کاربرد آن در محیط واقعی کار

طاهره یعقوبی ، رقیه نظری

آدرس: ساری، دانشکده پرستاری ومامایی نسیبه

زمینه و هدف: آموزش یعنی فراهم ساختن موجباتی که فراگیران بتوانند به کسب اطلاعات و معلومات مورد نظر بپردازند و همچنین مهارتها و عادتهایی بدست آورند که هم موجب تسلط آنان در یک رشته از دانش‌ها، فنون و هنرها شود. در زمینه آموزش پرستاری وجود عدم هماهنگی بین آموخته‌های حین تحصیل و کاربرد آن در محیط واقعی کار از مسائل مورد بحث و عامل عمده نگرانیهاست.

روش و ابزار: این مطالعه یک مطالعه توصیفی- مقایسه‌ای است که به منظور تعیین و مقایسه نظرات اساتید و دانشجویان پرستاری درباره عدم وجود هماهنگی بین آموخته‌های حین تحصیل و کاربرد آن در محیط واقعی کار بعمل آمده است. با توجه به محدود بودن جامعه پژوهش همه افراد واجد شرایط جامعه به عنوان نمونه انتخاب شده از روش سرشماری برای دستیابی به نتایج قابل قبول استفاده گردیده است. ابزار گرد آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه‌ای ساخته پژوهشگران است که با استناد به منابع و توجه به اهداف پژوهش تنظیم گردیده است. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده و رسیدن به اهداف پژوهش پس از امتیاز لیکرت از آزمون همبستگی کندال استفاده شد.

نتایج: نتایج نشان داد که دانشجویان دروس و کاربرد آنها در محیط واقعی کار را کمتر از حد بیان کردند. اساتید پرستاری ضرورت دروس را بیشتر و کاربرد آنها را کمتر از دانشجویان پرستاری اعلام نموده‌اند که این تفاوت از نظر آماری معنی دار بوده است ($P < ۰،۰۰۱$) میزان هماهنگی محیط آموزش با وظایف پرستاری کم اعلام شده است.

نتیجه گیری: بایستی در حجم واحدهای درسی پایه و بالینی بر اساس اولویتهای جهانی، منطقه‌ای و با تاکید بیشتر بر جامعه کشورمان تجدید نظر صورت گیرد. به طوری که بیشتر بر بیماریهای شایع تاکید گردد.

۲۶۹. بررسی کیفیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری کارورز و کارآموز پرستاری

طاهره یعقوبی، فاطمه سالمه، فرحناز گل‌محمدی محبوبه یعقوبیان، فرخنده وزیری

آدرس: ساری، دانشکده پرستاری و مامایی نسیبه

زمینه و هدف: پرستاران بعنوان بخشی از منابع انسانی نظام سلامت، در ارتقای سلامت افراد جامعه نقش مهمی را ایفاء می‌کنند. یکی از راههای ارائه خدمات سلامت مطلوب تربیت پرستاران آزموده و شایسته است، جهت دستیابی به این هدف باید آموزش بالینی در پرستاری توجه شود آموزش بالینی از مقاطع حساس و مهم برنامه‌ریزی، برنامه‌های آموزشی است که طی آن توانمندیهای حرفه‌ای دانشجویان پایه‌ریزی می‌گردد. هدف کلی آموزش بالینی، افزایش مهارتها و توانمندیهای کارآموزان در ارائه مراقبتهای جامع، موثر،

اثربخش و کارا به مددجویان می‌باشد در آموزش بالینی مهارتها شکل می‌گیرد و باعث افزایش قدرت تصمیم‌گیری و قضاوت و احساس مسئولیت و توان تطابق فرد با محیط می‌شود و دانشجو می‌تواند خود را برای فردایی آماده کند که باید بطور مستقل و گاه به تنهایی مسئولیت مراقبت و درمان از بیماران را برعهده گیرد.

روش و ابزار: این پژوهش توصیفی با هدف تعیین کیفیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان کارآموز و کارورز پرستاری انجام گرفت. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه مشتمل بر ٤ قسمت بود. قسمت اول مشخصات فردی، قسمت دوم تسلط علمی اساتید، قسمت سوم مدیریت آموزش مربیان، قسمت چهارم حیطه ارتباط و مشاوره اساتید در نظر گرفته شده جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی استفاده شد.

نتایج: نتایج مطالعه نشان داد که دیدگاههای دانشجویان کارآموز و کارورز پرستاری نسبت به کیفیت آموزش بالینی مشابه می‌باشد. اکثریت دانشجویان کارورز ۳۹/۲۸٪ تسلط علمی اساتید را متوسط ارزیابی نموده‌اند. نگرش اکثریت دانشجویان کارورز ۳۵٪) نسبت به محیط آموزشی از لحاظ تعداد بیماران متوسط بود. نگرش دانشجویان (۳۷٪) نسبت به ارتباط پرسنل ضعیف بود.

نتیجه‌گیری: ایفای نقش بالینی دانشجویان نسبت به فعالیتهای آموزشی دانشکده‌ها ضعیف می‌باشد و این یک معضل بزرگ دانشگاهی است ارتقاء کیفیت آموزش بالینی مستلزم ارزیابی مستمر کیفیت آموزش بالینی می‌باشد لازم است مداخله‌هایی در جهت بازنگری و اصلاح دوره کارآموزی در عرصه اندیشیده شود تا آموزشهای لازم برای ایجاد مهارتهای مختلف بالینی در دانشجویان پرستاری موثر واقع شود.

فصل ۹

سایر موضوعات

۲۷۰. بررسی و مقایسه میزان آگاهی و نگرش پزشکان متخصص اطفال نسبت به مسائل رایج طب اطفال در تهران

دکتر رامین آهنگ، دکتر مریم غانم نیا، دکتر فریبا شیروانی

آدرس: تبریز ،مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: با توجه به اهمیت آگاهی ونگرش پزشکان نسبت به مسایل رایج طب در تأمین سلامت جامعه ونظر به اینکه تحقیقات انجام شده بیانگر کیفیت نزولی آگاهی می باشد، این مطالعه با هدف تعیین نقاط ضعف و قدرت بخشی از جامعه پزشکی که با طب اطفال سرو کار دارند و مقایسه تفاوتهای موجود بین پزشکان طرح ریزی شده است.

روش و ابزار: در این مطالعه توصیفی ۱۲۱ پزشک متخصص اطفال شاغل در مطب در شهر تهران به طور سیستماتیک انتخاب شدند متغییرها شامل وضعیت تخصصی، سن، جنس، تأهل، سابقه طبابت، سابقه شرکت در دوره‌های بازآموزی داخل و خارج کشور و سابقه فعالیت آموزشی و مدت زمان فراغت از تحصیل و محل فراغت از تحصیل بود. میزان آگاهی بر اساس پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۳۰ سوال ٤ گزینه‌ای از رایج‌ترین مسائل طب اطفال و میزان نگرش براساس یک طیف ٤ گزینه‌ای با ارائه ۱۰ گویه بررسی گردید. پایانی و روایی پرسشنامه نیز بوسیله یک مطالعه pilot تأئید گردید.

نتایج: از میان ۱۲۱ نفر، ۱۱۸ نفر به پرسشنامه پاسخ دادند. میانگین سنی ۲/۱ ± ٤٦ سال و ۸٦ نفر (۷۲/۹٪) مرد و ۳۲ نفر (۲۷/۱٪) زن بودند. ۱۰۳ نفر (۸۷/۳٪) متأهل و ۱۵ نفر (۱۲/۷٪) مجرد بودند. متوسط سابقه طبابت ۲/۳ ± ۱۵/٦ سال و سابقه شرکت در بازآموزیهای داخلی در ۱۰۰ نفر (۸٤/۷٪) و سابقه شرکت در بازآموزیهای خارجی در۱۷ نفر (۱٤/٤٪) وجود داشت. نتیجه بررسی نشان داد که در ۹۰/٤٪ میزان آگاهی مناسب بوده ولی با توجه به برآورد ۱۸/۵ امتیاز، در حد قابل قبولی نمی‌باشد. ٦۵/۲٪ نیز نگرش مناسب داشته‌اند ولی بین آگاهی ونگرش همبستگی قابل قبولی وجود نداشت. بین میزان آگاهی و نگرش با وجود سالهای فعالیت آموزشی، شرکت در بازآموزیهای خارج کشور و شرکت در بازآموزیهای داخل کشور ارتباط معنی داری یافت نشد. با افزایش ساعات کار روزانه میزان نگرش به طور معنی داری افزایش یافته بود اما با افزایش سالهای تجربه طبابت هیچ تغییری در میزان آگاهی و نگرش دیده نشد شرکت در جلسات بازآموزی داخلی نیز در میزان نگرش اثر معکوس داشت.

نتیجه‌گیری: وضعیت آگاهی و نگرش پزشکان متخصص اطفال مطلوب نمی‌باشد و عدم همبستگی این دو نشان از این دارد که پزشکان از دانسته‌های خود جهت طبابت استفاده مؤثری نمی‌کنند. تأثیر فعالیت آموزشی و شرکت در دوره‌های بازآموزی در بهبود آگاهی و نگرش نگران کننده است و لزوم برنامه‌ریزی و تغییر در سیستم آموزشی پزشکان بر اساس مطالعات کنترل شده آماری را می‌رساند.

۲۷۱. بررسی عوامل تأثیرگذار بر انتخاب رشته دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان از دیدگاه خودشان

دکتر راز خطیبی، دکتر کامبیز یزدانپناه، مهندس احمد وهابی، دکتر بهزاد قاسمی، مهندس محمدباقر خادم عرفان

آدرس: سنندج، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: انتخاب رشته یکی از فاکتورهای مهم در ادامه تحصیل دانشجویان می باشد لذا این تحقیق به منظور بررسی عوامل تأثیر گذار بر انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان طراحی گردیده است.

روش و ابزار: از میان ۱۲۹۷ نفر دانشجو ۳۸٦ نفر به روش تصادفی سیستماتیک انتخاب گردید، روش جمع آوری اطلاعات یک پرسشنامه شامل ۲۳ سئوال بود که ٤ سئوال آن، سئوالات دموگرافیک و ۱۹ سئوال آن سئوالات اصلی تحقیق بودند.۳٦۹ نفر از دانشجویان پرسشنامه را عودت دادند و اطلاعات بدست آمده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: از مجموع ۳٦۹ نفر دانشجوی مورد مطالعه، ۲۱٦ نفر (۵۸/۵٪) مونث و ۱۵۳ نفر (٤۱/۵٪) مذکر بودند. رشته پزشکی با ۸۱ نفر (۲۲٪)، رشته پرستاری با ۷۷ نفر (۲۰/۹٪)، رشته بهداشت محیط با ٤٦ نفر (۱۲/۵٪) و رشته علوم آزمایشگاهی با ٤٦ نفر (۲۲/۵٪) بیشترین تعداد نمونه ها را به خود اختصاص داده بودند. انتخاب دانشجویان به تفکیک رشته و جنس متناسب با جمعیت دانشجویان در دانشگاه در نیمسال دوم ۸٤ – ۸۳

بوده است. ۱٦۸ نفر (٤٥/٥٪) از دانشجویان اظهار کرده بودند که در زمان انتخاب رشته راجع به رشته های انتخابی خود شناخت کمی داشتند. (۳۱/۷٪) ۱۱۷ نفر میزان شناخت خود را زیاد و (۲۲/۸٪) ۸٤ نفر اظهار نموده بودند که در زمان انتخاب رشته راجع به رشته های انتخابی خود شناخت نداشتند. علاقمندی در میان دختران بیش از پسران در انتخاب رشته نقش داشته است (٤۰/۷٪ در برابر ۲۲٪). اکثر دانشجویان (۷٦/٤٪) درجات مختلفی از تأثیر پذیری از دیگران را در انتخاب رشته خود ذکر کرده بودند.۱۰۲ نفر (۲۷/٦٪) صرفاً به خاطر ورود به دانشگاه انتخاب رشته کرده بودند و نصف دانشجویان مورد مطالعه اظهار کرده بودند که در صورت انتخاب رشته مجدد رشته فعلی خود را انتخاب نمی نمودند. ٤۲نفر(۵۱/۹٪) از دانشجویان پزشکی اظهار داشته بودند که به مقدار زیادی از رشته تحصیلی خود راضی هستند، (۳۰/۷٪) ۳۰ از آنان رضایت کمی از رشته تحصیلی خود داشتند و (۱۱/۱٪)۹ از آنان از رشته تحصیلی خود ناراضی بودند.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشاندهنده این است که بیشتر دانشجویان در زمان انتخاب رشته راجع به رشته های انتخابی خود شناخت ندارند و این مسئله لزوم اطلاع رسانی کافی به دانش آموزان را ایجاب مینماید.

۲۷۲. بررسی عوامل استرس زا در دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی یاسوج در نیمسال اول سال تحصیلی ۸٤-۸۳

دکتر شیر علی خرامین، حمیدرضا غفاریان

آدرس: کهگیلویه و بویر احمد، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: استرس عبارت است از فشار زیاد و اضافی که به یکی از انساج بین وارد می شود و آنرا مجبور به عکس العمل مخصوص می سازد و یا به عبارتی دیگر عبارت است از پاسخ فیزیولوژی، روانی و رفتاری یک شخص در وفق یافتن، تعدیل دادن فشارهای خارجی و داخلی. و به طور کلی مشکلات لاینحل روزمره را هدف این مطالعه شناخت عوامل فشار روحی و استرس زا در دانشجویان دختر و ارائه آن به مسئولان ذی ربط در جهت کاهش یا حذف این عوامل تا حد ممکن است.

روش و ابزار: این مطالعه توصیفی و تحلیلی که به صورت مقطعی در آذر ماه سال ۱۳۸۳ در خوابگاه دانشجویان دختر گلستان متعلق به دانشگاه علوم پزشکی استان کهگیلویه و بویراحمد انجام شد، اطلاعات دموگرافیک و عوامل استرس زای دانشجویان بر اساس پرسشنامه هایی که بهمین منظور تهیه شده بود جمع آوری گردیدپرسشنامه شامل دو بخش بود. بخش اول اطلاعات عمومی و بخش دوم از عوامل استرس زا، پرسشنامه ها فاقد هر گونه مشخصات شناسائی افراد شرکت کننده در طرح بود.نمونه گیری به روش نمونه در دسترس مبتنی بر هدف بود و کلیه دانشجویان مقیم در خوابگاه در طرح شرکت داده شدند. در کل تعداد ۱۲۰ پرسشنامه تکمیل گردید، اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از رایانه و نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: ۱٦/٦٪ از شرکت کنندگان در ردهٔ سنی ۲۰-۱۸ سال،٤۰ ٪ در ردهٔ سنی ۲۲-۲۰ سال ـ۲٦/٦٪ در ردهٔ سنی ۲٤-۲۲ و ٦/٦٪ در ردهٔ سنی ۲٦-۲٤ سال قرار داشتند مقطع تحصیلی در۳۳/۳٪ موراد کاردانی و٦۳/۳٪ کارشناسی بود. از این تعداد دانشجویان ٦۷٪ رشته پرستاری و۲۰٪ پیراپزشکی و۱۳٪ دانشجویان بهداشت بودند.از بین عوامل استرس زا کمبود امکانات دانشگاه و جمعیت بالای اتاقها هر کدام با ۷٦/٦٪ بیشترین درصد را به خود اختصاص داده بود. مواردی نظیر تفاوت های فرهنگی۷۳/۳ ٪ و حجم بالای درسها ۷۰ ٪ در ردهٔ دوم قرار گرفت.٥٦٪ از دانشجویان به خاطر دوری از خانواده دچار استرس بالایی بودند. عوامل شخصی نظیر وضعیت روحی و عاطفی با٥٦/٦٪، عدم رضایت از رشتهٔ تحصیلی با ۵۳/۳٪ و نمرات کمتر از حد تصور۵۰٪ نیز باعث استرس زیادی در دانشجویان می شد. برخورد اجتماعی مردم۳/٦۳٪ و وضعیت بد بهداشتی با۵۰٪ سایر آمارها را بخود اختصاص داده‌اند

نتیجه گیری: عواملی که بیش از بقیه می تواند باعث ایجاد استرس در حالت بالا در دانشجویان شود عبارتند از: عوامل مربوط به دانشگاه و کمبود امکانات، بهداشت خوابگاه، عوامل مربوط به تحصیل نظیر حجم بالای درسها، عدم رضایت از

رشته تحصیلی ـ گنجایش کم خوابگاه، نمرات کمتر از حد تصور وضعیت روحی و عاطفی خود شخص، دوری از خانواده، ترس از آینده، برخوردهای اجتماعی مردم و تفاوت های فرهنگی محیط با دانشجو سایر فاکتورهای استرس زاد را تشکیل می دهند.

۲۷۳. بررسی سبک های یادگیری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال تحصیلی ۸۴-۸۳

علی پورصفر، مینو نعمتی، ابراهیم زعیمی
صدیقه فلاح بوساری، دکتر آبتین حیدرزاده

آدرس: گیلان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: یادگیری موثر دانشجویان آرمان هر نظام آموزشی دانشگاهی است.یکی از عوامل موثر بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانشجویان تطابق بین سبکهای یادگیری و رشته تحصیلی یا محتوای آموزشی آنهاست.این مطالعه به منظورتعیین سبک های یادگیری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان بر اساس نظریه یادگیری تجربی David Kolb انجام شده است.

روش و ابزار: مطالعه مقطعی حاضر بر روی نمونه ای از دانشجویان مشغول به تحصیل در رشته های پزشکی، دندانپزشکی و پرستاری که به روش طبقه بندی شده و خوشه ای انتخاب شدند، انجام شد.ابزار سنجش، پرسشنامه خودایفا مشتمل بر دو بخش متغیر های دموگرافیک و ۱۲ سوال استاندارد سنجش سبک های یادگیری بوده است.داده های جمع آوری شده توسط نرم افزار SPSS۱۰ با استفاده از آزمون های آماری کای مربع و آنالیزواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: تعداد ۳۷۸ دانشجوبه پرسشنامه ها پاسخ دادند که ٦٦/۷ در صد مونث بودند. رشته های تحصیلی شامل پزشکی (۳۹/۷٪) دندانپزشکی (۲۵/٤٪) و پرستاری(۳٤/۹٪) بود.به طور کلی سبک های یادگیری دانشجویان شامل واگرا (۷/۹٪)، همگرا (۵۷/۱٪)، جذب کننده (۲۹/٦٪) و انطباق یابنده (۵/۳٪) بود.بیشترین سبک مورد استفاده در کلیه رشته ها سبک همگرا و کمترین سبک مورد استفاده در رشته های پزشکی و دندانپزشکی انطباق یابنده و در پرستاری واگرا بوده است.تفاوت معنی دارآماری بین سبک های یادگیری دانشجویان رشته های مختلف مشاهده شد(P=۰،۰۳٦).

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشانگر این است که در رشته های مختلف لازم است از روش های متفاوت و متنوع تدریس استفاده گردد تا دانشجویان امکان یادگیری مناسب و موثر را بدست آورند.

۲۷٤. بررسی میزان ثبت اطلاعات پزشکی توسط گروههای آموزشی بالینی در پرونده بیماران بستری در بیمارستان های شهر کاشان سال ۱۳۸۲

فخرالسادات میرحسینی، فاطمه رنگرز جدی، رضا رضایی
محمدرضا رضایی مفرد

آدرس: کاشان، دانشگاه علوم پزشکی ، دانشکده پیرا پزشکی

زمینه و هدف: در فرآیند آموزش بالینی، اطلاعات مستند در پرونده بیمار یکی از مهمترین مراجع در بیمارستانهای آموزشی می باشد و علاوه بر ایفاء نقش اساسی در تشخیص و درمان، کیفیت آموزش پزشکی را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. با توجه به اهمیت موضوع و عدم وجود اطلاعات کافی در زمینه میزان ثبت اطلاعات در پرونده های پزشکی بیماران بستری مطالعه حاضر وضعیت گروههای آموزشی بالینی را در بیمارستانهای شهر کاشان بررسی نمود.

روش و ابزار: این مطالعه بوسیله داده های موجود در ۷۵۸ پرونده بیمار بستری در بیمارستانهای کاشان (۱۳۸۲) که بصورت تصادفی انتخاب شده بودند انجام گرفت. اطلاعات از برگه های خلاصه پرونده، شرح حال، سیر بیماری، دستورات پزشک و گزارش پرستار بوسیله چک لیست جمع آوری گردید. گروههای آموزشی نیز گروههای مصوب دانشگاه بودند.

نتایج: مطالعه نشان داد گروه اطفال بیشترین (۸۵/۹ درصد) و روانپزشکی کمترین (۷۰/۸ درصد) میزان ثبت اطلاعات را داشتند. اختلاف آماری معنی دار نبود. بین گروههای آموزشی دارای دستیار و بدون دستیار نیز در این خصوص اختلاف آماری معنی دار مشاهده نگردید. برگه دستورات پزشک بیشترین میزان ثبت (۹٤/۲ درصد) و شرح حال کمترین (۵۲/۲ درصد) را دارا بود (P <۰/۰۵)، همچنین در جامعه مورد

مطالعه پرستاران بیش از پزشکان اطلاعات برگه های مربوطه راتکمیل نموده بودند (۹۸/۹ و ۷۶/۶ درصد به ترتیب P <۰/۰۰۱).

نتیجه گیری: به نظر می رسد ثبت اطلاعات در پرونده بیماران بستری توسط گروههای آموزشی این دانشگاه کافی نمی باشد به خصوص در برگه شرح حال و باتوجه به اهمیت این برگه در تشخیص و شروع اقدامات درمانی، بایستی تأکید بیشتری درتکمیل آن بعمل آید. ثبت بیشتر اطلاعات توسط پرستاران را می توان به آموزشهای برنامه ریزی شده دانشگاهی آنها نسبت داد. پیشنهاد می گردد با توجه به اهمیت اوراق پرونده در فرآیند آموزش و.... این آموزشها در مورد پزشکان نیز انجام گیرد.

۲۷۵. بررسی شیوع و عوامل موثر بر سندرم دانشجوی پزشکی در دانشکده پزشکی تبریز

دکتر مهستی علیزاده، دکتر قریشی، دکتر علی عدیلی

آدرس: تبریز، ، دانشکده پزشکی، گروه پزشکی اجتماعی

زمینه و هدف: سندرم دانشجوی پزشکی مجموعه علایمی است که دانشجو بدنبال مطالعه یک بیماری، علائم آن را در خود احساس کرده به غلط خود را مبتلا به آن بیماری می داند و به پزشک مراجعه یا اقدامات پاراکلینیک انجام می دهد. این روند بر درس و کارو یادگیری دانشجو تاثیرگذار است.هدف ازانجام این مطالعه تعیین شیوع و عوامل موثراین سندرم در مقاطع مختلف تحصیلی رشته پزشکی و مشخص کردن بخش هایی است که وقوع در آنها بیشتر است. تا بتوان با برگزاری جلسات توجیهی و مشاوره در مقاطع مختلف از بروز و عوارض این سندرم کاست.

روش و ابزار: در مطالعه ای مقطعی تعداد ۱۶۳ دانشجوی پزشکی از مقاطع فیزیوپاتولوژی، کارآموزی و کارورزی بطور تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه ای خود ایفا توسط آنها تکمیل گردید. پایایی پرسشنامه د رمطالعه پایلوت تعیین گردید و روایی آن نیز با نظر متخصصین تایید شد. فرضیات با تست کای دو آزمون شدند.

نتایج: ۷۹ درصد دانشجویان پزشکی در سه مقطع مذکور اظهار داشتند که دچار سندرم مذکور شده اند که از میان آنها ٤٦٪ مذکرو ٥٤٪ مونث بودند. ۷۳٪ از افراد دارای این سندرم به دلیل علائم احساس شده به پزشک مراجعه و ٤٥٪ انواع اقدامات پاراکلینیکی را انجام داده بودند. بیشترین شیوع سندرم در دانشجویان دوره فیزیوپات (۵۱/۶٪) بود و بعد از آن کارآموزی (۳۹/۸٪) و سپس اینترنی (۶/۳٪) بود (P=۰/۰۰۵). بیشترین اختلال در کارکرد به دلیل علائم بیماری در دوره اینترنی بود. بیشترین علائم مربوط به بخش های قلب خون و روانپزشکی بود.

نتیجه گیری: سندرم دانشجوی پزشکی بطور شایعی در بین دانشجویان پزشکی دیده می شود که بیشترین شیوع آن در دوره فیزیوپاتولوژی می باشد. با توجه به مراجعات کلینیکی و پاراکلینیکی و نگرانی های فردی و خانوادگی دانشجویان و تاثیر بر عملکرد درسی و کاری آنها طراحی و برگزاری دوره های توجیهی و جلسات مشاوره در این خصوص ضروری است.

۲۷۶. بررسی میزان فراوانی و مقایسه اضطراب امتحان در دانشجویان رشته پزشکی و غیر پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سال ۱۳۷۹

عبداله امیدی، دکتر فاطمه عصاریان
مهندس غلامعباس موسوی، مریم صبوری کاشانی

آدرس: کاشان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: اضطراب امتحان پدیده نسبتاً شایعی است که طیف وسیعی از فراگیران را از دبستان تا دانشگاه فرا میگیرد به گونه ای که در منابع مختلف نرخی حدود ۱۳-۱۰ درصد گزارش شده است. این مشکل عبارتست از نوعی اشتغال به خود که به شکل خود گاهی، خود تردیدی و خود کوچک شماری مشخص می شود. که این فعالیتهای شناختی به نوبه خود بر رفتار آشکار و واکنس های فیزیولوژیک فرد اثر می گذارند، به شکلی که توجه فرد را مشغول کرده و عملکرد وی را از طریق کاهش توجه به تداخل در رمز گردانی و انتقال اطلاعات، مختل می سازد. نظر به اینکه اضطراب امتحان می تواند یکی از عوامل موثر بر افت تحصیلی باشد مطالعه ای با هدف تعیین میزان آن در دانشگاه یاد شده به عمل آمد.

روش و ابزار: روش مطالعه توصیفی – تحلیلی بوده، و تعداد ۱۵۰ نفر از دانشجویان به روش سهمیه ای انتخاب شده وسپس مقیاس اضطراب امتحان موسکین گام تحلیل آیتم

بررسی واعتبار و پایایی آن به روش دو نیمه سازی وباز آزمایی انجام شده بود.در مرحله غربالگری انجام شده وسپس مصاحبه بالینی در مرحله تشخیص گذاری بعمل آمد.

نتایج: نتایج نشان دادند که ۲۰ نفر (۱۳/۳درصد) از دانشجویان از این اختلال رنج می برند، تفاوت معنی داری در رشته های مختلف (P <۱٪) در میزان اختلال مشاهده نشده و همچنین بین سن، جنس، وضعیت تا هل، پیشرفت تحصیلی و رتبه تولد بدست آمد.

نتیجه گیری: میزان اضطراب امتحان (۱۶/۸ درصد در دختران و ۱۸/۹ درصد در پسران) درخور توجه است، افت تحصیلی، اضطراب فراگیر، افسردگی، و روابط بین فردی ضعیف معمولا از مشکلات همراه است، که باید مورد توجه بالینی قرار گیرند.

۲۷۷. بررسی میزان تکمیل مدارک پزشکی در بیمارستانهای آموزش وابسته به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند

سید حسن کرباسی، مسعود ضیایی

آدرس: بیرجند، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی

زمینه و هدف: مدارک پزشکی بیماران در امرآموزش، پژوهش و ارزیابی مراقبت های پزشکی نقش غیر قابل انکاری دارد و در هنگام اختلاف و شکایت بیمار از مراجعه قضایی به عنوان سند قابل اعتماد از وقایع گذشته به شمار می رود. این مطالعه به منظور تعین میزان تکمیل مدارک پزشکی در بیمارستان های آموزشی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند انجام شده است

روش و ابزار: در این مطالعه توصیفی- تحلیلی، ۵۷۲ پرونده بیماران ترخیص شده از بخشهای عمومی بیمارستان مورد مطالعه در سال ۱۳۸۲،که بیش از ۲٤ ساعت بستری بودند به روش نمونه گیری تصادفی منظم انتخاب گردیده و ۱۸ برگ استاندارد موجود در پرونده ها با استفاده از چک لیست مورد ارزیابی قرار گرفت. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS، جداول توزیع فراوانی و t مستقل مورد تجزیه تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج : مؤلفه های موجود در برگه های پرونده در دامنه ۱۰۰-۰٪ تکمیل گردیده بود و در مجموع برگ نوزادان و مراقبت های پرستاری با امتیاز ۹٦٪ کاملترین، برگه های ریکاوری، مراقبت های قبل از زایمان، زایمان، شرح حال، خلاصه پرونده و سیر بیماری با امتیاز ۵۰٪ تا ۷٤٪ در حد متوسط و برگه های علایم حیاتی، مراقبت های قبل از عمل، و گزارش عمل جراحی در حد ضعیف ارزیابی گردید. در بین برگه های موجود درتمام پرونده ها، بالاترین امتیاز (۰٦۸٪) مربوط به بخش عفونی و کمترین امتیاز (۳۵/۸٪) مربوط به بخش چشم بود.تفاوت معنی داری در دو بیمارستان و بخش های مختلف بدست آمد.

نتیجه گیری: نتایج حاصل ازاین مطالعه، لزوم آموزش نحوه نوشتن پرونده، گرفتن شرح حال، دستور نویسی پزشکی و نیز نظارت دقیق از سوی مسئولین را مطرح می کند.

۲۷۸. بررسی رابطه بین میزان تسلط به زبان انگلیسی و کامپیوتر با موفقیت تحصیلی دانشجویان پزشکی

دکتر عبدالعلی ابراهیمی، دکتر کاوس جمالی، ژیلا فریدونی رقیه قدسی، بیتا سادات زگردی

آدرس: فسا، دانشکده پزشکی

زمینه و هدف: با توجه به پیشرفت علم و تکنولوژی و فن آوری اطلاعات، تسلط به زبان انگلیسی و کامپیوتر از ابزار مهم فراگیری به روز دانش می باشد. بدیهی است استفاده دانشجویان پزشکی از متـــون انگلیسی و فن آوری اطلاعات در جهت کسب دانش، رو ز آمد کردن آنها و تداوم کسب علم آنان موثر خواهد بود. لذا بر آن شدیم تا میزان ارتباط تسلط به زبان انگلیسی و کامپیوتر را با میزان موفقیت دانشجویان ارزیابی نمائیم.

روش و ابزار: نمرات زبان کنکور دانشجویان سه دوره پزشکی و نمرات واحدهای درسی زبان دوره علوم پایه استخراج و میزان تسلط به کامپیوتر نیز از طریق پرسشنامه تدوین شده کـــه توسط دانشجویان پاسخ داده شد، ارزیابی گردید. سپس جهت ارزیابی موفقیت تحصیلی دانشجویان پزشکی معدل سالانه آنها استخراج و ارتباط بین نمرات زبان و کامپیوتر با معدل آنها بررسی گردید. نتایج حاصله با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج: بین نمرات زبان انگلیسی و معدل کل دانشجویان مورد مطالعه همبستگی مثبت و بالایی وجود داشت. (R= ۰،۷٤) بین

نمرات کامپیوتر و معدل کل دانشجویان مورد مطالعه همبستگی منفی وجود داشت. (R=-۰،۰۳). بین نمرات کامپیوتر و زبان دانشجویان همبستگی مثبت و پایینی مشاهده گردید (R=۰. ۰۶).

نتیجه گیری: وجود همبستگی مثبت و بالا بین نمرات زبان انگلیسی و معدل کل دانشجو می تواند بیانگر استفاده از این توانایی در یادگیری دروس تخصصی باشد و طبعا" استفاده از زبان انگلیسی جهت موفقیت تحصیلی و روزآمد کردن دانش پزشکی ضرورت دارد. با توجه به همبستگی پایین و منفی نمرات کامپیوتر و معدل کل دانشجویان به نظر می رسد دانشجویان از کامپیوتر عمدتا" در امور غیر درسی استفاده می نمایند و یا اینکه تسلط به کامپیوتر و استفاده های غیر درسی زمان مطالعه درسی آنها را محدود نموده و در موفقیت تحصیلی آنها اثر منفی داشته است. نهایتا" اینکه در راستای استفاده بهینه ازکامپیوتر توسط دانشجویان بررسی برنامه ریزی دقیق و فرهنگ سازی ضرورت دارد.

۲۷۹. آیا محیطهای آموزش عملی دانشجویان پزشکی با نوع وظایفشان در آینده هماهنگ است؟

رقیه نظری

آدرس: بابل، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: آموزش پزشکی، رسالت تعلیم و تربیت پزشکان متعهد و متخصص،جهت پاسداری از نعمت خدادادی سلامت انسانهای جامعه را بر دوش می کشد. شکست در فعالیتهای آموزشی این افراد مسئله افت تحصیلی یا مردودی یک دانشجو نیست! بلکه بیمار دردمند و نیازمند است. شواهد حاکی از آن است که آموزش بالینی مورد استفاده برای تربیت یک پزشک با تجربه او متفاوت است. علت آن است که در آموزش آنها آمده است "آنچه من می کنم نکن، بلکه آنچه من می گویم بکن." و اینگونه است که آنها نیز آنگونه که یاد گرفته اند عمل نمیکنند زیرا در عمل آنرا با شرایط کار واقعی خود هماهنگ نمی بینند. لذا برای پاسخ به این سوال که" ایا دانشجویان پزشکی برای انجام همان وظایفی که بر عهده خواهند داشت، تربیت می شوند؟" پژوهشگر به بررسی هماهنگی محیط و نحوه آموزش عملی دانشجویان پزشکی با وظایفشان در آینده پرداخت.

روش و ابزار: مطالعه به صورت توصیفی تحلیلی بوده و جمع آوری دیدگاه ۹۰ نفراز اعضائ هیئت علمی و دانشجویان کارورز (اینترن) دانشگاه علوم پزشکی مازندران،بوسیله پرسشنامه ای دوقسمتی انجام گرفت.بخش اول شامل مشخصات فردی و بخش دوم حاوی دو سوال اصلی در رابطه با میزان هماهنگی محیطهای آموزش بالینی و نحوه آموزش بالینی بامحیط کار واقعی و نوع وظایف یک پزشک در آینده،بود.

نتایج: یافته ها حاکی از آنست که اعضائ هیئت علمی و نیز دانشجویان پزشکی مازندران عقیده دارند:هماهنگی کمی بین آموزشهای عملی و نوع وظیفه شان در آیند وجود دارد(به ترتیب ۱/۶۷و۱/۸۵ در مقیاس ۵ درجه ای لیکرت). همچنین از نظر آنها اکثر محیطهای آموزش عملی با محیط واقعی کار پزشک هماهنگی مطلوب را ندارد. ازاین میان درمانگاهها و محیط کارورزی (اینترنی) از بیشترین هماهنگی برخوردار بوده است.(به ترتیب ۳/۱ و۳ در مقیاس ۵ درجه ای لیکرت)

نتیجه گیری: آموزش پزشکی در حیطه روان-حرکتی با نقصهای فراوانی روبروست و به جرات می توان گفت که سطح یادگیری در این حیطه تنها در حد بکارگیری مهارتها، آنهم اکثرا بدون داشتن نگرش و انگیزش کافی و با معلومات پراکنده در حیطه شناختی می باشد در حالیکه هدف عمده از آموزشهای عملی،تبحر در دانشجو است و اینکه او قادر باشد آنچه را که آموخته است به عمل در آورد. دانشجویانی که آموزشهای بالینی صحیح تجربه نمایند از نظر مهارتهای بالینی و شایستگی های بالینی،حل مشکل و بکارگیری علم در عمل و مهارتهای روان حرکتی در سطح بهتری خواهند بود وسبب می شود در آینده پزشکانی موفقتر باشند زیرا آنها به مهارتی فوق العاده نیاز دارند که بر روی درک علمی،ماهیت بالینی اجتماعی مشکلات و نیز درک تکنولوژی قابل حصول و در حال گسترش تاکید دارد. و اینها همه در برنامه آموزش پزشکی زیر سوال است. پس جهت ارتقاء کیفیت آموزش پزشکی باید ضمن هماهنگ سازی محیطهای آموزش بالینی با شرایط واقعی کار،در نحوه آموزش بالینی نیز ارتقاء صورت گیرد تا سطح بالاتری از اهداف آموزش پزشکی به تحقق بپیوندد.

۲۸۰. فرهنگ کلاسی در دانشگاه علوم پزشکی سمنان از دیدگاه دانشجویان دانشگاه

معصومه صابریان، سعید حاجی آقاجان
پروین غفار، راهب قربانی

آدرس: سمنان ، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: فرهنگ عبارتست از کلیت درهم بافته ای از دانش، اخلاق، قانون، آداب و رسوم و هرگونه عاداتی که در رفتارهای انسان بروز مینماید. بعضی فرهنگها گرم و انسانی بوده، گروهی دیگر سرد، مستبدانه و سخت میباشند. ازآنجا که کلاس درس یک سازمان بوده و دارای فرهنگ خاص خود میباشد و وجود فرهنگ کلاسی مثبت موجب بروز خلاقیت ها، تحکیم تعهد و ارتقاء اخلاقیات، عملکرد کاراتر و یادگیری بیشتر و نبود آن منتج به عدم رضایت و انزجار از کلاس و بروز رفتارهای ناسازگارانه میگردد. از اینرو شناخت ادراکات و احساسات دانشجویان نسبت به فرهنگ و روابط اعضاء کلاس چه برای برنامه ریزی، و چه برای ایجاد تغییرات مثبت، اهمیت دارد و باید مورد بررسی قرار گیرد. این تحقیق با هدف تعیین دیدگاه دانشجویان در مورد فرهنگ کلاسی موجود در دانشگاه علوم پزشکی سمنان انجام گردید.

روش و ابزار: طی یک مطالعه توصیفی ـ تحلیلی ۲۶۹ نفر از دانشجویان سال آخر دانشگاه مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه استاندارد شده فرهنگ کلاسی« استفان رابینز» بود. سئوالات شامل اطلاعات دموگرافیک و ۸ سوال در مورد جنبه های مختلف فرهنگ کلاسی و بصورت «کاملاً موافقم، موافقم، بی نظرم، مخالفم و کاملاً مخالفم» بود. داده ها، با SPSS پردازش و برای داده های کمی از محاسبه میانگین و انحراف معیار استفاده شد. به پاسخها مربوط به فرهنگ کلاسی امتیاز ۵-۱ داده وامتیازات جمع بندی و مورد قضاوت قرار گرفت. برای تعیین ارتباط بین متغیرها، از آزمونهای کای اسکوئر و ضریب همبستگی پیرسون در سطح معنی داری ۵ درصد استفاده گردید.

نتایج: در مجموع اکثر دانشجویان(۶۳/۶٪)، به فرهنگ کلاسی موجود در دانشگاه امتیاز ۲۹-۲۰، ۲۶/۱٪ امتیاز ۳۰ و بالاتر و فقط ۱۰/۲٪ امتیاز کمتر از ۲۰ داده اند. ۵۱٪ دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد وپزشکی عمومی امتیاز ۳۰ و بالاتر و ۴۹٪ امتیاز ۲۹-۲۰، بیشتر دانشجویان مقاطع کاردانی و کارشناسی امتیاز ۲۹-۲۰ را برای فرهنگ کلاسی موجود در دانشگاه داده اند. بیشتر دانشجویان، برخورد همکلاسیها و اساتید را دوستانه و حمایتی ندانسته و بیان داشته اند که اساتید انتظاراتشان را به روشنی بیان نکرده، آنها را به چالش و سئوال کردن و یادگیری تشویق نمی نمایند و از نظر ۴۵/۷٪، نمره درسی آنها انعکاسی از تلاشهایشان نبوده است. ارتباط معنی دار بین نوع فرهنگ کلاسی و دانشکده (P=۰/۰۰۰۰)، و مقطع تحصیلی (P=۰/۰۰۰۰) مشاهده گردید. در سایر موارد ارتباط معنی دار نبود.

نتیجه گیری: از نظر اکثر دانشجویان کارشناسی ارشد و پزشکی عمومی فرهنگ کلاسی دانشگاه،، بان، گرم و حمایتی است، که نشاندهنده رضایت ازرشته تحصیلی، درک وظایف شغلی و ارتباط صمیمانه اساتید با آنان میباشد. یافته ها در مورد سایر رشته ها بیانگر فرهنگ بینابینی میباشد و نشان از رضایت نه چندان زیاد و یا بی تفاوتی دانشجویان و همچنین ارتباط ضعیف اساتید با دانشجویان دارد. تعامل و ارتباط بیشتر اساتید با دانشجویان و بکارگیری روشهای دانشجو – محور پیشنهاد میشود.

۲۸۱. تدوین شرح وظایف پزشک عمومی دربرخورد با بیماران اورژانسی در شبکه های بهداشت و درمان استان اصفهان

دکتر سید محمد امیرشاهکرمی، دکتر ذبیح اله عابدی

آدرس: اصفهان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: اورژانس محلی جهت تصمیم گیری سریع و اجرای به موقع تصمیمات می باشد که لزوم برنامه ریزی دقیق و حساب شده جهت انجام امور و هماهنگی بین افراد را موجب می گردد. اورژانس هایی مانند اورژانس مراکز آموزشی درمانی از آن جهت است که آموزش و یادگیری دانشجویان نیز در آن صورت می گیرد دارای اهمیت ویژه است.نظر به پیشنهاد ریاست دانشگاه علوم پزشکی اصفهان جهت بازنگری در سیستم آموزشی اورژانسها، پروژه ای تحت عنوان پروژه دوره مستقل اورژانس طراحی گردید که دربخشی از آن مسوولیتها و شرح وظایف پزشکان عمومی شاغل در

اورژانسها در برخورد با موارد اورژانسی موردبررسی قرار می گیرد.

روش و ابزار: مطالعه حاضر از انواع مطالعات توصیفی است که به روش Delphi انجام میشود. پس از تدوین حداقلهای آموزشی دوره اورژانس در همین پروژه نتایج بصورت پرسشنامه بین ۳۰ پزشک عمومی در سه cluster اورژانس درسراسر استان اصفهان توزیع گردید نظرات ایشان در قالب وظایف تشخیص، درمان، ارجاع، پیگیری مورد بررسی قرار گرفت پس از جمع آوری پرسشنامه ها نتایج با حضور ۱۰ نفر گروه کارشناسان شامل معاونین بهداشتی ودرمانی مسوول اورژانس شهراصفهان واساتیددانشگاه موردبحث وگفتگو قرار گرفت تانهایتا دستورکارپزشک عمومی اورژانس تهیه گردد.

نتایج: از مجموع ۳۰ پرسشنامه توزیع شده هر ۳۰ پرسشنامه جمع آوری شد=٪۱۰۰ Response rate و frequency پاسخ ها در ٤ حیطه مورد سوال درباره موضوعات اورژانسی استخراج وRanking براساس آن صورت پذیرفت درمرحله دوم گروه کارشناسان cut off point ۷۰٪ را جهت تدوین وظایف در هر حیطه مورد توافق قراردادند.

نتیجه گیری: با توجه به وجود تسهیلات در صورت تکمیل پرسشنامه توسط پزشکان=٪۱۰۰ Response rate بدست آمده جهت محدود نمودن موارد و practical بودن اجرای نتایج cut off point در سطوح بالاتری قرارگرفت واین مقدار برابر ۷۰٪ تعریف شد.البته پس از بحث درباره موارد حذف شده ۱۰ مورد به مطالب موجود در حیطه وظایف اضافه گردید که به علت سطح بالای cut off point می باشد.

۲۸۲. نگرش کارورزان در ارتباط با میزان دستیابی به حداقل های آموزشی در بخش ارتوپدی دانشکده پزشکی اصفهان اسفند ۸۳

دکتر ابوالقاسم زارع زاده، مریم آویژگان

آدرس: اصفهان ، دانشگاه علوم پزشکی ، دانشکده پزشکی

زمینه و هدف: با توجه به اهمیت آموزش در علوم پزشکی جهت دانشجویان این رشته بدون شک ارزشیابی دوره ای برنامه های آموزشی جهت بررسی نقاط قوت وضعف در این رشته نیز مورد توجه خواهد بود. از طرفی هدفهای مطلوب هر رشته تحصیلی با توجه به انتظاراتی که جامعه از دانش آموختگان آن رشته دارد تعیین می گردد و این نتایج ارزشیابی است که روشن می کنددر یک برنامه درسی،میزان دستیابی به اهداف آموزشی تا چه اندازه بوده است، با توجه به مشکلات و موانعی که در بخش ارتوپدی پیش روی اینترن ها بود. پژوهش حاضر با هدف مشخص کردن مشکلات و موانع آموزشی از دیدگاه کارورزان و جهت ارائه بازخوراند به تصمیم گیران سیستم آموزشی و ارتقای کیفیت آموزشی این بخش مطرح گردید.

روش و ابزار: مطالعه از نوع توصیفی ـ مقطعی ودر زمستان ۱۳۸۳انجام گرفت. جامعه پژوهش آن کلیه اینترن هایی می باشند که بخش ارتوپدی را گذرانده اند.ابزار جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه دو قسمتی که قسمت اول نگرش سنج لیکرت در مقیاس پنج تایی (کاملاموافقم =۵ و ... و کاملا مخالفم =۱) و قسمت دوم خود آزمایی که به بررسی میزان دستیابی به حداقل های آموزشی اینترن ها در پایان این دوره پرداخته است می باشد.پایایی آن با ضریب همبستگی α کرونباخ ۰/۸٤ وروایی آن با نظر اساتید وکارشناسان محترم مورد تایید قرار گرفت.تعداد ۱۰۰ پرسشنامه تکمیل گردید پس از جمع آوری اطلاعات و ورود آنها به نرم افزار spss داده ها مورد آنالیز قرار گرفت.

نتایج: میانگین نمره نگرش کارورزان نسبت به طول مدت دوره، آموزش در درمانگاه، آموزش در اورژانس به ترتیب ۲/۸، ۲/۳۱، ۲/۹۱ به دست آمد.میانگین نمره نگرش کارورزان نسبت به آموزش سرراند و بخش رزیدنتها به ترتیب ۲/۲۹ و ۲/۳ به دست آمد.در قسمت خود آزمایی (با نمره حداکثر ۵۰ و حداقل ۱۰و ملاک ۳۰) میانگین نمره خودآزمایی ۳۳/۵ با انحراف معیار ٦/۹۷ به دست آمد.

نتیجه گیری: در رابطه با طول دوره، این تحقیق نشان می دهد که اکثر کارورزان با افزایش طول دوره موافقند ولی با توجه به نتایج ضعیف و نگرش منفی کارورزان نسبت به وضعیت آموزشی بخش ارتوپدی، بازنگری در برنامه آموزشی این بخش، نظارت و همکاری اساتید محترم براجرای برنامه جدید، ایجاد انگیزه در رزیدنتهای محترم در امرمشارکت در آموزش کارورزان وتوجه به بیماریهای شایع وسرپایی ضروری به نظر می رسد.

۲۸۳. بررسی نحوه آموزش بیمار در بیمارستان‌های خصوصی و دولتی شهر تبریز سال ۸۳

فریبا بخشیان، حسین جباری، دکتر رضاقلی وحیدی

آدرس: تبریز، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: تامین و ارتقای سلامت، مهم‌ترین هدف نظام‌های سلامت در دنیا و محور توسعه می‌باشد. برای برآورد هدف فوق، سازمان‌هایی به نام بیمارستان کار ارزیابی سلامت و انجام مداخلات لازم بر روی افراد را انجام می‌دهند و به منظور بهبود سرانجام (outcome) بیماری لازم است که بیمار و خانواده‌اش در مراحل ارزیابی و تصمیم‌گیری مشارکت داشته و مهارت لازم برای مراقبت از خود یا بیمار خود را کسب نمایند. هدف این پژوهش با هدف تعیین وضعیت برنامه‌ریزی و اجرای آموزش به بیمار، آموزش مدیریت درد، روش‌های توانبخشی و بازتوانی و آموزش خانواده بیمار درباره مسئولیت‌هایشان طراحی شده است.

روش و ابزار: تعداد ۱۰ بیمارستان از هر دو بخش دولتی و خصوصی (پنج بیمارستان از هر بخش) را به عنوان نمونه انتخاب و در قالب پروژه‌ای با حمایت مالی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان در چهار حیطه آموزش بیمار، مدیریت درد، روش‌های توانبخشی، آموزش خانواده با پرسشنامه استاندارد کمیسیون ارزیابی بیمارستان‌های آمریکا JCAHO بررسی نمودیم

نتایج: یافته‌ها حاکی است که بیمارستان‌های بخش خصوصی ۲۱٪ و بیمارستان‌های بخش دولتی ۳۵٪ از کل امتیازات را کسب کرده‌اند. بیمارستان‌ها از آموزش بیمار به عنوان یک اصل مهم غفلت می‌نمایند و بیمار آموزش‌های لازم را بر اساس نیازها، توانایی‌ها و سلیقه‌های یادگیری دریافت نمی‌کند. نامطلوب‌ترین قسمت مربوط به انتخاب پروسیجرهای درمانی می‌باشد که در بیمارستان‌ها این امر به ندرت صورت می‌گیرد. آموزش خانواده بیمار، خطرات احتمالی مرتبط، مدیریت درد و فرآیند ارزیابی، نیز از موارد غفلت شده و گاه به کلی فراموش شده در بیمارستان‌ها می‌باشند.

نتیجه گیری: با توجه به اهمیت آموزش بیمار و تأثیر آن در فرآیند درمان و وضعیت غیرقابل قبول آموزش در بیمارستان‌ها لازم است که استانداردهای مرتبط برای مسئولین و پزشکان و پیراپزشکان تشریح و عمل به آنها به صورت نهادینه طراحی و اجرا گردد و وضعیت رقابتی در میان بیمارستان‌های مختلف برقرار گردد.

۲۸٤. بررسی تاثیر آموزش در ارتقاء سطح آگاهی و نگرش ۱۷۰۰۰ دانشجوی پزشکی و غیر پزشکی در مورد روشهای انتقال و پیشگیری از عفونت HIV/AIDS

دکتر احمد رضا جودتی، دکتر غلامرضا نورآبادی
دکتر سوسن حسن زاده سلماسی، دکتر سعید دستگیری
دکتر کامران صداقت

آدرس: تبریز، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی

زمینه و هدف: بیماری ایدز نقص ایمنی سلولی بدن است که توسط ویروسی بنام HIV ایجاد می شوداین ویروس تا کنون حدود ٤٠ میلیون نفر را آلوده نموده است. با مروری بر مطالعات و آمار منتشر شده بر آن شدیم تا میزان سطح آگاهی و نگرش دانشجویان دانشگاه های تبریز و علوم پزشکی تبریز را در مورد روشهای انتقال و پیشگیری بیماری ایدز قبل و بعد از آموزش مورد بررسی قرار دهیم.

روش و ابزار: این بررسی از طریق خودسنجی قبل و بعد از آموزش در بین دانشجویان انجام شد و داده ها جمع آوری گردید.داده های گردآوری شده با نرم افزار SPSS و با استفاده از تکنیک لیکرت برای اندازه گیری دانش و نگرش نسبت به HIV/AIDS و آزمون تفاوت میانگین T وابسته انجام شده است.

نتایج: در نتایج بدست آمده بطور معنی داری میزان آگاهی دانشجویان افزایش یافته بود ($P<0.05$). همچنین سطح نگرش مثبت به مسئله نیز افزایش یافته بود ($P<0.05$).

نتیجه‌گیری: نتیجه کلی از این بررسی حاکی از این است که باید شرایطی فراهم شود تا امکان ارائه آموزشهای مستمر مورد نیاز بوسیله مربیان همسان (peer-education) تعلیم دیده به تمام افراد جامعه مخصوصاً قشر جوان به آسانی وجود داشته باشد

۲۸۵. بررسی نگرش بیماران در مرحلهٔ قبل از بیهوشی در مورد نیاز به آموزش آنان

ابراهیم نصیری، روانبخش اسماعیلی

آدرس: مازندران ، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: عدم آگاهی از امور مربوط به بیهوشی و ترس از ناشناخته‌ها و بیهوشی مثل ترس از، از دست دادن کنترل، ترس از بیدار نشدن، درد، تهوع و استفراغ بعد عمل و عوامل متعدد دیگر بر حسب موقعیت های اجتماعی مختلف موجب نگرانی و اضطراب بیماران در مرحلهٔ قبل از بیهوشی میشود. در این مطالعه نیازهای آموزشی مربوط به بیهوشی بیماران در مرحلهٔ قبل از عمل، از دیدگاه بیهوشی دهنگان وبیماران پرداخته شد.

روش و ابزار: در یک مطالعه توصیفی مقطعی در سال ۲-۱۳۸۳، نگرش ۱۱۰ نفر از بیهوشی دهندگان و ٤۰۳ بیمار بیمارستانهای آموزشی و غیرآموزشی استان مازندران با پرسشنامه‌ای که حاوی ٤ سئوال دموگرافیک و ۱۸ سئوال اختصاصی مربوط به جزئیات و مسائل مرتبط با بیهوشی بوده‌است و نگرش آنان را براساس تقسیم‌بندی لیکرت به صورت کاملاً موافقم،موافقم، تا حدودی موافقم، مخالفم، کاملاً مخالفم مورد بررسی قرار دادیم. نتایج به صورت جداول نشان داده شد و از آزمون آماری کی دو جهت تجزیه وتحلیل آماری استفاده شد.

نتایج: نتایج پژوهش نشان داد که بیشترین نگرش مثبت بیهوشی دهندگان مربوط به این بوده‌است که توضیحات کامل در خصوص مدت NPO بودن بیمار در مرحلهٔ قبل از بیهوشی باید توسط بیهوش دهندگان به بیماران آموزش داده شود (۹۷/۳ درصد) و ۵۲/۷ درصد آنان در خصوص عوارض خطرناک و کشنده احتمالی که در زمان بیهوشی ممکن است برای بیماران ایجاد شود مخالف توضیح در این مورد بوده‌اند. تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین بیمارستانهای آموزشی و غیرآموزشی در خصوص آموزش به بیمار در مرحلهٔ قبل از بیهوشی جهت کاهش اضطراب بیمار وجود داشت ($P< ۰/۰۱۸$). در حالیکه ٦٤ درصد بیماران نگرش مثبت برای کسب آمورش لازم مرتبط با بیهوشی داشتند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نگرش مثبت بیماران و بیهوشی دهندگان برای آموزش اطلاعات مرتبط با بیهوشی به بیماران در مرحلهٔ قبل از عمل جراحی در این مطالعه، و ضرورت اجرای این آموزش‌ها، توصیه می‌شود شرایط مناسب حقوقی جهت ارزش‌گذاری به ویزیت‌های قبل از بیهوشی (به صورت ویزیت قبل از عمل بیماران بستری و کلینیک مشاوره بیهوشی برای بیماران) ایجاد شود تا در فرصت مناسب به نیازهای بیماران بر اساس این مطالعه و شرایط خاص آنان پاسخ مناسب داده شود.

۲۸٦. تبیین عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه جندی‌شاپور توسط متغیرهای پیش‌بین روانی، اجتماعی، تحصیلی و خانوادگی

حسین الهام پور، محمد اسماعیل مطلق، عبدالحسین شکورنیا

آدرس: اهواز ، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: مهمترین شاخص عملکرد دانشگاه یادگیری دانشجویان است. برای سنجش یادگیری دانشجویان می‌توان از عملکرد تحصیلی دانشجویان استفاده کرد. تبیین عملکرد تحصیلی برای برنامه‌ریزان دانشگاه امکان این را فراهم می‌کند تا بتوانند برای بهبود کارکرد دانشگاه راهبردهایی را پیش‌بینی کنند. بنابراین عملکرد تحصیلی دانشجویان به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای روانی، اجتماعی، تحصیلی و خانوادگی به عنوان متغیرهای پیش‌بین در این تحقیق موردنظر بوده‌اند. سؤال اصلی تحقیق این است که به چه میزان می‌توان توسط متغیرهای پیش‌بین عملکرد تحصیلی دانشجویان را تبیین کرد.

روش و ابزار: این مطالعه از نوع پس رویدادی است و نمونه مورد مطالعه ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی در سال تحصیلی ۸۳-۸۲ بوده‌اند. که بطور تصادفی انتخاب شده بودند. متغیرهای پیش‌بین این مطالعه شامل: جنسیت، سن، وضع تاهل، محل سکونت فعلی دانشجو، محل سکونت خانواده، نحو تامین مالی زندگی دانشجو، محل اخذ دیپلم، فصل گرفتن دیپلم، معدل دیپلم، سهمیه پذیرش در دانشگاه، فاصله بین اخذ دیپلم و پذیرفته شدن در دانشگاه وضعیت

اجتماعی اقتصادی والدین، انگیزه پیشرفت و... این متغیرها توسط ۹ پرسشنامه که هر کدام از پایایی و روایی مناسبی برخوردار بودند اندازه‌گیری شدند این ابزارها عبارتند از: فشار زاهای تحصیلی، سلامت‌روانی، رضایت از رشته تحصیلی، رضایت از دانشگاه، ویژگی‌های فردی و سوابق تحصیلی و برای انجام تحقیق از دانشجویان دعوت بعمل آمد که در یک محل مشخص حضور یافته و بعداز توضیحات لازم پرسشنامه‌ها توزیع و از آنها خواسته شد که به آنها پاسخ دهند. سپس پاسخ‌ها جمع‌آوری گردید. برای پردازش داده‌ها از روش رگرسیون چند متغیری گام به گام بهره گرفته شده است. در این روش با حضور کمترین متغیرها بیشترین تبیین صورت می‌گیرد. ضمناً سهم هر کدام از متغیرها نیز تعیین می‌گردد.

نتایج: از بین ۲۵ متغیری که در ماتریس همبستگی با عملکرد تحصیلی حضور داشته فقط ۱۱ متغیر توانسته‌اند در پیش‌بینی عملکرد تحصیلی حضور معنی‌داری داشته باشند با حضور این ۱۱ متغیر ۷۹ درصد عملکرد تحصیلی دانشجویان تبیین گردید. به عبارت دیگر فقط ۲۱ درصد عملکرد توسط متغیرهای دیگری غیر از متغیرهای این تحقیق تبیین می‌گردند. این متغیرها به ترتیب اهمیت و سهم آنها در تبیین عبارتند از فشارزاهای فارغ‌التحصیلی (٤١ درصد)، معدل پیش‌دانشگاهی (۱۱ درصد)، سهمیه پذیرش در دانشگاه (٥ درصد)، محل اخذ دیپلم (٤درصد)، محل سکونت خانواده (۷ درصد)، یادگیری خودگردان (۳درصد)، جنسیت دانشجو (۳ درصد)، کاهش انگیزه درباره آینده (۲ درصد)، سلامت روانی (۱ درصد)، وضعیت اجتماعی و اقتصادی (۲ درصد) و منبع کنترل (۱ درصد).

نتیجه گیری: یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد عملکرد دانشجو بیشتر متاثر از برنامه‌ریزی برای فارغ‌التحصیل شدن است و سپس عملکرد قبلی از دانشگاه تأثیر بعدی را دارد. سهمیه پذیرش و محل سکونت دانشجو نیز تأثیرگذار بعدی است. متغیرهای تأثیرگذار را می‌توان دو دسته متغیرهایی که دانشگاه می‌تواند در آن اثرگذار و متغیرهایی که دانشگاه تأثیری بر آنها ندارد تقسیم کرد. این مطالعه نشان داده که بیشترین سهم متعلق به دانشگاه است بنابراین مدیران دانشگاه می‌توانند با فراهم کردن محیط مناسب و ملاحظه‌های روانی تا اندازه‌ای باعث بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان شوند

۲۸۷. بررسی شاخص حفظ استعداد درخشان اعلام شده توسط وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی در بین دانشجویان مقطع علوم پایه دانشکده پزشکی شهید صدوقی یزد

دکترمحمد حسین دشتی،دکتر علی رفعتی، عباس مرشدی سید حسن حجازیان، اشرف السادات سلامی، محمد امیری

آدرس: یزد، دانشکده پزشکی شهید صدوقی، واحد علوم پایه

زمینه و هدف: وضعیت تحصیلی داتشجویان با استعداد در دهه گذشته مورد توجه بیش از پیش مسئولین قرار گرفته و تلاشهای زیادی معطوف حفظ و پرورش استعدادها ی برتر شده است. براساس مصوبه چهارصدونوزدهمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۷۷/۲/۲۲ دانشجویانی که به عنوان استعداد درخشان به دانشگاهها معرفی می شوند برای حفظ وضعیت خود باید تلاش کنند تا به عنوان یک شاخص معدل خود را بالای ۱۷ نگه دارند و در صورتیکه دو ترم متوالی یا متناوب معدل دانشجویی کمتر از ۱۷ شود از گروه دانشجویان استعداد درخشان خارج می شوند با وجود اینکه ممکن است افت معدل آنها مربوط به صرف بخشی از توان و استعداد آنها در حیطه های مختلف فوق برنامه باشد. مطالعه حاضر برای بررسی میزان حفظ این شاخص توسط دانشجویان ورودی ۷٦ الی ۸۱ رشته های پزشکی و دندانپزشکی در واحد علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد انجام شده است.

روش و ابزار: در این مطالعه با مراجعه به پرونده تحصیلی دانشجویان ورودی ۷٦ تا ۸۱ که عضو دفتر حفظ و پرورش استعدادها ی درخشان دانشگاه بوده اند، معدل ٥ ترم متوالی دانشجویان رشته پزشکی و٤ ترم متوالی دانشجویان رشته دندانپزشکی در مقطع علوم پایه را استخراج و در فرمهایی حاوی اطلاعات دموگرافیک، فعالیت آموزشی، پژوهشی، فرهنگی-اجتماعی و غیره که به همین منظور تهیه شده بود ثبت گردید. پس از تکمیل فرم ها با توجه به تعداد کل دانشجویان هر ورودی درصد تعداد دانشجویانی که واجد شاخص استعداد درخشان بودند و روند تغییرات معدل آنها در ترمهای متوالی مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: نتایج حاصل از این مطالعه مؤید این است که درصد تعداد دانشجویان استعداد درخشان طی سالهای ۷٦ تا ۸۱،

خصوصا در رشته دندانپزشکی، سیر صعودی داشته است، یا اینهمه درصد دانشجویانی که توانسته اند وضعیت استعداد درخشان خود را تا پایان دوره علوم پایه حفظ نمایند به طور قابل ملاحظه ای کاهش یافته است که این کاهش در مورد دانشجویان رشته پزشکی بارزتر است. از طرف دیگر روند این کاهش در بین ورودی های مختلف متفاوت میباشد.

نتیجه گیری: تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر این واقعیت است که اگرچه حفظ شاخص معدل توسط دانشجویان مورد مطالعه روند نزولی داشته است اغلب این دانشجویان درسایر حیطه های فعالیتی تواناییهای قابل توجهی از خود نشان داده اند لذا پیشنهاد میشود در خصوص تعیین شاخص استعداد درخشان در دانشگاهها تجدید نظر شده و تمام فعالیتهای دانشجویی که بیانگر خلاقیت وی میباشد در این رابطه مورد توجه قرار گیرد.

۲۸۸. بررسی اصل چهارم اخلاق پزشکی پیرامون رعایت حق انتخاب پزشک در بیماران بستری شده جهت اعمال جراحی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز

الهه الهیاری، محمدرضا دهقانی،محمدحسین فلاح زاده

آدرس: شیراز ، دانشگاه علوم پزشکی ، گروه آموزشی بیهوشی

زمینه و هدف: امروزه در برنامه ریزی درسی دانشکده های بزرگ پزشکی موضوع اخلاق پزشکی در جایگاه و نقش ویژه خود قرار گرفته است وبه جرات می توان گفت فراگیران، فارغ التحصیلان و اساتید رشته های پزشکی همواره با مسایل اخلاقی همچون: حقوق بیماران، مهارتهای ارتباطی، یوتاناژی، چگونگی بیان اخبار ناگوار، حق انتخاب بیماران، مهندسی زنتیک، پیوند اعضا و..... روبرو می با شند. دراین کار پژوهشی اصل رعایت حق انتخاب بیمار در دانشگاه علوم پزشکی شیراز مورد بررسی قرار گرفته است.

روش و ابزار: این مطالعه توصیفی- تحلیلی پس از تایید روایی و پایایی توسط صاحبنظران و برنامه retest-Test بصورت راندوم از میان بیماران کاندید عمل جراحی در بیمارستانهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز صورت گرفته است. اطلاعات جمع آوری شده شامل مشخصات فردی: جنس، سن، سطح تحصیلات، شغل و همچنین شناخت پزشک مربوطه، چگونگی انتخاب پزشک توسط بیمار، نقش تبلیغات در انتخاب پزشک ودر نهایت نظرات بیماران پیرامون اعتماد و ارتباط با پزشکشان می باشد که توسط نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: بطور کلی ۳٤۰ بیمار کاندید عمل جراحی شامل ۱۸۲ مرد (٥۳/٥٪) و ۱٥۸ زن (٤٦/٤٪) در محدوده سنی ۱٤-۹۱ سالگی با متوسط سن ٥۰ سالگی درمطالعه حاضر مورد سوال قرار گرفتند. سطح تحصیلات این افراد شامل ۱٤٪ بیسواد، ۱۷/۲٪ ابتدایی، ۱۸/۱٪ ابتدایی، ۲٥/۲٪ دیپلم، فوق دیپلم ۱۲/۹٪،لیسانس ۷٪،فوق لیسانس ٤/۸٪ و۸ / ۰ دکترا. و از نظر شغل پنج شغل عمده افراد: خانه دار، کارمند دولت، کشاورز، کارگر و شغل آزاد بوده است. ۷۷/۳٪ افراد رشته تخصصی و فوق تخصصی پزشک را میدانستند، ۱۲/۳٪ افراد هیچگونه اطلاعی از این موضوع نداشتند، ٥۱/۲٪ افراد شخصا پزشک خود را انتخاب کرده بودند، در ۳۷/۱٪ افراد، تبلیغات در انتخاب پزشک نقش داشته است، ٤۱/۷٪ افراد با توصیه دیگران به پزشک مربوطه مراجعه و برای ٦٦/۷٪ افراد مکان و نام بیمارستان از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است. و در پایان ۸۳٪ بیماران به پزشک معالجشان اعتماد داشته اند.

نتیجه گیری: بنظر میرسد بیماران بطور کامل به حق و حقوق خود در مسایل درمانی واقف نبوده و آموزش عمومی در جامعه می تواند در رفع این نقیصه نقش بسزایی داشته باشد. با توجه به درصد قابل توجهی از بیماران که به پزشک معالجشان اعتماد داشتند تعداد افرادی که شخصا خودشان پزشک را انتخاب می کنند پایین می باشد و تبلیغات اطرافیان نقش تعیین کننده ای بازی می کند.در کنار این، متاسفانه بصورت معنی داری افرادی از رشته وتخصص پزشکشان هیچگونه اطلاعی نداشتند. بدین لحاظ آموزش اخلاق پزشکی در برنامه های درسی دانشکده های پزشکی به صورت جامع جهت فراگیران بالینی و اساتید بمنظور آشنایی بیشتر به اصول اخلاق پزشکی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. قطعا سرمایه گذاری در این امر مهم منجر به آشنایی هر چه بیشتر بیماران و پزشکان به حقوق متقابل و افزایش کیفیت سلامت جامعه خواهد بود.

۲۸۹. ارتباط بین اضطراب آزمون و کیفیت زندگی در دانشجویان علوم پزشکی

سید رضا مظلوم، معصومه زمان زاده

آدرس: تهران، میدان توحید، دانشکده پرستاری و مامایی

زمینه و هدف: اضطراب یکی از رایجترین عوامل مرتبط با بیماریهای روانی و جسمی محسوب می شود. یکی از انواع اضطراب مربوط به دلواپسی ناشی از مواجهه با یک امتحان است که به آن اضطراب آزمون گفته می گویند. اضطراب آزمون میتواند به عنوان یک استرسور روز مره در زندگی دانشجویان محسوب شده و سلامت آنها را به مخاطره اندازد. این در حالی است که وضعیت سلامت یکی از شاخص های مهم برای کارایی آکادمیک دانشجویان می باشد. لذا این مطالعه به منظور تعیین رابطه بین اضطراب آزمون با کسفیت زندگی در دانشجویان علوم پزشکی انجام شد.

روش و ابزار: این مطالعه توصیفی- همبستگی با مشارکت ۱۳۰ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی مشهد که به روش طبقه ای، خمشه ای و تصادفی انتخاب شده بودند انجام شد. برای سنجش اضطراب آزمون از پرسشنامه اضطراب آزمون (TAI) و برای تعیین کیفیت زندگی از پرسشنامه خلاصه شده کیفیت زندگی مرتبط با سلامتی (HRQOL SF-۳۶) استفاده شد. پرسشنامه اول در همین مطالعه و پرسشنامه دوم در سایر مطالعات از نظر روایی و پایایی تایید شده بودند. از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل لوجستیک برای تحلیل داده ها استفاده شد.

نتایج: میانگین سنی دانشجویان مورد مطالعه ٤/٥ ± ٢٥/٣ سال و سال ٥٧/٧ درصدآنها مونث بودند. از واحدهای پژوهش ٦٤٪ اضطراب ازمون متوسط تا زیاد و ٢٨٪ کیفیت زندگی پایین داشتند. آزمون ضریب همبستگی پیرسون رابطه خطی معنی دار معکوسی بین نمره اضطراب آزمون و کیفیت زندگی نشان داد ($r = ٦٨$ $P < ٠/٠٠١$) اثر پیشگویی کننده نمره اضطراب آزمون بر ابعاد هشت گانه کیفیت زندگی پس از کنترل استراتژیهای تطابقی و سایر متغییرهای فردی که توسط آزمون رگرسیون لوجستیک بررسی شد نشان دهنده آن بود که افزایش اضطراب آزمون، با شانس کاهش نمره بعد وضعیت عاطفی (P=٠٤٨، OR=١،٣٣)، سلامت عمومی (P=٠٠١٠، OR=٢،٣٣)، احساس خوب (P=٠٠١٠، OR=٢،٩) و سلامت روان (P=٠٠٠١، OR=٢،١) همراه بود.

نتیجه گیری: با توجه نتایج این مطالعه مبنی بر اینکه با افزایش اضطراب آزمون، بیشتر ابعاد کیفیت زندگی دانشجویان تحت تاثیر قرار می گیرد و با توجه به اهمیت سلامت جسمانی و روانی دانشجویان علوم پزشکی که خود مسولیت کمک و ارتقاء سلامت مددجویان را بر عهده دارند، اتخاذ تدابیری برای کاهش این نوع اضطراب ضروری مینماید. استفاده از روشهای مناسب تدریس و ارزشیابی و توجه به ارزشیابی پایان نیمسال به عنوان یک مرحله ارزشیابی و نه تمام آن و نیز آموزش روشهای علمی تطابق به دانشجویان از جمله راهکارهای این مشکل میباشد.

۲۹۰. بررسی موقعیتهای استرس زا در آموزش بالینی

طاهره سلیمی، لیلی شهبازی، فرحناز فرنیا، محمد حسن دهقانپور

آدرس: یزد، دانشکده پرستاری ومامایی شهید صدوقی

زمینه و هدف: آموزش بالینی از ارکان مهم فعالیتهای صورت گرفته در دانشکده های پرستاری ومامایی است.دراین نوع آموزش دانشجو در تعامل با مربی ومحیط، مفاهیم آموخته شده را درحیطه عمل به کار می گیرد. مشکلات زیادی در راه ارائه این آموزش وجود دارد که باعث کاهش کیفیت ارائه خدمات می گردد. از جمله این مشکلات وجود تنش های مختلف می باشد. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف تعیین موقعیتهای استرس زا در آموزش بالینی از دیدگاه مربیان پرستاری صورت گرفته است.

روش و ابزار: این پژوهش توصیفی بوده و داده ها با استفاده از پرسشنامه دو قسمتی شامل اطلاعات دموگرافیک و چک لیست مربوط به موقعیت های استرس زا در آموزش بالینی مشتمل بر حیطه های مختلف مربوط به: مربی ومحیط آموزشی، برنامه ریزی آموزشی،و عوامل دانشجویی، از کلیه اعضاء هیئت علمی و مربیان شاغل به کار در دانشکده پرستاری و مامایی شهید صدوقی یزد، جمع آوری شده است. چک لیست مربوطه با استفاده از مقیاس لیکرت درجه بندی شده بود. نتایج حاصله با استفاده از نرم افزار آماری spss مورد تجزیه وتحلیل قرار گرفته است.

نتایج: نتایج حاصل از تجزیه وتحلیل آماری نشان می دهد که استرس زاترین موقعیت در آموزش بالینی از دیدگاه مربیان عدم انطباق واحد نظری وکارآموزی ارائه شده توسط هر مربی می باشد. پس از آن به ترتیب عدم همکاری پرسنل بخشها با مربی و دانشجو، زیاد بودن نسبت دانشجو به بیمار، و ایجاد حوادث در بخش به علت عدم توانایی دانشجو، مهمترین عوامل استرس زا بوده است. بطور کلی استرس زاترین موقعیت آموزش بالینی از دیدگاه واحدهای مورد پژوهش مسائل مربوط به برنامه ریزی بالینی می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصله به نظر می رسد ایجاد انطباق بین واحد نظری وکارآموزی ارائه شده توسط هر مربی، ایجاد ارتباط مناسب میان پرسنل پرستاری و کادر آموزشی، تعدیل تعداد دانشجوی پذیرفته شده وثبات نسبی محل و نوع کارآموزی،می تواند راهگشای حل مشکلات بالینی در آموزش رشته پرستاری باشد.

۲۹۱. بررسی دیدگاه فارغ التحصیلان مامایی در خصوص تاثیر دروس مامایی بر کارآیی و مهارت آنها

شهناز نجار، پروین عابدی، نادیه خفنری

آدرس: اهواز ، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: آموزش شامل مجموعه تدابیر، تمهیدات، روشها و راهکارهای هدفمندی است که یادگیری را تسهیل می‌کند. در فرآیند آموزش و یاددهی و یادگیری سه عامل مهم دست‌اندرکار هستند که عبارتند از: مدرس، فراگیر و مواد و محتوای درسی. تغییرات علم و تکنولوژی در جهان امروز آنقدر شتابان و پرحجم است که بعضی افراد معتقدند که دانش هر فرد حداکثر تا ۵ سال عمر و کار آمدی دارد. بنابراین چنانچه آموزش واقع‌بینانه و به درستی هدف‌گذاری، برنامه ریزی و هدایت نشود، بی تردید بر مشکلات جامعه می‌افزاید و نیرو و استعداد نسل آینده را تباه می‌کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی و تعیین تاثیر دروس رشته مامایی بر کارایی فارغ‌التحصیلان از دیدگاه فارغ‌التحصیلان این رشته صورت گرفته است.

روش و ابزار: تحقیق حاضر توصیفی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده است، به این ترتیب که ۱۲۰ پرسشنامه بین فارغ‌التحصیلان مامایی شاغل بصورت تصادفی آسان توزیع گردید. پرسشنامه شامل ۵ بخش بود. در نهایت ۱۰۰ پرسشنامه جمع آوری شد و اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: یافته های پژوهش نشان داد که۶/۵٪ از فارغ التحصیلان تاثیر دروس عمومی را بر میزان کارایی خود زیاد می‌دانستند و ۲۹٪ تاثیر این دروس را خیلی کم می‌دانستند. در خصوص تاثیر دروس پایه، ۵۵/۵٪ درس فیزیولوژی، ۵۳/۵٪ در س آناتومی و ٤۰٪ درس بیوشیمی را بیشتر موثر میدانستند. در مورد دروس اصلی ۷۹/۵٪ درس خدمات بهداشتی، ۵٦/۵٪ درس داروشناسی عمومی، ۵۷/۵٪ درس داروشناسی اختصاصی، ۷۳/۵٪ اصول و فنون و ۵۱/۵٪ زبان تخصصی را بیش از سایر دروس اصلی خود در محیط کار خود مؤثر می‌دانستند.

از میان دروس تخصصی، نمونه‌ها به ترتیب تاثیر درس، بارداری و زایمان، تنظیم خانواده، رادیولوژی، آزمایشات کاربردی، نوزادان و تغذیه درمانی را در محیط کار بیش از سایر دروس می‌دانستند. در زمینه تاثیر کارورزی، بارداری زایمان، تنظیم خانواده و بیماریهای زنان را مؤثرتر از سایر کارورزیها می‌دانستند. (به ترتیب ۹۲٪، ۸۹٪، ۸۸ ٪) ٦٦٪ از فارغ التحصیلان از نحوه برگزاری کارآموزیها و ٦۹٪ از نحوه برگزاری کارورزیها رضایت داشتند.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد که مواد درسی باید به طور مداوم مورد تجدیدنظر قرار گرفته و بواسطه شرایط در حال تغییر ممکن است تغییرات در برنامه نیز ضروری باشد. علاوه بر آن بازسازی و نوسازی دانش و اطلاعات معلمین و فارغ‌التحصیلان باید جزء وظایف مهم مدیریت آموزشی به حساب آمده و در خصوص آموزش نیروی انسانی توجه و اهتمام ورزیده شود.

۲۹۲. نیازها، انتظارات و نظرات بیماران در مورد ارتباط پزشک و بیمار در کلینیک های عصر دانشگاه علوم پزشکی تبریز

دکترمهستی علیزاده، دکتر مهدی رسولی

آدرس: تبریز ، دانشگاه علوم پزشکی ، گروه پزشکی اجتماعی

زمینه و هدف: ارتباط پزشک و بیمار پایه مصاحبه پزشکی است و مصاحبه پزشکی پایه فعالیت پزشکی می باشد. ارتباط موثر جز اصلی تشخیص است. ارتباط خوب پزشک و بیمار موجب افزایش پیروی بیمار از طرح های درمانی، سلامتی بهتر و کارآیی بیشتر رضایت مندی بیمار و کاهش هزینه ها می شود.به منظور طراحی برنامه های آموزشی ارتباط پزشک و بیمار، در مقاطع مختلف پزشکی و آموزش مداوم، تعیین نیازها و نظرات بیماران اهمیت ویژه ای دارد. هدف از این مطالعه، تعیین دیدگاهها، نیازها و انتظارات بیماران از پزشکان کلینیک تخصصی دانشگاه علوم پزشکی تبریز می باشدتا بر اساس آن بتوان برنامه های آموزشی ارتباط پزشک و بیمار را طراحی و اجرا نمود.

روش و ابزار: در مطالعه ای مقطعی ۴۰۰ بیمار مراجعه کننده به کلینیک بلافاصله بعد از ویزیت، پرسشنامه ای حاوی ۳۵ سوال را تکمیل نمودند. روایی محتوایی پرسشنامه قبل از مطالعه بررسی و تایید شد. پرسشنامه شامل سه قسمت بود: متغیر های زمینه ای، سوالات بلی/خیر در مورد نحوه ارتباط پزشک با بیمار و سوالاتی که بر اساس مقیاس لیکرت پنج رتبه ای تنظیم شده بود که در آن موارد زیر بررسی شدند: مشخصات فرد مورد مصاحبه: سن، جنس، سواد، شکایت اصلی، طول مدت بیماری. مشخصات مربوط به پزشک: تخصص، جنس مهارت های ارتباطی پزشک شامل: سلام و احوالپرسی، پرسیدن نام یا به نام خواندن بیمار، پرسیدن سوال در مورد بیماری،گوش دادن فعالانه آگاهی دادن به بیمار در مورد جزئیات بیماری، معاینه،اقدامات پاراکلینیک و درمانی،استفاده از واژه ها و زبان قابل فهم، کمک به بیمار و خاوده وی در تصمیم گیری و راهنمایی در انجام اقدامات پاراکلینیک و مراقبت در منزل (سنجش مهارتهای ارتباطی از قبیل :(empathy،interest،respect،warmth، توضیح بیشتر در مورد نحوه مصرف دارو، شرایط لازم قبل از انجام اقدامات پاراکلینیک، آموزش در مورد اقدامات درمانی غیر دارویی(تغییر شیوه زندگی) تعیین تاریخ ویزیت بعدی و هدف از آن‌سایر موارد مورد بررسی از نظر رضایت بیمارشامل موارد زیر بود: طرز برخورد و توجیه خانواده بیمار،رعایت Privacyبیمار، زمانی که بیمار صرف گرفتن وقت از پزشک کرده است، مدت صرف شده در اتاق انتظار،سهولت تماس های بعدی با پزشک، تعداد دفعات ویزیت توسط این پزشک،نظر کلی بیمار در مورد این پزشک نسبت به سایر پزشکان،رضایت کلی از پزشک و انتظارات بیمار از پزشک Validity پرسشنامه از نظر content با ارسال آن به افراد صاحبنظر (روانشناس، جامعه شناس و چند پزشک بالینی) تعیین گردید. Reliability پرسشنامه پس از انجام مصاحبه با ۳۰ نفر از بیماران و تحلیل نتایج و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ تعیین شد.داده های بدست آمده با نرم افزار SPSS مورد آنالیز قرار گرفتند.

نتایج: میانگین سن بیماران ۳۷/۶ سال بود و ۴۸٪ بیماران مرد بودند. میانگین سابقه کاری پزشکان ۷/۲ سال و میانگین تعداد دفعات مراجعه به پزشک ۳/۰۴ بار بود. ۹۵٪ بیماران از نحوه سلام و احوالپرسی پزشک رضایت داشتند، در ۲۴٪ موارد در اتاق معاینه فرد ناشناس یا بیمار دیگری حضور داشته که در ۹۶٪ موارد پزشک وی را معرفی نکرده بود.۴۰٪ درصد بیماران در هنگام نیاز فوری به پزشک دسترسی نداشتند.۸۳٪ معتقد بودند نحوه ارتباط پزشک با آنها تا حد زیاد و بسیار زیاد در بهبودی و انجام دستورات آنها موثر است. ۶۷٪ اظهار کردند نحوه برخورد منشی در رضایت از پزشک زیاد و بسیار زیاد موثر است. بطور کلی میزان رضایت بیماران از پزشکان خانم و جراحان بیشتر بود.

نتیجه گیری: به نظر بیماران نحوه برخورد پزشک در روند بهبودی و انجام توصیه موثر است. بیشترین نارضایتی مربوط به وقت کم برای توضیح بیماری، عوارض دارو ، اقدامات پاراکلینیک توسط پزشک بود. بیشترین انتظارات بیماران برخورد خوب و محترمانه ، خوش رفتار بودن ، معاینه دقیق، دادن وقت کافی به بیمار برای صحبت کردن بود.

۲۹۳. بررسی ارتباط جو سازمانی با میزان خلاقیت کارکنان واحدهای آموزش بالینی دانشگاه علوم پزشکی سمنان ۱۳۸۳

سعید حاجی آقا جانی ، پروین غفاری
راهب قربانی، فریده ایزدی

آدرس: سمنان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: هر سازمانی دارای لت و اهداف مشخصی در جهت توسعه اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و سیاسی است ، چگونگی عملکرد کارگزاران این سازمانها ، بویژه دانشگاههای علوم پزشکی یکی از پدیده‌های اثر گذار در زندگی و سلامت اقشار مختلف مردم از یک سو و رضایت مندی آنها از ارائه خدمات موثر از سوی دیگر است . یکی از معرف‌های مهم برای حرکت و پویانی در یک سازمان سالم وجود جو سازمانی مطلوب در سازمان می‌باشد که می‌تواند به کارکنان کمک نماید تا خلاقیت های خود را بروز دهند اگر جو سازمانی با اهداف و انتظارات کارکنان هماهنگ نباشد باعث عدم بهره‌وری سازمانی میشود . لذا در این پژوهش بر آن شدیم تا ارتباط جو سازمانی کارکنان واحدهای آموزش بالینی دانشگاه با میزان خلاقیت آنان را مورد مطالعه قرار دهیم .

روش و ابزار: این پژوهش یک مطالعه پیمایشی از نوع توصیفی ـ تحلیلی است . جمعیت هدف کلیه کارکنان رسمی و پیمانی شاغل در واحدهای آموزشی دانشگاه که دارای حداقل مدرک تحصیلی فوق دیپلم (٤٦٠ نفر) بودند . نمونه‌گیری به روش تصادفی سیستماتیک انجام گردید که جمعا ۲۱۰ نفر (۱۲٦ زن ـ ۸٤ مرد) بودند . ابزار مورد استفاده پرسشنامه سه قسمتی حاوی ۷۵ سوال بود (مشخصات دموگرافیک ۵ سوال ، ۲۰ سوال در خصوص جو سازمانی در ۵ شاخص ، (وضوح و توافق در اهداف سازمان ، وضوح و توافق در نقش ،رضایت از پاداشها ، رضایت از رویه‌ها ، اثر بخشی ارتباطات) که هر سوال دارای امتیازی بین ٤-۰ (از کاملا موافقم تا کاملا مخالفم) بود و قسمت سوم پاسخنامه حاوی ۵۰ سوال در خصوص میزان خلاقیت بود که امتیاز هر سوال بین ۲ + تا ۲- (از کاملا موافقم تا کاملا مخالفم) مشخص شده بود. برای تعیین روانی از اعتبار محتوا و برای تعیین پایانی از روش آزمون مجدد استفاده شد و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد پردازش قرار گرفت و برای تعیین ارتباط بعضی از متغیرها با جو سازمانی و خلاقیت و همچنین ارتباط بین جو سازمانی با میزان خلاقیت واحدهای مورد پژوهش از تست‌های آماری کای اسگوئر و ضریب همبستگی اسپیرمن و تی استیودنت و آزمون من و ینتی استفاده شد .

نتایج : در این تحقیق بیشترین در صد نمونه‌ها خانمها (٦۰٪) ، مدرک تحصیلی لیسانس (۵۳/۲ ٪) ، سابقه کار بین ١٤-١۰ سال (٤۳/۲ ٪) و واحد آموزش درمانی امیرالمومنین (ع) (۲٦/٦ ٪) بوده‌اند . نتایج همچنین نشان داد که بیشترین افراد (٤۵ ٪) از جو کلی سازمانی راضی بودند که این رضایت در حیطه اثر بخشی ارتباطات (۵٦/۷ ٪) بیشتر از دیگر اجزاء جو سازمانی بود. آزمونهای آماری رابطه معنی‌داری را بین سطوح تحصیلی (P=۰،۰۰۹) ومحل خدمتی کارکنان (P=۰،۰۲۰) با جو سازمانی دانشگاه نشان داد . نتایج دیگر گویای آنست که فقط ۳ درصد واحدهای مورد پژوهش خلاق هستند که آقایان نسبت به خانمها و کارشناسان ارشد نسبت به دیگر سطوح تحصیلی و افراد با سابقه خدمتی ۱۹-۰ سال و کارکنان دانشکده بهداشت بیش از دیگر کارکنان در واحدهای خدمتی خلاق بودند و اکثریت افراد خلاق با جو کلی سازمانی و اجزاء آن بجز در حیطه رضایت از پاداش و رضایت از فرآیند اجرائی احساس رضایت می‌کنند . آزمونهای آماری هیچگونه رابطه معنی دار را بین جو سازمانی و خلاقیت کارکنان نشان نداد.

نتیجه‌گیری: بطور کلی میتوان نتیجه‌گیری گرفت که اکثریت افراد مورد پژوهش از جو کلی محیط کاری خود و همچنین از بعضی از اجزاء و عناصر آن مثل وضوح و توافق در نقش واثر بخشی ارتباطات راضی هستند و در دیگر اجزاء جو اکثریت بینظر می‌باشند که این بی‌نظری می‌تواند نشانه دلسردی و بی‌تفاوتی آنها نسبت به جو سازمانی محیط کار خود باشد که زیاد خوش آیند نمی‌باشد و مدیران ارشد دانشگاه باید به آن توجه کنند تا علل این بی‌تفاوتی شناسائی و نسبت به رفع آن اقدام نمایند . لذا باید مدیران تلاش کنند تا با مسائل و مشکلات سازمانی ، خود را سهیم بدانند و راه حل های جدید و نو ارائه نمایند و در تصمیم گیریها ارائه نظر نمایند .

۲۹٤. میزان اضطراب و عوامل مرتبط با آن در محیط بالینی در دانشجویان اتاق عمل و هوشبری

زهره کریمی ، کرامت اله زندی قشقایی ، زهرا ملازم
علی کامکار ، حمید رضا غفاریان

آدرس: یاسوج ، دانشگاه علوم پزشکی ، آموزشکده پیراپزشکی

زمینه وهدف: مواجهه با اضطراب سابقه‌ای به قدمت تاریخ حیات انسان دارد و اضطراب شدید می‌تواند آثار و عوارض جدی را به دنبال داشته باشد از آنجایی که دروس کارآ موزی در رشته‌های اتاق عمل و هوشبری می‌توانند برای دانشجویان اضطراب آور باشند ، این مطالعه با هدف تعیین میزان اضطراب و عوامل مرتبط با آن در محیط بالینی در دانشجویان اتاق عمل و هوشبری انجام پذیرفت .

روش و ابزار: این مطالعه یک پژوهش توصیفی تحلیلی می‌باشد که برروی ۸٤ نفر از دانشجویان اتاق عمل و هوشبری آموزشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج در سال ۱۳۸۳ انجام شده است نمونه پژوهش همان جامعه پژوهش است . ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای سه بخشی شامل ، اطلاعات دموگرافیک ، اضطراب هامیلتون و عوامل اضطراب آور در سه حیطه مربی ، دانشجو و محیط اتاق عمل بود داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و روش‌های توصیفی و استنباطی آنالیز گردید.

نتایج: یافته‌ها نشان داد که ٤۰ در صد از دانشجویان بدون اضطراب ، ٤۳ در صد اضطراب خفیف و ۱۸ در صد اضطراب شدید داشتند . عوامل مربوط به محیط بالینی در ۷۵ درصد ، عوامل مربوط به مربی در ۵۸/۳ درصد و عوامل مربوط به دانشجو در ۵۸/۳ درصد نمونه‌های پژوهش اضطراب ایجاد می‌کرد. یافته‌های دیگر نشان داد که بین اضطراب و عوامل مرتبط باسن ، جنس ، رشته، ترم، معدل، وضعیت تاهل، محل سکونت، رضایت از رشته تحصیلی و آگاهی از رشته تحصیلی قبل از انتخاب آن اختلاف معنی دار آماری وجود نداشت .

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه نشان می‌دهد که مهمترین عوامل مؤثربر اضطراب دانشجویان به ترتیب محیط بالینی و مربی می‌باشدکه می‌توان با آموزش مربیان نه تنها اضطراب مربوط به محیط بالینی را کاهش دهد ، بلکه اضطراب ناشی از رفتار مربیان را نیز به حداقل ممکن رساند و در نتیجه یادگیری و کارآیی دانشجویان را افزایش داد.

۲۹۵. بررسی میزان دستیابی دانشجویان مدارک پزشکی به اهداف رفتاری کارآموزی درعرصه در دانشگاه علوم پزشکی کاشان – سال ۸٤

فاطمه رنگرز جدی، دکترفرحنازصدوقی
مهندس محمدرضا رضائی مفرد

آدرس: کاشان، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه وهدف: دوره های کارآموزی در شکل دهی مهارت های اساسی وتوانمندی های حرفه ای دانشجویان نقش اساسی دارد . درحال حاضر حدود ۲۵ درصد از دوره آموزشی رشته مدارک پزشکی در مقطع کاردانی را کارآموزی تشکیل می دهد وضعف آموزش در این دوره عامل مشکلاتی می گردد که به ضعف مهارت های حرفه ای فارغ التحصیلان، کاهش کارایی واثربخشی آموزش وافت کیفیت ارایه خدما ت درما نی منجر می گردد.با توجه به اهمیت تسلط دانشجویان بر اهداف رفتاری طراحی شده، این تحقیق به منظور بررسی میزان دستیابی دانشجویان کاردانی مدارک پزشکی به اهداف رفتاری برروی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان انجام گردید.

روش و ابزار: این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفت .نمونه های پژوهش راکلیه دانشجویان ترم آخر مقطع کاردانی که درنیمسال دوم ۸۳-۸٤ مشغول انجام کارآموزی درفیلدهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی کاشان بودند تشکیل می دادند.پرسشنامه براساس اهداف رفتاری که درابتدای ترم در اختیار دانشجویان قرار گرفته بود طراحی گردید .برای اینکه فرصت کافی برای آموزش ویادگیری ودستیابی به مهارتها وجود داشته باشدداده ها در انتهای دوره کارآموزی وبه روش مصاحبه مستقیم اخذ شد.

نتایج: میزان دستیابی دانشجویان مورد مطالعه به اهداف رفتاری با میانگین امتیاز ٤/۰۲در حیطه دستیابی تقریباً کامل قرار دارد که بیشترین امتیاز در خصوص بخش کدگذاری با میانگین ٤/۳۷ در حیطه تقریباً کامل قرار گرفت ،بخش های پذیزش ،بایگانی وآمار به ترتیب با میانگین امتیازات ۳/۳۰۷/۸و ۳/۳۸ در حیطه دستیابی تاحدودی قرار گرفت.آزمون آماری

اختلاف معنی داری بین میزان دستیابی به اهداف در بخش های مختلف نشان نداد (P=۰/۰۵).

نتیجه گیری: دستیابی به اهداف آموزشی در جامعه مورد پژوهش نسبت به سایر رشته ها نسبتاً مطلوب می باشد هرچند تا دستیابی کامل و ایده آل فاصله دارد ،مرور مجدد اهداف رفتاری ونیز ارائه دوره های کارآموزی به همراه دروس تئوری پیشنهاد می گردد

۲۹۶. بررسی نظرات دستیاران در مورد مشارکت در فرایند آموزش کارورزان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بهار ۸٤

دکتر محمود هادیزاده ، دکتر امراله ابراهیمی
مریم آویژگان، دکتر محمد گرک یراقی

آدرس: اصفهان ، دانشگاه علوم پزشکی ، حوزه معاونت آموزش بالینی

زمینه وهدف: هدف ازدوره کارورزی کاربرد آموخته های قبلی تحت نظراعضای هیئت علمی برای کسب مهارتهای حر فه ای است . لذا در این دوره استفاده از تمامی فرصتها و پتانسیلها یک امر اساسی و جزء اولویتهاست. در این مقوله میتوان علاوه بر هیئت علمی از دستیاران به عنوان یکی از پتانسیلهای ارزشمند وذخایر فراموش شده بهره جست چرا که می توانند از هرفرصتی جهت آموزش کارورزان استفاده نمایندباتوجه به وجود مشکلات و موانع در این رابطه و عدم وجود برنامه ریزی مشخص، این طرح در نظر دارد با بررسی نگرش دستیاران در ارتباط با مشارکت در فرآیند آموزش وبه موازات طرح نظر سنجی از کارورزان در ارتباط با مشارکت دستیاران در آموزش آنان مشکلات و موانع و پیشنهادات را تعیین و گامی در راستای مشارکت هرچه بیشتر دستیاران در فرآیند آموزش وبه تبع آن ارتقاء کیفیت آموزش بالینی بردارد

روش و ابزار: این مطالعه به شکل توصیفی - مقطعی درفروردین واردیبهشت ۸٤ انجام شد . حجم نمونه با نظر مشاور آماری طرح وطبق فرمول ۱۹۰ نفر تعیین شد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای است که با مقیاس لیکرت ساخته شده است و ۱۷ سوال در موردنظرات دستیاران در ارتباط با مشارکت در فرآیند آموزش کارورزان تهیه گردیده است و به شکل خودایفا میباشد (کاملا مخالفم =۱ تا کاملا موافقم =۵) پایایی آن با ضریب همبستگی α کرونباخ ۰/۹۲ وروایی آن با نظر اساتیدوکارشناسان مورد تایید قرار گرفت . ۱۱۹ پرسشنامه تکمیل گردید .اطلاعات بدست آمده از مطالعه با کمک نرم افزار spss ویرایش ۱۱ وبه کمک آزمونهای آماری توصیف وسپس مورد تجزیه وتحلیل قرار گرفت.

نتایج: میانگین نمره نگرش دستیاران در مورد نقش آنها در آموزش کارورزان ۳/۸، لزوم مشخص شدن شرح وظایفشان در آموزش کارورزان ۲/۷، مشکلات و موانع در آموزش به کارورزان ۳/۹، راههای بهبود فرایند آموزش به کارورزان ۳/۷، مزایای آموزش به کارورزان ٤/۳بدست آمد . در مورد مفیدترین عرصه آموزش به کارورزان اتاق عمل ، درمانگاه ، اورژانس ، بخش به ترتیب ۳/٤، ۲/۲، ۲/۱، ۲ بدست آمد.شیوه الگوگیری ازاستاد ۵۲/۳٪ بیشترین شیوه پرورش مهارت آموزش در دستیار ، در مورد میانگین تعداد ساعت اموزش دستیاربه کارورزدر طول هفته ۸/۷ ساعت درهفته بدست آمد .

نتیجه گیری: بررسی نتایج پژوهش نشان داد دستیاران بیشترین شیوه مهارت یاددهی را الگو گیری از استادان می دانند البته این جای بحث دارد که آیا شیوه یاد دهی استادان بهترین شیوه است .از زاویه دیگر نتایج نشان داد دستیاران تا حدود زیادی از وظیفه خود در ایفای نقش آموزشی و یاد دهنده آگاهی دارند ولی مشکلات و موانعی چون عدم انگیزه ، عدم وقت کافی ، عدم وجود مزایای مادی و معنوی و ... از عوامل دخیل در عدم اجرای این وظیفه است . در مجموع دستیاران رشته های جراحی مفید ترین عرصه آموزشی را اتاق عمل ذکر نموده اند در حالیکه درمصوبات فعلی آموزش باید بیشتر در درمانگاههای سرپایی باشد .لذا سرمایه گذاری در این مقوله جهت افزایش انگیزه آنان و برنامه های تشویقی و برگزاری کارگاههای مهارت آموزشی و اصلاح شرح وظایف دستیاران از پیشنهادات این طرح می باشد .

۲۹۷. مهارتهای ارتباطی ، ضرورت فراموش شده در آموزش پزشکی

دکتر احمدرضا زمانی، دکتر بهزاد شمس، دکتر زیبا فرج زادگان، دکتر الهام معظم، دکتر زهرا دانا سیادت
دکتر مریم طبائیان

آدرس: اصفهان، دانشکده پزشکی، بخش پزشکی اجتماعی

چگونگی ارتباط و تعامل پزشک و بیمار نقش موثری در رضایتمندی بیمار ، نتایج درمان هزینه های پزشکی ، کفایت

بالینی پزشکان و حتی شکایت از پزشکان داشته است . بازتاب تاکید روز افزون بر مهارتهای ارتباطی در پزشکی و آموزش پزشکی را میتوان در بیانیه های مجامع بین المللی ،رهنمودهای دانشکده های پزشکی و استانداردهای حرفه ای و آموزشی پزشکان مشاهده کرد.

شواهد حاکی از آن است که بسیاری از پزشکان در تجربه پزشکی خود، بطور موثری ارتباط برقرار نمی کنند و نیازمند آموزش مداوم این مهارتها هستند. علاوه بر این مفید بودن آموزش مهارتهای ارتباطی در بسیاری از کشورها به اثبات رسیده است.

متاسفانه این مهارتها در برنامه رسمی آموزش پزشکی در ایران گنجانده نشده است و فراگیری پزشکان بیشتر بر اساس الگو برداری غیر مستقیم و تجربی از اساتید و با نگرش غالب زیستی (بیومدیکال) است. این در حالی است که اکثریت اساتید دانشگاه علوم پزشکی اصفهان (بیش از ۹۰٪) نگرش مثبتی نسبت به آموزش مهارتهای ارتباطی دارند و لزوم آنرا احساس نموده اند. همچنین مطالعه بر روی جمعیتی از پزشکان شهر اصفهان مشخص نمود که با وجودیکه اکثر آنها از نگرش مثبتی نسبت به برقراری ارتباط مناسب با بیمار برخوردار بودند ، دانش آنها از مهارتهای ارتباطی به میزان زیادی ضعیف بود در مطالعه دیگری رضایت بیماران از نحوه ارتباط با پزشکان مورد بررسی قرار گرفت که با وجودیکه رضایت کلی بیماران از سطح نسبتاً مطلوبی برخوردار بود. (٦٢٪) در برخی از اجزای این ارتباط نارضایتی های عمده ای به چشم می خورد ، از جمله در اختصاص دادن وقت کافی و مناسب جهت ارتباط با بیمار، مهارتهای برنامه ریزی درمان توسط پزشکان و درنظر گرفتن احساسات و مشارکت او و عدم احساس امنیت کافی از رازداری با ورود همزمان چند بیمار بر اساس این مطالعات، بنظرمیرسد پزشکان در زمینه مهارتهای عمومی ارتباطی، خلا آموزشی دارند. از طرفی مهارتهای ارتباطی عمدتا اکتسابی و قابل یادگیری بوده و تجربه بالینی فردی نقش کمی در ارتقاء آنها دارد و بقولی این مهارتها، می توانندو باید آموزش داده شوند. این مقاله پژوهش های انجام شده توسط نگارندگان درمورد ضرورت و روش های آموزش این مهارتها به دانشجویان پزشکی را مرور می کند.

۲۹۸. بررسی دیدگاه دانشجویان پرستاری در رابطه با محیط آموزش بالینی و تاثیر آن بر یادگیری

نیره سلمانی، دکتر فضل الله احمدی، سیده وحیده حسینی

آدرس : یزد، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه وهدف : بر طبق نظر یهدون و بارنت (۲۰۰۰) محیط یادگیری دانشجویان شامل همه شرایط و نیروهایی است که از طریق آن یک مجموعه آموزشی و یادگیری تحت تاثیر قرار می‌گیرد و تئوریهای یادگیری امروزه به طور واضح و روشن به اهمیت محیط یادگیری به عنوان یک فاکتور مهم در یادگیری دانشجویان تاکید می‌کند، چرا که بدون وجود یک محیط سالم یادگیری ، امکان بدست آوردن یک یادگیری رضایت بخش غیرممکن است، بنابراین بررسی محیط آموزشی دانشجویان و شناسایی نقاط ضعف و قوت آن، جهت افزایش اثربخشی آموزش امری ضروری است.

روش و ابزار: این پژوهش یک مطالعه توصیفی تحلیلی است که در آن ۱۱۹ نفر از دانشجویان پرستاری دانشگاه پرستاری آزاد علوم پزشکی واحد یزد بطور غیر تصادفی در دسترس انتخاب شدند و پرسشنامه‌ای را که شامل دو بخش بود تکمیل نمودند: ۱ - پرسشنامه دموگرافیک ۲- پرسشنامه بررسی دیدگاه دانشجویان از محیط آموزش بالینی، که این پرسشنامه در ٤ طبقه: ۱- نحوه ارتباط و واکنش مربیان و پرستاران نسبت به دانشجویان پرستاری ۲- وجود فرصتهای یادگیری در بیمارستان ۳- حمایت از یادگیری دانشجویان ٤- جو بیمارستان، تقسیم بندی شده است.

نتایج : پس از جمع‌آوری اطلاعات بدست آمده و تجزیه و تحلیل آنها مشخص گردید که میانگین سنی نمونه‌های مورد مطالعه ۲۲/۲۰ بوده است و ٦٨/٩٠ ٪ آنها بومی، ۳۱/۱۰ ٪ غیربومی، ۳۷/۸۱ ٪ دانشجویان ترم ۸، ۳۳/٦۱ ٪ دانشجوی ترم ٤ و ۲۸/۵۷ ٪ دانشجوی ترم ٦ بودند، ۱/٦۸ ٪ نمونه‌ها بهیار و ۳/۳٦ ٪ مشغول به کار در بیمارستان بودند. بررسی نتایج بدست آمده نشان داد که: ۳٤/٤۵ ٪ نمونه‌ها با وجود ارتباط و فیدبک مناسب، ٦۵/۵٤ ٪ نمونه‌ها با وجود فرصتهای مناسب برای یادگیری، ۷۱/٤۲٪ نمونه‌ها با وجود حمایتهای

لازم جهت یادگیری مناسب، ۳۰/۲۵٪ نمونه‌ها با وجود امکانات لازم ومناسب جهت یادگیری در بیمارستان کاملاً موافق بودند. از نظر سطح‌بندی ۸۵/۳۵ ٪ دانشجویان سطح ارتباط مربیان و پرستاران را درحد متوسط، ۷۶/۴۷ ٪ دانشجویان سطح امکانات بیمارستانی را درحد متوسط ارزیابی کرده بودند.

نتیجه‌گیری : با توجه به نتایج بدست آمده از دیدگاه دانشجویان، می‌توان نتیجه گرفت که محیط یادگیری بالینی یک مخلوط سایکولوژیکی غنی بدست آمده از فاکتورهای شناختی، فرهنگی، اجتماعی، تحصیلی، انگیزشی است و شناسایی فاکتورهای دارای اثر مثبت و یا منفی موجود در محیط بالینی و ارزشیابی آنها راهکاری مناسب جهت افزایش اثربخشی آموزش بالینی خواهد بود.

۲۹۹. بررسی دیدگاه مدرسان ، پرستاران فارغ التحصیل و دانشجویان پرستاری بر میزان انطباق آموزش نظری و بالینی پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

زهرا مشیری ، بهنام غلام نیا ، بهلول رحیمی

آدرس : ارومیه ، خیابان بسیج ، دانشکده پرستاری و مامایی

زمینه و هدف: تسلط اصول و قوانین حاکم بر محیط های آموزش بالینی ، مانع از اتخاذ یک دیدگاه فردی نسبت به درمان بیماران ، که دانشجویان پرستاری به طور نظری ، در دوره های آموزش دانشگاهی فراگرفته اند می گردد. و این امر از توسعه و گسترش علوم نظری پرستاری ، که در حقیقت منشا توسعه و پیشرفت علوم بالینی است جلوگیری می کند.

روش و ابزار: این مطالعه به منظور تعیین دیدگاه مدرسان ، پرستاران فارغ التحصیل و دانشجویان پرستاری شاغل در دانشجویان سال آخر کارشناسی پرستاری مشغول به تحصیل و پرستاران شاغل در مراکز آموزشی درمانی شهر ارومیه انجام گرفت . (جمعاً ۱۲۰ نفر) انجام گرفت . که به روش نمونه گیری تصادفی منظم انتخاب گردید . اطلاعات به وسیله پرسشنامه جمع آوری و با استفاده از آزمون آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در ٤٥ جدول و نمودار تنظیم گردید .

نتایج : نتایج نشان داد ٦٨٪ واحدهای مورد پژوهش پرستار فارغ التحصیل ، ٢٦٪ دانشجوی پرستاری ، ٦٪ مربی بودند . اکثریت ٦٢/٥٪ مربیان ، ٦٠/٦٪ دانشجویان و ٢٩/٤٪ پرستاران درس آناتومی ، ٧٥٪ مربیان ، ٣٩/٤٪ دانشجویان و٤٤٪ پرستاران درس فیزیولوژی ، ٦٨٪ مربیان ، ٢١/٩٪ دانشجویان ، ١١/٥٪ پرستاران درس ایمونولوژی ، ٥٠٪ مربیان ، ٦٠/٦٪ دانشجویان ، ٥١/٢٪ پرستاران درس زبان تخصصی ، ٧٥/٥٪ مربیان ، ٥٩/٤٪ دانشجویان ، ٦٠/٧٪ پرستاران درس اصول و فنون پرستاری ٣٥٪ مربیان ، ١١/١٪ دانشجویان و ٦/٣٪ پرستاران دروس بهداشت جامعه را ضروری می دانستند و اکثریت ٢٥٪ مربیان ، ٢٨/١٪ دانشجویان و ٢١/٥٪ پرستاران دروس بیوشیمی ، میکروبشناسی و اپیدمیولوژی ، ١٢/٥٪ مربیان ، ٢٧/٦٪ دانشجویان ، ٢٤/١٪ پرستاران درس اصول و مدیریت خدمات پرستاری و پرستاری ویژه را ضروری نمی دانستند . از دیدگاه هر سه گروه افزایش سطح علمی پرستاران بالینی با ایجاد دوره های بازآموزی مداوم، میزان پرستاری ، علاقه دانشجویان به رشته تحصیلی موثرترین عامل بر انطباق آموزش نظری و بالینی پرستاری بودند ، کارورزی در عرصه (بدون حضور مربی) از مهمترین مسئله در ایجاد شکاف بین آموزش نظری و بالینی ، کمبود امکانات آموزشی ، محدودیت بخشها ، از مهمترین عوامل عدم انطباق دروس نظری و بالینی ابراز گردیده است .

نتیجه گیری : یافته ها نشان داد که اکثریت واحدهای مورد پژوهش تدریس بعضی از دروس پرستاری را برای کاربرد در محیط بالینی ضروری و تدریس تعدادی دیگر از دروس تئوری را به علت عدم انطباق آن با محیط بالینی غیر ضروری می دانستند . که عدم استفاده از مدرسان با تجربه و ماهر در امر آموزش ، نداشتن امکانات آموزشی ، محدودیت بخشها از عوامل موثر بر عدم انطباق دروس تئوری و بالینی می باشد . در حرفه پرستاری فرم گزینش افراد علاقه مند در آموزش ، نزدیک کردن محیط آموزش بهskill lab (اتاق پراکتیک) ضرورت دارد . همچنین ایجاد دوره های باز آموزشی جهت افزایش سطح علمی پرستاران بالینی از مهمترین عامل در محیط آموزشی بالینی نام برده شده است.

۳۰۰. رضایت دانشجویان کار آموز و کارورز از نحوه برنامه ریزی آموزش بالینی بخشهای داخلی مراکز آموزشی درمانی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

زهرا مشیری ، رحیم بقایی ، اصغر گردشی

آدرس : ارومیه ، خیابان بسیج ، دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه

زمینه و هدف: پزشکی حرفه کاربردی است . بنابراین آموزش بالینی اساس برنامه آموزش را تشکیل می دهد .آموزش بالینی سبب می شود که دانشجو ، آگاهی های نظری را برای مراقبت از مددجو به کار گیرد و ماهیت حرفه پزشکی و محدوده وظایف پزشکان در جامعه به گونه ای است که حساسیت مساله هماهنگی بین دروس نظری و خدمات بالینی را دو چندان می سازد.هدف این مطالعه ، تعیین رضایت دانشجویان کارآموز و کارورز ، از نحوه برنامه ریزی آموزش بالینی بخشهای داخلی مراکز آموزشی درمانی ارومیه می باشد .

روش و ابزار : این پژوهش یک مطالعه توصیفی است ، روش نمونه گیری مبتنی بر هدف بوده و جامعه پژوهش ، را کلیه دانشجویان کارآموز و کارورز (۲۳۰ نفر) تشکیل می داد . وسیله گرد آوری داده ها در این پژوهش پرسشنامه می باشد که در سه قسمت تنظیم شده است . قسمت اول ۷ سئوال مربوط به مشخصات فردی ، قسمت دوم ۱۶ سئوال در ارتباط با رضایت دانشجویان از نحوه برنامه ریزی آموزش بالینی و قسمت سوم ۳ سئوال باز در ارتباط با ساعات حضور متوسط دانشجو و ساعات حضور متوسط اساتید و رضایت از کلیه سرویسهای داخلی تشکیل می داد . پایایی پرسشنامه توسط مدیران گروه و اساتید بالینی تعیین و جهت روایی ، پرسشنامه در دو نوبت (test و retest) به ۳۰ نفر از دانشجویان کارورز و کارآموز تحویل داده شد . بعد از جمع آوری کلیه پرسشنامه ها اصلاحات لازم انجام گردید . داده های جمع آوری شده با روش های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت .

نتایج : ۳۸/۷ ٪ دانشجویان کارآموز از تناسب بین دانشجو و تعدا بیماران ، ۳۵/۵ ٪ از تناسب بین فضای بخش و تعداد دانشجو راضی ، ۴۹/۵٪ از تناسب بین تعداد دانشجویان اتندینگ و تناسب بین فضای بخش و تعداد دانشجو نسبتاً راضی ، ۵۶/۵٪ دانشجویان از دوره سیمیولوژی عملی و کاربرد آن در بخشهای بالینی و ۳۴/۴٪ از مدت آموزش تنظیم شده طبق سر فصل بخشها ی داخلی ناراضی و خیلی ناراضی بودند ، ۶۳/۳٪ دانشجویان کارورز از تاثیر کشیکهای بخش در امر یادگیری و آموزش و ۵۲/۴ ٪ از تعداد کشیکهای بخش داخلی ۵۱/۷ ٪ دانشجویان از حضور اساتید در بخش و۴۰/۷ ٪ از تناسب بین تعداد دانشجو و تعداد اتندینگ و از مدت آموزش تنظیم شده طبق سر فصل نسبتاً راضی ، ۳۴/۹ ٪ دانشجویان از تناسب بین تعداد دانشجو و تعداد اساتید در بخش و ۲۶/۸ ٪ از مدت آموزش تنظیم شده طبق سرفصل ناراضی و خیلی ناراضی بودند .

نتیجه گیری : نتایج این مطالعه بیانگر این است که دانشجویان انتظار دارندکه بیش از پیش به آموزش بالینی بخشهای داخلی اهمیت داده شود . ضروری است برای ارتقاءکیفیت آموزش بالینی ، از جمله در سرویس داخلی ، شناخت مشکلات در و ضعیت موجود و به کارگیری راه کارهای مناسب امری ضروری است . رسیدن به این هدف مستلزم فراهم سازی برنامه های آموزشی متناسب با هدفهای آموزشی و سنجش و ارزشیابی اصولی است که بر اساس هدفهای از قبل تعیین شده می باشد .

۳۰۱. ارزیابی دیدگاه دانشجویان رشته های پیراپزشکی درخصوص وضعیت عملکرد اساتید در معرفی رشته های پیراپزشکی و راهنمایی دانشجویان

دکتر محمد حسین انوری، دکترمحمد حسینی شریف آباد
محمد رضا حیدری

آدرس : یزد ، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی

زمینه و هدف: تعلیم و تربیت نیروی انسانی کارآمد و مبتنی بر نیاز جامعه در رشته های پیراپزشکی از اهداف تأسیس دانشکده های پیراپزشکی است . امکانات آموزشی این دانشکده در مقایسه با دانشکده هایی که در مقاطع تحصیلی بالاتر دانشجو تربیت می کنند بنحو محسوسی کمتر است که این امر مشکلاتی را در امر آموزش و نیل به اهداف آموزشی ایجاد می نماید این مطالعه با هدف بررسی دیدگاه دانشجویان

پیراپزشکی نسبت به وضعیت عملکرد اساتید در راهنمایی دانشجویان و معرفی رشته های پیراپزشکی انجام گرفت تا با استفاده از نتایج آن ، در باز نگری و اصلاح و تعیین خط مشی آموزشی دانشکده اقدام شود .

روش و ابزار: این تحقیق توصیفی.و مقطعی در سال ۱۳۸۳ در دانشکده پیراپزشکی انجام گرفت. جامعه موردمطالعه دانشجویان ترم آخر رشته های اتاق عمل، هوشبری، رادیولوژی و علوم آزمایشگاهی بودند و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ای با دو بخش بود که بخش اول به سوالاتی درباره میزان شناخت و رضایت دانشجویان از رشته تحصیلی اختصاص داشت (چهار سوال) و در بخش دوم عملکرد سیستم آموزشی مورد ارزیابی قرار می گرفت (شش سوال) برای همه موارد یک فرمت پاسخ نوع لیکرت برای بیان میزان موافقت دانشجویان استفاده شد پس از تکمیل پرسشنامه(بدون نام) ، اطلاعات آن استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت .

نتایج : از تعداد ۱۰۰ پرسشنامه توزیع شده ، ۸۳ پرسشنامه تکمیل شده بازگردانده شد که۲۹/۵ درصد توسط دانشجوی پسر و ۷۰/۵ درصد توسط دانشجوی دختر تکمیل شده بود.داده ها نشان داد که در مجموع ۳۶/۲ درصد از دانشجویان قبل از شروع تحصیل شناخت کافی از رشته های تحصیلی خود داشته اند . همچنین ۵۵/۳ درصد از آنها از تحصیل در رشته خود رضایت کمی داشته اند . با آنکه۵۷/٤ درصد از دانشجویان اظهار داشته اند که زمینه های فعالیت در این رشته در آینده برای آنها مشخص شده ، لیکن ۷٤/۵ درصد از دانشجویان دانشکده را در تحقق کامل رسالت خود موفق نمی دانند . با آنکه ۷۲/٤ درصد از دانشجویان از روشهای تدریس اساتید رضایت کامل داشته اند ٦۰٪ از آنها میزان دسترسی خود را به اساتید در حد متوسط ارزیابی نموده اند . داده ها نشان داد که به ترتیب ٤۲/٤ درصد و ٤۲/٦ درصد از دانشجویان میزان دسترسی به اساتید راهنما و مدیران گروه را کم اظهار داشته اند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعه در خصوص عدم شناخت کافی از رشته تحصیلی و اظهار عدم موفقیت دانشکده در تحقق رسالتهای خود و دسترسی کم به مدیران گروه و اساتید راهنما را میتوان در مجموع عللی دانست که منجر به رضایتمندی کم دانشجویان از رشته های تحصیلی خود شده است . لذا توجه بیشتر به محتوی و کیفیت آموزش دانشجویان دانشکده های پیراپزشکی ضرورت می یابد .

۳۰۲. بررسی میزان آگاهی و عملکرد رزیدنت های جراحی زنان در مورد اصول نگارش صحیح پرونده

شمسی عباسعلیزاده، فاطمه عباسعلیزاده، دکتر فرناز صحاف

آدرس : تبریز، دانشگاه علوم پزشکی، بیمارستان الزهرا

زمینه و هدف: مدارک پزشکی به عنوان آینه منعکس کننده امور پزشکی شناخته می شوند و عدم نگارش صحیح آن باعث اتلاف وقت، سرمایه و بروز مشکلات قانونی و درمانی می شود لذا بررسی فعلی جهت بررسی آگاهی و عملکرد گروهی از دانشجویان به عمل آمد.

روش و ابزار: این مطالعه توصیفی و از نوع مقطعی است میزان آگاهی در مورد جنبه های مختلف پرونده نویسی در تعداد ۲۵ نفر از رزیدنتهای زنان مامایی توسط پرسشنامه مورد ارزیابی قرار گرفته و جهت بررسی عملکرد آنها ۱۰۰ پرونده به صورت تصادفی با چک لیست ارزیابی شده و نتایج با استفاده از سیستم آماری SPSS تجزیه و تحلیل گردیده است.

نتایج: در مورد نکات مورد لزوم و ترتیب نوشتن برگ بستری بیماران ۲۲٪، ترتیب نوشتن دستورات بیمار ۱۰۰٪، نوشتن گزارش پیشرفت معالجات ٦۰٪، توجه به نکات لازم در خلاصه پرونده نویسی ۲٤٪ و ۸٪ در نوشتن مشاوره پزشکی اطلاعات قابل قبول داشتند. در بررسی پرونده ها ، چهارچوب نوشتن برگ بستری در ۳۲/۵٪ و گزارش پیشرفت معالجات از نظر رعایت نکات مورد لزوم در ٦۵/۵٪ موارد قابل قبول بود و در نکات مورد لزوم در دستورات در ۱۰۰٪ و در برگ خلاصه پرونده در ٦۸/٤٪ موارد به صورت مناسب رعایت شده بود.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های فوق به نظر می رسد با دقیق کردن جزئیات اوراق مدارک پزشکی ، افزایش آگاهی پزشکان ، نظارت مستمر بر پر کردن صحیح پرونده می توان کیفیت ثبت اسناد پزشکی را به مقدار قابل توجهی افزایش داد.

۳۰۳. بررسی دیدگاه دانشجویان بهداشت محیط در مورد نقش دانشگاه بر انتظارات شغلی آنها

مهندس محمدرضا رضائی، دکتر فرحناز صدوقی، فاطمه رنگرز جدی

آدرس: کاشان، دانشگاه علوم پزشکی

زمینه و هدف: سالیانه دانشگاه ها پذیرای تعداد زیادی ازجوانان به منظورادامه تحصیل دررشته های مختلف می باشندومنابع زیادی از طرف دولت و خانواده ها صرف آموزش آنها می گردد.متاسفانه در سالهای اخیر شاهد وجود فارغ التحصیلان بیکار زیادی دررشته های مختلف بهداشتی می باشیم که بلاتکلیف بوده و علیرغم سرمایه های هنگفتی که جهت آموزش آنها هزینه شده است ،بهره وری لازم را ندارند. رشته بهداشت محیط نیز یکی از این رشته ها می باشد ،به دلیل اهمیت موضوع وجهت افزایش کارائی واثربخشی دانشگاهها تحقیق حاضر به منظور بررسی دیدگاه دانشجویان بهداشت محیط در خصوص نقش دانشگاه بر انتظارات شغلی آنها بر روی دانشجویان کاردانی وکارشناسی رشته بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سال۸٤ صورت پذیرفت.

روش وابزار: این پژوهش به صورت توصیفی برروی ۱۱۰ نفر از دانشجویان کاردانی وکارشناسی دانشگاه علوم پزشکی کاشان که در ترم های دوم ،سوم وچهارم مشغول به تحصیل بوده وبه صورت تصادفی انتخاب شدند صورت پذیرفت.ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه تهیه شده بود که توسط دانشجویان تکمیل گردید.

نتایج : ٦٥ نفر (٦٠ درصد) از دانشجویان در هنگام انتخاب رشته شناخت کم وخیلی کم از رشته تحصیلی اشان داشتند. ۸۹ نفر (۸۰درصد) از دانشجویان تمایل به جذب در بازار کار در حد زیاد وخیلی زیاد دارند که در حیطه کاملاً مثبت قرار می گیرد ۹۵ نفر (۷۰ درصد) دانشجویان تمایلی به تغییر رشته ندارند (حیطه کاملاً منفی) در حالیکه ۱۰۰ نفر آنها تمایل به ادامه تحصیل در مقاطع بالا تر دارندو ٦٥نفر (٤۹/٥درصد) آموزش دانشگاهی را بر آینده شغلی خود مؤثر می دانند که در کل در حیطه نامطمئن قرار گرفت .آزمون اختلاف معنی داری نسبت به تمایل بیشتر دانشجویان کارشناسی به جذب در امور غیر مرتبط نسبت به دانشجویان کاردانی نشان داد ($P < ۰/۰٥$).

نتیجه گیری: نتایج حاصل حاکی از عدم اطمینان دانشجویان رشته بهداشت محیط نسبت به آینده شغلی خود بود در حالیکه تمایل بالا به به ادامه تحصیل وتمایل اندک به تغییر رشته بیانگر علاقه دانشجویان به رشته بهداشت محیط می باشد ولی به نظر می رسد این دانشجویان از اینکه آموزش های دانشگاه منجر به یافتن شغل مورد نظر وعلاقه آنها در آینده شودندارند. لذا انجام برنامه ریزی های دقیق جهت جذب سریع فارغ التحصیلان این رشته همزمان با تعدیل پذیرش دانشجو می تواند اطمینان بیشتری برای آینده شغلی این قشر فرهیخته فراهم آورد.

۳۰۴. بررسی طرح درسهای علوم پایه تدوین شده توسط اعضای هیئت علمی دانشگاه عاوم پزشکی کاشان از رعایت اصول نگارش طرح درس در سالهای ۸۳-۱۳۸۱

زریچهر وکیلی ، رضوان منیری ، مهرداد مهدیان، معصومه حسینیان، فرزانه صابری، صدیقه میران زاده

آدرس: کاشان، دانشگاه علوم پزشکی، مرکزمطالعات وتوسعه آموزش پزشکی

زمینه و هدف: با توجه به اینکه طرح درس از اجزای ضروری فرایند ندریس محسوب می‌گردد لذا کمیته برنامه‌ریزی درسی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه از سال ۱۳۸۱ تشویق اعضای هیات علمی را به ترتیب طرح درس در دستور کار خود قرار داد مطالعه حاضر به منظور ارزیابی طرح درسهای علوم پایه گروههای آموزشی از نظر اصولی که رعایت آنها در تدوین طرح درس ضروری است انجام گرفت.

روش و ابزار: کمیته برنامه‌ریزی درسی با برگزاری کارگاه، تهیه فرم تدوین طرح درس و همکاری با گروههای آموزشی نسبت به راهنمایی آنان جهت نگارش اهداف بر مبنای الگوی مذکور اقدام نمود. اعضا هیات علمی پس از تدوین طرح درس،

آنها را به کمیته فوق ارسال می‌نمودند تا ازنظر موارد خواسته شده از قبیل:مشخص بودن عنوان درس، دانشکده، گروه، فراگیران، نوع و تعداد واحد،هدف کلی، اهداف جزیی،شیوه تدریس، رسانه آموزشی مورد استفاده، وظایف فراگیران،نحوه ارزشیابی و منابع مورد استفاده مورد بررسی قرار گیرد،پس از استخراج موارد اشکال،از نظر آمار توصیفی برای تحلیل نتایج استفاده گردید.

نتایج: از بین ۲۰٤ مورد طرح درس ارسالی ٤۹ مورد (۲٤ ٪) از نظر رعایت اصول تدوین، بدون اشکال بود. بیشترین اشکال در مورد تعیین یا نحوه نگارش منابع و مأخذ تدریس بود (/۸ ۳۳٪). در ۲۵/۵ ٪ موارد نحوه نگارش اهداف جزیی اشکال داشت. در ۱۷/٦ ٪ موارد نحوه ارزشیابی دانشجو مشخص نگردیده یا از وضوح کافی برخوردار نبود در ۱۳/۷ ٪ موارد هدف کلی درس ذکر نگردیده بود. کمترین اشکال در مورد مشخص نبودن وظایف فراگیران بود (۱/۵ ٪).

نتیجه گیری: بیشترین اشکال اعضای هیات علمی در تععین و نحوه نوشتن رفرانس ها و همچنین اشکال در نوشتن اهداف آموزش بود به منظور افزایش اثربخشی طرح درس در راهنمایی دانشجویان به دستیابی نتایج مورد انتظار در فرایند تدریس رعایت دقت بیشتر در تدوین طرح درس ضروری به نظر میرسد. مرکز مطالعات و توسعه آ،وزش پزشکی با ارائه بازخورد موثر قادر خواهد بود ضمن برطرف نمودن اشکالات آشکار شده در این مطالعه به ارتقای فرایند تدریس در دانشگاه کمک نماید.

۳۰۵. بررسی وضعیت مهارتهای ارتباطی کارورزان دانشکده علوم پزشکی جهرم در سال ۱۳۸۳

دکتر میترا امینی، صدیقه یوسفی

آدرس: جهرم، دانشگاه علوم پزشکی

مقدمه و اهداف: اطلاعات موجود نشان‌گر این مطلب است که کیفیت ارتباط پزشک ـ بیمار تاثیر واضحی بر رضایت بیمار، نتایج درمانی و هرینه های پزشکی دارد. این مطالعه به منظور بررسی مهارتهای ارتباطی کارورزان دانشکده علوم پزشکی جهرم طراحی گردید.

روش ابزار: در ابتدا چک لیستی تدوین گردید که حاوی ۵ قسمت بود اطلاعات فردی، سؤالاتی در مورد مهارتهای ارتباطی مهم در أغاز کردن، پیشبرد و خاتمه مصاحبه و همچنین سؤالاتی در مورد نحوه قرار گرفتن تاریخچه و انجام معاینه فیزیکی، جهت جمع‌آوری اطلاعات، ۵۸ مصاحبه کارورزان با بیماران توسط پژوهش‌گر مورد مشاهده قرار گرفت.

نتایج: نتایج حاکی از آن بود که ۵۸/۷ درصد از کارورزان در زمینه مهارتهای ارتباطی مهم در ابتدای مصاحبه ٤۳/۲ درصد در مهارتهای ارتباطی موثر در پیشبرد مصاحبه ۳٦درصد در زمینه نحوه قرار گرفتن تاریخچه و انجام معاینه فیزیکی و بالاخره همه کارورزان در زمینه مهارتهای ارتباطی انتهای مصاحبه عملکرد غیر قابل قبولی داشت.

بین جنسیت کارورز و برخی مهارتهای ارتباطی بین فردی مانند سلام و احوال پرسی کردن و یا نشان دادن علاقه به مصاحبه با بیمار رابطه معنی‌دار دیده شد. ($P<$٪۵).

به غیر از دو مورد از موارد موثر در سیر مصاحبه ارتباط معنی داری بین زمان و مکان مصاحبه و عملکرد کارورزان در زمینه مهارتهای ارتباطی دیده نشد.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه پیشنهاد می‌کند که آموزش مهارتهای ارتباطی در برنامه آموزش پزشکی دانشکده‌های علوم پزشکی کشورمان همانند تمامی کشورهایی که در این زمینه فعالیت می‌کنند قرار گیرد.

۳۰۶. Challenges for clinical educators

Ken Cox, Emeritus Professor of Medical Education, UNSW, Australia

Clinical educators face many challenges in the world of practice. Persisting sources of clinical error – cognitive, perceptual, manual, procedural, ethical, interpersonal and intrapersonal – are noticed, but may remain uncorrected and their explanations unstudied! Mistakes are so common that they seem almost 'normal' everyday behaviors, but they can have dangerous consequences. Few clinical teachers are taught how to be effective mentors and supportive friends who listen to trainees on a regular basis, and guide them through their uncertainties and dilemmas, and correct their performance errors.Clinical education also faces some exciting conceptual changes! Practice is scientifically informed, but is seen both as much more complex than bioscience, and simultaneously managed by human commonsense. Clinicians must understand that unifactorial, context-free scientific method cannot handle complexity!Clinicians face irreducible uncertainty about exactly what's wrong in each patient. Confirmation attempts successive approximations to diagnostic accuracy (or guessing). "*What's enough?*" evidence has no 'true' answer! Trade-offs, judgment and decision-making are not scientific processes. Decision making balances predictions of outcomes against the patient's hopes and personal circumstances, and the health system's resources. Evidence-based medicine can fine-tune the probabilities, but "*What's important?*" over-rides the numbers.New research in many fields is exposing mechanisms relevant to clinical practice –pattern recognition, intuition, empathy, non-proportional emotions, working intelligence, information overload, gut feelings, fuzzy logic, gene-environment interactions and so on - but are currently little noticed by clinicians.An simple paradigm explains how your perceptual, experiencing mind, plus your add-on verbal, logical and numerical explaining mind, and your executive working memory mind manage practice from case presentation to action. These minds integrate clinical performance, but are limited and flawed themselves.Practice must now be understood, studied and taught as a rigorous growing discipline within a new broad scholarship of human practical thinking and action. The clinical task includes person/patient management, disease management, health system management and self-management. Management research applies practical science to the judgmental and behavioral errors within these management tasks! Clinical educators must foster individual *self-aware practice*. "*Nothing is so practical as a good theory!*"

نمایه اسامی نویسندگان مقالات بر اساس شماره مقاله

آ

آئین فرشته ۱۹، ۱۱۲
آتش سخن گیتی ۶۰، ۱۰۸
آذرکار قدسیه ۱۶۹
آراکس مادلین ۱۶۱
آرامجو محمد ۲۳۸
آرمات محمد رضا ۴۶
آژ نضال ۲۱
آقازاده احمد ۶۴
آقازاده مرضیه ۲۵۱
آویژگان مریم ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۲۸۲ ، ۲۹۶
آهنگ رامین ۲۷۰

الف

ابراهیم زاده سعید ۹۲، ۲۳۸، ۲۳۹
ابراهیمی امرا... ۱۳، ۱۴، ۲۹۶
ابراهیمی حسین ۴۱، ۹۰
ابراهیمی عبدالعلی ۵، ۱۱۸، ۲۷۸
ابراهیمیان عباسعلی ۱۹۲
احتسابی علیرضا ۱۷۲
احرام پوش محمد حسن ۱۷۸، ۲۵۴، ۲۵۸
احسان پور سهیلا ۶۰، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۳۰
احمدپور فاطمه ۷۶
احمدی پروانه ۳۸
احمدی فضل ا... ۲۹۸
احمدیان ناهید ۹۲
احمدیه محمد حسین ۴۸
ادهمی اشرف ۲۵۶
ادیب محسن ۱۸۹، ۲۵۷
ادیب معصومه ۲۱۱
ادیبی ایمان ۷۱
ادیبی پیمان ۸۱، ۲۰۹
اربابی محسن ۲۵، ۱۸۷، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۳۳، ۲۳۴
اردلان فراست ۱۴۱
ارزانی افسانه ۱۹۶
ارشدی فرخ سهیل ۴۶
احمدیان ناهید ۹۲
استادرحیمی علیرضا ۱۶۲
اسحاقی سمیه ۱۱۷
اسد الهی پوراندخت ۱۳۸
اسدی لویه عطا... ۴۳، ۲۱۰، ۲۱۱
اسلامی شهین ۳۳
اسماعیلی روانبخش ۲۸۵
اشراقیان محمد رضا ۱۱۴
اشرفی زاه امیر ۲۱۴
اصغری فریبا ۵۹، ۸۳
اصلانی اعظم ۲۲۷، ۲۲۸
اعلم الهدی علی اکبر ۷۵
افشاری پوراندخت ۳۴، ۳۵، ۸۷، ۱۳۵
افشاریان رویا ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۴۰
اکبری حسین ۱۳۴، ۱۳۶، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۳۲
امامزاده حرمت السادات ۱۶۶
امانی مهتاب ۳۷، ۲۰۴
امدادی شهره ۷۰
امیدوار شبنم ۱۲۲
امیدی عبدا... ۲۷۶
امیدی فر نوید ۱۷، ۱۶۰
امیری سعید ۷۰
امیری سهیلا ۱۰۶
امیری محمد ۲۸۷
امین محمداسماعیل ۱۷۰
امینی ابوالقاسم ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۷۵، ۲۰۸
امینی راضیه ۱۶۶
امینی فریبا ۳۷، ۱۵۱، ۲۰۴
امینی میترا ۱۴۰، ۳۰۵
امینیان فاطمه ۱۹۹
ایزدی فریده ۲۹۳
ایزدی مهرداد ۲۱۱
ایمانی کوکب ۲۵۴
الحانی فاطمه ۱۹۶
الهام پور حسین ۲۰۷، ۲۵۹، ۲۸۶
الهیاری الهه ۲۸۸
انوری محمد حسین ۳۰۱

ب

بابامحمدی حسن ۹۵
بابایی دل آرا ۲۴۷
باقری اعظم ۱۲۳، ۱۳۴، ۱۳۶
باقیانی محمد حسین ۱۲۷، ۲۵۸
باکویی فاطمه ۱۲۲
بالا غفاری آزیتا ۱۱۹
بانی سهیلا ۱۵۴، ۲۶۵
بحرینی محمد حسین ۲۰۵
بخشیان فریبا ۲۸۳
برادران حمید ۵۲
برادران حمید رضا ۱۳۷
برادران رضائی مهین ۶۳
برجی اباصلت ۲۰۱
برزگر محمد ۱۵۷
برزگری سیما ۱۳۳
بزرگزاد مینا ۵۷
بزرگی محمود ۷۲
بقائی رحیم ۱۷۲، ۱۷۳، ۳۰۰
بکائی مهشید ۷۴
بلبل حقیقی ناهید ۴۱، ۲۱۲
بناکار بختیار ۱۱۰
بنی آدم علی ۲۳۷
بهادر حمیدا... ۵۲
بهادرانی مهناز ۲۲۱
بهرام رضائی مژده ۲۹
بهرامی عباس ۱۳۶
بهرامی نژاد نسرین ۸۹
بهشید مژگان ۱۵۲
بیگی زاده شیوا ۲۰۶
بیلان نعمت ۴۷، ۹۱
بینش پژوه غلامرضا ۱۵۹
بینقی طاهره ۶

پ

پارسا یکتا زهره ۱۵۵
پازنده فرزانه ۱۴۷
پاسارلار پروین ۲۴۴
پدرام پانتهٔ آ ۱۵۸، ۲۳۱
پروانه منیره ۱۱۷
پرورش لیلا ۲۲۳، ۲۲۴
پروین ندا ۵۷، ۱۱۳، ۱۹۹
پناهنده لیلا ۲۲۵
پورالهوردی آیدا ۲۴۸
پورباقر محمد رضا ۲۳۷
پورحیدری محبوبه ۴۱
پورصفر علی ۲۷۳
پورطبیب شهرام ۲۲۹
پورعباس رضا ۲۸
پورملک فرشاد ۳
پوشنه کامبیز ۷۷
پولادی آرش ۲۹
پیامنی زهره ۳۷، ۱۵۱، ۲۰۴
پیامنی شهلا ۳۷، ۱۵۱، ۲۰۴
پیروی حبیب ا... ۶۵

ت

تابان حبیب ا... ۱۴
تاج فر مریم ۳۹
تارویردی مرضیه ۱۶۵، ۲۶۶
تذکری زهرا ۱۴۳
ترابی سیما ۹۶
تقدسی محسن ۱۵۳
تنهایی حجت ا... ۲۶۱
توتونچی مینا ۵۱، ۱۲۹، ۲۲۱
توسلی علیرضا ۱۷۴
توکل محسن ۹۶
تهامی سید احمد ۱۲۸

ث

ثاقبی روشنک ۱۵۹

ج

جاهد بابک ۳۰
جباری حسین ۴۵، ۲۸۳
جعفرزاده مهدی ۱۴۲
جعفری گلستان نسرین ۱۷۵
جعفری مسعود ۲۵۱
جلادت عبدالرضا ۱۷۴
جلالی رستم ۲۳۰
جلالی شیدا ۷۷
جلیلی زهرا ۷۶
جمالی کاووس ۱۹۴، ۲۷۸
جودتی احمد رضا ۲، ۲۸۴
جوزی مینا ۵۵
جوهری شیدا ۱۹۴، ۲۰۶
جهانیان ایمان ۱۱۷، ۱۵۹

چ

چنگیز طاهره ۱۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۲۰۹، ۲۲۱
چهرئی علی ۱۸۴
چهرزاد مینو میترا ۸۰، ۱۳۱
چهری آنیتا ۲۱۴، ۲۴۸

ح

حاتمی پور ابراهیم ۱۹۵، ۲۴۳
حاتمی سعید ۱۹۱، ۲۴۹، ۲۵۰
حاجی آبادی محمدرضا ۱۶۹، ۱۷۶
حاجی آقاجانی سعید ۱۷۰، ۲۸۰، ۲۹۳
حاجی زاده ابراهیم ۶۶
حاجی زاده شایسته ۶۷، ۱۲۵
حاجی فروش لیلا ۱۸۷
حبیب زاده فرخ ۲۰۲
حجازیان سید حسن ۲۸۷
حجت محسن ۱۴۶
حرازی محمد علی ۳۳
حسام علی اکبر ۱۰۹
حسن پور شیرین ۱۵۴، ۲۶۵
حسن جانی محمدرضا ۱۱۷
حسن زاده اکبر ۴، ۶۰، ۱۰۸
حسن زاده سوسن ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۷۵، ۲۸۴
حسن زهرائی روشنک ۶۰، ۱۰۸، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۳۰
حسنی ولی ا... ۶۲، ۱۲۶
حسین آبادی فرشته ۱۰۵
حسین پور حجت ۱۸۵
حسین زاده محمد ۱۹۱، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۰
حسین زاده مسعود ۱۷۴
حسینی ابریشمی مریم ۲۳۶
حسینی سید مسعود ۱۳۹
حسینی سیده وحیده ۲۹۸
حسینی فخر السادات ۶۱، ۶۲، ۱۹۱، ۲۴۹، ۲۵۰
حسینی فرد حسن ۲۴۸
حسینی نسب سیدداوود ۱۶۲
حسینیان معصومه ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۸۳، ۳۰۴
حقانی فریبا ۲۲۶
حقدوست علی اکبر ۱۶۴
حمید خو طرلان ۱۲۴
حورنگ محمد حسن ۱۷۴
حیدرزاده آبتین ۴۳، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۷۳
حیدری شهین ۱۶۸، ۲۰۳، ۲۰۷
حیدری عباس ۱۴۲
حیدری محمد رضا ۳۰۱

خ

خادم عرفان محمدباقر ۲۷۱
خادم نژاد سجاد ۲۱۴، ۲۴۸
خادمی سعید ۱۹۴، ۲۰۶
خادمیان محمد حسین ۱۶۷
خاکی امیر افشین ۴۵
خالدی شهناز ۱۴۱
خالقی علی اصغر ۵
خانجانی حمید ۱۵۸، ۲۳۱
خراسانی پروانه ۵۵
خرامین شیر علی ۲۷۲
خطیبی راز ۱۰۲، ۲۷۱
خفنری نادیه ۲۹۱
خلیفه زاده اصغر ۲۶۴
خلیلی حسین ۹۵
خلیلی محمد ۱۸۴

خورشیدی داوود ۱۷۳
خوشرنگ حسین ۴۳
خیرمند ۶۵

د

دادخواه حیدر ۲۱۰، ۲۱۱
دادگری علی ۲۱۲
دادگستر نیا محمد ۲۰، ۷۹، ۸۱
دادمان میترا ۱۵۰
دافعی مریم ۷۴، ۲۱۸
دانا سیادت زهرا ۲۹۷
دانش خواه ۱۶۱
داوودی عارفه ۲۳
درخشان اکبر ۶
دره فاطمه ۱۸۴
دری پور فاطمه ۱۹۴، ۲۰۶
دستگیری سعید ۲۸۴
دشتی محمد حسین ۲۸۷
دل آرام معصومه ۱۹، ۶۷، ۱۱۲، ۱۹۹
دلشاد علی ۲۷
دوایی مهدی ۷۷
دولتخواه ندا ۷۸
دهقانپور محمد حسن ۴۸، ۲۹۰
دهقانی محمد رضا ۶۹، ۲۸۸
دهموبد اردشیر ۱۳۳
دیانتی منصور ۱۸۹

ر

رئیس السادات احمد ۱۲۶
ربیعی محمد رضا ۲۱۶
رحیم پور فرید ۲۳۵، ۲۴۰
رحیمی بهلول ۲۳۷، ۲۹۹
رحیمی فرد منصور ۵۸
رحیمی محمد ۱۱۳
رحیمی ممقانی علیرضا ۲۱۴، ۲۴۸
رسائیان نیر ۴۴
رستمی غفور ۲۳۰
رستمی نژاد اکبر ۱۴۹
رسول زاده بهزاد ۲۴، ۱۴۴، ۱۴۸، ۲۵۵
رسولی مهدی ۲۹۲
رسولی نژاد سید اصغر ۱۰۳
رشیدا سیده شهربانو ۱۱۹
رضا ماسوله شادمان ۱۳۱
رضائی محمد رضا ۳۰۳
رضایی امیر سهیل ۲۴۷
رضایی بنا محمدرضا ۱۴۸
رضایی رضا ۲۷۴
رضایی فردمحمدحسین ۱۸۶
رضایی مفرد محمدرضا ۲۷۴، ۲۹۵
رضوانی محمد رضا ۱۷۰
رضوی نصرت ۲۳
رفعتی علی ۱۲۷، ۲۸۷
رفیعی مریم ۸۴
رقاع مهرداد ۱۱
رنجبر منصور ۷۲
رنگرز جدی فاطمه ۲۷۴، ۲۹۵، ۳۰۳
رودباری مسعود ۹۳
روشنی پور مینا ۲۰۲
روهنده معصومه ۲۶۲
رهنوردی محمد ۳، ۶۵
ریاضی سپند ۱۹۷

ز

زادگان افشرد قلی ۱۰۱
زادگان علیرضا ۲۲۰، ۲۳۲
زارع زاده ابوالقاسم ۲۸۲
زارع مریم ۱۴۳
زاهد مقدم حسن علی ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۴۰
زبری مهدی ۲۳۰
زراعت پیشه احمد ۲۳۵
زرگنج فر افسانه ۱۸۴
زروج حسینی ربابه ۹۰
زرین تن سینا ۴۵
زعیمی ابراهیم ۲۷۳
زعیمی پور مریم ۶۶
زگردی بیتا السادات ۱۱۸، ۲۷۸
زمانزاد بهنام ۱۰۷، ۱۹۰
زمانزاده معصومه ۲۸۹

زمانزاده وحید ۱۵۵
زمانی احمد رضا ۲۹۷
زندی کرامت ا... ۲۹٤
زندی میترا ۱۵۳
زینالو علی اکبر ۹٦، ۱۱٤

س

ساعد پناه مجتبی ۱۰۲
ساکی ماندانا ۲٦۲
ساکی مژگان ۲٦۲
سالم صافی رضا ۲۳۷
سالمه فاطمه ۱۷۹، ۱۸۰ ، ۱۸۲، ۲٦۷، ۲٦۹
سالمی لادن ۸٤
سپیدکار عبدالعلی ۱٤۰
ستایش فر نادر ۱۷۷
سرباز وطن حوریه ۱۰، ۷۵
سرچمی رامین ۱۳۹
سرگزی غلام حسین ۱۱٦
سعیدی سیامک ۸۵
سلامی اشرف السادات ۲۸۷
سلطانی عربشاهی کامران ۱۲۸، ۱۳۷
سلمان زاده حسین ۵۲
سلمانی نیره ۲۹۸
سلملیان هاجر ۱۲۲
سلیم نژاد مینا ۲
سلیمی طاهره ٤۸، ۷۳، ۱۵٦، ۲۹۰
سمیعی فرهاد ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۸
سهرابی پور شهلا ۱۰۹
سهرابی زهره ۵٦
سهرابی کریم ۱۷، ۱٦۰
سیاح زهرا ۵۷
سیاح ملی منیژه ۲۲، ۱۵۷، ۲٦۰
سیدی سید موسی ۲٤۰

ش

شادزی شهین ٤
شاه حسینی زهره ۱٤۷
شاه غیبی شعله ۲۹
شاه کرمی سید محمدامیر ۷۱، ۲۸۱
شاه نظری ژاسمن ۳۱
شایان شهرام ۲۱۳
شریعت سیامک ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۸
شریفی راد غلامرضا ٤
شفیعی فروغ ۹۷
شقاقی عبدالرضا ۷۸، ۲۰۸
شکاری شهره ۲۵۸
شکر آبی ربابه ۱۸۱
شکورنیا عبدالحسین ۸۲، ۱۳۸، ۱۷۷، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۵۹، ۲۸٦
شکیبی محمد رضا ۱٦٤
شمائیان نازنین ۱۱۵
شمس الدین سید عذرا ۱٤۵
شمس بهزاد ۱۳، ۲٦۱، ۲۹۷
شمس محمدی مهناز ۲
شمس هدایت ا... ۲۷
شوقی فرنگیس ۲٦
شهباز نژاد لیلا ۳۲، ۸۵، ۲۰۰، ۲۲۹
شهبازی اکرم ۱۱۱
شهبازی لیلی ٤۸، ۷۳، ۱۵٦، ۲۹۰
شیبک عباس ۹۳
شیخ سعدآبادی عصمت ۲۳۵، ۲۳٦، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲٤۰
شیخی ناصر ۲۳۷
شیرزاد هدایت ا... ۱۰۷، ۱۹۰
شیروانی فریبا ۲۷۰
شیوا شادی ۲۳۲،۲۱٤، ۲٤۸
شریف آبادی محمد حسین ۳۰۱

ص

صابر حبیب ۲۱۱
صابری فرزانه ۱۳٤، ۱۳٦، ۱۸۳، ۳۰٤
صابریان معصومه ۱۷۰، ۲۸۰
صاحبی حق محمدحسن ٦۳، ۱٦۳
صادقی رقیه ۱۱۹، ۲٤۲
صادقی سیمین ۳٤، ۳۵، ۸۷
صافی زاده حسین ۹۹
صالحی احمد ۲۱۳
صالحی بهمن ۱۸٤
صالحی شایسته ٦۰، ۱۰۸، ۲٦٤
صالحی صالح ۱۲٦
صبوری کاشانی مریم ۱۳٤، ۱۳٦، ۲۷٦

صبوری مسیح ۱۲، ۲۱۳
صحاف فرناز ۵۰، ۳۰۲
صداقت کامران ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۷۵، ۲۰۸، ۲۸٤
صدوقی فرحناز ۲۹۵، ۳۰۳
صدیق بهزادی شکرانه ۲۰۵
صدیقی گیلانی محمدعلی ۱۱٤
صرافی نژاد افشین ۲٤٦
صفائی ناصر ۷، ۸
صفدری ده چشمه فرانک ٦۷، ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۹۹
صفری مژگان ۱۹۷
صفری مهدی ۳٦
صلصالی مهوش ۳٦
صمدی پور عزت ۱٤٦
صمدیخواه جهانبخش ۲۱٤
صیامیان حسن ۱۱۹

ض

ضیاء سیستانی یاسر ۲٤٦
ضیائی مسعود ۱٦۹، ۲۷۷

ط

طاهر زاده مریم ۱٦۸
طبائیان مریم ۲۹۷
طبسی محمد علی ۱۱٦
طرهانی فریبا ۳۷، ۲۰٤
طولابی طاهره ۱۵۱
طهماسبی زهره ۱۵۷

ظ

ظریفی عبدالوهاب ۱۹۵، ۲٤۳

ع

عابدی پروین ۲۹۱
عابدی ذبیح ا... ۷۱، ۲۸۱
عابدی علی ۱۲٤
عابدیان کبری ۱٤۷
عالی پور لیلا ۱۲۹
عبادی فرد آذر فرید ۹۷
عباسعلی زاده سارا ۱۸۵
عباسعلیزاده شمسی ۵۰، ۳۰۲
عباسعلیزاده فاطمه ۵۰، ۳۰۲
عباسی عبدا... ۲۱۹
عباسی محمد تقی ۹۷
عباسی معصومه ۹۷
عبدا... زاده فرحناز ٦٤
عبدالمالکی پروانه ۲۳۰
عدالتخواه حسن ۱۲٤
عدیلی علی ۲۷۵
عزیزی فریدون ٤۹، ۱۹۸
عشوریان وحید ۸۱
عصاریان فاطمه ۲۷٦
عطائی ماری ۲۳۰
عظیمی حسن ۱۲۲
عظیمی مریم ۹۹
عقیلی حسین ۱۸، ۱۲۷، ۱۷۸
علوی اعظم ۱۱۳، ۱۲۵
علوی زهرا ۱۰٦
علی اصغرزاده اکبر ۱۸۳،۱۹۳، ۲۵۳
علی گلبندی کبری ۱۱۹
علیزاده دیبازر زهره ۱٦۵، ۲٦٦
علیزاده مهستی ۲۲، ۱۵۷، ۲٦۰، ۲۷۵، ۲۹۲
علیزاده نائینی مهوش ۱۰٦
عمادزاده علی ۹۲، ۲۰۵
عودی داود ٤۱، ۹۰
عین الهی بهرام ٦۲

غ

غانم نیا مریم ۲۷۰
غفاری پروین ۲۸۰، ۲۹۳
غفاری رضا ۷، ۸، ۹،۱۰، ۷۵
غفاری وجیهه ۲۲۹
غفاریان حمید رضا ۱٤۹، ۱۹۵، ۲٤۳، ۲۷۲، ۲۹٤
غفرانی پور فضل ا... ۳٦
غلام نیا بهنام ۲۹۹
غلامی رضا ۲٤۷
غلامی وجیهه ۲۰، ۷۹
غیبی زهرا ٦۵

ف

فانی صابری لاله ۲۷
فانی علی ۱۸٤
فتاحی بافقی علی ۹۸
فتاحی زهرا ۲٥٦
فتاحی علی ٥۸، ٦۸
فتحی آذر اسکندر ۱٥٥
فخاری علی ۷۸، ۱۰۱، ۲۲۰، ۲۳۲
فخاریان اسماعیل ۱، ۱۲۰، ۱۸۷
فخری احمد ۸۲، ۱۷۷
فرج الهی معصومه ۱۸۱
فرج زادگان زیبا ۲۹۷
فرخی سوسن ۲٤، ۱٤٤، ۱٤۸
فرزیان پور فرشته ۱۱٤
فرنیا فرحناز ٤۸، ۷۳، ۱۳۳، ۲۹۰
فروتن عباس ۲٥۲
فروزش آزاده ۲٤٦
فروزش بهاره ۱۷٦
فرهادی فر فریبا ۲۹
فریدونی ژیلا ۲۷۸
فصیحی هرندی طیبه ۱۲۸
فقیه ایمانی زهرا ۲۰۹
فکار مهدی ۱٥
فلاح زاده محمد حسین ٦۹، ۲۸۸
فلاح صدیقه ۲۷۳
فلاحی صغری ۱۰۹
فلاحی غلام حسین ۱٥۸، ۲۳۱
فیروزی مریم ۱۷٤

ق

قائم محمدی ۲٥۸
قادرمرزی محمود ۸٦، ۱۰۰
قاسمی بهزاد ۸٦، ۱۰۰، ۱۰۲، ۲۷۱
قدسی رقیه ۲۷۸
قربانی راهب ۱۱۱، ۲۸۰، ۲۹۳
قریشی ۲۷٥
قورچائی آراز ۸۸
قمی حبیب ا... ۲۲۰، ۲۳۲
قیومی محمد علی ۱۰٦

ک

کارگرماهر محمدحسن ۱۰۱
کاظم نژاد کاظم ۸۸
کاظمی طوبی ۱۷٦
کاکس کن ۳۰٦
کامکار علی ۱٤۹، ۲۹٤
کاوه محمد حسین ۳۸، ۳۹
کبیرزاده آذر ۲٤۲
کدیور محمد رحیم ۱۰٦
کرباسی سید حسن ۲۷۷
کرمی فر نازنین ۱۰٦
کریم الهی منصوره ۱٤۳
کریمی بتول ۱۱۱
کریمی حسین ۱۸، ٥۸، ٦۸، ۹۸، ۱۷۸، ۲۱۸
کریمی زهره ۱٤۹، ۲۹٤
کریمی شهناز ۱٦۷
کریمی عبدا... ۳۰
کریمی محمد رضا ۲٦۱
کریمی مونقی حسین ٦
کریمیان زهرا ٦۹
کمالی شهین ۱۱۱
کمال علیم اوغلول ۱۸۸
کمیلی ثانی حسین ۸۲، ۱۳٥، ۱۳۸، ۱٦۸
کوثریان مهرنوش ۸٥
کوشاور حسین ۱٦۱
کوهپایه زاده جلیل ۱۳۷
کهبازی منیژه ۱۸٤
کیاخانی اسد ا... ۱۱٦
کیان ارثی فرزانه ۱٤، ۱٥
کیانی فاطمه ۲۰۱

گ

گرجانی علیرضا ۲
گردشی اصغر ۳۰۰
گرگ یراقی محمد ۱۱، ۱۲، ۲۹٦
گل عنبر پریسا ۹، ۷٥
گل محمدی فرحناز ۱۷۹، ۱۸۰، ۲٦۷، ۲٦۹
گوهران پور سریه ۱۸٥
گوهریان وحید ۱٦۰
گیاهچین علی اصغر ۱۳

ل

لاریجانی باقر ۳۰
لباف قاسمی رضا ۲۶، ۳۰
لطفی مژگان ٦٤
لک دیزجی سیما ۲۳
لین اوئن ۹٦

م

مالکی نسرین ۲
مجاهد شهناز ٤۸، ۷٤، ۲۱۸
مجتبائی سهیلا ۲۲
مجیدی فهیمه ۱۱۰
محامد فریبا ٤
محبت دار حمید ۳
محسن پور لیدا ۲٦۳
محسنی ساروی بنیامین ۲٤۲
محمد علیزاده سکینه ۱۲۸
محمدپور ارمنیان آمنه ۷
محمدزاده شهلا ۳۱
محمدی محمد علی ۱٤۳
محمدی مسعود ۱۹۵
محمودی میترا ۳۲، ۷۲، ۸۵، ۲۰۰
مختاری مژگان ٤۲
مخدومی خدیجه ۲۳۷
مدبر عزیزی محمدجعفر ۲٤۰
مدنی حسین ۸۹
مدیحی یحیی ۱۹۰
مدیری مهرداد ۱۳۸
مرادی عبدالوهاب ۱۳۲، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۲۲
مرتضوی حامد ٤٦
مرتضوی فتحیه ٦، ۲٤۹، ۲۵۰
مردانی مسعود ٦۵
مرشدی عباس ۲۸۷
مرعشی طیبه ۱٦۸، ۲۰۳، ۲۰۷
مسعودی شکوفه ۲۳٦، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲٤۰
مشایخی ید ا... ۲۱۲
مشکانی زهرا السادات ۱۰۵
مشیری زهرا ۱۷۲، ۱۷۳، ۲۹۹، ۳۰۰
مصداقی نیا اعظم ۲۲۳، ۲۳۳
مصری رامین ۲۲، ۱۵۷
مصطفی زاده امرا... ۱۵۹
مطلق محمد اسماعیل ۱۷۷، ۲۵۹، ۲۸٦
مظاهری عفت ۱٤۳
مظفری ناصر ۱٤۳
مظلوم سید رضا ۲۸۹
مظلومی سید سعید ۳۳، ۲۵٤
معزی معصومه ۱۰۷، ۱۹۰
معطری مرضیه ۱۷۱
معظم الهام ۲۹۷
معماری موسی الرضا ۲٤، ۱٤٤، ۱٤۸
مقدسیان سیما ٤۰
ملازم زهرا ۲۹٤
ملایری علیرضا ۱۷۷
ملکان راد الهه ۱
ملکوتی شاد حمیدرضا ۱۹۳، ۲۵۳
منجمی علیرضا ۸۱
منصوریان آزاد رضا ۲۱۹
منصوریان حمید رضا ۱۸
منگلیان پروین ۳۱
منوچهری ۰ م ۲٦۱
منیری رضوان ۱۸۳، ۳۰٤
موحد پور آسیه ۱٤۳
موسوی عبد محمد ٤
موسوی غلام عباس ۲۷٦
مولوی پرویز ۲۵۵
مومن نسب مرضیه ۳۸، ۳۹
مومن هروی منصوره ۱، ۱۲۰
مهتاب تورکی ۱۸۸
مهدیان مهرداد ۱۸۳، ۱۹۳، ۳۰٤
مهمت اکتکین ۱۸۸
میر خشتی نوشین ۷۱
میران زاده صدیقه ۱۸۳، ۳۰٤
میرحسینی فخرالسادات ۱۸۷، ۲۷٤
میرزائی مهشید ۸۰
میری سید محسن ۲۵، ۲۳٤
میری محمد رضا ۱٦۹
میش مست نهی قاسم ۹٤

ن

ناصری نیره ۲٦٤
نجار شهناز ۲۹۱
نجفی پور سهراب ۱٤٥، ۱۹۸، ۲٤٥
نجفی پور صدیقه ٤۹، ۱٤۰، ۱۹۸، ۲٤٥
نجفی پور فاطمه ٤۹، ۱۹۸
نخعی نوذر ۲٥٦
نریمانی محمد رضا ۱٦۲
نصیری ابراهیم ۲۸٥
نصیریانی خدیجه ۷۳، ۷٤، ۱۳۳، ۲۱۸
نصیریانی فاطمه ۱۳۳
نظری رقیه ۲٦۸، ۲۷۹
نعمت رحیم ٤٦
نعمتی مینو ۲۱۰، ۲۷۳
نعیمی مهناز ۱٥۲
نگین تاجی کوروش ۱۹٥
نمکی مریم ۱۸۷
نوابی کسری ۱۲٦
نوحی عصمت ۱٦، ۷٦
نورآبادی غلامرضا ۲۸٤
نوروزی افسانه ۱۸٤
نوری اصل حمیده ۸
نوری بتول ۱۳۲، ۲۱٥، ۲۱۷، ۲۲۲
نوری سپهر محمد ۱۱۱
نوری سیمین ۲٥۲
نوشیار عفت ۱٤۸
نویدیان علی ۱۱٦
نیک اندیش رضا ٥، ۱۱۸
نیک زاد حسین ۲٥۳
نیک فرمان . ف ۲۲٥
نیک نام فریده ٦٤

و

واثقی نرگس ۱۰٦
واحدی همایون ۳
واعظی علی اکبر ۲۱۸
وحید شاهی کوروش ۳۲، ۸٥، ۲۰۰، ۲۲۹
وحیدی رضاقلی ۱٦۱، ۱٦۲، ۲۸۳
ورعی شکوه ٥٤
وزیری فرخنده ۱۷۹، ۱۸۰، ۲٦۹
وکیلی زریچهر ۱۸۳، ۳۰٤
ولائی ناصر ٦
ولیزاده سوسن ۲۳
ولیزاده لیلا ۱٥٥
ونکی زهره ٦٦، ۱٦٦، ۲٦۳
وهابی احمد ۲۷۱

هـ

هادی ندوشن حسین ٥۸، ٦۸، ۱۷۸
هادیزاده فاطمه ۷۱، ۱۱٥
هادیزاده محمود ۱۲، ۲۹٦
هاکان یامان ٥۳، ۲٤۱
همایونی زند رامین ۱۹۱، ۲٤۹، ۲٥۰
همتی پیمان ۳۰
هوشیار محمد رضا ۲۳۸
هوشیار نیره ۲٤۰

ی

یارمحمدیان محمدحسین ۱٥۰
یاسیم سنول ۱۸۸
یاوری مهری ۹۲، ۲۰٥
ید الهی محبوبه ۲۰۲
یزدان پناه کامبیز ۲۷۱
یزدانی شهرام ٦۱، ٦۲، ۱۹۱، ۲٤۷، ۲٤۹، ۲٥۰
یعقوبی طاهره ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۲، ۲٦۷، ۲٦۸، ۲٦۹
یعقوبیان محبوبه ۱۸۲، ۲٦۷، ۲٦۹
یغمائی مینو ٤۲
یمانی نیکو ۱۷، ٥۱، ۱۳۰، ۱٦۰
یوسفی صدیقه ۳۰٥
یوسفی علیرضا ۱۳۰، ۱٥۰، ۲۲۱، ۲۲٦، ۲٦٤
یوسفی محمد رضا ۱۳۲، ۲۱٥، ۲۱٦، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۲
یوسفیان احسان ۷۱

